

مجلس يك

اشخاص در بازداشت، ضمانت اجراهاي غيرسالب
آزادي، عدالت در زمينه نوجوانان و عدالت
ترميمي.

مبحث اول: نحوه برخورد با زندانیان
الف: قواعد استاندارد حداقل در زمینه نحوه
برخورد با زندانیان^۱
ملاحظات مقدماتی

۱- قواعد ذیل‌الذکر به منظور ارائه تفصیلی کلیه موارد موردنیاز در یک مدل نهادهای کیفری تنظیم گردیده است. هدف آن انحصاراً، در بستر اجماع کلی افکار معاصر و ارکان ضروری سیستمهای بسیار مناسب امروزی، بیان آن چیزی است که بعنوان نظریه و رویه مطلوب درخصوص درمان زندانیان و مدیریت مؤسسات ذیربط، مقبولیت عام یافته است.

۲- با التفات به تفاوت عظیم شرایط قانونی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی جهان، این امر بدیهی است که کلیه این قواعد نمی‌تواند در کلیه کشورها و در هر زمانی از قابلیت اجرایی برخوردار باشد. این قواعد همچنین باید بمنظور فراهم کردن زمینه تلاش همه جانبه بمنظور حل مشکلات اجرایی در مسیر اجرای آنها، و با فهم این مطلب که این قواعد در کلیت خود، بیانگر شرایط حداقلی است که بوسیله ملل متحد مناسب تشخیص داده شده است، مدنظر قرار گیرد.

۳- از طرف دیگر، این قواعد زمینه‌ای که در آن این اندیشه بصورت همه سونگر توسعه خواهد یافت، را تحت شمول قرار می‌دهد. این قواعد بر آن نیستند که مانع اجرای تجربیات و رویه‌هایی گردند که در تطابق با اصول ذکر شده بوده و

^۱ - اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین، ژنو، ۲۲ آگوست تا ۳ سپتامبر ۱۹۵۵: گزارش تهیه شده توسط دبیرخانه (انتشارات ملل متحد، پیوست I.A که بوسیله شورای اقتصادی و اجتماعی در فصلنامه شماره ۲۰۷۶ (LXII) اصلاح گردیده است. (مضاف بر مطالی که در قسمت E با عنوان « اشخاصی که بدون تنظیم اتهام دستگیر یا زندانی شده‌اند) آمده است.

سبب تقویت اهداف ناشی از متن این قواعد در يك نگاه كلي مي‌گردند. بر این اساس مقامات اجرایی زندانهای مرکزی مجازند از این قواعد با این نگرش خارج شده ، فراتر روند.

۴- (۱) - بخش اول از این قواعد در بردارنده اصول مدیریت عمومی این مؤسسات است و در کلیه انواع زندانها، کیفری باشد یا مدنی، در انتظار محاکمه باشد یا محکومیت یافته، همچنین زندانهای مربوط به «تدابیر امنیتی» یا تدابیر اصلاحی موضوع تصمیم مقام قضایی می‌گردد.

(۲) - بخش دوم شامل قواعدی می‌گردد که فقط در دسته‌جات خاصی که در هر قسمت مورد بحث قرار می‌گیرد می‌شود. مع هذا، قواعد مندرج در قسمت « الف » که درخصوص زندانیانی که در حال گذران مجازات هستند می‌گردد می‌تواند بطور همعرض درخصوص دسته‌جات زندانیان موضوع قسمت « ب » «ج» و «د» بکار رود، مشروط به اینکه این اجرا با قواعد اختصاصی حاکم بر این دسته‌جات معارض نباشد و بمنظور اجرای هر چه بهتر آن بکار رود.

ه- (۱) - این قواعد این هدف را دنبال نمی‌کنند که اداره نهادهایی که اشخاص نوجوان از قبیل نهادهای بازداشت نوجوانان یا مدارس اصلاح و تربیت را تحت قاعده در آورد مع الوصف، گفتار اول در کلیات خود، باید بطور برابر در این مؤسسات نیز از قدرت اجرایی برخوردار باشد.

(۲) - دسته زندانیان نوجوان، حداقل شامل کلیه زندانیان جوانی است که تحت صلاحیت دادگاههای نوجوانان قرار دارند. بعنوان يك اصل و قاعده، این نوجوانان نباید از طریق کیفر حبس، مجازات شوند.

ب : قواعد عمومي

اصل اساسي

۶- (۱) - قواعد ذیل الذکر باید بصورت بیطرفانه به اجرا در آید. هیچ تبعیضی براساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره، ریشه ملی یا اجتماعی، وضعیت مالی، تولد یا سایر وضعیتها نباید بعمل آید.

(۲) - از طرف دیگر، این موضوع از اهمیت برخوردار است که اعتقادات مذهبی، و ملاحظات اخلاقی اشخاصی که در یک زندان به سر می‌برند، در نظر گرفته شود.

دفتر ثبت آمار و وقایع

۷- (۱) - در هر مکانی که اشخاص زندانی می‌گردند، باید یک دفتر ثبت قابل اعتماد با اوراق شماره‌گذاری شده موجود باشد که در آن موارد ذیل به محض ورود هر زندانی ثبت گردد:

الف: اطلاعات در زمینه هویت شناسنامه‌ای وی

ب: دلایل ارتکاب جرم و مقام صالح ذیربط

ج: روز و ساعت پذیرش و آزادی وی

(۲) - هیچ فردی بدون یک دستور اعزام معتبر و جزئیاتی که قبلاً در دفتر ثبت درج گردیده است نمی‌تواند در یک مؤسسه زندان مورد پذیرش قرار گیرد.

تفکیک دسته جات

۸- دسته جات مختلف زندانیان باید در مؤسسات جدا از هم یا قسمتهای از هم جدا شده یک مؤسسه، با لحاظ جنسیت، سن، سابقه کیفری، دلایل قانونی بازداشت و الزامات مربوط به درمان، نگهداری گردند. بنابراین:

الف: مردان و زنان، حتی الامکان، باید در مؤسسات جدا از هم نگهداری گردند، در مؤسساتی که مرد و زن با هم پذیرش می‌گردند، آن قسمت از مؤسسه که به زنان اختصاص می‌یابد باید بطور کلی از قسمت مردان جدا باشد.

ب: زندانیان در انتظار محاکمه باید از زندانیان محکومیت یافته بطور مجزا نگهداری شوند.

ج: اشخاصی که به استناد دین مدنی زندانی گردیده اند و سایر زندانیان غیرکیفری باید جدا از اشخاصی که به دلیل ارتکاب جرم زندانی شده اند، نگهداری شوند.

د: زندانیان نوجوان باید از زندانیان بالغ جدا نگهداری شوند.

تمهیدات و تسهیلات

۹- (۱) - اگر لوازم خواب در سلولها یا اتاق شخصی است، هر زندانی باید در شب يك سلول یا اتاق اختصاصی داشته باشد. اگر به دلایل خاص، از قبیل ازدحام موقت زندانیان، ضرورت ایجاب نماید که مقامات زندان مرکزی بر این قاعده، استثناء وارد نمایند، نگهداری بیش از دو زندانی در يك سلول یا اتاق در هر حال مطلوب نخواهد بود.

(۲) - در مواقعی که خوابگاه چند نفره مورد استفاده قرار می‌گیرد، این خوابگاهها باید به زندانیانی اختصاص یابند که به دقت انتخاب شده و برای سکونت مشترك با یکدیگر در شرایط مزبور مناسب تشخیص داده شده‌اند، باید نظارت منظم و پیوسته شبانه با توجه به ماهیت این مؤسسه، در نظر گرفته شود.

۱۰- کلیه تهیداتی که بمنظور بهره‌برداری از زندانها بطور ویژه تسهیلات مربوط به خواب ، مقرر گردیده است، باید کلیه جوانب بهداشتی را رعایت نموده، باید توجه لازم به وضعیت گرمایشی و سرمایشی و بطور احض، جریان هوا، حداقل فضا ، روشنایی، گرما و تهویه مطبوع هوا، بنمایند.

۱۱- در کلیه مکانهایی که زندانیان برای زندگی یا کار بدان نیازمندند باید:

الف: پنجره‌ها، باید به اندازه‌ای پهنا داشته باشند که زندانیان بتوانند با همان نور طبیعی مطالعه یا کار کنند، و این مکانها باید به نحوی طراحی گردند که امکان ورود هوای تازه باشد و نباید به تهویه مصنوعی هوا قناعت شود.

ب: نور مصنوعی باید به اندازه کافی برای زندانیان مهیا گردید تا به آنها امکان مطالعه یا کار بدون صدمه به قدرت بینایی داده شود.

۱۲- سرویسهای بهداشتی باید بنحوی مناسب باشد تا به هر زندانی این امکان را بدهد که نیازهای طبیعی خود را در صورت ضرورت و با یک شیوه تمیز و به قدر کفایت خوب، برآورده نماید.

۱۳- تسهیلات دوش و استحمام باید بنحوی فراهم گردد که هر زندانی را حسب نیاز قادر نماید یک دوش و حمام طبق شرایط آب و هوایی در اولین زمانی که ضرورت ایجاد نماید، برای رعایت بهداشت عمومی در فصلها و مناطق جغرافیایی مختلف در اختیار داشته باشد، مع الوصف این موضوع کمتر از حداقل یک بار در هفته در شرایط آب و هوایی مختلف نخواهد بود.

۱۴- کلیه قسمتهای مؤسسه که معمولاً بوسیله زندانیان مورد استفاده قرار می‌گیرد باید بطور

مناسب نگهداري گردیده و با دقت زياد در همه زمانها باقي بماند.

بهداشت فردي

۱۵- بر زندانيان لازم است که خود را در وضعيت تميز نگهدارند و بدین منظور آنها بايد آب و واحدهاي دستشويي‌اي که براي سلامتي و پاکيزگي ضروري است را در دسترس داشته باشند.

۱۶- با اين هدف که زندانيان در وضعيت ظاهري مطلوبي که با کرامت شخصي آنها هماهنگ باشد، ظاهر شوند، تسهيلات ذيربط بايد براي مراقبت مناسب از موها و ريش در نظر گرفته شود و مردها بايد قادر باشند که بطور منظم موهاي زايد بدن خود را اصلاح نمايند.

پوشش و رختخواب

۱۷- (۱) - هر زنداني که به او اجازه داده شده ، لباس شخصي خود را بپوشد، بايد پوشش مناسبي که براي شرايط آب و هوايي ذيربط ضروري است ، بنحوي که براي محافظت از او در وضعيت مطلوب بهداشتي کفايت نمايد را دريافت کند. اين لباسها نبايد به شيوه‌اي که خوار کننده و توهين‌آمیز هستند تحويل شوند.

(۲) - کليه لباسها بايد تميز و در شرايط مناسب نگهداري گردد. لباسهاي زير بايد حسب ضرورت براي رعايت بهداشت تعویض و شسته شوند.

(۳) در شرايط استثنائي که در آن زندانيان به خارج از زندان با يك هدف معقول اعزام مي‌شوند، زنداني بايد اجازه داشته باشد که لباس شخصي خود يا ساير البسه غيرفرم را به تن کند.

۱۸- در زندانهايي که پوشيدن لباس شخصي اجازه داده شده است، بايد تدابيري انديشيده شود که

حسب درخواست موسسه، این اعتماد بدست آید که این لباسها تمیز و مناسب استفاده است.

۱۹- هر زندانی، براساس استانداردهای محلی و ملی، باید دارای یک تختخواب اختصاصی و وسایل خواب کافی که در زمان استفاده تمیز بوده و در وضعیت مطلوب نگهداری شده و حسب ضرورت بمنظور تضمین پاکی قابل تعویض است، باشد.

۲۰- (۱) - هر زندانی باید از طریق اداره زندان در ساعتهای متعارف، غذای دارای ارزش تغذیه‌ای مناسب برای سلامتی و توان لازم با کیفیت کامل دریافت کند. این غذا باید بصورت مطلوب تهیه و مصرف شود.

(۲) - نوشیدن آب باید هر زمان که زندانی بخواهد در اختیار وی قرار گیرد.
تمرین و ورزش

۲۱- (۱) - هر زندانی که به کار در بیرون از زندان مشغول است باید بصورت روزانه حداقل یکساعت وقت برای حرکات جسمانی مناسب در هوای آزاد در اختیار داشته باشد مشروط به اینکه شرایط آب و هوایی اجازه دهد.

(۲) - باید به زندانیان جوان، و سایر زندانیانی که دارای سن و فیزیک مناسب هستند، آموزشهای فیزیکی و افزایش توان جسمانی را در طول تمرینات ورزشی را داده شود. بدین منظور باید تجهیزات و لوازم موردنیاز فراهم گردد.

خدمات پزشکی

۲۲- (۱) - در هر مؤسسه زندان خدمات پزشکی، باید از طرف حداقل یک پزشک ذیصلاح که دارای اطلاعات اولیه روانپزشکی باید ارائه گردد. خدمات پزشکی باید در ارتباط نزدیک با وضعیت

بهداشت عمومی جامعه یا ملت مزبور سازماندهی گردد. این خدمات باید شامل خدمت روانپزشکی در زمینه تشخیص و در موارد مناسب، درمان حالات اختلالات روانی باشد.

(۲) - زندانیان بیماری که نیازمند درمان تخصصی هستند باید به مؤسسات تخصصی یا بیمارستانهای غیرنظامی منتقل گردند. در مواردی که تسهیلات بیمارستانی در یک موسسه وجود دارد، تجهیزات آن، خدمات بستری و دارویی آن باید مناسب مراقبت پزشکی و درمان زندانیان بیمار باشد، و باید دارای یک قسمت پرسنل آموزش دیده مناسب باشد.

(۳) - خدمات یک دندانپزشک ذیصلاح میتواند در هر زندان ارائه گردد.

۲۳ - (۱) - در مؤسساتی که زنان نگهداری می-گردند، باید تسهیلات لازم برای مراقبت و درمان قبل و بعد از زایمان در نظر گرفته شود. در مواردی که قابل اجرا است باید تدابیری برای اطفالی که در بیمارستان خارج از موسسه به دنیا می-آیند اندیشیده شود. اگر کودکی در زندان به دنیا آید، این موضوع نباید در شناسنامه اش درج گردد.

(۲) - در مواردی که پرستاری از اطفال با نگهداری آنها در موسسه همراه با مادرشان اجازه داده شده است، باید یک قسمت پرستاری با پرسنل ذیصلاح در مواقعی که اطفال در وضعیتی قرار می-گیرند که از مراقبت مادرشان محرومند، در نظر گرفته شود.

۲۴ - مأمور مراقبت پزشکی، باید در اسرع وقت پس از پذیرش زندانی و پس از آن در مواقع

ضروري، هر زنداني را ملاقات و معاینه نماید. این معاینه باید با این رویکرد خاص که بیماری جسمانی یا روانی زندانی کشف گردد و کلیه اقدامات لازم بعمل آید، جداسازی زندانیانی که مظنون به ابتلای به بیماریهای عفونی و مسری هستند، نبود بیماریهای جسمی و روانی که ممکن است مانع بهبود گردد، و تعیین توانایی فیزیکی زندانیان بر او کار، به مرحله اجرا در آید.

۲۵- (۱) - مأمور مراقبتهای پزشکی باید مراقب سلامت روانی و جسمانی زندانیان باشد و بطور روزانه کلیه زندانیان بیمار که از بیماری شکایت دارند و هر زندانی که ویزیت وی بطور خاص مورد دستور قرار گرفته است را معاینه کند.

(۲) مأمور مراقبتهای پزشکی باید به مدیر زندان در مواقعی که تشخیص میدهد سلامت جسمانی یا روانی زندانی به دلیل طول مدت زندانی یا شرایط زندان در معرض آسیب جدی است را گزارش کند.

۲۶- (۱) - مأمور مراقبتهای پزشکی باید بطور مرتب به مدیر زندان در موارد زیر گزارش و مشاوره دهد:

- الف) کمیت یا کیفیت تهیه و ارائه غذا
- ب) بهداشت و تمیزی موسسه و زندانیان
- ج) سلامت، گرما، روشنایی و تهویه هوای موسسه
- د) تناسب و پاکیزگی پوشش و لوازم خواب زندانیان
- ه) رعایت قواعد آموزش جسمانی و ورزشها

در مواردی که نیروی انسانی فنی ای که به این فعالیتها اشتغال داشته باشد وجود نداشته باشد.

(۲) - مدیر زندان باید التفات لازم را به گزارشات و نظریات مشورتی مأمور مراقبت پزشکی براساس قواعد (۲) (۲۵) و ۲۶ بنماید و در مواردی که وی با توصیه‌ها موافق باشد، باید اقدامات فوری را برای اثر بخشیدن به آن توصیه‌ها بعمل آورد. چنانچه اجرای موضوع در قلمرو صلاحیت وی نبوده یا وی با این توصیه‌ها مخالف باشد، او باید نظر خود و نظر مشورتی را به مقامات مافوق گزارش کند.

انتظامات و مجازاتها

انتظامات و نظم باید به شدت برقرار بماند، ولی نه با اعمال محدودیتهایی که برای بازداشت امن و ادامه منظم زندگی زندانیان ضروری نیست.

۲۸- (۱) - هیچ زندانی نباید در هر گونه اقدام انتظامی در موسسه بکار گرفته شود.

(۲) - این قاعده مع الوصف مانع از بکارگیری مناسب سیستمهایی که مبتنی بر خود گردانی است نمی‌باشد که حسب آن، فعالیتها و مسئولیتهای اجتماعی، آموزشی، ورزشی خاص، با نظارت اداری به زندانیانی که به گروههای مختلف برای اهداف خاص تقسیم گردیده‌اند واگذار گردد.

۲۹- موارد ذیل باید بوسیله قانون یا آیین نامه‌های مقامات اداری دارای صلاحیت تعیین گردد:

الف: رفتاری که يك جرم انتظامی را تشکیل می‌دهند.

ب: انواع و مدت مجازاتی که ممکن است برقرار شود.

ج: مقامي که صلاحیت اعمال این مجازاتها را دارد. ۳۰ - (۱) هیچ زندانی نمی‌تواند مورد مجازات قرار گیرد مگر براساس شرایطی که در این قانون یا آیین نامه مقرر گردیده است. او هرگز دوبار بابت یک جرم مشابه مورد محاکمه و مجازات قرار نمی‌گیرد.

(۲) - هیچ زندانی مجازات نمی‌شود مگر اینکه وی از اتهامی که علیه وی مطرح گردیده مطلع گردد و فرصت و امکانات مناسب برای تهیه دفاع در اختیارش قرار گیرد.

مقام صالح یک بررسی همه جانبه از پرونده بعمل خواهد آورد.

(۳) - در مواردی که ضروری و قابل اجرا باشد به زندانی اجازه داده می‌شود که در دفاع از خود از خدمات یک مترجم بهره‌مند شود.

۳۱ - باید بطور کامل مجازات بدنی، مجازات از طریق قرار دادن در یک سلول تاریک، و کلیه مجازاتهای غیرانسانی و خوار کننده بعنوان مجازات تخلفات انتظامی ممنوع گردد.

۳۲ - (۱) - مجازات از طریق بازداشت در یک محل بدون روشنایی با کاهش جیره غذایی نباید هرگز مورد حکم قرار گیرد مگر اینکه مأمور مراقبت پزشکی زندانی را معاینه و بصورت کتبی مناسب بودن وی برای محرومیت مزبور را تأیید کرده باشد.

(۲) - این تدبیر در مورد سایر مجازاتهایی که احتمال می‌رود سلامت جسمی و روانی زندانی را تحت تأثیر قرار دهد نیز به اجرا درمی‌آید. در هیچ موردی این مجازاتها نباید مغایر یا غیر هماهنگ با اصل مندرج در قاعده ۳۱ باشد.

(۳) - مأمور مراقبت پزشکی، باید بطور روزانه ، زندانیانی که در حال تحمل این مجازاتها هستند، را معاینه نماید و چنانچه حسب تشخیص وی خاتمه یا تغییر این مجازات با توجه به وضعیت سلامت جسمانی و روانی وی ضروری باشد او نظریه مشورتی خود را به مدیر زندان ارائه خواهد داد.

ادوات برقراری نظم و اجبار

۳۳- ادوات برقراری نظم، از قبیل استفاده از مشت و لگد، زنجیرها، ژاکتهای فلزی، هرگز نباید بعنوان يك مجازات به اجرا درآید. مضاف بر آن نباید ، زنجیرها و فلزات بعنوان يك وسیله اجبار بکار رود. سایر ادوات برقراری نظم و اجبار جز در اوضاع و احوال ذیل الذکر نباید مورد استفاده قرار گیرند:

(الف)- بعنوان يك تدبیر قبلی با هدف جلوگیری از فرار زندانیان حین انتقال، مشروط به اینکه این ادوات هنگام حضور زندانی نزد مقام اداری یا قضایی ذیصلاحیت ، برداشته شود.

(ب) براساس دلایل پزشکی در مواقعی که مأمور مراقبت پزشکی دستور می‌دهد.

(ج) حسب دستور مدیر زندان، در مواقعی که سایر روشهای کنترل بمنظور پیشگیری زندانی از آسیب-رسانی به خود یا دیگران یا اموال ناکارآمد به حساب آید. در این گونه موارد، باید حداقل با مأمور مراقبت پزشکی مشورت گردد و در این خصوص موضوع را به مقام اداری مافوق گزارش کند.

۳۴- الگوها و روشهای استفاده از وسایل برقراری نظم و اجبار باید بوسیله اداره زندان مرکزی مورد حکم قرار گیرد. این وسایل باید

برای مدتی که دقیقاً مورد نیاز است، مورد استفاده قرار گیرد.

اطلاعات مورد نیاز و اعتراضات

۳۵- (۱) - هر زندانی در زمان پذیرش باید کتباً در خصوص ضوابط حاکم بر رفتار زندانیانی که در طبقه وی قرار دارند، الزامات انتظامی موسسه، روشهای مجاز بدست اطلاعات و تقدیم اعتراضات، و سایر موضوعاتی که بمنظور تواناسازی وی برای فهم حقوق و تکالیفش و تطبیق وضعیت خود با زندان ضروری است، آگاه شود.

(۲) اگر زندانی بی سواد است، اطلاعات اخیرالذکر باید شفاهی به اطلاع وی رسانده شود.

۳۶- (۱) - هر زندانی باید هر روز هفته این امکان را داشته باشد که درخواستها و اعتراضات خود را به مدیر موسسه یا مأمور ذیصلاحیتی که سمت نمایندگی مدیر موسسه را دارد، تقدیم کند.

(۲) - این امکان باید وجود داشته باشد که زندانی درخواستها و اعتراضات خود را، حین بازرسی به بازرس زندان ارائه دهد. زندانی باید این موقعیت را داشته باشد که با بازرس زندان یا سایر بازرسین بدون حضور مدیر یا سایر اعضای اداره زندان، گفتگو کند.

(۳) - هر زندانی باید اجازه داشته باشد که درخواستها و اعتراضات خود را بدون سانسور در محتوا و لی در شکل مناسب، به اداره زندان مرکزی یا مقامات قضایی یا سایر مقامات ذیصلاحیت از طریق روشهای مصوب ارائه کند.

(۴) - جز در مواردی که درخواست یا اعتراض آشکارا بیهوده یا فاقد دلیل است، باید موضوع فوری بررسی و پاسخ آن بدون تأخیر داده شود.

ارتباط با خارج از زندان

۳۷- به زندانیان باید اجازه داده شود که تحت نظارت کافی با خانواده و دوستان غیرناباب خود در دوره‌های منظم، خواه از طریق مکتوب یا ملاقاتهای حضوری ارتباط برقرار کنند.

۳۸- (۱)- به زندانیان دارای تابعیت خارجی باید اجازه داده شود تا با نمایندگان کنسولی و دیپلماتیک دولتی که بدان تعلق دارند، ارتباط برقرار نمایند.

(۲)- برای زندانیانی که جز اتباع کشورهای هستند که فاقد نمایندگی کنسولی و دیپلماتیک هستند و پناهندگان یا اشخاص فاقد تابعیت، باید تسهیلات مشابهی بمنظور تماس با نمایندگان کنسولی و دیپلماتیک کشوری که حافظ منافع آنها یا هر مقام ملی یا بین‌المللی که وظیفه آن حمایت از این اشخاص است در نظر گرفته شود.

۳۹- زندانیان باید بطور منظم از مهمترین وقایع خبری از طریق مطالعه روزنامه‌ها، انتشارات ویژه یا ادواری که توسط اداره زندان تهیه می‌گردد، ارتباطات بی‌سیم، سخنرانیها یا وسیله مشابه دیگری که بوسیله اداره زندان مجاز اعلام یا تحت نظارت است، اطلاع حاصل نمایند.

کتابها

۴۰- موسسه زندان باید دارای کتابخانه‌ای بمنظور بهره‌برداری کلیه طبقات زندانیان حاوی کتابهای آموزشی و سرگرم کننده باشد و همه زندانیان باید مورد تشویق قرار گیرند تا از آن نهایت استفاده را بنمایند.

دین

۴۱- (۱)- چنانچه یک موسسه، یا تعداد قابل قبول از زندانیان دارای دین مشابه باشد، یک

نماینده ذیصلاح از دین مزبور باید منصوب یا مورد تأیید قرار گیرد، اگر تعداد زندانیان این موضوع را توجیه‌پذیر نماید و شرایط نیز اجازه دهد ساز و کار اجرایی تمام وقت موضوع باید تنظیم گردد.

(۲) - نماینده ذیصلاحی که منصوب یا مورد تأیید قرار گرفته است، باید اجازه داشته باشد که خدمات منظم در این خصوص را ارائه دهد و به صورت خصوصی با زندانیان دارای آن دین در زمانهای مناسب، ملاقاتهای دینی داشته باشد.

(۳) - دسترسی به نماینده ذیصلاح هر دین، نباید برای هیچ یک از زندانیان مورد مخالفت قرار گیرد. از طرف دیگر چنانچه هر زندانی تمایلی به ملاقات نماینده دینی را نداشته باشد، این رویکرد وی باید بطور کامل مورد احترام قرار گیرد.

۴۲- تا آنجا که شدنی است، هر زندانی باید اجازه داشته باشد تا به نیازهای دینی‌اش از طریق حضور در خدماتی که در زندان ارائه می‌گردد و در اختیار داشتن کتب راجع به مناسک مذهبی و آموزش چیزهایی که مطلوب وی است، برسد.

نگهداری اموال زندانیان

۴۳- (۱) - کلیه وجوه نقد، اشیاء قیمتی، لباسها، و سایر چیزهایی که متعلق به یک زندانی است حسب مقررات موسسه او مجاز به نگهداری آن نزد خود زندان نیست، باید در یک مکان امن نگهداری شود. لیست حاوی این اشیاء باید به امضاء زندانی برسد. باید نهایت تلاش بمنظور نگهداری آنها در شرایط مطلوب بعمل آید.

(۲) - در هنگام آزادی زندانی، کلیه این اشیاء و وجه نقد باید به وی مسترد گردد مگر آن قسمت از وجوه نقدی که او اجازه استفاده از آن را

داشته و آنرا به مصرف رسانده است یا اشیایی که به خارج فرستاده است یا موردی که حسب ملاحظات بهداشتی ضروری دانسته شده است که کلیه البسه وی معدوم گردند. زندانی باید رسید حاوی استرداد اشیاء یا وجوه نقد را امضا کند.

(۳) - کلیه وجوه نقد یا اشیایی که از خارج از زندان برای زندانی ارسال می‌گردد مشمول روش مشابهی خواهد بود.

(۴) - اگر زندانی دارو یا مواد درمانی را با خود همراه داشته باشد، مأمور مراقبت پزشکی، درخصوص صحت و سقم نحوه استفاده‌ای که ممکن است از این مواد شود اظهارنظر می‌کند.

گزارش مرگ، بیماری، انتقال و غیره

۴۴ - (۱) - در صورت مرگ یا بیماری شدید، یا صدمه شدید به زندانی یا انتقال وی به یک موسسه دیگر بمنظور ملاحظات درمانی، مدیریت باید در وهله اول به همسر وی چنانچه وی متأهل است یا نزدیکترین خویشاوندان او مسئله را اطلاع دهد و در هر واقعه‌ای باید به سایر اشخاصی که قبلاً مشخصات آنها توسط زندانی تعیین گردیده است، موضوع اعلام گردد.

(۲) - یک زندانی باید در اسرع وقت از مرگ یا بیماری شدید خویشاوندان نزدیک خود مطلع گردد. در مواردی که بیماری خویشاوندان نزدیک در حاله‌ای از ابهام قرار دارد، زندانی باید مجاز باشد در مواقعی که اوضاع و احوال اجازه می‌دهد، به تنهایی یا با محافظ به بستر وی برود.

(۳) - هر زندانی باید این حق را داشته باشد که در اسرع وقت، زندانی شدن یا انتقال وی به سایر موسسات به اطلاع خانواده وی برسد.

انتقال زندانیان

۴۵- (۱) در مواقعی که یک زندانی به یا از یک موسسه منتقل می‌گردد یا، او باید کمترین تماس را با عامه مردم داشته باشد اقدامات امنیتی مناسب باید بمنظور حمایت از وی از هرگونه صدمه دیدن، یا موضوع حس کنجکاوی مردم عادی شدن و شناخت توسط مردم در هر شکلی صورت گیرد.

(۲)- انتقال زندانیان با وسایل حمل و نقلی که دارای تجهیزات و نور نامناسب است یا استفاده از هر روشی که سبب سختی شدید غیرضروری بر وی می‌شود، باید ممنوع گردد.

(۳)- هزینه حمل و نقل زندانیان باید توسط اداره زندان پرداخت گردد و شرایط مساوی باید برای کلیه زندانیان منظور گردد.

نیروی انسانی موسسه زندان

۴۶- (۱)- مدیریت زندان، در انتخاب هر رسته از نیروی انسانی دقت لازم را بمنظور ایفای نقش مناسب در زمینه ای که اداره زندان به آن وابسته و نیازمند است از قبیل همگونی نیروی انسانی، انسان مداری آنها، توان حرفه‌ای و تناسب شخصی بعمل می‌آورد.

(۲) - مدیریت زندان، باید این اعتقاد که خدمات پرسنل زندان یک نوع خدمت اجتماعی با اهمیت فراوان است را به پرسنل مزبور و عموم مردم بقبولانند و آنها را در سرلوحه امور خود قرار می‌دهد و برای نیل به این هدف از کلیه ابزارهایی که سبب آگاهی عموم می‌شود باید استفاده شود.

(۳)- برای تضمین اهداف پیش گفته، نیروی انسانی در جایی که بعنوان مأمور حرفه‌ای زندان فعالیت

می‌کند باید بصورت تمام وقت باشد و باید دارای جایگاه خدمات کشوری با حق داشتن ابزار و وسایل لازم برای خدمت رسانی مطلوب، بهره‌وری کمی و ارائه خدمات سریع باشد. حقوق این اشخاص باید بنحوی کافی باشد که سبب جذب و بقا زنان و مردان کاردان در این حرفه گردد. مزایای استخدام و شرایط خدمت باید با لحاظ ماهیت دقیق این شغل، مطلوب و جذاب باشد.

۴۷- (۱)- این نیروی انسانی باید دارای یک استاندارد مناسب از حیث تحصیلات و بهره‌هوشی باشند.

(۲)- قبل از ورود به خدمت، نیروی انسانی مزبور باید دوره‌های آموزشی را در خصوص وظایف عمومی و تخصصی خود بگذرانند و باید آزمونهای تئوریک و عملی را با اخذ نمره قبولی طی کنند.

(۳)- پس از ورود به خدمت، و در ضمن خدمت، این پرسنل باید دانش و توانمندی حرفه‌ای خود را از طریق شرکت در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت که برای اوقات مناسب سازماندهی می‌گردد، تثبیت نموده توسعه دهند.

۴۸- کلیه اعضا نیروی انسانی باید در کلیه اوقاتی که به اعمال خصوصی خود مشغولند یا در حال اجرای وظایف اداری خود هستند، باید در اصلاح زندان با الگوهایی که از خود ارائه می‌دهند و رعایت شأن خود، کوشا باشند.

۴۹- (۱)- حتی‌الامکان، نیروی انسانی زندان باید شامل تعداد موردنیاز از افراد متخصص از قبیل روانپزشکان، مددکاران اجتماعی، آموزگاران و آموزش دهندگان امور کسب و کار و بازرگانی باشد.

(۲) خدمات مددکاران اجتماعي، آموزگاران و آموزش دهندگان امور بازرگاني بايد بدون اينکه اين موضوع مانع بکارگيري نيمه وقت يا داوطلبانه برخي اشخاص باشد، بصورت تمام وقت باشد.

۵۰- (۱)- مدير يك موسسه زندان، بايد واجد شرايط لازم براي شغل خود از حيث، شخصيت، توانايي اداري، آموزش مناسب و تجارب باشد.
(۲)- او بايد تمام وقت خود را به وظيفه اداري- اش اختصاص دهد و نبايد بصورت نيمه وقت استخدام شود.

(۳)- او بايد در محل موسسه يا جايي نزديك آن مستقر باشد.

(۴)- در مواردی که دو یا چند موسسه زندان تحت مدیریت یک مدیر است، او باید هر یک از موسسات را در فواصل نزدیک بهم بازدید کند. مدیر مسئول مقیم، مسولیت هر یک از این موسسات را بر عهده دارد.

۵۱- (۱)- مدير ، قائم مقام وي، و ساير نيروي انساني موسسه، بايد مجاز باشند به زباني که اکثر زندانيان به آن تکلم ميکنند، يا زباني که قسمت اعظم زندانيان آنرا مي فهمند ، صحبت کنند.

(۲)- در مواقع ضروري بايد از خدمات يك مترجم استفاده گردد.

۵۲- (۱)- در موسساتي که به اندازه اي وسعت دارند که خدمات يك يا چند مأمور مراقبت پزشكي تمام وقت را می طلبد ، بايد حداقل يکي از آنها، در محل موسسه يا نزديکترين مکان به موسسه ساکن باشد.

(۲) - در سایر موسسه‌ها، مأمور مراقبت پزشکی بطور روزانه از موسسه بازدید کرده و باید در حلی سکونت داشته باشد که بتواند در هنگام ضرورت، بدون تأخیر حاضر گردد.

۵۳- (۱) - در موسسات غیر اختصاصی زندان برای زنان یا مردان، آن بخش از موسسه که به زنان اختصاص یافته، باید تحت مسئولیت یک مأمور زنی که کلید کلیه بخش‌های آن موسسه در اختیار وی است، قرار گیرد.

(۲) - هیچ کارمند مردی نباید به قسمت اختصاص یافته به زنان وارد شود مگر اینکه یک کارمند زن نیز وی را مشایعت نمایند.

(۳) - حاضر کردن یا بازرسی زندانیان زن باید فقط بوسیله مأمورین زن صورت گیرد. این موضوع مانع از آن نیست که کارمندان مرد موسسه، به ویژه پزشکان و آموزگاران، در چهارچوب اجرای وظایف حرفه‌ای خود به آن قسمت از موسسه که به زنان اختصاص یافته است، وارد شوند.

۵۴- (۱) - کارمندان موسسات زندان در ارتباط با زندانیان نباید از زور استفاده کنند مگر در مورد دفاع مشروع یا در مواردی که زندانی شروع به فرار نموده یا در مقابل نظم مبتنی بر قانون و مقررات مقاومت فعال یا غیرفعال فیزیکی نموده است. مأمورینی که از زور استفاده می‌کنند نباید از آن به بیش از اندازه موردنیاز استفاده کنند و باید واقعه را فوری به مدیر موسسه گزارش نمایند.

(۲) - کارمندان زندان باید آموزش‌های فیزیکی مخصوص را طی نمایند تا آنها را قادر نماید تهاجم زندانیان را خنثی نمایند.

(۳) - بجز در موارد خاصي، اجراي وظايف اداري اي که مأمورين را در تماس مستقيم با زندانيان قرار مي‌دهد، نبايد با حمل سلاح صورت گيرد. علاوه بر اين، کارمندان در هيچ وضعيتي مجاز به حمل سلاح نيستند مگر اينکه آنها قبلاً طرز استفاده از سلاح مزبور را فرا گرفته باشند.

بازرسي

۵۵- بايد يك بازرسي منظم از موسسات و خدمات كيفري از طريق بازرسان ذيصلاحيت و مجرب منصوب از طرف مقام ذيصلاح وجود داشته باشد. کارکرد اختصاصي آنها، ايجاد اطمينان از اين است که موسسات مزبور براساس قوانين و مقررات جاري و با هدف دست يابي به اهداف اجراي خدمات تربيتي و كيفري اداره مي‌شوند.

مبحث دوم: قواعد قابل اجرا در زمینه طبقات
خاص

الف: زندانیان در حال تحمل کیفر
اصول راهنما

۵۶- این اصول راهنما از این پس در صدد نشان دادن قلمرویی است که در آن نهادهای کیفری باید اداره شوند و اهدافی که آنها طبق موارد مندرج در ملاحظات مقدماتی این متن باید دنبال نمایند.

۵۷- زندانی کردن و سایر تدابیری که نتیجه آن قطع ارتباط مجرم با دنیای خارج است، نظر به این واقعیت که شخص را از حق تعیین سرنوشت از طریق محرومیت از آزادی محروم می‌کند، بسیار زیان بار است. بنابراین سیستم زندان جز در موارد استثنایی از قبیل مواردی که لازمه منطقی آن توجیه پذیر شدن تفکیک و جداسازی از دنیای خارج است یا بقاء نظم مقتضی آنست نباید به چنین وضعیتی منجر شود.

۵۸- هدف و توجیه مجازات حبس یا تدابیر مشابهی که محروم کننده از آزادی هستند، در نهایت باید حمایت از جامعه علیه جرم باشد. این هدف فقط در مواردی دست یافتنی است که پس از مدت حبس، حتی- الامکان مجرم نه تنها نخواهد بلکه بتواند قانون محور شود و خود زندگی شخصی خود را اداره کند و نیاز به حمایت نداشته باشد.

۵۹- بدین منظور مؤسسه زندان باید از کلیه ابزارهای ترمیمی، آموزشی، اخلاقی، معنوی و سایر اشکال و توانمندیهای حمایتی که مناسب و در دسترس هستند، استفاده کند و در صدد اجرای آن با لحاظ نیازهای شخصی زندانیان باشد.

۶۰- (۱)- رژیم اداری مؤسسه زندان باید در صدد تقلیل کلیه مواردی که باعث اختلاف زندگی در زندان و زندگی در خارج از زندان که ماحصل آن کاهش حس مسئولیت پذیری زندانیان یا احساس احترام بعنوان یک انسان می‌شود، باشد.

(۲) - قبل از انقضاء مدت کیفر این موضوع مطلوب است که:

اقدامات ضروری بمنظور اطمینان از اینکه زندانی تدریجاً به زندگی اجتماعی برخواهد گشت در نظر گرفته شود. این هدف، حسب موارد، می‌تواند از طریق رژیم آزادی پیش از موعد در موسسات مشابه یا سایر موسسات مناسب یا بوسیله آزادی حین صدور حکم طبق برخی از اقسام نظارتهایی که بدون هر گونه مداخله پلیس و لی در ترکیب با خدمات اجتماعی اثربخش بعمل می‌آید، در نظر گرفته شده، به مرحله اجرا درآید.

۶۱- تعامل با زندانی نباید بر اخراج وی از جامعه بلکه بر تداوم عضویت او در جامعه تاکید نماید. بنابراین آژانسهای اجتماعی، باید هر جا که امکانپذیر باشد، بمنظور کمک به مؤسسه زندان، در راستای اجرای وظیفه بازپروری اجتماعی زندانیان، به کار گرفته شوند. اقداماتی باید در چهارچوب قوانین برای تضمین حداکثری حقوق مربوط به منافع مدنی، حقوق مربوط به امنیت اجتماعی و سایر منافع زندانیان در نظر گرفته شود.

۶۲- خدمات پزشکی موسسه زندان باید هر گونه بیماری جسمی یا روانی‌ای که ممکن است مانع بازپروری زندانی می‌شود را کشف و درمان نماید.

۶۳- (۱)- اجرای کامل این اصول نیازمند فردی سازی اقدامات است و برای نیل به این هدف، وجود یک سیستم منعطف طبقه‌بندی زندانیان در گروه‌های مختلف لازم است. بر این اساس مطلوب اینست که این گروه‌ها، در موسسات زندان مختلف که مناسب درمان هر گروه است، تقسیم گردند.

(۲)- این موسسات نیاز ندارند که ضریب امنیتی مشابهی برای هر گروه منظور نمایند. مطلوب اینست که ضرایب امنیتی متفاوتی با لحاظ الزامات گروه‌های مختلف در نظر گرفته شود. موسسات زندان باز، با این واقعیت که هیچ گونه اقدام حفاظتی فیزیکی در زمینه فرار زندانیان در نظر گرفته نشده و متکی به خود - نظمی اشخاص زندانی ساکن در آن است، زمینه‌ای را فراهم می‌کند که در راستای نیل به هدف بازپروری آن دسته از زندانیانی که به دقت انتخاب شده‌اند کارساز است.

(۳)- مطلوب اینست که تعداد زندانیانی که در موسسات زندان بسته به سر می‌برند، نباید به آن اندازه زیاد باشد که فردی کردن اقدامات را در حاشیه قرار دهد. در برخی کشورها مقرر گردیده است که جمعیت باید تا حد امکان کوچک باشد.

(۴)- از طرف دیگر، این وضعیت نامطلوب است که زندان‌هایی وجود داشته باشند که آنقدر از نظر جمعیت کم باشند که ارائه تسهیلات مناسب، توجیه پذیر نباشد.

۶۴- وظیفه جامعه با آزادی زندانی خاتمه نمی‌یابد. بنابراین، باید آژانسهای دولتی یا غیردولتی که عهده‌دار ارائه مراقبتهای پس از خروج به زندانیان با هدف کاهش آسیب و بازپروری اجتماعی باشد، در نظر گرفته شود.

نحوه تعامل

۶۵- نحوه تعامل با اشخاصی که به کیفر حبس یا سایر تدابیر مشابه محکوم شده‌اند، با توجه به اینکه مدت محکومیت به چه میزان امکان اعمال آنرا فراهم می‌کند، باید با توجه به اهداف اجرای آن، زندانیان را به سوی رعایت قانون و خودگردانی زندگی شخصی پس از آزادی سوق دهد و آنها را برای این کار آماده نماید. این تعامل باید به مواردی از قبیل تشویق وی به تقویت حس احترام و شأن برای خود و تقویت احساس مسئولیت پذیری متمرکز گردد.

۶۶- (۱)- برای نیل به اهداف، کلیه ابزارهای مناسب از قبیل مراقبتهای مذهبی در کشورهایی که این موضوع امکانپذیر است، آموزش، مشاوره حرفه‌ای، آموزش، مشاغل خاص اجتماعی، مشاوره استخدامی، تقویت جسمانی و ترقی خصوصیت‌های شخصیتی، با لحاظ نیازهای هر زندانی و با التفات به سابقه اجتماعی و کیفری، قابلیت‌های روانی و جسمانی و استعدادها، مزاج او و طول مدت زندان و مداخلات بعد از آزادی وی باید مورد استفاده قرار گیرند.

(۲)- برای هر زندانی در صورتیکه فرجه‌ی مناسب وجود داشته باشد، مدیر زندان باید در اسرع وقت پس از پذیرش او در زندان، کلیه گزارشهای مربوط به کلیه موارد مندرج در پاراگراف اخیرالذکر، را دریافت کند. این

گزارشها، علي القاعده بايد شامل گزارش مأمور مراقبت پزشكي، و در صورت امکان داراي صلاحيت در روانپزشكي، در زمينه شرايط جسمي و ذهني زنداني باشد.

(۳) - اين گزارشها و ساير اسناد ذيربط بايد در يك فايل اختصاصي نگهداري شود. اين فايل، بايد مورخ بوده و به نحوي طبقه‌بندي گردد كه قابليت بهره‌برداري توسط نيروي انساني ذيربط در مواقع ضرورت اقتضاء مي‌كند را داشته باشد.

طبقه بندي و فردي سازي

۶۷- اهداف طبقه بندي عبارتند از:

الف: جداسازي آندسته از زندانيان كه بنظر مي‌رسد سابقه كيفري يا شخصيت نامناسب آنان داراي آثار تخريبي باشد.

ب: تقسيم زندانيان به طبقات مختلف با هدف يافتن شيوه ي تعامل با آنها با لحاظ بازپروري اجتماعي.

۶۸- حتي الامكان موسسات زندان جداگانه يا قسمتهاي جداگانه يك موسسه زندان بايد براي اجراي نوع تعامل مخصوص به طبقات مختلف زندانيان منظور گردد.

۶۹- در اسرع وقت پس از پذيرش و پس از مطالعه شخصيت زنداني‌اي كه مدت حبس وي كفايت مي‌كند، يك برنامه نحوه برخورد با او براساس اطلاعات بدست آمده درباره نيازهاي شخصي، توانايي‌ها و حالات وي بايد منظور گردد.

امتيازات

۷۰- سيستمهاي مختلف امتيازات براي طبقات مختلف زندانيان و شيوه‌هاي متفاوت نحوه برخورد بايد در هر يك موسسه زندان با هدف تشويق زندانيان به حس اخلاقي، توسعه حس مسئوليت‌پذيري و حفاظت

از منافع و همکاری زندانیان با تدابیر در نظر گرفته شده، تعیین گردد.

۷۱- (۱) - اشتغال به کار زندانیان کار نباید دارای ماهیت زیان بار داشته باشد.

(۲) - باید با توجه به تناسب جسمی و ذهنی که مأمور مراقبت پزشکی تعیین میکند، برای کلیه زندانیان در حال تحمل کیفر، کار در نظر گرفته شود.

(۳) - کار کافی مفید با هدف فعال نگهداشتن زندانیان برای اعمال عادی روزانه باید در نظر گرفته شود.

(۴) - کاری که مقرر میشود حتی الامکان باید به گونه‌ای باشد که توانایی زندانیان برای تحصیل یک زندگی آبرومندانه پس از آزادی را تثبیت نموده یا تقویت نماید.

(۵) - باید آموزشهای حرفه‌ای در زمینه کسب و کار مفید، برای زندانیان با هدف توانمندسازی آنها به کسب درآمد بویژه برای جوانان در نظر گرفته شود.

(۶) - در قلمروی اختیارات راجع به انتخاب نوع حرفه مناسب، و با لحاظ الزامات راجع به نظم و مدیریت زندان، زندانیان باید بتوانند نوع کار که علاقه مند به انجام آن هستند را تعیین کنند.

۷۲ - (۱) - سازمان و روش کار در موسسات زندان باید شباهت نزدیک با کارهای مشابه خارج از زندان داشته باشد تا از این طریق زندانیان برای شرایط زندگی عادی حرفه‌ای آماده گردند.

(۲) - مع الوصف مصالحی که زندانیان و آموزش حرفه‌ای آنان در بردارد، در موسسه زندان نباید تحت الشعاع هدف سود آوری ای که در یک موسسه صنعتی مدنظر است، قرار گیرد.

۷۳ - (۱) - ترجیحاً موسسات صنعتی و کشاورزی باید بطور مستقیم بوسیله اداره زندان و نه پیمانکاران خصوصی اداره گردد.

(۲) - در مواردی که زندانیان به کاری مشغول می‌شوند که بوسیله اداره زندان کنترل نمی‌شود، این زندانیان جز در مواردی که کار زندانی برای سایر بخشهای دولتی است، همیشه باید تحت نظارت پرسنل موسسه زندان باشند. باید دستمزد عرفی کامل کار مزبور بوسیله اشخاصی که از کار زندانی نفع می‌برند براساس بازده زندانی به اداره زندان پرداخت گردد.

۷۴ - (۱) - پیش‌بینی‌هایی که بمنظور حمایت از سلامت و بهداشت کارگران آزاد و غیرزندان در نظر گرفته می‌شود باید بطور برابر برای کارگران در موسسات زندان در نظر گرفته شود.

(۲) - مقرراتی که از زندانیان در قبال صدمات ناشی از کاربرد صنعت از قبیل بیماری ناشی از کار، حمایت می‌کند، نباید درخصوص زندانیان دارای قلمرو محدودتری نسبت به کارگران غیرزندان و آزاد باشد.

۷۵ - (۱) - حداکثر ساعات کار در روز و هفته توسط زندانیان باید بوسیله قانون یا مقررات زندان با لحاظ قواعد محلی یا عرف حاکم بر کار کارگران آزاد تعیین گردد.

(۲) - ساعاتی که بر این اساس تعیین می‌گردد، باید یک روز از هفته را تعطیل اعلام و زمان مناسبی را برای آموزش و سایر فعالیتهایی که جزیی از برنامه کاری و بازتوانی زندانیان است، را منظور نماید.

۷۶ - (۱) - باید سیستم منصفانه‌ای برای پرداخت اجرت کار زندانیان در نظر گرفته شود.

(۲) - در چهارچوب منظم، به زندانیان باید اجازه داده شود که حداقل قسمتی از درآمد خود را در موارد مصوب برای مصرف شخصی و اختصاص قسمتی از درآمد به خانواده خود هزینه نمایند.

(۳) - این سیستم همچنین باید مقرر نماید که قسمتی از درآمد توسط اداره زندان کنار گذاشته شود تا بعنوان يك پس انداز هنگام آزادی زندانی به وی پرداخت گردد.

آموزش و تفریح

۷۷ - (۱) - مقرراتی باید برای توسعه آموزش کلیه زندانیانی که توان بهره‌مندی از آن را دارند از قبیل آموزش احکام دینی در کشورهای که امکان آن وجود دارد، وضع گردد. آموزش بیسوادان و زندانیان جوان باید اجباری باشد و توسط اداره زندان توجه مخصوص باید به این موضوع بعمل آید.

(۲) - حتی‌الامکان، آموزش زندانیان باید همسو با سیستم آموزشی کشور زیربط باشد، بنحوی که زندانی بتواند پس از آزادی تحصیلات خود را بدون مشکل ادامه دهد.

۷۸ - فعالیتهای فرهنگی و تفریحی باید بمنظور ایجاد سلامت جسمی و روانی زندانیان در کلیه مؤسسات زندانی در نظر گرفته شود.

ارتباطات اجتماعی و مراقبت بعد از خروج

۷۹ - توجه مخصوص باید به تثبیت و توسعه این روابط بین زندانی و خانواده‌اش بنحوی که مطلوب طرفین است، بعمل آید.

۸۰ - از همان ابتدای اجرای کیفر، باید موضوع آینده زندانی پس از آزادی در نظر گرفته شود و وی مورد تشویق و مساعدت قرار گیرد که روابط

مزبور را با اشخاص یا آژانسهای خارج از موسسه زندان ، چنانچه سبب تقویت منافع خانواده یا بازپروری اجتماعی خود وی می‌شود ، را ادامه داده یا ایجاد نماید.

۸۱ - (۱) - سرویسها و آژانسهای دولتی یا غیر دولتی، که به زندانیان آزاد شده بمنظور تثبیت مجدد خود در جامعه کمک می‌کنند، حتی الامکان و عندالضرورت باید اطمینان حاصل نمایند که زندانیان آزاد شده دارای اسناد و مدارک شناسایی مناسب بوده، مکان و شغل مناسبی برای مراجعه به آن، دارای پوشاک مناسب و کافی بالحاظ شرایط آب و هوایی و فصول سال و دارای وسایل کافی برای رسیدن به محل خود و حفاظت از خود به محض آزادی هستند.

(۲) - نمایندگان رسمی این آژانسها باید در صورت ضرورت به موسسه زندان و زندانیان دسترسی داشته و درخصوص آینده یک زندانی از همان ابتدای اجرای مجازات نظریه مشورتی ارائه دهند.

(۳) - مطلوب آنست که فعالیتهای این آژانسها حتی الامکان بر تضمین بازدهی هر چه بیشتر این تلاشها متمرکز و هماهنگ گردد.

ب - زندانیان دیوانه و دارای ناهنجاری روانی ۸۲ - (۱) - زندانیانی که دیوانگی آنها احراز گردیده است ، نباید در زندان نگهداری شوند و باید ترتیبی اتخاذ گردد که این اشخاص در اسرع وقت به موسسات مربوط به بیماران روانی منتقل گردند.

(۲) - زندانیانی که به سایر بیماریهای ناهنجاریهای روانی مبتلا هستندباید تحت نظارت قرار گیرند و در موسسات مخصوص تحت مداوای پزشکی قرار گیرند.

(۳) - در طول زمان اقامت در زندان، این زندانیان باید در یک مکان تحت نظارت مخصوص یک مأمور پزشکی قرارداد داده شوند.

(۴) - سرویس پزشکی یا روانپزشکی موسسات کیفری باید خدمات درمانی روانپزشکی در اختیار سایر زندانهای که به چنین درمانهایی نیاز دارند، قرار دهد.

۸۳- مطلوب است که براساس مقررات و بوسیله آژانسهای مناسب، اقداماتی در نظر گرفته شود تا در صورت ضرورت، درمان روانپزشکی پس از آزادی و مراقبتهای مربوط به روانپزشکی اجتماعی برای بعد از آزادی ارائه گردد.

ج - زندانیان بازداشت شده یا در انتظار محاکمه.

۸۴- (۱) - اشخاص دستگیر شده یا زندانی شده براساس یک اتهام کیفری، خواه در بازداشتگاه پلیس باشد یا در بازداشتگاه زندان، مع الوصف محاکمه آنها انجام نشده یا حکم محکومیت آنها صادر نگردیده است، در این قواعد از این پس « زندانیان محاکمه نشده» نامیده میشوند.

(۲) - زندانیان محاکمه نشده بیگناه فرض میشوند و طبق این فرض باید با آنها برخورد گردد.

(۳) بدون آسیب به قواعد حقوقی مربوط به حمایت از آزادی اشخاص یا مقررات مربوط به آیین دادرسیای که باید درخصوص اشخاص محاکمه نشده باید رعایت شود، این زندانیان باید از مزایای یک رژیم مخصوص بنحوی که در قواعد ذیل الذکر مندرج است، بهره‌مند گردند :

۸۵- (۱) - زندانیان محاکمه نشده باید از زندانیان محکوم شده بصورت جدا از هم نگهداری شوند.

(۲) - زندانیان جوان محاکمه نشده باید جدا از بزرگسالان نگهداری شوند و علی الاصول باید در موسسات جداگانه نگهداری شوند.

۸۶ - زندانیان محاکمه نشده، باید بصورت انفرادی در اتاقهای جداگانه با لحاظ رسومات محلی مختلفی که با لحاظ شرایط آب و هوایی مربوط است، نگهداری شوند.

۸۷ - در چهارچوب محدودیتهایی که مناسب با نظم مطلوب موسسات زندان است، زندانیان محاکمه نشده، چنانچه آنها چنین بخواهند، باید بتوانند غذای تهیه شده از محل هزینه شخصی، خواه از طریق اداره زندان یا از طریق خانواده یا دوستان، را از خارج تهیه کنند. در غیر اینصورت اداره زندان موظف است غذای آنها را تأمین کند.

۸۸ - (۱) - به زندانیان محاکمه نشده، باید اجازه داده شود تا لباس شخصی خود را به تن کنند مشروط به اینکه تمیز و مناسب باشند.

(۲) - چنانچه وی لباس زندانیان را به تن می‌کند، باید این لباسها متفاوت از لباسهای زندانیان محکومیت یافته باشد.

۸۹ - يك زندانی محاکمه نشده باید علی القاعده امکان اشتغال به کار داشته باشد مع الوصف اشتغال به کار وی الزامی نیست. اگر او اشتغال به کار را بپذیرد، باید در قبال کار به وی، مزد پرداخت گردد.

۹۰ - به يك زندانی محاکمه نشده باید اجازه داده شود تا به هزینه شخصی یا با هزینه شخص ثالث، کتابها، روزنامه‌ها، مطالب مکتوب و سایر وسایل مربوط به حرفه‌ای را که منطبق با مصالح اجرایی

عدالت و امنیت و نظم مطلوب موسسه زندان است را دریافت کند.

۹۱- يك زنداني محاکمه نشده، مشروط به اینکه دليل منطقي براي اين درخواست وجود داشته باشد، بايد اجازه داشته باشد توسط پزشک و دندانپزشک شخصي خود معاینه و درمان شود. او بايد کلیه هزینه‌هاي ذيربط را بپذیرد.

۹۲- يك زنداني محاکمه نشده بايد اجازه داشته باشد که فوری موضوع بازداشت خود را به خانواده اش اطلاع دهد و کلیه تسهیلات متعارف براي ارتباط با خانواده و دوستانش در اختیار وي قرار داده شده و زمینه ملاقات وي در چهارچوب نظارتي که لازمه اجرائي عدالت و امنیت و نظم مطلوب موسسه است، با آنها فراهم شود.

۹۳- در راستاي نیل به اين حق، يك زنداني محاکمه نشده، بايد اجازه داشته باشد درخواست نماید که از معاضدت حقوقي رایگان در مواردی که اين معاضدت در دسترس است، بهره‌مند گردد و از مشاور حقوقي خود با لحاظ خواسته‌اش، خدمت دریافت کرده و اسناد محرمانه خود را تهیه و به وي تسلیم نماید. براي نیل به اين هدف، در صورت تمایل او بايد، بتواند مطالب خود را بصورت کتي بيان و منتقل نماید. مصاحبه‌ها و ملاقاتهاي بين زنداني و مشاور حقوقي بايد در محل غير در بسته ولي بدون امکان استماع بوسیله پلیس یا مأموران موسسه زندان باشد.

د- زندانیان غیرکیفري

۹۴- در کشورهايي که قانون اجازه زنداني کردن اشخاص به استناد بدهي یا براساس يك تصميم غیرکیفري را مي‌دهد، اشخاصي که بدین نحو زنداني می‌شوند نباید مشمول محدودیت یا شدت زاید بر

آنچه که برای تضمین بازداشت و نظم مطلوب ضروری است گردند. نحوه تعامل با آنها نباید از اشخاص زندانی محاکمه نشده نامطلوبتر باشد، مع الوصف این استثناء وجود دارد که آنها ممکن است اجبار به کار شوند.

ه - اشخاص دستگیر یا زندانی شده ی فاقد اتهام کیفری

۹۵- بدون خدشه به مقررات مندرج در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اشخاص دستگیر یا زندانی شده بدون اتهام کیفری باید مشمول حمایت مشابه آنچه در مبحث اول و دوم و قسمت ج مقرر گردیده است، گردند. مقررات زیربط مندرج در مبحث دوم قسمت الف نیز در مواردی که اجرای آن به نفع اشخاصی که در بازداشت هستند، می باشد به اجرا در می‌آید مشروط به اینکه هیچ تدبیری در زمینه آموزش مجدد یا بازپروری که مناسب اشخاص غیرمحکوم از نظر کیفری نیست، بهیچ نحو به اجرا در نیاید

۲- تشریفات مربوط به اجرای موثر قواعد

استاندارد حداقل برای تعامل با زندانیان.

تشریفات^۱

کلیه کشورهایی که استانداردهای آنان در زمینه حمایت از کلیه اشخاص موضوع هر نوع از بازداشت و حبس نازلتر از قواعد استاندارد حداقل در زمینه تعامل با زندانیان است، باید این قواعد را مورد قبول قرار دهند.

تفسیر

مجمع عمومي در قطعنامه شماره (XXVI) ۲۸۵۸ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸، توجه دولتهای عضو را به قواعد استاندارد حداقل جلب و توصیه نمود که آنها این قواعد را بنحو موثر در موسسات کیفری و اصلاح و تربیتی خود به اجرا درآورند و اینکه مسئله درج این قواعد در نظام قانونی طی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. برخی از کشورها ممکن است دارای استانداردهای پیشرفته‌تر از این قواعد باشند. بر این اساس قبول این قواعد در این کشورها توصیه نمی‌گردد. در مواردی که دولتها احساس کنند که این قواعد نیازمند انطباق با نظام حقوقی و پذیرش آن در فرهنگ ملی هستند، در این صورت باید بر محتوی نه صورت قواعد تاکید گردد.

تشریفات ۲

قواعد استاندارد حداقل حسب ضرورت با توجه به پذیرش آن در قوانین جاری و فرهنگ، ولی بدون انحراف از روح و اهداف این قواعد، باید در نظام قانونگذاری ملی و سایر مقررات درج گردد.

تفسیر

این تشریفات تاکید دارد بر اینکه ضرورت دارد که این قواعد در نظام قانونگذاری و ضوابط ملی گنجانیده شود، با لحاظ برخی جنبه‌های مندرج در تشریفات ۱.

تشریفات ۳

قواعد استاندارد حداقل، باید برای کلیه اشخاص زیربط به ویژه مقامات نیروی انتظامی (اجرای قانون) و نیروی انسانی شاغل در بخش اصلاح و تربیت با این هدف که آنها را قادر به اعمال و

اجرای آن در نظام عدالت کیفری نماید، در دسترس باشد.

تفسیر

این تشریفات بیان می‌دارد که این قواعد، در همان قلمروی که قوانین مصوب و ضوابط ملی در صدد اجرای آن هستند، باید در اختیار اشخاص که در معرض اجرای آن هستند به ویژه مأمورین انتظامی (اجرای قانون) و نیروی انسانی شاغل در بخش اصلاح و تربیت قرار گیرد. اجرای مؤثر این قواعد، همچنین شامل سازمانهای برگزار کننده دوره‌های آموزشی توسط ادارات مرکزی زندان مرتبط با بحث اصلاح و تربیت می‌گردد. مسئله انتشار این تشریفات در تشریفات ۷ تا ۹ مورد بحث قرار گرفته است.

تشریفات ۴

قواعد استاندارد حداقل بنحوی که در نظام قانونگذاری ملی و سایر مقررات گنجانیده شده‌اند، باید در دسترس و قابل فهم توسط کلیه زندانیان و کلیه اشخاص تحت بازداشت در زمان پذیرش و در طول اجرای بازداشت باشد.

تفسیر

برای نیل به هدف قواعد استاندارد حداقل، ضرورت دارد در قلمرو تعیین شده توسط قوانین موضوعه و ضوابط ملی، این قواعد در اختیار زندانیان و کلیه اشخاص تحت بازداشت (قاعده ۹۵) با هدف اطلاع رسانی در زمینه‌ی این موضوع که این قواعد حکایتگر شرایط حداقلی است که بوسیله سازمان ملل متحد مناسب تشخیص و پذیرفته شده است، قرار گیرد. بر این اساس این تشریفات قواعد باید در دسترس اشخاصی که حمایت از آنها به تفصیل قبلاً در معاهدات

چهارگانه ژنو مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ مواد ۴۷
معاهده اول ، ۴۸ معاهده دوم ، ۱۲۷ معاهده سوم
و ۱۴۴ معاهده چهارم بیان گردیده است، که بطور
کلي مقرر نموده است :

« دول متعاهد در زمان صلح، متن معاهده حاضر را
در گسترده‌ترین قلمرو در کشورهای خود منتشر
خواهند کرد، و ، بطور ویژه، آموزش و مطالعه
آنرا در برنامه‌های نظامی و حتی‌الامکان آموزشهای
عمومی، بنحوی که این اصول به اطلاع کلیه اشخاص
مخصوص نیروهایی که در حال اعمال قدرت نظامی
هستند، نیروی انسانی شاغل در بخش پزشکی و
مشاورین اخلاقی و مذهبی رسانده شود.
خواهند گنجاند

تشریفات ه

دولتها باید از طریق تکمیل پرسشنامه دبیرخانه
سازمان ملل متحد، این سازمان را هر پنج سال
یکبار، از قلمرو اجرا و پیشرفتهای که در
زمینه اجرای قواعد استاندارد و حداقل شاخص و
مشکلاتی، که اجرای آن را به تحت تأثیر قرار می-
دهد، آگاه نمایند.

این پرسشنامه، حسب جدول مخصوص، باید انتخاب
شده و دقیق باشد، بنحوی که سؤالات مشخص بمنظور
اطمینان از یک بررسی عمیق و مطالعه مشکلاتی که
انتخاب شده‌اند، در نظر گرفته شود .

با التفات دقیق به گزارشهای دولتها همچنین سایر
اطلاعات در دسترس سیستم سازمان ملل متحد،
دبیرخانه سازمان ملل متحد باید یک گزارش مستقل
ادواری را در زمینه پیشرفتی که در زمینه اجرای

قواعد استاندارد و حداقل بدست آمده است را تهیه و ارائه نماید. در تهیه و ارائه گزارشات مزبور، دبیرکل سازمان ملل متحد، همچنین از همکاری آژانسهای تخصصی و سازمانهای زیربند بین‌الدولی و غیردولتی از طریق مشورت با شورای اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند می‌گردد. دبیرکل، در صورت تناسب، گزارشهای فوق‌الذکر را به کمیته پیشگیری از جرم و نظارت، بمنظور بررسی و اقدامات بعدی خواهد فرستاد.

تفسیر

مجدداً این موضوع خاطر نشان می‌گردد که شورای اقتصادی و اجتماعی در قطنامه (XXIV) c ۶۶۳، ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷ توصیه کرد که دبیرکل سازمان ملل متحد هر پنج سال از میزان پیشرفت اجرای قواعد استاندارد حداقل مطلع گردد و مشارالیه مجاز گردد تا تنظیماتی را در صورت تناسب در زمینه انتشار این اطلاعات برقرار و عندالضرورت تکمیل اطلاعات را درخواست نماید. تقاضای همکاری آژانسهای تخصصی و سازمانهای بین‌الدولی و غیردولتی از رویه‌های تثبیت شده سازمان ملل متحد است. در راستای تهیه و ارائه گزارشات مستقل در زمینه پیشرفت اجرای قواعد استاندارد حداقل، دبیرکل ضمناً اطلاعاتی را که از ارگانهای مربوط به حقوق بشر سازمان ملل در دسترس است از جمله کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون فرعی راجع به پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها، کمیته حقوق بشر که براساس میثاق حقوق مدنی و سیاسی به فعالیت می‌پردازد و کمیته الغاء تبعیض نژادی را مورد توجه قرار خواهد داد.

اجرای این موضوع همچنین حسب سایر معاهدات علیه شکنجه می‌تواند مطرح نظر قرار گیرد، همینطور هر گونه اطلاعی که ممکن است از طریق مجموع اصول راجع به حمایت از زندانیان و بازداشت شدگانی که اخیراً در جمع عمومی در حال تهیه است، در دسترس باشد.

تشریفات ۶

بعنوان جزئی از اطلاعاتی که در تشریفات ه فوق الذکر درج گردیده است، دولتها باید اطلاعات زیر را به دبیر کل ارائه دهند:

الف: تصویر یا چکیده کلیه قوانین، مقررات و تدابیر اداری راجع به اجرای قواعد استاندارد حداقل درخصوص اشخاصی که در بازداشت به سر می‌برند و امکان و برنامه‌های راجع به بازداشت.

ب: هر گونه اطلاعات و مواد توصیفی درخصوص برنامه‌های نیروی انسانی و تعداد افرادی که تحت هر شکل از بازداشت هستند و آمار در صورت در دسترس بودن.

سایر اطلاعات ذیربط درخصوص اجرای قواعد همینطور اطلاعات درخصوص اشکالات احتمالی در مسیر اجرای آنها.

تفسیر

این الزام برآمده از قطعنامه شماره (XXIV) C ۶۶۳ شورای اقتصادی و اجتماعی و توصیه‌های کنگره‌های راجع به پیشگیری از جرم و درمان مجرمین است.

اگرچه جزئیات اطلاعاتی که در اینجا درج گردیده است، بطور اخص مورد حکم قرار نگرفته است، مع الوصف بنظر می‌رسد جمع‌آوری چنین اطلاعاتی بمنظور مساعدت به دول عضو در راستای حل و فصل مشکلات

از طریق تبادل تجربیات، آسان است. مضاف بر آن، درخواست دریافت چنین اطلاعاتی قابل مقایسه با روش گزارشگری ادواری در زمینه حقوق بشر که برای اولین بار توسط شورای اقتصادی و اجتماعی در قطعنامه B (XXII) ۶۲۴ اول آگوست ۱۹۵۶ ایجاد گردیده است، می‌باشد.

تشریفات ۷

دبیرکل، باید بمنظور اطمینان از اجرای گسترده قواعد و تشریفات اجرایی حاضر، نسبت به انتشار قواعد استاندارد حداقل و تشریفات اجرایی مزبور در ادواری که ممکن باشد اقدام و آنرا برای کلیه دولتها و سازمانهای بین‌الدولی و غیر دولتی در دسترس قرار دهد.

تفسیر

احتیاج به انتشار گسترده قواعد استاندارد حداقل فی نفسه بدیهی است. همکاری نزدیک با سازمانهای مناسب بین‌الدولی و غیردولتی بمنظور تضمین انتشار و اجرای موثرتر این قواعد، از اهمیت برخوردار است.

بنابراین، دبیرخانه باید تماس نزدیک با این سازمانها را استمرار بخشیده و اطلاعات و داده‌های ذیربط را در اختیار آنها قرار دهد. دبیرخانه همچنین باید این سازمان را تشویق نماید اطلاعات راجع به قواعد استاندارد حداقل و تشریفات اجرایی آنرا انتشار دهند.

تشریفات ۸

دبیرکل، باید گزارشات خود راجع به اجرای این قواعد شامل چکیده‌های تحلیلی درخصوص ارزیابی‌های ادواری، گزارشات کمیته پیشگیری از جرم و نظارت، گزارشاتی که برای کنگره‌های سازمان ملل

متحد در زمینه پیشگیری و جرم و درمان مجرمین همچنین گزارشات کنگره، انتشارات علمی و سایر اسناد زیربط در همه زمانها که بنظر میرسد برای توسعه اجرای قواعد استاندارد حداقل ضروری است، را انتشار دهد.

تفسیر

این تشریفات بیانگر رویه جاری در زمینه انتشار گزارشات بعنوان مجموعه اسناد رسمی ارکان سازمان ملل متحد است از قبیل انتشارات سازمان ملل متحد، بعنوان مندرجات کتاب سال در زمینه حقوق بشر، یا مجله بینالمللی سیاست کیفری، اخبار پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و سایر انتشارات زیربط،

تشریفات ۹

دبیرکل باید تضمین نماید که بیشترین ارجاع و استفاده از متن قواعد استاندارد حداقل توسط سازمان ملل متحد در برنامه‌های زیربط شامل فعالیتهای راجع به همکاری فنی بعمل خواهد آمد.

تفسیر

باید این اطمینان حاصل شود که کلیه ارکان زیربط سازمان ملل متحد تشریفات اجرای قواعد استاندارد حداقل را بمنظور جلب مشارکت در انتشار گسترده و توسعه اطلاعات آژانسهای تخصصی، ارکان بینالدولی و غیردولتی، و عموم مردم از این قواعد و شرح وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی در اجرای وظایف خود در عملکرد جاری خود گنجانیده یا به آن استناد مینمایند. دامنه قلمروی که این قواعد دارای اثر عملی در امور اجرایی مربوط به اصلاح و تربیت هستند بستگی به قلمرو تدابیری دارد که از آن طریق موضوع به نظام قانونی محلی و رویه‌های عملی،

وارد می‌گردد. این مسئله باید در بیشترین حد خود توسط افراد حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای در سراسر جهان دانسته و درک گردد.

بر این اساس نیاز زیاد برای تبلیغات عمومی در هر شکل که اغلب سبب نیل به اجرای فوری این قواعد همراه با اطلاع رسانی عمومی می‌گردد، احساس می‌شود.

تشریفات ۱۰

بعنوان جزئی از برنامه‌های همکاری و توسعه، سازمان ملل متحد باید:

الف - به دولتها حسب درخواست، در ایجاد و تقویت سیستمهای جامع و انسان مدار اصلاح و تربیت مساعدت کند.

ب - خدمات کارشناسی و مشاوره ای منطقه‌ای و بین منطقه‌ای در حوزه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را در دسترس دولتهای متقاضی قرار دهد.

ج - سمینارها و سایر اجلاسهای ملی و منطقه‌ای در سطوح حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای بمنظور توسعه انتشار قواعد استاندارد حداقل و تشریفات اجرایی حاضر را ترویج نماید.

د- حمایت اساسی از موسسات تحقیقاتی و آموزشی منطقه‌ای در حوزه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری که با همکاری مشترک سازمان ملل متحد صورت می‌پذیرد، به عمل آورد.

موسسات تحقیقاتی و آموزشی منطقه‌ای سازمان ملل متحد در حوزه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری با همکاری موسسات ملی، دوره‌های تحصیلی و موضوعات آموزشی مبتنی بر قواعد استاندارد حداقل و تشریفات اجرایی حاضر که مناسب بهره‌گیری در کلیه سطوح برنامه‌های آموزشی عدالت کیفری همچون

دوره‌های تخصصی در زمینه حقوق بشر و سایر موضوعات ذیربط است را ترویج خواهد داد.

تفسیر

هدف این تشریفات تضمین اینست که برنامه‌های معاضدت فنی و فعالیت‌های آموزشی موسسات منطقه‌ای بعنوان اسناد جنی اجرای قواعد استاندارد حداقل و تشریفات اجرایی حاضر مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

علاوه بر دوره‌های آموزشی منظم در زمینه نیروی انسانی بخش اصلاح و تربیت، دستورالعمل‌های آموزش و سایر موارد مشابه، به ویژه در سطح سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، ضوابطی باید برای مشاوره تخصصی در حوزه مسائل و سؤالاتی که توسط دول عضو ارائه و طرح می‌گردد، من جمله سیستم اعزام کارشناس به دولتهای علاقه‌مند، تدوین گردد.

این سیستم ارجاع کارشناس، بنظر می‌رسد به طور ویژه، بمنظور اجرای قواعد ذیربط بالحفاظ روح این قواعد با توجه به ساختار اجتماعی - اقتصادی کشورهای متقاضی این کمکها، از ضرورت برخوردار است.

تشریفات ۱۱

کمیته پیشگیری از جرم و نظارت سازمان ملل متحد، باید:

الف - بطور مداوم ، قواعد استاندارد حداقل را با توجه به پیچیدگی‌های قواعد جدید، یعنی استانداردها و تشریفات قابل اجرا در زمینه نحوه تعامل با اشخاص محروم از آزادی را موضوع تجدیدنظر قرار دهد.

ب - اجرای تشریفات حاضر شامل گزارشات ادواری مستند به تشریفات شماره ۵ سابق الذکر را مورد پیگیری قرار دهد.

تفسیر

اکثر اطلاعات گردآوری شده در دوره‌های بررسی‌های ادواری همچنین طی اجلاسهای معاضدت فنی باید به استحضار کمیته پیشگیری از جرم و نظارت با هدف اثربخشی قواعد در حوزه ترویج رویه‌های اصلاح و تربیت موضوع شرح وظایف کمیته، که توصیه‌های آن موضوع اجلاسهای دوره‌های آینده و اجرای این قواعد حسب این تشریفات را تعیین خواهد کرد، رسانده شود. بر این اساس کمیته باید، بطور ضمنی دلایل شکست نسبی یا دلایل فقدان اجرای این قواعد را در تماس با قوه قضاییه و وزرای دادگستری دولتهای ذیربط با هدف پیشنهاد شیوه‌های مناسب ترمیم ضعف، مشخص نماید.

تشریفات ۱۲

کمیته پیشگیری از جرم و نظارت، به مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و سایر ارگانهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، در صورت اقتضاء از طریق توصیه‌ها مندرج در گزارشات کمیسیونهای خاص موقتی با توجه به موضوعات مربوط به تعیین و اجرای قواعد استاندارد حداقل، معاضدت خواهد نمود.

تفسیر

نظر به اینکه کمیته پیشگیری از جرم و نظارت رکن ذیربط در زمینه تجدیدنظر و بررسی قواعد استاندارد حداقل محسوب می‌گردد، این کمیته باید به ارکان صدرالذکر معاضدت دهد.

تشریفات ۱۳

هیچ یک از تشریفات اجرایی حاضر، نباید بنحوی تفسیر شود که مانع استناد و توسل به سایر ابزارها یا شیوه‌های ترمیم و رفع خلأ که حسب

حقوق بین‌الملل در دسترس است یا بوسیله سایر ارکان و آژانس‌های سازمان ملل متحد برای رسیدگی به موارد نقض حقوق در نظر گرفته شده است گردد. از قبیل: تشریفات یا الگوهای تثبیت شده در زمینه موارد نقض شدید حقوق بشر حسب قطعنامه شماره (XLVIII) ۱۵۰۳ مورخ ۲۷ می ۱۹۷۰، تشریفات تبادل اطلاعات حسب پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱، و تشریفات تبادل اطلاعات موضوع معاهده بین‌المللی در زمینه حذف کلیه اشکال ناشی از تبعیض نژادی^۲.

تفسیر

نظر به اینکه قواعد استاندارد حداقل به حوزه‌های خاص حقوق بشری مربوط است، تشریفات حاضر نباید سبب نادیده انگاشتن کلیه شیوه‌های برخورد با کلیه موارد نقض این حقوق حسب استانداردها و هنجارهای جاری موجود در حقوق بین‌الملل گردد.

۳- مجموع اصول حمایت از اشخاص موضوع کلیه اشکال بازداشت و حبس^۳

قلمرو مجموع اصول

این اصول برای حمایت از کلیه اشخاص موضوع کلیه اشکال بازداشت و حبس به کار می‌رود. معانی اصطلاحات:

در چهارچوب مفاهیم مندرج در این مجموع اصول:
الف: «دستگیری» هر عمل توقیف یک شخص به دلیل اتهام ارتکاب یک جرم یا حسب عملکرد یک مقام ذیصلاح است.

ب: «شخص بازداشت شده» به معنی هر شخصی است که از آزادی شخصی‌اش محروم گردیده است، مگر اینکه

۱ - قطعنامه شماره (XXI) A ۲۲۰۰ مجمع عمومی بیوست.

۲ - قطعنامه شماره (XX),annex A ۲۱۰۶.

۳ - قطعنامه مجمع عمومی شماره ۴۳/۱۷۲ بیوست.

این سلب آزادی ناشی از محکومیت به ارتکاب جرم باشد.

ج: « شخص زندانی» به معنی هر شخصی است که از آزادی به استناد محکومیت به ارتکاب یک جرم محروم گردیده است.

د: « بازداشت» به معنی وضعیت اشخاص بازداشت شده حسب تعریف فوق است.

ه: « زندانی کردن» به معنی وضعیت اشخاص زندانی حسب تعریف فوق است.

و: کلمات « مقامات قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح» به معنی یک مقام ذیصلاح قضایی یا غیر قضایی است که طبق قانون، جایگاه و شغل وی، محکم‌ترین تضمین‌ها از حیث صلاحیت، بیطرفی و استقلال را در اختیار وی قرار می‌دهد.

اصل ۱

با کلیه اشخاصی که موضوع هر گونه بازداشت یا حبس قرار می‌گیرند باید به شیوه انسانی و با رعایت کرامت ذاتی انسانها رفتار گردد.

اصل ۲

دستگیری، بازداشت و حبس باید صرفاً و بطور مضیق با رعایت مقررات قانونی و بوسیله مقامات رسمی صالح یا اشخاصی که در این زمینه دارای صلاحیت هستند، بعمل آید.

اصل ۳

نباید هیچگونه محدودیت یا تقلیل در زمینه حقوق انسانی اشخاص تحت هر گونه از بازداشت یا حبس که در یک دولت به رسمیت شناخته شده یا عملاً حسب قانون، معاهدات، ضوابط یا عرف وجود دارد به این عذر که مجموع اصول آن حقوق را به رسمیت نشناخته تا این حقوق را در سطح پایین‌تر به رسمیت شناخته است، بعمل آید.

اصل ۴

هر شکل از بازداشت یا حبس و کلیه تدابیری که حقوق انسانی یک شخص موضوع بازداشت یا حبس را تحت تأثیر قرار می‌دهد باید بوسیله قانون اجازه داده شده باشد و یا موضوع نظارت موثر یک مقام قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح قرار گیرد.

اصل ۵

۱- این اصول باید در مورد کلیه اشخاصی که در قلمرو سرزمینی هر یک از دول ذیربط قرار دارند بدون هر گونه تفاوت از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب یا اعتقاد مذهبی، نظرات سیاسی و غیرسیاسی، ملیت، قومیت یا ریشه اجتماعی، تولد یا سایر وضعیت‌ها، به اجرا در آید.

۲- کلیه تدابیری که حسب قانون و صرفاً بمنظور حمایت از حقوق و وضعیت‌های خاص زنان، به ویژه زنان آستان و مادران دارای نوزاد، اطفال و نوجوانان، کهنسالان یا اشخاص معلول بکار می‌رود، نباید تبعیض آمیز بنظر برسد. الزامات و اجرای این تدابیر باید اغلب موضوع بررسی و تجدیدنظر توسط مقام قضایی و سایر مقامات قرار گیرد.

اصل ۶

هیچیک از افراد موضوع اشکال مختلف بازداشت و حبس نباید موضوع شکنجه، برخورد خشن غیرانسانی و خوار کننده قرار گیرند.^۱

۱ - واژه برخورد یا مجازات «خشن» غیرانسانی یا خوار کننده باید تا حد امکان موسع تفسیر شود تا مانع سوء استفاده گردد. خواه جسمی باشد یا روانی. از قبیل قرار دادن اشخاص بازداشت یا حبس شده در شرایطی که بطور موقت یا دائم آنها را از بهره‌گیری از حواس طبیعی مانند دیدن و شنیدن یا درک موقعیت مکانی یا گذشت زمان محروم می‌کند.

هیچ اوضاع و احوالی نباید بعنوان توجیه شکنجه یا سایر اشکال برخورد یا مجازات خشن، غیرانسانی و خوار کننده قرار گیرد.

اصل ۷

۱- دولتها باید از طریق وضع قانون هر گونه اقدام مغایر حقوق و تکالیف مندرج در این اصول را ممنوع نموده، این قبیل اقدامات را موضوع ضمانت اجرای مناسب قرار دهند و درخصوص اعتراضات و شکایات در این زمینه تحقیقات بیطرفانه‌ای را به اجرا گذارند.

۲- مأمورین رسمی‌ای که دلایلی در دست دارند که آنها را معقتد نموده است که نقض مجموع اصول محقق یا در حال وقوع است، باید موضوع را به مقامات مافوق گزارش کرده و در صورت ضرورت، به سایر مقامات ذیصلاح یا ارگانهایی که بررسی موضوع به آنها واگذار شده یا دارای قدرت حل و فصل موضوع هستند نیز گزارش نماید.

۳- به سایر اشخاصی که دارای دلایلی هستند که آنها را معقتد نموده است که نقض مجموع اصول محقق یا در حال وقوع است باید این حق اعطا گردد که موضوع را به عالی‌ترین مقامات رسمی ذیربط همچنین سایر مقامات ذیصلاح یا ارگانهایی که بررسی و رسیدگی به موضوع در حوزه اختیارات آنهاست، گزارش نمایند.

اصل ۸

اشخاص موضوع بازداشت باید حسب وضعیت « غیرمحکومیت یافته شان» موضوع اقدامات قرار گیرند. در همین چهارچوب، آنها باید در هر موقعی

که امکان‌پذیر است از اشخاص محکومیت یافته جدا گردند.

اصل ۹

تصمیمات مقاماتی که اشخاص را دستگیر می‌کنند، آنان را موضوع بازداشت قرار می‌دهند یا درخصوص پرونده‌ها فقط براساس اختیارات اعطایی حسب قانون تحقیقات نموده و از صلاحیتهای خود در این زمینه استفاده می‌کنند باید موضوع تجدیدنظر توسط مقام قضایی یا سایر مقامات قرار گیرند.

اصل ۱۰

کلیه دستگیرشدگان باید حین دستگیری از دلایل دستیگری مطلع شده و فوری از کلیه اتهامات علیه خود آگاه شوند.

اصل ۱۱

۱- هیچکس نباید بدون اینکه يك فرصت مؤثر برای اینکه به اعتراض وي بطور سریع توسط يك مقام قضایی یا سایر مقامات رسیدگی شود، در حالت بازداشت قرار گیرد. يك بازداشت شده این حق را خواهد داشت که شخصاً از خود دفاع کند یا از معاضدت يك مشاوره که بوسیله قانون توصیف و تعیین شده است بهره‌مند گردد.

۲- بازداشت شده و مشاورش، اگر وجود داشته باشد، فوری و بطور جامع کلیه دستورات بازداشت بعلاوه دلایل آن را دریافت خواهد کرد.

۳- يك مقام قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح باید مجاز باشند که ضرورت تداوم بازداشت را بررسی و حسب مورد تجدیدنظر قرار دهند.

اصل ۱۲

۱- موارد ذیل باید بنحو صحیح ثبت گردد:

الف: دلایل دستگیری

ب: زمان دستگیری و قراردادن شخص دستگیر شده در بازداشتگاه همچنین اولین حضور وی نزد مقام قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح

ج: مشخصات شناسنامه‌ای مأمور اجرای قانون ذیربط

د: چکیده اطلاعات راجع به مکان بازداشت

۲- این سوابق باید به شخص بازداشت شده یا مشاورش، در صورت وجود، بصورتی که قانون تعیین کرده ابلاغ گردد.

اصل ۱۳

کلیه اشخاص به محض دستگیری یا در ابتدای بازداشت یا حبس یا فوری پس از آن، باید نزد مقام ذیصلاح ذیربط در زمینه دستگیری، بازداشت یا حبس برده شوند و به ترتیب اطلاعات و تشریح حقوق وی و اینکه او چگونه می‌تواند از این حقوق بهره‌مند شود باید به وی اعلام گردد.

اصل ۱۴

شخصی که بطور مناسب نتواند به زبانی که توسط مقامات ذیربط درخصوص دستگیری، بازداشت یا حبس بکار می‌رود را صحبت کند یا آنرا بفهمد، حق دارد فوری به زبانی که وی آنرا می‌فهمد اطلاعات مندرج در اصول ۱۰، پاراگراف ۲ اصل ۱۱، پاراگراف اصل ۱۲ و اصل ۱۳ را دریافت کند و از معاضدت یک مترجم، در صورت ضرورت رایگان، درارتباط با کلیه تشریفات که بعد از رسیدگی- اش اجرا می‌گردد، استفاده کند.

اصل ۱۵

علیرغم استثناءات مندرج در پاراگراف ۴ اصل ۱۶ و پاراگراف ۳ اصل ۱۸ ارتباط شخص بازداشت یا زندانی شده با دنیای خارج و بطور ویژه خانواده یا مشاورش نباید برای بیش از چند روز قطع گردد.

اصل ۱۶

۱- فوری پس از دستگیری و پس از هر بار انتقال وی از محل بازداشت یا حبس به مکان دیگر، شخص بازداشت یا حبس شده باید این حق را داشته باشد که خود مستقیماً یا از طریق مقام صالح موضوع را به اعضا خانواده یا سایر اشخاص ذیربط حسب انتخاب وی در زمینه دستگیری بازداشت یا حبس یا درخصوص انتقال و محلی که او در آن نگهداری می‌شود، اطلاع دهد.

۲- چنانچه شخص بازداشت یا زندانی شده تبعه خارجی باشد، او باید فوری از حق خود در زمینه برقراری ارتباط از طریق ساز و کارهای مناسب با نماینده کنسولی یا مأمور سیاسی کشوری که او تبعه آن است مطلع گردد. چنانچه وی پناهنده یا به نحو دیگری مشمول حمایت‌های یک سازمان بین‌الدولی باشد او استحقاق دارد این ارتباط را با لحاظ حقوق بین‌الملل با نماینده سازمان ذیصلاح بین‌المللی داشته باشد.

۳- اگر شخص بازداشت یا حبس شده نوجوان بوده یا قادر به فهم حقوق خود نباشد، مقام ذیصلاح حسب ابتکار خود زمینه ابلاغ موارد ارجاعی در اصل حاضر را فراهم می‌کند

. در توجه اساسي اين زمينه بايد به آگاه کردن والدین و سرپرستان معطوف گردد.

۴- کلیه اعلامات مندرج در این اصل، باید بدون تأخیر صورت گرفته یا زمینه ی انجام آن فراهم شود. مقام ذیصلاح می‌تواند اعلام مزبور را برای یک مدت معقول چنانچه الزامات تحقیقات اقتضا کند به تأخیر اندازد.

اصل ۱۷

- ۱- شخص بازداشت شده حق دارد از خدمات یک مشاور حقوقی بهره‌مند شود. او باید فوری پس از دستگیری از این حق خود توسط مقام ذیصلاح مطلع گردیده و تسهیلات متعارف برای اجرای آن مقرر گردد.
- ۲- چنانچه شخص بازداشت شده فاقد یک مشاور حقوقی انتخابی است، او حق دارد در کلیه پرونده‌ها از مشاور حقوقی‌ای که توسط مقام قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح منصوب می‌گردد استفاده کند مشروط به اینکه مصالح عدالت چنین اقتضاء کند. چنانچه وی وسایل کافی برای پرداخت حق الزحمه نداشته باشد، این خدمات باید رایگان باشد.

اصل ۱۸

- ۱- شخص بازداشت یا حبس شده حق دارد با مشاور حقوقی خود مشورت نماید.
- ۲- به شخص بازداشت یا زندانی شده باید فرصت و تسهیلات مناسب بمنظور مشورت با مشاور حقوقی‌اش داده شود.
- ۳- حق شخص بازداشت یا زندانی شده بر ملاقات و مشورت و ارتباط بدون تأخیر بدون نظارت شخص

ثالث، و بصورت کاملاً محرمانه، با مشاور حقوقی‌اش، نباید جز در موارد استثنایی که باید بوسیله قانون و مقررات قانونی، آنهم در زمانی که مقام قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح در راستای تثبیت امنیت و نظم مطلوب آنرا ضروری تشخیص دهد، معلق یا محدود گردد.

۴- ملاقاتهای بین شخص بازداشت یا حبس شده و مشاور حقوقی‌اش باید قابل رویت ولی بدون استماع مقامات اجرای قانون باشد.

۵- مطالب رد و بدل شده بین شخص بازداشت یا حبس شده و مشاور حقوقی‌اش در چهارچوب این اصل، بعنوان يك دليل علیه شخص بازداشت یا حبس شده غیرقابل پذیرش است. مگر اینکه مسئله مرتبط با استمرار جرم یا ارتکاب جرم جدید باشد.

اصل ۱۹

شخص بازداشت یا حبس شده این حق را دارد که به ویژه بوسیله اعضا خانواده‌اش ملاقات گردیده یا با وی مکاتبه گردد و باید به او موقعیت مناسب بمنظور ارتباط با جهان خارج در چهارچوب شرایط و محدوده‌های که دقیقاً بوسیله قانون یا مقررات قانونی ترسیم گردیده است، داده شود.

اصل ۲۰

چنانچه شخص بازداشت یا حبس شده درخواست کند، در صورت امکان محل بازداشت یا حبس وی باید عرفاً نزدیک اقامتگاه عادی وی باشد.

اصل ۲۱

۱- اخذ امتیاز ناصحیح از وضعیت شخص بازداشت یا حبس شده با هدف اجبار وی به

اقرار، متهم کردن خود به ارتکاب جرم، یا
ارائه شهادت علیه هر شخص دیگر ممنوع است.

۲- هیچ فرد بازداشت شده هنگام بازجویی
نباید مشمول خشونت، تهدید یا آندسته از
شیوه‌های بازجویی که به توان اخذ تصمیم یا
قضاوت وی آسیب می‌رساند، قرار گیرد.

اصل ۲۲

هیچ شخص بازداشت یا حبس شده حتی با رضایت خود،
نباید تحت آزمایشات پزشکی یا علمی ای که مضر به
سلامت وی است، قرار گیرد.

اصل ۲۳

۱- طول مدت هر بازجویی از شخص بازداشت
یا حبس شده و فواصل زمانی بین بازجویی‌ها
همچنین مشخصات شناسنامه‌ای مأمور بازجویی و
سایر اشخاص حاضر باید ثبت گردیده و در
فرمهایی که توسط قانون مشخص می‌شود، درج
گردد.

۲- شخص بازداشت شده حبس شده یا مشاور وی
در مواقعی که قانون مقرر کرده است، باید
حق دسترسی به اطلاعات مندرج در پاراگراف ۱
اصل حاضر را داشته باشند.

اصل ۲۴

یک معاینه پزشکی مناسب باید سریعاً پس از
پذیرش در بازداشتگاه یا زندان، برای شخص
بازداشت شده یا زندانی شده در نظر گرفته شود.
پس از آن مراقبتهای پزشکی و درمان نیز باید
در کلیه مواقع ضروری، منظور گردد. این مراقبت
و درمان باید رایگان باشد.

اصل ۲۵

شخص بازداشت یا حبس شده یا مشاورش، صرفاً براساس شرایط منطقی در زمینه ی تضمین امنیت و نظم مطلوب بازداشتگاه یا زندان، باید دارای حق درخواست اخذ آزمایش یا نظریه پزشکی برای بار دوم از مقام قضایی یا مقامات ذیصلاح دیگر باشد.

اصل ۲۶

در مواقعی که يك شخص بازداشت یا حبس شده موضوع آزمایشات پزشکی قرار می‌گیرد، نام پزشك و نتایج این آزمایش و معاینه باید بطور صحیح ثبت گردد. دسترسی به چنین سوابقی باید تضمین گردد. ساز و کار آن باید براساس قواعد ذیربط در نظام حقوقی ملی تعیین گردد.

اصل ۲۷

عدم رعایت این اصول در کسب دلایل باید در پذیرش دلایل مزبور علیه شخص بازداشت یا حبس شده مدنظر قرار گیرد.

اصل ۲۸

باید به شخص بازداشت یا حبس شده در چهارچوب محدودیتهایی که فراروی منابع وجود دارد ، این حق اعطا کرد ، حتی از منابع عمومی میزان متعارفی از موارد آموزشی فرهنگی و اطلاعات را با لحاظ شرایط مربوط به تضمین امنیت و نظم مطلوب مکان بازداشت یا حبس را دریافت کند.

اصل ۲۹

۱- بمنظور نظارت بر اجرای دقیق قوانین و مقررات ذیربط، مکانهای بازداشت باید بطور منظم بوسیله مأمورین ذیصلاحیت و مجرب منصوب توسط مقام صالح و مسئول در برابر ایشان که بازرسی کردند. این مأمورین نباید ازمره

مقاماتی که بطور مستقیم در اداره مکان بازداشت و حبس دخالت ندارند باشند.

۲- شخص بازداشت یا حبس شده باید دارای حق ملاقات آزادانه و کاملاً محرمانه با اشخاصی که مکانهای بازداشت یا حبس را با رعایت پاراگراف ۱ این اصل و با لحاظ شرایط منطقی مربوط به تضمین امنیت و نظم مطلوب این امکان، بازرسی می‌کنند باشد.

اصل ۳۰

۱- انواع رفتارهای شخص بازداشت یا حبس شده که تشکیل یک جرم انتظامی در طول زمان بازداشت یا حبس را می‌دهند، توصیف و مدت زمان کیفرهای انتظامی که ممکن است موضوع حکم قرار گیرد و مقامات صالح در اعمال این مجازات باید بطور دقیق بوسیله قانون یا مقررات قانونی تعیین و بطور صحیح منتشر گردد.

۲- شخص بازداشت یا حبس شده باید حق داشته باشد قبل از اعمال کیفرهای انتظامی دفاعش شنیده شود. او حق دارد این دعوی را به مقامات مافوق بمنظور تجدیدنظر منعکس کند.

اصل ۳۱

مقامات ذیصلاح مناسب، سعی خواهند کرد تا طبق قوانین داخلی، مساعدت موردنیاز را به خویشاوندان و بطور ویژه اعضا خردسال خانواده اشخاص بازداشت یا حبس شده را تضمین گردد و تدابیر اختصاصی را بمنظور مراقبت و نگهداری مناسب از اطفائی که فاقد نظارت سرپرست گردیده‌اند را به مرحله اجرا درآورند.

اصل ۳۲

۱- شخص بازداشت شده یا مشاورش حق دارند در هر زمان در چهارچوب قوانین ملی، درخواستی را به مقامات قضایی و سایر مقامات ذیصلاح بمنظور اعتراض به قانونی بودن بازداشت با هدف اخذ دستور فوری آزادی، در صورتی که اساس آن غیرقانونی باشد، تقدیم و رسیدگی به آنرا بخواهند.

۲- ساز و کار مندرج در پاراگراف ۱ این اصل، باید ساده و سریع بوده و برای بازداشت شده‌ای که فاقد وسیله پرداخت است، هزینه‌ای در بر نداشته باشد. مقامات مجری بازداشت باید بدون تأخیر نامتعارف شخص بازداشت شده را نزد مقام تجدیدنظر و بررسی مجدد اعزام نمایند.

اصل ۳۳

۱- شخص بازداشت یا حبس شده یا مشاورش دارای این حق هستند که درخواست یا اعتراض خود را درخصوص نحوه برخورد به ویژه در زمینه شکنجه یا سایر برخوردهای خشن، غیرانسانی یا خوار کننده به مقامات مسئول اداره مکان بازداشت یا مقامات مافوق و در صورت ضرورت به مقامات ذیصلاح درخصوص تجدیدنظر و دارای قدرت رسیدگی به موضوع تقدیم نمایند.

۲- در کلیه مواردی که نه شخص بازداشت یا زندانی شده و نه مشاورش فاقد امکان اجرای حقوق موضوع پاراگراف ۱ این اصل هستند، یک عضو خانواده شخص بازداشت یا زندانی

شده یا هر شخص دیگر که از موضوع مطلع است
ممکن است این حقوق را اجرا نمایند.

۳- محرمانه بودن درخواست یا اعتراض،
چنانچه معترض چنین خواسته باشد باید رعایت
شود.

۴- کلیه درخواستها یا اعتراضات باید فوری
بررسی و بدون تأخیر پاسخ داده شود. چنانچه
درخواست یا اعتراض مردود اعلام شود، یا در
مواردی که تأخیر زایدالوصف حاصل می‌گردد،
شخص معترض باید حق داشته باشد که موضوع را
به مقامات قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح
ارجاع دهد. نه شخص بازداشت یا حبس شده و
نه هیچ معترضی حسب پاراگراف ۱ این اصل
نباید به استناد تقدیم درخواست یا اعتراض
در معرض آسیب قرار گیرند.

اصل ۳۴

در مواقع مرگ یا ناپدید شدن شخص بازداشت یا
حبس شده در حین بازداشت یا حبس، باید یک تحقیق
درخصوص علت مرگ یا ناپدید شدن بوسیله مقامات
قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح، حسب تشخیص خود
یا طبق درخواست یکی از اعضا خانواده چنین شخص
یا هر شخصی که از موضوع اطلاع یافته است، صورت
گیرد. در مواقعی که اوضاع و احوال اقتضاء نماید
تحقیقات مشابهی باید با تشریفات مشابه در
مواقعی که مرگ یا ناپدید شدن بلافاصله پس از
انقضاء بازداشت یا حبس حادث می‌گردد صورت
پذیرد. یافته‌های این تحقیق یا گزارش ذیربط حسب
درخواست باید در دسترس قرار گیرد مگر اینکه این
موضوع تحقیقات در حال انجام را به مخاطره
اندازد.

اصل ۳۵

۱- خسارت حاصل از اعمال یا ترک فعلهای صادر از مقامات عمومی ناشی از نقض حقوق مندرج در این اصول باید براساس قواعد قابل اجرا یا مسئولیتی که حسب قوانین داخلی مقرر گردیده است جبران شود.

اصل ۳۶

۱- شخص بازداشت شده مظنون یا متهم به ارتکاب جرم باید بی‌گناه فرض شود و بر همین اساس با وی رفتار شود. مگر اینکه گناه وی حسب قوانین در یک رسیدگی علنی که وی در آن از کلیه تضمین‌های ضروری حق دفاع بهره‌مند باشد احراز گردد.

۲- دستگیری یا بازداشت چنین شخصی در طول تحقیقات و محاکمه باید صرفاً براساس اهداف مربوط به اجرای عدالت و براساس دلایل و تحت شرایط و تشریفات که بوسیله قانون دقیقاً تعیین شده است صورت گیرد. تحمیل محدودیت بر چنین شخصی در مواقعی که بالضروره برای هدف بازداشت یا ممانعت از ایجاد تأخیر در اجرای تحقیقات یا اجرای عدالت یا بقاء امنیت و نظم مطلوب مکان بازداشت لازم است، ممنوع می‌باشد.

اصل ۳۷

شخصی که به استناد اتهام کیفری بازداشت می‌گردد، باید بلافاصله پس از دستگیری نزد مقام قضایی یا مقام ذیصلاح دیگر اعزام شود.

اصل ۳۸

شخص بازداشت شده به استناد يك اتهام كيفري حق دارد در يك مدت متعارف محاکمه شود در غير اينصورت در طول محاکمه آزاد گردد.

اصل ۳۹

جز در موارد استثنایي که حسب قانون مشخص مي-گردد، شخص بازداشت شده به استناد يك اتهام كيفري حق دارد در طول محاکمه با رعایت شرايطي که ممکن است حسب قانون تحميل گردد، آزاد باشد مگر اینکه مقام قضايي يا ساير مقامات صلاحیت-دار، بنا بر مقتضیات اجرائي عدالت به گونه دیگری تصمیم گرفته باشند. این مقامات باید ضرورت ادامه بازداشت را تحت بررسی و تجدیدنظر مداوم قرار دهند.

شرط عمومي

هیچ يك از مندرجات مجموع اصول نباید بنحوي تفسیر گردد که سبب تحدید یا تقلیل حقوق مندرج در میثاق بین‌المللي حقوق مدني و سیاسي گردد.^۱

۴- اصول اساسي نحوه رفتار با زندانیان^۲

۱- با کلیه زندانیان باید با احترام به کرامت کلي و شان انسانی رفتار گردد.

۲- هیچ گونه تبعیض براساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، عقاید سیاسي و غیرسیاسي، ریشه ملي یا اجتماعي، اموال، تولد و ساير وضعیتها نباید بعمل آید.

۳- همچنین، مطلوب اینست که اعتقادات مذهبي و مفاهیم اخلاقي گروهی که زندانی متعلق به آن است در مواردی که شرایط محلي چنین اقتضایی داشته باشد، مورد لحاظ قرار گیرد.

۱ - قطعنامه شماره (XXI) A ۲۲۰۰ مجمع عمومي به پیوست.

۲ - قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۱ مجمع عمومي به پیوست.

۴- تکلیف زندانها بر نگهداری زندانیان و حمایت از جامعه علیه جرم باید با لحاظ سایر اهداف جامعه و تکالیف اساسی آنها در گسترش رفاه و توسعه اعضا جامعه به اجرا درآید.

۵- جز در مورد محدودیتهایی که ضرورت آن بمنظور اجرای حبس آشکار است، کلیه زندانیان از حقوق بشر و آزادیهای اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و چنانچه دولت ذیربط عضو آن باشد میثاق بینالمللی حقوق اقتضای اجتماعی و فرهنگی^۲ و میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکلهای اختیاری ذیربط^۳ همچنین سایر حقوقی که در میثاقهای سازمان ملل مندرج است، بهره‌مند خواهند بود.

۶- کلیه زندانیان دارای حق مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و آموزشی که در راستای ترقی همه جانبه شخصیت انسانها صورت می‌پذیرد هستند.

۷- مساعی معمولی در زمینه نسخ سلب آزادی مجرد بعنوان مجازات یا محدودیتهایی که برای کاربرد آن منظور می‌گردد باید تأیید و مورد تشویق قرار گیرد.

۸- باید شرایطی فراهم گردد که زندانیان را قادر سازد به کاری که به آنها توانمندی مناسبی که سبب تسهیل هماهنگی آنها با بازار کار کشور مزبور شده و به آنها اجازه دهد که در تقویت و توان مالی خود و خانواده‌شان می‌گردد بپردازند.

۱ - قطعنامه شماره (III) A ۲۱۷ مجمع عمومی.

۲ - قطعنامه شماره A(XXI) ۲۲۰۰ بیوست.

۳ - همان

۹- زندانیان باید به خدمات بهداشتی که در کشور در دسترس است بدون تبعیض از حیث وضعیت قانونی دسترسی داشته باشند.

۱۰- با مشارکت و مساعدت جامعه و موسسات اجتماعی، و با توجه مناسب به منافع بزه‌دیدگان، باید شرایط مطلوب بمنظور هماهنگی مجدد شخص زندانی سابق در جامعه تحت بهترین شرایط ممکن ایجاد گردد.

۵ - اعلامیه کامپالا در زمینه شرایط زندان در
افریقا^۱

شرایط زندان

با لحاظ اینکه در تعدادی از کشورهای افریقایی، میزان جمعیت زاید بر ظرفیت، غیرانسانی است بدین معنی که بهداشت وجود ندارد، غذا غیرکافی یا کم است، دسترسی به خدمات پزشکی مشکل است، فعالیت بدنی یا آموزش وجود ندارد همچنین امکان استمرار علقه‌های فامیلی ناموجود است.

با یادآوری بر اینکه کلیه اشخاص محروم از آزادی حق کرامت انسانی دارند. همچنین با یادآوری هنجارهای جهانی در زمینه حقوق بشر که ممنوعیت مطلق در زمینه شکنجه با هر وصف منظور کرده است.

با تاکید بیشتر بر اینکه برخی از گروه‌های زندانیان از قبیل نوجوانان، زنان، کهنسالان و بیماران جسمی و روانی بطور ویژه آسیب‌پذیرند و نیازمند التفات ویژه هستند.

با خاطر نشان کردن اهمیت برخورد مناسب با بازداشت‌شدگان زن و ضرورت به رسمیت شناختن
احتیاجات مخصوص آنان

شرکت کنندگان در سمینار بین‌المللی شرایط زندان در افریقا منعقد در کامپالا^۱ از ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۶ موارد زیر را توصیه می‌نمایند:

۱- اینکه حقوق بشر زندانیان باید در کلیه زمانها تضمین گردد و آژانسهای غیردولتی دارای نقش اختصاصی از این منظر هستند.

۲- اینکه زندانیان باید از کلیه حقوق خود جز آن قسمت که بطور صریح مرتبط با واقعیت زندانی بودن آنهاست، بهره‌مند هستند.

۳- اینکه شرایط زندگی زندانیان باید با کرامت انسانی آنها تضاد نداشته باشد.

۴- اینکه شرایطی که زندانیان در آن نگهداری می‌شوند و مقررات زندان نباید مشتقاتی که قبلاً بدلیل از دست رفتن آزادی بوجود آمده است را تشدید کنند.

۵- اینکه آثار زیانبار زندان باید بنحوی محدود گردد که زندانیان حس احترام به خود و حس مسئولیت شخصی را از دست ندهند.

۶- اینکه به زندانیان باید این فرصت داده شود روابط با خانواده و دنیای خارج را استمرار بخشیده و توسعه دهند.

۷- اینکه آموزش نظری و حرفه‌ای بمنظور آماده سازی آنها برای هماهنگی با جامعه پس از آزادی، باید در اختیار زندانیان قرار گیرد.

۸- اینکه التفات ویژه باید به زندانیان آسیب‌پذیر بعمل آمده و سازمانهای غیردولتی که

۱ - این سمینار مشترکاً بوسیله اصلاحات بین‌المللی زندان و کمیسیون افریقای حقوق بشر با مشارکت موسسه ابتکارات در زمینه حقوق بشر و دولت اوگاندا، از طریق بخش زندانها و با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و نظارت بین‌المللی بر زندانها برگزار گردید.

در زمینه این دسته از زندانیان فعالیت دارند مورد حمایت قرار گیرند.

۹- اینکه هنجارهای سازمان ملل و منشور حقوق بشر افریقایی^۱ در زمینه نحوه برخورد با زندانیان باید بمنظور حمایت از حقوق بشر زندانیان، در نظام قانونی ملی گنجانیده گردد.

۱۰- اینکه سازمان اتحادیه افریقایی و دول عنصر آن باید مساعی خود بمنظور اطمینان از اینکه زندانیان در حداقل شرایط امنیتی موردنیاز بمنظور حفظ امنیت عمومی بازداشت می‌گردند.

زندانیان در انتظار محاکمه

با لحاظ اینکه اکثر زندانیان در افریقا شامل دسته جات بزرگ زندانیان در انتظار محاکمه بعضاً برای چند سال است.

همچنین با لحاظ اینکه بمنظور نیل به این منظور، آیین دادرسی پذیرفته شده توسط پلیس، مقامات تعقیب و مقامات قضایی می‌تواند اثر بسیار با اهمیت بر جمعیت زاید بر میزان زندان بر جای گذارند.

شرکت کنندگان در سمینار بین‌المللی شرایط زندان در افریقا، منعقد شده در کامپالا از ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۶، موارد زیر را توصیه نمودند:

۱- اینکه پلیس، مقامات تعقیب و قضایی باید از مشکلات ناشیه از انبوهی جمعیت زندان آگاه گردند و با اداره زندان در یافتن راه‌های برای کاهش آن تشریک مساعی نمایند.

۲- اینکه تحقیقات قضایی و تشریفات زیربط باید این موضوع را تضمین کند که زندانیان در کمترین زمان ممکن در بازداشت در حالت در انتظار محاکمه قرار گیرند بطور مثال با خودداری از استمرار بازداشت در حال انتظار محاکمه توسط دادگاه.

۳- اینکه باید سیستم خاصی برای بررسی منظم زمانی که بازداشت شدگان در حالت در انتظار محاکمه سپری کرده‌اند در نظر گرفته شود .

نیروی انسانی زندان

با لحاظ اینکه هر گونه توسعه در شرایط زندانیان وابسته به وجود یک نیروی انسانی است که به فعالیت خود می‌بالد و دارای میزانی از قدرت اعمال صلاحیت است.

با یادآوری اینکه این مسئله فقط زمانی محقق خواهد گردید که نیروی انسانی بطور مناسب آموزش دیده باشند.

شرکت کنندگان در سمینار بین‌المللی در زمینه شرایط زندان در افریقا، منعقد در کامپالا از ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۶ موارد زیر را توصیه کردند:

- ۱- اینکه باید یک جایگاه استخدامی مناسب برای نیروی انسانی زندان وجود داشته باشد.
- ۲- اینکه کلیه نیروی انسانی زندان باید وابسته به یک وزارتخانه دولتی بوده و باید یک رابطه صریح در زمینه فرماندهی بین اداره زندان مرکزی و نیروی انسانی زندان برقرار باشد.

۳- اینکه دولت باید تجهیزات و منابع مالی کافی برای نیروی انسانی بمنظور اجرای مناسب شرح وظیفه خود در نظر بگیرد.

۴- اینکه هر کشور باید برنامه‌های آموزشی مناسب را برای نیروی انسانی زندان که در آن موسسه افریقایی سازمان ملل برای پیشگیری از جرم و درمان مجرمین نیز دعوت به مشارکت گردد، در نظر بگیرد.

۵- اینکه باید موسسه ملی یا زیرمنطقه‌ای برای ارائه این برنامه‌های آموزشی وجود داشته باشد.

۶- اینکه اداره اجرای مجازات باید بطور مستقیم در استخدام نیروی انسانی زندان مداخله نماید.

مجازات‌های جایگزین

با التفات به اینکه در مساعی راجع به کاهش جمعیت زاید بر ظرفیت زندان، برخی کشورها در صدد یافتن راه حل از طریق عفو عمومی و خصوصی یا تأسیس زندانهای جدید برآمده‌اند.

با لحاظ اینکه جمعیت زاید بر ظرفیت زمینه برخی مشکلات از قبیل مشکلاتی که برای نیروی انسانی ایجاد می‌گردد را فراهم می‌کند ..

با توجه به تأثیر محدود زندان به ویژه بر آنانی که مجازات‌های کوتاه مدت را دریافت نموده و هزینه زندان بر کل جامعه با لحاظ قواید زایدالوصفی که کشورهای افریقایی در اتخاذ تدابیری که جایگزین مجازات‌های سالب آزادی به ویژه در پرتو اصول حقوق بشر گردیده است بدست آورده اند .

با لحاظ اینکه خدمات اجتماعی و یا تدابیر غیرسالب آزادی، جایگزین‌های ابتکاری زندان

محسوبند و اینکه این زمینه باید در افریقا توسعه یابد .

همچنین با لحاظ اینکه جبران خسارت یکی از ارکان ضروری کیفرهای غیرسالب آزادی است همچنین با التفات بیشتر به اینکه مقرراتی که وضع می‌گردند می‌توانند تضمین کنند که خدمات اجتماعی و سایر تدابیر غیرسالب آزادی باید بعنوان یک جایگزین زندان بکار روند. شرکت کنندگان در سمینار بین-المللی در زمینه شرایط زندانیان در افریقا، منعقد شده در کامپالا از ۱۹ الی ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۶ موارد زیر را توصیه نمودند:

- ۱- اینکه جرایم خرد باید حسب رویه جاری مورد رسیدگی قرار گیرند مشروط به اینکه اصول حقوق بشر رعایت گردد و اشخاص ذیربط به آن رضایت داده باشند.
- ۲- اینکه در مواقع ممکن، جرایم خرد باید از طریق میانجی‌گری مورد رسیدگی قرار گیرد و باید اختلاف بین طرفین ذیربط بدون توسل به سیستم عدالت کیفری حل و فصل گردد.
- ۳- اینکه اصل جبران خسارت مدنی یا پرداخت غرامت باید با لحاظ توانایی مالی مجرم یا بزه‌دهنده اش به اجرا در آید.
- ۴- اینکه در صورت امکان، عواید حاصل از کاری که توسط مجرم انجام می‌شود، باید به مصرف جبران خسارت بزه‌دهنده برسد.
- ۵- اینکه خدمات اجتماعی و سایر تدابیر غیرسالب آزادی، در صورت امکان، باید نسبت به زندان در اولویت باشد.
- ۶- باید در زمینه امکان اجرای مدلهایی که بطور موفقیت‌آمیز در افریقا در زمینه

تدابیر غیرسالب آزادی مورد پذیرش قرار گرفته است و اجرای آن در سایر کشورهایی که تاکنون از آن استفاده نکرده‌اند، مطالعه علمی صورت گیرد.

۷- اینکه عموم مردم باید درباره اهداف این جایگزینها و اینکه مکانیزم کارکرد آنها چگونه است مورد آموزش قرار گیرند.

کمیسیون افریقای حقوق بشر با لحاظ اینکه کمیسیون افریقای حقوق بشر تضمین ترویج حمایت از حقوق بشر در افریقا را برعهده دارد.

همچنین با لحاظ اینکه این کمیسیون در مواقع مختلف توجه ویژه خود به موضوع شرایط نامناسب زندان در افریقا را نشان داده است و اینکه قبلاً در این خصوص قطعنامه‌ها و تصمیمات ویژه‌ای اتخاذ نموده است.

شرکت کنندگان در سمینار بین‌المللی درباره شرایط زندان در افریقا، منعقد شده در کامپالا از ۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۶ توصیه نمودند که کمیسیون افریقای حقوق بشر افریقای اقدامات زیر را معمول دارد:

۱- به فعالیت خود در زمینه نیل به اولویتهای مربوط به تحول شرایط زندان در سراسر افریقا ادامه دهد.

۲- در اسرع وقت يك گزارشگر مخصوص در زمینه زندانها در افریقا را معرفی نماید.

۳- دولتهای عضو را از توصیه‌های مندرج در اعلامیه حاضر مطلع کند و هنجارها و استانداردهای زندان سازمان ملل متحد را به اطلاع عمومی برساند.

۴- با سازمانهای غیردولتی و سایر موسسات ذیصلاح
بمنظور اطمینان از اجرای توصیه‌های مندرج
در اعلامیه حاضر در کلیه دولتهای عضو
همکاری کند.

۶- جایگاه اتباع خارجی در آیین دادرسی کیفری^۱
شورای اقتصادی و اجتماعی
در چهارچوب اعلامیه جهانی حقوق بشر که بوسیله
جمع عمومی در قطعنامه شماره (III) A ۲۱۷ مورخ
۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ پذیرفته و اعلام گردیده است.
با التفات به اسناد قانونی بین‌المللی ذیربط در
زمینه حقوق بشر همچنین با التفات به قواعد
استاندارد حداقل برای نحوه برخورد با زندانیان
که در اولین کنگره سازمان ملل در زمینه پیشگیری
از جرم و درمان مجرمین منعقد در ژنو از ۲۲ تا
۳ سپتامبر ۱۹۵۵^۲ مورد قبول قرار گرفته و به
تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی حسب قطعنامه
(XXIV) C ۶۶۳ مورخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷ رسیده است، و
تشریفات راجع به اجرای موثر قواعد استاندارد
حداقل برای درمان زندانیان، که بوسیله این
شورا در قطعنامه شماره ۱۹۸۴/۴۷ مورخ ۲۵ می
۱۹۸۴ به تصویب رسیده و در پیوست آن درج
گردیده است.

با یادآوری قطعنامه شماره ۴۹/۱۵۹ مورخ ۲۲
دسامبر ۱۹۹۴ جمع عمومی که در آن جمع عمومی
اعلامیه سیاسی و طرح اقدام جهانی علیه جرم
سازمان یافته فراملی پذیرفته شده توسط
کنفرانس وزرای جهان در زمینه جرم سازمان

۱ - قطعنامه شماره ۱۹۹۸/۲۲ شورای اقتصادی و اجتماعی.

۲ - انتشارات سازمان ملل متحد، شماره فروش IV.۴ ۱۹۵۶ پیوست I بخش A.

یافته فراملي منعقدہ در ناپل ایتالیا از ۲۱ تا ۲۳ نوامبر ۱۹۹۴ را به تصویب رسانده است.^۱ با ایمان به ضرورت لحاظ کرامت انسانی و به رسمیت شناختن حقوق اشخاص مشمول آیین دادرسی کیفری بنحوی که در میثاقهای مربوط به حقوق بشر مندرج است.^۲

با تشویق دولتهای عضو که تاکنون در این زمینه اقدامی ننموده اند که تدابیر زیر را بررسی و مورد قبول قرار دهند:

الف: بطور دقیق این مسئله را بررسی کنند که در چه مواقعی اتباع خارجی مشمول تعقیب کیفری از حقوقی که از نظر بین‌المللی در زمینه تعقیب کیفری در کلیه مراحل آیین دادرسی به رسمیت شناخته شده است بهره‌مند هستند.

ب: اطمینان حاصل نمایند که اشخاصی که مشمول کیفرهای خیلی شدید سلب آزادی یا شرایط نامطلوب زندان در یک کشور نیستند صرفاً به دلیل تابعیت خارجی آنها نباشد.

ج: ساز و کار ضروری برای تضمین اینکه کلیه اتباع بیگانه موضوع آیین دادرسی کیفری که زبان مادری وی آن زبانی نیست که در کشور مجری آیین دادرسی علیه وی بکار می‌رود یا بدین دلیل که او قادر به فهم ماهیت چنین تشریفات نیست، را منظور نمایند بنحوی که وی در سراسر محاکمه تا حدی که امکانپذیر است از خدمات یک مترجم شفاهی مناسب با زبان مادری بهره‌مند گردد.

د: در مواقعی که قانون یا رویه‌های داخلی اجازه می‌دهد، برای اتباع بیگانه در وضعیت مشابه با اتباع داخلی، مشروط به احراز شرایط

۱ - A/۴۹/۷۴۸ ، پیوست، بخش I ، قسمت A.
۲ - قطعنامه شماره A (XX) ۲۲۰۰ مجمع عمومی پیوست.

کامل، مجازات‌های کیفی جایگزین یا مجازات‌های اداری حسب مقررات دولت مجری آیین دادرسی، منظور نمایند.

هـ : تشریک مساعی برای اجرای اسناد بین‌المللی لازم الاجرا از قبیل کنوانسیون وین در زمینه روابط کنسولی که ضمناً حاوی الزام بر اعلام به مقامات کنسولی در زمینه بازداشت شهروندان آنهاست.

۷- اعلامیه آروشا در زمینه شیوه اداره مطلوب زندان

با آگاهی از این واقعیت که اداره زندانها یک خدمت اجتماعی است و اینکه آگاه کردن عمومی از کارکرد خدمات زندان از اهمیت برخوردار است. همچنین با آگاهی از ضرورت ترویج شفاف سازی و مسئولیت پذیری در اداره زندانها و در زمینه زندانیان در افریقا

با یادآوری، اعلامیه کامپالا در زمینه شرایط زندان در افریقا^۱ که حاوی یک فهرست برای اصلاحات کیفی در افریقا است.

با تذکر اعلامیه کادوما در مورد خدمات اجتماعی^۲ که استفاده بیشتر از تدابیر غیرسالب آزادی درخصوص جرایمی که در مقیاس کیفی درجات پایین را بخود اختصاص می‌دهند.

همچنین با تذکر مقررات منشور افریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱^۳، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۴ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۵ و کنوانسیون علیه شکنجه و سایر برخوردها یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی و

۱ - قطعنامه شماره ۱۹۹۹/۲۷ شورای اقتصادی و اجتماعی، پیوست.

۲ - قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۳۶ شورای اقتصادی و اجتماعی، پیوست.

۳ - قطعنامه شماره ۱۹۹۸/۲۳، پیوست I.

۴ - قطعنامه A(XXI) ۲۲۰۰ مجمع عمومی پیوست.

۵ - قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ مجمع پیوست.

خوارکننده^۱ که حق حیات، دادرسی فوری و کرامت انسانی را تضمین می‌کند.

با التفات به قواعد استاندارد حداقل در زمینه برخورد با زندانیان، قواعد استاندارد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان (قواعد پکن)^۲ مجموع اصول برای حمایت از کلیه اشخاصی که تحت هر نوع از بازداشت یا حبس قرار گرفته‌اند^۳ و مجموعه قواعد رفتار مقامات رسمی مجری قانون^۴

همچنین با التفات به اینکه مأمورین زندان، که استانداردهای ملی و بین‌المللی در زمینه حمایت از زندانیان را رعایت می‌کنند این حق را دارند که توسط مقامات زندان وقتی که آنها مجدمت گرفته می‌شوند و در جامعه بطور کلی مورد احترام قرار گیرند.

با التفات به این که در اکثر زندانهای افریقا، این استانداردهای حداقل ملی و بین‌المللی بنحو نامطلوب به اجرا در می‌آیند.

شرکت کنندگان در چهارمین کنفرانس روسای سرویسهای اصلاح و تربیت افریقای مرکزی، شرقی و جنوبی منعقد شده در آروشا از ۲۳ تا ۲۷ فوریه ۱۹۹۹ درخصوص اصول زیر توافق نمودند:

الف: ترویج و اجرای روشهای مطلوب اداره زندان، در تطابق با استانداردهای بین‌المللی صدرالذکر و اصلاح قوانین ملی براساس این استانداردها چنانچه تاکنون مورد عمل قرار نگرفته است.

۱ - قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ جمع عمومی بیوست.
۲ - قطعنامه شماره ۴۳/۱۷۳ جمع عمومی بیوست.
۳ - قطعنامه شماره ۴۳/۱۷۳ جمع عمومی بیوست.
۴ - قطعنامه شماره ۳۴/۱۶۹ جمع عمومی بیوست.

ب: اصلاح و تحول روشهاي اداره زندان، در زندانهاي فردي و در سيستم اجراي مجازات بعنوان يك كل، بمنظور افزايش شفافيت و تأثير در قلمرو سرويس زندان.

ج: تقويت حرفه‌اي بودن نيروي انساني زندان، و ترقي شرايط كاري و زندگي آنان.

د: لحاظ و حمايت حقوق و كرامت زندانيان همچنين تضمين رعايت استانداردهاي ملي و بين‌المللي.

ه: تهيه برنامه‌هاي آموزشي براي نيروي انساني اداره زندان بنحوي كه حاوي استانداردهاي حقوق بشر با روشي كه واقعي و مرتبط تلقي گردد و تقويت پايه مهارتي مأمورين زندان و تأسيس هيات آموزشي كنفرانس سران خدمات اصلاح و تربيت افريقي مركزي، شرقي و حقوقي براي اين منظور.

و: ايجاد ساز و كارهاي اجراي عدالت كيفري حاوي كليه ارکان سيستم عدالت عدالت كيفري كه قابليت هماهنگ سازي فعاليتها و تشريك مساعي در حل و فصل مشكلات مشترك را داشته باشد.

ز: دعوت از گروههاي اجتماعي مدني به زندان بمنظور فعاليت در معيت سرويسهاي زندان با هدف اصلاح شرايط زندان و فعاليت در حوزه‌هاي پيراموني زندان

ج: درخواست از دولتها و سازمانهاي ملي و بين-المللي براي ارائه حمايت كامل از اعلاميه حاضر.

مبحث دوم: عدالت در زمینه نوجوانان
۸- قواعد استاندارد حداقل در زمینه
اجرای عدالت برای نوجوانان (قواعد پکن)^۱
قسمت اول
اصول عمومی

۱- رویکردهای اساسی

۱-۱- دولتهای عضو باید در چهارچوب و با
رعایت منافع عمومی، رفاه نوجوانان و
خانواده آنها را در دستور کار اقدامات خود
قرار دهند.

۱-۲- دولتهای عضو باید مساعی خود برا
معطوف گسترش شرایطی نمایند که برای جوانان
یک زندگی معنادار در جامعه که در طی آن
چنانچه وی در معرض رفتار کژمدارانه قرار
گرفت، بتواند براساس آموزش و تقویت شخصیت
تا حد امکان خود را از جرم و انحراف مصون
نگه دارد.

۱-۳- توجه بایسته باید به تدابیر عینی که شامل
بسیج کلیه منابع احتمالی شامل خانواده،
اشخاص داوطلب و سایر گروههای اجتماعی
همچنین مدارس و سایر موسسات اجتماعی با هدف
گسترش رفاه نوجوانان با رویکرد کاهش ضرورت
توسل به مداخله قانونی و تعامل موثر
منصفانه و انسانی با نوجوان در صورت نقض
قوانین، مبذول گردد.

۱-۴- این موضوع باید درک گردد که عدالت در
زمینه نوجوانان بعنوان یک رکن داخلی
فرایند توسعه ملی هر کشور در چهارچوب
جامع عدالت اجتماعی برای کلیه نوجوانان

به حساب می آید. بر این اساس در زمان مشابه، باید تشریح مساعی در زمینه حمایت از نوجوانان و پذیرش قطعی مسألت‌آمیز در جامعه بعمل آید.

۱-۵- این قواعد باید با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر هر دولت عضو به اجرا درآید.

۱-۶- سرویسهای عدالت در زمینه نوجوانان، باید بطور سیستماتیک توسعه یافته و با رویکرد توسعه و بقاء صلاحیت نیروی انسانی ذیربط، شامل روشها رویکردها و گرایشهای آنان هماهنگ گردد.

تفسیر

این رویکردهای اساسی بسیار وسیع مربوط به سیاست اجتماعی جامع بطور کلی است و هدف از آن گسترش رفاه برای نوجوانان در بیشترین قلمرو ممکن، که ما حاصل آن تحدید موارد استفاده از مداخله سیستم عدالت در زمینه نوجوانان است و به نوبه خود سبب تقلیل دامنه خساراتی می‌گردد که ممکن است از هر مداخله حادث گردد. چنین تدابیر مراقبتی برای نوجوانان قبل از در معرض جرم قرار گرفتن از لوازم منطقی سیاست اصولی است که نیاز به اجرای این قواعد را مرتفع می‌نماید.

قواعد ۱-۱ تا ۱-۳ بر نقش مهمی تاکید دارد و آن اینست که یک سیاست اجتماعی ساختاری در زمینه نوجوانان در قلمرو پیشگیری از جرم و انحراف توسط نوجوانان باید به اجرا درآید.

قاعده ۱-۴ عدالت برای نوجوانان را بعنوان یک رکن درونی عدالت اجتماعی برای نوجوانان برمی‌شمرد و این در حالیست که قاعده ۱-۶ به ضرورت

توسعه فراگیر عدالت برای نوجوانان بدون نادیده انگاری توسعه سیاست اجتماعی پایدار برای نوجوانان بطور کلی با التفات به ضرورت توسعه دائمی سرویسهای نیروی انسانی توجه دارد. قاعده ۵-۱- می‌خواهد شرایط موجود در برخی از دولتهای عضو که ممکن است زمینه‌ای را فراهم کند که روش اجرای قواعد اختصاصی که ضرورتاً منطبق با روشی که در دولتهای دیگر پذیرفته شده، نباشد را بررسی کند.

۲- قلمرو قواعد و تعاریف

۲-۱- قواعد استاندارد حداقل زیر باید در زمینه نوجوانان مجرم بصورت بیطرفانه بدون تفاوت از هر حیث بطور مثال از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، عقاید سیاسی و غیرسیاسی، ریشه ملی و اجتماعی، تولد و سایر وضعیتهای دیگر به اجرا درآید.

۲-۲- در چهارچوب این قواعد، تعاریف زیر باید بوسیله دولتهای عضو به شیوه‌ای که هماهنگ با رویکردها و مفاهیم سیستم حقوقی‌شان است، بکار رود:

الف: يك نوجوان يك طفل يا شخص غيربزرگسالي است که حسب رویکرد سیستمهای قانونی ممکن است به دلیل ارتکاب جرم مشمول آیین دادرسی متفاوت از آیین دادرسی بزرگسالان شود.

ب: يك جرم هر رفتار (فعل یا ترك فعل) است که توسط قانون حسب رویکرد سیستمهای حقوقی، قابل مجازات است.

ج: يك بزهدار نوجوان يك طفل يا غيربزرگسالي است که متهم به ارتکاب جرم است یا ارتکاب جرم توسط وی به اثبات رسیده است.

۳-۲- باید بمنظور ایجاد مجموعه ای از قوانین، قواعد و مقررات که بطور اختصاصی درخصوص بزهکاران نوجوانان قابل اجرا باشد در قلمرو صلاحیت می هر کشور، اقدام گردد و موسسات و ارگانه‌های مخصوص اجرای وظایف مربوط به اجرای عدالت برای نوجوانان تاسیس و به شرح ذیل طراحی گردند:

الف: به نیازهای مختلف بزهکاران نوجوان آن هنگام که حقوق اساسی آنها حمایت می‌گردد، توجه گردد.

ب: به نیازهای جامعه توجه گردد.

ج: قواعد ذیل بصورت کامل و منصفانه به اجرا در آید.

تفسیر

قواعد استاندارد حداقل عمداً بنحوی تنظیم گردیده است که در نظامهای مختلف حقوقی و در کلیه زمانها قابل اجرا باشد. بدین منظور مجموعه‌ای از استانداردهای حداقل بمنظور قرار دادن بزهکاران نوجوان تحت هر تعریفی از نوجوان و در هر سیستم که با بزهکاران نوجوان مرتبط است، را اعلام کرده است این قواعد باید در همه موارد بصورت منصفانه و بدون اختلاف از هر نوع که باشد به اجرا در آید.

قاعده ۱-۲- بر این اساس بر اهمیت اجرای همیشگی منصفانه و بدون هرگونه تبعیض این قواعد را مورد تأکید قرار می‌دهد. این قاعده در صدد تنظیم اصل مندرج در اعلامیه حقوق کودک است.^۱

۱ - قطعنامه (XIV) ۱۳۸۶ همچنین بنگرید به کنوانسیون راجع به لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (قطعنامه شماره ۳۴/۸۰ پیوست) اعلامیه کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی (گزارش کنفرانس جهانی مبارزه با نژادگرایی و تبعیض نژادی. ژنو. ۲۵-۱۴ اگوست ۱۹۷۸) اعلامیه راجع به لغو کلیه اشکال عدم تسامح و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد (قطعنامه ۳۶/۵۰) قواعد استاندارد حداقل در زمینه نحوه برخورد با زندانیان، اعلامیه کاراکاس (قطعنامه شماره ۳۵/۱۷۱، پیوست) و قاعده ۹.

قاعده ۲-۲- کلمه « نوجوان » و « جرم » را که ارکان مفهوم « بزهدار نوجوان » است را مورد تعریف قرار می‌دهد، متنی که موضوع اصلی این قواعد استاندارد حداقل است. (همچنین بنگرید به قاعده ۳ و ۴). باید متذکر شد که تعیین قلمرو سنی وابسته به، و بدیهی است که باید وابسته به رویکرد نظام قانونی ذیربط با توجه کامل به وضعیت اقتصادی، اجتماعی سیاسی، فرهنگی و سیستم قانونی دولتهای عضو باشد. این رویکرد زمینه‌ای را فراهم می‌کند که اختلاف چشمگیری تحت تعریف نوجوان از ۷ تا ۱۸ و سال و بالاتر وجود داشته باشد.

چنین اختلافاتی با توجه به اختلاف سیستمهای حقوقی ملی اجتناب ناپذیر بنظر می‌رسد و سبب کاهش تأثیر قواعد استاندارد حداقل مزبور میشود.

قاعده ۲-۳- به مسئله ضرورت قانونگذاری ملی ویژه برای اجرای کمال مطلوب این قواعد استاندارد حداقل هم از حیث قانونی و هم از حیث اجرایی، می‌پردازد.

۳- قلمرو این قواعد

۳-۱- مقررات ذیربط از این قواعد نه تنها باید در خصوص بزهداران نوجوان به اجرا در آید بلکه درباره نوجوانانی که مرتکب برخی از رفتارهای خاص می‌گردند که در صورت ارتکاب توسط بزرگسال جنبه کیفری نداشتند، نیز به کار می‌رود.

۳-۲- تلاشها باید به منظور توسعه قلمرو اصول مندرج در این قواعد به کلیه نوجوانان که مشمول اقدامات رفاهی و آیین مراقبت هستند، صورت پذیرد.

۳-۳- تلاشها همچنین باید بمنظور توسعه قلمرو اصول مندرج در این قواعد برای بزهکاران جوان بعمل آید.

تفسیر

قاعده ۳ حمایت مندرج در قواعد استاندارد حداقل را برای اجرای عدالت در زمینه نوجوانان توسعه میدهد تا شامل:

الف: در خصوص جرایم موسوم به جرایم وضعیتی مندرج در سیستم‌های حقوقی مختلف که در آن برخی از رفتارهای جرم‌انگاری شده دارای دامنه گسترده‌ای نسبت به نوجوانان در قیاس با بزرگسالان است (از جمله فرار، عدم رعایت مقررات مدرسه یا عدم اطاعت از خانواده، و غیره) (قاعده ۱-۳)

ج - تشریفات مربوط به جوانان بزهکار، وابسته به روندی که هر مرحله در محدوده سنی ذیربط اقتضاء میکند (قاعده ۳-۳)

توسعه قلمرو این قواعد بمنظور تعمیم به این سه حوزه موجه بنظر می‌رسد.

قاعده ۱-۳ تضمین‌های حداقلی را در این قلمروها مقرر می‌نماید و قاعده ۲-۳ اقدام مطلوبی را در نیل به عدالت منصفانه، و انسانی در زمینه نوجوانانی که در تعارض با قوانین هستند، مدنظر قرار داده است.

۴- سن مسئولیت کیفری

۴-۱- در آندسته از سیستم‌های قانونی که مفهوم سن مسئولیت کیفری به رسمیت شناخته شده است، ابتدای این سن نباید به اندازه‌ای کم باشد که مبدأ سن بدون توجه به واقعیت بلوغ احساسی، هوشی و عقلانی تعیین گردد.

تفسیر

حداقل سن مسئولیت کیفری با لحاظ تاریخ و فرهنگ اختلاف فاحشی دارد. رویکرد جدید بر آنست که طفل بتواند ارکان اخلاقی و روانی مسئولیت کیفری را درک کند. بدین معنی که در مواردی یک طفل، با لحاظ قدرت تمیز و درک میتواند بابت رفتارهای اساساً غیر اجتماعی مسئول دانسته شود. چنانچه سن مسئولیت کیفری بسیار پایین تعیین شده یا کف سن مسئولیت کیفری نامعین باشد مفهوم مسئولیت بلاوجه خواهد بود. بطور کلی، یک ارتباط نزدیکی بین مفهوم مسئولیت در زمینه انحراف یا رفتار کیفری و سایر حقوق و تکالیف اجتماعی وجود دارد (از قبیل سن ازدواج، رشد مدنی و غیره)

بنابراین باید تلاش گردد که در زمینه حداقل منطقی سن بنحوی که از نظر بین المللی نیز قابل قبول باشد یک توافق بدست آید.

۵- اهداف عدالت در زمینه نوجوانان

۵-۱- سیستم عدالت در زمینه نوجوانان باید بر رفاه نوجوانان تأکید نماید و تضمین نماید که هر گونه واکنش در زمینه بزهکاران نوجوان باید همیشه مناسب شرایط جرم و مجرمین باشد.

تفسیر

قاعده ۵ به دو قسمت از مهمترین اهداف عدالت در زمینه نوجوانان اشاره دارد. اولین هدف توسعه رفاه نوجوان است. این مسئله محور اصلی آن دسته از سیستمهای قانونی است که در آن بزهکاران نوجوان از طریق دادگاههای خانوادگی یا مقامات اداری مورد رسیدگی قرار میگیرند مع الوصف رفاه و آسایش نوجوان همچنین باید در سیستمهای قانونی که لازمه مدل دادگاه کیفری است نیز مورد تأکید قرار گیرد تا تشریک مساعی معطوف به امتناع از

ضمانت اجراهاي صرفاً كيفري گردد. (همچنين بنگريد
به قاعده ۱۴)

هدف دوم اصل تناسب است. اين اصل بعنوان يک
وسيله کنترل ضمانت اجراهاي كيفري شناخته شده
است. اغلب اين اصل با واژه استحقاق در تعامل
با شدت جرم بکار مي‌رود. واکنش نسبت به
بزهکاران نوجوان، بايد مبتني بر ملاحظه نه تنها
شدت جرم بلکه همچنين اوضاع و احوال مربوط به
شخص مرتکب باشد. اوضاع و احوال فردي مجرم
(براي مثال وضعيت اجتماعي، موقعيت خانوادگي،
ضرر و زيان ناشي از جرم يا ساير عوامل) که
وضعيت شخص مرتکب را تحت تاثير قرار مي‌دهد) بايد
بر تناسب واکنش نيز موثر باشد (براي مثال با
لحاظ سعي بزهکار براي جبران زيان وارده به مجني
عليه يا از روي اختيار شرايط اعاده مجني عليه
به زندگي عادي و مفيد را فراهم کردن)

بعبارت ديگر، واکنشهايي که هدف از آن تضمين
رفاه و آسايش مجرم جوان است ممکن است زايد بر
مقدار ضروري باشد و بر اين پايه سبب آسيب به
حقوق اساسي اشخاص جوان بنحوي که در برخي
سيستمهاي عدالت براي نوجوانان ملاحظه مي‌گردد
شود. در اين جا، همچنين، تناسب واکنش با لحاظ
شرايط مجرم و جرم، و از جمله مجني عليه بايد تضمين
گردد.

ذاتاً قاعده ۵ واکنش منصفانه در کليه
پرونده‌هاي مطروحه در خصوص انحراف و جرم
نوجوانان، نه کمتر و نه بيشتري را خواهان است.
موضوعات مندرج در اين قاعده ممکن است زمينه
گسترش در دو جنبه را فراهم کند: گونه‌هاي جديد
و ابتکاري واکنش بمنظور احتياط در زمينه

هرگونه توسعه شبکه کنترل اجتماعی رسمی بر نوجوانان مطلوب است.

۶- قلمرو صلاحیدها

۶-۱- با لحاظ نیازهای اختصاصی مختلف نوجوانان همچنین تنوع تدابیر در دسترس، محدوده مناسبی از صلاحید باید در کلیه مراحل آیین دادرسی و سطوح مختلف اجرای عدالت در زمینه نوجوانان، شامل تحقیقات، تعقیب، دادرسی و نظارت، بعد از شروع، اجازه داده شود.

۶-۲- همچنین باید تلاش گردد تا در کلیه مراحل و سطوح اجرای این صلاحید، پاسخگویی کافی مقامات مجری صلاحید لوث نگردیده تضمین گردد.

۶-۳- اشخاصی که این صلاحید را به اجرا در می‌آورند باید به ویژه دارای صلاحیت بوده یا بمنظور اجرای صحیح آن در چهارچوب کارکردها و اختیارات قانونی دوره آموزشی را طی کرده باشند.

تفسیر

قاعده ی ۶-۱، ۶-۲ و ۶-۳ - مرکب از تعدادی ساختارهای مهم در زمینه اجرای موثر، منصفانه و انسانی عدالت در زمینه نوجوانان است: ضرورت اجازه اجرای قدرت ناشی از صلاحید در کلیه سطوح مهم فرایند، ضرورت اجازه اجرای قدرت ناشی از صلاحید در کلیه سطوح مهم فرایند مزبور بنحوی که اشخاص تصمیم گیر در این زمینه، بتوانند دست به اقداماتی بزنند که بنظر می رسد در هر مورد خاص بسیار پر اهمیت است و ضرورت در نظر گرفتن ساز و کار نظارتی با هدف جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از قدرت صلاحیدی و صیانت از حقوق بزهکاران جوان. اصل پاسخگویی و اصول حرفه‌ای مناسب ترین ابزارهایی

هستند برای جلوگیری از توسعه زاید الوصف دامنه صلاحدید بنا براین، شرایط احراز حرفه‌ای و آموزشهای تخصصی، بعنوان یک ابزار ارزشمند در زمینه اجرای صحیح صلاحدید در موضوعات مرتبط با اجرای عدالت در زمینه نوجوانان بزهکار، در اینجا مورد تاکید قرار می‌گیرند. (همچنین بنگرید به قاعده ۱-۶ و ۲-۲) تنظیم اصول راهنمای ویژه در زمینه اجرای این صلاحدید و تمهید مقرراتی برای تجدیدنظر، پژوهش و سایر شیوه‌ها با هدف تجویز بررسی دقیق تصمیمات و اصل پاسخگویی، در این حوزه مورد تاکید قرار می‌گیرد. چنین سازوکارهایی در این قواعد تعیین نگردیده اند. چه درج این ساز و کارها در قواعد استاندارد حداقلی مشکلی است چه به آسانی نمیتواند کلیه مصادیقی که با هم اختلافاتی نیز دارند را در سیستم‌های اجرای عدالت پوشش دهد.

۱-۷- تضمینات اساسی آیین دادرسی، از قبیل اصل برائت، حق اطلاع از اتهامات، حق سکوت، حق استفاده از معاضدت وکیل، حق حضور والدین یا سرپرستان، حق مواجهه حضوری و سوال از شهود و حق تجدیدنظر به مقام بالاتر باید در کلیه مراحل رسیدگی تضمین گردد.

تفسیر

قاعده ۱-۷- به چند نکته مهم تاکید دارد که ارکان ضروری یک محاکم منصفانه و عادلانه را بیان نموده و از نظر بین المللی در اسناد حقوق بشری جاری به رسمیت شناخته شده است.

(همچنین بنگرید به قاعده ۱۴) بطور مثال، اصل برائت اغلب مبتنی بر ماده ۱۱ اعلامیه جهانی

حقوق بشر^۱ و پاراگراف ۲ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ است.

قاعده ۱۴ از قواعد استاندارد حداقل مواردی را بطور ویژه مشخص میکند که برای رسیدگی به پرونده نوجوانان از اهمیت برخوردار است به ویژه وقتی که قاعده ۱-۷ تضمینات آیین دادرسی بسیار اساسی را بطور عام تأیید میکند .

۸- حمایت از حریم خصوصی

۸-۱- حق نوجوانان به حریم خصوصی باید در کلیه مراحل با هدف جلوگیری از ایراد صدمه از طریق علنی بودن ناموجه یا فرایند برچسب زنی مورد احترام قرار گیرد.

۸-۲- اصولاً ، هیچگونه اطلاعاتی که منتهی به شناسایی هویت بزهدکار نوجوان میشود نباید منتشر گردد.

تفسیر

قاعده ۸ اهمیت صیانت از حق نوجوان به حریم خصوصی را مورد تأکید قرار میدهد. اشخاص غیر بزرگسال، بطور ویژه مستعد لکه دار شدن هستند. تحقیقات جرمشناسی در زمینه فرایند برچسب زدن، حقایقی را در زمینه آثار مخرب ناشی از هویت دهی دائمی اشخاص نوجوان بعنوان منحرف یا مجرم آشکار کرده اند.

قاعده ۸ همچنین اهمیت حمایت از نوجوانان در خصوص آثار معکوسی که ممکن است از انتشار پرونده در رسانه های عمومی (بطور مثال نام مجرمین جوان: متهم باشند یا محکوم) ناشی شود را مورد تأکید قرار می دهد. منافع نوجوانان باید مورد حمایت قرار گیرد و حداقل از نظر اصولی باید مورد

۱ - قطعنامه شماره A(III) ۲۱۷ مجمع عمومی

۲ - بنگرید قطعنامه شماره A(XXI) ۲۲۰۰ مجمع عمومی پیوست.

صیانت قرار گیرد. (مندرجات عمومی قاعده ۸ با جزئیات بیشتر در قاعده ۱-۲ آمده است.)

۹- شرط حفاظتی

۹-۱- هیچیک از این قواعد، نباید بنحوی تفسیر شود که مانع اجرای قواعد استاندارد حداقل در زمینه نحوه رفتار با زندانیان^۱ که بوسیله سازمان ملل متحد پذیرفته شده و سایر اسناد حقوق بشری و استانداردهایی که بوسیله جامعه بین المللی در رابطه با مراقبت و حمایت از جوانان به رسمیت شناخته شده است گردد.

تفسیر

قاعده ۹ این هدف را دنبال میکند که هر گونه کج فهمی در تفسیر و اجرای قواعد حاضر را با لحاظ چهار چوب اصول مندرج در اسناد ذیربط موجود یا اسناد حقوق بشر بین المللی در حال شکل گیری و استانداردهایی از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه حقوق کودک و پیش نویس کنوانسیون حقوق کودک را منتفی نماید. این موضوع باید درک گردد که اجرای این قواعد باید بدون آسیب به هر گونه اسناد بین المللی که ممکن است حاوی مقررات باقلمرو اجرایی وسیع تر باشد صورت پذیرد. (همچنین بنگرید به قاعده ۲۷)

قسمت دوم

۱ - قواعد استاندارد حداقل در زمینه نحوه رفتار با زندانیان و توصیه نامه‌های ذیربط در ۱۹۵۵ پذیرفته شده است. در قطعنامه شماره ۳۱ ۶۶۳C(XXIV) ژوئیه ۱۹۵۷ شورای اقتصادی و اجتماعی این قواعد استاندارد حداقل را به تصویب رساند و بطور ضمنی توصیه نامه‌های مربوط به گزینش و آموزش نیروی انسانی نهادهای کیفری و اصلاح و تربیت و نهادهای کیفری و کانونهای اصلاح و تربیت بزرگ را مورد تایید قرار داد. این شورا به دولت‌ها توصیه کرد که التفات مناسب به پذیرش و اجرای این قواعد استاندارد حداقل را بعمل آورده و دو دسته از توصیه نامه‌ها را حتی الامکان بطور کامل در اداره نهادهای کیفری و اصلاح و تربیت در نظر گیرنده درج قاعده جدید یعنی قاعده ۹۷ حسب قطعنامه شماره ۲۰۷۶(LXII) مورخ ۱۳ می ۱۹۷۷ رسمیت یافت.

تحقیقات و تعقیب

۱۰- اولین تماس

۱-۱۰ به محض دستگیری نوجوان، والدین یا سرپرستان او باید فوری از این دستگیری مطلع شوند و در مواردی که این اعلام فوری ناممکن است، والدین یا سرپرستان باید در کوتاهترین زمان ممکن از آن اطلاع یابند.

۲-۱۰ یک قاضی یا یک مقام یا ارگان رسمی دیگر باید بدون تاخیر مسئله آزادی را مورد رسیدگی قرار دهد.

۳-۱۰ تماسهای بین آژانسهای اجرای قانون و بزهدار نوجوان، باید بنحوی ساماندهی گردد که از جایگاه ثانوی نوجوان صیانت نماید، آسایش نوجوان را افزایش دهد و از ایراد آسیب به او با لحاظ اوضاع و احوال خاص هر مورد، جلوگیری بعمل آورد.

تفسیر

قاعده ۱-۱۰ علی الاصول در قاعده ۹۲ قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان گنجانیده شده است.

مسئله آزادی، (قاعده ۲-۱۰) باید بدون تاخیر بوسیله یک قاضی یا مقام ذیصلاح دیگری مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد. قسمت اخیر به هر شخص یا موسسه در گستردهترین مفهوم این واژه اشاره دارد که شامل هیاتهای اجتماعی یا مقامات پلیس که دارای حق آزادی یک شخص دستگیر شده هستند می گردد. (همچنین بنگرید به پاراگراف ۳ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی).

قاعده ۳-۱۰- به چند جنبه اساسی مرتبط با آیین دادرسی و نحوه رفتار از طرف پلیس یا سایر مقامات اجرای قانون در پروندههای کیفری

نوجوانان می‌پردازد. منظور «جلوگیری از صدمه» دارای عبارت منعطفی است و شامل ساختارهای متنوع و اکنش احتمالی می‌گردد (بطور مثال استفاده از الفاظ خشن، خشونت فیزیکی، یا در فضای آزاد نگهداشتن). مداخله در فرایندهای راجع به عدالت در زمینه نوجوانان فی نفسه می‌تواند برای نوجوانان «آسیب زننده» باشد. واژه «جلوگیری از آسیب» باید بطور موسع تفسیر گردد. بنابراین ایراد حداقل آسیب ممکن به نوجوان در اولین مرحله، همچنین آسیب‌های زاید بر آن یا آسیب‌های ناصحیح. این مسئله بطور ویژه در اولین تماس با آژانس‌های اجرای قانون که ممکن است عمیقاً وجهه نوجوان در حکومت و جامعه را تحت تاثیر قرار دهد از اهمیت برخوردار است. علاوه بر این، موفقیت هرگونه مداخله بعدی بطور وسیع وابسته به چنین تمام‌های اولیه، شفقت و محبت واقعی در این وضعیت‌ها مهم هستند.

۱۱- قضا زدایی

۱۱-۱- در مواقع مناسب باید این مسئله لحاظ شود که به مسائل بزهکاران نوجوان بدون ارجاع به محاکمه رسمی از طریق مقامات ذیصلاح مندرج در قاعده ۱-۱۴ زیر رسیدگی شود.

۱۱-۲- پلیس، دادستان یا سایر آژانس‌هایی که به پرونده‌های نوجوانان رسیدگی می‌کنند، باید این اختیار اعطا گردد که حسب صلاحیت خود این پرونده‌ها را بدون توسل به استماع رسمی با رعایت معیارهای مقرر در زمینه سیستم قانونی ذیربط همچنین رعایت اصول مندرج در این قواعد حل و فصل کنند.

۱۱-۳- هر گونه قضا زدایی از قبیل ارجاع به انجمن‌های مناسب یا سایر سرویس‌ها باید مسبق به

رضایت نوجوان یا والدین یا سرپرستان وی باشد. مشروط به اینکه تصمیم راجع به ارجاع پرونده قابل تجدیدنظر توسط یک مقام ذیصلاح حسب درخواست باشد.

۴-۱۱- بمنظور تسهیل رسیدگی صلاحی‌دهی به پرونده‌های نوجوانان باید سعی شود برنامه‌های اجتماعی از قبیل نظارت یا راهنمایی موقت، ترمیم یا جبران خسارات وارده به بزه دیده تدوین و مقرر گردد.

تفسیر

قضازدایی، یعنی انحراف از فرایند عدالت کیفری و فی الفور، ارجاع موضوع به سرویس‌های حمایتی اجتماعی، بطور عموم رسماً یا بطور غیر رسمی، در پاره‌ای از سیستم‌های قانونی مورد عمل است. این رویه مانع آثار منفی عوارض تشریفات اجرایی عدالت برای نوجوانان می‌گردد (بطور مثال برجسب محکومیت، و مجازات). در برخی پرونده‌های عدم مداخله مطلوب‌ترین واکنش است. بنابراین، قضازدایی، در ابتدای کار بدون ارجاع سرویس‌های (اجتماعی) جایگزین بهترین پاسخ محسوب است. این مسئله بطور ویژه در مواردی که جرم دارای ماهیت شدید نیست و خانواده، مدرسه و سایر موسسات کنترل اجتماعی قبلاً در این زمینه واکنش نشان داده‌اند یا عن قریب به شیوه‌ای مناسب و اساسی واکنش نشان خواهند دارد، مطلوب است. همانگونه که در قاعده ۲-۱۱ بیان گردید، قضازدایی، میتواند در هر نقطه از تصمیم‌سازی از طریق پلیس، دادستان یا سایر آژانس‌ها از قبیل دادگاه‌ها دیوانها، هیاتها یا شوراها بعمل آید. این مسئله ممکن است بوسیله یک مقام ذیصلاح یا تعدادی از مقامات ذیصلاح یا کلیه مقامات ذیصلاح

با رعایت قواعد و سیاست‌های سیستم‌های زیربند و در ارتباط با این قواعد، به اجرا در آید. ضرورتی ندارد که قلمرو آن به جرایم کم اهمیت محدود گردد بر این اساس، قضا‌زدایی قابل‌تغییر به یک ابزار مهم است.

قاعده ۳-۱۱ بر اهمیت رضایت بزهدکار جوان (یا والدین یا سرپرستان) در خصوص تدابیر انصرافی توصیه شده را مورد تأکید قرار می‌دهد. (قضا‌زدایی از طریق ارجاع به خدمات اجتماعی بدون چنین رضایتی بطور بالقوه مغایر کنوانسیون الغا کار اجباری^۱ است.

با این حال، این رضایت نمیتواند بدون چالش محسوب گردد چه بعضی اوقات میتواند ناشی از ناامیدی محض از جانب نوجوان باشد. این قاعده به این نکته تأکید دارد که باید دقت گردد اجبار و تهدید بالقوه در کلیه سطوح فرایند قضا‌زدایی تقلیل یابد. نوجوانان نباید احساس کنند که تحت فشار هستند (بطور مثال به دلیل خودداری از حضور در دادگاه) یا بمنظور اعلام رضایت به برنامه‌های قضا‌زدایی تحت فشارند. بر این اساس، پیشنهاد شده است که مقرراتی برای ارزیابی عینی تناسب وضعیت‌هایی که بزهدکاران جوان در آن قرار می‌گیرند بوسیله یک مقام ذیصلاح حسب درخواست وضع گردد (مقام ذیصلاح ممکن است متفاوت از آنچه در قاعده ۱۴ آمده است باشد) قاعده ۴-۱۱ وضع مقرراتی در زمینه جایگزین‌های قابل‌استمرار در زمینه عدالت درباره نوجوانان در فرایند شکل‌گیری قضا‌زدایی اجتماع - محور را توصیه میکند. برنامه‌هایی که

^۱ - کنوانسیون شماره ۱۰۵ مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۵۷ بوسیله کنوانسیون عمومی سازمان جهانی کار در اجلاس چهاردهم با لحاظ متن این کنوانسیون

در بر گیرنده سازش ، پرداخت غرامت به مجنی علیه است و برنامه‌هایی که بمنظور ممانعت از نقض مقررات در آینده از طریق نظارت موقت و ارشاد است، بطور ویژه توصیه میگردد. اوضاع و احوال خاص پرونده حتی در مواقعی که جرایم شدید ارتکاب یافته باشد ، در صورت اقتضا ممکن است سبب تناسب قضازدایی گردد. (في المثل جرم بار اول، رفتاری که تحت تاثیر فشار دوستان هم شان صورت گرفته است و غیره)

۱۲- تخصص گرایی در پلیس

۱۲-۱- بمنظور اجرای مطلوب تکالیف، مامورین پلیسی که في الفور یا بطور کامل به مسائل نوجوانان می‌پردازند یا آندسته از مامورین که علي القاعده بمنظور پیشگیری از بزهکاری نوجوانان استخدام گردیده‌اند باید بنحو تخصصی آموزش نظری و عملی را بگذرانند. در شهرهای بزرگ واحد مخصوص پلیس باید برای نیل به این مقصود تاسیس گردد.

تفسیر

قاعده ۱۲ به ضرورت آموزش تخصصی کلیه مامورین اجرای قانون که در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان فعالیت دارند توجه خاص معمول داشته است. نظر به اینکه پلیس اولین مقامی است که اولین تماس را با سیستم عدالت در زمینه نوجوانان دارد، این مسئله از کمال اهمیت برخوردار است که مامورین آن به شیوه مناسب و آگاهانه عمل نمایند.

با توجه به ارتباط بین شهرنشینی و جرم که بطور آشکار پیچیده است و افزایش جرم نوجوان قرین توسعه شهرهای بزرگ بویژه رشد سریع و طراحی نشده محسوب میگردد، بنابراین واحدهای تخصصی

پلیس نه تنها در راستای اجرای اصول ویژه مندرج در این بند (از قبیل قاعده ۶-۱) بلکه علاوه بر آن درتعمیم زاید الوصف پیشگیری و نظارت بر جرایم نوجوانان و دستگیری بزهکاران نوجوان انکار نکردنی است.

۱۳- بازداشت حین محاکمه

۱۳-۱- بازداشت حین محاکمه باید منحصرأً بعنوان آخرین راه کار و در کمترین زمان ممکن مورد استفاده قرار گیرد.

۱۳-۲- در مواقع امکانپذیر، تدابیر جایگزین باید بجای بازداشت حین محاکمه بکار رود از قبیل نظارت نزدیک، مراقبت فشرده یا سپردن به والدین یا مجموعه یا خانه‌های آموزشی.

۱۳-۳- نوجوانان تحت بازداشت حین محاکمه واجد کلیه حقوق و تضمینات مندرج در قواعد استاندارد حداقل در زمینه نحوه رفتار با زندانیان که به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است می‌باشند.

۱۳-۴- نوجوانان تحت بازداشت حین محاکمه باید جدا از بزرگسالان نگهداری شده و در یک موسسه جداگانه یا یک قسمت مجزا از یک موسسه‌ای که در آن بزرگسالان نیز نگهداری می‌شوند، بازداشت گردند.

۱۳-۵- در مواقعی که در بازداشت، نوجوانان مراقبت و حمایت و کلیه معاضدتهای ضروری اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای، روانی، پزشکی و جسمی ارائه می‌گردد، توجه به سن، جنسیت و شخصیت نوجوانان الزامی است.

تفسیر

خطرات وارد به نوجوانان ناشی از «اتهام کیفری» در زمان بازداشت حین محاکمه نباید ناچیز

نگریسته شود. بر این اساس، این مسئله از اهمیت برخوردار است که بر ضرورت تدابیر جایگزین تاکید شود. با التزام به این موضوع، قاعده ۱-۱۳ ایجاد یک تدبیر جدید و ابتکاری بمنظور جلوگیری از چنین بازداشتی را در چهارچوب رفاه و آسایش نوجوان، مورد تشویق قرار میدهد.

نوجوانان تحت بازداشت حین محاکمه، مشمول کلیه حقوق و تضمینات مندرج در قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان همچنین میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به ویژه ماده ۹ و ۱۰ پاراگرافهای ۲ ب و ۳ می باشند.

قاعده ۴-۱۳ دولتها را از اتخاذ سایر تدابیر در قبال آثار منفی جرایم غیربزرگسالان که واجد کمترین اثر منفی نسبت به تدابیر مذکور در این قاعده است، منع نمیکند اشکال متنوع معاضدت که ضروری بنظر می‌رسد، باید در نهایت توجه به نیازهای خاص بازداشت شدگان معمول گردد. برای مثال زنان یا مردان، معتادین به مواد مخدر، الکلیها، نوجوانان دارای بیماری روانی، اشخاص جوانی که بطور مثال به دلیل دستگیری و غیره به آنها ضربه روحی وارد گردیده است.

تنوع خصوصیات جسمی و روانی بازداشت شدگان جوان، تدابیر طبقه بندی شده‌ای که حسب آن نگهداری جداگانه برخی از آنها در بازداشت حین محاکمه منظور گردد بنحوی که از بزه دیده شدن و ایجاد مانع در ارائه معاضدتهای مناسب جلوگیری گردد را می‌طلبد.

کنگره هشتم سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و نحوه رفتار با زندانیان در قطعنامه

شماره ۱۴ در زمینه استانداردهای عدالت برای نوجوانان، به این نکته به طور ویژه اشاره میکند که این قواعد، باید منعکس کننده این اصل اساسی که بازداشت حین محاکمه باید فقط بعنوان آخرین راه کار بکار رود باشد، هیچ غیر بزرگسالی نباید در موسساتی که بالقوه واجد آثار منفی بازداشت بزرگسالان است نگهداری شود و اینکه باید به احتیاجات خاص مراحل پیشرفت آنها، همیشه توجه گردد.

قسمت سوم

۱۴- رسیدگی قضایی و تعیین ضمانت اجرا
۱-۱۴- در موردی که بزهرکار نوجوان موضوع قضازدایی قرار نگرفت (حسب قاعده ۱۱) به موضوع وی بوسیله مقام ذیصلاح (دادگاه، دیوان، هیات، شورا و غیره) با رعایت اصول مربوط به دادرسی منصفانه و عادلانه رسیدگی می‌گردد.

۲-۱۴- آیین دادرسی زیربط باید با لحاظ بیشترین منافع نوجوانان به اجرا در آید و باید در فضایی که به نوجوان اجازه دهد در این قلمرو مشارکت نموده و نظر خود را بطور آزاد بیان نماید، به اجرا درآید.

تفسیر

فرمول بندی یک تعریف از ارگان ذیصلاح یا شخصی که از نظر کلی دارای وصف مقام رسیدگی کننده باشد مشکل است. مقام ذیصلاح دارای قلمرو معنایی ای است که شامل کلیه کسانی است که مدیریت دادگاه‌ها یا دیوانها (مرکب از قاضی واحد یا تعدد قاضی) را بر عهده دارند.

۱- بنگرید به کنگره ششم سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و نحوه رفتار مجرمین، کارکاس، ۲۵ آگوست تا ۵ سپتامبر ۱۹۸۰: گزارش تهیه شده بوسیله دبیرخانه سازمان ملل متحد. بخش ۱. قسمت B

قبیل قضات حرفه‌ای یا افتخاری همچنین هیاتهای اداری (بطور مثال سیستمهای اسکاتلندی و اسکاندیناویایی) یا آژانسهای بسیار غیر رسمی اجتماعی حل و فصل تعارضات با ماهیت قضایی را شامل می‌گردد.

آیین رسیدگی به بزهکاران مجرم در هر مورد از استانداردهای حداقلی که اغلب از نظر جهانی برای کلیه متهمین تحت تشریفات که موسوم به جریان صحیح قانونی است به اجرا در می‌آید تبعیت میکند.

با رعایت جریان صحیح یک محاکمه منصفانه و عادلانه در بر گیرنده تضمینات اساسی از قبیل اصل برائت، اقامه و سوال و جواب از شهود، دفاعیات عمومی قانونی، حق سکوت، حق داشتن آخرین دفاع در رسیدگی، حق تجدیدنظر و غیره است (همچنین بنگرید به قاعده ۱-۷)

۱۵ - مشاور حقوقی، والدین و سرپرستان

۱۵-۱- در سراسر رسیدگی، شخص نوجوان حق دارد که از طرف وی یک مشاور حقوقی به نمایندگی اقدام کند یا معاضدت قضایی رایگان را در مواردی که چنین معاضدتی حسب مقررات آن کشور امکانپذیر است را دریافت کند.

۱۵-۲- والدین و سرپرستان حق دارند در مرحله رسیدگی مشارکت نموده و ممکن است مقام ذیصلاح حضور آنها در چهارچوب منافع نوجوان را ضروری بدانند. مع الوصف ممکن است حسب تصمیم مقام ذیصلاح مشارکت والدین و سرپرستان نفی گردد مشروط به اینکه دلایلی وجود داشته باشد که این منع در چهارچوب منافع نوجوان ضروری است.

تفسیر

قاعده ۱-۱۵- از نظر واژه شناسی مشابه آن چیزی است که در قاعده ۹۳ قواعد استاندارد حداقل در زمینه ی نحوه رفتار با زندانیان بیان گردید. نظر به لزوم مشاوره حقوقی و معاضدت حقوقی رایگان، بمنظور تضمین مساعدت قانونی به وی، حق والدین و سرپرستان به مشارکت بنحو مقرر در فاعده ۲-۱۵ باید از منظر کمک روانی و احساساتی غیر تخصصی به نوجوان - کارکردی که به کلیه قلمرو تشریفات رسیدگی گسترده است- مورد نظر قرار گیرد.

تلاش مقام ذیصلاح برای تعیین تکلیف مناسب پرونده، بطور ویژه ممکن است از همکاری نمایندگان حقوقی نوجوان (یا برای این موضوع، مساعدت شخصی دیگران که نوجوان میتواند و بطور واقعی به آنها اعتماد دارد) بهره مند گردد. چنین ملاحظه ای ممکن است چنانچه حضور والدین یا سرپرستان در جلسه رسیدگی به ایفاء نقش منفي بپردازد، عقیم شود. بعنوان نمونه، رویکرد خشن نسبت به نوجوان نشان داده شود، بر این اساس احتمال عدم حضور آنها باید حسب مقررات پیش بینی گردد.

۱۶- گزارشات تحقیقات اجتماعی

۱-۱۶- در کلیه پرونده مجز پرونده های مربوط به جرایم کم اهمیت، قبل از اینکه مقام ذیصلاح راجع به پرونده به تعیین مجازات بپردازد، سوابق و شرایطی که نوجوان در آن زندگی کرده است یا شرایطی که در آن جرم ذیربط اتفاق افتاده است باید بطور مناسب موضوع تحقیقات قرار گیرد بنحوی که صدور حکم صحیح در خصوص پرونده از طرف مقام ذیصلاح را تسهیل نماید.

تفسیر

گزارشات راجع به تحقیقات اجتماعی، (گزارشات اجتماعی یا گزارشات قبل از تعیین مجازات) یک مساعدت غیر قابل انکار در بیشتر آیین‌های رسیدگی قانونی است که موضوع آن نوجوان است. مقام ذیصلاح باید از واقعیتهای زیربط در خصوص نوجوان مطلع گردد از جمله سابقه اجتماعی و خانوادگی، نحوه رفتار در مدرسه، سوابق تحصیلی، و غیره. بدین منظور برخی از نظام های قضایی سرویسهای ویژه اجتماعی و یا از پرسنل تابع دادگاه یا هیات، استفاده میکنند.

سایر نیروهای انسانی، از قبیل مامورین پروباسیون، ممکن است کارکرد مشابهی داشته باشند. بر این اساس، این قاعد این موضوع را ضروری دانسته است که سرویسهای اجتماعی مناسب بمنظور ارائه گزارشات تحقیقات اجتماعی با ماهیت مشخص باید در دسترس باشد.

۱۷- اصول راهنمای رسیدگی قضایی و تعیین ضمانت

اجرا

۱-۱۷- تعیین ضمانت اجرا توسط مقام ذیصلاح باید با لحاظ اصول راهنمای زیر صورت پذیرد:
الف: واکنش اتخاذ شده نه تنها باید با شرایط و شدت جرم بلکه باید با اوضاع و احوال و الزامات نوجوان همچنین الزامات جامعه، همیشه، متناسب گردد.

ب: محدودیتهای وارد به آزادی فردی نوجوان، صرفاً پس از بررسی دقیق تحمیل میشود و باید به کمترین حد ممکن تقلیل یابد.

ج: محرومیت از آزادی فردی نباید مورد حکم قرار گیرد مگر اینکه نوجوان تحت رسیدگی مرتکب یک جرم شدید از قبیل اعمال خشونت علیه شخص دیگر یا اصرار بر ارتکاب جرایم شدید دیگر گردیده باشد

و مشروط به اینکه پاسخهای مناسب دیگر موجود نباشد.

د- رفاه و آسایش نوجوان باید عامل راهنما در بررسی پرونده وی باشد.

۲-۱۷- مجازات اعدام نباید برای نوجوانان برای ارتکاب کلیه جرایم مورد حکم قرار گیرد.

۳-۱۷- نوجوانان نباید موضوع مجازتهای بدنی قرار گیرند.

۴-۱۷- مقام ذیصلاح باید دارای این اختیار باشد تا تشریفات رسیدگی را در هر زمان که بخواهد متوقف کند.

تفسیر

مشکل اساسی در فرمول بدنی اصول راهنما برای تعیین وضعیت اشخاص جوان ریشه در این واقعیت دارد که برخی تناقضات حل نشده با ماهیت فلسفی از قبیل موارد زیر وجود دارد:

الف: بازپروری در مقابل استحقاق

ب: مساعدت در مقابل سرکوب و مجازات

ج: واکنش با لحاظ شرایط موردی پرونده‌های خاص در مقابل واکنش با لحاظ حمایت از جامعه بطور کلی

د- ارباب عمومی در مقابل عدم اهلیت فردی

تعارض بین این رویکردها در قیاس با پرونده‌های بزرگسالان بیشتر در پرونده‌های نوجوانان آشکار میشود. با لحاظ تنوع علل و واکنشهای ملایم با پرونده‌های نوجوانان، این جایگزینها بطور پیچیده بهم مرتبند.

کارکرد قواعد استاندارد حداقل در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان، این نیست که فقط رویکردی را که باید مورد تبعیت قرار گیرد را تبیین کند بلکه علاوه بر آن، تعیین مواردی است

که در هماهنگی کامل با اصول پذیرفته شده بین المللی است. بنابراین، اصول بنیادین بنحو مقرر در قاعده ۱-۱۷، بطور ویژه، مندرجات پاراگراف الف و ج، باید اساساً بعنوان اصول راهنمای عملی ای که بایدیک نقطه آغازین عمومی را تعیین نماید، درک و فهمیده گردد مشروط به اینکه تحت ریاست مقام ذیصلاح ذیربط باشد (بنگرید به قاعده ۵) آنها میتوانند بطور قابل ملاحظه ای تضمین نمایند که حقوق اساسی بزهکاران نوجوان مورد حمایت قرار می‌گیرد. بویژه حقوق اساسی راجع به پیشرفت شخصی و آموزشی.

قاعده ۱-۱۷ ب- به این نکته اشاره دارد که رویکردها مبنی بر نگاه کیفی صرف مناسب نیستند. در پرونده‌های بزرگسالان و حتی الامکان در پرونده‌های موضوع ارتکاب جرایم شدید توسط نوجوانان ضمانت‌های اجرایی مبنی بر استحقاق و کیفر ممکن است دارای برخی توجیحات باشند. در زمینه نوجوانان ملاحظات مربوط به این پرونده‌ها باید با توجه به منابع مربوط به تضمین رفاه و آسایش و آینده اشخاص جوان با نگاه ویژه و دقیق منظور نظر قرار گیرد.

در راستای قطعنامه شماره ۸ ششمین کنگره سازمان ملل متحد قاعده ۱-۱۷ ب استفاده از جایگزینهای نگهداری در موسسات، تا قلمروی که امکانپذیر است، با لحاظ ضرورت‌های ناشی از پاسخ به الزامات خاص جوانان، باید مورد نظر قرار گیرد بنابراین، باید استفاده جامع در خصوص درجات و مراتب ضمانت‌های اجرایی جایگزین موجود، و ضمانت‌های اجرایی جایگزین جدید، با لحاظ عدم ایجاد اختلاف عمومی توسعه یابد. پروبایون باید در بیشترین قلمرو ممکن از طریق مجازات‌های تعلیقی، مجازات‌های

مشروط، دستورات هیاتها و سایر وضعیتها بکار برده شود.

قاعده ۱-۱۷ - ج - به یکی از اصول راهنمای مندرج در قطعنامه شماره ۴ کنگره ششم که بر پایه هدف ممانعت از کاربرد زندان در پرونده‌های نوجوانان جز در مواردی که پاسخ مناسب دیگری که بتواند از امنیت جامعه حمایت کند وجود نداشته باشد، اشاره میکند.

مقرر در مندرج در قاعده ۲-۱۷ مبنی بر منع اعدام، در چهارچوب پاراگراف ۵ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق گروه سیاسی تنظیم گردیده است.

مقررات علیه مجازات اعدام، در چهارچوب ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق کلانی و سیاسی و اعلامیه حمایت از کلیه اشخاصی که موضوع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده قرار گرفته‌اند همچنین کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتار یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده و پیش نویس کنوانسیون حقوق کودک، تلقی میگردد. اختیار توقف عملیات رسیدگی در هر زمان، (قاعده ۴-۱۷) بر خلاف بزرگسالان یک قاعده اختصاصی مناسب در خصوص بزهکاران نوجوانی است.

در هر زمان از مجموع شرایط ممکن است برای مقام ذیصلاح توقف کامل مداخله فضایی، مناسبترین اقدام در خصوص پرونده تلقی گردد.

۱۸- تدابیر متنوع در تعیین ضمانت اجرا

۱-۱۸- تدابیر تعیین ضمانت اجرا با تنوع زیاد، باید در اختیار مقام ذیصلاح قرار گیرد تا سبب انعطاف گردیده بنحوی مانع نگهداری نوجوانان در موسسات تا گسترده ترین قلمرو گردد. این

تدابیر که برخی از آنها میتوانند با هم ترکیب گردند، شامل:

الف: دستورات مربوط به مراقبت، راهنمایی و نظارت

ب: پروبایون

ج: دستورات راجع به خدمات اجتماعی

د: مجازاتهای مالی، جبران خسارت و پرداخت غرامت

ه: میانجیگری و دستور به سایر الزامات

و: دستورات راجع به شرکت در جلسات مشاوره گروهی و فعالیتهای مشابه

ز: دستورات مربوط به مراقبت تربیتی، زندگی در اجتماع یا مجموعه آموزشی دیگر.

ح: سایر دستورات زیربط

۲-۱۸- هیچ نوجوانی نباید از نظارت والدین خارج گردد، خواه موقت خواه دائمی. مگر اینکه اوضاع و احوال پرونده اش این خروج را ضروری نماید.

تفسیر

قاعده ۱-۱۸- در صدد است برخی از واکنشها و ضمانت اجراهای مهم که به تجربه در آمده اند و موفقیت آن را به کرات در سیستمهای قانونی مختلف ثابت شده است را شمارش نماید. در یک نگاه کلی، آنها انتخابهای متنوعی را بدست میدهند که شایسته پاسخ و ترویج بیشتر است. این قاعده الزامات نیروی انسانی را احصا نمیکند زیرا در برخی مناطق میتوان نیروی انسانی مناسب را در حداقل ممکن تنزل داد. در این مناطق تدابیری که نیازمند حداقل نیروی انسانی است ممکن است مورد حکم قرار گرفته یا ترویج گردد.

مثالهایی که در قاعده ۱-۱۸ ارائه گردیده است علی العموم، و در همه مصادیق، با جامعه در

ارتباط بوده و درخواست از جامعه برای اجرای موثر وضعیت‌های جایگزین ضرورت دارد. اصلاح و تربیت اجتماع محور یک تدبیر سنتی است که از جنبه‌های مختلف مورد توجه واقع گردیده است. بر آن اساس مقامات ذیربط باید بمنظور ارائه خدمات اجتماع محور مورد تشویق قرار گیرند.

قاعده ۲-۱۸ بر اهمیت خانواده متمرکز است که حسب پاراگراف ۱ ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «یک واحد گروهی اجتماعی طبیعی و اساسی» است در خانواده، والدین نه تنها حق بلکه وظیفه مراقبت و نظارت بر اطفال خود را بر عهده دارند. حسب قاعده ۲-۱۸ بنابراین، جدایی فقط در مواقعی میتواند مورد حکم قرار گیرد که وقایع دعوی بطور آشکار این مرحله شدید را توصیه کند. (برای مثال سو استفاده از طفل)

۱۹- استفاده کمترین از نگهداری در موسسات
۱-۱۹- قرار دادن نوجوان در یک موسسه یک وضعیت با وصف آخرین راه کار و برای حداقل زمانی که از ضرورت برخوردار است باید مورد حکم قرار گیرد.

تفسیر

پیشرفتهای علم جرمشناسی حکات از آن دارد که استفاده از غیر موسسات بجای نگهداری در موسسات از اولویت بهره‌مند است. موفقیت نگهداری در موسسات در قیاس با غیر موسسات کمتر یا علی السویه بوده است. برخی از آثار معکوس روی فرد که بنظر می‌رسد در هر موسسه‌ای غیر قابل اجتناب است بطور آشکار ارزیابی تلاشها را با مشکل مواجه می‌کند. این موضوع بویژه در پرونده‌های نوجوانان که مستعد آثار منفی هستند نمایان تر

است. علاوه بر این ، این آثار منفي نه تنها محرومیت از آزادي بلکه انفکاک از محیط عادي اجتماعي، نسبت به بزرگسالان براي نوجوانان بسیار شديد است چه آنها در مراحل اوليه رشد قرار دارند.

قاعده ۱۹ بر آنست که نگهداري در موسسات را با لحاظ دو رویکرد زیر محدود کند:

از نظر مقدار (آخرین راه کار) و از نظر زمان (حداقل زمان ضروري ممکن). قاعده منعکس کننده يکي از اصول راهنماي اساسي ناشي از قطعنامه ۴ ششمین کنگره سازمان ملل متحد است: يک نوجوان نباید زنداني شود مگر اينکه راه حل مناسب ديگري وجود نداشته باشد. این قاعده بنا براین، این تقاضا را مطرح میکند که اگر يک نوجوان باید در موسسه نگهداري گردد، محرومیت از آزادي باید به کمترین میزان ممکن با لحاظ تنظیمات نهادي سلب آزادي و التفات به تنوع مجرمین، جرایم و موسسات، محدود گردد. در واقع، اولویت باید با موسسات «باز» باشد نه «بسته». علاوه بر این کلیه تسهیلات باید جنبه اصلاح و تربیت نه صبغه زندان داشته باشد.

۲۰- امتناع از تاخیر غير ضروري

۲۰-۱- هر پرونده باید از ابتدای کار سریعاً و بدون تاخیر رسیدگی شود.

تفسیر

اقدام سریع در آیین دادرسيهاي رسمي در پرونده هاي مربوط به نوجوانان بیشترین توجه را مي طلبد. بعبارت ديگر هیچگونه مصلحتی ممکن نیست از اجرائي این تشریفات بدست آید و تعیین تکلیف در این خصوص همیشه در خطر خواهد بود. با طولانی شدن زمان ، نوجوانان بطور گسترده وضعیت خود را

در ارتباط برقرار کردن با تشریفات و وضعیت جرم، هم از نظر هوشی و هم از نظر روانی، اگر نه نا ممکن، ولی بخرنج خواهند یافت.

۲۱- ثبت سوابق

۲۱-۱- سوابق بزهکاران نوجوان باید بطور کاملاً محرمانه و دور از دسترس اشخاص ثالث نگهداری گردد. دسترسی به این سوابق باید محدود به اشخاصی گردد که بطور مستقیم در حال رسیدگی پرونده بوده یا سایر اشخاصی که بنحو صحیح دارای این اختیار هستند.

۲۱-۲- سوابق بزهکاران نوجوان نباید در آیین رسیدگی بزرگسالان در پرونده‌های بعدی که حاوی همین بزهکار است، مورد بهره برداری قرار گیرد. تفسیر

این قاعده در صدد نیل به یک توازن بین مصالح متعارض مرتبط با سوابق یا پرونده‌هاست: برخی از این مصالح به پلیس، دادستان و سایر مقامات در تقویت کنترل بر می‌گردد و قسمتی دیگر به منافع بزهکار نوجوان (همچنین بنگرید به قاعده ۸) «سایر اشخاصی که بطور صحیح دارای این اختیار هستند» در معنای خیلی کلی شامل هر آنکس که دیگری تلقی گردد از جمله پژوهشگران میشود.

۲۲- ضرورت حرفه‌ای شدن و آموزش عملی

۲۲-۱- آموزش حرفه‌ای، آموزش ضمن خدمت، دوره‌های باز آموزی و سایر انواع مناسب آموزش باید برای ایجاد و ابقاء صلاحیت حرفه‌ای ضروری کلیه نیروهای انسانی مرتبط با پرونده‌های نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد.

۲۲-۲- نیروی انسانی مرتبط با عدالت در زمینه نوجوانان باید تفاوت‌های نوجوانانی که در تماس

با سیستم عدالت در زمینه نوجوانان قرار گرفته‌اند را منظور نمایند. تلاش باید صورت گیرد تا اطمینان حاصل گردد که زنان و اقلیتها در آژانسهای عدالت در زمینه نوجوانان، بطور منصفانه ظاهر میگردند.

تفسیر

مقامات ذیصلاح برای تعیین ضمانت اجرا، ممکن است از اشخاص بسیار متفاوت از حیث سوابق باشند. (قضات صلح در انگلستان و ایرلند شمالی و کلاً در مناطقی که تحت تاثیر سیستم کامن لا هستند. قضات دارای سابقه آموزشهای حقوقی در کشورهای که از سیستم حقوقی رومی استفاده میکنند و در مناطقی که از هر دو سیستم متأثرند. و سایر مناطقی که قضات عادی یا وکلای انتخابی یا منصوب، هیاتهای جامعه محور و غیره). برای کلیه این مقامات یک حداقلی از آموزشهای عملی حقوقی، جامعه شناسی، روانشناسی، جرمشناسی و علوم رفتاری ضروری است. لحاظ این موضوع به اندازه تخصص سازمانی و استقلال مقامات ذیصلاح از اهمیت برخوردار است.

برای مددکاران اجتماعی و مامورین پروباسیون، تخصص حرفه‌ای بعنوان پیش شرط انجام وظایف مربوط به بزهکاران نوجوان چندان ضرورتی ندارد. بنابراین حرفه‌ای بودن در آموزشهای شغلی میتواند وجود حداقل شرایط احراز محسوب گردد.

شرایط حرفه‌ای یک رکن ضروری در تضمین بیطرفی و اجرای موثر عدالت در زمینه نوجوانان است. در همین راستا، ضرورت دارد تا مسئله استخدام نیروی انسانی، ترفیع و آموزشهای حرفه‌ای نیروی انسانی، متحول و در صورت امکان ابزارهای

ضروريي که آنها را قادر به اجراي دقيق و کامل وظيفشان کند را فراهم گردد.

هرگونه تبعيض سياسي، اجتماعي، جنسي، نژادي، مذهبي، فرهنگي و ساير اقسام تبعيض در گزينش، انتصاب و ترفيع نيروي انساني در زمينه نوجوانان بايد بمنظور نيل به بيطرفي در اجراي عدالت، ممنوع گردد. اين موضوع بوسيله کنگره ششم مورد توصيه قرار گرفته است. علاوه بر اين کنگره ششم از دولتهاي عضو مي خواهد رفتار منصفانه و برابر در زمينه زنان توسط نيروي انساني سيستم عدالت کيفري را تضمين نمايند و تدابير خاصي که بايد در استخدام آموزش و تسهيلات ترفيع استخدامي در اجراي عدالت براي نوجوانان رعايت گردد نيز مورد توصيه قرار گرفته است.

قسمت چهارم:

رويکرد غير موسسه اي

۲۳- اجراي موثر تصميم

۲۳-۱- مقررات مناسبي بايد به منظور اجراي دستورات مقام ذيصلاح موضوع قاعده ۱-۴ صدرالذکر بوسيله خود مقام ذيصلاح يا برخي مقامات ديگر که حسب اوضاع و احوال لازم است، تدوين و تصويب گردد.

۲۳-۲- اين مقررات بايد حاوي اختيار جرح و تعديل دستورات حسب نظر مقام ذيصلاحيت در واقعي که اصلاح آن بنا به مقتضيات زمان ضروري است، باشد، مشروط به اينکه اين اصلاحات بر اساس اصول مندرج در اين قواعد صورت پذيرد.

تفسير

تصميمات در پرونده هاي نوجوانان، بيشتر از پرونده هاي بزرگسالان، بر زندگي مجرم براي يک

دوره طولانی زمانی اثر می‌گذارد. بنابراین، این مسئله از اهمیت برخوردار است که یک مقام ذیصلاحیت یا یک ارگان مستقل (هیات پارول، مامور پروباسیون، نهادهای رفاه جوانان یا غیره) با شرایطی که مشابه شرایط مقام ذیصلاحیت است که اساساً در خصوص پرونده تصمیم‌گیری می‌کند، اجرای تصمیمات را تحت نظارت قرار دهد. در برخی کشورها، قاضی اجرای مجازاتها، برای این هدف در نظر گرفته شده است.

ترکیب اختیارات و تکالیف این مقام، باید انعطاف‌پذیر باشد. این موارد در قاعده ۲۳ با عبارات کلی بیان گردیده‌اند تا از پذیرش وسیع آن اطمینان حاصل شود.

۲۴- مقررات راجع به مساعدت

باید تلاش گردد برای نوجوانان در کلیه مراحل رسیدگی، مساعدتهای ضروری از قبیل تهیه محل سکونت، آموزشهای نظری و فنی - حرفه‌ای، استخدام یا هر گونه مساعدت سودمند و عملی دیگر، با هدف تسهیل فرایند بازپروری، در نظر گرفته شود.

تفسیر

توسعه رفاه و آسایش نوجوانان از برترین ملاحظات است. بر این اساس، قاعده ۲۴ بر اهمیت برقراری تسهیلات لازم، خدمات و سایر مساعدتهای ضروری در گسترده‌ترین میزان و در چهارچوب بیشترین منافع نوجوان در سراسر فرایند بازپروری تأکید می‌نماید.

۲۵- بسیج داوطلبان و سایر سرویسهای اجتماعی

۱-۲۵- داوطلبان، سازمانهای داوطلب، نهادهای محلی و سایر منابع اجتماعی باید بمنظور مشارکت بطور موثر در فرایند بازپروری نوجوانان در مجموعه

جامعه و حتی الامکان در درون واحد خانواده فرا خوانده شوند.

تفسیر

این قاعده، نیاز به نظم بخشی کلیه عملکردها در حوزه بازپروری بزهکاران نوجوان را منعکس میکند. تشریک مساعی با جامعه غیر قابل انکار است مشروط به اینکه دستورالعملهای مقام ذیصلاح بطور موثر به اجرا در آید. به ویژه ثابت گردیده است که داوطلبان و سرویسهای داوطلب، میتوانند از منابع ارزشمند باشند مع الوصف در حال حاضر چندان محل استفاده نیستند. در برخی موارد همکاری مجرمین سابق (از جمله معتادین سابق) میتواند کمک شایان توجهی باشد.

قاعده ۲۵ برگرفته از اصول مندرج در قواعد ۱-۱ تا ۱-۶ است و دنباله رو مقررات ذیربط مندرج در میثاق بین المللی حقوق کلانی و سیاسی است.

قسمت پنجم

نگهداری در موسسه

۲۶- اهداف نگهداری در موسسه

۱-۲۶- اهداف آموزش فنی و نحوه رفتار با نوجوانانی که در موسسات اقامت داده شده اند، ایجاد مراقبت، حمایت، آموزش نظری و مهارتهای فنی با رویکرد کمک به آنها در پذیرش نقشهای فعال و مفید از نظر اجتماعی در جامعه است.

۲-۲۶- نوجوانان در موسسات باید مراقبت، حمایت و کلیه کمکهای ضروری اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای، روانی، پزشکی و فیزیکی ای که ممکن است مورد نیاز باشد را با لحاظ سن، جنس و شخصیت و با رعایت مصالح را به پیشرفت کامل آنها، دریافت دارند.

۳-۲۶- نوجوانان در موسسات باید از بزرگسالان جدا نگهداری شوند و باید در موسسات جداگانه یا در قسمت جداگانه از یک موسسه‌ای که در آن بزرگسالان نیز نگهداری میشوند، نگهداری شوند.

۴-۲۶- بزهکاران جوان زن، در یک موسسه‌ای که توجه ویژه به نیازهای شخصی و مشکلات آنها بعمل می‌آید نگهداری می‌شوند. آنها نباید بهیچ وجه مراقبت، حمایت، کمک، درمان و آموزش کمتر از مجرمین جوان مرد دریافت کنند. رفتار منصفانه با آنها باید تضمین گردد.

۵-۲۶- در چهار چوب مصاح و رفاه نوجوانان مقیم موسسات، والدین و سرپرستان حق دسترسی به این موسسات را دارند.

۶-۲۶- همکاری بین وزارتخانه‌ای و بین بخشی باید با هدف ارائه آموزشهای دانشگاهی، یا چنانچه مناسب باشد آموزشهای حرفه‌ای، باید برای نوجوانان مقیم موسسات با رویکرد تضمین اینکه آنها بدون امتیازات آموزشی موسسه را ترک نخواهد کرد مقرر گردد.

تفسیر

اهداف رفتار در موسسات بنحوی که در قواعد ۱- ۲۶ و ۲-۲۶ مندرج است، باید در هر سیستم و فرهنگ قابل قبول باشد. مع الوصف این موضوع در کلیه کشورها به نتیجه مطلوب نرسیده است و باید فعالیتهای بیشتری از این نظر صورت پذیرد. کمک‌های پزشکی و روانشناسی به ویژه برای معتادین مواد مخدر، اشخاص جوان پرخاشگر و بیماران روانی‌ای که در موسسات نگهداری میشوند بسیار پر اهمیت هستند.

جلوگیری از آثار منفی ناشی از تماس با مجرمین بزرگسال، و حفاظت از رفاه و آسایش نوجوانان

در مجموعه موسسات، همانطور که در قاعده ۳-۲۶ مندرج است، در ارتباط با یکی از اصول راهنمای اساسی این قواعد است که در قطعنامه شماره ۴ کنگره ششم مورد تاکید قرار گرفته است. این قاعده، دولتها را از اقتباس تدابیر علی‌ه آثار منفی ناشی از مجرمین بزرگسال که حداقل دارای اثر بخشی مساوی با تدابیر مذکور در این قاعده است منع میکند (بنگرید همچنین به قاعده ۴-۱۳)

قاعده ۴-۲۶ به این واقعیت اشاره دارد که مجرمین زن، بطور معمولی، توجه کمتری نسبت به همتایان مرد خود آنچنانکه در کنگره ششم مندرج است، را بخود جلب مینمایند.

بطور ویژه قطعنامه شماره ۹ کنگره ششم، به رفتار منصفانه با مجرمین زن در هر یک از مراحل فرایند عدالت کیفری فرا میخواند و توجه مخصوص به مشکلات خاص و نیازهای آنها در هنگام اقامت در بازداشتگاه را می‌طلبد. علاوه بر این، این قاعده باید در پرتو اعلامیه کاراکاس کنگره ششم که بطور ضمنی رفتار برابر در اجرای عدالت کیفری^۱ با لحاظ سابقه اعلامیه الغا تبعیض علیه زنان^۲ و کنوانسیون الغاء هر شکل تبعیض علیه زنان^۳، را طلب می‌کند، در نظر گرفته شود.

حق دسترسی (قاعده ۵-۲۶) از مقررات مندرج در قواعد ۱-۷، ۱-۱۰، ۲-۱۵، ۲-۱۸ تبعیت می‌کند. همکاری بین وزارتخانه‌ای و بین بخشی، (قاعده ۶-۲۶) در چهار چوب مصلحت توسعه کلی در کیفیت کارکرد و آموزش موسسات، از اهمیت مخصوص برخوردار است.

۱ - بنگرید به قطعنامه شماره ۳۵/۱۷۱ مجمع عمومی، پیوست، پاراگراف ۶-۱.

۲ - قطعنامه شماره ۲۲۶۳ مجمع عمومی (XXII).

۳ - قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی، پیوست.

۲۷- اجرای قواعد استاندارد حداقل برای رفتار با زندانیان که توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است.

۱-۲۷- قواعد استاندارد حداقل، در زمینه رفتار با زندانیان و توصیه نامه‌های ذیربط در بیشترین گستره ممکن، در قلمروی که مرتبط با مجرمین نوجوان در موسسات است باید به اجرا در آید، از جمله آندسته که در بازداشت حین رسیدگی به سر می‌برند.

۲-۲۷- باید تلاش گردد اصول ذیربط مندرج در قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان در گسترده‌ترین قلمرو ممکن، با لحاظ نیازهای متنوع نوجوانان ویژه سن، جنس و شخصیت آنها به اجرا در آید.

تفسیر

قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان از اولین اسناد از این نوع که توسط سازمان ملل متحد منتشر گردیده است می‌باشد. بطور کلی این موافقت حاصل است که این قواعد دارای تاثیر جهانی هستند. اگر چه هنوز کشورهایی وجود دارند که اجرای این قواعد در آنها بجای واقعیت جنبه تشریفاتی دارد. قواعد استاندارد حداقل مزبور می‌رود تا تاثیر مهم در زمینه اداره انسانی و منصفانه موسسات اصلاح و تربیت ایفا کند.

برخی از حمایتهای در برگیرنده مجرمین نوجوان در موسسات در قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان درج گردیده است. (محل اقامت، معماری، رختخواب، لباس، شکایات و درخواستها، ارتباط با جهان خارج، غذا، مراقبت پزشکی، خدمات مذهبی، تفکیک سنی، نیروی انسانی و

غیره) که بعنوان مقررات مرتبط با مجازات و نظم تلقی میگردد و مانع مجرمین خطرناک میگردد. بنظر می‌رسد اصلاح قواعد استاندارد حداقل مزبور با لحاظ ویژگی‌های خاص موسسات مربوط به مجرمین نوجوان در داخل قلمرو قواعد استاندارد حداقل برای اجرای عدالت در زمینه نوجوانان مناسب نباشد.

قاعده ۲۷ بر الزامات ضروری موسسات نوجوانان (قاعده ۱-۲۷) همچنین نیازهای متنوع ویژه آنها با توجه به سن، جنس و شخصیت (قاعده ۲-۲۷) متمرکز است. بنابراین، اهداف و محتویات این قاعده، دارای ارتباط درونی با مقررات ذیربط راجع به قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان، است.

۲۸- توسل سریع و پیش از موعد به آزادی مشروط
۲۸-۱- آزادی مشروط از یک موسسه باید توسط یک مقام مناسب در گسترده‌ترین قلمرو ممکن مورد استفاده قرار گیرد و باید در اولین زمان ممکن اعطا گردد.

۲۸-۲- نوجوانانی که بطور مشروط از یک موسسه آزاد میگردند باید مورد حمایت قرار گرفته و بوسیله مقام ذیصلاح مناسب تحت نظارت قرار گیرد و مشمول حمایت کامل جامعه گردد.

تفسیر

اختیار دستور به آزادی مشروط ممکن است به مقام صالح بنحوی در قاعده ۱-۱۴ مندرج است یا به سایر مقامات واگذار گردد. از این منظر، بهتر است در اینجا از مقام «مناسب» نام ببریم تا مقام «ذیصلاحیت». اوضاع و احوالی که آزادی مشروط را تجویز میکند، ترجیحاً باید کل مجازات را شامل گردد. بر اساس ادله‌ای که توجیه کننده

پیشرفت در زمینه بازپروری است، حتی مجرمینی که هنگام پذیرش در موسسه خطرناک تشخیص داده شده‌اند، می‌توانند بطور مشروط در مواردی که امکان‌پذیر است آزاد گردند. همچون پروباسیون، چنین آزادی‌ای ممکن است مشروط به اجرای توجیه‌پذیر الزامات تعیین شده توسط مقامات ذیربط برای یک دوره زمانی به شرح مندرج در تصمیم باشد. بطور مثال می‌تواند مرتبط با «رفتار خوب» مجرم، حضور در برنامه‌های جامعه، اقامت در منازل نیمه راه و غیره.

در مورد مجرمینی که بطور مشروط از یک موسسه آزاد شده‌اند، کمک و نظارت توسط یک مأمور پروباسیون و غیره (به ویژه در مواردی که پروباسیون تا آن زمان پذیرفته شده است) باید مقرر گردد و حمایت جامعه باید مورد تشویق قرار گیرد.

۲۹- ساز و کارهای شبه موسسه‌ای

۱-۲۹- باید تلاش گردد ساز و کارهای شبه موسسه‌ای مقرر گردد، از قبیل منازل نیمه راه، خانه‌های آموزشی، مرکز آموزش روزانه، و سایر ساز و کارهای مناسب که می‌تواند به نوحوانان در سازگاری مجددشان با جامعه کمک کند.

تفسیر

اهمیت مراقبت بعد از اقامت در موسسه نباید نادیده انگاشته شود. این قاعده بر ضرورت تشکیل یک شبکه ساز و کارهای شبه موسسه‌ای تاکید دارد.

این قاعده همچنین بر ضرورت تغییر نوع تسهیلات و سرویسهای طراحی شده با هدف نیل به الزامات مجرمین جوان در زمینه ورود مجدد به جامعه و در

نظر گرفتن حمایت ساختاری بعنوان یک گام مهم
بسوی سازگاری مجدد با جامعه تاکید دارد.

قسمت ششم

فرمول بندي تحقیقات طراحی شده و سیاست گذاری و
ارزیابی

۳۰- تحقیقات بعنوان اساس طراحی، فرمول بندي
سیاست گذاری و ارزیابی

۳۰-۱- باید تلاش گردد تحقیقات ضروری بعنوان یک
پایه طراحی موثر و تنظیم سیاست گذاری،
سازماندهی و ترویج گردد.

۳۰-۲- باید تلاش گردد بطور ادواری قلمروها،
مشکلات و علل انحراف و جرم نوجوانان همچنین
نیازهای متنوع مخصوص نوجوانان مقیم
بازداشتگاه، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۳۰-۳- باید سعی گردد یک ساز و کار در زمینه
ارزیابی منظم در زمینه اجرای سیستم عدالت
برای نوجوانان، ایجاد گردد و داده‌های ذیربط و
اطلاعات ارزیابی مناسب و تحولات آینده و اصلاح
روشهای اجرایی را جمع آوری و تجزیه و تحلیل
گردد.

۳۰-۴- ارائه خدمات در زمینه اجرای عدالت برای
نوجوانان، باید بطور سیستماتیک طراحی و
بعنوان یک بخش از تلاشهای صورت گرفته در توسعه
ملی به اجرا در آید.

تفسیر

بهره گیری از تحقیقات بعنوان اساس یک سیاست
گذاری هوشمند در زمینه عدالت برای نوجوانان و
به منزله یک ساز و کار مهم برای اتخاذ روشها
در عرض پیشرفت در دانش، استمرار توسعه و
اصلاح سیستم عدالت در زمینه نوجوانان، باید
بطور وسیع دانسته شود. باز خورد بین تحقیقات و

سیاست گذاری بطور ویژه در خصوص عدالت در زمینه نوجوانان از اهمیت برخوردار است. با تخیرات سریع و اغلب موثر در شیوه های زندگی جوانان و در اشکال و قلمروهای جرایم، پاسخهای جامعه محور و سیستم عدالت کیفری به جرم و انحراف نوجوانان پس از گذشت اندک زمانی منسوخ و غیر مناسب می گردد.

قاعده ۳۰ بنابراین، استانداردهایی را برای تحقیقات در زمینه سازگاری مجدد در فرایند فرمول بندی سیاست گذاری و اجرا در زمینه عدالت برای نوجوانان را ایجاد می کند.

این قاعده توجه ویژه را به ضرورت بازبینی مجدد و ارزیابی برنامه ها و تدابیر جاری و طراحی در زمینه گسترده اهداف کلی توسعه متمرکز کرده است.

ارزیابی جامع نیازهای نوجوانان، همچنین قلمرو مشکلات انحراف، پیش شرط اصلاح روشهای فرمول بندی سیاستهای ارزیابی و ایجاد مداخلات مناسب در دو سطح رسمی و غیر رسمی، است.

در این بستر، اجرای تحقیقات توسط اشخاص و ارگانهای مستقل از طریق آژانسها مسئول باید تسهیل گردد و ممکن است در این زمینه اخذ و لحاظ نظرات نوجوانان نه فقط در مورد آنانی که در تماس با سیستم قرار گرفته اند، ارزشمند باشد.

فرایند طراحی باید بطور ویژه تاثیر بیشتر و سیستم منصفانه ارائه خدمات ضروری را مورد تاکید قرار دهد. برای نیل به این هدف، باید یک ارزیابی منظم و جامع با قلمرو گسترده به ویژه بر اساس نیازها و مشکلات نوجوانان و تعیین مقدمات تفصیلی مورد نیاز وجود داشته باشد. در این ارتباط همچنین باید هماهنگی در زمینه

استفاده از منابع موجود از قبیل جایگزینها و حمایت‌های اجتماعی ای که احتمالاً در تدوین تشریفات مخصوص طراحی شده برای اجرا و نظارت بر برنامه های مصوب مورد نیاز است، وجود داشته باشد.

۹- اصول راهنمای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم نوجوانان
(اصول راهنمای ریاض)

۱- اصول اساسی

۱- پیشگیری از جرم نوجوانان یک رکن ضروری در پیشگیری از جرم در جامعه است. با اشتغال در فعالیت‌های قانونی از نظر اجتماعی سودمند، و پذیرش یک جهت گیری انسانی به سوی جامعه و دورنمای زندگی، اشخاص جوان، میتوانند، یک رویکرد غیر مجرمانه را اتخاذ و تقویت نمایند.

۲- موفقیت پیشگیری از جرم توسط نوجوانان نیازمند اتخاذ مساعی از طرف کل جامعه با هدف اطمینان از تقویت همنوایی با جامعه در بزرگسالی با رویکرد پیشرفت شخصیت ناشی از اوان کودکی، است.

۳- بمنظور تفسیر اصول راهنمای حاضر، جهت گیری طفل محور باید تعقیب گردد. اشخاص جوان باید دارای یک نقش و مشارکت فعال در جامعه بوده و نباید شأن آنها به مشابه یک موضوع صرف فرایند اجتماعی شدن یا نظارت در نظر گرفته شود.

۴- در اجرای اصول راهنمای حاضر با لحاظ سیستم قانونی ملی، رفاه اشخاص جوان از همان اوان کودکی باید محور هر گونه برنامه پیشگیری باشد.

۵- ضرورت و اهمیت استمرار سیاست‌های پیشگیری از جرم و مطالعه سیستماتیک و تدوین دقیق تدابیر، باید به رسمیت شناخته شود. این امور باید مانع

جرم انگاری و مجازات یک کودک برای رفتاری که سبب آسیب شدید به روند پیشرفت یا صدمه به دیگران نگردیده است شود. سیاستها و تدابیر شامل:

الف: مقررات مربوط به فرصتها به ویژه فرصت تحصیلی باید نیازهای متنوع اشخاص جوان را منظور نظر قرار دهد و یک چهارچوب حمایتی را برای صیانت از پیشرفت شخصی کلیه اشخاص جوان به ویژه آنهایی که آشکارا در معرض خطر یا در معرض خطر اجتماعی بوده و نیازمند مراقبت ویژه و حمایت هستند را در نظر بگیرد.

ب - فلسفه‌ها و رویکردهای خاص در زمینه پیشگیری از جرم بر پایه قوانین، فرایندها، موسسات، تسهیلات و شبکه ارائه خدمت معطوف به هدف تضعیف انگیزه، نیاز و فرصت، یا شرایطی که سبب ارتکاب تخلفات است، گردد.

ج - مداخله رسمی باید در وهله اول مصلحت کلی شخص جوان را تعقیب و با اصول انصاف و عدالت هدایت گردد.

د - صیانت از رفاه و آسایش، پیشرفت، حقوق و مصالح کلیه اشخاص جوان

ه - این موضوع که رفتار یا عملکرد دوره جوانی با چهارچوبهای هنجارها و ارزشهای اجتماعی تطبیق ندارد، در اغلب موارد جزئی از فرایند بلوغ و رشد است و خود بخود در اکثر افراد با انتقال به مرحله بزرگسالی از بین می‌رود.

و - با اطلاع از اینکه حسب نظریه مشهور کارشناسان، بر حسب «منحرف»، «مجرم»، به یک شخص، اغلب سبب تقویت الگوهای رفتاری نامطلوب توسط اشخاص جوان میشود.

۶- سرویسه‌ها و برنامه‌های اجتماعی - محور باید در زمینه پیشگیری از جرایم نوجوانان گسترش یابند. به ویژه اینکه تا کنون آژانس‌های در این زمینه ایجاد و تثبیت نگردیده‌اند. آژانس‌های رسمی کنترل اجتماعی باید بعنوان آخرین راه کار مورد استفاده قرار گیرند.

۲- قلمرو این اصول راهنما

۷- اصول راهنمای حاضر باید درگستره وسیع اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه حقوق کودک و کنوانسیون حقوق کودک و در بستر قواعد استاندارد حداقل در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان (قواعد پکن) همچنین سایر اسناد و هنجارهای مرتبط با حقوق، مصالح و رفاه کلیه کودکان و اشخاص جوان تفسیر و اجرا گردد.

۸- این اصول راهنما همچنین باید در بستر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم در دولتهای عضو به اجرا در آید.

۳- پیشگیری عمومی

۹- طرحهای جامع پیشگیری باید در کلیه سطوح دولت نهادینه شود. این طرحها شامل:

الف: تجزیه و تحلیل غیر سطحی مشکل و سرفصلهای برنامه‌ها، امکانات و منابع موجود.

ب: تعریف دقیق شرح وظایف آژانسها، موسسات دارای صلاحیت و نیروی انسانی موضوع اقدامات پیشگیرانه.

د- سیاستها، برنامه‌ها و استراتژیهای مبتنی بر مطالعات مربوط به پیش بینی وضعیت آینده، باید مستمراً کنترل و به دقت در روند اجرا ارزیابی گردند.

هـ روشهایی برای کاهش موقعیتهای ارتکاب رفتارهای مجرمانه بطور موثر و مشارکت جامعه از طریق حوزه گستره خدمات و برنامه‌ها.

ز- همکاری نزدیک شبکه‌ای بین ادارات ملی، ایالتی، استانی و محلی با مشارکت بخشهای خصوصی، نمایندگان انتخابی شهروندان، آژانسهای کارگری، مراقبت از کودکان، بهداشتی، تحصیلی، اجتماعی و اجرای قانون و قضایی بمنظور تمرکز وسیع فعالیتها با هدف پیشگیری از انحراف نوجوانان و جرایم جوانان باید ایجاد گردد.

ج - مشارکت جوانان در سیاستهای پیشگیری از انحراف و فرایندهای آن شامل بکارگیری منابع اجتماعی، همیاری جوانان و برنامه‌های جبران خسارت و کمک به بزه دیدگان.

۴- فرایندهای اجتماعی شدن

۱۰- باید بر سیاستهای پیشگیرانه‌ای که اجتماعی شدن و سازگاری کلیه کودکان و جوانان به ویژه از طریق خانواده، جامعه، گروه همقطار، مدارس، آموزشهای حرفه‌ای و تنوع مشاغل همچنین از طریق سازمانهای داوطلب تاکید گردد. توجه لازم باید به پیشرفت مناسب فردی کودکان و اشخاص جوان صورت گیرد و آنها باید بعنوان مشارکت‌کنندگان کامل و برابر در فرایندهای اجتماعی شدن و سازگاری با جامعه مورد قبول قرار گیرند.

الف: خانواده

۱۱- کلیه جوامع باید اولویت درجه اول را به نیازها و رفاه خانواده و اعضای آن معطوف نمایند.

۱۲- نظر به اینکه خانواده واحد مرکزی و مسئول در اجتماعی کردن کودکان است، تلاشهای دولتی و

اجتماعی باید معطوف انسجام خانواده از قبیل خانواده گسترده باشد. جامعه وظیفه دارد به خانواده در ایجاد زمینه مراقبت و حمایت مساعدت کند و رفاه و آسایش فیزیکی و روانی کودکان را تضمین کند. ساز و کارهای مناسب از قبیل مراقبت روزانه باید مقرر گردد.

۱۳- دولتها باید سیاستهای را اتخاذ نمایند که در قرار دادن کودکان در فضای یک خانواده غیر آشفته و توأم با صلح و صفا نقش مثبت ایفا نماید. خانواده هایی که نیازمند کمک در به سامان کردن شرایط آشفته یا توأم با ناسازگاری هستند باید خدمات لازم برای آنها مقرر گردد.

۱۴- در مواردی که فضای خانوادگی غیر آشفته و توأم با صلح و صفا مفقود است یا واقعی که مساعی جامعه در کمک به این خانواده منتهی به شکست میگردد و خانواده گسترده نیز نمیتواند به ایفا نقش بپردازد، مکانهای جایگزین خانواده از قبیل امکان سرپرستی و پذیرش باید در دستور کار قرار گیرد. این امکان باید تا حد امکان فضای یک خانواده غیر آشفته و دارای صلح و صفا را فراهم کند. و در عین حال همان زمان، باید حس و تعلق به یک خانواده برای کودکان باقی ماند تا از مشکلاتی که از لوازم عرفی تغییر پناهگاه (خانواده) است، خودداری شود.

۱۵- توجه ویژه باید به کودکان خانواده هایی مبذول گردد که در معرض مشکلات غیر مترقبه و تغییرات شدید اقتصادی اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته اند به ویژه کودکان بومیان یا خانواده های مهاجرین و پناهندگان. چه این تغییرات توانایی اجتماعی خانواده در تضمین تربیت سنتی و تغذیه کودکان را از بین برده و

اغلب به دلیل تعارض نقش و فرهنگ، روشهای ابداعی و توانمند سازی این خانواده‌ها بمنظور اجتماعی شدن کودکان باید طراحی گردد.

۱۶- بمنظور آموزش نقش و تعهدات سرپرستی به خانواده‌ها، با لحاظ پیشرفت و اطفال و مراقبت از آنها، ترویج ارتباط مثبت والدین - فرزند، حساس کردن والدین نسبت به مسایل کودکان و اشخاص جوان و تشویق آنها به مشارکت در فعالیتهای جامعه و خانواده محور، تدابیری باید اتخاذ و برنامه‌هایی باید بطور گسترده به اجرا در آید.

۱۷- دولتها باید تدابیری را برای ترویج همبستگی و هماهنگی خانواده در نظر گرفته و جدایی کودکان از والدین را تقبیح نمایند مگر اینکه اوضاع و احوال موثر بر رفاه و آینده کودک جایگزین مناسب دیگری را در دسترس قرار ندهد.

۱۸- این مسئله از اهمیت برخوردار است که بر کارکرد اجتماعی شدن خانواده و خانواده گسترده تاکید گردد. همچنین این موضوع از اهمیت برابر برخوردار است که نقش آینده، مسئولیتهای، مشارکت و همکاری اشخاص جوان در جامعه به رسمیت شناخته شود.

۱۹- بمنظور تضمین حقوق کودک در اجتماعی شدن مناسب، دولتها و سایر آژانسها باید بر آژانسهای قانونی و اجتماعی موجود تکیه نمایند مع الوصف چنانچه موسسات و رسومات سنتی دیگر اثر مخشی نداشته باشند، آنها باید تدابیر ابداعی را مقرر و اجازه دهند.

ب: تحصیلات

۲۰- دولتها تعهد دارند تحصیلات عمومی را برای کلیه اشخاص جوان در دسترس قرار دهند.

۲۱- سیستمهای تحصیلی ، علاوه بر فعالیتهای دانشگاهی و آموزشهای فنی - حرفه‌ای باید توجه ویژه به موارد ذیل معطوف نمایند:

الف: آموزش ارزشهای پایه‌ای و افزایش احساس احترام بر اساس هویت و الگوهای فرهنگی در زمینه ارزشهای اجتماعی کشوری که در آن زندگی میکند، این آموزشها باید برای تمدنهایی که از تمدن طفل متفاوتند و در زمینه حقوق بشر و آزادیهای اساسی، صورت پذیرد.

ب: ترویج و تقویت شخصیت، استعدادها و تواناییهای ذهنی و فیزیکی اشخاص جوان تا نهایت توان بالقوه آنها.

ج: مشارکت اشخاص جوان بعنوان یک شرکت کننده فعال و موثر نه صرف یکموضوع، در فرایند تحصیل
د: تعهد بر اجرای فعالتهای تقویت کننده حس هویت و تعلق به مدرسه و جامعه

ه: تشویق اشخاص جوان به درک و احترام به نظریات و افکار دیگر همچنین تفاوتهای فرهنگی و غیره

و: مقرراتی در زمینه آگاه سازی و ارشاد در زمینه آموزشهای فنی - حرفه‌ای ، فرصتهای اشتغال و تقویت برنامه‌ریزی برای زندگی.

ز: مقرراتی درباره حمایت عاطفی مثبت در قبال اشخاص جوان و خودداری از رفتارهای نامطلوب روانی

ح: خودداری از تدابیر انضباطی خشن، بطور ویژه مجازاتهای بدنی.

۲۲- سیستمهای تحصیلی باید در معیت والدین، سازمانهای اجتماعی و آژانسهایی که در زمینه اشخاص جوان فعالیت دارند به ایفا نقش پردازد.

۲۳- اشخاص جوان و خانواده آنها باید درباره قوانین و حقوق و تکالیف خود حسب قوانین ملی همچنین سیستم ارزشهای جهانی شامل اسناد سازمان ملل متحد آگاه گردند.

۲۴- سیستمهای تحصیلی باید مراقبت ویژه و توجه خاص به اشخاص جوانی که در معرض خطرات اجتماعی هستند بعمل آورند. برنامه های شخصی پیشگیری و موضوعات تحصیلی، دوره تحصیلات، رویکردها و ابزارها باید توسعه یافته و بطور کامل از مزایای آن استفاده گردد.

۲۵- توجه مخصوص باید به سیاستها و استراتژیهای جامع در زمینه پیشگیری از الکسیم، سوء مصرف مواد مخدر و سایر مواد بوسیله اشخاص جوان معطوف گردد.

آموزگاران و سایر اشخاص حرفه ای باید مجهز به تجهیزات شده بمنظور پیشگیری و مواجهه با این مشکلات آموزش عملی بگذارانند. اطلاعات راجع به مصرف یا سوء مصرف مواد مخدر که شامل الکل نیز می گردد باید در اختیار ارگانهای دانش آموزی قرار گیرد.

۲۶- مدارس بعنوان مرجع و مراکز ارجاع در زمینه مقررات راجع به خدمات پزشکی، مشاوره ای و غیره به اشخاص جوان به ویژه آندسته که دارای نیازهای خاص بوده و در معرض خطر سوء مصرف مواد مخدر، نادیده انگاری، بزه دیده شدن و سوء استفاده قرار دارند به ارائه خدمت پردازند.

۲۷- با توسل به برنامه های متنوع تحصیلی، آموزگاران و سایر بزرگسالان و ارگانهای دانش آموزی، باید نسبت به این مشکلات، نیازها، درک اشخاص جوان، به ویژه آنهایی که متعلق به گروههای محروم از مزایای اجتماعی، بدون

موقعیت، گروه‌های قومی یا سایر اقلیت‌ها و گروه‌های کم در آمد، حساس گردند.

۲۸- سیستم‌های مدرسه باید در صدد نیل و ترویج عالی‌ترین استاندارد حرفه‌ای و تحصیلی با رعایت دوره تحصیلات، روش‌های آموزش و فراگیری و رویکردهای زیربطن و استخدام و آموزش آموزگاران حایز شرایط اقدام نمایند. نظارت و ارزیابی منظم اجرای وظایف باید توسط سازمان‌های حرفه‌ای و مناسب و مقامات ذیصلاح تضمین گردد.

۲۹- سیستم‌های مدرسه باید فعالیت‌های آموزشی غیر رسمی در راستای مصالح اشخاص جوان با مشارکت گروه‌های اجتماعی را طراحی توسعه و اجرا نمایند. ۳۰- مساعدت ویژه باید به کودکان و اشخاص جوانی که در رعایت مقررات حضور و مشارکت دچار مشکل و گوشه گیر هستند، بعمل آید.

۳۱- مدارس باید سیاستها و قواعدی که منصفانه و عادلانه هستند را ترویج نمایند. دانش‌آموزان باید در ارگانهایی که سیاست‌های مدرسه را تنظیم میکنند نمایند داشته باشند از قبیل سیاست‌های برقراری نظم و تصمیم‌سازی.

ج - جامعه

۳۲- خدمات و برنامه‌های اجتماع محور که به نیازهای خاص، مشکلات، منافع و ملاحظات اشخاص جوان پاسخ گفته و مشاوره‌ها و راهنمایی‌های مناسب را به اشخاص جوان و خانواده آنها ارائه میدهند، باید گسترش یافته یا در جاهائیکه از قبل موجودند تقویت گردد.

۳۳- جوامع باید گسترده‌ترین تدابیر حمایتی اجتماع محور را برای جوانان مقرر یا چنانچه موجود است آنرا تقویت کنند. از قبیل مراکز توسعه اجتماعی، تسهیلات تفریح و سرگرمی و خدمات با

هدف پاسخگویی به مشکلات خاص کودکانی که در معرض خطرات اجتماعی هستند. در تدوین و ارائه چنین تدابیر کمک کننده، رعایت حقوق فردی باید تضمین گردد.

۳۴- زمینه برقراری تسهیلات ویژه در زمینه سرپناه مناسب برای اشخاص جوانی که تا مدتی قادر به سکونت در یک منزل نیستند یا اصولاً فاقد منزل برای سکونت هستند، باید فراهم گردد.

۳۵- تنوع زیاد از خدمات و تدابیر کمک کننده باید بمنظور حل و فصل مسائلی که حین انتقال به دوره بزرگسالی برای اشخاص جوان اتفاق می افتد، منظور گردد. این خدمات شامل برنامه های مخصوص برای سوء مصرف کنندگان مواد مخدر که مراقبت، مشاوره، کمک و مداخلات درمان محور را الزام آور می کنند می گردد.

۳۶- سازمانهای داوطلب که خدماتی را برای اشخاص جوان ارائه میدهند باید از دولت و سایر موسسات کمک مالی دریافت کنند.

۳۷- سازمانهای جوانان باید در سطح محلی تاسیس یا تقویت گردند و به آنها جایگاه مشارکتی کامل در مدیریت امور جامعه اعطا گردد. این سازمانها، باید جوانان را در سازماندهی و پروژه های گروهی و داوطلبانه بطور ویژه پروژه های که هدف آن کمک به اشخاص جوان نیازمند مورد تشویق قرار دهند.

۳۸- آژانسهای دولتی باید مسولیت ویژه خود را به اجرا در آورده و خدمات ضروری را برای کودکان بی خانمان یا خیابانی منظور نمایند و اطلاعات راجع به تسهیلات محلی، سرپناه، استخدام

و سایر اشکال و منابع کمک باید در سریعترین زمان ممکن در دسترس اشخاص جوان قرار گیرد.

۳۹- گسترده‌ترین تسهیلات و خدمات تفریحی و سرگرمی مورد علاقه خاص اشخاص جوان باید ایجاد و دسترسی به آن بطور آسان فراهم گردد.

د- رسانه‌های جمعی

۴۰- رسانه‌های جمعی باید بمنظور تضمین اینکه اشخاص جوان به اطلاعات و موضوعات راجع به تفاوت زمینه‌های ملی و بین‌المللی دست یابند، مورد تشویق قرار گیرند.

۴۱- رسانه‌های جمعی باید در به تصویر کشاندن سهم مثبت اشخاص جوان در جامعه مورد تشویق قرار گیرند.

۴۲- رسانه‌های جمعی باید بمنظور انتشار اطلاعات در خصوص وجود خدمات تسهیلات و فرصتهای مزبور برای اشخاص جوان در جامعه ترغیب گردند.

۴۳- رسانه‌های جمعی بطور کلی و تلویزیون و رسانه دیداری بطور ویژه، باید تشویق گردند که موارد مستهجن، مواد مخدر و تصاویر خشونت آمیز را تقلیل دهند و آنرا نامطلوب نشان دهند. در همین راستا از جلوه‌های پست و خوارکننده به ویژه در خصوص کودکان، زنان و روابط بین فردی خودداری کنند و اصول و نقشهای قانون مدار را ترویج کنند.

۴۴- رسانه‌های جمعی باید از کارکرد و وظایف گسترده اجتماعی همچنین تاثیرگذاری در ارتباطات مربوط به سوء مصرف مواد مخدر و الکل توسط جوانان آگاه شوند. آنها باید از قدرت خود برای پیشگیری از سوء مصرف با تکیه بر اخبار منسجم با یک رویکرد متوازن، بهره گیرند. آگاه کردن

موثر در زمینه مبارزه با موادمخدر در کلیه سطوح باید توسعه یابد.

۵- سیاست اجتماعی

۴۵- آژانسهای دولتی باید بیشترین اولویت را به طرحها و برنامه‌های مربوط به جوانان اختصاص دهند و منابع کافی و سایر منابع را برای ارائه خدمات، تسهیلات و نیروی انسانی بمنظور مراقبت پزشکی و سلامت روانی، تغذیه، خوابگاه و سایر خدمات ذیربط، شامل پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد مخدر و الکل، تضمین اینکه این منابع حاصل می‌گردد و در عمل به نفع اشخاص جوان به کار می‌رود، تامین کنند.

۴۶- نگهداری اشخاص جوان در موسسات باید آخرین راه کار محسوب و به کمترین زمان ممکن محدود گردد . رعایت بیشترین منافع شخص جوان از بیشترین اهمیت برخوردار است. معیارهایی که مداخله رسمی از این نوع را تجویز می‌کند. باید به طور مضیق تعریف و محدود به موارد ذیل گردد:

الف) موردی که کودک یا شخص جوان دچار آسیبی شده است که بوسیله والدین یا سرپرستان ایجاد شده است. ب) موردی که کودک یا شخص جوان از نظر جنسی، جسمی یا عاطفی مورد سوء استفاده والدین یا سرپرستان واقع شده است. ج) موردی که کودک یا شخص جوان توسط والدین یا سرپرستان به فراموشی سپرده شده است یا رها شده است. د) موردی که کودک یا شخص جوان، در معرض تهدید از طریق ایجاد خطر جسمی یا اخلاقی که ریشه در رفتار والدین یا سرپرستان دارد، قرار دارند. هـ) موردی که خطر شدید جسمی و روحی نسبت به کودک و شخص جوان ناشی از رفتار خود فرد است و نه والدین و سرپرستان نوجوان و نه خدمات اجتماعی

توان کنترل خطر غیر از توسل به نگهداری در موسسه را ندارند.

۴۷- آژانسهای دولتی باید برای اشخاص جوان موقعیت تحصیل تمام وقت مستمر که منابع مالی آن توسط دولت تامین گردیده است را در مواردی که والدین یا سرپرستان توان ارائه چنین کمکهایی به اشخاص جوان را ندارند بمنظور نیل به تجارب شغلی، فراهم کنند.

۴۸- برنامه‌های پیشگیری از جرم باید بر اساس یافته‌های تحقیقات علمی و قابل اعتماد طراحی شوند و بطور ادواری نظارت، ارزیابی و متعاقباً اصلاح و جرح و تعدیل گردند.

۴۹- اطلاعات علمی باید در اختیار اشخاص حرفه‌ای و عموم مردم در وسیع‌ترین مفهوم کلمه در خصوص نوع رفتار یا موقعیتی که منتهی به یا ناشی از بزه‌دیده شدن جسمی و روانی، آسیب و سوء مصرف همچنین سوء استفاده از اشخاص جوان است قرار داده شود.

۵۰- بطور کلی، مشارکت در طرحها و برنامه‌ها باید داوطلبانه باشد. اشخاص جوان به خواست خود باید در فرمول بندي توسعه و اجرای آن مشارکت کنند.

۵۱- دولت باید ارائه، توسعه و اجرای استراتژی‌ها و سیاستهایی را در خارج از قلمرو سیستم عدالت کیفری بمنظور پیشگیری از خشونت خانوادگی علیه یا توسط اشخاص جوان تداوم بخشد و رفتار منصفانه نسبت به بزه‌دیدگان خشونت خانوادگی را تضمین کند.

۶- قانونگذاری و اجرای عدالت در زمینه نوجوانان

۵۲- دولتها باید قوانین و آیین دادرسیهای ویژه‌ای را بمنظور ترویج و حمایت از حقوق و رفاه کلیه اشخاص جوان، تصویب و به اجرا در آورند.

۵۳- قوانین پیشگیری کننده از بزه‌دیده شدن، سوء مصرف، سوء استفاده از بهره‌گیری از کودکان و اشخاص جوان در فعالیت‌های بزهکارانه باید تصویب و به اجرا در آید.

۵۴- هیچ کودکی نباید موضوع تدابیر مجازاتی یا اصلاح و تربیتی خشن و خوار کننده در منزل، در مدارس یا سایر موسسات قرار گیرد.

۵۵- مقررات و الزامات معطوف به محدودیت و نظارت بر دسترسی به هر گونه سلاح توسط کودکان و اشخاص جوان باید در دستور کار قرار گیرد.

۵۶- بمنظور جلوگیری از توسعه لکه دار کردن، بزه‌دیده شدن و جرم‌انگاری در زمینه رفتار اشخاص جوان، مقرراتی باید بمنظور تضمین اینکه هر رفتار صبغه‌ی کیفری پیدا نکند یا مجازات نگردد مشروط به اینکه چنانچه ارتکاب همان رفتار توسط بزرگسال فاقد جرم‌انگاری و مجازات باشد.

۵۷- باید به ایجاد یک دفتر دادخواهی یا ارگان مستقل مشابه که تضمین کند جایگاه، حقوق و منافع اشخاص جوان مراعات گردیده و به خدمات در دسترس ارجاع مناسب داده خواهد شد توجه ویژه مبذول گردد. دفتر دادخواهی یا سایر ارگانهای تعیین شده باید بر اجرای اصول راهنمای ریاض، قواعد پکن و قواعد حمایت از نوجوانان که آزادی آنها سلب گردیده است، نظارت نمایند. دفتر دادخواهی یا سایر ارگانها باید در ادوار منظم، گزارشی در زمینه پیشرفت‌های حاصل در خصوص موانع موجود در اجرای این اسناد تهیه و منتشر

نماید. خدمات مشاوره ای کودک همچنین باید تاسیس گردد.

۵۸- نیروی انسانی اجرای قانون و سایر نیروهای ذیربط، چه مرد چه زن، باید آموزشهای لازم را دریافت کرده تا بتوانند به الزامات ضروری اشخاص جوان پاسخ مناسب دهند و باید با برنامه‌ها و امکانات ارجاع در زمینه خروج اشخاص جوان از سیستم عدالت آشنا بوده و آنرا بکار برند.

۵۹- مقرراتی باید در زمینه حمایت از کودکان و اشخاص جوان در قبال سوء مصرف مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر تصویب و دقیقاً به اجرا در آید.

۷- تحقیقات، ترویج سیاستها و هماهنگی

۶۰- باید تلاش گردد و سازو کارهای مناسب ایجاد گردد تا در بستر ساختار ارگانه‌های فراجنشی و بین بخشی، تعامل و همکاری بین آژانسهای اقتصادی، اجتماعی و تحصیلی و سلامت و خدمات، سیستم عدالت در زمینه جوانان آژانسهای جامعه محور و توسعه و سایر نهادهای ذیربط ایجاد و توسعه یابد.

۶۱- تبادل اطلاعات، تجارب و مهارتهای بدست آمده از پروژه‌ها، برنامه‌ها و روشها، ابتکارات راجع به جرم جوانان، پیشگیری از جرم و عدالت در زمینه نوجوانان باید در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت گردد.

۶۲- همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی در موضوعات مربوط به جرایم جوانان، پیشگیری از جرم و عدالت در زمینه نوجوانان، شامل دارندگان مشاغل حرفه‌ای، کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان باید توسعه یافته و تقویت بیشتر گردد.

۶۳- همکاری فنی و علمی در موضوعات اجرایی و مربوط به سیاست گذاری، به ویژه در حوزه آموزش، پروژه‌های پایلوت و ارزیابی موضوعات خاص مربوط به پیشگیری از جرم جوانان و جرایم نوجوانان باید توسط کلیه دولت‌ها، سیستم سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های ذیربط به شدت تقویت گردد.

۶۴- تشریح مساعی در اجرای تحقیقات علمی با هدف دست‌یابی به روش‌های موثر پیشگیری از جرم و انحراف نوجوانان مورد تشویق قرار گیرد و یافته‌های این تحقیقات باید در سطح گسترده منتشر و ارزیابی گردد.

۶۵- ارگانها، نهادها، آژانسها و دفاتر ذیربط سازمان ملل متحد، باید تشریح مساعی و همکاری نزدیک در زمینه مسایل مربوط به کودکان، عدالت نوجوانان و جرم جوانان و پیشگیری از جرم نوجوانان را در دستور کار خود قرار دهند.

۶۶- بر اساس اصول راهنمای حاضر، دبیرخانه سازمان ملل متحد، در تعامل با نهادهای ذینفع، باید در اجرای تحقیقات، همکاری علمی، تنظیم سیاست‌های انتخابی و بررسی و نظارت بر اجرای آنها نقش فعال ایفاء کند و بعنوان یک منبع اطلاعاتی قابل اعتماد در زمینه روش‌های موثر پیشگیری از جرم به ارائه خدمت پردازد.

۱۰- قواعد سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از نوجوانانی که آزادی آنها سلب گردیده است.^۱

۱- دور‌نمای اساسی

۱- سیستم عدالت در زمینه نوجوانان، باید حقوق و امنیت را تثبیت و رفاه و آسایش جسمی و

روانی نوجوانان را گسترش دهد. زندانی کردن باید بعنوان آخرین راه کار در نظر گرفته شود. ۲- نوجوانان باید صرفاً در چهارچوب اصول و تشریفات مقرر در این قواعد و قواعد استاندارد حداقل در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان (قواعد پکن) از آزادی شان محروم گردند. محرومیت از آزادی نوجوانان، باید بعنوان آخرین راه کار و برای کمترین زمان ممکن بکار رود و باید محدود به موارد استثنایی گردد، این ضمانت اجرا برای کمترین زمان ممکن بکار رود و باید محدود به موارد استثنایی گردد. مدت این ضمانت اجرا باید بوسیله مقام قضایی تعیین گردد بدون اینکه احتمال آزادی زود هنگام وی منتفی گردد.

۳- این قواعد بر آنند که استانداردهای حداقل پذیرفته شده توسط سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از نوجوانان محروم از آزادی در کلیه اشکال، منطبق با حقوق بشر و آزادیهای اساسی و با لحاظ خنثی کردن آثار زیانبار کلیه اقسام بازداشت را ایجاد کرده و هموایی با جامعه را تقویت کنند.

۴- این قواعد باید بطور منصفانه و بدون تبعیض از هر نوع از قبیل نژاد، رنگ، جنس، سن، زمان، دین، تابعیت، عقاید سیاسی و غیر آن، اعتقادات فرهنگی یا روشهای زندگی، اموال، تولد یا وضعیت خانوادگی، ریشه قومی یا اجتماعی و معلولیتها، اعتقاد دینی و فرهنگی، روشهای زندگی و مفاهیم اخلاقی نوجوان به اجرا درآید.

۵- این قواعد به منظور ارائه خدمت با استانداردهای منعطف طراحی شده و تشویق و ارشاد صاحبان مشاغل حرفه‌ای در مدیریت سیستم عدالت در زمینه نوجوانان را مقرر می‌نماید.

۶- این قواعد باید به زبانهای ملی در اسرع وقت در اختیار نیروی انسانی عدالت در زمینه نوجوانان، قرار گیرد. نوجوانانی که زبان مورد استفاده پرسند موسسات بازداشت را خوب درک نمی‌کنند، حق دارند از خدمات یک مترجم رایگان در مواقع ضروری به ویژه معاینات پزشکی و اجرای مقررات انتظامی بهره مند گردند.

۷- در موارد مناسب دولتها باید این قواعد را در قوانین ملی خود درج کرده یا این قوانین را متعاقباً بر اساس این قواعد اصلاح کنند و جبران خسارت موثری را برای نقض آن شامل پرداخت غرامت در خصوص آسیبهایی جسمانی وارد به نوجوانان در نظر بگیرند. دولتها همچنین باید بر اجرای این قواعد نظارت نمایند.

۸- مقامات ذیصلاح باید بطور همه سونگر، افزایش آگاهی عمومی در این خصوص که مراقبت از نوجوانان بازداشت شده و زمینه سازی برای بازگشت آنها به جامعه یک خدمت اجتماعی واجد اهمیت زایدالوصف است را در دستور کار خود قرار دهند و برای نیل به این منظور، باید اقداماتی در زمینه تقویت تماسهای آزاد بین نوجوانان و جوامع محلی آنها صورت پذیرد.

۹- هیچیک از مندرجات این قواعد نباید بنحوی تفسیر گردد که مانع اجرای اسناد و استانداردهای حقوق بشری زیربط سازمان ملل متحد که بوسیله جامعه بین المللی به رسمیت شناخته شده است که در زمینه تضمین حقوق، مراقبت و حمایت از نوجوانان، کودکان و اشخاص جوان بسیار سودمند است گردد.

۱۰- در مواقعی که اجرای عملی قواعد مخصوص مندرج در قسمتهای ۲ تا ۵، کلیه آنها، بیانگر

نوعي تعارض با قواعد مندرج در قسمت اخير است،
رعايت قواعد اخير بايد بعنوان الزامات حاكم
مقدم باشد.

۲- قلمرو اجراي اين قواعد

۱۱- در چهارچوب اين قواعد، تعاريف زير بكار
مي‌رود:

الف - نوجوان هر شخصي است که کمتر از ۱۸ سال
سن دارد. سن کمتر از اين نبايد در زمينه سلب
آزادي از کودک توسط قانون تعيين مجاز دانسته
شود.

ب - محروميت از آزادي، به معني هر شکل از
بداشت با زندان يا اقامت شخص در يک مجموعه
بازداشتگاه عمومي يا خصوصي است بنحوي که بر
اثر آن شخص نتواند حسب دستور مقام قضايي ،
اداري يا ساير مقامات عمومي، به دلخواه خود
ترک کند.

۱۲- محروميت از آزادي بايد در شرايط و اوضاع و
احوالي که رعايت حقوق بشر نوجوانان را تضمين
کند به اجرا در آيد. براي نوجوانان بازداشت
شده در موسسات، بايد بهره‌مندی از فعاليتها و
برنامه‌هاي سودمندی که باعث تقويت و بقا سلامت
و عزت نفس آنها ميشود، حس مسئوليت آنها را
تقويت می‌کند و وجهه و مهارت‌هایی که به آنها
در تقويت قابليت‌هاي آنها بعنوان عضو جامعه
موثر است را افزايش مي‌دهد، تضمين گردد.

۱۳- نوجوانان محروم از آزادي به استناد دليلي
که مرتبط با وضعيت آنان است، نبايد حقوق
مدني، اقتصادي، سياسي و اجتماعي يا فرهنگي
آنها که آنها حسب حقوق ملي و بين المللي مشمول آن
هستند، و آنهایی که در راستاي محروميت از آزادي
است نادیده گرفته شود .

۱۴- حمایت از حقوق فردي نوجوانان با نگاه ویژه به اساس قانوني اجرائي تدابير بازداشتي بايد بوسيله مقامات ذيصلاح تضمين گردد بنحوي كه اهداف سازگاري اجتماعي از طريق بازرسي منظم و ساير ابزارهاي نظارتي بكار رفته، با لحاظ استانداردهاي بين المللي، قوانين ملي و ضوابط از طريق ارگاني كه صحيحاً ايجاد شده و داراي اختيار در زمينه ارتباط با نوجوانان است و همچگونه وابستگي به موسسات بازداشت ندارد، تضمين گردد.

۱۵- اين قواعد در خصوص كلييه اقسام و اشكال موسسات بازداشت، كه در آن نوجوانان از آزادي شان محروم ميگردند کاربرد دارد. قسمت ۱، ۲، ۴ اين قواعد، در خصوص كلييه موسسات بازداشت و مجموعه هاي تاسيساتي كه در آن نوجوانان بازداشت ميگردند و قسمت ۳ بطور ویژه براي نوجوانان دستگير شده يا در انتظار محاكم بكار مي رود.

۱۶- اين قواعد بايد در بستر شرايط اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي غالب هر دولت عضو به اجرا در آيد.

۳- نوجوانان دستگير شده يا در انتظار محاكمه ۱۷- نوجواناني كه دستيگر شده يا در انتظار محاكمه (محاكمه نشده) بي گناه فرض ميشوند و بر اين اساس بايد با آنها برخورد گردد از بازداشت قبل از محاكمه بايد در حداكثر قلمرو ممكن خودداري گردد و محدود به وضعيتهاي استثنايي گردد، بر اين اساس، كلييه مساعي بايد مصروف تدابير جايگزين گردد. در مواقعي كه بازداشت پيشگيرانه گريز ناپذير است، دادگاههاي اطفال يا ارگانهاي تحقيقاتي بايد بيشترين اولويت را به بررسي سريع اين پرونده ها اختصاص دهند تا حتي

الامكان طول زمان بازداشت کوتاه گردد. بازداشت شدگان محاکمه نشده باید از نوجوانان محکومیت یافته جدا نگهداری شوند.

۱۸- شرایطی که نوجوانان محاکمه نشده تحت آن بازداشت میشوند باید منطبق با قواعد مشروحه ذیل، توأم با مقررات خاص اضافی که ضروری و مناسب است، حاوی الزامات راجع به اصل برائت، طول مدت بازداشت و وضعیت قانونی و اوضاع و احوال نوجوان است، باشد. این مقررات بدون اینکه دامنه آن محدود به همین موارد باشد، عبارتند از:

الف: نوجوانان حق مشاوره حقوقی دارند و باید بتوانند معاضدت حقوقی را در مواردی که این معاضدت در دسترس است، رایگان دریافت کنند و با مشاوران حقوقی خود بطور منظم در ارتباط باشند.

اصل حریم خصوصی و اصل محرمانه بودن باید در این مراودات تضمین گردد.

ب: نوجوانان، در موارد امکانپذیر، باید این موقعیت را داشته باشند که در جستجوی شغل با اجرت، باشند و تحصیلات نظری و آموزش فنی - حرفه‌ای خود را تداوم بخشند. مع الوصف اجرای این موضوع الزامی نیست. شغل، تحصیلات و آموزش فنی - حرفه‌ای نباید زمینه ساز تداوم بازداشت باشد.

ج: نوجوانان باید اشیایی را برای ایام فراغت و تفریح که در تطابق با مصالح ناشی از اجرای عدالت است را دریافت نموده نگهداری کنند.

۴- اداره موسسات مربوط به نوجوانان

الف: ثبت سوابق

۱۹- کلیه گزارشات، شامل سوابق قانونی، سوابق پزشکی، سوابق رسیدگی انتظامی، و سایر اسناد از این دست، محتوا و تفصیل درمان، باید در یک فایل شخصی محرمانه که به روز می‌شود و فقط برای اشخاص ذیصلاح قابل دسترسی بوده و بنحوی طبقه بندی گردد که به راحتی قابل استخراج باشد، نگهداری شود. در صورت امکان، باید به هر نوجوان این حق داده شود که وقایع یا اظهار نظرهای مندرج در پرونده خود را بمنظور اصلاح نظریات غیر منصفانه و احراز نشده و اعتراض به آن مورد بررسی قرار دهد. بمنظور اجرای این حق باید تشریفات در نظر گرفته شود که حسب آن شخص ثالث ذیصلاح حق دسترسی و ارائه نظریه مشورتی در خصوص پرونده حسب درخواست را داشته باشد. حین آزادی سوابق نوجوانان باید مهر و موم شده و در زمان مناسب موم گردد.

۲۰- هیچ نوجوانی نباید توسط موسسات اجرای بازداشت، پذیرفته شود بدون اینکه دستور اعزام وی توسط مقام قضایی، اداری یا سایر مقامات عمومی صادر شده باشد. جزئیات این دستور باید فوری در سابقه درج گردد. هیچ نوجوانی نباید در موسسه‌ای که ثبت سابقه در آن وجود ندارد بازداشت شود.

ب: پذیرش، ثبت، اعزام و انتقال

۲۱- در هر مکانی که نوجوانان بازداشت می‌گردند، یک ثبت سوابق جامع و مطمئن حاوی اطلاعات ذیل باید در خصوص هر نوجوان پذیرفته شده نگهداری شود:

الف: اطلاعات راجع به هویت شناسنامه‌ای نوجوان
ب: وقایع ذیربط و دلایل اعزام و مقام صالح ذیربط

ج: روز و ساعت پذیرش، انتقال و آزادی
د: تفصیل اعلامات به والدین و سرپرستان در هر
مورد از پذیرش، انتقال و آزادی نوجوان بمنظور
حفاظت از آنها هنگام اعزام
هـ جزئیات مسائل جسمی و روانی شناخته شده از
قبیل سوء مصرف مواد مخدر و الکل.

۲۲- اطلاعات راجع به پذیرش، مکان نگهداری،
انتقال و آزادی باید بدون تاخیر به والدین و
سرپرستان یا بستگان نزدیک نوجوان ذیربط برسد.
۲۳- در اولین فرصت بعد از پذیرش، گزارش کامل و
اطلاعات ذیربط در خصوص وضعیت شخصی و اوضاع و
احوال هر نوجوان باید مشخص و به اداره زندان
ارائه گردد.

۲۴- هنگام پذیرش کلیه نوجوانان باید یک تصویر
از قواعد حاکم بر موسسات بازداشت و یک برگه
حاوی حقوق و تکالیف آنها به زبانی که میتوانند
آنها بفهمند توأم با نشانی مقامات ذیصلاحی که
شکایات را دریافت می کنند همچنین نشانی آژانسها
و سازمانهای خصوصی یا عمومی که معاضدت
قانونی ارائه میدهند، دریافت دارند. برای
آندسته از نوجوانان که بیسواد هستند یا
نمیتوانند زبان را بصورت نوشته درک کنند، این
اطلاعات باید به شیوه ای که به آنها امکان درک
کامل آنها بدهد ارائه گردد.

۲۵- به کلیه نوجوانان باید، برای فهم ضوابط
حاکم بر سازمان داخلی موسسه، اهداف و روش
ارائه مراقبت، الزامات انتظامی و تشریفات
ذیربط، سایر شیوه های مجاز کسب خبر و تقدیم
شکوائیه و سایر موضوعاتی که برای توانمندسازی
آنها برای درک کامل حقوق و تکالیف آنها حین
بازداشت ضروری است، مساعدت شود.

۲۶- انتقال نوجوانان باید به هزینه اداره در وسایل نقلیه دارای تهویه و نور کافی، در شرایطی که هیچگونه امکان ایجاد سختی یا عدم احترام وجود نداشته باشد صورت پذیرد. نوجوانان نباید از یک مکان به مکان دیگر بصورت خودسرانه منتقل گردند.

ج: طبقه بندی و اقامت

۲۷- در اولین فرصت بعد از پذیرش، باید با هر یک از نوجوانان مصاحبه صورت گیرد و یک گزارش روانشناسی و اجتماعی کلیه عوامل مربوط به نوع و سطح مخصوص مراقبت و برنامه هایی که برای نوجوان لازم است را مشخص کند باید آماده و ارائه گردد. این گزارش، توأم با گزارش پزشکی که نوجوان حین پذیرش معاینه کرده است، باید به مدیر موسسه بمنظور تعیین مناسب ترین محل نگهداری نوجوان در مواقع که درمان بازپرورانه ویژه ای لازم باشد. پرسنل آموزش دیده موسسه باید یک طرح درمانی مکتوب ناظر به شخص خاص حاوی اهداف درمان و چهارچوب زمانی و ابزارها، مراحل و طول مدت زمانی که اهداف مزبور بدست می آید را تهیه و ارائه دهند.

۲۸- بازداشت نوجوانان صرفاً باید در شرایطی که امکان بر آورده ساختن کلیه نیازهای خاص جایگاه و الزامات ویژه آنها مرتبط با سن، شخصیت، جنس و نوع جرم همچنین سلامت جسمانی و روانی فراهم باشد صورت پذیرد و اینکه باید حمایت از آنها در قبال اثرات زیان بار و موقعیتهای خطر تضمین شود. معیار اصلی در زمینه جداسازی طبقات مختلف نوجوانانی که آزادی آنها سلب گردیده است، نوع مراقبتی است که به مطلوبترین نحو به نیازهای

ویژه اشخاص مشمول و حمایت از تمامیت فیزیکی،
ذهنی و اخلاقی و آسایش آنها پاسخ دهد.

۲۹- در کلیه موسسات بازداشت، نوجوانان باید
از بزرگسالان جدا گردند مگر اینکه جملگی آنها
عضو یک خانواده باشند. تحت شرایط کنترل شده،
نوجوانان ممکن است در معیت بزرگسالانی که به
دقت انتخاب شده‌اند بعنوان جزیی از یک برنامه
خاص که بنظر می‌رسد به حال نوجوانان ذیربط
سودمند است، از هم جدا نشوند.

۳۰- موسسات بازداشت برای نوجوانان باید
تاسیس گردد. موسسات باز موسساتی هستند که
تدابیر امنیتی آن مفقود یا بسیار کم است. تعداد
افراد چنین موسسه بازداشت باید تا حد امکان کم
باشد. تعداد نوجوانان بازداشت شده در موسسات
باید به اندازه‌ای کم باشد که زمینه‌ی فردی
سازی اقدامات را فراهم کند. موسسات بازداشت
نوجوانان باید غیرمتمرکز بوده و مساحت آن به
اندازه‌ای باشد که دسترسی و تماس بین نوجوانان و
خانواده‌شان را تسهیل کند.

موسسات کوچک بازداشت، باید تاسیس شده و با
قضای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه متناسب
گردند.

د- فضای فیزیکی و خوابگاه

۳۱- نوجوانانی که آزادی آنها سلب گردیده است،
حق دسترسی به تسهیلات و خدماتی که در بردارنده
کلیه نیازهای راجع به سلامت و کرامت انسانی
آنهاست را دارند.

۳۲- نمای موسسات بازداشت نوجوانان، و فضای
فیزیکی باید در تطابق با هدف بازپروری درمان
در حین اقامت با لحاظ نیاز نوجوانان به حریم
شخصی عواطف و احساسات، موقعیتهای تجمع با

همسالان و شرکت در ورزش و تمرین جسمانی و فعالیت‌های موضوع اوقات آزاد باشد. طرح و ساختمان موسسات بازداشت نوجوانان باید دارای کمترین ریسک آتش سوزی باشد و راه ورود آن برای اشخاص ثالث مسدود باشد. باید یک سیستم موثر هشدار در موارد آتش سوزی همچنین تشریفات رسمی و مانور آموزشی بمنظور تضمین امنیت نوجوانان وجود داشته باشد. موسسات بازداشت نباید در مکان‌های مستقر گردند که در آن برای سلامت مخاطرات و دل‌نگرانی‌هایی وجود دارد.

۳۳- وسایل خواب بطور معمول شامل تختخوابهایی با تعداد کم و رختخواب شخصی است که باید بر اساس استانداردهای محلی تهیه گردد. در طی ساعات خواب باید یک بازرسی منظم غیر محسوس از کلیه خوابگاه‌ها شامل اتاق‌های شخصی و خوابگاه‌های گروهی بمنظور تضمین حمایت از هر یک از نوجوانان بعمل آید. برای هر نوجوان با لحاظ استانداردهای محلی و ملی، باید رختخواب شخصی کافی که هنگام استفاده تمیز باشد، در نظر گرفته شود و در شرایط مطلوب نگهداری و بمنظور اطمینان از تمیز در مواقع لازم تعویض گردد.

۳۴- سرویس‌های بهداشتی، باید با رعایت استاندارد کافی بنحوی نصب گردند که هر نوجوانی بتواند از آن در مواقع لزوم با لحاظ احتیاجات فیزیکی و در خلوت و با شیوه پاک و شایسته استفاده کند.

۳۵- در اختیار داشتن اشیاء شخصی، رکن اساسی حق خلوت است و برای رفاه و آسایش روانی نوجوان ضروری است. حق هر یک از نوجوانان برای در اختیار داشتن اشیاء شخصی و داشتن تسهیلات نگهداری مناسب برای آنها باید بطور کامل به رسمیت شناخته شده و مورد احترام قرار گیرد.

لوازم شخصي‌اي که نوجوانان نميتوانند آنرا نزد خود نگهدارند يا آن دسته از اشيايي که ضبط گردیده‌اند بايد در يک مکان مطمئن نگهداري شود. فهرست اين اشياء بايد به امضا نوجوان برسد. بايد زمينه‌اي فراهم شود که اشيا مزبور در شرايط مناسبي نگهداري شوند. کليه اين اشياء و وجوه نقد بايد در زمان آزادي به نوجوان برگردانده شود. مگر آن قسمت از وجوه نقدي که او مجاز به مصرف يا ارسال اموال به خارج از موسسات بوده است. اگر نوجوان هر نوع دارو را دريافت يا دارو در تصرف وي کشف شود، مامور پزشکي در خصوص نوع استفاده از آن اظهار نظر خواهد کرد.

۳۶- حتي الامکان، نوجوانان بايد از البسه شخصي خود استفاده نمايند. موسسات بازداشت، بايد براي هر نوجوان البسه شخصي‌اي که کافي و مناسب شرايط آب و هوايي باشد را بمنظور تضمين سلامت مطلوب تامين نمايند. و اين اقدام نبايد به هيچ نحو ترذيلي و توهين آميز باشد. نوجواناني که به هر دليل از موسسه منتقل ميشوند يا آنجا را ترک مي‌کنند بايد اجازه داشته باشند که لباس شخصي خود را به تن کنند.

هر موسسه بازداشت، بايد زمينه‌اي را فراهم کند که هر نوجوان غذايي که بطور مناسب تهيه و در وعده‌هاي غذايي معمولي و با کيفيت و کميتي که مطابق استانداردهاي برنامه‌هاي غذايي، بهداشتي، و سلامت است و حتي الامکان الزامات ديني و فرهنگي را نيز در بر دارد را دريافت کند. آب نوشيدني سالم بايد براي هر نوجوان براي هر زمان در دسترس باشد.

۹- تحصيلات، آموزشهاي حرفه‌اي و اشتغال

۳۸ — هر نوجواني که در سن اجباري مدرسه قرارداد حق تحصیل مناسب نیازها و توانائيهاي خود که بمنظور آماده سازي بازگشت وي به جامعه طراحي گرديده است را دارد. اين تحصيلات حتي الامکان بايد خارج از موسسات بازداشت و در مدارس و در هر مورد بوسيله آموزگاران حايض شرايط از طريق برنامه هايي که با سيستم آموزشي کشور ذيربط هماهنگ ارائه گردد تا پس از آزادي نوجوانان بتوانند تحصيلات خود را بدون مشکل ادامه دهند. اداره بازداشتگاه بايد توجه ويژه اي را به نوجوانان داراي تابعيت خارجي يا با نيازهاي خاص فرهنگي و قومي معطوف دارد. نوجواناني که بيسواد يا داراي مشکلات شناختي يا فراگيري هستند حق دارند که از آموزش خاص استفاده کنند.

۳۹- نوجوانان بالاتر از سن اجباری مدرسه که تمایل به ادامه تحصیل دارند باید برای انجام موضوع مجاز بوده و بدان تشویق گردند و کلیه تلاشها باید مقدمات دسترسی آنان به برنامه‌های تحصیلی مناسب فراهم گردد.

۴۰- دیپلم یا گواهینامه‌های تحصیلی که به نوجوانان در بازداشت اعطا می‌گردد نباید هیچ گونه اشاره‌ای به این موضوع که نوجوان آنرا در موسسه بازداشت اخذ کرده است، داشته باشد.

۴۱- هر موسسه بازداشت، باید دسترسی به کتابخانه‌ای حاوی کتابهای آموزشی و سرگرم کننده و مجلات ادواری مناسب نوجوانان فراهم کند و باید این نوجوانان به استفاده کامل از آن تشویق گردیده و قابلیت استفاده از آن به آنها آموزش داده شود.

۴۲- هر نوجوان حق دریافت آموزشهای حرفه‌ای در موسسات مشابه را دادند تا او را آماده استخدام در آینده کند.

۴۳- با التفات صحیح به انتخاب مناسب حرفه و الزامات اداره موسسات، نوجوانان باید قادر باشند که نوع کاری که تمایل به انجام آن دارند را خود انتخاب کنند.

۴۴- کلیه استانداردهای ملی و بین‌المللی حمایتی قابل اجرا در زمینه کودکان کارگر و کارگران جوان باید درخصوص نوجوانان محروم از آزادی نیز به اجرا درآید.

۴۵- حتی‌الامکان، باید امکان کار با مزد برای نوجوانان، چنانچه در محل این موضوع میسر باشد، فراهم گردد. هنگام خاتمه آموزش حرفه‌ای باید امکان شغل یابی مناسب در موقع بازگشت به جامعه، تسهیل گردد. نوع کار باید از نوعی

باشد که سبب ارائه آموزش مناسبی که مجال نوجوان پس از آزادی سودمند است، گردد.

سازمان و روشهای انجام کار پیشنهادی در موسسات بازداشت، باید حتی الامکان شبیه کارهای در جامعه باشد، بنحوی که برای نوجوانان شرایط زندگی حرفه‌ای عادی را فراهم کند.

۴۶- هر نوجوانی که به کار اشتغال دارد باید حق دریافت مزد منصفانه را داشته باشد. منافع حاصل از نوجوانان و آموزشهای حرفه‌ای آن نباید تحت الشعاع هدف جلب منفعت برای موسسه بازداشت یا شخص ثالث باشد. بخشی از درآمد نوجوانان در حد متعارف باید کنار گذاشته شود تا سبب ایجاد یک پس انداز شده و هنگام آزادی به نوجوانان تادیه گردد. نوجوان باید حق استفاده از باقیمانده درآمد بمنظور خرید چیزهایی حسب تشخیص خود را داشته یا آنرا به بزه‌دیده جرم خود اختصاص دهد یا آنرا به خانواده خود یا سایر اشخاص خارج از موسسه بازداشت بفرستد.
و: تفریحات و سرگرمی

۴۷- هر نوجوان باید حق داشته باشد تا زمان مناسبی از روز را برای فعالیت آزاد در فضای باز در صورتیکه شرایط آب و هوایی اجازه دهد، در اختیار داشته باشند. در این زمان آموزشهای فیزیکی و تفریحی مناسب در حد متعارف باید فراهم گردد. فضای مناسب، تجهیزات و وسایل باید برای این فعالیتها در نظر گرفته شود. برای هر نوجوان باید یک وقت زاید بر این میزان برای سایر کارهای شخصی در نظر گرفته شود که بخشی از آن در صورت تمایل نوجوان باید به هنرها و افزایش مهارتهای حرفه‌ای اختصاص یابد. موسسه بازداشت باید تضمین کند که هر نوجوان قادر به

شرکت در برنامه‌های ارائه شده در زمینه آموزش فیزیکی باشد.

آموزش و درمان بازتوانی جسمی باید زیر نظر پزشک درخصوص نوجوانانی که به آن نیاز دارند ارائه گردد.

ز: دین

۴۸- هر نوجوان باید اجازه داشته باشد که حسب الزامات دین یا زندگی معنوی خود، به ویژه از طریق حضور در سرویسها یا جلسات منعقد در موسسات بازداشت یا از طریق یا بجا آوردن تکالیف مذهبی‌اش و در اختیار داشتن کتابهای ضروری یا چیزهایی که برای اجرای تکالیف دینی‌اش لازم است و آموزش اقتصادی اقدام کند. چنانچه موسسات بازداشت دارای تعداد کافی زندانی از مذهب خاص باشد، یک یا بیش از یک نماینده حایز شرایط آن دین باید منصوب یا انتخاب گردند و باید به آنها اجازه داده شود که خدمات منظمی را ارائه داده و بطور خصوصی به نوجوانان حسب درخواستشان ملاقاتهای مذهبی برقرار کند. هر نوجوانی حق دارد چنین ملاقاتهایی را از نمایندگان حایز شرایط و مذهب حسب انتخاب خود را در دسترس داشته باشد. همچنین باید حق داشته باشد از دریافت خدمات مذهبی خودداری نماید و آزادانه آموزش، مشاوره مذهبی را رد کند.

ح: مراقبت پزشکی

۴۹- هر نوجوان باید مراقبت پزشکی کافی خواه پیشگیرانه و خواه درمانی شامل مراقبتهای دندانپزشکی، چشم پزشکی و سلامت روانی همچنین محصولات دارویی و برنامه‌های خاص غذایی‌ای که از نظر پزشکی تجویز شده است را دریافت دارد. چنین

مراقبت پزشکی‌ای، در موارد امکان‌پذیر، باید، برای نوجوانان بازداشت شده از طریق تسهیلات و خدمات درمانی مناسب جامعه‌ای که موسسات بازداشت در آن قرار دارد با هدف پیشگیری از لکه دار شدن نوجوانان و حس احترام به خود و سازگاری با جامعه در نظر گرفته شود.

۵۰- هر نوجوان حق دارد بوسیله یک پزشک فوراً و به محض پذیرش در موسسات بازداشت، برای ثبت و ملاحظه سابقه درمانی و تشخیص شرایط فیزیکی و روانی‌ای که مراقبت پزشکی را ضروری می‌نماید، معاینه گردد.

۵۱- خدمات پزشکی مقرر برای نوجوانان باید درصدد کشف و درمان هر گونه بیماری جسمانی و سوء مصرف موادمخدر یا سایر شرایطی که ممکن است مانع سازگاری نوجوان با جامعه گردد باشد. هر موسسه بازداشت نوجوانان باید دسترسی فوری به تسهیلات و تجهیزات مناسب با تعداد و ضرورت‌های اشخاص و با توجه به تعداد نیروی انسانی آموزش دیده برای مراقبت از نوع پیشگیرانه، و انجام موارد اورژانسی پزشکی داشته باشد.

هر نوجوان بیمار که از بیماری‌اش گله مند است یا مجموعه علائمی را از خود بروز می‌دهد که نشان دهنده مشکلات جسمی یا روانی است، باید فوری بوسیله مأمور پزشکی مورد معاینه قرار گیرد.

۵۲- هر مأمور پزشکی که دلایلی در دست داشته باشد که او را معتقد کند که آسیب‌های بیماری جسمی یا روانی نوجوان، با طولانی شدن بازداشت افزوده شده یا افزایش خواهد یافت، شرایط آسیب زا یا هر شرط دیگر مربوط به بازداشت باید فوری به مدیر موسسه بازداشت ذیربط و به مقام

مسئول مستقل در زمینه صیانت از رفاه نوجوان گزارش گردد.

۵۳- نوجوانی که به بیماری روانی مبتلاست، باید در یک موسسه تخصصی تحت مدیریت پزشکی مستقل درمان شود. با پیش بینی تنظیمات و آژانسهای مناسب باید اقدامات مرحله‌ای بمنظور تضمین استمرار هر گونه مراقبت سلامت روانی پس از آزادی اتخاذ گردد.

۵۴- موسسات بازداشت نوجوانان باید پیشگیری تخصصی از سوء مصرف و برنامه‌های بازپروری که بوسیله نیروی انسانی حایز شرایط به اجرا در می‌آید، را مورد قبول قرار دهند. این برنامه‌ها باید براساس سن، جنسیت، و سایر الزامات نوجوانان مشمول و تسهیلات و خدمات سمزدایی تحت نظر نیروی انسانی آموزش دیده تنظیم و برای نوجوانان معتاد به الکل یا موادمخدر در دسترس باشد.

بطور ویژه این اقدامات نباید با لحاظ اخذ اطلاعات یا اعتراف، بعنوان مجازات یا بعنوان وسیله برای محدود کردن نوجوانان بکار رود. از نوجوانان هرگز نباید برای استفاده آزمایشگاهی برای بررسی آثار داروها و درمان استفاده گردد. تجویز هر نوع دارو همیشه باید بوسیله پرسنل پزشکی ذیصلاح تجویز و تحویل گردد.

و: گزارش بیماری، جراحات و مرگ

۵۶- خانواده یا سرپرستان نوجوان و سایر اشخاصی که بوسیله نوجوان تعیین شده‌اند حق دارند از وضعیت سلامت نوجوان حسب درخواست، و در مواقعی که تغییرات مهمی در زمینه سلامت نوجوان اتفاق افتاده است، مطلع گردند. مدیر

موسسات بازداشت، باید في الفور خانواده يا سرپرستان نوجوان ذيربط يا ساير اشخاص تعيين شده را در موارد مرگ، بيماري اي که انتقال نوجوان به مراکز درماني خارج از موسسه را ضروري کند يا وضعيتي که نيازمنند مراقبت باليني در موسسه بازداشت براي بيش از ۴۸ ساعت باشد، را مطلع نمايد. همچنين موضوع بايد به مقامات کنسولي دولتي که نوجوان تبعه خارجي شهروند آن است، ابلاغ گردد.

۵۷- در مورد مرگ نوجوان در طول دوره زماني محروميت از آزادي، خويشاوندان نزديك حق دارند گواهي مرگ را بررسي کنند. جنازه متوفي را رويت کنند، و شيوه تحويل جنازه را تعيين کنند. در صورت مرگ نوجوان در بازداشت، بايد يك تحقيق مستقل در زمينه دلايل مرگ صورت پذيرد، گزارش موضوع در دسترس خويشاوندان نزديك قرار گيرد. اين تحقيقات همچنين بايد در واقعي که مرگ نوجوانان تا شش ماه پس از آزادي اتفاق مي افتد و دلايلي وجود داشته باشد که مرگ مزبور با ايام بازداشت در ارتباط است بعمل آيد.

۵۸- هر نوجوان بايد در اولين زمان ممکن، از مرگ، بيماري شديد يا جراحات وارد به اعضا درجه يك خانوادگي مطلع گردد و بايد براي او موقعيتي فراهم گردد که او در مراسم کفن و دفن متوفي شرکت کرده يا بر بالين خويشاوند مريض حاضر شود.

ز: ارتباط با جامعه گسترده تر

۵۹- کليه وسايل بايد بمنظور تضمين ارتباط نوجوانان با دنياي خارجي که بخشي از حق بر رفتار منصفانه و انساني است و براي آماده

سازي نوجوانان براي بازگشت به جامعه الزامي است، فراهم گردد . به نوجوانان بايد اجازه داده شود تا با خانواده، دوستان و ساير اشخاص يا نمايندگان سازمانهاي معتبر ارتباط داشته باشند، موسسات بازداشت را براي ديدن خانه و خانواده ترك کرده و اجازه مخصوص براي ترك موسسه به دلايل تحصيلي، حرفه‌اي و ساير ادله با اهميت به وي داده شود.

چنانچه نوجوان در حال سپري کردن مجازات است، زماني که در بيرون از موسسات بازداشت سپري گرديده است بايد از زمان مجازات کسرگردد.

۶۰- هر نوجوان بايد حق دريافت تنظيم و سريع ملاقات، علي الاصول يكبار در هفته، و در هر حال نه کمتر از يك روز در ماه، بنحوي که نياز نوجوان به خلوت، تماس و ارتباط نامحدود با خانواده و وکیل مدافع مرتفع گردد داشته باشد.

۶۱- هر نوجوان بايد حق ارتباط بصورت کتبي يا از طريق تلفني حداقل دو بار در هفته با اشخاص خاص حسب انتخاب خود داشته باشد مگر اينکه اجرائي موضوع از نظر قانوني محدوديت داشته باشد. هر نوجوان در مواقع ضروري بايد بمنظور تعميق بهره‌مندی از اين حق، مورد معاضدت قرار گیرد. هر نوجوان بايد حق دريافت مکاتبه داشته باشد.

۶۲- نوجوانان بايد اين موقعيت را داشته باشند که خود را بطور منظم از اخبار از طريق روزنامه‌ها، مجلات ادواري، و ساير انتشارات، از طريق دسترسي به راديو و برنامه‌هاي تلويزيوني تصاویر و از طريق ملاقات با نمايندگان هر گونه باشگاه قانوني يا سازماني که نوجوانان در آن دينفع است، آگاه نگهدارد.

ح: محدودیتها در زمینه ی اجبار فیزیکی و استفاده از زور

۶۳- توسل به وسایل اعمال ممنوعیت و زور بهر منظور که باشد باید ممنوع گردد مگر در قلمرو مندرج در ماده ۶۴ زیر.

۶۴- وسایل ممنوعیت و اعمال زور صرفاً در موارد استثنایی، آنهم در مواردی که سایر روشهای کنترلی بکار رفته نتیجه بخش نباشد و صرفاً بهمان نحو که بطور آشکار بوسیله قانون و ضوابط مجاز و به دقت تعیین شده باشد میتواند بکار رود. این موارد نباید غیرانسانی و خوار کننده باشد و باید بطور محدود و در کمترین زمان ممکن بکار رود. حسب دستور مدیر اداره، این وسایل می تواند بمنظور ممانعت نوجوانان از ایراد صدمه بخود یا ایراد صدمه به دیگران یا تخریب شدید اموال بکار رود. در اینگونه موارد، مدیر در مرحله اول باید، با نیروی انسانی پزشکی و سایر نیروهای ذیربط مشورت کرده و موضوع را به مقامات اداری مافوق گزارش نماید.

۶۵- حمل و استفاده از اسلحه بوسیله پرسنل در کلیه مواردی که نوجوانان در بازداشت به سر میبرند باید ممنوع گردد.

ط - آیین دادرسی انتظامی

۶۶- هر گونه تدبیر و تشریفات انتظامی، باید در چارچوب ابقاء مصالح امنیتی و زندگی اجتماعی مبتنی بر نظم بوده و باید منطبق با کرامت ذاتی نوجوان و هدف بنیادین مراقبت در موسسه، یعنی، ایجاد تدریجی حس عدالت، احترام به خود و رعایت حقوق اساسی سایر اشخاص باشد.

۶۷- هر گونه تدبیر انتظامی موجب رفتار خشن، غیرانسانی یا خوار کننده باید به تفصیل ممنوع گردد از قبیل مجازات بدنی، اقامت دادن در سلول تاریک، بازداشت در سلول انفرادی یا سایر مجازاتهایی که ممکن است سلامت جسمی و روانی نوجوان ذیربط را متاثر سازد. کاهش جیره غذایی و محدودیت یا منع تماس با اعضا خانواده بهر منظور که باشد باید ممنوع گردد. کار همیشه باید بعنوان یک ابزار آموزشی و وسیله افزایش حس احترام به خود در نوجوان با هدف بازگشت به جامعه بکار رود و نباید بعنوان یک ضمانت اجرای انتظامی محسوب گردد. هیچ نوجوانی نباید برای یک تخلف انتظامی بیش از دو بار با ضمانت اجرا مواجه گردد.

ضمانت اجراهایی که بابت تخلف یک فرد بر الباقی افراد نیز اعمال می‌گردد، باید ممنوع شود.

۶۸- قوانین و مقررات مصوب مقام اداری ذیصلاح باید شامل ایجاد هنجارهایی با لحاظ کامل خصوصیات اساسی، نیازها و حقوق نوجوانان به شرح ذیل باشد:

الف: رفتاری که جرم انتظامی را به وجود می‌آورد.

ب: نوع و مدت زمان ضمانت اجراهای انتظامی‌ای که ممکن است اعمال گردد.

ج: مقامی که صلاحیت تحمیل این ضمانت اجرا را دارد.

د: مقامی که صلاحیت بررسی تجدیدنظر را دارد.

۶۹- گزارش راجع به سوء رفتار باید فوری به مقام ذیصلاحی تقدیم گردد که وظیفه تصمیم‌گیری در آن موضوع را بدون تأخیر ناموجه بر عهده دارد.

مقام ذیصلاح با بررسی عمیق پرونده به موضوع رسیدگی می‌کند.

۷۰- هیچ نوجوانی نباید مشمول ضمانت اجرای انتظامی گردد مگر با لحاظ شرایط مقرر در قانون و مقررات لازم الاجرا آنها بصورت مضیق. هیچ نوجوانی نباید مجازات گردد مگر اینکه قبلاً به وی از تخلف مزبور به شیوه‌ای که سبب درک کامل موضوع توسط نوجوان گردیده اطلاع داده شده و به وی موقعیت مناسبی برای ارائه دفاع شامل حق تجدیدنظر به مقام صالح بیطرف داده شود. سوابق کامل باید برای کلیه رسیدگی‌های انتظامی نگهداری شود.

۷۱- هیچ نوجوانی وظیفه ندارد در اعمال انتظامی دارای مسئولیت گردد مگر در نظارت بر فعالیتهای خاص اجتماعی، تحصیلی یا ورزشی یا در برنامه‌های خود - گردانی.

ی: بازرسی و رسیدگی به شکایات
۷۲- باید به بازرسان ذیصلاحیت یا مقام مشابهی که بطور صحیح ایجاد و مستقل از اراده موسسه است، برای بازرسی متناوب یا اجرای بازرسی غیرمترقبه اختیارات لازم تفویض گردد. این بازرسان باید از کلیه تضمینات راجع به استقلال در اجرای این وظیفه بهره‌مند باشند.

بازرسان باید به کلیه اشخاصی که استخدام شده یا در موسسه‌ای که نوجوان در آن بازداشت است مشغول به کارند، کلیه نوجوانان و کلیه سوابق این موسسات دسترسی نامحدود داشته باشند.

۷۳- مأمورین ذیصلاح پزشکی‌ای که در معیت مقام بازرسی کننده، یا در سرویس بهداشت عمومی فعالیت می‌کند باید در بازرسی حضور داشته و

شکایات را براساس قواعد مربوط به اوضاع و احوال فیزیکی، بهداشتی، اتاقهای خواب، غذا، خدمات ورزشی و پزشکی همچنین سایر جنبه‌های مرتبط با شرایط زندگی در موسسه که بر سلامت جسمانی و روانی نوجوانان موثر است، بررسی کنند. هر نوجوان حق دارد با بازرس بطور محرمانه گفتگو کند.

۷۴- پس از خاتمه بازرسی، بازرس باید گزارش یافته‌های خود را ارائه دهد. این گزارش باید شامل یک ارزیابی در زمینه تطبیق موسسات بازداشت با قواعد حاضر و سایر مقررات ملی، توصیه‌هایی درخصوص اقداماتی که باید برای تضمین انطباق با آن در نظر گرفته شود باشد. هر واقعیت کشف شده توسط بازرسی که نشانگر نقض مقررات قانونی مربوط به حقوق نوجوان یا اداره موسسات بازداشت نوجوانان است باید به مقامات ذیصلاح بمنظور تحقیقات و تعقیب منعکس گردد.

۷۵- هر نوجوان باید این امکان را داشته باشد که درخواستها و شکایات خود را به مدیر مؤسسات بازداشت یا نمایندگان ذیصلاح خود تقدیم کند.

۷۶- هر نوجوان باید این حق را داشته باشد بدون سانسور در محتوا، درخواست یا شکایت خود را به اداره مرکزی، مقام قضایی یا سایر مقامات ذیصلاح از طریق کانالهای مصوب تقدیم کرده و از نتایج آن بدون تأخیر مطلع گردد.

۷۷- باید تلاش گردد یک دفتر مستقل (دفتر رسیدگی به شکایات) بمنظور دریافت و تحقیق در مورد شکایات ارائه شده توسط نوجوانان محروم از آزادی‌شان تاسیس گردد تا در زمینه دست‌یابی به یک راه حل منصفانه همکاری نماید.

۷۸- هر نوجوان باید این حق را داشته باشد که از مساعدت اعضا خانواده، مشاوران حقوقی، گروه‌های دارای فعالیت انسان دوستانه یا در صورت امکان سایر افراد بمنظور تنظیم و تقدیم شکایت استفاده کند. برای نوجوانان بی سواد باید مساعدت در نظر گرفته شود و در صورت نیاز از خدمات آژانس‌های عمومی و خصوصی و سازمان‌هایی که به ارائه مشاوره حقوقی می‌پردازد یا برای دریافت شکایات دارای صلاحیت هستند استفاده کنند.

ک: بازگشت به جامعه

۷۹- کلیه نوجوانان باید از ساز و کارهایی که بمنظور کمک به آنها بمنظور بازگشت به جامعه، زندگی خانوادگی، استخدام یا تحصیلات بعد از آزادی در نظر گرفته شده است، بهره‌مند شوند. تشریفات شامل تشریفات آزادی پیش از موعد و دوره‌های خاص باید در چهارچوب این هدف پیشنهاد گردد.

۸۰- مقامات ذیصلاح باید خدمات راجع به مساعدت به نوجوانان در زمینه بازسازی خود در جامعه و کاهش آسیب‌ها به این نوجوانان را ارائه و تضمین کنند. در قلمروی که امکان پذیر است این خدمات باید برای نوجوانان محل اقامت مناسب، شغل، پوشاک و وسایل لازم بمنظور حفظ خود حین آزادی با هدف تسهیل بازسازی موفقیت‌آمیز را تضمین نمایند. نمایندگان آژانسی که این خدمات را منظور می‌نمایند باید مورد مشورت قرار گرفته و به نوجوانان هنگام بازداشت با این رویکرد که به آنها در بازگشت به جامعه مساعدت کند، دسترسی داشته باشند.

ل: نیروی انسانی

۸۱- نیروی انسانی باید حایز شرایط بوده و شامل نفرات کافی از کارشناسان از قبیل آموزش دهندگان، آموزش دهندگان حرفه و فن، مشاوران، مددکاران اجتماعی، روانپزشکان و روانشناسان باشد. کارشناسان مزبور و سایر کارشناسان باید علی القاعده بطور تمام وقت استخدام گردند. این موضوع مانع بکارگیری کارگران پاره وقت یا داوطلب در مواقعی که میزان حمایت یا آموزشی که آنها توان ارائه آنها را دارند کافی و سودمند است نمی‌باشد. موسسات بازداشت باید از کلیه منابع اعاده وضع به حالت سابق، تحصیلی، اخلاقی، روحی و سایر منابع با لحاظ نیازها و مشکلات نوجوانان بازداشت شده استفاده نمایند.

۸۲- اداره بازداشتگاه باید زمینه انتخاب دقیق و استخدام اقسام درجات و انواع نیروی انسانی را فراهم کند چه اداره مناسب موسسات بازداشت منوط به انسجام، انسان مداری توان و قابلیت حرفه‌ای در زمینه تعامل با نوجوانان همچنین تناسب شخصی برای این شغل است.

۸۳- بمنظور تضمین اهداف مذکور، نیروی انسانی باید بعنوان مأمور حرفه‌ای با مزد مکفی استخدام گردد تا نیروی انسانی زن و مرد مناسب جذب گردیده باقی بمانند. نیروی انسانی موسسات بازداشت، باید مستمراً بمظور اجرای دقیق شرح وظایف و تکالیف خود به روش انسانی، اخلاقی، حرفه، منصفانه و روان ترغیب گردند. در کلیه اوقات با چنین شیوه‌ای بمنظور ایجاد و کسب حس عزت نفس نوجوانان رفتار کنند و برای نوجوانان مدل

و رویکرد مثبت در زمینه ایفاء نقش را ارائه دهند.

۸۴- اداره بازداشتگاه باید اشکال سازمانی و مدیریتی را ایجاد کند که ارتباطات بین دسته‌جات مختلف نیروی انسانی در هر یک از موسسات بازداشت را تسهیل کند بنحوی که همکاری بین سرویسهای متنوع مربوط به مراقبت از نوجوانان همچنین بین نیروی انسانی و اداره با رویکرد تضمین اینکه نیروی انسانی‌ای که دارای ارتباط مستقیم با نوجوانان هستند قادر به ایفاء وظایف خود در شرایط مطلوب در زمینه اجرای موثر تکالیفشان باشند، امکان‌پذیر باشد.

۸۵- نیروی انسانی باید در زمینه‌هایی که آنها را قادر به انجام تکالیفشان بنحو موثر می‌کند بویژه در زمینه روانشناسی کودک، رفاه کودک و هنجارها و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کودک از جمله قواعد حاضر آموزش داده شوند. نیروی انسانی باید دانش و توانایی حرفه‌ای خود را با حضور در دوره‌های آموزش حین خدمت که در فواصل مناسب خدمت، سازماندهی می‌شود تثبیت کرده توسعه دهند.

۸۶- مدیر موسسه باید بطور مناسب حایز شرایط لازم در زمینه شرح وظایفش باشد. دارای توانایی اداری و آموزش و تجربه مناسب بوده و وظایف خود را بطور تمام وقت به اجرا درآورد.

۸۷- در اجرای تکالیف، نیروی انسانی موسسه بازداشت، باید کرامت انسانی و حقوق بشر اساسی کلیه نوجوانان به ویژه در موارد زیر لحاظ و مورد حمایت قرار دهند:

الف: هیچ یک از نیروها یا کارمندان رسمی موسسه بازداشت تحت هر بهانه یا شرایط، نمی‌تواند به

استناد ضوابط انتظامي اصلاح و تربيت، مجازات و رفتار خوار کننده، شکنجه با هر درجه از خشونت را ايراد يا تشويق کرده يا ارتكاب آنرا مورد مسامحه قرار دهند.

ب: کليه پرسنل بايد به شدت با هر گونه فساد مخالفت و مقابله نموده و موضوع را بدون تأخير به مقامات ذيصلاحيت گزارش نمايند.

ج: کليه پرسنل بايد قواعد حاضر را مورد احترام قرار دهند. چنانچه هر يك از پرسنل دلایلي در دست داشته باشد که قواعد حاضر نقض يا در شرف نقض شديد است، بايد موضوع را به مقامات مافوق يا ارگانهاي که حق بررسي و حل و فصل موضوع را دارند گزارش کند.

د: کليه پرسنل بايد از سلامت جسمي و رواني نوجوانان از جمله حمايت در قبال بهره برداري ناصحيح جسمي، جنسي و عاطفي و سوء استفاده بطور کامل حمايت کرده و در مواقع ضروري اقدام فوري براي ارائه مراقبت پزشکي بعمل آورند.

ه: کليه پرسنل بايد حق نوجوان به خلوت را مورد احترام قرار دهند و به ويژه کليه موضوعات محرمانه مربوط به نوجوانان يا خانواده آنها که بر اثر شغل آنها بدست آمده است بايد محفوظ بماند.

و: کليه پرسنل بايد در صدد کاهش سطح اختلاف بين داخل و خارج موسسه بازداشت که زمينه ساز کاهش رعايت صحيح کرامت نوجوانان بعنوان يك انسان ميشود برآيند.

۱۱- اصول راهنمای اقدام در زمینه کودکان در سیستم عدالت کیفری^۱

۱- پرو قطعنامه شماره ۱۳/۱۹۹۶ مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۶، اصول راهنمای حاضر برای اقدام در زمینه کودکان در سیستم عدالت کیفری در اجلاس گروه تخصصی در زمینه بیان جزئیات برنامه اقدام با هدف افزایش استفاده موثر و اجرای هنجارها و استانداردهای بین‌المللی در خصوص عدالت برای نوجوانان منعقد در وین از ۲۳ تا ۲۵ فوریه ۱۹۹۷ با حمایت مالی کشور اتریش، نهایی گردید. در جریان نهایی سازی اصول راهنمای اقدام، کارشناسان دیدگاه بیان شده و اطلاعات ارائه شده توسط دولت‌ها را مدنظر قرار دارند.

۲- ۲۹ کارشناس از ۱۱ کشور از مناطق گوناگون، نمایندگان مرکز حقوق بشر دبیرخانه، صندوق بین‌المللی پول و کمیته حقوق کودک همچنین ناظرین سازمانهای غیردولتی مرتبط با عدالت نوجوانان در اجلاس مزبور شرکت داشتند.

۳- مخاطب این اصول راهنمای برای اقدام، دبیرکل و سایر آژانسها و برنامه‌های ذیربط ملل متحد، دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق کودک، تا آنجا که به اجرای موضوع مربوط است همچنین دولت‌های عضو تا آنجا که به استفاده و اجرای قواعد استاندارد حداقل در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان (قواعد یکن) مرتبط است، اصول راهنمای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم توسط نوجوانان (اصول راهنمای ریاض)^۲ و قواعد ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم

^۱ - قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۳۰ شورای اقتصادی و اجتماعی - پیوست.

^۲ - قطعنامه شماره ۳۳/ج مجمع عمومی، پیوست.

^۳ - قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۲ مجمع عمومی، پیوست.

از آزادي كه از اين پس همگي با عنوان «
هنجارها و استانداردهاي سازمان ملل متحد در
زمينه عدالت براي نوجوانان» ناميده مي‌شود.

۱- اهداف ، مقاصد و ملاحظات اساسي

۴- اهداف اصول راهنما براي اقدام ، ارائه يك
چهارچوب براي نيل به مقاصد ذيل‌الذكر است:

الف: اجراي كنوانسيون حقوق كودك و پيگيري
اهداف مندرج در اين كنوانسيون، در بستر اجراي
عدالت در زمينه ي نوجوانان همچنين استفاده و
اجراي هنجارها و استانداردهاي ملل متحد در
زمينه عدالت براي نوجوانان و ساير اسناد
ذيربط از قبيل اعلاميه اصول اساسي عدالت براي
قربانيان جرايم و سوءاستفاده از قدرت^۱.

ب: تهيد ضوابط مساعدت براي دول عضو بمنظور
اجراي موثر كنوانسيون و اسناد ذيربط.

۵- در راستاي تضمين استفاده موثر از اين اصول
راهنماي اقدام ، همكاري گسترده بين دولتها ، ارکان
ذيربط سيستم سازمان ملل متحد، سازمانهاي
غيردولتي، گروههاي حرفه‌اي، رسانه‌ها، موسسات
دانشگاهي، كودكان و ساير اعضا جامعه مدني
ضروري است.

۶- اصول راهنماي اقدام بايد بر پايه اين اصل
كه مسوليت اجراي اين كنوانسيون صريحاً بر عهده
دول عضو ذيربط قرار گيرد مبني گردد.

۷- پايه اجرايي اصول راهنماي حاضر، توصيه
نامه‌هاي كميته حقوق كودك است.

^۱ - قطعه‌نامه شماره ۴۰/۳۴ مجمع عمومي پيوست.

۸- در استفاده از این اصول راهنمای اقدام، در دو سطح بین‌المللی و ملی باید ملاحظات ذیل مدنظر قرار گیرد:

الف: رعایت کرامت انسانی در ارتباط کامل با چهار اصل عمومی مندرج در این کنوانسیون یعنی اصل عدم تبعیض که خود شامل، عواطف و احساسات مربوط به نوع (زن و مرد)، ابقاء منافع کودک، حق حیات، بقاء و توسعه و احترام به نظریات کودک است.

ص ۱۰۵ ب: حقوق مبتنی بر معیارها
ص ۱۰۵ ج: نگاه کلی نگر به اجرا با لحاظ اصل به حداقل رسانی استفاده از منابع و عملکرد.
د: هم‌نوایی خدمات بر پایه نظم درونی
ه: مشارکت کودکان و بخش‌های ذیربط جامعه
و: توانمندسازی شرکت‌کنندگان با اقتباس یک فرایند توسعه‌ای
ز: تثبیت موضوع بدون تداوم وابستگی به ارکان خارجی.

ج: اجرا و قابلیت دسترسی منصفانه برای کسانی که نیازشان به دریافت خدمات بیشتر است.
ط: مسئولیت‌پذیری و شفافیت در روند اجرا
ی - پاسخ‌های غیرمستقیم مبتنی بر پیشگیری موثر و تدابیر جبرانی

۹- منابع کافی (انسانی، سازمانی، تکنولوژیک، مالی و اطلاعاتی) باید به موضوع اختصاص یافته و بطور موثر در کلیه سطوح (بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، استانی و محلی) و در ارتباط با سایر مشارکت‌کنندگان، شامل دولت‌ها، ارکان سازمان ملل متحد سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های حرفه‌ای، رسانه‌ها موسسات دانشگاهی، کودکان و سایر اعضا

جامعه مدني همچنين ساير شركت كنندگان مورد استفاده قرار گيرد.

۲- طرحهاي اجراي كنوانسيون حقوق كودك، پيگيري اهداف آن و استفاده و اجراي هنجارها و استانداردهاي بينالمللي در زمينه عدالت براي نوجوانان

الف: تدابير با قابليت اجراي عمومي

۱۰- اهميت وجود يك رويکرد ملي جامع و فاقد تناقض دروني در قلمرو عدالت نوجوانان بايد با لحاظ وابستگي دروني و عدم قابليت تفكيك حقوق كودك به رسميت شناخته شود.

۱۱- تدابير مربوط به سياستگذاري، تصميم سازي، رهبري و اصلاحات بايد بمنظور تضمين اهداف زير ساماندهي گردد:

الف: اصول و مقررات مندرج در كنوانسيون حقوق كودك و هنجارها و استانداردهاي ملل متحد در زمينه عدالت براي نوجوانان بايد بطور كامل در سياستها و روشهاي قانونگذاري ملي و محلي به ويژه از طريق تاسيس سيستم عدالت براي غيربزرگسالان كودك محور كه ضامن حقوق كودك باشد، از نقض حقوق كودك جلوگیری کند، حش احترام بخود و ارزشمندی در كودك را تقويت کند، ه و توجه كامل به سن، ميزان پيشرفت و حق مشاركت سودمند و ايفا نقش در جامعه بنمايد.

ب: مندرجات ذيربط از اسناد فوق الذكر بايد بطور بسيار ساده به زباني كه كودك مي فهمد در اختيار وي قرار گيرد. علاوه بر اين، در صورت ضرورت، تشريفاتي بايد بمنظور تضمين اينكه براي هر كودك اطلاعات ذيربط در زمينه حقوق وي حسب اسناد مزبور حداقل در زمان اولين تماس با سيستم

عدالت کیفری ارائه می‌گردد، در نظر گرفته شود و به وی تذکر داده شود که او مکلف به اطاعت از قوانین است.

ج: درک عموم، رسانه‌ها از روح اهداف و اصول راجع به عدالت با محوریت کودک باید با لحاظ هنجارها و استانداردهای ملل متحد در زمینه عدالت برای نوجوانان گسترش یابد.

ب: اهداف خاص

۱۲- دولتها باید اثر بخشی برنامه‌های ثبت تولد را تضمین کنند. در مواردی که سن کودک مشمول سیستم عدالت ناشناخته باشد، تدابیری باید بمنظور تعیین سن واقعی کودک از طریق یک ارزیابی مستقل و عینی در نظر گرفته شده و به اجرا درآید.

۱۳- بدون توجه به سن مسئولیت کیفری، بلوغ مدنی و سن رشد بنحو مقرر در قوانین ملی، دولتها باید زمینه‌ای را فراهم کنند که اطفال از کلیه حقوق خود که حسب حقوق بین المللی و بطور ویژه در این زمینه همه مقرراتی که در مواد ۳، ۳۷ و ۴۰ این کنوانسیون درج گردیده است، بهره‌مند گردند.

۱۴- توجه ویژه باید به نکات زیر بعمل آید:
الف: باید یک فرایند کودک محور جامع در زمینه عدالت برای نوجوانان وجود داشته باشد.
ب: کارشناس مستقل یا سایر اشخاص ذیصلاح باید قوانین جاری و پیشنهادی در زمینه عدالت برای نوجوانان و تأثیر آن بر کودکان را مورد بررسی و بازبینی قرار دهند.

ج: هیچ کودک زیر سن مسئولیت کیفری نباید موضوع اتهام کیفری قرار گیرد.

د: دولتها بايد دادگاههاي اطفال با صلاحيت اوليه بر نوجواناني كه مرتكب اعمال كيفري مي-شوند تاسيس و آيين دادرسي اختصاصي اي كه به الزامات خاص كودكان توجه نمايد را طراحي و مقرر نمايند. دادگاههاي عادي در صورت تناسب اين آيين دادرسي را بعنوان يك جايجزين در دستور كار خود قرارمي دهند. در صورت ضرورت، قانونگذاري ملي و ساير تدابير بايد مسئله انطباق با حقوق و حمايت از كودك را در مورادي كه كودك نزد دادگاههايي غير از دادگاه اطفال در چهارچوب مواد ۳، ۳۷ و ۴۰ كنوانسيون اعزام مي‌گردد، مدنظر قرار دهد.

۱۵- آيين دادرسي موجود بايد مورد بازبيني قرار گيرد و در موارد امكانپذير، قضايدايي يا ساير ابتكارات راجع به سيستم عدالت كيفري سنتي بايد با هدف امتناع از توسل به سيستم عدالت كيفري در زمينه جوانان متهم به ارتكاب يك جرم، توسعه يابد. اقدامات مناسب بايد از طريق پيش بيني انواع متنوع جايجزينها و تدابير آموزشي در مرحله قبل از دستگيري، قبل از محاكمه، حين محاكمه و بعد از محاكمه با هدف پيشگيري از تكرر جرم و تقويت بازسازي اجتماعي مجرمين كودك صورت پذيرد. در موارد امكانپذير، ساز و كارهايي براي حل و فصل غيررسمي اختلافات در مواردی كه يك كودك نيز در آن ذميدخل است بايد مورد استفاده قرار گيرد، از قبيل ميانجيجري، و روشهاي راجع به عدالت ترميمي به ويژه فرايندهايي كه در آن بزهديدگان نيز دخالت دارند. در تدابير متنوعي كه بايد اقتباس گردد، خانواده نيز در قلمروي كه اين تدابير در راستاي مصلحت مجرم كودك به اجرا در مي‌آيد، بايد دخالت داده شود. دولتها

باید تضمین کنند که تدابیر جایگزین، در چهارچوب این کنوانسیون و استانداردها و هنجارهای ملل متحد در زمینه عدالت برای نوجوانان همچنین سایر هنجارها و استانداردهای موجود در قلمرو پیشگیری از جرم و عدالت کیفری از قبیل قواعد استاندارد حداقل ملل متحد در زمینه تدابیر غیرسالب آزادی (قواعد توکیو) با توجه ویژه به تضمین رعایت قواعد راجع به فرایند صحیح اجرای قانون که در اجرای چنین تدابیری باید مدنظر باشد و در چهارچوب اصل حداقل مداخله به اجرا در آیند.

۱۶- آژانسهای مجری و برنامه‌هایی برای ارائه مساعدت قانونی و غیره باید در اولویت قرار گیرند از قبیل خدمات ترجمه برای کودکان در صورت ضرورت بطور رایگان. به ویژه تضمین اینکه حق هر کودک بر دسترسی به این مساعدتها از لحظه‌ای که کودک بازداشت می‌شود در عمل مورد احترام قرار گیرد.

۱۷- اقدام مقتضی باید بمنظور کاهش تألمات کودکانی که نیازمند تدابیر حمایتی خاص هستند از قبیل کودکان کارگر یا کودکان خیابانی یا کودکانی که بطور دائم از خانواده محرومند، کودکان دارای معلولیت، کودکان اقلیتها، مهاجرین و بومیان و سایر گروههای آسیبپذیر از کودکان صورت پذیرد.

۱۸- نگهداری کودکان در موسسات غیرباز باید کاهش یابد. اینگونه از نگهداری باید صرفاً با رعایت مقررات مندرج در ماده ۳۷ (ب) این کنوانسیون و بعنوان آخرین راه کار و برای کمترین زمان ممکن صورت پذیرد. مجازات بدهی اجرای

عدالت در زمینه کودکان و سیستمهای رفاهی باید ممنوع گردد.

۱۹- قواعد ملل متحد در زمینه حمایت از نوجوانان محروم از آزادی و ماده ۳۷ (د) این کنوانسیون همچنین درخصوص امکانهای خصوصی یا عمومی که کودک حسب دستور مقام قضایی، اداری یا سایر مقامات نمیتواند به خواست خود از آن خارج شود، به اجرا درمیآید.

۲۰- با هدف برقراری ارتباط بین کودک بازداشت شده با خانواده و جامعه و تسهیل بازسازی اجتماعی، تضمین دسترسی آسان خویشاوندان و کلیه اشخاصی که دارای منافع مشروع هستند به موسساتی که کودکان در آن از آزادیشان محروم گردیدهاند، از اهمیت برخوردار است مگر اینکه منافع خود کودک مقتضی این اقدام نباشد.

۲۱- در صورت ضرورت، باید یک ارگان مستقل نظارت و گزارشگری منظم درخصوص شرایط موجود در موسسات تأسیس گردد. نظارت و بازرسی باید در چهارچوب هنجارها و استانداردهای ملل متحد در زمینه عدالت برای نوجوانان به ویژه قواعد ملل متحد در زمینه حمایت از نوجوانان محروم از آزادی به اجرا درآید.

دولتها باید اجازه ارتباط آزادانه و بطور محرمانه با ارگانهای نظارتی را به کودکان اعطا نمایند.

۲۲- در مواردی که مناسب تشخیص داده میشود، دولتها باید با نظر مثبت درخواستهای واصله از سازمانهای بشر دوستانه و حقوق بشری و سایر سازمانها بمنظور بازدید از تاسیسات بازداشت را مورد بررسی قرار دهند.

۲۳- در خصوص کودکان موضوع سیستم عدالت کیفری، توجه اصلی باید به ملاحظات سازمانهای دولتی و غیردولتی یا سایر اعضا ذینفع به ویژه موضوعات سیستماتیک شامل شرایط نامناسب پذیرش و تأخیرهای طولانی مدت که بر کودکان محروم از آزادی تأثیرگذار است، متمرکز گردد.

۲۴- کلیه اشخاصی که با کودکان در سیستم عدالت کیفری در تماس بوده یا مسئولیت موضوع را بر عهده دارند، باید آموزش نظری و عملی در زمینه حقوق بشر، اصول و مقررات این کنوانسیون و سایر هنجارها و استانداردهای ملل متحد در زمینه عدالت نوجوانان را بعنوان بخشی از برنامه‌های آموزشی خود، را طی نمایند این اشخاص شامل پلیس و سایر مقامات اجرای قانون، قضات و سایر صاحبان مشاغل در موسساتی که کودک محروم از آزادی در آن به سر می‌برد، و نیروی انسانی در زمینه بهداشت، مددکاران اجتماعی، مأمورین حفظ نظم و سایر صاحبان مشاغل که مرتبط با عدالت برای نوجوانان هستند، می‌گردد.

۲۵- در پرتو استانداردهای بین‌المللی حاضر، دولت‌ها باید ساز و کاری را بمنظور تضمین تحقیقات فوری، دقیق و بیطرفانه درخصوص شکایات علیه مأمورین رسمی در زمینه نقض عمده حقوق اساسی و آزادیهای کودکان، ایجاد نمایند. دولت‌ها باید بطور برابر تضمین کنند که اشخاصی که مسئولیت آنها احراز گردیده بطور صحیح مجازات گردند.

ج - تدابیری که در سطح بین‌المللی باید به اجرا درآید.

۲۶- عدالت در زمینه نوجوانان، باید از نظر بین‌المللی منطقه‌ای ملی از جمله در چهارچوب

اقدامات گسترده سیستم ملل متحد، مورد توجه صحیح قرار گیرد.

۲۷- نیاز فوری به همکاری نزدیک بین کلیه ارگانها در این قلمرو به ویژه، بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری دبیرخانه، دفتر کمیسیونر عالی ملل متحد برای حقوق بشر/ مرکز حقوق بشر، دفتر کمیسیونر عالی در زمینه پناه جویان، صندوق ملل متحد در زمینه کودکان، برنامه توسعه ملل متحد، کمیته حقوق کودک، سازمان بین‌المللی کار، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی مضاف بر آن، بانک جهانی و سایر موسسات مالی بین‌المللی و منطقه‌ای و سازمانهایی از قبیل سازمانهای غیردولتی و موسسات دانشگاهی به ویژه با رویکرد تحقیقات، انتشار اطلاعات، آموزش، اجرا و نظارت بر این کنوانسیون و بهره‌برداری و اجرای استانداردهای موجود همچنین با لحاظ مقررات راجع به مشاوره فنی و برنامه‌های معاضدت بطور مثال با استفاده از شبکه‌های بین‌المللی موجود در زمینه عدالت برای نوجوانان، ملاحظه می‌شود.

۲۸- اجرای موثر کنوانسیون حقوق کودک همچنین، استفاده و اجرای استانداردهای بین‌المللی از طریق همکاری فنی و برنامه‌های خدمات مشاوره‌ای، باید از طریق توجه ویژه به جنبه‌های زیر که در ارتباط با حمایت و ترویج حقوق بشر در زمینه کودکان در بازداشت است، تقویت اصل حاکمیت قانون و اصلاح و توسعه اجرای سیستم عدالت در زمینه نوجوانان تضمین گردد:

الف: معاضدت در اصلاح قوانین

ب: تقویت توانمندیها و ساختارهای ملی

ج: برنامه‌های آموزشی برای پلیس و سایر
مأمورین اجرای قانون، قضات و قضات تحقیق،
دادستانها، وکلا، مقامات اداری، مأمورین زندان
و سایر صاحبان مشاغل که در موسساتی که
کودکان محروم از آزادی در آن نگهداری می‌شوند
مشغول بکارند، پرسنل بهداشتی و سلامت، مددکاران
اجتماعی، مأمورین حفظ نظم و سایر صاحبان
مشاغل که با عدالت در زمینه نوجوانان
مرتبطند

د: تهیه دستورالعملهای آموزشی

ه: آماده سازی اطلاعات و مواد آموزشی برای
آگاه ساختن کودکان از حقوق خود در سیستم عدالت
برای نوجوانان

و: همکاری نزدیک بین بخش پیشگیری از جرم و عدالت
کیفری با دیپارتمان اجرائیات حفظ نظم دبیرخانه
با لحاظ ارتباط موضوع با حمایت از حقوق کودکان
در عملیات حفظ نظم شامل مشکلات کودکان و
جوانان بعنوان بزه‌دیده و مرتکب جرم در
موقعیتهای برقراری نظم و تعارضات بعدی یا
سایر وضعیتهای که حادث شده، باید برقرار شود.

د- ساز و کارهای اجرای مشاوره فنی و پروژه‌های
معاضدت

۳۰- با رعایت مواد ۴۳، ۴۴ و ۴۵ این
کنوانسیون، کمیته حقوق کودک گزارشات واصله از
دولتهای عضو درخصوص اجرای این کنوانسیون را
بررسی خواهد کرد. با لحاظ ماده ۴۴ این
کنوانسیون، این گزارشات باید متضمن شاخصها و
موانع، در صورت وجود، که بر میزان اجرای
تعهدات موضوع این کنوانسیون اثرگذار است،
باشد.

۳۱- دولتهای عضو این کنوانسیون، بمنظور ارائه گزارشات اولیه و دوره‌ای، اطلاعات جامع، داده‌ها و شاخصها در زمینه اجرای مقررات این کنوانسیون و استفاده و اجرای هنجارها و استانداردهای ملل متحد در زمینه عدالت درباره نوجوانان دعوت می‌گردند.^۱

۳۲- بعنوان ماحصل فرایند بررسی پیشرفتهای که توسط دولتهای عضو در اجرای تعهدات موضوع این کنوانسیون، کمیته حقوق کودک، می‌تواند پیشنهادات و توصیه‌های کلی به دولتهای عضو برای تضمین رعایت دقیق این کنوانسیون (طبق ماده ۴۵ «د» این کنوانسیون) ارائه دهد. بمنظور تقویت اجرای موثر این کنوانسیون و تشویق همکاری بین المللی در قلمرو عدالت در زمینه کودک، این کمیته، در صورتیکه مقتضی بداند، به آژانسهای تخصصی، صندوق کودکان ملل متحد و سایر ارگانهای ذیصلاحیت، هر گونه گزارش دولتهای عضو که در برگرفته یک درخواست، یا حاوی یک نیاز به خدمات مشاوره‌ای و معاضدت فنی است، توأم با ملاحظات و پیشنهادات کمیته مزبور اگر موجود باشد، درخصوص آن درخواستها یا اعلامات (طبق ماده ۴۵ ب این کنوانسیون) ارسال خواهد نمود.

۳۳- همچنین، در صورتیکه گزارش دولت عضو و فرایند بررسی توسط کمیته هر گونه ضرورت اصلاحات در قلمرو عدالت برای نوجوانان از طریق برنامه‌های معاضدت و مشاوره فنی ملل متحد یا آژانسهای متخصص را نفي نماید. دولت عضو می‌تواند این معاضدت را از طریق بخش پیشگیری از

^۱ - بنگرید به اصول راهنمای عمومی مربوط به شکل و محتوای گزارشات ادواری ارائه شده بوسیله دولتهای عضو حسب ماده ۴۴ پاراگراف ۱ (ب) این کنوانسیون مصوب کمیته در سیصدوچهل و سومین اجلاس (سی امین جلسه) مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۹۶. برای دیدن خلاصه مباحثات مطروحه در این موضوع (اجرای عدالت برای نوجوانان) با روزهای با موضوع خاص این کمیته در زمینه حقوق کودک. بنگرید به گزارش کمیته در جلسه دهم (ژنو، مورخ ۳۰ اکتبر تا ۱۷ نوامبر ۱۹۹۵) صص ۳۹ - ۳۳.

جرم و عدالت کیفری، مرکز حقوق بشر و صندوق کودکان ملل متحد درخواست کند.

۳۴- بمنظور فراهم کردن کمک مناسب در پاسخ به درخواستهای مزبور، یک فهرست اشخاص همکار در زمینه مشاوره فنی و معاضدت در زمینه عدالت برای نوجوانان باید تهیه گردد. دبیرکل حداقل یک بار در سال این اشخاص را فرا خواهد خواند.

این فهرست، شامل نمایندگان بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای حقوق بشر/ مرکز حقوق بشر، صندوق کودکان ملل متحد، برنامه توسعه ملل متحد، کمیته حقوق کودک، با موسساتی که با شبکه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد همکاری دارند، و سایر ارکان ذیربط سازمان ملل متحد، همچنین سایر سازمانهای بین‌الدولی، منطقه‌ای و غیردولتی ذینفع شامل شبکه‌های بین‌المللی در زمینه عدالت برای نوجوانان و موسسات دانشگاهی فعال در زمینه مشاوره و معاضدت فنی با لحاظ پاراگراف ۳۹ ذیل الذکر خواهد بود.

۳۵- قبل از برگزاری جلسه توسط اشخاص مندرج در فهرست، باید یک استراتژی تفصیلی برای تعیین روش فعال سازی بیشتر همکاری بین‌المللی در قلمرو عدالت برای نوجوانان تدوین گردد. فهرست همکاری همچنین باید شناخت مشکلات عمومی، تلفیق روشهای مطلوب و تجربه و تحلیل تجارب و نیازهای مشترک که به ترتیب زمینه ساز رویکرد استراتژیک برای برآورد نیازها و پیشنهادات موثر برای اجرا می‌گردد، تسهیل نماید. این تلفیق باید اجازه تجمیع خدمات مشاوره‌ای و معاضدت فنی در زمینه عدالت برای نوجوانان از قبیل توافق قبلی با دولت متقاضی این کمکها همچنین سایر مشارکت‌کننده‌هایی که

توان و صلاحیت اجرای بخشهای متنوع پروژه یک کشور را دارند، را بدهد بنحوی که اقدام موثرتر و مسئله محور موضوع را سبب شود. این تلفیق باید مستمراً در ارتباط نزدیک با اعضا ذیربط گسترش یابد. تمهید مقدمات برنامه ها و تدابیر قضازدایی برای ترویج اجرای عدالت برای نوجوانان، کاهش بازداشت مجدد و بازداشت قبل از محاکمه، اصلاح روشهای تعامل با کودکان محروم از آزادی و راه اندازی برنامه های سازگاری مجدد موثر و ترمیم باید مورد توجه قرار گیرد.

۳۶- باید بر تنظیم طرحهای جامع پیشگیری موضوع اصول راهنمای ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم توسط نوجوانان (اصول راهنمای ریاض) تاکید گردد. پروژه هایی با محوریت استراتژی اجتماعی کردن و سازگاری کودکان و اشخاص جوان بطور موفقیت آمیز به ویژه از طریق خانواده، جامعه، گروه همسالان، مدارس آموزشهای حرفه ای، و مشاغل متنوع، باید تعریف گردد. این پروژه ها باید توجه ویژه به کودکان نیازمند تدابیر حمایتی ویژه، از قبیل کودکانی که کار میکنند یا کودکان خیابانی یا کودکانی که بطور دائم از خانواده محرومند، کودکان معلول، کودکان اقلیتها، مهاجرین و اشخاص بومی و سایر گروههای آسیب پذیر از کودکان بنمایند. علی الخصوص، نگهداری این اشخاص در موسسات باید حتی الامکان به اجرا در نیاید. تدابیر راجع به حمایت اجتماعی باید بمنظور محدود کردن خطرات ناشی از جرم تلقی کردن این کودکان باید توسعه یابد.

۳۷- این استراتژی همچنین باید فواید همکاری در زمینه ارائه ی خدمات مشاوره ای بین المللی و معاضدت فنی به دولتهای عضو این کنوانسیون را

براساس مأموریت‌های مشترک اجرایی، در مواردی که مناسب تشخیص داده می‌شود، با تأسیس اداره‌ای مرکب از سازمانها و آژانسهای مختلف با هدف ارائه مشورت طولانی مدت به پروژه‌های معاضدت فنی، را پیش‌بینی و مقرر نماید.

۳۸- اهم مقامات ارائه دهنده برنامه‌های خدمات مشاوره‌ای و معاضدت فنی در سطح ملی عبارتند از: همکاران مقیم ملل متحد، با نقش مهمی که دفاتر محلی دفتر کمیسیونر عالی حقوق بشر/ مرکز حقوق بشر ایفاده می‌کند، صندوق کودکان ملل متحد و برنامه توسعه ملل متحد می‌باشند.

ماهیت حیاتی انسجام همکاری فنی در زمینه نوجوانان در کشوری که این موارد در آن طرح و برنامه‌ریزی می‌شود، از طریق استراتژی تدوین شده ملل متحد برای آن کشور، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

۳۹- کلیه منابع باید هم در زمینه ساز و کارهای همکاری اشخاص همکار و هم در زمینه پروژه‌های ملی که بمنظور توسعه اجرای این کنوانسیون تنظیم گردیده است بسیج گردد. منابع برای این اهداف از محل بودجه‌های منظم یا منابع استثنایی تأمین خواهد گردید (بنگرید پاراگراف ۳۸ - ۳۴ فوق) قسمت اعظم منابع برای پروژه‌های خاص باید با بسیج منابع خارجی تأمین گردد.

۴۰- اعضا پند همکاری می‌توانند بسیج منابع در این قلمرو با رویکرد همکاری را مورد تشویق قرار دهند و یا فی الواقع واسطه این بسیج گردند. این بسیج منابع باید براساس استراتژی‌ای که مندرج در برنامه ترسیمی در تقویت برنامه جهانی در این قلمرو است، باشد. کلیه ارگانها و

آژانسهای ذی‌مدخل سازمان ملل متحد، همچنین، سازمانهای غیردولتی‌ای که دارای یک توان آشکار در زمینه ارائه خدمات همکاری فنی در این قلمرو هستند باید بمنظور مشارکت در این فرایند دعوت شوند.

هـ چند ملاحظه دیگر در زمینه پروژه‌های کشوری ۴۱- یکی از اصول مسلم بدهی در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت در زمینه نوجوانان، اجرای موضوع همراه انعطاف دایمی نه تنها در مورد معلولها و نشانه‌ها موضعی بلکه در مواقعی که ریشه‌های اصلی مورد هدف قرار می‌گیرند است. برای مثال، استفاده زیاد از بازداشت در زمینه نوجوانان باید در حد معقول صرفاً با اجرای یک رویکرد جامع که متضمن ساختارهای مدیریتی و سازمانی در کلیه سطوح تحقیقات، تعقیب و دادگاه همچنین سیستم اجرای مجازات است صورت پذیرد. این مسئله ضمناً نیازمند ارتباط بین پلیس، دادستانها، قضات تحقیق و مقامات محلی، مقامات اداری و سایر مقامات ذیربط مراکز بازداشت است. مضاف بر این، این موضوع نیازمند خواست واقعی و توانایی همکاری نزدیک بین چند نفر می‌باشد.

۴۲- بمنظور پیشگیری از گسترش عدم رعایت تدابیر عدالت کیفری در زمینه برخورد با رفتار کودکان، باید سعی گردد برنامه‌هایی با هدف تقویت مساعدت اجتماعی که در صورت مناسب بودن زمینه خارج کردن کودکان از سیستم عدالت کیفری را فراهم کند همچنین ترویج اجرای تدابیر غیربازداشتی و برنامه‌های سازگاری مجدد، تدوین و به اجرا در آید. برای تدوین عدالت در زمینه کودکان، باید سرویسهای مختلف مرتبط با اجرای

قانون و بخشهای مربوط به رفاه اجتماعی و آموزش تقویت گردد.

۳- طرحهای مرتبط با بزه‌دیدگان کودک و گواهان
۴۳- با رعایت اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرایم و سوء استفاده از قدرت، دولتها باید تلاش نمایند برای کودکان بزه‌دیده و گواهان دسترسی مناسب به عدالت و رفتار منصفانه، غرامت، جبران خسارات و معاضدت اجتماعی تضمین گردد. در صورت قابلیت اجرا، تدابیری باید بمنظور جلوگیری از حل و فصل موضوعات کیفری از طریق اعطا خسارت خارج از سیستم عدالت در مواقعی که چنین اقدامی در راستای منافع عالی کودک نیست، اندیشیده شود.

۴۴- پلیس، وکلا، قضات و سایر پرسنل دادگاه باید دوره‌ی آموزش لازم در مورد چگونگی بررسی پرونده‌هایی که کودکان در آن بزه‌دیده هستند، بگذرانند. دولتها چنانچه تاکنون اقدام نکرده‌اند، باید دفاتر و بخشهای تخصصی، برای بررسی پرونده‌هایی که موضوع جرایم آن علیه کودکان است تاسیس کنند. دولتها در صورت اقتضا مجموع روشهایی را برای اداره بهتر پرونده‌های دارای بزه‌دیده کودک باید بوجود آورند.

۴۵- کودکان بزه‌دیده باید مورد رفتار توأم با مهربانی و احترام به کرامت آنها قرار گیرند. آنها حق دارند به ساز و کارهای اجرای عدالت و جبران خسارت، بنحو مقرر در قوانین ملی، درخصوص خسارات وارد بر آنها دسترسی داشته باشند.

۴۶- کودکان بزه‌دیده حق دسترسی به مساعدتهایی که نیازهای آنها را برآورده کند از قبیل مشاوره، حمایت، کمک اقتصادی، راهنمایی، خدمات بهداشتی و اجتماعی، بازسازی اجتماعی و خدمات ترمیمی

جسمي و رواني را دارند. مساعدت ویژه باید به کودکانی که ناتوان یا مریض هستند ارائه گردد. باید بر بازپروری خانواده محور و جامعه محور تأکید گردد و بر نگهداری در موسسات تمرکز نیابد.

۴۷- ساز و کارهای قضایی و اداری در مواقعی که برای توانمندسازی کودکان بزه‌دیده برای دریافت خسارات از طریق تشریفات رسمی یا غیررسمی که سریع، منصفانه در دسترس است، باید ایجاد و تقویت گردد اینرو بزه‌دیدگان کودک و نمایندگان قانونی آنها باید از موضوع مطلع شوند.

۴۸- برای کلیه کودکان قربانی موارد نقض حقوق بشر، به ویژه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیرانسانی و خوار کننده شامل زناي به عنف و سوء استفاده جنسي، سلب آزادي غيرقانوني يا خودسرانه، بازداشت غيرموجه و سوء جريان عدالت، باید جبران خسارت مناسب و منصفانه منظور گردد.

۴۹- گواهان کودک به معاضدت در فرایندهای قضایی و اداری نیازمندند. دولتها باید در صورت ضرورت، وضعیت کودکان بعنوان گواه جرم در قوانین راجع به ادله و آیین دادرسی بمنظور تضمین اینکه حقوق کودک بطور کامل مورد حمایت قرار گیرد، بازبینی، ارزیابی و اصلاح نمایند. با لحاظ قوانین، سنتها، رویه‌های متنوع و چهارچوبهای قانونی، مواجهه بین کودکی که بزه‌دیده است و مجرم در طی فرایند تحقیقات و تعقیب همچنین در طول محاکمه حتی الامکان باید محدود گردد. در موارد ضروری اعلام هویت شناسنامه‌ای کودک بزه‌دیده در رسانه‌ها با هدف صیانت از حق خلوت کودک باید منع گردد. در مواردی که این ممنوعیت مغایر

اصول اساسی دولتهای عضو است، این اعلام هویت شناسنامه‌های باید مورد تشویق قرار نگیرد.

۵۰- در صورت ضرورت دولتها باید اصلاح قوانین آیین دادرسی کیفری خود را با هدف تجویز ضمی ارائه گواهی توسط کودک از طریق نوار ویدئویی ادای شهادت و ارائه نوار ضبط ویدئویی گواهی در دادگاه بعنوان يك دليل رسمي بازبینی نمایند. بطور ویژه، پلیس دادستانها، قضات و قضات تحقیق باید از روشهای بسیار دوستانه با کودک بطور مثال در اجرائیات پلیس و جلساتی که بمنظور اخذ گواهی کودک برگزار می‌گردد، استفاده نمایند.

۵۱- اجرای تکالیف مقرر در فرایند قضایی و اداری در زمینه الزامات کودکان بزه‌دیده و گواه باید از طریق موارد زیر تسهیل گردد:

الف: اطلاع رسانی به کودکان بزه‌دیده در زمینه نقش آنها و قلمرو و وضعیت جاری و آینده رسیدگی، و موقعیت پرونده به ویژه در مواردی که ارتکاب جرم شدید مطرح است.

ب: تشویق افزایش طرحهای راجع به ارائه گواهی توسط کودک با هدف بیگانه نبودن کودکان از فرایند عدالت کیفری. قبل از اقامه دلیل معاضدت مناسب باید برای کودکان بزه‌دیده و گواه در سراسر فرایند قانونی در نظر گرفته شود.

ج: تجویز توجه به نظرات و ملاحظات کودکان بزه‌دیده درخصوص مطالبی که باید در مراحل مقتضی از رسیدگی در مواردی که منافع او از موضوع متأثر می‌گردد بدون صدمه به متهم و با لحاظ سیستم عدالت کیفری زیربط مطرح شود.

د: تدابيري بايد بمنظور کاهش تاخير در فرايند عدالت كيفري، حمايت از حق خلوت کودکان بزهدیده و گواه و در صورت ضرورت، تضمين سلامت آنها در قبال تهديد و اقدامات تلافي جويانه منظور گردد.

۵۲- کودکانی که در خارج از قلمرو جغرافیایی يك کشور بمنظور غيرقانوني اقامت داده شده اند یا بطور غيرقانوني نگهداري ميشوند بعنوان يك اصل عمومي بايد به کشور اصلي خود بازگردانده شود. التفات لازم بايد به سلامت آنها مبذول و با آنها بايد رفتار انساني بعمل آمده و معاضدت ضروري را در طول زمان بازگشت دريافت دارند اين کودکان بايد فوري با هدف تضمين رعايت کنوانسيون حقوق کودک بازگردانده شوند. در مواردی که کنوانسيون لاهه در زمينه جنبه هاي مدني ربودن بين المللي کودک سال ۱۹۸۰ ، کنوانسيون حمايت از کودکان و همکاري با ويکرد پذيرش در يك کشور ۱۹۹۳^۱ یا کنوانسيون راجع به صلاحيت، قانون لازم الاجرا ، شناسايي، اجرا و همکاري با لحاظ مسئوليت والدين و تدابير موضوع حمايت از کودک ۱۹۹۶ که به تصويب کنفرانس لاهه در زمينه حقوق بين المللي خصوصي رسیده است، از قدرت اجرائي برخوردار باشد، مقررات کنوانسيون ذيربط در بازگرداندن کودک بايد فوري به اجرا در آید. به محض بازگشت کودک، کشور متبوع کودک بايد با کودک با لحاظ اصول حقوق بشر بين المللي رفتار و تدابير بازپروري خانواده محور مناسب را در اختيار وي قرار دهد.

۵۳- برنامه عدالت كيفري و پيشگيري از جرم ملل متحد، شامل موسسات شرکت کننده در شبکه

^۱ - بنگرید دفتر دایمی کنفرانس لاهه در زمینه حقوق بین المللی خصوصی، لاهه ۱۹۹۶ مجموعه کنوانسیونها (۱۹۹۶ - ۱۹۵۱)

برنامه، دفتر کمیسیونر عالی حقوق بشر ملل متحد / مرکز حقوق بشر، صندوق کودکان ملل متحد، برنامه توسعه ملل متحد، کمیته حقوق کودک، سازمان آموزش، علمی و فرهنگی ملل متحد، بانک جهانی و سازمانهای غیردولتی ذینفع باید در صورت درخواست دولتهای عضو، در چهارچوب بودجه عادی یا منابع مالی استثنایی، به ارائه معاضدت درخصوص توسعه آموزشهای چندبخشی، فعالیتهای آموزشی و اطلاع رسانی برای پرسنل اجرای قانون و سایر نیروهای انسانی سیستم عدالت کیفی شامل مأمورین پلیس، دادستانها، قضات و قضات تحقیق بپردازند.

مبحث سوم: جایگزینهای زندان و عدالت ترمیمی
۱۲- قواعد استاندارد حداقل در زمینه تدابیر
غیربازداشتی (قواعد توکیو)

الف: اصول کلی

۱- اهداف اساسی

۱-۱- قواعد استاندارد حداقل حاضر مجموعه‌ای از
اصول اساسی را برای ترویج استفاده از تدابیر
غیربازداشتی همچنین تضمینهای حداقل برای اشخاص
موضوع جایگزینهای زندان را ارائه می‌دهد.

۱-۲- این قواعد بر آنست مشارکت اجتماعی
گسترده‌تری در اداره سیستم عدالت کیفری به ویژه
در زمینه نحوه رفتار با مجرمین همچنین ترویج حس
مسئولیت‌پذیری در مسیر بازگشت به جامعه را
توسعه دهد.

۱-۳- این قواعد باید با توجه به شرایط سیاسی،
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور و اهداف و
مقاصد سیستم عدالت کیفری آن به اجرا درآید.

۱-۴- هنگام اجرای این قواعد دولتهای عضو باید
سعی کنند تا یک موازنه منطقی بین حقوق اشخاص
مجرم، حقوق بزه‌دیدگان و ملاحظات جامعه در زمینه
امنیت عمومی و پیشگیری از جرم برقرار گردد.

۱-۵- دولتهای عضو باید تدابیر غیربازداشتی را در
چارچوب سیستم حقوقی خود با هدف اقتباس
انتخابهای دیگر از قبیل کاهش استفاده از زندان
و عقلانی کردن سیاستهای عدالت کیفری، لحاظ
رعایت حقوق بشر، الزامات عدالت اجتماعی و
نیازهای بازپروری مجرمین توسعه دهند.

۲- قلمرو تدابیر غیربازداشتی

۲-۱- مقررات ذیربط مندرج در این قواعد باید
برای کلیه اشخاص موضوع تعقیب، محاکمه یا اجرای
مجازات در کلیه مراحل اجرای عدالت کیفری به

اجرا درآید. در چهارچوب اهداف این قواعد، این اشخاص بدون توجه به اینکه آیا مظنون، متهم یا محکومیت یافته هستند « مجرمین » نامیده می‌شوند.

۲-۲- این قواعد باید بدون هر گونه تبعیض براساس نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، عقیده سیاسی و غیره، منشأ ملی یا اجتماعی، اموال، تولد یا سایر وضعیتها به اجرا درآید.

ص ۱۱۸

۲-۳- با هدف ایجاد انعطاف بیشتر سازگار با ماهیت و شدت جرم، شخصیت و سوابق مجرم و حمایت از جامعه و خودداری از استفاده غیرضروری از زندان، سیستم عدالت کیفری باید تنوع گسترده‌ای از تدابیر غیربازداشتی از مرحله قبل از محاکمه تا وضعیتهای بعد از اجرای حکم را پیش بینی کند. تعداد و انواع تدابیر غیربازداشتی در دسترس باید بنحوی تعیین شود که اجرای اصل مجازات همیشه امکانپذیر باشد.

۲-۴- توسعه تدابیر غیربازداشتی جدید باید مورد تشویق قرار گیرد و از نزدیک تحت نظارت و ارزیابی واقع شود و استفاده از آن بطور سیستماتیک ارزیابی گردد.

۲-۵- بمنظور خودداری هر چه بیشتر از توسل به تشریفات رسمی یا محاکمه بوسیله یک دادگاه باید با لحاظ تضمینات قانونی و اصل حاکمیت قانون تمهیداتی بمنظور تعامل با مجرمین در جامعه اعطا گردد.

۲-۶- تدابیر غیربازداشتی باید با توجه به اصل مداخله حداقل مورد استفاده قرار گیرد.

۷-۲- استفاده از تدابیر غیربازداشتی باید بخشی از نهضت مجازات‌زدایی و جرم‌زدایی مجای مداخله یا تلاش‌های با تأخیر در این رویکرد باشد.

۳- تضمینات قانونی

۱-۳- ایجاد، تعریف و اجرای تدابیر غیربازداشتی باید بموجب قانون باشد.

۲-۳- انتخاب یک تدبیر غیربازداشتی باید براساس یک ارزیابی مبتنی بر معیارهای پذیرفته شده با لحاظ توأمان ماهیت و شدت جرم و شخصیت، سابقه مجرم، اهداف اجرای مجازات و حقوق بزهدیدگان صورت پذیرد.

۳-۳- اعمال صلاحدید بوسیله مقام قضایی یا سایر مقامات صالح مستقل باید در هر مرحله از رسیدگی از طریق تضمین مسئولیت کامل و فقط با رعایت اصل حاکمیت قانون به اجرا درآید.

۴-۳- تدابیر غیربازداشتی‌ای که سبب ایجاد یک تکلیف برای مجرم می‌گردد و قبل یا مجای رسیدگی رسمی یا محاکمه بکار می‌رود نیازمند رضایت مجرم است.

۵-۳- تصمیمات راجع به تحمیل یک تدبیر غیر بازداشتی باید حسب درخواست مجرم موضوع تجدیدنظر بوسیله مقام قضایی یا سایر مقامات صالح مستقل قرار گیرد.

۶-۳- مجرم باید حق داشته باشد به مقام قضایی یا سایر مقامات صالح مستقل در موضوعاتی که حقوق فردی او را در روند اجرای تدابیر غیربازداشتی تحت تأثیر قرار می‌دهد درخواست دهد یا اعتراض کند.

۷-۳- ساز و کار مناسب باید برای تجدیدنظر منظور گردد و در صورت امکان، درخصوص هر گونه

شکایت راجع به عدم رعایت حقوق بشر به رسمیت شناخته از نظر بین‌المللی شیوه جبران اقدام لازم معمول گردد.

۳-۸- تدابیر غیربازداشتی شامل آزمایشات پزشکی یا روانشناسی یا یک خطر غیرقابل قبول که سبب ایراد صدمه به مجرم می‌گردد نمی‌گردد.

۳-۹- کرامت مجرم موضوع تدابیر غیربازداشتی باید در کلیه زمانها مورد حمایت قرار گیرد.

۳-۱۰- در اجرای تدابیر غیربازداشتی، حقوق مجرم نباید از آنچه که بوسله مقام ذیصلاح در حکم اولیه تعیین شده است محدودتر گردد.

۳-۱۱- در اجرای تدابیر غیربازداشتی، حق مجرم به خلوت باید مورد احترام قرار گیرد که این می‌تواند شامل حق خلوت خانواده مجرم نیز باشد.

۳-۱۲- سوابق بایگانی مربوط به شخص مجرم باید بطور دقیق بصورت محرمانه نگهداری شده و اشخاص ثالث بدان دسترسی نداشته باشند. دسترسی بدین سوابق باید محدود به اشخاصی که مستقیماً مرتبط با بررسی پرونده مجرم هستند یا سایر اشخاص مجاز، گردد.

۴- شرط حمایتی

۴-۱- هیچیک از این قواعد نباید بنحوی تفسیر گردد که سبب عدم اجرای قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان^۱ و قواعد استاندارد حداقل در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان (قواعد پکن) مجموع اصول راجع به حمایت از لحاظ افرادی که تحت هر گونه از بازداشت و زندان هستند یا سایر اسناد و استانداردهای

^۱ - اولین کنفرانس ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، ژنوع ۱۲۲ اگوست تا ۳ سپتامبر ۱۹۵۵: گزارش تهیه شده توسط دبیرخانه سازمان ملل متحد و قطعنامه (LXII) ۲۰۷۶ شورای اقتصادی و اجتماعی

حقوق بشري که بوسيله جامعه بين‌المللي مورد پذيرش قرار گرفته است و در ارتباط با نحوه رفتار با مجرمين و حمايت از حقوق بشر اساس آنها، گردد.

ب: مرحله قبل از محاکمه

۵- ترتيبات قبل از محاکمه

۵-۱- در مواقعي که مناسب تشخيص داده شود و در انطباق با سيستم قانوني باشد، پليس، سرويس تعقيب يا ساير آژانسهاي مرتبط با پرونده‌هاي كيفري، بايد داراي اين قدرت گردند که در صورت احراز اينکه ادامه بازداشت به استناد حمايت از جامعه، پيشگيري از جرم يا احترام بيشتري به قانون و حقوق بزهديدگان ضرورتي ندارد، مجرم را آزاد نمايند. در چهارچوب اين هدف، تصميم‌گيري درخصوص مناسبت دانستن آزادي يا اخذ تصميم، در چهارچوب هر سيستم قانوني بايد مجموعه‌اي از معيارهاي تثبیت شده، تدوين گردد. در پرونده‌هاي کم اهميت، دادستان ممکن است، تدابير غيربازداشتي را در صورت تناسب به اجرا درآورد.

۶- امتناع از بازداشت قبل از محاکمه

۶-۱- بازداشت قبل از محاکمه بايد با توجه دقيق به تحقيقات در زمينه جرم اعلام شده و با حمايت از جامعه و قرباني، بعنوان آخرين راه کار، مورد استفاده قرار گيرد.

۶-۲- جايزگزينهاي بازداشت قبل از محاکمه بايد در اولين مرحله ممکن به اجرا درآيد. بازداشت قبل از محاکمه نبايد بيش از زماني که براي نيل به اهداف مندرج در قاعده ۶-۱ ضرورت دارد باقي بماند و بايد بطور انساني و با احترام به کرامت ذاتي ناشي از حقوق بشر به اجرا درآيد.

۳-۶- مجرم حق تجدیدنظر به مقام قضایی یا سایر مقامات صالح مستقل درخصوص پرونده‌هایی که بازداشت قبل از محاکمه به اجرا در آمده است دارد.

ج - مرحله محاکمه و اجرای مجازات

۷- گزارشات تحقیقات اجتماعی

۱-۷- در صورتیکه امکان تهیه گزارشات تحقیقات اجتماعی وجود داشته باشد، مقام قضایی می‌تواند از گزارش تهیه شده بوسیله مقام یا آژانس ذیصلاح صالح استفاده کند. این گزارش باید حاوی اطلاعات اجتماعی راجع به مجرم که مرتبط با الگوی شخصی ارتکاب جرم و جرمهای مطروحه است باشد. این گزارش همچنین باید شامل اطلاعات و توصیه‌هایی باشد که مرتبط با تشریفات اجرای کیفر است. این گزارش باید واقعی، عینی، غیر جانبدارانه با اظهارنظر صریح باشد.

۸- ترتیبات اجرای مجازات

۱-۸- مقام قضایی حسب تشخیص خود درجاتی از تدابیر غیربازداشتی را در اختیار خواهد داشت تا در تصمیم سازی راجع به نیازهای بازپروری مجرم، حمایت از جامعه و منافع بزه‌دیده که وی در مواقع مناسب مورد مشورت نیز قرار می‌گیرد، آنرا مدنظر قرار دهد.

۲-۸- مقامات اجرای مجازات می‌تواند یکی از موارد زیر را اعمال کنند:

الف: ضمانت اجرای شفاهی از قبیل وعظ، توبیخ

و هشدار

ب: آزادی مشروط

ج: کیفرهای مناسب وضعیت ویژه

د: ضمانت اجرای اقتصادی و کیفرهای مالی از

قبیل جریمه نقدی و جریمه نقدی روزانه

ه: مصادره یا دستور سلب مالکیت
و : پرداخت غرامت به قربانی یا دستور جبران خسارت

ز: مجازات تعلیقی یا تعویقی
ح : پروباسیون و نظارت قضایی
ط: دستور به خدمات اجتماعی
ی: ارجاع به یک مرکز حضور
ک: حبس در منزل
ل: سایر انواع رفتار غیربازداشتی
م: ترکیب تدابیر فهرست شده فوق.

د- مرحله پس از تعیین مجازات
۹- ترتیبات پس از تعیین مجازات
۹-۱- مقام ذیصلاح حسب صلاحیت خود گسترده‌ای از جایگزین‌های پس از تعیین مجازات با هدف جلوگیری از نگهداری در موسسه و با هدف کمک به مجرمین در سازگاری مجدد زود هنگام آنها با جامعه را باید در اختیار داشته باشد.

۹-۲- حالات بعد از تعیین مجازات ممکن است شامل:

الف: مرخصی باز و منازل نیمه راه
ب: آزادی برای اشتغال یا تحصیل
ج: انواع مختلف پارول (آزادی مشروط)
د: تخفیف

ه: عفو خصوصی

۹-۳- تصمیم راجع به حالات پس از تعیین مجازات، جز در مورد عفو خصوصی، باید قابل تجدیدنظر بوسیله مقام قضایی یا سایر مقامات صالح مستقل حسب درخواست مجرم باشد.

۹-۴- هر نوع از آزادی از یک موسسه زندان، به برنامه غیربازداشتی باید در اولین مرحله ممکن مورد بررسی قرار گیرد.

هـ: اجرائی تدابیر غیربازداشتی

۱۰- نظارت

۱۰-۱- هدف نظارت، کاهش ارتکاب مجدد جرم و کمک به سازگاری مجرم با جامعه بنحوی است که احتمال تکرار جرم را کاهش دهد.

۱۰-۲- چنانچه تدبیر غیربازداشتی مستلزم نظارت باشد، این نظارت باید با تصمیم مقام صالح و تحت شرایط خاص مقرر بوسیله قانون باشد.

۱۰-۳- در چهارچوب تدبیر غیربازداشتی تعیین شده، مناسبترین نوع نظارت و روش باید برای هر پرونده خاص با هدف کمک به اشتغال مجرم بر حسب تخلف باید در نظر گرفته شود. نظارت و روش اقدام باید بطور دوره‌ای بازبینی و در صورت ضرورت جرح و تعدیل گردد.

۱۰-۴- مجرمین، در زمان احتیاج، باید کمک روانشناسی اجتماعی و مالی دریافت کنند و موقعیت تقویت روابط با جامعه و تسهیل سازگاری مجدد جامعه را داشته باشند.

۱۱- دوره زمانی

۱۱-۱- دوره زمانی تدبیر غیربازداشتی نباید زاید بر مدتی که بوسیله مقام ذیصلاح حسب قانون تعیین گردیده است باشد.

۱۱-۲- در صورت رفتار مساعد مجرم، به تدابیر غیربازداشتی، باید مقرراتی برای خاتمه پیش از هنگام در نظر گرفته شود.

۱۲- شرایط

۱۲-۱- در صورتیکه مقام صالح شرایطی را بمنظور رعایت توسط مجرم منظور نماید، این شرایط باید بنحو توأمان الزامات جامعه و الزامات راجع به حقوق مجرم و مجنی علیه را در نظر بگیرد.

۱۲-۲- شرایطی که باید مراعات گردد باید شدنی، غیرمفصل و با کمترین امکانات قابل اجرا باشد و باید هدف آن کاهش احتمال تکرار رفتار کیفری و افزایش شانس مجرم در سازگاری با جامعه با التفات ویژه به نیازهای بزه‌دیده، باشد.

۱۲-۳- در آغاز اجرای تدبیر غیربازداشتی، به مجرم باید بطور شفاهی یا کتبی، درخصوص شرایط حاکم بر اجرای تدبیر از قبیل تعهدات و حقوق وی توضیح داده شود.

۱۲-۴- شرایط مزبور ممکن است بوسیله مقام ذیصلاح حسب مقررات مصوب جاری با لحاظ پیشرفتی که در مجرم بعمل آمده است مورد اصلاح قرار گیرد.

۱۳- فرایند اجرای روش

۱۳-۱- در چهارچوب تدبیر غیربازداشتی تعیین شده در پرونده‌هایی که مناسب تشخیص می‌گردد، برنامه‌های مختلفی از قبیل، مددکاری اجتماعی، گروه درمانی، برنامه‌های اقامتی و رفتارهای خاص با لحاظ طبقات مختلف مجرمین باید با هدف دستیابی موثرتر به نیازهای مجرم ترویج گردد.

۱۳-۲- روش اقدام باید بوسیله اشخاص حرفه‌ای که دارای سابقه آموزش مناسب و تجربه عملی هستند، به اجرا در آید.

۱۳-۳- در مواقعی که ضرورت اجرای یک روش مورد تصمیم واقع گردید باید تلاش گردد سابقه، شخصیت، استعداد، هوش، ارزشها و بطور ویژه اوضاع و احوالی که به ارتکاب جرم انجامیده است دانسته و درک گردد.

۱۳-۴- مقام ذیصلاح ممکن است شامل سیستمهای حمایت اجتماعی در اجرای تدابیر غیربازداشتی نیز گردد.

۵-۱۳- یک ارزیابی کارشناسانه باید در اولین زمان ممکن در سطح مدیریتی برای تضمین اجرای موثر برنامه‌های اجرایی روشها صورت پذیرد.

۶-۱۳- برای هر مجرم، باید یک پرونده تشکیل و توسط مقام ذیصلاح نگهداری گردد.

۱۴- مقررات انتظامی و تخلف از شرایط

۱-۱۴- تخلف از شرایطی که باید بوسیله مجرم رعایت شود، ممکن است زمینه ساز اصلاح یا ابطال تدبیر غیر بازداشتی گردد.

۲-۱۴- اصلاح یا ابطال تدبیر غیربازداشتی باید بوسیله مقام صالح صورت پذیرد، این موضوع فقط پس از بررسی دقیق وقایعی که هم بوسیله مامور نظارت و هم مجرم بیان گردیده است، باید بعمل آید.

۳-۱۴- شکست تدبیر غیر بازداشتی نباید خودبخود سبب سلب آزادی از مجرم گردد.

۴-۱۴- در صورت اصلاح یا ابطال تدبیر غیر بازداشتی مقام ذیصلاح باید تلاش نماید، یک تدبیر غیر بازداشتی جایگزین مناسب را انتخاب نماید. مجازات زندان فقط در مواقعی ممکن است به اجرا در آید که سایر جایگزینهای مناسب موجود نباشد.

۵-۱۴- اختیار دستگیری و بازداشت مجرمی که تحت نظارت است، در صورت تخلف از شرایط باید بوسیله قانون تعیین شده باشد.

۶-۱۴- در صورت اصلاح یا ابطال تدبیر غیربازداشتی، مجرم حق تجدیدنظر به مقام قضایی یا سایر مقامات مستقل ذیصلاح را خواهد داشت.

۹- منابع انسانی

۱۵- استخدام نیروی انسانی

۱-۱۵- در استخدام نیروی انسانی نباید هیچ گونه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان،

دین، عقیده سیاسی یا غیر، ریشه ملی یا اجتماعی، اموال، تولد یا سایر وضعیتها، وجود داشته باشد. سیاستهای حاکم بر استخدام نیروی انسانی، باید سیاستهای جاری ملی را در نظر گرفته و تنوع مجرمینی که قرار است تحت نظارت قرار گیرند را منعکس کند.

۲-۱۵- اشخاصی که برای اجرای تدابیر غیربازداشتی منصوب میگردند باید از نظر شخصی مناسب بوده و در صورت امکان، واجد آموزشهای حرفه‌ای مناسب و تجارب عملی باشند. این شرایط باید بطور صریح تعیین شود.

۳-۱۵- برای امنیت و بقا نیروی انسانی حایز شرایط، وضعیت مناسب ارائه خدمت، حقوق مکفی و عایدات متناسب با ماهیت شغل مزبور باید تضمین گردد و فرصتهای کافی برای پیشرفت شغلی و پیشرفت در طول دوره خدمت باید فراهم گردد.

۱۶- آموزش نیروی انسانی

۱-۱۶- هدف آموزش باید شفاف کردن تکالیف نیروی انسانی با توجه به بازپروری مجرم، تضمین حقوق مجرم و حمایت از جامعه باشد. آموزش همچنین باید به نیروی انسانی ضرورت همکاری و فعالیتهای هماهنگ با آژانسهای ذیربط را آشکار نماید.

۲-۱۶- قبل از اشتغال، به نیروی انسانی باید آموزش داده شود از قبیل آموزش نظری ماهیت تدابیر غیر بازداشتی، اهداف نظارت و روشهای متنوع اجرای تدابیر غیر بازداشتی.

۳-۱۶- پس از اشتغال به کار، نیروی انسانی باید دانش و توانمندی حرفه‌ای خود را با حضور در آموزشهای ضمن خدمت و دوره‌های باز آموزی تثبیت نموده، گسترش دهند. تسهیلات لازم باید در راستای این هدف فراهم گردد.

ز: نیروهای داوطلب و سایر منابع اجتماعی

۱۷- مشارکت عمومی

۱-۱۷- مشارکت عمومی بدلیل اینکه منبع عظیم و یکی از شاخصهای بسیار مهم در تقویت ارتباط بین مجرم تحت تدابیر غیربازداشتی با خانواده و جامعه است باید مورد تشویق قرار گیرد. مشارکت عمومی باید کامل کننده عملکرد دستگاه عدالت کیفری باشد.

۲-۱۷- مشارکت عمومی باید بمنزله یک فرصت برای اعضای جامعه در سهمی شدن در حمایت از جامعه تلقی گردد.

۱۸- درک عمومی و همکاری

۱-۱۸- آژانسهای دولتی، بخش خصوصی و عامه مردم باید در خصوص حمایت از سازمانهای داوطلب که سبب ترویج تدابیر غیربازداشتی میگردند، مورد تشویق قرار گیرند.

۲-۱۸- کنفرانسها، سمینارها، سمپوزیومها و سایر فعالیتهای باید بطور منظم بطوری سازماندهی گردند که آگاهیهای لازم را در خصوص ضرورت مشارکت عمومی در اجرای تدابیر غیربازداشتی را افزایش دهند.

۳-۱۸- اقسام مختلف رسانه‌های عمومی باید بمنظور کمک به ایجاد یک رویکرد عمومی فعال، که هدایتگر فعالیتهای به سوی اجرای گسترده‌تر روشهای غیربازداشتی و سازگاری اجتماعی مجرمین باشد، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۴-۱۸- هر گونه اقدامی که متصور است باید بمنظور اطلاع رسانی به عموم مردم راجع به اهمیت نقش آنها در اجرای تدابیر غیربازداشتی صورت پذیرد.

۱۹- اشخاص داوطلب

۱-۱۹- اشخاص داوطلب باید بطور دقیق شناسایی و بر اساس رویکرد و علاقه شان در فعالیت ذیربط بکار گرفته شوند. این اشخاص باید بطور مناسب در راستای شرح وظایف خاصی که قرار است مورد عمل قرار گیرد آموزش دیده و باید به حمایت و مشاوره مقامات ذیصلاح دسترسی داشته و از طرف مقامات ذیصلاح مورد مشورت قرار گیرند.

۲-۱۹- اشخاص داوطلب باید شخص مجرم و خانواده او را به توسعه واقعی ارتباطات با جامعه و در یک سطح گسترده‌تر با ارائه مشورت و سایر اشکال مناسب معاضدت با لحاظ صلاحیتشان و نیازمندیهای مجرمین تشویق کنند.

۳-۱۹- اشخاص داوطلب باید در قبال حوادث، صدمات بدنی و مسئولیت عمومی (مدنی) ناشی از انجام وظایفشان بیمه گردند. هزینه‌های تایید شده ناشی از فرایند اجرای تکالیفشان باید تامین و جبران گردد. خدماتی که آنها در راستای رفاه جامعه انجام میدهند باید مورد شناسایی عمومی قرار گیرد.

ح: تحقیقات، طراحی، سیاست گذاری، تنظیم و ارزیابی

۲۰- تحقیقات و طراحی

۱-۲۰- بعنوان یک جنبه الزامی در فرایند طراحی، باید تلاش گردد مشارکت ارگانهای عمومی و خصوصی در سازماندهی و ترویج تحقیقات در زمینه روشهای غیر بازداشتی در خصوص مجرمین جلب گردد.

۲-۲۰- تحقیق در خصوص مشکلاتی که فراروی دریافت کنندگان خدمات، صاحبان حرفه، جامعه و سیاست گذاران قرار دارد باید در یک روند منظم به اجرا در آید.

۲۰-۳- ساز و کارهای تحقیقات و اخذ اطلاعات باید جزیی از سیستم عدالت کیفری برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها و آمار در قلمرو اجرای روشهای غیر بازداشتی در زمینه مجرمین محسوب گردد.

۲۱- تنظیم سیاست و گسترش برنامه

۲۱-۱- برنامه های راجع به تدابیر غیربازداشتی باید بطور منظم بعنوان جزئی از سیستم عدالت کیفری در چهارچوب فرایند توسعه ملی طراحی و اجرا گردند.

۲۱-۲- ارزیابی های منظم با هدف اجرای موثرتر تدابیر غیربازداشتی باید به اجرا در آید.

۲۱-۳- بازبینی دوره ای باید با هدف ارزیابی اهداف، کارکرد و اثر بخشی تدابیر غیربازداشتی بعمل آید.

۲۲- ارتباط بین آژانسها و فعالیتهای ذیربط

۲۲-۱- در کلیه سطوح برای سهولت ارتباط بین سرویسهای مسئول تدابیر غیر بازداشتی، قسمتهای مختلف سیستم عدالت کیفری، آژانسهای توسعه و رفاه اجتماعی اعم از دولتی و غیر دولتی، در زمینه هایی از قبیل بهداشت، مسکن، آموزش و کار و رسانه های عمومی، ساز و کارهای مناسب باید توسعه یابد.

۲۳- همکاری بین المللی

۲۳-۱- باید تلاش گردد همکاری علمی بین کشورها در زمینه روشهای غیر بازداشتی گسترش یابد. تحقیقات، آموزش، معاضدت فنی، و تبادل اطلاعات بین دول عضو در زمینه تدابیر غیر بازداشتی از طریق موسسات سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و نحوه رفتار با مجرمین با همکاری نزدیک با قسمت پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، مرکز توسعه

اجتماعي و امور بشردوستانه دبیرخانه سازمان ملل متحد تقویت گردد.

۲-۲۳- مطالعات تطبیقی و هماهنگ سازی مقررات قانونی باید با هدف گسترش قلمرو گزینه‌های غیربازداشتی، و تسهیل اجرای آن در قلمرو مرزهای ملی با لحاظ معاهده نمونه در زمینه واگذاری نظارت بر مجرمین که بطور مشروط برای آن مجازات تعیین گردیده یا بطور مشروط آزاد گردیده اند، افزایش یابد.^۱

۱۳- اعلامیه کاندوما^۲ در زمینه خدمت عام

المنفعه و توصیه‌های سمینار «عدالت کیفری»: چالش جمعیت زاید بر ظرفیت زندان منعقد در سان خوزه از ۳ تا ۷ فوریه ۱۹۹۷^۳

اعلامیه کاندوما در خصوص خدمت عام المنفعه با یادآوری اعلامیه کامپالا^۴ در زمینه شرایط زندان در افریقا، مصوب سمینار بین‌المللی شرایط زندان در افریقا منعقد در کامپالا از ۹ تا ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۶، که در آن اثر بخشی محدود زندان به ویژه برای اشخاصی که به مجازاتهای کوتاه مدت محکوم می‌گردد و هزینه زندان به کل جامعه مورد توجه قرار گرفت.

با لحاظ علاقه در حال رشد در برخی کشورها و پذیرش تدابیری که جایگزین کیفرهای طالب آزادی می‌گردد و مشارکت در حال توسعه در سراسر جهان در این زمینه با توجه به قدردانی شورای اقتصادی و اجتماعی در قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۳۶ مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۷ از اهمیت اعلامیه کامپالا در

۱ - قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۹ پیوست.

۲ - kandoma

۳ - قطعنامه شماره ۱۹۹۸/۲۳ شورای اقتصادی و اجتماعی. پیوستهای ۱ و ۲ توأم

۴ - kampala

زمینه همکاری بین‌المللی در زمینه اصلاح شرایط زندان که این اعلامیه نیز از پیوسته‌های آن محسوب گردیده است.

با التفات به قواعد استاندارد حداقل در زمینه تدابیر غیربازداشتی (قواعد توکیو) و قواعد استاندارد حداقل در زمینه اجرای عدالت برای نوجوانان (قواعد پکن)

با لحاظ اینکه در برخی کشورهای افریقایی سطح جمعیت زاید بر ظرفیت زندانها، جنبه غیر انسانی یافته است.

با یادآوری منشور افریقایی حقوق بشر بر کرامت ذاتی انسانها و ممنوعیت رفتار و مجازات خوار کننده مجدداً تاکید شده است.

با استقبال از توثیق طرح کار عام المنفعه در کشور زیمبابوه و پذیرش آن توسط دولت زیمبابوه پس از سه سال اجرا

با قدردانی از سایر کشورهای افریقایی شامل کشورهای که به زبان فرانسه و پرتغالی صحبت می‌کنند، که علاقه مند به ایجاد خدمات عام المنفعه بعنوان یک ضمانت اجرای کیفی در سیستمهای عدالت کیفری شان هستند.

شرکت‌کنندگان در کنفرانس بین‌المللی در زمینه قواعد کار عام المنفعه در افریقا، منعقد شده در کامپالا، زیمبابوه، از ۲۴ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۹۷ اعلامیه زیر را صادر نمودند:

۱- استفاده از زندان دقیقاً باید بعنوان آخرین راه کار باشد. زندان سبب تزییع منابع محدود و توان نیروی انسانی می‌گردد. اکثریت زندانیان هیچ تهدید واقعی به جامعه محسوب نمی‌گردند.

۲- جمعیت زاید بر ظرفیت در زندانهای ما نیازمند یک اقدام عینی از طریق ایجاد کار عام المنفعه است.

۳- کار عام المنفعه در انطباق با سنتهای افریقایی در زمینه برخورد با مجرمین و التیام بخش ضرر و زیان ناشی از جرم در داخل جامعه است. علاوه بر این، کار عام المنفعه یک تدبیر عینی و از نظر اعتبارات هزینه شده، اثر بخشتر است و حتی الامکان باید بر کیفر زندان ترجیح داده شود.

۴- کار عام المنفعه باید بطور اثر بخش به اجرا در آید و بر آن نظارت گردد و باید شامل برنامه کاری باشد که حسب آن مجرم ملزم گردد چند ساعت از کار داوطلبانه خود را به نفع جامعه در اوقات خاص خود انجام دهد.

۵- دولتها، حمایت کنندگان مالی و سازمانهای مدنی در زمینه تحقیقات، طرحهای پایلوت و سایر ابتکارات در این قلمرو با اهمیت، دعوت میگردند.

۶- کشورهایی که قبلاً دارای کار عام المنفعه بوده اند، باید تجربیات دیگر کشورها را مدنظر قرار داده و طرحهای خود را حسب آن مورد بازبینی قرار دهند.

۷- باید تاسیس و استفاده جامع از بانک اطلاعات آماری با هدف سنجش اثر بخشی کار عام المنفعه گسترش یابد.

۸- ما کشورهایی که تا کنون اقدامی در این زمینه نکرده اند، را تشویق می کنیم که جایگزینهای غیربازداشتی مجازات را توسعه داده و برای نیل به این هدف، ما خود را متعهد می کنیم که ضمن همکاری، اقدامات خود را از طریق سایر

کمیته‌های ملی در زمینه کار عام المنفعه و / یا گروه‌های ذی‌علاقه با هدف ترویج بهتر این طرح هماهنگ نماییم.

۹- ما طرح اقدام ضمیمه را مورد پذیرش قرار

می‌دهیم.

پیوست

طرح اقدام در زمینه اعلامیه کادوما در خصوص کار عام المنفعه علاوه بر اعلامیه کادوما در زمینه کار عام المنفعه، مصوب شرکت کنندگان در کنفرانس کادوما در زمینه قواعد کار عام المنفعه در آفریقا، منعقد شده در کادومای زیمبابوه، از تاریخ ۲۴ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۹۷، شرکت کنندگان طرح اقدام زیر را مورد قبول قرار دهند.

۱- شبکه

تاسیس یک شبکه کمیته‌های ملی در زمینه کار عام المنفعه و سایر گروه‌های ذی‌علاقه با هدف برقراری همکاری دو جانبه و ایجاد رغبت از طریق:

- تدارک منابع انسانی با هدف کمک به برگزاری سمینارها در مناطق فرعی و سایر جاها
- اشتراک در اسناد (قوانین، اصول راهنما، اشکال اداری) و ایده‌ها

- هماهنگی و حمایت از پروژه‌های جدید

- همکاری در آموزش نیروی انسانی

- بازدیدهای متقابل

۲- کتاب راهنمای کار عام المنفعه

تالیف کتاب راهنمای کار عام المنفعه برای این منظور یک صفحه خانگی (home page) در اینترنت که به اشخاص و علاقه‌مند به گسترش اطلاعات در این

قلمور اطلاع رسانی کند و یک کتاب شامل موارد زیر باید تالیف گردد:

- شماره های تماس و نشانی کلیه کمیته های ملی در زمینه کار عام المنفعه و شماره هایی که در طرح های کار عام المنفعه بکار می رود.

- فهرست کارشناسان و اشخاص مرجع

- شماره تماس های کشورهای علاقه مند

- گروه ها و سازمان های علاقه مند در سراسر جهان

- شماره تماس حمایت کنندگان مالی و دولت

این کتاب به زبان های مختلف از جمله فرانسه و انگلیسی منتشر خواهد گردید.

۳- خبرنامه

انتشار خبرنامه

- باید بوسیله کمیته ملی کار عام المنفعه در فواصل منظم صورت پذیرفته و در شبکه درج گردد.

- باید در بر گیرنده ابداعات، مشکلات فرارو، راه حل های اکتسابی، گزارشات کارگروه ها، سالنامه وقایع، درخواست های مساعدت (بطور مثال اشخاص مرجع) آمارها و سایر اطلاعات باشد.

- از طریق اینترنت یا پست یا هر دو توزیع گردد.

۴- تحقیقات و گردآوری داده ها

تعیین ساز و کار در زمینه تحقیقات و گردآوری اطلاعات از طریق:

- یافته های تحقیقاتی و داده های جمع آوری شده باید از طریق خبرنامه یا اینترنت در اختیار بقیه قرار گیرد.

- پروژه های تحقیقاتی باید دارای شناسنامه گردند (بطور مثال بر اساس تجزیه و تحلیل هزینه-منفعت) و تامین مالی ای که بوسیله شبکه مورد حمایت قرار گرفته است.

- پروژه‌های تحقیقاتی مشترک در زمینه عواید، مشکلات و اثر بخشی کار عام المنفعه در مورد طرح اجرا شده ای که قرار است بطور منطقه‌ای و بین‌المللی به اجرا در آید.

توصیه‌های سمینار «عدالت کیفری: چالش انبوهی جمعیت زندان» منعقد شده در سان خوزه از تاریخ ۳ الی ۷ فوریه ۱۹۹۷

۱- دبیر کل باید برای تضمین مساعدت به دولتهای متقاضی، از طریق تخصیص منابع موجود یا سرفصلهای اختصاصی بودجه با هدف اصلاح شرایط فیزیکی زندانها، تدابیری را اتخاذ کند.

۲- دبیر کل باید بمنظور تضمین اینکه ارگانهای زیربنا منابع مالی لازم بمنظور اجرای آموزش پرسنل اداری و عملیاتی زندانهای دولتی که این آموزش را درخواست نموده‌اند، تدابیری را اتخاذ کند. در این اقدام اولویت باید به زندانهای دارای انبوهی فوق‌العاده جمعیت داده شود.

۳- باید بمنظور تضمین اینکه موسسات مالی بین‌المللی و منطقه‌ای از قبیل بانک جهانی و بانک توسعه بین‌آمریکایی، ابتکاراتی را با هدف کاهش انبوهی جمعیت زندان در دستور کار خود قرار دهند از جمله در زمینه ی تدارک کمک به برنامه‌های ساخت زندان و اصلاح ساختار، تدابیری اتخاذ گردد.

۴- باید از سازمان بهداشت جهانی و ارگانهای منطقه‌ای خواسته شود تا در برنامه‌های کمک خود، ابتکارات با هدف اصلاح تاسیسات بیمارستانی زندان و خدمات پزشکی و بیمارستانی ارائه شده به زندانیان را در دولتهای متقاضی این کمک‌ها، بگنجانند.

۵- دولتهای عضو، مشترکاً با دولتهای عضو متقاضی، باید دبیرکل را در زمینه گسترش و پذیرش خصوصی سازی زندانهای انفرادی، بنحوی که آنها برای امنیت، آسایش و بازسازی اجتماعی زندانیان، بهره‌برداري صنعتي سودزا از کارگران زندانی و موقعیتهای استخدام برای زندانیان پس از آزادی مقرر نمایند، مورد ترغیب قرار دهند.

۶- دولتهای عضو باید در صدد تاسیس کمیته‌های حقوق بشر در زندان و دستورالعمل‌های اجرایی در زمینه ساز و کارهای جایگزین حل و فصل اختلافات برآیند.

۷- دولتهای عضو باید اجرایی بودن استراتژیهای پذیرفته شده برای مشارکت موسسه و موسسات کوچک با هدف تشویق سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش فنی حرفه‌ای به زندانیان، ایجاد اشتغال در داخل قلمرو زندان، و ورود مجدد زندانیان سابق در نیروی کار، را نشان داده و از این طریق، اجرای کامل اصول حاکم بر سازگاری مجدد اجتماعی و بازپروری زندانیان سابق در چهارچوب رویکرد سازنده کشورها را تضمین کنند.

۸- دولتهای عضو باید بمنظور تضمین بازار فروش محصولات تولیدی زندان از طریق برنامه‌های تبلیغی و بازاریابی و مجموعه‌های نمایشگاهی بطور پیشرفته در زندان‌ها، تدابیری را اتخاذ کنند.

۱۴- اصول اساسی استفاده از برنامه‌های عدالت

ترمیمی در قلمرو کیفری^۱

مقدمه

با خاطر نشان کردن اینکه در گستره جهان، ابتکارات راجع به عدالت ترمیمی در حال گسترش است.

با تایید اینکه این ابتکارات اغلب با اشکال بومی و سنتی راجع به عدالت با رویکرد به جرم بعنوان رفتاری که اساساً مضر به اشخاص است، هماهنگی دارد.

با تاکید بر اینکه عدالت ترمیمی یک پاسخ اصلاح‌گرایانه به جرم که کرامت و برابری اشخاص را مراعات می‌کند و قدرت درک را به وجود می‌آورد و هم‌نوایی اجتماعی از طریق سازش بزه‌دیدگان، مجرمین و جوامع است.

با بیان اینکه این رویکرد، آن اشخاصی که از جرم متاثر شده‌اند را قادر می‌سازد تا بدون محدودیت احساسات و تجارب خود را با دیگران در میان گذاشته و هدفها را به خواسته های خود معطوف کنند.

با آگاهی از اینکه این رویکرد فرصتی را به بزه‌دیدگان می‌دهد تا غرامت دریافت کنند، احساس ایمنی نمایند. بررسی رودرروی موضوع به مجرمین اجازه می‌دهد تا به روشنی نتایج و آثار رفتار خود را مشاهده کرده و مسئولیت آنرا بنحو شایسته بر عهده گیرند و جوامع را قادر می‌سازد که ریشه‌های اصلی جرم را درک کرده و رفاه اجتماعی را توسعه داده و از جرم پیشگیری کنند. با توجه به اینکه عدالت ترمیمی، شامل مجموعه‌ای از تدابیری است که پذیرش آن در سیستم‌های عدالت کیفری جاری، از انعطاف برخوردار است و شرایط قانونی، اجتماعی و فرهنگی در تکمیل این سیستم باید در نظر گرفته شود.

الف: تعاریف اصطلاحات

۱- «برنامه عدالت ترمیمی» به معنی هر برنامه‌ای است که از فرایندهای ترمیمی استفاده میکند و درصدد دست‌یابی به نتایج ترمیمی است.

۲- «فرایند ترمیمی» به معنی هر فرایندی است که در آن بزه‌دیده و مجرم، و در مواقع مناسب، هر شخص دیگر یا آندسته از اعضای جامعه که از جرم متاثر شده‌اند، بطور فعال با هم در حل و فصل موضوعات برآمده از جرم علی‌العموم با مساعدت یک مدیر هماهنگی مشارکت می‌کنند.

۳- «بازده ترمیمی» به معنی یک توافق است که نتیجه فرایند ترمیمی است. بازده‌های ترمیمی شامل پاسخ‌ها و برنامه‌هایی از قبیل ترمیم، اعاده وضعیت و کار عام المنفعه است که هدف آن لحاظ خواسته‌ها فردی و جمعی و تکالیف اعضا و نیل به سازش مجدد بزه‌دیده و مجرم است.

۴- «اطرف» به معنی بزه‌دیده، مجرم و هر شخص دیگر یا اعضا جامعه است که از جرم متاثر گردیده است و میتواند در فرایند ترمیمی مشارکت داده شود.

۵- «مدیر هماهنگی» به معنی شخصی است که کارکرد او تحصیل شرکت اطراف در فرایند ترمیمی، به شیوه منصفانه و بیطرفانه است.

ب: استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی

۶- برنامه‌های عدالت ترمیمی حسب قوانین ملی در هر مرحله از سیستم عدالت کیفری میتواند به اجرا در آید.

۷- فرایندهای ترمیمی فقط در مواردی که دلیل کافی بر مشارکت مجرم و رضایت آزادانه و داوطلبانه بزه‌دیده و مجرم وجود دارد باید مورد استفاده قرار گیرد بزه‌دیده و مجرم باید بتوانند در هر زمان از فرایند این رضایت را کن لم یکن

نمایند. توافقات باید داوطلبانه بدست آید و صرفاً در بردارنده تعهدات متعارف و متناسب باشند.

۸- بزه‌دیده و مجرم علی‌القاعده در خصوص وقایع اساسی پرونده که مبنای مشارکت آنها در فرایند ترمیمی باید رضایت داشته باشند. مشارکت مجرم نباید بعنوان دلیل پذیرش تقصیر در رسیدگی‌های قانونی بعدی محسوب گردد.

۹- اختلافاتی که سبب تفاوت در عدم توازن قدرت مانند اختلافات فرهنگی بین طرفین باید در ارجاع پرونده، و اجرای فرایند ترمیمی ملحوظ گردد.

۱۰- امنیت طرفین باید در ارجاع پرونده و اجرای فرایند ترمیمی در نظر گرفته شود.

۱۱- در فرایند ترمیمی نامناسب، پرونده باید به مقامات عدالت کیفری ارجاع گردد و با لحاظ چگونگی موضوع باید بدون تاخیر تصمیم گرفته شود. در این پرونده‌ها، مامورین عدالت کیفری، باید مساعی خود را بمنظور تشویق مجرم به پذیرش مسئولیت در قبال بزه‌دیده و جوامع متأثر از جرم، صرف کرده و سازگاری مجدد بزه‌دیده و مجرم با جامعه را مورد حمایت قرار دهند.

ج: اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی

۱۲- دولتهای عضو باید موضوع ایجاد اصول راهنما و استانداردهای ذیربط همچنین مقام ذیصلاح وضع مقررات در صورت ضرورت را بنحوی که استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی تحت قاعده در آید را در دستور کار خود قرار دهند. این اصول راهنما و استانداردهای ذیربط، باید اصول اساسی مندرج در سند حاضر را رعایت کرده، ضمناً باید موارد زیر را ملحوظ کند:

الف: شرایط ارجاع پرونده ها به برنامه های عدالت ترمیمی

ب: رسیدگی به پرونده ها پس از فرایندهای ترمیمی

ج: شرایط، آموزش و ارزیابی مدیر هماهنگی

د - اجرای برنامه های عدالت ترمیمی

ه - استانداردهای صلاحیت و قاعده ی رفتار حاکم بر اجرای برنامه های عدالت ترمیمی.

۱۳- تضمینات اساسی آیین دادرسی راجع به منصفانه بودن در خصوص مجرم و بزه دیده باید در برنامه های عدالت ترمیمی و به طور ویژه در فرایندهای ترمیمی رعایت گردد:

الف: حسب قوانین ملی، بزه دیده و مجرم باید دارای حق مشورت با مشاور حقوقی در ارتباط با فرایند عدالت ترمیمی باشند و در مواقع ضروری، از خدمات ترجمه کتبی یا شفاهی بهره مند گردند. خردسالان علاوه بر این حق دارند از مساعدت والدین و سرپرستان استفاده کنند.

ب: قبل از اعلام موافقت در زمینه مشارکت در فرایند ترمیمی، طرفین باید بطور کامل از حقوق خود، محتوای فرایند، و عواقب احتمالی تصمیمات خودشان مطلع گردند.

ج: نه بزه دیده و نه مجرم، نباید تحت اجبار قرار گیرد یا از طریق وسایل غیر منصفانه اغوا شود تا در فرایند ترمیمی شرکت کرده یا بازده های ترمیمی را بپذیرد.

۱۴- مذاکرات فرایند ترمیمی نباید بصورت علنی بلکه باید بصورت محرمانه صورت گرفته و نباید متعاقباً اعلام شود مگر بر اساس رضایت طرفین یا مواقعی که حسب قوانین ملی اعلام آن لازم است.

۱۵- نتایج توافقات خارج از برنامه عدالت ترمیمی، چنانچه مناسب باشد باید از نظر قضایی نظارت گردیده یا در تصمیمات یا آراء قضایی درج گردد. چنانچه این مسئله حادث گردد، ما حاصل موضوع، دارای اعتبار مشابه تصمیمات یا آراء قضایی است و مانع تعقیب مجدد در خصوص همین وقایع است.

۱۷- عدم موفقیت در اجرای توافقات کسب شده در طی فرایند ترمیمی سبب اعاده مجدد موضوع به برنامه ترمیمی یا در مواردی که قانون ملی لازم میدانند به فرایند جاری عدالت کیفری است و تصمیم در این خصوص باید بدون تاخیر گرفته شود. عدم اجرای توافق، و نه تصمیم یا رای قضایی، نباید مبنایی برای مجازات شدیدتر در روند رسیدگی بعدی عدالت کیفری باشد.

۱۸- مدیر هماهنگی باید وظیفه خود را به شیوه بیطرفانه با توجه کامل به کرامت طرفین به اجرا در آورد. در حوزه اختیارات، مدیر هماهنگی باید زمینه‌ای را فراهم کند که طرفین به یکدیگر با احترام برخورد کرده و طرفین را قادر نماید که فیما بین راه کار حل و فصل اختلاف را پیدا نمایند.

۱۹- مدیر هماهنگی باید دارای درک درست از فرهنگ‌های محلی و جوامع داشته و در مواقع مناسب،^۸ قبل از اجرای تکالیف ذیربط آموزش اولیه به او ارائه شود.

د- تداوم گسترش برنامه‌های عدالت ترمیمی

۲۰- دولتهای عضو باید تنظیم سیاستها و استراتژی‌های ملی را با هدف توسعه عدالت ترمیمی و گسترش پذیرش فرهنگی استفاده از عدالت ترمیمی بین نیروهای مجری قانون، مقامات قضایی و اجتماعی همچنین جوامع محلی در دستور کار خود قرار دهند.

۲۱- یک هم اندیشی منظم باید بین مقامات عدالت کیفری و اجرا کنندگان برنامه‌های عدالت ترمیمی، با هدف ترویج یک درک مشترک و تقویت اثر بخشی فرایندهای ترمیمی و بازده‌ها، بمنظور افزایش قلمرو اجرای برنامه‌های ترمیمی، و تبیین روشهایی که از آن طریق رویکردهای ترمیمی میتواند در رویه‌های عدالت کیفری درج شود، وجود داشته باشد.

۲۲- دولتهای عضو، با همکاری جوامع مدنی در مواقع مناسب، باید تحقیقات در این زمینه و ارزیابی برنامه‌های عدالت ترمیمی را با هدف برآورد قلمرو آثار اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، کارکرد مکمل یا جایگزین فرایند عدالت کیفری را توسعه دهند و برای طرفین بازده‌های مثبتی را در نظر بگیرند. فرایندهای عدالت کیفری ممکن است پس از گذشت زمان طولانی نیازمند اصلاحات باشند.

دولتهای عضو بر این اساس ارزیابی منظم و اصلاح این برنامه‌ها را باید مورد تشویق قرار دهند. نتایج تحقیقات و ارزیابی‌ها باید سبب تحول بیشتر سیاستها و برنامه‌ها شود.

و: شرط حفاظتی

۲۳- هیچیک از این اصول اساسی نباید به حقوق مجرم یا بزه‌دیده که حسب قانون ملی یا حقوق بین‌المللی قابل اجرا به رسمیت شناخته شده است آسیب رسانند.

۵- شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده

۱۵- اعلامیه در زمینه حمایت از کلیه اشخاص موضوع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده^۱

ماده ۱

۱- در این اعلامیه، شکنجه بمعنی هر رفتاری است که بوسیله آن، رنج، محنت شدید، خواه فیزیکی خواه روانی، بطور عمد بوسیله یا تحت هدایت مقامات عمومی بر شخصی با انگیزه‌های مزبور، با هدف اخذ اعتراف از او یا شخص ثالث، مجازات کردن او به دلیل ارتکاب یک رفتار یا باظن به ارتکاب جرم، یا ترساندن او یا سایر اشخاص، وارد می‌گردد. این واژه شامل رنج یا محنتی که صرفاً، ذاتاً یا اتفاقاً، ناشی از ضمانت‌اجراهای قانونی در قلمروی که با قواعد استاندارد حداقل در زمینه برخورد با زندانیان، منطبق است، نمی‌گردد.^۲

۲- شکنجه شامل یک نوع از رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی و خوار کننده شدید و هدفمند می‌گردد.

ماده ۲

هر رفتار شکنجه آمیز یا سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده نقض کرامت انسانی است و باید بعنوان اینکه سبب نادیده انگاری اهداف مندرج در منشور ملل متحد می‌گردد و بعنوان یک نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، محکوم گردد.

ماده ۳

۱ - قطعنامه شماره (XXX) ۳۴۵۲ جمع عمومی . پیوست
۲ - اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین گزارش دبیرخانه .
پیوست I.A

هیچ دولتی مجاز نیست که با شکنجه و سایر رفتارها یا مجازتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده با مسامحه برخورد نماید. اوضاع و احوال استثنایی از قبیل حالت جنگ یا خطر قریب الوقوع جنگ، نا آرامیهای سیاسی داخلی یا سایر وضعیتهای اضطراری عمومی، نمیتواند بعنوان توجیه کننده شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازتهای خشن، غیر انسانی یا خوار کننده بکار رود.

ماده ۴

هر دولت باید، با رعایت مقررات مندرج در این اعلامیه، تدابیر موثری را برای جلوگیری از تحقق شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازتهای خشن، غیر انسانی یا خوار کننده در قلمرو صلاحیتش در نظر گیرد.

ماده ۵

آموزش نیروی انسانی مجری قانون و سایر مقامات عمومی‌ای که در خصوص اشخاص محروم از آزادی شان تکالیفی بر عهده دارند، باید سبب ایجاد اطمینان از توجه کامل به ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها یا مجازتهای خشن، غیر انسانی یا خوار کننده گردد. این ممنوعیت، همچنین باید، عندالاقضاء، مشمول قواعد کلی یا دستوراتی که با لحاظ تکالیف و وظایف مامورین بازداشتگاه یا رفتار با این اشخاص، نیز گردد.

ماده ۶

هر دولت باید بازداشتگاهها و نحوه رفتار با اشخاص محروم از آزادی در سرزمینشان همچنین رویه‌ها و دستورالعملهای ذیربط را با هدف جلوگیری از هر گونه شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده، با

روشهاي كشف حقيقت سيستماتيک تحت بازبيني قرار دهند.

ماده ۷

هر دولت بايد تضمين کند که هر گونه رفتار شکنجه آميز بنحو مقرر در ماده ۱ نقض قوانين کيفري محسوب خواهد گرديد. همين روش در خصوص رفتارهاي که تشکيل يک همکاري، مشارکت، تحريک يا شروع به شکنجه ميدهد نيز بکار خواهد رفت.

ماده ۸

هر شخص که ادعا کند موضوع شکنجه يا ساير مجازتها يا رفتارهاي خشن، غير انساني و خوار کننده بوسيله مقامات رسمي يا با هدايت اين مقامات قرار گرفته است حق شکايت، حق بررسي بيطرفانه ادعا توسط مقامات صلاحيتدار کشور ذيربط را دارد.

ماده ۹

در مواردی که دليل منطقي مبني بر ارتکاب يک رفتار مشمول تعريف ماده ۱ وجود دارد، مقامات ذیصلاح کشور ذيربط بايد حتي در صورت فقدان يک شکايت رسمي تحقيقات بيطرفانه اي را در اين زمينه آغاز کنند.

ماده ۱۰

چنانچه تحقيقات موضوع موارد ۸ يا ۹ نشان دهد که يک رفتار با وصف مندرج در ماده يک علي الظاهر اتفاق افتاده است، رسيدگي کيفري بايد عليه مجرم يا مجرمين ادعائي در چهارچوب قوانين ملي به اجرا در آيد. چنانچه اشکال ديگر رفتار يا مجازات خشن، غير انساني و خوار کننده ادعائي بنظر احراز شده رسد، مجرم يا مجرمين احتمالي بايد موضوع رسيدگي کيفري، انتظامي يا ساير رسيدگيهاي مناسب قرار گيرند.

ماده ۱۱

در مواردی که ثابت گردد که یک رفتار شکنجه آمیز یا سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده بوسیله یا با هدایت مقامات رسمی صورت گرفته است، باید به بزه‌دیده حسب قوانین ملی، غرامت یا جبران خسارت پرداخت گردد.

ماده ۱۲

هر گفته‌ای که بر اثر شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی یا خوار کننده، بدست می‌آید نباید بعنوان دلیل علیه شخص ذیربط یا هر شخص دیگر در هر رسیدگی بکار رود.

۱۶- اصول راجع به اخلاق پزشکی در ارتباط با نقش پرسنل بهداشتی، به ویژه پزشکان، در حمایت از زندانیان و بازداشت شدگان علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده.^۱

اصل ۱

پرسنل بهداشتی، به ویژه پزشکان مسئول مراقبت پزشکی از زندانیان و بازداشت شدگان، وظیفه دارند بمنظور صیانت از سلامت جسمانی و روانی و درمان بیماریها، این خدمات را با کیفیت مشابه و استانداردهای جاری برای کسانی که زندانی یا بازداشت نگردیده‌اند ارائه دهند.

اصل ۲

این مسئله یک نقض شدید اخلاق پزشکی همچنین یک جرم حسب اسناد لازم الاجرای بین‌المللی در خصوص پرسنل بهداشتی به ویژه پزشکان محسوب می‌گردد که بصورت فعال یا انفعالی در رفتارهایی که همکاری،

شرکت، تحریک یا شروع به ارتکاب شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده تلقی میگردند، مداخله نمایند.^۱

اصل ۳

این موضوع نقض اخلاق پزشکی پرسنل بهداشتی، به ویژه پزشکان است که در چهار چوب عملکرد حرفه‌ای با زندانیان و بازداشت شدگان غیر از هدف ارزیابی، حمایت و بهبود سلامت جسمانی و روانی آنان، ارتباط برقرار نمایند.

اصل ۴

این مسئله نقض اخلاق پزشکی پرسنل بهداشتی به ویژه پزشکان است که:

الف: دانش و مهارت خود را بمنظور تسهیل بازجویی از زندانیان و بازداشت شدگان به شیوه‌ای که اثر معکوس بر سلامت جسمانی یا روانی یا شرایط این زندانیان یا بازداشت شدگان داشته و منطبق با اسناد بین‌المللی ذیربط نیز نمیباشد بکار برند.^۲

ب: تصدیق کردن یا مشارکت در تصدیق مناسب بودن زندانیان یا بازداشت شدگان برای اجرای هر گونه رفتار یا مجازات که احتمال اثر معکوس بر سلامت جسمانی و روانی او دارد و در تطابق با

۱ - بنگرید به اعلامیه راجع به حمایت از کلیه اشخاصی که موضوع شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن غیر انسانی و خوار کننده قرار می‌گیرند. (قطعنامه ۳۴۵۲) پیوست. ماده ۱ و ۲ این اعلامیه می‌گوید:

۱- در این اعلامیه شکنجه به معنی هر رفتاری است که بوسیله آن رنج یا محنت شدید، خواه فیزیکی خواه روحی، بطور عمد بوسیله یا تحت هدایت مقامات عمومی بر یک شخص یا انگیزه‌های مزبور با هدف اخذ اطلاع یا اعتراف از او یا این واژه شامل رنج یا محنتی که صرفاً، ذاتاً یا اتفاقاً، ناشی از ضمانت اجرای قانونی در قلمروی که با قواعد استاندارد حداقل در زمینه برخورد با زندانیان، منطبق است نمیگردد.

ماده ۲- شکنجه شامل یک نوع از رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی و خوار کننده شدید و هدفمند نیز میگردد

ماده ۷- هر دولت باید تضمین کند که هر گونه شکنجه موضوع ماده ۱ نقض قوانین کیفری محسوب خواهد گردید. همین روش در خصوص رفتارهایی که تشکیل یک همکاری، مشارکت، تحریک یا شروع به شکنجه میدهد نیز بکار خواهد رفت.

۲ - به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر (قطعنامه شماره A۲۱۷)، میثاق بین‌المللی حقوق بشر (قطعنامه شماره A(XXI) ۲۲۰۰ پیوست)، اعلامیه حمایت از کلیه اشخاصی که موضوع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوار کننده (قطعنامه شماره XXX) ۳۴۵۲ پیوست. و قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان (اولین کنگره ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین. پیوست I.A

اسناد بین‌المللی ذیربط نیز نیست، یا مشارکت بهر نحو در اجرای چنین رفتار یا مجازات که در تطابق با اسناد بین‌المللی ذیربط نیست.

اصل ۵

این موضوع نقض اخلاق پزشکی توسط پرسنل بهداشتی به ویژه پزشکان است، که در رفتارهای مربوط به ایجاد محدودیت برای زندانی و بازداشت شده مشارکت نمایند مگر اینکه چنین تشریفات با لحاظ ملاحظات پزشکی محض بمنظور حمایت از سلامت جسمانی و روانی یا امنیت شخص زندانی یا بازداشت شده یا وابستگان زندانی یا بازداشت شده، یا سرپرستان او ضروری تشخیص داده شده و هیچ خطری را برای سلامت جسمانی و روانی ایجاد نکند.

اصل ۹

هر گونه تقلیل از اصول صدرالذکر بر اساس هر دلیل از جمله اضطرار عمومی ناممکن است.

۱۷- اصول راجع به تحقیقات موثر و گردآوری

اسناد در زمینه شکنجه و سایر رفتارها یا

مجازاتهای خشن غیر انسانی و خوارکننده^۱

۱- اهداف تحقیقات و جمع‌آوری اسناد بطور موثر در زمینه شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای خشن، غیر انسانی و خوارکننده (که از این ببعده شکنجه و سایر رفتارهای نامناسب نامیده میشود) شامل موارد ذیل است:

الف: شفاف‌سازی واقعیتها و نهادها و آگاه‌سازی اشخاص و مسئولیت دولت در زمینه مسئولیت بزه‌دیدگان و خانواده آنها.

ب: تعیین مشخصات تدابیر مورد نیاز در زمینه پیشگیری از عود

ج: تسهیل تعقیب و / یا ، در صورت مناسب بودن، ضمانت اجراهای اداری برای کسانی که حسب تحقیقات مسئولیت آنها احراز گردیده است و اعلام ضرورت پرداخت غرامت و خسارت کامل توسط دولت از قبیل جبران خسارت منصفانه و مناسب و تعیین ابزارهایی برای مراقبت پزشکی و بازپروری

۲- دولتها باید تضمین نمایند که شکایات و گزارشات راجع به شکنجه یا رفتارهای غیر مناسب فوری و بطور موثر موضوع تحقیقات قرار گیرد. در صورت فقدان یک شکایت صریح، تحقیقات در صورتی به اجرا در می آید که عوارض دیگر دال بر شکنجه یا رفتار مناسب ظاهر شده باشد.

مقامات تحقیق، که باید از مظنونین به ارتکاب و ارگانی که در آن خدمت می کنند مستقل باشند، باید ذیصلاح و بیطرف باشند. این افراد باید به کارشناسان پزشکی و غیر پزشکی بیطرف دسترسی داشته و دارای قدرت اجرای عملی تحقیقات باشند. روشهایی که بمنظور اجرای این تحقیقات اجرا می گردد باید در حد عالی ترین استانداردهای حرفه ای بوده و یافته های آن باید بطور غیر محرمانه اعلام شود.

۳- الف: مقام تحقیق، باید اختیار و تکلیف و کسب کلیه اطلاعات ضروری برای تحقیق را داشته باشد.^۱ اشخاص مجری تحقیقات حسب درخواست ، کلیه اعتبارات ضروری و منابع فنی را بمنظور اجرای تحقیقات موثر در اختیار خواهند داشت. این مقامات همچنین باید دارای اختیار در زمینه الزام اشخاصی که دارای صلاحیت رسمی هستند و ادعا شده که در شکنجه یا رفتار نامناسب

۱ - در برخی اوضاع و احوال، اخلاق حرفه ای محرمانه بودن برخی اطلاعات را الزامی می کند این الزامات باید مراعات گردد.

مداخله داشته‌اند، به حضور و بازجویی باشند. این اختیار در خصوص کلیه گواهان نیز باید به اجرا در آید. برای نیل به این هدف، مقام تحقیق، حق دارد احضاریه‌هایی را برای شهود، و کلیه مقامات رسمی ذیربط صادر نماید و از احماء دلایل جلوگیری کند.

ب: بزهدیدگان ادعایی شکنجه یا رفتار نامناسب، گواهان، اشخاص اجرا کننده تحقیقات و خانواده آنها باید در قبال خشونت، تهدید به خشونت و سایر اشکال ترساندنی که ممکن است بعد از تحقیقات واقع گردد حمایت شوند. اشخاصی که بصورت بالقوه در معرض شکنجه یا رفتار نامناسب قرار دارند باید از موقعیتهایی که سبب اعمال مستقیم یا غیر مستقیم نظارت یا قدرت بر شکات، گواهان و خانواده آنها همچنین آنهایی که متولی اجرای تحقیقات هستند، خارج گردند.

۴- بزهدیدگان ادعای شکنجه یا رفتار نامناسب و نمایندگان قانونی آنها باید از کلیه جلسات رسیدگی همچنین کلیه ی اطلاعات بر آمده از تحقیقات اطلاع یافته و به آن دسترسی داشته باشند و باید حق داشته باشند ادله دیگری را نیز ارائه دهند.

۵- الف: در مواردی که تشریفات تحقیقات به دلیل کمبود تخصص یا سوء ظن راجع به بیطرفی یا به دلیل وجود یک سوء استفاده رفتاری آشکار، یا سایر دلایل نامناسب بنظر برسد، دولت‌ها باید تضمین کنند که تحقیقات از طریق یک کمیسیون تحقیقات مستقل یا تشریفات مشابه آن بعمل آید. اعضای چنین کمیسیونی، باید بر اساس بیطرفی، صلاحیت و استقلال شخصی شان انتخاب گردند. به ویژه آنها باید از مرتکبین احتمالی و نهادها یا

ارگان‌هایی که برای آن خدمت می‌کنند مستقل باشند. این کمیسیون باید دارای اختیار جمع‌آوری اطلاعات ضروری برای تحقیقات بوده و تحقیقات را به نحو مقرر در این اصول به اجرا در آورد.

ب: یک گزارش کتی در زمان متعارف، شامل قلمرو تحقیق، تشریفات و روش‌های استفاده شده برای ارزیابی ادله همچنین نتایج حاصله و توصیه‌هایی که مبتنی بر واقعیت‌های کشف شده و قوانین لازم الاجرا باید تهیه شود. پس از تکمیل، گزارش باید منتشر گردد. این گزارش باید همچنین بطور ویژه وقایع خاصی که بنظر می‌رسد اتفاق افتاده است و دلایلی که یافته‌ها مبتنی بر آن گردیده است و فهرست اسامی گواهانی که استماع گردیده‌اند، اشخاصی که هویت آنها به دلایل حمایتی باید محفوظ بماند را توصیف کند. دولت باید در یک فرجه زمانی متعارف، در خصوص گزارش تحقیقات اعلام نظر کرده و در صورت ضرورت، اقدامات لازم را در اجرای توصیه‌های مندرج در گزارش بعمل آورد.

۶- الف - کارشناسان پزشکی مشارکت کننده در تحقیقات راجع به شکنجه و رفتار نامناسب باید در کلیه اوقات بر اساس عالی‌ترین استانداردهای اخلاقی رفتار نموده و بطور ویژه، باید رضایت آگاهانه را قبل از اجرای هر گونه معاینه اخذ کنند. معاینه باید منطبق با استانداردهای پذیرفته شده رویه‌های پزشکی باشد. بطور ویژه، معاینات باید در مکان غیر عمومی تحت کنترل کارشناس پزشکی و بدون حضور مأمورین امنیتی و سایر مقامات دولتی صورت پذیرد.

ب - کارشناس پزشکی باید فوری یک گزارش دقیق کتی که حداقل حاوی موارد ذیل باشد را تهیه کند:

۱- شرایط مصاحبه:

عنوان موضوع و نام و سمت اشخاصی که در معاینه حضور دارند، زمان دقیق و تاریخ، محل، ماهیت و نشانی موسسه (در موارد ضرورت شامل اتاق زیربپ). مکانی که معاینه انجام می‌پذیرد (بپور مثال مرکز بازداشت، کلینیک یا منزل)، وضعیت موضوع در زمان معاینه (بپور مثال ماهیت هر گونه محدودیت‌های ورود یا حین معاینه، حضور مامورین امنیتی در حین معاینه، رفتار اشخاصی که زندانیان را مشایعت می‌کردند یا اظهارات تهدید آمیز نسبت به معاینه‌کننده) و سایر شاخص‌های زیربپ.

۲- سابقه:

گزارش تفصیلی راجع به گزارش وضعیت بنحوی که حین مصاحبه بدست آمده است شامل روش‌های ادعایی شکنجه یا رفتار نامناسب، اوقاتی که شکنجه یا رفتار نامناسب ادعا شده به وقوع پیوسته است و کلیه شکایات راجع به عوارض جسمی و روانی.

۳- معاینات جسمانی و روانی:

گزارش کلیه یافته‌های جسمی و روانی در معاینه بالینی شامل آزمایشات تشخیصی مناسب و در صورت امکان، عکس‌رنگی از کلیه صدمات

۴- نظریه:

اعلام نظر در خصوص ارتباط احتمالی بین یافته‌های جسمی و روانی با شکنجه یا رفتار نامناسب احتمالی. توصیه در زمینه درمان‌های پزشکی ضروری جسمی و روانی و / یا آزمایشات بیشتری که باید انجام شود.

۵- هويت تنظيم کننده :

گزارش بايد بطور شفاف حاوي هويت شناسنامه اي انجام دهندگان معاینه بوده و امضا شود.

ج : گزارش بايد محرمانه بوده و به معاینه شونده يا نمايندگان وي که از آنها نام برده شده است ارسال گردد. نکته نظرات معاینه شونده يا نماينده وي در خصوص فرایند معاینه بايد اخذ و در گزارش ضبط گردد.

در صورت لزوم اين گزارش بايد بصورت مکتوب به مقامات ذيصلاح در زمينه تحقيقات راجع به ادعای شکنجه يا رفتار نامناسب ارسال گردد. اين وظیفه دولت است که تضمین کند اين گزارش به طريقه اطمینان بخشي به اين اشخاص تحویل گردیده است. اين گزارش نبايد در دسترس ساير اشخاص قرار گیرد مگر با رضایت شخص معاینه شونده يا حسب تجویر دادگاه که اختیار اين موضوع را داده باشد.

۵- مجازات اعدام

۱۸ - مجازات اعدام^۱

جمع عمومي

با یادآوری قطعنامه شماره (XX III) ۲۳۹۳ مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۶۸ در رابطه با اجرای تشریفات بسيار دقیق و حداکثر تضمینات ممکن برای متهمین پرونده هاي داراي مجازات اعدام همچنين رویکرد دولتهای عضو در زمينه افزایش محدودیتهای استفاده از کیفر اعدام يا الغا کامل آن.

با تذکر آن قسمت از گزارش شوراي اقتصادي و اجتماعي موضوع ملاحظات در زمينه کیفر اعدام تقديمي به دبیر کل در اجرای قطعنامه سابق الذکر

با تذکر قطعنامه شماره (L) ۱۵۷۴ مورخ ۲۰ می ۱۹۷۷ با تأکید بر تمایل بر استمرار و توسعه ملاحظات راجع به مسئله کیفر اعدام بوسیله ملل متحد.

۱- با استقبال از تدابیری که سابقاً بوسیله تعدادی از دولتها بمنظور تضمین اجرای آیین دادرسی و تضمینات قانونی دقیق برای متهمین پرونده‌های دارای مجازات اعدام در کشورهایی که این مجازات کماکان باقی است در نظر گرفته شده است .

۲- با لحاظ اینکه تلاش‌های بیشتری باید برای تضمین این آیین دادرسی و تضمینات در همه جا راجع به پرونده‌های دارای مجازات اعدام صورت گیرد.

۳- با تأیید اینکه برای تضمین کامل حق حیات، مقرر در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هدف اصلی ای که باید تعقیب گردد محدود کردن تدریجی تعداد جرایمی است که دارای مجازات اعدام است با لحاظ گرایش به پذیرش الغاء این کیفر در کلیه کشورها .

۴- از دولتهای عضو که تا کنون بدین نحو عمل ننموده‌اند دعوت می‌گردد تا دبیر کل را از تشریفات و تضمینات قانونی و رویکردشان در زمینه ایجاد محدودیتهای بیشتر در زمینه استفاده از کیفر مرگ تا الغاء کامل، با تهیه اطلاعاتی که در پاراگراف‌های ۱ (ج) و ۲ قطعنامه شماره (XX III) ۲۳۹۳ جمع عمومی آمده است، مطلع نمایند.

۵- از دبیر کل درخواست می‌گردد در اسرع وقت دولتهای عضو را در جریان کلیه جوابیه‌هایی که قبلاً از دولتهای عضو در زمینه تحقیقات موضوع پاراگراف ۱ (ج) و ۲ قطعنامه شماره (XXX III) ۲۳۹۳ و جوابیه‌هایی که پس از پذیرش قطعنامه

اخیر واصل گردیده است قرار دهد و گزارش تکمیلی را به شورای اقتصادی و اجتماعی در اجلاس پنجاه و دوم تقدیم کند.

۶- علاوه بر آن از دبیرکل می‌خواهد بر اساس موضوعات تهیه شده حسب پاراگراف فوق بوسیله دولتهای عضو که کیفر اعدام کماکان در آنها باقی است، یک گزارش جداگانه حاوی رویه‌ها و قواعد قانونی‌ای که کنترل کننده حق شخص محکوم به مجازات اعدام در زمینه درخواست عفو، تخفیف یا تعویق مجازات است را تهیه و این گزارش را به مجمع عمومی تقدیم کند.

۱۹- تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر

اعدام^۱

۱- در کشورهایی که تا کنون کیفر اعدام لغو نگردیده است، این کیفر فقط در خصوص جرایم بسیار شدید باید اجرا شود، این مسئله پذیرفته شده است که قلمرو آن نباید منصرف از جرایم بین‌المللی با آثار مرگ بار یا سایر آثار شدید باشد.

۲- مجازات اعدام فقط ممکن است در خصوص جرمی که کیفر اعدام برای آن در قانون در زمان ارتکاب آن پیش بینی شده است تعیین شود. این موضوع پذیرفته شده است که در صورتیکه بعد از ارتکاب این جرم مقرر قانونی دایر بر تخفیف مجازات وضع شود، مجرم از این تخفیف بهره‌مند خواهد گردید.

۳- اشخاص پایین تر از ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم، نباید به کیفر اعدام محکوم گردند. کیفر اعدام نباید برای زنان باردار یا زنانی که به

تازگی مادر شده اند یا اشخاصی که دچار جنون هستند اجرا گردد.

۴- مجازات اعدام فقط در مواقعی که تقصیر شخص متهم بر دلایل روشن وقایع کننده مبتنی و هیچ گونه تفسیر دیگر از وقایع وجود ندارد، باید تحمیل گردد.

۵- کیفر اعدام باید صرفاً پس از حکم نهایی دادگاه صالح پس از فرایند قانونی ای که در آن کلیه تضمینات ممکن در خصوص اطمینان از دادرسی منصفانه حداقل برابر آنچه در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شامل حق اشخاص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم دارای کیفر اعدام به معاضدت قانونی مناسب در کلیه مراحل رسیدگی وجود داشته است، صورت پذیرد.

۶- هر شخص محکوم به اعدام، حق تجدیدنظر به یک دادگاه عالی تر را دارد و باید اقداماتی در زمینه اجباری بودن این تجدیدنظر صورت پذیرد.

۷- هر شخص محکوم به اعدام حق درخواست عفو یا تخفیف مجازات، دارد. عفو یا تخفیف مجازات ممکن است در کلیه پرونده‌های دارای کیفر اعدام اعطا شود.

۸- مجازات اعدام نباید حین تجدیدنظر یا سایر تشریفات بازبینی یا تشریفات راجع به عفو و تخفیف مجازات به اجرا در آید.

۲۰- اجرای تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در

معرض کیفر اعدام^۱

شورای اقتصادی و اجتماعی

با یادآوری قطعنامه شماره ۱۹۸۴/۵۰ مورخ ۲۵ می ۱۹۸۴ که در آن تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در

معرض کیفر مرگ به تصویب رسید. همچنین با یادآوری قطعنامه شماره ۱۵ از هفتمین کنگره ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین.^۱

با یادآوری مجدد قسمت X از قطعنامه شماره ۱۹۸۶/۱۰ آن مورخ ۲۱ می ۱۹۸۶ که در آن درخواست گردید یک مطالعه راجع به مسئله کیفر اعدام و یافته‌های جدید علوم کیفری در این موضوع صورت پذیرد.

با التفات به گزارش دبیرکل در زمینه اجرای تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام.

با استقبال از اینکه تعداد زیادی از کشورها به دبیرکل اطلاعات راجع به اجرای تضمینات را ارسال و در این زمینه همکاری نموده‌اند. با تقدیر از مطالعات راجع به موضوع کیفر مرگ و تشریک مساعی کارشناسان علوم کیفری در این موضوع

با هشدار از تداوم رویه‌های ناسازگار با تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض اعدام. با آگاهی از اینکه اجرای موثر این تضمینات نیازمند بازبینی مقررات ملی ذیربط و انتشار متن برای عموم مردم و موسسات ذیربط بنحو مقرر در قطعنامه شماره ۱۵ کنگره هفتم است.

با اطمینان از اینکه پیشرفت بیشتر باید در زمینه اجرای هر چه موثرتر این تضمینات در سطح ملی با درک اینکه آن نباید زمینه ساز منع الغا کیفر اعدام باشد، صورت پذیرد.

۱ - بنگرید به هفتمین کنگره ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، میلان، ۲۶ آگوست تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۵. گزارش تهیه شده بوسیله دبیرخانه. بخش I قسمت E

با آگاهی دادن راجع به ضرورت اطلاعات جامع و دقیق و مطالعات بیشتر در زمینه اجرای این تضمینات و کیفر اعدام بطور کلی در کلیه مناطق جهان.

۱- توصیه میکند دولتهای عضو اقداماتی را برای اجرای این تضمینات و تقویت بیشتر حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام، در صورت امکان، از طریق:

الف: تمهید حمایت ویژه برای اشخاص در معرض اتهامی که برای آن کیفر مقرر گردیده است از طریق منظور کردن زمان و تسهیلات آماده سازی دفاع شامل استفاده از مساعدت مشاور در کلیه مراحل رسیدگی بالاتر و ماورای حمایت در نظر گرفته شده در پرونده‌های فاقد مجازات اعدام.

ب: ایجاد یک تجدیدنظر یا بررسی مجدد اجباری توأم با مقررات راجع به بخشودگی یا عفو در کلیه پرونده‌های دارای کیفر اعدام.

ج: تاسیس حداکثر سنی که برای آن شخص محکوم به اعدام نشده یا اعدام نگردد.

د: محدود کردن مجازات مرگ برای اشخاص مبتلا به بیماری روانی یا دارای توانایی‌های بسیار محدود روانی، خواه در مرحله تعیین کیفر و خواه در مرحله اجرای کیفر.

۲- از دولتهای عضو دعوت بعمل می‌آورد تا با ارگانهای تخصصی، سازمانهای غیر دولتی، نهادهای آموزشی و کارشناسان در این قلمرو بطور مشترک تحقیقاتی را در زمینه استفاده از کیفر مرگ در کلیه مناطق دنیا بعمل آورد.

۳- همچنین از دولتهای عضو دعوت بعمل می‌آورد زمینه تسهیل تلاشهای دبرکل در جمع‌آوری اطلاعات

جامع به روز و دقیق درباره اجرای این تضمینات و کیفر اعدام بطور کلی را فراهم کنند.

۴- علاوه بر این از دولتهای عضو دعوت بعمل می‌آورد، چنانچه تا کنون بدین گونه عمل ننموده‌اند، قلمرویی که مقررات آنها برای تضمین حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر مرگ بنحو مقرر در پیوست قطعنامه شماره ۱۹۸۴/۵۰ شورا مندرج است، را مورد بازنگری قرار دهند.

۵- دولتهای عضو را ترغیب می‌کند دسته‌جات جرایمی که برای آن کیفر اعدام تجویز گردیده است را منتشر نمایند و در صورت امکان هر ساله اطلاعات راجع به استفاده از کیفر اعدام، شامل تعداد اشخاصی که برای آنها کیفر اعدام در نظر گرفته شده است، تعداد موارد اعلامی که واقعاً اجرا شده است، تعداد افرادی که در انتظار اعدام هستند، تعداد کیفرهای اعدامی که در تجدیدنظر نقض یا تخفیف یافته‌اند و تعداد مواردی که در آن بخشودگی اعطا گردیده است، اطلاعات راجع به قلمرویی که تضمینات صدر الذکر در قانون ملی درج گردیده است، انتشار دهند.

۶- توصیه می‌گردد به گزارش دبیرکل در زمینه مسئله کیفر اعدام که قرار است در سال ۱۹۹۰ به شورا، متعاقب قطعنامه شماره ۱۷۴۵ مورخ ۱۶ می ۱۹۷۳ ارائه شود، از این پس در برگیرنده اجرای این تضمینات همچنین استفاده از کیفر اعدام نیز باشد.

۷- از دبیرکل می‌خواهد، مطالعات راجع به مسئله کیفر اعدام و یافته‌های جدید علوم کیفری و در این زمینه، که حسب قطعنامه شماره ۱۹۸۶/۱۰ قسمت X تهیه گردیده است، را منتشر کرده و آنرا همراه

با سایر اسناد جمع‌آوری شده در اختیار کنگره هشتم ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین قرار دهد.

۲۱- اصول راجع به پیشگیری و تحقیقات موثر در زمینه اعلامیهای فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه^۱

پیشگیری

۱- دولتها باید بموجب قانون کلیه اعدامیهای فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه را ممنوع کرده و تضمین نمایند که این اعدامها حسب قانون کیفری‌شان بعنوان جرم شناخته شده و با کیفرهای مناسب که در آن شدت این جرایم در نظر گرفته میشود قابل مجازات خواهد بود. اوضاع و احوال استثنایی شامل وضعیت جنگ یا تهدید به جنگ، بی‌ثباتیهای سیاسی داخلی یا هر گونه وضعیت اضطراری عام نباید بعنوان توجیه کننده این اعدامها در نظر گرفته شود. چنین اعدامیهای نباید در اوضاع و احوالی از قبیل مخاصمات مسلحانه داخلی با استفاده زاید بر میزان یا غیرقانونی توسط مقامات رسمی، یا سایر اشخاصی که به استناد اختیار رسمی‌شان اقدام میکنند یا اشخاصی که با هدایت و تحریک یا رضایت یا مسامحه این مقامات عمل میکنند و اوضاع و احوالی که سبب مرگ عمدی در بازداشتگاه میگردد، محقق گردد.

۲- بمنظور پیشگیری از اعدامیهای فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه دولتها باید کنترل دقیق شامل زنجیره آشکار سلسله مراتب فرماندهی بر کلیه مامورین مسئول توقیف، دستگیری، بازداشت، نگهداری در بازداشتگاه و زندان همچنین مقاماتی

که حسب قانون صلاحیت استفاده از زور و سلاح گرم را دارند اعمال نمایند.

۳- دولتها باید دستورات مقامات مافوق یا مقامات عمومي که به اشخاص دیگر اجازه می‌دهد یا آنها را تشویق به اعدام فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکم می‌کند را ممنوع نمایند. کلیه اشخاص حق و وظیفه دارند که چنین دستوراتی را لغو نمایند. آموزش مقامات مجری قانون سبب استحکام مقررات فوق خواهد گردید.

۴- حمایت موثر از طریق ابزارهای قضایی و غیر قضایی برای صیانت از اشخاص و گروه‌های که در معرض خطر اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه هستند از جمله آنهایی که محکوم به قتل گردیده‌اند، باید تضمین گردد.

۵- هیچ شخصی نباید بدون رضایت به کشوری اعاده یا مسترد گردد که در آن دلایل موجهی وجود دارد که وی ممکن است، بزه‌دیده اعدام فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه در آن کشور قرار گیرد.

۶- دولتها باید تضمین کنند که اشخاص محروم از آزادی در مکان‌های شناخته شده رسمی در خصوص بازداشت نگهداری شوند و اطلاعات دقیق از بازداشتگاه و حدود تقریبی آن و از جمله انتقالات باید فوری در اختیار خویشاوندان آنها، وکلا و دیگر اشخاص معتمد قرار گیرد.

۷- بازرسان ذیصلاحیت، از جمله پرسنل پزشکی، یا سایر مقامات مستقل هم‌عرض، باید بطور منظم نسبت به بازرسی از مکان‌های بازداشت اقدام نمایند و باید به آنها اختیار داده شود بازرسی‌های غیر مترقبه حسب تشخیص خود با نهایت تضمین استقلال در اجرای وظیفه شان بعمل آورند. این بازرسان باید یک دسترسی نامحدود به کلیه اشخاص در

مکانهای بازداشت مزبور همچنین کلیه سوابق داشته باشند.

۸- دولتها باید کلیه تلاشها را بمنظور پیشگیری از اعدامهای فرا قانونی، خودسرانه و بدون محاکمه از طریق اتخاذ تدابیری از قبیل رایزنی دیپلماتیک، توسعه دسترسی شکات به ارگانهای بین‌الدولی و قضایی و افشاء عمومی آن بعمل آورند. ساز و کارهای بین‌الدولی باید بمنظور تحقیق درباره گزارشات راجع به چنین اعدامهایی مورد استفاده قرار گیرد و باید اقدام موثری در قبال این رویه‌ها صورت پذیرد. دولتها از جمله دولتهایی که گمان می‌رود اعدامهای فرا قانونی، خودسرانه و بدون محاکمه در قلمرو آنها به وقوع می‌پیوندد، باید بطور کامل با تحقیقات بین‌المللی در خصوص موضوع همکاری نمایند.

تحقیقات

۹- باید یک تحقیقات همه جانبه، فوری و بیطرفانه در خصوص کلیه موارد مشکوک اعدامهای فرا قانونی، خودسرانه و بدون محاکمه از قبیل مواردی که حسب شکایتهای خویشاوندان و سایر گزارشات اطمینان آور یک مرگ غیر طبیعی در مکانهای فوق را محتمل می‌گرداند، صورت پذیرد. دولتها باید دفاتر تحقیقات و تشریفات ذیربط برای اجرای این تحقیقات را تاسیس نمایند. هدف این تحقیقات باید تعیین علت، روش، و زمان مرگ، شخص مسئول و الگو یا رویه‌ای که احتمالاً سبب مرگ گردیده است باشد. این تحقیقات شامل یک کالبد شکافی مناسب، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل ادله‌ی کتی گردآوری شده و اظهارات گواهان باشد. این تحقیقات باید بین مرگ طبیعی، مرگ اتفاقی، خودکشی و قتل تفکیک قایل شود.

۱۰- مقام تحقیقاتی باید اختیار جمع‌آوری اطلاعات ضروری برای رفع ابهام از موضوع را داشته باشد. اشخاص اجرا کننده تحقیقات باید حسب تشخیص خودبوجه لازم و منابع فنی را جمع به اجرای تحقیقات موثر را در اختیار داشته باشند. آنها همچنین باید اختیار اجبار مقامات رسمی متهم به مداخله در این نوع اعدامها به حضور و بازجویی را داشته باشند. این اختیارات به گواهان نیز تعمیم دارد. برای این منظور آنها حق دارند احضاریه‌هایی را به گواهان و از جمله مقامات رسمی متهم ارسال نموده و درخواست نمایند از احماء ادله جلوگیری گردد.

۱۱- در مواردی که تشریفات تحقیقاتی موجود به دلیل فقدان تخصص یا بیطرفی، اهمیت موضوع یا سوء استفاده رفتاری آشکار و در موارد شکایت توسط خانواده بزه‌دیده در زمینه عدم کفایت یا سایر دلایل منطقی نامناسب بنظر برسد، دولت‌ها باید تحقیقات را از مجرای یک کمیسیون مستقل کشف حقیقت یا سایر تشریفات مناسب پیگیری نمایند. اعضای چنین کمیسیونی باید بر اساس بیطرفی، صلاحیت و استقلال شخصی شان شناخته شده شان انتخاب گردند.

به ویژه، آنها باید مستقل از هر موسسه، ارگان یا شخصی که ممکن است موضوع تحقیقات باشد باشند. این کمیسیون باید صلاحیت جمع‌آوری اطلاعات ضروری در زمینه تحقیقات را داشته و تحقیقات را حسب این اصول بعمل آورد.

۱۲- بدن شخص متوفی، نباید قبل از یک کالبد شکافی مناسب توسط پزشک که حتی الامکان دارای تخصص در آسیب‌شناسی پزشکی قانونی باشد، دفن شود. پزشکانی که کالبد شکافی را بر عهده دارند باید

حق دست یابی به کلیه داده‌های تحقیقاتی، جایی که جسد در آن پیدا شده است، و مکانی که گمان می‌رود قتل در آن صورت گرفته است را داشته باشند. اگر جسد دفن شده و پس از آن ضرورت تحقیقات احساس گردد جسد فوری و با دقت بمنظور کالبد شکافی از قبر بیرون آورده خواهد شد. اگر باقیمانده استخوانها کشف گردد، آنها باید به دقت از قبر در آورده شده و بر اساس روشهای انسان شناسانه سیستماتیک مورد مطالعه قرار گیرند.

۱۳- جسد شخص متوفی باید برای مدت کافی در اختیار کالبد شکافان قرار گیرد تا آنها را قادر نمایند به اجرای تحقیقات دقیق پردازند. کالبد شکافی حداقل باید با هدف تعیین هویت و متوفی و علت و شیوه مرگ به عمل آید. زمان و مکان مرگ، حتی الامکان، باید تعیین گردد. عکسهای رنگی مفصل از متوفی باید در گزارش کالبد شکافی به منظور مستند سازی و تقویت یافته‌های تحقیقاتی درج گردد. گزارش کالبد شکافی باید توصیف کننده همه جانبه جراحات وارد بر متوفی از جمله دلایل شکنجه باشد.

۱۴- بمنظور تضمین عینی نتایج، اشخاص اجرا کننده کالبد شکافی باید قادر به اجرای وظایف خود بطور مستقل و بیطرفانه در قبال کلیه اشخاص یا سازمانها یا ارگانهای اثرگذار بالقوه باشند.

۱۵- شکات، گواهان، اجرا کنندگان تحقیقات و خانواده آنها باید در قبال خشونت، تهدید به خشونت و سایر اشکال ارباب موردحمایت قرار گیرند. اشخاصی که بصورت بالقوه در معرض اعدامهای فراقانونی، خودسرانه یا بدون محاکمه هستند باید از کلیه موقعیتهایی که بطور

مستقیم یا غیر مستقیم سبب کنترل یا اعمال قدرت بر شکات، گواهان و خانواده آنها همچنین اشخاص مجری تحقیقات می‌گردد خارج گردند.

۱۶- خانواده متوفی و نمایندگان قانونی آنها حق دارند از موضوع مطلع شده و به کلیه جلسات رسیدگی همچنین اطلاعات مربوط به تحقیقات دسترسی و حق ارائه دلایل دیگر را داشته باشند. خانواده متوفی باید حق داشته باشند با پزشک یا سایر نمایندگان ذیصلاح آنها در مراسم کالبد شکافی حضور داشته باشد. در صورت تعیین هویت متوفی، اعلام فوت باید از طریق پست ارسال و فوری خانواده یا خویشاوندان متوفی مطلع شوند. جسد متوفی باید به آنها پس از خاتمه تحقیقات تحویل داده شود.

۱۷- یک گزارش کتبی در زمان متعارف باید در زمینه شیوه‌ها و یافته‌های تحقیقات مزبور تنظیم گردد. این گزارش باید فوری منتشر گردد و باید حاوی قلمرو تحقیقات، تشریفات و روشهای استفاده شده برای ارزیابی دلایل همچنین نتایج و توصیه‌های مبتنی بر واقعیت‌های کشف شده و قانون لازم الاجرا باشد. این گزارش باید بطور مفصل وقایع خاصی که بنظر می‌رسد اتفاق افتاده است و دلایلی که این یافته‌ها مبتنی بر آنست و فهرست اسامی گواهانی که از آنها تحقیق بعمل آمده است باشد مگر در خصوص افرادی که هویت آنها بلحاظ حمایت از آنها باید محرمانه باقی بماند. دولت، باید در زمان متعارف، یا به گزارش تحقیقات پاسخ دهد یا اقداماتی را برای موضوع در دستور کار خود قرار دهد.

تشریفات قانونی

۱۸- دولتها باید تضمین کنند که کلیه اشخاصی که حسب تحقیقات بعنوان مشارکت کننده در اعدامهای فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه تشخیص داده شده اند در سراسر صلاحیت سرزمینی خود به مراجع قضایی تحویل دهند.

دولتها یا باید این اشخاص را به مراجع قضایی تحویل دهند یا در زمینه استرداد این اشخاص به سایر کشورهایی که تمایل به اعمال صلاحیت بر آنها دارند همکاری کنند. این اصل، بدون توجه به هویت و مکان استقرار مرتکبین یا بزه‌دیدگان، تابعیت آنها یا مکان ارتکاب جرم به اجرا در می‌آید.

۱۹- بدون خدشه به اصل ۳ فوق، دستور صادره از مقام مافوق، یا مقام عمومی، بعنوان یک توجیه کننده اعدامهای فراقانونی، خودسرانه یا بدون محاکمه تلقی نمیگردد. اشخاص مافوق، ماموریت یا سایر مقامات عمومی ممکن است مسئولیت اشخاص تحت صلاحیت خود را بر عهده گیرند مشروط به اینکه آنها امکان منطقی جلوگیری از رفتارهای آنها را داشته باشند. در هیچ اوضاع و احوالی از قبیل حالت جنگ، محاصره، یا سایر اضطرارهای عمومی مصونیت از تعقیب به اشخاص متهم به اعدامهای فراقانونی، خودسرانه یا بدون محاکمه داده نخواهد شد.

۲۰- خانواده و خویشاوندان قربانیان اعدامهای فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکم حق جبران خسارت منصفانه و مناسب در یک مدت متعارف را دارند.

۲۲- تضمینات حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام^۱

شورای اقتصادی و اجتماعی:

با یادآوری قطعنامه شماره (XXVI) ۲۵۵۷ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ و ۳۲/۶۱ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی و قطعنامه‌های شماره (LIV) ۱۷۴۵ مورخ ۱۶ می ۱۹۷۳ و (LVII) ۱۹۳۰ مورخ ۶ می ۱۹۷۵، ۱۹۹۰/۵۱ مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵/۵۷ مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۵ با یادآوری ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.^۱

با یادآوری مجدد تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام، ضمیمه قطعنامه شماره ۱۹۸۴/۵۰ مورخ ۲۵ می ۱۹۸۴ و قطعنامه شماره ۱۹۸۹/۶۴ مورخ ۲۴ می ۱۹۸۹ در زمینه اجرای این تضمینات

با خاطر نشان کردن گزارش دبیرکل در زمینه مجازات اعدام و اجرای تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام

با یادآوری اصول راجع به پیشگیری و تحقیقات موثر در زمینه اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه مندرج در پیوست قطعنامه شماره ۱۹۸۹/۶۵ مورخ ۲۴ می ۱۹۸۹ که حسب قطعنامه شماره ۴۴/۱۶۲ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ به تایید مجمع عمومی رسیده است و با خاطر نشان کردن گزارش اختصاصی کمیسیون حقوق بشر راجع به اعدام‌های فراقضایی، بدون محاکمه یا خودسرانه در زمینه کیفر اعدام که در گزارش زیربط به کمیسیون حقوق بشر در پنجاه و دومین اجلاس گنجانیده شده است.

با خاطر نشان کردن قطعنامه شماره (۱۹۹۳) ۸۲۶ مورخ ۲۵ می ۱۹۹۳ که در آن شورای امنیت تصمیم

۱ - بنگرید به قطعنامه شماره (XXI) ۲۲۰۰A مجمع عمومی. پیوست.

گرفت بمنظور تعقیب اشخاصی که مسئولیت نقض شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی در سرزمین یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ را بر عهده داشتند، یک دیوان بین‌المللی تاسیس کند.

و بر این اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی پیوست گزارش دبیر کل حسب پاراگراف ۲ قطعنامه شماره (۱۹۹۳) ۸۰۸ مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ شورای امنیت مورد پذیرش قرار گرفت. همچنین با خاطر نشان کردن قطعنامه شماره (۱۹۹۴) ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ که در آن شورای امنیت تصمیم گرفت یک دیوان کیفری بین‌المللی برای تعقیب اشخاص مسئول در زمینه نسل‌کشی و سایر موارد نقض شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی ارتکاب یافته در سرزمین رواندا و مسئولیت شهروندان رواندا در زمینه نسل‌کشی و سایر نقض‌های مشابه ارتکابی در سرزمین کشورهای همسایه بین ۱ ژانویه و ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ و پذیرش اساسنامه دیوان بین‌المللی رواندا پیوست این قطعنامه

۱- یادآوری می‌نماید که در فاصله زمانی موضوع این گزارش دبیر کل در زمینه مجازات اعدام و اجرای تضمینات حمایت از حقوق اشخاصی که در معرض کیفر اعدام قرار گرفته‌اند،^۱ تعداد در حال افزایشی از کشورها کیفر اعدام را لغو نموده و سایر کشورها از یک سیاست کاهش تعداد جرایم دارای کیفر اعدام تبعیت کرده و اعلام کرده‌اند که آنها تعدادی از مجرمین را به کیفر اعدام مجازات نکرده‌اند و این در حالیست که الباقی این مجازات را لغو نکرده و تعداد کمی از کشور آنها مجدداً برقرار کرده‌اند.

۱ - کنگره هفتم ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین. میلان. ایتالیا ۲۶ آگوست تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ گزارش تهیه شده بوسیله دبیرخانه. بخش I قسمت D2. پیوست.

۲- با تذکر به دولتهای عضو که در آن کیفر اعدام تا کنون لغو نگردیده است در زمینه اجرای تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام بطور موثر و اینکه آن کشورها مجازات اعدام را فقط در خصوص جرایم بسیار شدید اعمال کنند، مع الوصف این مسئله قابل درک است که قلمرو این موضوع نباید منحصر از قلمرو جرایم بین‌المللی مرگ بار یا دارای سایر آثار شدید باشد .

۳- دولتهای عضو که در آن کیفر اعلام تا کنون لغو نگردیده است را برای تضمین اینکه برای هر متهم در معرض کیفر اعدام کلیه تضمینات راجع به دادرسی منصفانه بنحو مقرر در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تشویق قرار می‌دهد و توجه به اصول اساسی راجع به استقلال قوه قضائیه^۱، اصول اساسی راجع به نقش وکلا^۲، اصول راهنمای راجع به نقش دادستانها، مجموعه اصول راجع به حمایت از کلیه اشخاص موضوع هر نوع بازداشت یا حبس^۳ و قواعد استاندارد حداقل در زمینه نحوه رفتار با زندانیان را مورد ترغیب قرار میدهد.

۴- همچنین دولتهای عضو که تا کنون کیفر اعدام در آن لغو نگردیده است را تشویق میکند که برای متهمینی که بطور کافی زبان استفاده شده در دادگاه را درک نمیکنند زمینه فهم کامل را از طریق مترجم در خصوص کلیه اتهامات علیه وی و

۱ - کنگره هفتم راجع به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین . میلان . ایتالیا ، ۲۶ آگوست تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ ، گزارش تهیه شده توسط دبیرخانه . بخش I قسمت D2 . پیوست .

۲ - کنگره هشتم راجع به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین ، هاوانا ، ۲۶ آگوست تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ . گزارش تهیه شده توسط دبیرخانه . بخش I قسمت B.3 پیوست .

۳ - اولین کنگره ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین ژنو ، ۲۲ آگوست تا ۳ سپتامبر ۱۹۵۵ : گزارش تهیه شده بوسیله دبیرخانه . پیوست ۱ قسمت A

محتوای دلایل زیربطلی که در دادگاه ارائه گردیده است فراهم کند.

۵- با فراخوانی دولتهای عضو که در آن کیفر اعدام ممکن است اجرا شود به اینکه زمان مناسب برای تنظیم درخواست تجدیدنظرخواهی به دادگاه بالاتر و تکمیل تشریفات تجدیدنظر همچنین درخواستهای راجع به بخشودگی با هدف اجرای قاعده ۵ و ۸ تضمینات حمایت از حقوق افرادی که در معرض کیفر اعدام هستند را در اختیار بگذارند.

۶- همچنین با فراخوانی دولتهای عضو که در آن کیفر اعدام ممکن است به اجرا در آید، به اینکه به کلیه مقامات رسمی زیربط در تصمیم گیری راجع به اجرای کیفر اعدام موضوع جایگاه تجدیدنظر و درخواستهای بخشودگی زندانی مزبوط اطلاع رسانی شود.

۷- دولتهای عضو که در آن مجازات اعدام ممکن است اجرا شود را ترغیب می کند تا قواعد استاندارد حداقل در زمینه رفتار با زندانیان را با هدف کاهش رنجهای زندانیان تحت کیفر زندان و جلوگیری از تشدید این دردها را به اجرا در آورند.

۲۳- مسئله کیفر اعدام^۱

کمیسیون حقوق بشر

با یادآوری ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر که حق حیات همه اشخاص را مورد تایید قرار داده است، ماده ۶ میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ و ۳۷ الف کنوانسیون حقوق کودک

با یادآوری قطعنامه های شماره (XXVI) ۲۸۵۷ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ و ۳۲/۶۱ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۷۷

همچنین قطعنامه شماره ۴۴/۱۲۸ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ که در آن مجمع پذیرفت و آنرا برای امضاء، تصویب و الحاق به پروتکل اختیاری دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با هدف الغاء کیفر اعدام مفتوح گذاشت.

با یادآوری مجدد قطعنامه‌های زیربط شورای اقتصادی و اجتماعی به شماره‌های ۱۹۸۴/۵۰ مورخ ۲۵ می ۱۹۸۴، ۱۹۸۵/۳۳ مورخ ۲۹ می ۱۹۸۵، ۱۹۸۹/۶۴ مورخ ۲۴ می ۱۹۸۹، ۱۹۹۰/۲۹ مورخ ۲۴ می ۱۹۹۰، ۱۹۹۰/۵۱ مورخ ۲۴ ژوئای ۱۹۹۰، ۱۹۹۶/۱۵ مورخ ۲۳ ژوئای ۱۹۹۶

با یادآوری قطعنامه‌های سابق که در آن این عقیده بیان گردید که الغاء کیفر اعدام سبب افزایش کرامت انسانی و توسعه پایدار حقوق بشر خواهد گردید.

با تذکر اینکه در برخی کشورها کیفر اعدام اغلب بدون انطباق با استانداردهای بین‌المللی راجع به منصفانه بودن به اجرا در می‌آید و اشخاصی که وابسته به اقلیتهای ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی هستند بنحو غیر مناسبی موضوع مجازات مرگ قرار می‌گیرند و محکوم کردن مواردی که در آن زنان بر اساس مقررات تبعیض آمیز جنسیتی موضوع کیفر اعدام قرار می‌گیرند.

با استقبال از حذف کیفر اعدام از مجموع مجازاتهایی که دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، دیوان بین‌المللی رواندا و دادگاه کیفری بین‌المللی که اختیار اعمال آنرا داشتند.

با پیشنهاد به دولتهایی که اخیراً به پروتکل دوم اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیوسته‌اند و استقبال از امضاء اخیر پروتکل اختیاری دوم توسط برخی کشورها

با استقبال از لغو مجازات اعدام که بعد از آخرین جلسه کمیسیون توسط برخی کشورها صورت گرفت به ویژه در کشورهایی که کیفر اعدام را برای کلیه جرم حذف کردند.

همچنین با استقبال از این واقعیت که در برخی از کشورها که کیفر اعدام در قوانین آنها باقی مانده است مهلت قانونی خاصی را برای اجرای اعدام منظور کرده اند.

با استقبال از ابتکارات بیشتر منطقی با هدف ایجاد یک مهلت برای اجرای حکم اعدام و لغو کیفر اعدام.

با ارجاع به تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر مرگ مندرج در پیوست قطعنامه شماره ۱۹۸۴/۵۰ شورای اقتصادی و اجتماعی.

با توجه عمیق به اینکه برخی از کشورهایی که کیفر اعدام را اعمال می کنند به محدودیتهای مندرج در میثاق و کنوانسیون حقوق کودک توجه ندارند.

با توجه به اینکه برخی از کشورها در اعمال کیفر اعدام تضمینات راجع به حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام را مدنظر قرار نمی دهند.

۱- با یادآوری گزارش پنجساله ششم دبیرکل در زمینه کیفر اعدام و اجرای تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام که با رعایت قطعنامه شماره ۱۹۹۵/۵۷ مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۵ (E/2000/3) شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه گردید، و با استقبال از تکمیل سالیانه آن کم موضوع آن گزارش دبیرکل در زمینه تغییرات قانونی و رویه ای

مرتبط با کیفر اعدام در سراسر جهان حسب درخواست کمیسیون طی قطعنامه شماره ۲۰۰۲/۷۷ مورخ ۲۵ آوریل ۲۰۰۲ است.

۲- با تأیید مجدد قطعنامه شماره ۲۰۰۰/۱۷ مورخ ۱۷ آگوست ۲۰۰۰ کمیسیون فرعی در زمینه ترویج حقوق بشر براساس حقوق بین‌المللی و تحمیل کیفر اعدام بر اشخاص کمتر از ۱۸ سال در زمان ارتکاب جرم.

۳- با دعوت رسمی از دولتهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که تاکنون بدین نحو عمل نکرده‌اند تا موضوع الحاق یا امضا پروتکل دوم اختیاری این میثاق را با هدف لغو کیفر اعدام مورد بررسی قرار دهند.

۴- با ترغیب کلیه کشورهای که تاکنون کیفر اعدام را حفظ کرده‌اند به:
الف: کیفر اعدام را به اشخاص کمتر از ۱۸ سال اعمال ننموده و زنان حامله را از کیفر اعدام معاف نمایند.

ب: کیفر اعدام را در هیچ مورد مگر جرایم بسیار شدید و صرفاً پس از رای نهایی صادره توسط یک دادگاه مستقل و بیطرف، به اجرا در نیاورند و حقوق راجع به دادرسی منصفانه و حق استدعای عفو یا بخشودگی مجازات را رعایت نمایند.

ج: تضمین نمایند که کلیه تشریفات قانونی، از جمله آیین دادرسی اختصاصی دیوانها یا مراجع قضایی و به ویژه تشریفات راجع به کیفر اعدام با تضمینات حداقل آیین دادرسی مندرج در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی منطبق باشد.

د: با تضمین اینکه مفهوم « جرایم بسیار شدید» منصرف از جرایم بین‌المللی دارای نتایج مرگبار یا خیلی شدید نمی‌شود و اینکه کیفر مرگ نباید درخصوص رفتارهای غیرخشن از قبیل جرایم مالی شیوه‌های مذهبی غیرخشن، یا بیان ما فی الضمیر و روابط جنسی بین بزرگسانی که رضایت به موضوع دارند به اجرا درآید.

ه: هر گونه حق شرطهای براساس ماده ۶ میثاق که ممکن است مغایر موضوع و هدف این میثاق باشد نباید بعمل آید و حق شرطهای موجود باید حذف گردد با لحاظ اینکه ماده ۶ قواعد حداقلی را برای حمایت از حق حیات و بطور کلی استانداردهای پذیرفته شده در این قلمرو را بیان نموده است.

و: تضمین‌های راجع به حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر مرگ را رعایت نموده و بطور کامل تعهدات بین‌المللی به ویژه تعهدات موضوع ماده ۳۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۳ راجع به روابط کنسولی علی‌الخصوص اطلاع از حق دریافت معاضدت کنسولی در قلمرو رسیدگی‌های قانونی باید مراعات گردد.

ز: کیفر اعدام را به اشخاص مبتلا به هر گونه اختلال روانی یا اعدام هر نوع از این اشخاص اعمال ننماید.

ح: معاف کردن مادرانی که فرزندان‌شان به آنها وابسته‌اند از کیفر اعدام

ط: تضمین اینکه در مواقع حدوث کیفر اعدام، این کیفر باید بنحوی اجرا گردد که حداقل درد ممکن را به شخص وارد نماید و این کیفر به صورت علی‌یا در سایر روشهای خوار کننده به

اجرا گذاشته نشود و تضمین اینکه کلیه ابزارهای بویژه خشن و غیرانسانی اعدام از قبیل سنگسار کردن باید فوری متوقف شود.

ی: با دعوت از کلیه دولتهایی که هنوز کیفر اعدام را لغو نکرده‌اند به:

الف: بطور تدریجی دامنه جرایم مشمول کیفر اعدام را محدود نمایند و حداقل دامنه اجرایی آن را به جرایمی که تاکنون دارای کیفر اعدام نبوده‌اند گسترش دهند.

ب: کیفر اعدام را بطور کامل لغو نمایند و در این ضمن یک مهلت را برای اجرای اعدام در نظر بگیرید.

ج: اطلاعات لازم در زمینه اجرای کیفر اعدام و هر گونه فهرست اعدام را در اختیار عموم قرار دهند.

د: به دبیرکل و سایر ارکان ذیربط ملل متحد موارد استفاده از کیفر اعدام و ملاحظات راجع به تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام بنحو مندرج در قطعنامه شماره ۱۹۸۴/۵۰ شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه دهند.

ه: با دعوت از دولتهایی که تاکنون کیفر اعدام را اجرا نکرده و لی آنرا در قوانین خود حفظ کرده‌اند، به اینکه آنرا لغو نمایند.

و: از دولتهایی که درخواست استرداد در زمینه اتهام دارای مجازات مرگ را دریافت کرده‌اند می‌خواهد تا بطور صریح حق امتناع از استرداد در صورتیکه مقامات ذیربط کشور درخواست کننده در عدم اجرای اعدام تضمین ندهند، را شرط کنند.

۸- از دبیرکل می‌خواهد که مجدداً به کمیسیون با مشورت دولتها، آژانسهای تخصصی و سازمان بین‌دولتی و غیردولتی، در شصتمین اجلاسیه تکمیل سالیانه تغییرات قانونی رویه‌ای مرتبط با کیفر اعدام در سراسر جهان در گزارش پنج سالیانه خود در زمینه کیفر اعدام و اجرای تضمینات حمایت از حقوق اشخاص در معرض کیفر اعدام با التفات ویژه به تحمیل کیفر اعدام به اشخاص جوان زیر ۱۸ در هنگام ارتکاب جرم تقدیم کند.

۹- تصمیم گرفته شد بررسیها درخصوص موضوع در شصتمین اجلاسه با موضوعات مشابه ادامه یابد.

بخش دوم :

سازوکارهای قانونی، تشکیلاتی و اجرایی
موردنیاز در زمینه
همکاری بین المللی

مبحث اول:

۲۴ - معاهدات نمونه در زمینه استرداد^۱

کشور..... و

کشور.....

بمنظور تقویت بیشتر همکاری بین دو کشور در قلمرو کنترل جرم با انعقاد این معاهده در زمینه استرداد، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱: تعهد بر استرداد

هریک از طرفین معاهده، براساس در خواست و طبق مقررات این معاهده، موافقت می نماید تا هر فردی که در کشور متقاضی بدلیل ارتکاب یک جرم قابل استرداد یا برای تحمیل یا اجرای مجازات جرمی که بواسطه ارتکاب آن تحت تعقیب است، را به طرف دیگر مسترد نماید.

ماده ۲: جرایم قابل استرداد

۱- در این معاهده منظور از جرایم قابل استرداد جرایمی است که حسب مقررات طرفین معاهده دارای مجازات حبس یا سایر محرومیت‌های از آزادی با حداقل زمان [یک / دو] سال یا مجازات‌های شدیدتر است. در مواقعی که درخواست استرداد راجع به شخصی باشد که بمنظور اجرای مجازات زندان یا سایر محرومیت‌های از آزادی که بر ارتکاب جرم مزبور بار می شود، تحت تعقیب است. استرداد صرفاً در زمانی به اجرا درمی آید که حداقل [چهار / شش] ماه از اجرای چنین مجازاتی باقی مانده باشد.

۲- در تعیین جرم قابل مجازات حسب قوانین طرفین، موارد زیر یکسان است:

^۱ - قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۶ مجمع عمومی که بوسیله قطعنامه شماره ۵۲/۸۸ اصلاح گردیده است. ویرایش معاهده نمونه در زمینه استرداد که در این چاپ از «مجموعه» درج گردیده است. نتیجه گنجاندن معاهده نمونه ای است که در سال ۱۹۹۰ بوسیله مجمع عمومی در قطعنامه شماره ۴۵/۸۱۶ با اصلاحات سال ۱۹۹۷ موضوع قطعنامه شماره ۵۲/۸۸ بعمل آمده است، می باشد. آنچه اضافه گردیده است (معاهده نمونه اخیر) با قلم برجسته مشخص شده است.

الف: قوانین طرفین فعل یا ترک فعلی که تشکیل دهنده جرم است را در یک طبقه بندی مشابه از جرایم قرار داده یا جرم را با واژگان متفاوت نامگذاری کرده باشند.

ب: چنانچه حسب قوانین طرفین، عنصر تشکیل دهنده جرم ذیربط، متفاوت باشد، ماهیت افعال و ترک فعلهایی که بوسیله دولت متقاضی مطرح گردیده است باید ملحوظ گردد.

۳- در مواردی که دلیل استرداد یک شخص یکی از جرایم مربوط به امور مالیاتی، تکالیف گمرکی، نظارت بر معاملات یا سایر موضوعات مشابه باشد، درخواست استرداد با این استدلال که حسب قوانین دولت متقاضی عنه، موضوع از مصادیق جرایم مالیاتی، تکالیف گمرکی یا ضوابط معاملات تلقی نمی گردد، قابل رد نیست.^۲

۴- چنانچه درخواست استرداد شامل چند جرم مستقل باشد که هر یک حسب قوانین طرفین قابل مجازات است، ولی برخی از آنها حایز شرایط مقرر در پاراگراف ۱ این ماده نباشد طرف متقاضی عنه مشروط به اینکه در جرایم مزبور لااقل یک جرم قابل استرداد و جود داشته باشد، می تواند با استرداد سایر جرایم موافقت نماید.

ماده ۳- در شرایط الزامی رد [درخواست استرداد] درخواست استرداد در شرایط زیر پذیرفته نمی شود:

الف: چنانچه جرمی که براساس آن استرداد درخواست شده است حسب تشخیص دولت متقاضی عنه یک جرم ماهیتاً سیاسی باشد.

یک جرم با ماهیت سیاسی شامل مواردی از قبیل موردی که طرفین، حسب معاهدات چندجانبه تعهد کرده اند، که در صورت عدم استرداد، خود اقدامات تعقیبی را بعمل

^۲ - برخی از کشورها ممکن است این پاراگراف را حذف کرده یا یک شرط اختیاری را برای رد حسب ماده ۴ در نظر گیرند.

آورند یا سایر جرایمی که حسب توافق یک جرم با ماهیت سیاسی، در چارچوب استرداد تلقی نمی‌گردد نمی‌شود.^۳

ب: چنانچه دولت متقاضی عنه دلایل قابل قبولی برای این اعتقاد که درخواست استرداد بمنظور تعقیب یا مجازات یک شخص برپایه مسائل نژادی، مذهبی، ملیت، ریشه های قومی، عقاید سیاسی، جنسیت یا وضعیت [اجتماعی] است یا اینکه موقعیت شخص مزبور براساس هر یک از دلایل مزبور در معرض خطر قرار می‌گیرد.

ج: چنانچه جرمی که براساس آن درخواست استرداد صورت گرفته است حسب قوانین نظامی، جرم باشد، مشروط به اینکه جرم مزبور از مصادیق جرایم موضوع قوانین کیفری عمومی نباشد.

د: قبلاً در دولت متقاضی عنه یک حکم نهایی علیه شخص موضوع درخواست استرداد در خصوص همان جرمی که استرداد شخص بر آن اساس درخواست گردیده است، صادر نگردیده باشد.

ه: چنانچه شخصی که استرداد وی در خواست گردیده است، حسب قوانین هر یک از طرفین از تعقیب یا مجازات به هر دلیل از جمله مرور زمان یا عفو معاف شده باشد.^۴

و: چنانچه شخصی که استرداد وی درخواست گردیده است یقیناً یا به احتمال قوی در دولت متقاضی عنه شکنجه یا موضوع اقدامات یا مجازات موهن، غیر انسانی قرار خواهند گرفت، یا چنانچه یقیناً یا به احتمال قوی از حداقل تضمین های آئین دادرسی کیفری که در ماده ۱۴

^۳ - کشورها ممکن است برخی از رفتارها را از شمول موضوع جرایم سیاسی خارج کنند از قبیل افعال توأم با خشونت مانند جرم شدید، ارتکاب خشونت علیه حیات، تمامیت جسمانی یا آزادی اشخاص.

^۴ - برخی کشورها ممکن است این موضوع را یک دلیل اختصاصی رد براساس ماده ۴ محسوب کنند کشورها همچنین می‌توانند لحاظ موضوع مرور زمان را محدود به قوانین دولت متقاضی کنند یا مقرر کنند که موارد قطع مرور زمان دولت متقاضی در دولت متقاضی عنه نیز به رسمیت شناخته شود.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مندرج است محروم خواهد شد.^۵

ز: چنانچه رسیدگی دولت متقاضی بطور غیابی برگزار شده باشد و محکوم علیه منطقاً از نتیجه دادرسی بدون اطلاع باشد یا موقعیت مناسب برای تنظیم دفاعیه نداشته باشد و اینکه او امکان فعلی برای تجدید دادرسی غیرغیابی (حضوری) نداشته باشد.^۶

ماده ۴: شرایط اختیاری رد [درخواست استرداد]
درخواست استرداد میتواند در هر یک از موارد ذیل پذیرفته نشود:

الف: در صورت درخواست استرداد تبعه، دولت متقاضی عنه، مکلف است پرونده را برای رسیدگی به مقامات صلاحیتدار خود با هدف اقدام مناسب علیه شخص مزبور در خصوص جرمی که مبنای درخواست استرداد قرار گرفته است ارجاع دهد.^۷

ب: چنانچه مقامات ذیصلاح دولت متقاضی عنه، بر آن باشند که شخص بابت جرایمی که براساس آن استرداد درخواست گردیده است، قابل تعقیب تعقیب نیست پرونده مزبور بایگانی خواهد گردید.

ج: چنانچه تعقیب جرمی که مبنای درخواست استرداد قرار گرفته است در دولت متقاضی عنه آغاز شده و در حال رسیدگی باشد.

د: چنانچه جرم مبنای درخواست استرداد حسب قانون دولت متقاضی مستوجب کیفر اعدام باشد، مگر اینکه آن

^۵ - بنگرید به قطعنامه شماره ۲۲۰۰ الف (XXI) - مجمع عمومی پیوست

^۶ - برخی از کشورها ممکن است ماده ۳ زیر را بعنوان یک دلیل برای رد درخواست استرداد اضافه نمایند. « چنانچه دلایل موجود براساس استانداردهای پذیرش دلیل در دولت متقاضی عنه، ناکافی باشد، در مواقعی که شخص موضوع استرداد، در جرم مزبور مشارکت داشته باشد. » (بنگرید به زیر نویس شماره ۱۲)

^۷ - برخی کشورها ممکن است در چهارچوب نظام حقوقی ملی خود راهکارهای دیگری را برای تضمین اینکه مسئولیت اشخاص مزبور در قبال جرایم سبب رهایی از مجازات برپایه تابعیت نمی شود. از قبیل، مقرراتی که اجازه دهد شخص بابت ارتکاب جرایم شدید به دولت متقاضی تحویل شود یا اجازه داده شود که شخص بطور موقت و برای محاکمه به دولت متقاضی انتقال یابد و برای اجرای محکومیت به دولت متقاضی عنه برگردانده شود.

دولت به دولت متقاضی عنه تضمیناتی از این قبیل دهد که تمام تلاش خود را خواهد کرد که کیفر اعلام موضوع حکم قرار نگیرد و در صورتی که موضوع حکم قرار گرفت به اجرا در نیاید در مواردی که با درخواست استرداد موافقت نمی شود، دولت متقاضی عنه در صورت درخواست دولت دیگر، پرونده را به مقامات ذیصلاح با هدف انجام اقدام مناسب علیه شخص مزبور بابت جرمی که مبنای درخواست استرداد قرار گرفته است ارجاع می دهد.^۸

ه: چنانچه جرمی که مبنای درخواست استرداد است در خارج از سرزمین یکی از طرفین ارتکاب یافته باشد و قوانین دولت متقاضی عنه در خصوص جرایم خارج از سرزمین اش در وضعیت های مشابه، خود را فاقد صلاحیت بدانند.

و: چنانچه جرمی که مبنای درخواست استرداد است، بموجب قوانین دولت متقاضی عنه کلاً یا جزئاً ارتکاب یافته در قلمرو آن دولت محسوب شده باشد.^۹

در صورتی که در خواست استرداد بدلیل اخیر پذیرفته نشود، دولت متقاضی عنه در صورتیکه دولت متقاضی چنین موضوعی را درخواست نماید، باید پرونده را به مقامات صلاحیتدار خود با هدف اتخاذ اقدام مناسب علیه شخص مزبور در زمینه جرم موضوع درخواست استرداد ارجاع دهد.

ز: چنانچه شخص موضوع درخواست استرداد قبلاً مجازاتش به اجرا درآمده باشد یا در معرض محاکمه یا مجازات در دولت متقاضی بوسیله یک دادگاه یا دیوان غیر عادی یا موقت خاص (ad hoc) قرار داشته باشد.

^۸ - برخی کشورها ممکن است چنین محدودیتی را در اعمال کیفری حبس ابد یا نامعین اعمال نمایند.
^۹ - برخی کشورها ممکن است در خصوص کشتی تحت پرچم یا هواپیمایی که طبق قوانین وی ثبت گردیده است در صورت جرم، محدودیت های مشابهی را منظور نماید.

ح: چنانچه دولت متقاضی عنه، در مقام بررسی ماهیت جرم، با توجه به شرایط پرونده، استرداد شخص مزبور را مغایر ملاحظات بشردوستانه یا سن، سلامت یا سایر وضعیتهای آن فرد تلقی نماید.

ماده ۵: شیوه های ارتباط و اسناد موردنیاز^{۱۰}

۱- درخواست استرداد باید بصورت کتبی بعمل آید. درخواست مزبور، اسناد تکمیلی و ارتباطات بعدی باید از طریق دیپلماتیک و بطور مستقیم بین وزرای دادگستری یا هر مقامی که توسط طرفین معین شده است، بعمل آید. ۲- یک درخواست استرداد باید دارای ضmann زیر باشد:

الف: در کلیه پرونده ها:

الف-۱- حتی المقدور مشخصات شخص تحت تعقیب توأم با هر اطلاعی که به شناسایی، هویت، تابعیت یا محل اقامت وی کمک کند.

الف-۲- اتمام قوانین مرتبط با جرم انگاری عمل مزبور و در صورت ضرورت، شرحی از قوانین مرتبط با جرم و بیان مجازاتی که برای آن جرم مقرر گردیده است. ب: چنانچه یک شخص متهم به ارتکاب جرم شود، ورقه جلب توسط دادگاه یا سایر مقامات ذیصلاح قضایی بمنظور دستگیری یا یک کپی مصدق از آن یا توصیف جرمی که سبب در خواست استرداد گردیده است و یک احصاء از اعمال یا ترک فعلهایی که تشکیل دهنده جرم زیربط و در بردارنده زمان و مکان ارتکاب جرم است، صادر گردیده است، بعمل میآید.^{۱۱}

ج: در صورت محکومیت شخص به شرح مختصر از جرم بهمراه تصاویر مصدق دادنامه یا هر سندی که مبین مجازات تعیین شده است و تأیید اینکه مجازات مزبور کماکان از قدرت

^{۱۰} - کشورها ممکن است تکنیک های بسیار پیشرفته را برای ارتباط در زمینه درخواستها که اعتبار و صحت اسناد به همان نحو که توسط دولت متقاضی صادر شده است را تضمین نماید منظور کنند.

^{۱۱} - کشورهایی که برای پذیرش درخواست استرداد، ارسال دلیلی را نیز لازم می دانند ممکن است شرایط ادله ای که برای بررسی استرداد لازم است را مقرر نموده و برای چنین اقدامی احتیاج به همکاری مؤثر بین المللی خواهند داشت (ص ۱۶۷ متن دیده شود)

اجرای بهره مند است همچنین قلمرویی که مجازات در آن از قدرت اجرایی برخوردارند، است.

د: چنانچه شخصی بصورت غیابی بدلیل ارتکاب جرم محکوم شده باشد، علاوه بر اسنادی که در پارگراف ۲- بند ج این ماده مقرر است بیان شیوه های قانونی ایی که بمنظور تهیه و ارائه دفاعیه یا رسیدگی مجدد حضوری وجود دارد از ضرورت برخوردار است.

ه- چنانچه شخص به دلیل ارتکاب جرم محکومیت یافته باشد ولی مجازات زیربط به مرحله ی اجرا در نیامده باشد شرح جرمی که مبنای استرداد قرار گرفته است و توصیف افعالیات ترک فعلهایی که تشکیل دهنده ی آن جرم هستند و اسنادی که حاوی محکومیت یا بیانگر اینست که تصمیم بر اجرای مجازات است .

۳- اسنادی که به منظور تایید درخواست استرداد ارسال میگردد باید منضم به ترجمه آن به زبان دولت متقاضی عنه یا زبان دیگری که در آن دولت قابل پذیرش باشد .

۶- آیین دادرسی ساده استرداد^{۱۲}

دولت متقاضی عنه در صورت عدم منع قانونی میتواند پس از دریافت یک درخواست در زمینه ی بازداشت موقت مشروط به اینکه شخص تحت تعقیب نزد یک مقام صلاحیتدار بطور صریح به موضوع رضایت دهد با آن موافقت کند.

ماده ۷- تایید و اعتبار

غیر از موارد مصرح حسب معاهده ی حاضر یک درخواست استرداد و اسناد تاییدکننده ی آن همچنین اسناد یا سایر موضوعاتی که بعد از چنین درخواستی تقدیم میشود نیازمند تایید صحت یا اعتبار نیست^{۱۳} .

ماده ۸: اطلاعات تکمیلی

^{۱۲} کشورها می توانند در راستای استرداد ساده از اصل اختصاصی بودن صرفنظر نمایند .
^{۱۳} قوانین برخی کشورها تایید اعتبار را قبل از ارسال آن از طرف دیگر توسط دادگاه ضروری دانسته و بر این اساس مسئله نیازمند تایید اعتبار است .

چنانچه دولت متقاضی عنه اطلاعاتی که بمنظور تأیید درخواست استرداد ارائه شده است را ناقص تلقی نماید، میتواند ارسال اطلاعات تکمیلی را در زمان متعارفی که تعیین کرده است، درخواست کند.

ماده ۹- بازداشت موقت

۱- در موارد فوری، دولت متقاضی میتواند، درخواست بازداشت موقت شخصی که تحت تعقیب است را همزمان با دریافت درخواست استرداد بخواهد. این درخواست می بایست از طریق سازمان پلیس جنایی بین المللی، از طریق پست یا تلگراف یا هر وسیله دیگری که قابل ثبت و نگهداری بصورت کتبی است، بعمل آید.

۲- این درخواست باید دربردارنده وصف شخص تحت تعقیب، تصریح به اینکه استرداد مری مورد درخواست است، بیان اینکه یکی از اسناد مذکور در پاراگراف ۲ ماده ۵ این معاهده موجود است، مجوز بازداشت شخص، بیان مجازاتی که میتواند در نظر گرفته شود یا قبلاً برای این جرم در نظر گرفته شده است، بیان هدف بازداشت توضیح کامل وقایع پرونده و اعلام محل اقامت شخص مزبور در صورت اطلاع.

۳- دولت متقاضی عنه باید حسب قوانین خود در خصوص درخواست تصمیم گرفته و آنرا بدون تأخیر به دولت متقاضی اعلام نماید.

۴- شخصی که براساس چنین درخواستی دستگیر می شود پس از انقضاء چهل روز از تاریخ بازداشت باید آزاد شود مشروط به اینکه درخواست استرداد به اسناد مذکور در پاراگراف ۲ ماده ۵ این معاهده واصل نشده باشد. این پاراگراف امکان آزادی تحت قرار شخص قبل از انقضاء چهل روز جلوگیری نمی کند.

۵- آزادی شخص براساس پاراگراف چهار این ماده مانع بازداشت درخواست و اسناد تأیید کننده آن متعاقباً واصل شده باشد.

ماده ۱۰- تصمیم در زمینه درخواست

۱- دولت متقاضی عنه باید حسب تشریفاتى که بوسیله قانونى مى اش مشخص گردیده است، درخواست را بررسی کند و فوري آنرا به دولت متقاضى ابلاغ کند.

۲- دلایل عدم پذیرش تمام یا قسمتی از درخواست باید ارائه شود.

ماده ۱۱- تحویل شخص ذیربط

۱- به محض پذیرش درخواست استرداد، طرفین باید بدون تأخیر نامتعارف تمهیدات استرداد شخص تحت تعقیب را فراهم نمایند، دولت متقاضی عنه باید، حداکثر مدتی که شخص تحت تعقیب بمنظور تحویل قابل بازداشت است را به دولت متقاضی اطلاع دهد.

۲- شخص موضوع درخواست استرداد باید از سرزمین دولت متقاضی عنه در طول زمان متعارفی که دولت متقاضی آنرا تعیین کرده است خارج گردد و چنانچه شخص مزبور قبل از انقضاء مدت مزبور خارج نگردد، می تواند شخص مزبور را آزاد کند دولت متقاضی عنه و ممکن است از استرداد آن شخص بابت ارتکاب جرم مشابه خودداری کند.

۳- چنانچه شرایط غیر قابل اجتناب، مانع تحویل یا خارج کردن شخص موضوع استرداد توسط یخ عضو گردد این موضوع باید به اطلاع طرف دیگر رسانده شود. طرفین با توافق هم در خصوص تاریخ جدید تحویل تصمیم می گیرند و پاراگراف ۲ این ماده به اجرا درمی آید.

ماده ۱۲- تحویل مشروط یا تعویق در تحویل

۱- دولت متقاضی عنه میتواند پس از اخذ تصمیم در زمینه درخواست استرداد، تحویل شخص تحت تعقیب را بمنظور

اعمال قانون علیه و در صورتی که شخص مزبور قبلاً محکوم شده باشد بمنظور اجرای مجازات تعیین شده برای جرمی غیر از جرم موضوع درخواست استرداد به تعویق اندازد. در چنین مواردی مثل مواد قبل دولت متقاضی عنه به دولت متقاضی موضوع را اطلاع می دهد.

۲- دولت متقاضی عنه می تواند بجای تأخیر در تحویل شخص تحت تعقیب را با رعایت شرایطی که بین طرفین مقرر گردیده است، بطور موقت تحویل دهد.

ماده ۱۳- تحویل اموال

۱- در قلمرویی که به موجب قانون دولت متقاضی عنه و با توجه به حقوق واقعی دولتهای ثالث که واقعی، اجازه داده شده است، کلیه اموالی که نتیجه ارتکاب جرم بوده و در دولت متقاضی عنه یافت شده است یا اموالی که به بمنظور ارائه به عنوان دلیل مورد نیاز است، در صورت درخواست دولت متقاضی مشروط به اینکه استرداد پذیرفته شده باشد تحویل داده می شود.

۲- اموال مزبور، ممکن است در صورت درخواست، حتی اگر استرداد غیرقابل اجرا باشد، به دولت متقاضی تحویل داده شود.

۳- در مواقعی که اموال مزبور در دولت متقاضی عنه قابل توقیف یا مصادره است، ممکن است آن اموال توقیف یا موقتاً تحویل داده شود.

۴- در مواردی که قانون کشور متقاضی عنه یا صیانت از حقوق دولتهای ثالث اقتضا نماید، هر مالی که بدین نحو تحویل داده شده است باید به دولت متقاضی عنه بدون هیچ قید و شرطی پس از خاتمه دادرسی حسب درخواست اعاده گردد.

ماده ۱۴- اصل اختصاصی بودن

۱- شخص مستردشده حسب این معاهده، نباید بابت کلیه جرایمی که قبل از تحویل مرتکب شده است، مجازات یا بازداشت شود با مجدداً دولت ثالث مترو شود یا موضوع محدودیت های ارتباط راجع به آزادی فردی در دولت متقاضی قرار گیرد، جز در موارد ذیل:

الف: برای جرمی که استرداد براساس آن صورت پذیرفته است.^{۱۴}

ب- هر جرم دیگری که دولت متقاضی عنه آنرا پذیرفته باشد در صورتی که جرم موضوع درخواست استرداد فی نفسه طبق این معاهده قابل استرداد باشد اعلام رضایت دولت متقاضی عنه الزامی است.^{۱۵}

۲- درخواست اخذ رضایت از دولت متقاضی عنه حسب این ماده باید ضمیمه اسناد مذکور در پاراگراف ۲ ماده ۵ این معاهده و سوابق قانونی کلیه اظهارات شخص مستردشده در خصوص آن جرم مزبور، گردد.^{۱۶}

۳- پاراگراف ۱ از این ماده در صورتی که شخص مزبور بتواند دولت متقاضی را ترك کند مع الوصف ظرف ۴۵-۳۰ روز از آزادی قطعی درخصوص جرم موضوع درخواست استرداد از این حق استفاده نکند یا شخص مزبور به اختیار پس از ترك آن به سرزمین دولت متقاضی برگردد، به اجرا در نمی آید.

ماده ۱۵- انتقال

۱- در مواردی که شخص باید به یک طرف؛ از دولت ثالث و از طریق سرزمین دولت دیگر مسترد گردد، طرفی که قرار است شخص به آن مسترد شود، از دولت های دیگر درخواست می کند تا نسبت به صدور اجازه انتقال از قلمرو آن

^{۱۴} - کشورها ممکن است بخواهند مقرر نمایند اصل اختصاصی بودن در خصوص جرایم قابل استرداد که با وقایع مشابه قابل اثبات است و سبب اعمال کیفر مشابه یا خفیف تر از جم موضوع استرداد می گردد به اجرا درآورند.

^{۱۵} - برخی دولتها تمایل به درج این تعهد ندارند و ممکن است متمایل باشند شرایط دیگری را در تعیین اینکه رضایت را اعلام کرده کرده باشد، در نظر گیرند.

^{۱۶} - دولتها ممکن است بخواهند از کلیه یا قسمتی از الزامات این مقرر صرف نظر نمایند.

دولت اقدام کنند. این موضوع در مواردی که انتقال از طریق هواپیما صورت می پذیرد و هیچ خاک سرزمین دولت دیگر مورد استفاده قرار نمی گیرد، به اجرا در نمی آید.

۲- به محض وصول چنین درخواستی که باید حاوی اطلاعات زیربط باشد، دولت متقاضی عنه این درخواست را حسب تشریفات قانونی خود بررسی می کند، دولت متقاضی عنه جز در مواردی که پذیرش استرداد مغایر منافع واقعی آن است. باید جواب درخواست را سریعاً اعلام کند.^{۱۷}

ماده ۱۶: تعدد درخواستها

چنانچه یک طرف، در خواسته های استرداد متعددی را در خصوص شخص واحد از طرف دیگر یا دولت ثالث دریافت کند، دولت متقاضی عنه حسب صلاحدید در خصوص اینکه شخص به استناد کدامیک از آنها مسترد شود، تصمیم می گیرد.

ماده ۱۷: هزینه ها

۱- دولت متقاضی عنه باید کلیه هزینه های تشریفات ناشی از اجرای درخواست استرداد در قلمرو صلاحیت خود را پرداخت نماید.

۲- دولت متقاضی عنه همچنین کلیه هزینه های مربوط به توقیف یا تحویل اموال یا دستگیری یا بازداشت شخصی که استرداد وی در خواست شده است را مشروط به اینکه در قلمرو وی محقق شده باشد را پرداخت می کند.^{۱۸}

۳- دولت متقاضی هزینه های ناشی از حمل و نقل شخص از سرزمین دولت متقاضی عنه از جمله هزینه های انتقال را پرداخت می کند.

^{۱۷} - برخی کشورها ممکن است بخواهند دلایل دیگری را برای عدم پذیرش استرداد مورد قبول قرار دهند که اغلب سبب رد درخواست استرداد می شود. از قبیل دلایلی که مربوط به ماهیت جرم است (بطور مثال سیاسی، مالی، نظامی) یا به وضعیت شخص مربوط است (بطور مثال اتباع خود) علاوه بر این کشورها ممکن است بخواهند تابعیت را مبنای رد درخواست انتقال محسوب نمایند.

^{۱۸} - برخی از دولتها ممکن است بخواهند پرداخت هزینه های ایجادشده را بعنوان نتیجه رد درخواست استرداد یا دیگری موقت در نظر بگیرند. ممکن است مواردی باشد که حسب مشورت بین دول متقاضی و متقاضی عنه پرداخت هزینه های غیر متعارف توسط دولت متقاضی صورت گیرد. بویژه در پرونده های پیچیده که در آن اختلاف قابل توجهی در منابعی که در دسترس دو دولت قرار دارد وجود داشته باشد [به متن رجوع شود، ص ۱۷۲].

ماده ۱۸: موارد نهایی

۱- این معاهده منوط به [تصویب، قبول یا الحاق] است. اسناد [تصویب، قبول، یا الحاق] باید در اسرع وقت مبادله شود.

۲- این معاهده از سی امین روز پس از تبادل اسناد [تصویب، قبول، یا الحاق] از قدرت اجرایی برخوردار می گردد.

۳- این معاهده در خصوص درخواستهایی که پس از تاریخ لازم الاجرا شدن آن به اجرا درمی آید، هرچند افعال یا ترک فعلهای ذیربط قبل از آن تاریخ بوقوع پیوسته باشد،

۴- هر یک از طرفین این معاهده، میتواند، با ارسال یک اعلامیه کتبی به طرف دیگر به این معاهده خاتمه دهد. این اعلام ختم معاهده، پس از انقضاء شش ماه از تاریخی که این اعلام بوسیله طرف دیگر دریافت گردیده است، از قدرت اجرایی برخوردار می گردد.

بمنظور تأیید مراتب فوق، امضاءکنندگان ذیل که از طرف دولتهایشان دارای صلاحیت می باشند، این معاهده را امضاء نمودند.

منعقدشده در تاریخ

محل

به زبان و]

هر دو / کلیه [متون دارای اعتبار یکسان است.

۵- معاهده نمونه در زمینه همکاری دوجانبه در قلمرو کیفری است.^{۱۹}

دولت.....
دولت.....

با علاقه شدید به توسعه هر چه بیشتر مساعی فیما بین در زمینه همکاری، در خصوص مبارزه با جرم به شرح ذیل موافقت کردند.

ماده ۱- قلمرو اجرا^{۲۰}

۱- طرفین باید طبق معاهده حاضر، در روابط فیما بین گسترده ترین تدابیر را در زمینه همکاری دوجانبه در قلمرو تحقیقات مقدماتی یا رسیدگی در خصوص جرایم مزبور و کیفر زیربط که در زمان درخواست همکاری، داخل در صلاحیت مقامات ذیصلاح دولت متقاضی است را به اجرا در آوردند.

۲- همکاری دوجانبه حسب این معاهده می تواند شامل موارد زیر گردد:

الف: اخذ دلیل یا اظهارات از اشخاص

۱۷- قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۷ مجمع عمومی که بوسیله قطعنامه ۵۳/۱۱۲ اصلاح گردیده است. ویرایش حاضر از معاهده نمونه در زمینه همکاری دوجانبه در قلمرو کیفری این ویرایش از «خلاصه» آمده است ماحصل تلفیق معاهده نمونه ای است که در سال ۱۹۹۰ بوسیله مجمع عمومی از قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۷ اصلاحی که در سال ۱۹۹۸ در قطعنامه شماره ۵۳/۱۱۲ صورت گرفته است.

۱۸- علاوه بر قلمرو همکاری که باید تعیین شود از قبیل مقررات مربوط به اطلاعات مربوط به مجازات تعیین شده برای اتباع طرفین، باید بصورت دوطرفه مشخص شود بدیهی است این همکاری با قوانین دولت متقاضی عنه مطابقت داشته باشد.

ب: همکاری در زمینه در دسترس نگهداشتن اشخاص بازداشت شده یا سایر اشخاص با هدف ارائه دلیل یا همکاری در تحقیقات مقدماتی

ج: اعتبار بخشیدن به اسناد قضایی.

د: اجرای تجسس و توقیف اشیاء

ه: معاینه اشیاء و اماکن

و: جمع آوری اطلاعات و ادله .

ز: تهیه اصول یا تصاویر مصدق اسناد و سوابق ذیربط شامل سوابق بانکی، مالی، شرکتی یا تجاری

۲- این معاهده در مورد ذیل به اجرا در نمی آید:

الف: دستگیری یا بازداشت هر شخص بمنظور استرداد

ب: اجرای احکام کیفری دولت متقاضی در دولت متقاضی
عنه با رعایت محده ای که بوسیله قانون دولت متقاضی
عنه و ماده ۱۸ این معاهده اجازه داده شده است.

ج: انتقال اشخاص بصورت در توقیف بمنظور اجرای مجازات

د: انتقال دادرسی در قلمرو کیفری
ماده ۲^{۲۱}:

سایر شرایط جز در مواردی که طرفین به گونه دیگری توافق کرده اند، این معاهده تعهدات بین طرفین اعم از اینکه ناشی از سایر معاهداتی، یا شرایط یا چیز دیگری باشد را تحت تأثیر قرار نمی دهد.

ماده ۳: تعیین مقامات مسئول

هر طرف یک مقام یا چند مقام مسئول را تعیین خواهد کرد تا بوسیله و از طریق آنها خواستهایی موضوع این معاهده ارسال یا دریافت شود.

ماده ۴: عدم پذیرش درخواست همکاری.^{۲۲}

^{۲۱} - ماده ۲ استمرار همکاری اطلاعاتی فیما بین ارگانهای اجرای قانون (نیروی انتظامی) یا ارگانهای مشترک در کشورهای مختلف را به رسمیت می شناسد.

۱- همکاری ممکن است در موارد ذیل پذیرفته نشود:^{۲۳}
الف: دولت متقاضی عنه بر این عقیده باشد که در صورت پذیرش درخواست حاکمیت، امنیت، نظم عمومی یا منافع عمومی اساسی وی در معرض خطر قرار میگیرد.
ب: جرم ذیربط از نظر دولت متقاضی عنه دارای ماهیت سیاسی باشد.

ج: دلایل کافی برای این اعتقاد و جود داشته باشد که درخواست همکاری در خصوص یک شخص بابت مسایل مربوط به نژاد، جنسیت، مذهب، تابعیت، ریشه قومی، عقاید سیاسی صورت پذیرفته است یا وضعیت آن شخص براساس هر یک از دلایل مزبور در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

د: در خواست مزبور مربوط به جرمی است که تعقیب آن در دولت متقاضی مغایر قوانین دولت متقاضی عنه در زمینه منع محاکمه و مجازات مجدد است.

ه: درخواست همکاری مزبور برای دولت متقاضی الزاماتی ایجاد می کند که مغایر قوانین و رویه قضایی علی در خصوص جرم موضوع تحقیقات مقدماتی یا تعقیب تحت صلاحیت آن باشد.

و: عمل محرمانه مشمول قوانین نظامی ای که حسب قوانین کیفری غیراختصاصی ضبغه کیفری نداشته باشد، باشد.

۲- در خواست همکاری صرفاً به استناد اصل محرمانه بودن بانکها یا سایر مؤسسات مالی مشابه نمی تواند مورد پذیرش قرار نگیرد.

۳- دولت متقاضی عنه میتواند موقتاً اجرای درخواست را به تعویق اندازد مشروط بر اینکه اجرای فوری سبب

^{۲۲} - فهرست مشروح دلایل عدم پذیرش را بیان نموده است.

^{۲۳} - برخی از کشورها ممکن است بخواهند برخی از این مقررات را حذف، اصلاح کنند یا دلایل دیگری را در زمینه عدم پذیرش از قبیل آنهایی که ب ماهیت جرم مرتب است (مانند جرایم مالی)، طبیعت مجازات قابل اجرا (بطور مثال کیفر اعدام) شرط و جود مفاهیم مشترک (بطور مثال صلاحیت دوگانه، مرور زمان یا انواع خاص همکاری) بطور مثال عدم کاربرد ارتباطات از راه دور، کاربرد آزمایش دی اکسی ری بونوکلیئیک اسید (D.N.A)). کشورها می توانند در صورت آسانتر بودن نسبت به همکاری اقدام کنند هر چند عملی که مبنای درخواست قرار گرفته است در دولت متقاضی عنه جرم نباشد (عدم مجرمیت دوگانه) کشورها ممکن است شرط مجرمیت دوگانه را در برخی از انواع همکاری به مواردی از قبیل تجسس و توقیف اشیاء محدود کنند.

خداشه به تحقیقات در حال انجام یا تعقیب در دولت متقاضی عنه گردد.

۴- قبل از عدم پذیرش درخواست یا تأخیر در اجرای آن، دولت متقاضی عنه این مسئله را که آیا امکان پذیرش درخواست با برخی شرایط وجود دارد یا نه را بررسی خواهد کرد. چنانچه دولت متقاضی همکاری با شرایط مزبور را بپذیرد، درخواست همکاری بین آن دو با رعایت شرط مزبور به اجرا درمی آید.^{۲۴}

۵- دلایل هر رد یا تأخیر در زمینه همکاری دو جانبه باید به طرف دیگر ارائه گردد.

ماده ۵- مندرجات درخواست

۱- درخواستهای همکاری باید حاوی موارد ذیل باشد:^{۲۵}
الف: مشخصات شناسنامه ای مأمور دولت متقاضی و مقام صالحی که مسئول تحقیقات مقدماتی یا محاکمه در خصوص موضوعات مرتبط با درخواست است.

ب: هدف از درخواست و شرح مختصری از همکاری موردنظر
ج: توصیف عملی که تشکیل دهنده جرم مزبور است و درج متن قوانین مرتبط، جز در مواردی که درخواست برای اجرای اسناد است.

د: مشخصات شناسنامه ای و نشانی شخصی که در مواقع ضروری می توان با وی تماس گرفت.

ه: دلایل ذیربط و جزئیات کلیه تشریفات اختصاصی یا الزاماتی که باید اجرا شود از قبیل بیان اینکه آیا باید سوگند اخذ شود یا خیر یا دلایل باید مورد قبول قرار گیرد یا خیر یا هر بیان دیگری که موردنیاز است.

د: تعیین دقیق محدوده زمانی ای که در آن اجرای درخواست مطلوب است.

^{۲۴} - دولتها باید با رعایت ماده ۲۱ قبل از رد یا تأخیر در همکاری، با هم مشورت نمایند.
^{۲۵} - این فهرست میتواند در گفتگوی دوجانبه کاهش یا افزایش یابد.

ز: و سایر اطلاعات مشابهی که برای اجرای بهتر درخواست ضروری است.

۲- درخواستها، اسناد تأیید کننده یا سایر تعاملات مبتنی بر معاهده حاضر باید منضم به ترجمه آن به زبان دولت متقاضی عه یا زبان دیگر قابل پذیرش برای آن دولت باشد.^{۲۶}

۳- چنانچه دولت متقاضی عه اطلاعات مندرج در درخواست برای پذیرش درخواست را ناقص بداند، این می تواند اطلاعات تکمیلی را بخواهد.

ماده ۶: اجرای درخواست^{۲۷}

با رعایت ماده ۲۰ این معاهده درخواست های همکاری باید در اسرع وقت با روشی که بوسیله و از طریق قوانین و رویه قضایی دولت متقاضی عه تعیین شده است، به اجرا درآید. در مواردی که دولت متقاضی عه درخواست را منطبق با قوانین خود بداند، باید درخواست را با روشی که بوسیله دولت متقاضی مشخص گردیده است، به اجرا درآورد.^{۲۸}

ماده ۷:

اعاده اشیاء به دولت متقاضی عه هر مال همچنین اصراء، اسناد یا سوابقی که حسب امر و معاهده دولت متقاضی تحویل گردیده است باید در اسرع وقت به دولت متقاضی عه اعاده شود، مگر اینکه دولت اخیر از این حق اعاده اعلام انصراف کرده باشد.

^{۲۶} - کشورها ممکن است مقرر کنند درخواست مزبور با ابزارهای جدید ارتباطی شامل، بویژه در موارد فوری، درخواستهای شفاهی که متعاقباً بصورت کتبی مورد تأیید قرار خواهد گرفت صورت پذیرد.

^{۲۷} - مقررات تفصیلی بیشتر ممکن است در ارتباط با ضوابط مربوط به اطلاعاتی در باب زمان و محل اجرای درخواست و الزام دولت متقاضی عه به مطلع کردن فوری دولت متقاضی در مواردی که یک تأخیر قابل توجه اجتناب ناپذیر است یا مواردی که تصمیم اتخاذ شده با درخواست نامنتطبق است یا دلایل عدم پذیرش، گنجانده شود.

^{۲۸} - دولت متقاضی عه باید اجرای چنین دستوراتی را تضمین کند از قبیل دستورات قضایی که برای اجرای درخواست از ضرورت برخوردار است کشورها همچنین می تواند بخواهند با رعایت قانونگذاری ملی به نمایندگی یا اصالتاً به حساب یا در رلستای منافع دولت متقاضی طبق تشریفات قانونی لازم برای تضمین این دستورات اقدام نمایند.

ماده ۸^{۲۹} : محدودیت بهره برداری

جز در مواردی که بصورت دیگر مورد توافق قرار گرفته است، دولت متقاضی نباید بدون رضایت دولت متقاضی عنه، اطلاعات یا دلایل کسب شده توسط دولت متقاضی عنه را برای تحقیقات مقدماتی یا صدور حکم غیر از مواردی که در درخواست مندرج است مورد استفاده قرار داده. در اختیار دیگری بگذارد. مع الوصف در پرونده هایی که اتهام کیفری تغییر مییابد اطلاعات یا دلایل کسب شده ممکن است در غیر مورد جرم مزبور مورد استفاده قرار گیرد منظور از اتهام جرمی است که با توجه به همکاری دوجانبه باید طبق این معاهده مورد بررسی قرار گیرد.

ماده ۹ : محرمانه تلقی کردن^{۳۰}

حسب درخواست:

الف: دولت متقاضی عنه نهایت مساعی خود برای عدم افشاء اصل درخواست، مندرجات آن، و اسناد تأیید کننده آن به همین نحو این واقعیت که با این همکاری موافقت گردیده است بعمل خواهد آورد. چنانچه اجرای درخواست بدون نقض اصل محرمانه بودن امکانپذیر نباشد، دولت متقاضی عنه باید این موضع را به اطلاع دولت متقاضی برساند تا متعاقباً شیوه اجرای درخواست تعیین گردد.

ب: دولت متقاضی اطلاعات و دلایل تحصیل شده بوسیله دولت متقاضی عنه را محرمانه تلقی خواهد کرد مگر در حدودی که اطلاعات و دلایل مزبور بمنظور تحقیقات مقدماتی یا صدور حکم حسب مندرجات درخواست، موردنیاز باشد.

ماده ۱۰- تحویل اسناد^{۳۱}

^{۲۹} - برخی کشورها ممکن است بخواهند ماده ۸ را حذف یا اصلاح نمایند بطور مثال آنرا محدود به جرایم حالی نمایند یا قلمرو استفاده از دلیل را محدود به مواردی نمایند که دولت متقاضی عنه خواستار اثر خاص ذریبط باشد.

^{۳۰} - مقررات راجع به محرمانه تلقی کردن مندرجات درخواست، برای کشورها از اهمیت برخوردار است. ولی ممکن است سبب تولید مشکل برای برخی دیگر شود محتوای مقررات در معاهدات محرمانه (Indidualtreqties) باید در مذاکرات دوجانبه بررسی و تعیین شود.

۱- دولت متقاضی عنه اسنادی که بدین منظور بوسیله دولت متقاضی تحویل شده است را تحویل خواهد نمود.

۲- درخواست ابلاغ اظهاریه ها، باید به دولت متقاضی عنه حداقل [....] ^{۳۲} روز قبل از تاریخی که حضور شخص [در مرجع قضایی دولت متقاضی] ضروری است صورت پذیرد. در موارد اضطراری، دولت متقاضی عنه می تواند از شرط زمانی مزبور صرفنظر نماید.

ماده ۱۱- تحصیل دلیل^{۳۳}

۱- دولت متقاضی عنه با رعایت قوانین خود و حسب درخواست، نسبت به اخذ سوگند و شهادت اقدام می کند یا سایر اظهارات اشخاص ذیربط را اخذ کرده یا از اشخاص مزبور جزئیات دلایل را بمنظور انعکاس به دولت متقاضی جمع آوری می کند.

۲- حسب درخواست دولت متقاضی، اطراف رسیدگی ذیربط در دولت متقاضی نمایندگان قانونی آنها و نمایندگان دولت متقاضی ممکن است با رعایت قوانین و آئین دادرسی دولت متقاضی عنه، در زمان رسیدگی حاضر شوند.^{۳۴}

ماده ۱۲- اختیارات یا تکالیف ناشی از خودداری از تحویل دلایل

۱- شخصی که بمنظور ارائه دلیل در دولت متقاضی عنه یا متقاضی دعوت شده است می تواند در هر یک از موارد ذیل از ارائه دلایل امتناع نماید.

^{۳۱} - مقررات تفصیلی بیشتر در زمینه تحویل اسناد از قبیل قرارها و احکام قضایی می تواند حسب توافق تعیین شود. می توان مقرراتی در خصوص تحویل اسناد بوسیله پست یا سایر روشها و شیوه اثبات تحویل اسناد وضع نمود. برای مثال اثبات تحویل می تواند از طریق رسید مورخ و امضاء شده بوسیله شخص ذیصلاح یا بوسیله اعلامیه ای که بوسیله دولت متقاضی عنه منبئ بر اینک اسناد ابلاغ شده است با پیش بینی یک فرم و تاریخ چنین تحویل ابلاغ صورت پذیرد. یکی یا الباقی این اسناد ممکن است فوری به دولت متقاضی فرستاده شود. دولت متقاضی عنه، چنانچه دولت متقاضی همچنین بخواهد، میتواند مواردی که تحویل حسب قانون دولت متقاضی عنه انجام شده تلقی می گردد را بیان کند. چنانچه تحویل محقق نشده باشد دلایل ذیربط باید فوری بوسیله دولت متقاضی عنه به دولت متقاضی ارائه گردد.

^{۳۲} - با توجه به بعد مسافت و شرایط ذیربط

^{۳۳} - ماده ۱۱ مربوط به تحصیل دلیل در رسیدگی های قضایی اخذ اظهارات اشخاص با تشریفات رسمی کمتر و سازماندهی و تنظیم دلایل است [به متن رجوع شود ص ۱۷۹]

^{۳۴} - حتی الامکان و طبق اصول اساسی حقوق داخلی، طرفین ممکن است گواهی، اظهارات یا سایر اشکال همکاری از طریق خطوط ویدئو یا سایر وسایل جدید ارتباطی تجویز نموده و خدشه به این موارد را جرم انگاری نمایند.

است یا زودتر از موعد در مواردی که حضور بیشتر شخص ضروری نیست، برگرداند.

۳- در مواردی که دولت متقاضی عنه به دولت متقاضی توصیه نماید که نگهداری شخص انتقال یافته در بازداشت دیگر ضرورتی ندارد این شخص ممکن است آزاد گردیده و از مصادیق اشخاص مندرج در ماده ۱۴ این معاهده تلقی شود.

ماده ۱۴: دسترسی به سایر اشخاص با هدف ارائه دلیل یا همکاری در تحقیقات مقدماتی^{۲۷}

۱- دولت متقاضی ممکن است از دولت متقاضی عنه درخواست کند از شخص در موارد ذیل دعوت بعمل آورد:

الف: در رسیدگی مربوط به یک موضوع کیفری در دولت متقاضی حاضر شود مگر اینکه این شخص همان شخصی باشد که در معرض اتهام است یا

ب: همکاری در تحقیقات مقدماتی مربوط به یک موضوع کیفری در دولت متقاضی.

۲- دولت متقاضی عنه از این شخص بمنظور حضور تحت عنوان شاهد یا کارشناس در رسیدگی یا همکاری در تحقیقات مقدماتی دعوت بعمل می آورد.

در مواردی که مناسب است دولت متقاضی عنه باید مطمئن شود که شرایط رضایت بخش برای تضمین امنیت شخص مزبور لحاظ گردیده است.

۳- در متن درخواست یا قرارها باید مبلغ تقریبی پیش پرداخت تعیین شود.

هزینه های سفر و هزینه های جانبی بوسیله دولت متقاضی قابل پرداخت است.

^{۲۷} - مقررات راجع به تأنذیه هزینه های شخصی که همکاری کرده است در پاراگراف ۳ ماده ۱۴ آمده است. جزئیات تکمیلی از قبیل مقررات راجع به پرداخت قبلی هزینه ها میتواند موضوع مذاکرات دوجانبه باشد.

۴- حسب درخواست، دولت متقاضی عنه ممکن است پیشاپیش این هزینه ها را به شخص بپردازد که در این صورت این هزینه ها باید توسط دولت متقاضی بازپرداخت گردد.

ماده ۱۵^{۳۸} رفتار

۱- با رعایت پارگراف ۲ از این ماده در مواردی که شخص متعاقب یک درخواست موضوع ماده ۱۳ یا ۱۴ این معاهده به دولت متقاضی تحویل شده باشد:

الف: آن شخص نباید بازداشت، تعقیب، مجازات شود و یا موضوع سایر محدودیت های وارد بر آزادی فردی در دولت متقاضی در زمینه هر فعل یا ترک فعل یا محکومیتی که سابق بر استرداد از دولت متقاضی عنه بوده است قرار گیرد.

ب: آن شخص در فقد رضایت نمی تواند ملزم به ارائه دلیل در موضوع رسیدگی یا همکاری در هر نوع تحقیقات جز در مورد رسیدگی تحقیقات مقدماتی که با درخواست مزبور مرتبط است، گردد.

۲- پاراگراف ۱ از این ماده به اجرا در نمی آید مشروط به اینکه شخص مزبور با وجود اختیار در ترک یا پس از انقضاء مدتی که به شخص بطور رسمی گفته شده است زمان حضورش خاتمه می یابد، دولت متقاضی را است ترک نکند یا در صورت ترک به اختیار به دولت متقاضی بازگشته باشد.

۳- شخصی که متعاقب ماده ۱۳ یا با پذیرش دعوت موضوع ماده ۱۴ بدان رضایت نداده باشد نباید بهر دلیل که باشد از نظر کیفری محکوم گردد یا موضوع تدابیر اجباری قرار گیرد حتی اگر مغایر این موضوع در درخواست یا قرار پیش بینی شده باشد.

^{۳۸} - مقررات مندرج در ماده ۱۵ ممکن است طریقه انحصاری حفظ دلایل مهم موضوع رسیدگی اعم از جرایم شدید ملی و فراملی باشد مع الوصف نظر به اینکه این مسئله ممکن است از برخی کشورها مشکل ساز باشد ملاک مندرجات این ماده با هر موضوع اضافات یا اصلاحات می تواند در مذاکرات دوجانبه تعیین شود.

ماده ۱۶ : مقررات راجع اسناد بدون طبقه بندی و سایر سوابق^{۳۹}

۱- دولت متقاضی عنه می تواند تصاویر اسناد و سوابق، را در صورت عدم ممنوعیت بعنوان قسمتی از بایگانی در دسترس عموم عادی یا به طریق دیگر تا جائیکه ممکن است این اسناد و سوابق را در معرض فروش یا رؤیت عموم قرار دهد.

۲- دولت متقاضی عنه ممکن است تصاویر سایر اسناد یا سوابق را در شرایط برابر با اسنادی که بوسیله مجریان قانون (نیروی انتظامی) یا مقامات قضایی تهیه و نگهداری می گردد، نگهداری نماید.

ماده ۱۷: شناسایی و توقیف اشیا^{۴۰}

دولت متقاضی عنه باید تا حدی که قوانین اجازه می دهد در خواستهای راجع به شناسایی و توقیف اموال و حمل و نقل و تحویل اشیاء بدست آمده را به دولت متقاضی بمنظور استفاده بعنوان دلیل را به اجرا درآورد مشروط به اینکه حقوق دارنده با حسن نیت رعایت گردد.

ماده ۱۸^{۴۱} عواید حاصل از جرم^{۴۲} "در این ماده به معنی هر مالی است که مظنون است یا اینکه به وسیله دادگاه ثابت شده است که از جمله اموالی است که بطور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی یا محصول ارتکاب جرم یا بدل ارزش اموال مزبور و سایر منافع ناشی از ارتکاب یک جرم است.

^{۳۹} - مسئله ای که ممکن است مطرح شود این است که آیا این موضوع باید صلاحیددی باشد یا خیر، مقررات ذیربط موقوف به مذاکرات دوجانبه است.

^{۴۰} - تزیینات دوجانبه ممکن است مقررات راجع به اطلاعات بدست آمده ناشی از شناسایی و توقیف اشیاء و نظارت بر شرایط مقرر در خصوص حمل و تحویل اموال توقیف کن را پوشش دهد.

^{۴۱} - پانسیونهای منظم به این ماده در شکل اولیه بهمان نحو که پروتکل اختیاری راجع به معاهده اختیاری در زمینه همکاری دوجانبه در قلمرو کیفری مربوط به عواید حاصل از جرم (بنگرید به قطعنامه شماره ۴/۱۱۷ مجمع عمومی) با عنایت به قطعنامه ۵۳/۱۱۲ ضمیمه ۱ پاراگراف ۱۵ حذف گردید.

^{۴۲} - همکاری در زمینه مصادره عواید حاصل از جرم به عنوان یک ابزار مهم در همکاری بین المللی برسمیت شناخته شده است. مقررات مشابه آنچه که در این ماده بدان تصریح گردیده است در تعدادی از معاهدات همکاری دوجانبه نیز به چشم می خورد. مقررات تفصیلی میتواند بوسیله ترتیبات دوجانبه در نظر گرفته شود. یک موضوع که باید مدنظر قرار گیرد نیاز به مقررات تکمیلی در زمینه مسائل مربوط به رازداری بانکی است باید مقرراتی درباره نحوه تقسیم عواید حاصل از جرم بین طرفین قرار داد و ملاحظات در خصوص مصرف عواید براساس مواد خاص در نظر گرفته شود.

۲- دولت متقاضی عنه، حسب درخواست باید نهایت مساعی خود را بمنظور ارزیابی این موضوع که آیا عواید مندرج در درخواست، در قلمرو صلاحیت وی قرار دارد یا خیر بعمل آورد و نتایج تحقیقات خود را به دولت متقاضی اعلام نماید. در تنظم درخواست، دولت متقاضی به دولت متقاضی عنه مبانی اعتقاد خود مبنی بر اینکه چنین عوایدی در قلمرو صلاحیتش است را بیان می نماید.

۴- متعاقب درخواست موضوع پارگراف ۲ از این ماده دولت متقاضی عنه مساعی خود بمنظور ردیابی دارایی، بررسی معاملات مالی و تحصیل سایر اطلاعات یا دلایلی که ضبط عواید حاصل از جرم را تضمین نماید، را بعمل خواهد آورد.

۴- در مواردی که حسب پاراگراف ۲ از این ماده، عواید مشکوک حاصل از جرم، بدست آید، دولت متقاضی عنه طبق درخواست تدابیر مشابهی را که بموجب قوانین اش مجاز است، بمنظور جلوگیری از هر گونه معامله، انتقال یا مصرف عواید مشکوک ناشی از جرم، تا قبل از زمان تعیین تکلیف قطعی موضوع این عواید توسط دادگاه دولت متقاضی بعمل می آورد.

۵- دولت متقاضی عنه، در قلمرویی که بوسیله قانونش تجویز گردیده است، تصمیمات قطعی راجع به ضبط و مصادره عواید حاصل از جرم که بوسیله دولت متقاضی صادر گردیده است را معتبر محسوب یا اجازه اجرای آنرا می دهد. یا سایر امکانات مناسبی که سبب ضبط این عواید پس از درخواست دولت متقاضی گردد را فراهم می نماید.^{۴۳}

^{۴۳} - طرفین ممکن است دامنه این ماده را با درج جبران خود و زیان بزه دیده و دریافت جرایم نقدی ای که بعنوان مجازات در تعقیب کفوری در نظر گرفته شده است را نیز درج کنند.

ماده ۱۹ تأییدیه و اعتبار^{۴۴}

درخواست همکاری و اسناد تأیید شده، همچنین اسناد یا سایر موضوعاتی که در پاسخ، به چنین درخواستی تقدیم می گردد. نیازمند تأییدیه یا اعتبار نیست.

ماده ۲۰ هزینه ها^{۴۵}

هزینه های عادی اجرای درخواست باید بوسیله دولت متقاضی عهده پرداخت شود مگر اینکه طرفین بنحو دیگری توافق کرده باشند. چنانچه هزینه های معتنا به یا غیرعادی برای اجرای درخواست موجود یا در آینده ضروری باشد طرفین باید قبلاً در خصوص تعیین اوصاف یا شرایطی که حسب آن این درخواست باید به اجرا درآید همچنین نحوه پرداخت هزینه ها با هم مشورت نمایند.

۲- این معاهده از سی امین روز پس از روزی که اسناد راجع به

[تصویب، قبول، الحاق] مبادله گردید قدرت اجرایی می یابد.

۳- این معاهده در خصوص درخواستهایی که پس از به اجرا درآمدن معتبر است اگرچه افعال یا ترک فعلهای ارتكابی مربوط به زمان قبل از آن تاریخ باشد.

۴- هر یک از طرفین قرارداد می تواند با یک اعلام کتبی به طرف دیگر خاتمه این قرارداد را اعلام کند این اعلامیه ختم شش ماه پس از تاریخی که آن بوسیله طرف دیگر وصول گردید مؤثر است.

^{۴۴} - قوانین برخی کشورها پذیرش اسناد ارسالی از سایر کشورها را منوط به نظریه دادگاه در خصوص اعتبار آن اسناد می داند. در چنین مواردی ضرورت دارد این شرط مدنظر قرار گیرد.

^{۴۵} - مقررات تفصیلی ممکن است درج شود. برای مثال دولت متقاضی عهده هزینه های معمولی اجرای درخواست همکاری مثل آن هزینه هایی که دولت متقاضی باید آنرا متقبل شود:

الف) هزینه های انتسابی یا غیر عادی موردنیاز برای اجرای درخواست در مواردی که بوسیله دولت متقاضی عهده و در چهارچوب مذاکرات قبلی ضروری دانسته شده است .

ب) هزینه های حمل و انتقال به یا از سرزمین دولتی متقاضی عهده و بطورکلی هر گونه حق الزحمه یا پیش پرداخت یا هزینه های قابل پرداخت به شخص در مواردی که دولت متقاضی حسب ماده ۱۱، ۱۲ یا ۱۴ درخواست کند.

ج) هزینه های تبعی حمل و انتقال مأمورین همراه با مراقب
د) هزینه احذ نظریه از کارشناس

۲۶- معاهده نمونه در زمینه انتقال دادرسی در قلمرو کیفری^{۴۶}
دولت..... و

.....
با علاقه شدید به توسعه تعامل بین المللی و همکاری دو
جانبه در زمینه عدالت کیفری، براساس اصول احترام به
حاکمیت و صلاحیت و عدم مداخله در امور داخلی دولتها.
با اطمینان به اینکه چنین همکاری باید سبب پیشبرد
اهداف عدالت، سازگاری مجدد مرتکبین جرایم و لحاظ
منافع بزه دیدگان گردد.

با پذیرش اینکه انتقال دادرسی در قلمرو کیفری سبب
اجرای مؤثر عدالت و زمینه ساز تقلیل موارد تعارض در
صلاحیتها می گردد.

با آگاهی از اینکه انتقال دادرسی در قلمرو کیفری
در کاهش موارد بازداشت قبل از محاکمه مؤثر و النهایه
سبب تقلیل جمعیت زندان می گردد.

با اعتقاد راسخ به اینکه انتقال دادرسی در قلمرو
کیفری باید گسترش یابد. به شرح ذیل توافق نمودند:

ماده ۱: قلمرو اجرا

۱- در مواقعی که حسب قوانین دولتی که عضو این
قرارداد است شخص مظنون به ارتکاب جرم محسوب گردد، آن
دولت در صورتی که اجرای مناسب عدالت ایجاب نماید، از
دولت دیگری که عضو این قرارداد است، درخواست میکند
که در خصوص این جرم رسیدگی کند.

۲- در چهارچوب اجرای این معاهده، طرفین قرارداد،
تدابیر قانونگذاری مناسب بمنظور تضمین اینکه درخواست
دولت متقاضی در زمینه رسیدگی، به دولت متقاضی عنه
اجازه اعمال صلاحیت در موارد ضروری را اعطا می کند
را در نظر می گیرند.

^{۴۶} - قطعنامه مجمع عمومی شماره ۴۵/۱۱۸ پیوست.

ماده ۲: شیوه های ارتباط

درخواست رسیدگی باید بصورت کتبی تنظیم گردد. اصل درخواست و اسناد تأیید کننده و ارتباطات بعدی باید از طریق مجاری دیپلماتیک مستقیماً بین وزرای دادگستری یا هر مقام ذیصلاحی که توسط طرفین تعیین گردیده است صورت پذیرد.

ماده ۳: اسناد موردنیاز

۱- درخواست رسیدگی باید شامل یا منضم به اطلاعات زیر باشد:

الف: مقامی که درخواست را ارائه کرده است.

ب: توصیف عملی که مبنای درخواست انتقال دادرسی قرار گرفته است شامل زمان و محل ارتکاب جرم

ج: بیان ماحصل تحقیقاتی که سبب ظن به ارتکاب جرم گردیده است.

د: مقررات دولت متقاضی در زمینه جرم تلقی نمودن عمل مزبور

ه: اعلام دقیق مشخصات شناسنامه ای، تابعیت و محل اقامت شخص مظنون

۲- اسنادی که بمنظور اثبات مندرجات درخواست رسیدگی ارائه گردیده است باید منضم به ترجمه آن به زبان دولت متقاضی عنه یا زبان دیگری که برای آن دولت قابل پذیرش است، باشد.

ماده ۴: تأییدیه و اعتبار

با رعایت قانون ملی مشروط به اینکه طرفین به طریقه دیگری تصمیم نگرفته باشند، یک درخواست رسیدگی و اسناد مؤید آن، همچنین اسناد یا سایر موضوعاتی که در

پاسخ به چنین درخواستی ارائه می‌گردد، نیازمند تأیید یا اعتبار نیست.^{۴۷}

ماده ۵: تصمیم در زمینه درخواست مقامات ذیصلاحیت دولت متقاضی عنه، باید اقداماتی که برای اجرای درخواست رسیدگی با هدف اجرای بی‌نقص آن ضرورت دارد حتی المقدور بصورت کامل حسب قوانین خود بعمل آورند و باید فوری تصمیم خود را در این زمینه را به دولت متقاضی اطلاع دهند.

ماده ۶: مجرمیت دوجانبه فقط درخواست رسیدگی ای باید مورد پذیرش قرار گیرد که عمل مبنای درخواست جرم تلقی و مشروط به اینکه در سرزمین دولت متقاضی ارتکاب یافته باشد.

ماده ۷: دلایل عدم پذیرش (رد) چنانچه دولت متقاضی از پذیرش درخواست انتقال دادرسی خودداری نماید، باید دلایل رد را به دولت متقاضی اعلام نماید.

درخواست ممکن است در موارد ذیل رد شود:^{۴۸}
الف: شخص مظنون تبعه دولت متقاضی نباشد یا بصورت عادی در دولت متقاضی عنه سکونت نداشته باشد.
ب: عمل حسب قوانین نظامی جرم باشد، مشروط به اینکه عمل مزبور حسب قانون کیفری عمومی (غیر اختصاصی) جرم نباشد.

ج: جرم مرتبط با امور مالیاتی، تکالیف، امور گمرکی یا مبادلات پولی نباشد.

ماده ۸: وضعیت شخص مظنون:
۱- شخص مظنون می‌تواند علاقه و رضایت خود به دادرسی در یکی از دو دولت را اعلام کند. این علاقه ممکن است

^{۴۷} - حسب قوانین برخی از کشورها قبل از ارائه اسناد از کشورهای دیگر ضرورت دارد اسناد مزبور توسط دادگاه هایشان مورد پذیرش قرار گیرد، بنابراین در این موارد ضرورت دارد شرط ضرورت تأیید و اعتبار درج گردد.

^{۴۸} - حین مذاکرات براساس این معاهده دولتها میتوانند بخواهند دلایل دیگری برای رد، یا شرط دیگری را به این فهرست اضافه نمایند. برای مثال براساس ماهیت و شدت جرم، براساس حمایت از حقوق بشر اساسی یا ملاحظات نظم عمومی.

بوسیله نمایندگان قانونی یا خویشاوندان نزدیک شخص مظنون اعلام شود.

۲- قبل از تنظیم درخواست انتقال دادرسی، دولت متقاضی در صورتی که امکانپذیر باشد باید به شخص مظنون اجازه دهد دفاع خود در زمینه جرم موضوع اتهام و انتقال را بیان کند. مگر اینکه شخص مزبور متواری بوده یا به این طریق اجرای عدالت مخدوش گردد.

ماده ۹: حقوق بزه‌دیده

دولتهای متقاضی و متقاضی عنه باید ترتیبی اتخاذ نمایند که حقوق شخص بزه‌دیده بویژه حق وی در جبران خسارت یا دریافت غرامت، بر اثر انتقال دادرسی در مرض خطر قرار نگیرد. اگر در خصوص ادعای بزه دیده قبل از انتقال دادرسی، توافقی صورت نگیرد، دولت متقاضی عنه، به بزه‌دیده اجازه اقامه دعوی بدهد. مشروط به اینکه قوانین آن دولت چنین امکانی را پیش بینی کرده باشد. در صورت فوت بزه دیده این مقررات به همان نسبت در حق خویشاوندان متوفی به اجرا در خواهد آمد.

ماده ۱۰: آثار انتقال دادرسی در دولت متقاضی (اصل منع محاکمه و مجازات مجدد)

در صورت قبول دولت متقاضی عنه در زمینه درخواست مربوط به اجرای تشریفات رسیدگی علیه شخص مظنون، دولت متقاضی موقتاً باید تعقیب را به حالت تعلیق درآورد مگر تحقیقات مقدماتی ضروری شامل معاضدت قضایی به دولت متقاضی عنه، آنهم تا قبل از زمانی که دولت متقاضی عنه به دولت متقاضی اطلاع دهد که پرونده بصورت قطعی مختومه گردیده است. پس از این تاریخ، دولت متقاضی باید بطور قطعی از ادامه تعقیب در خصوص جرم مشابه خودداری کند.

ماده ۱۱: آثار انتقال دادرسی در دولت متقاضی عنه
۱- اجرای انتقال دادرسی حسب توافق باید مشمول
قوانین دولت متقاضی عنه باشد. دولت متقاضی عنه
هنگام تفهیم اتهام باید عناصر اختصاصی توصیف قانونی
جرم را بر مورد منطبق نماید. در مواردی که صلاحیت
دولت متقاضی عنه مستند به مقررات مندرج در پاراگراف
۲ ماده ۱ این معاهده است کیفر تعیین شده در این
دولت نباید شدیدتر از کیفر مقرر در قانون دولت
متقاضی باشد.

۲- تا جائیکه با قوانین دولت متقاضی عنه مغایرتی
وجود ندارد، هر اقدام در زمینه رسیدگی یا رعایت
الزامات آئین دادرسی ای که در دولت متقاضی حسب
قوانین این دولت صورت پذیرفته است در دولت متقاضی
عنه دارای اعتبار مشابه است و این اقدامات به مثابه
این است که در یا بوسیله مقامات ذیصلاح دولت متقاضی
عنه صورت پذیرفته است.

ماده ۱۲: تدابیر موقتی

دولت متقاضی در مواقعی که اراده خود مبنی بر
درخواست انتقال دادرسی را اعلام می نماید، دولت
متقاضی عنه، حسب درخواست مخصوصی که در این چهار چوب
بوسیله دولت متقاضی بعمل می آید، حسب قوانین اش
تدابیر موقتی از قبیل بازداشت موقت یا توقیف موقت
اشیاء، را به اجرا درخواهد آورد مشروط به اینکه
جرمی که در درخواست انتقال دادرسی درج شده است در
قلمرو سرزمینی دولت متقاضی صورت گرفته باشد.

ماده ۱۳: تعدد رسیدگی های کیفری

در مواقعی که رسیدگی های کیفری در زمان واحد در دو
یا چند دولت در خصوص شخص مظنون و جرم مشابه واحد در
جریان باشد، دولت های ذیربط ضمن مشورت در خصوص

اینکه کدامیک از آنها به تنهایی رسیدگی را انجام دهد
تصمیم می گیرند توافقی که در این زمینه صورت می
گیرد باید مشمول آثار درخواست انتقال دادرسی باشد.

ماده ۱۴: هزینه ها

هزینه هایی که طرفین قرارداد به سبب انتقال دادرسی
به عمل می آورند بازپرداخت نمی گردد مگر اینکه خلاف
آن مورد موافقت هر دو طرف قرارداد قرار گرفته باشد.

ماده ۱۵: مقررات نهایی

۱- این معاهده مشروط به [تصویب - قبول یا الحاق]
است. اسناد [تصویب - قبول یا الحاق] باید در اسرع
وقت مبادله گردد.

۲- این معاهده پس ازسی امین روز بعد از تبادل
اسناد [تصویب - قبول یا الحاق] از قدرت اجرایی
برخوردار خواهد گردید.

۳- این معاهده در خصوص درخواستهای پس از زمان قدرت
اجرایی یافتن به اجرا درمی آید اگرچه افعال یا ترک
فعلهای ذیربط مربوط به زمان قبل از این تاریخ باشد.

۴- هر یک از دو طرف می تواند بصورت کتبی خاتمه این
معاهده را به طرف دیگر اعلام نماید این اعلامیه شش ماه
بعد از تاریخ وصول توسط طرف دیگر معتبر خواهد بود.

بنظور تأیید مراتب فوق امضاء شدگان زیر که از طرف
دولتهایشان دارای صلاحیت می باشند این معاهده را
امضاء کردند.

منقعه در تاریخ..... در
محل.....

به زبان..... و [هر دو / کلیه]
حقوق دارای اعتبار یکسان است.

۲۷-توافقنامه نمونه در زمینه انتقال زندانیان خارجی^{۴۹} توصیه های در خصوص درمان زندانیان خارجی^{۵۰}

هفتمین کنگره ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین.

با التفات به قطعنامه ۱۳ کنگره سازمان ملل متحد در زمین پیشگیری از جرم و درمان مجرمین.^{۵۱} که در آن بر علاقه اعضاء سازمان ملل متحد برای ایجاد آئین دادرسی ای که بدان وسیله انتقال مجرمین امکانپذیر گردد تاکید گردیده است .

باتصدیق مشکلات زندانیان در بازداشت در تأسیسات زندان که با شاخصهایی از قبیل اختلاف در زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، و مذهب قابل شناسایی است با لحاظ اینکه هدف سازگاری اجتماعی مجرمین، با اعطاء اختیار به زندانیان خارجی در زمینه سپری کردن مجازات در کشور متبوع یا محل اقامت بهتر بدست می آید. با اعتقاد به اینکه ایجاد آئین دادرسی راجع به انتقال زندانیان خواه بصورت دوجانبه یا چند جانبه از مطلوبیت فوق العاده برخوردار است.

⁴⁹ -Seventh united Nations congress on the prevention of crime and the treatment of offenders Milan, 26 August – 6 September 1985: report prepared by the secretariat united nations publication chap.I.sect.D.1. annex I

⁵⁰ -Ibid annex II publication chapter

⁵¹ -Six united Nation congress on the prevention of crime and the treatment of offenders Caracas 25 August – 5 September 1980 report prepared by the secretion united Nations I.Sect B.

- با توجه به توافقات چند و دوجانبه بین المللی در زمینه انتقال زندانیان خارجی
- ۱- توافقنامه نمونه در زمینه انتقال زندانیان خارجی مندرج در ضمیمه ۱ این قطعنامه را مورد قبول قرار می دهند.
- ۲- توصیه های موضوع درمان زندانیان خارجی مندرج در ضمیمه ۲ زیر را به تصویب می رسانند.
- ۳- از دول عضو دعوت میکنند معاهده ای را با دولت های دیگر در موضوع انتقال زندانیان خارجی در کشورهایشان منعقد ننموده اند چنانچه بخواهند معاهده موجود را مورد تجدیدنظر قرار دهند در صورت اراده این موضوع، توافقنامه نمونه راجع به انتقال زندانیان خارجی ضمیمه این قطعنامه را مدنظر قرار می دهند.
- ۴- از مدیرکل خواسته می شود حسب درخواست در گسترش توافقات راجع به انتقال زندانیان خارجی، به دول عضو، مساعدت نماید و گزارش زیربط را با به کمیته پیشگیری از جرم و نظارت، تقدیم کند.

ضمیمه 1

توافق نمونه در زمینه انتقال زندانیان خارج
مقدمه

دولت..... و

دولت.....

با علاقه شدید به توسعه بیشتر همکاری دوجانبه در
قلمرو عدالت کیفری

با اعتقاد به اینکه این همکاری سبب دستیابی بیشتر به
اهداف عدالت و سازگاری اجتماعی اشخاصی که مجازات
درباره آنها اجرا شده می گردد.

با لحاظ اینکه این اهداف، نیازمند این است که
خارجیانی که از آزادی شان در نتیجه یک جرم محروم شده
اند، این فرصت به آنها داده می شود که مجازات خود را
در جامعه خود سپری کنند.

با اطمینان به اینکه این هدف با انتقال زندانیان
خارجی به کشورهایشان بنحو مطلوبتری بدست می آید:
با اذعان به اینکه رعایت کامل حقوق بشر، به همان نحو
که در اصول به رسمیت شناخته شده بین المللی مندرج است
باید تضمین گردد.

در موارد ذیل توافق کردند:

a. اصول کلی

بازسازی اجتماعی مجرمین باید از طریق تسهیلاتی که در
زمینه ی اعاده اشخاص محکوم به ارتکاب جرم در خارج
به کشور متبوع یا محل اقامت بمنظور سپری نمودن مجازات،
در اولین مرحله ممکن، ترویج گردد.

b. انتقال اشخاص باید براساس رعایت متقابل درخصوص

حاکمیت ملی و صلاحیت، ترویج شده به اجرا درآید.

۳- انتقال مجرمین در مواردی به اجرا درمی آید که
جرمی که سبب مجازات گردیده است قابل مجازات با کیفر

حبس توسط مقامات قضایی دولت فرستنده (تعیین کننده مجازات) و دولتی که انتقال به آن صورت می پذیرد (دولت اجرا کننده) با توجه به قوانین ملیشان باشد.

۴- انتقال ممکن است توسط دولت محکوم کننده مجازات یا دولت اجراکننده مجازات صورت گیرد. زندانی، همچنین خویشاوندان نزدیک وی، ممکن است علاقه خود به انتقال را به هر یک از این دو دولت اعلام نمایند. بمنظور نیل به این هدف، دولت‌های طرف قرارداد باید زندانی را از طریق مقامات ذیصلاح از این موضوع مطلع نماید.

۵- انتقال باید مسبوق به یک توافق بین هر دو دولت تعیین کننده مجازات و دولت اجراکننده مجازات باشد همچنین باید مبتنی بر رضایت زندانی باشد.

۶- زندانی باید بطور کامل از این امکان [شرط رضایت] و آثار قانونی انتقال بویژه در مورد اینکه آیا امکان تعقیب وی به دلیل سایر جرایم ارتكابی ماقبل انتقال وجود دارد یا نه، مطلع شود.

۷- باید به دولت تعیین کننده مجازات، امکان بررسی و اظهارنظر در خصوص وجود رضایت زندانی داده شود.

۸- هر مقرره مرتبط با انتقال زندانی باید در زمینه کیفر حبس قابل اجرا باشد. همچنین تدابیر راجع به اعمال مجازات که ماحصل آن محرومیت از آزادی است باید بدلیل ارتكاب یک رفتار کیفری، باشد.

۹- در مواردی که شخص بدلیل فقد اهلیت قادر به اعلام رضایت نباشد، نمایندگان قانونی او در خصوص اعلام رضایت بر انتقال ذیصلاحیت هستند.

دوم: سایر الزامات

۱۰- انتقال فقط برپایه یک مجازات قطعی و معین که دارای قدرت اجرایی است صورت می پذیرد.

۱۱- در زمان درخواست انتقال، به عنوان یک قاعده عمومی باید لااقل شش ماه از مدت محکومیت زندانی سپری نشده باشد با وجود این انتقال همچنین باید در خصوص مجازات های نامعین نیز به اجرا درآید.

۱۲- تصمیم راجع به انتقال زندانی باید بدون تأخیر اخذ گردد.

۱۳- شخص انتقال داده شده برای اعمال مجازات تعیین شده در دولت تعیین کننده مجازات نمی تواند برای بار دوم در دولت اجراکننده مجازات بابت رفتار مشابهی که مجازات مقرر در دستور اجرا برپایه آن تعیین شده است، مورد محاکمه قرار گیرد.

سوم: مقررات آئین دادرسی

۱۴- مقامات ذیصلاح دولت اجراکننده مجازات باید:
الف: فوراً (بطور مستقیم) یا از طریق دستور قضایی یا اداری، اجرای مجازات را پیگیری نمایند. یا
ب: مجازات را تبدیل نمایند بدین معنی که بجای مجازات تحمیل شده در دولت تعیین کننده مجازات ضمانت اجرایی که حسب قوانین دولت اجراکننده مجازات برای یک جرم هم عرض و مشابه منظور گردیده است تعیین نمایند.

۱۵- در مواردی که انتقال دادرسی سبب ادامه مجازات می شود، دولت اجراکننده مجازات، مأخوذ به ماهیت و مدت زمان مجازات به همان نحو که بوسیله دولت تعیین کننده مجازات مقرر گردیده است می باشد.

با این حال چنانچه، مجازات مزبور از حیث ماهیت یا زمان مغایر قانمون دولت اجراکننده باشد این دولت می تواند ضمانت اجرا یا مجازات یا تدبیر مقرر در قوانین خود در جرایم هم عرض و مشابه را مورد قبول قرار داده به اجرا درآورد.

۱۶- در موارد تبدیل مجازات، دولت اجراکننده مجازات با التفات جدی به مجازاتی که در دولت تعیین کننده مجازات معین گردیده است، اختیار دارد با توجه به قانون ملی خود ماهیت و زمان ضمانت اجرا را تعیین کند.

یک ضمانت اجرای سالب آزادی با این حال نمی تواند به یک ضمانت اجرایی مالی تبدیل گردد.

۱۷- دولت اجراکننده مجازات مأخوذ به وقایع اثبات شده به همان نحو که در حکم محکومیت در دولت تعیین کننده مجازات قید گردیده است می باشد.

۱۸- مدت زمان بازداشتی که قبلاً بوسیله شخص محکوم علیه در هر یک از دو دولت به اجرا درآمده است باید بطور کامل از میزان مجازات نهایی کسر گردد.

۱۹- انتقال در هیچ موردی سبب تشدید وضعیت زندانی نمی گردد.

۲۰- کلیه هزینه های ناشی از انتقال و مرتبط با حمل و نقل بر عهده دولت اجراکننده مجازات است مگر اینکه دو دولت تعیین کننده و اجراکننده مجازات به طریق دیگری توافق نمایند.

چهارم: اجرای مجازات و عفو

۲۱- اجرای مجازات مشمول قوانین دولت اجراکننده مجازات است.

۲۲- هر دو دولت تعیین کننده مجازات و اجراکننده مجازات صلاحیت اعطاء عفو و بخشودگی را دارند.

پنجم: شروط نهایی

۲۳- این توافقنامه در خصوص کلیه محکومیت ها خواه قبل یا بعد از قدرت اجرایی یا متن آن محقق شده باشد قابل اجراست.

۲۴- این توافقنامه باید به تصویب برسد. اسناد تصویب باید در اسرع وقت به.....سپرده شود.

۲۵- این توافقنامه در سی امین روز پس از روزی که اسناد تصویب مبادله گردیدند از قدرت اجرایی برخوردار می گردد.

۲۶- هر یک از طرفین قرارداد، میتواند ختم قرارداد را بصورت کتبی به.....اعلام کند. اعلام ختم قرارداد شش ماه بعد از تاریخی که اعلام آن بوسیله..... وصول گردید معتبر است. بمنظور تأیید مراتب فوق امضاءکنندگان زیر که از طرف دولتهایشان دارای صلاحیت میباشند این معاهده را امضاء کردند.

ضمیمه ۲

توصیه نامه در خصوص درمان زندانیان خارجی

۱- در تأسیسات زندان فقط بدلیل نوع تابعیت نباید مکان خاص برای زندانیان خارجی تعیین گردد.

۲- زندانیان خارجی همانند زندانیان ملی، باید دسترسی برابر به تحصیل، کار و آموزشهای حرفه ای داشته باشند.

۳- زندانیان خارجی باید علی الاصول استحقاق تعیین جایگزین های حبس، به مانند اتباع داخلی برخوردار باشند.

۴- زندانیان خارجی باید فوری پس از معرفی به زندان، به زبانی که میفهمند و اصولاً بصورت کتبی، از چهارچوبهای اصلی شیوه اداره زندان شامل قواعد ذیربط و مقررات آن اطلاع یابند.

۵- عقاید و فرایض مذهبی و آداب و رسوم زندانیان خارجی باید مورد احترام قرار گیرد.

۶- زندانیان خارجی بدون تأخیر باید از حق خود در زمینه درخواست ملاقات بامشاورین ذیصلاح همچنین سایر اطلاعات مربوط به وضعیت خود آگاه گردند اگر زندانی خارجی خواستار دریافت مساعدت از مقامات دیپلماتیک یا کنسولی گردد، زمینه ملاقات با این مقامات باید در اسرع وقت فراهم شود.

۷- زندانیان خارجی باید از یک معاضدت مناسب به زبانی که می فهمند در مواقع درمان یا آموزش بهره مند گردند از این قبیل است مواردی که مورد اعتراض زندانی است، انطباق با وضعیت های خاص، غذای ویژه، اظهارات مذهبی، و مشورت کردن.

۸- ملاقات زندانی خارجی با خانواده اش و نهادهای اجتماعی باید بوسیله تمهید کلیه فرصتهای ضروری ملاقات و مکاتبه با رضایت قبلی زندانی، تسهیل گردد. به سازمانهای بشردوستانه بین المللی از قبیل کمیته بین المللی صلیب سرخ، باید این امکان داده شود که به زندانیان خارجی کمک نمایند.

۹- انعقاد توافقات دویا چندجانبه در زمینه نظارت یا معاضدت به مجرمینی که مجازاتشان تعیین گردیده یا مشمول عفو گردیده اند می تواند در حل مشکلات فراروی مجرمین خارجی نقش مثبت ایفا کند.

۲۸- معاهده نمونه در زمینه واگذاری اختیارات بر مجرمینی که بصورت مشروط مجازات یا آزاد گردیده اند.^{۵۲}

دولت.....

ودولت.....

یا علاقه به تقویت بیشتر همکاری بین المللی و همکاری دو جانبه در زمینه عدالت کیفری براساس اصول احترام به حاکمیت ملی و صلاحیت و منع مداخله در امور داخلی دولتها

با اعتقاد به اینکه چنین همکاری ای در دستیابی بیشتر به اهداف عدالت، سازگاری مجدد اشخاص محکومیت یافته و منافع بزه دیدگان مؤثر است.

با اذعان به اینکه واگذاری اختیارات نظارت بر مجرمینی که بصورت مشروط مجازات یا آزاد شده اند می تواند در افزایش استفاده از جایگزین های زندان نقش مثبتی ایفا کند.

با آگاهی از اینکه این نظارت در کشور زادگاه مجرم بجای اجرای عدالت در کشوری که مجرم ریشه ای در آن ندارد، درسازگاری مجدد، سریع و مؤثر مجرم با جامعه اثر گذار است.

^{۵۲} - قطعنامه مجمع عمومی شماره ۴۵/۱۱۹ ضمیمه

با اطمینان بر اینکه بازپروری اجتماعی مجرمین استفاده زیاد از جایگزین های حبس باید از طریق ایجاد تسهیلات نظارت در زمینه مجرمینی که بصورت مشروط مجازات یا آزاد شده اند، در دولتشان یا اقامتگاه عادی شان گسترش یابد

به شرح ذیل توافق نمایند :

ماده ۱- قلمرو اجرا

۱- این معاهده در مورداشخاصی که حسب یک تصمیم قضایی نهایی به سبب ارتکاب جرم محکوم گردید به شرایط زیر به اجرا درمی آید:

الف) شخص مشمول آزادی مشروط از نوع تعویق اعلام مجازات گردیده باشد.

ب) مشمول یک مجازات تعلیق شده در زمینه سلب آزادی قرار گرفته باشد.

ج) مشمول یک مجازات، که حسب آن اجرای مجازات مور اصلاح قرار گرفته است (پارول) یا تمام یا قسمتی از مجازات، خواه در زمان تعیین مجازات یا بعد از آن بصورت مشروط تعلیق گردیده است قرار گرفته باشد.

.

۲- دولتی که تصمیم به مجازات در آن گرفته شده است (دولت تعیین کننده مجازات) می تواند از دولت دیگر (دولت اجراکننده مجازات) بخواهد مسئولیت اجرایی تصمیم (واگذاری نظارت) را برعهده گیرد.

ماده ۲: شیوه های برقراری ارتباط

درخواست واگذاری اختیار نظارت باید بصورت کتبی صورت گیرد. این درخواست اسناد تأییدکننده آن، ارتباطات بعدی باید از طرق دیپلماتیک بصورت مستقیم بین وزرای دادگستری یا هر مقام ذیصلاح دیگری که توسط طرفین تعیین گردیده است، بعمل آید.

ماده ۳: اسناد موردنیاز

۱- درخواست واگذاری اختیار نظارت باید شامل اطلاعات ضروری در زمینه مشخصات شناسنامه ای، تابعیت، و اقامتگاه شخص محکومیت یافته باشد. این درخواست باید منضم به اصل یا تصویر تصمیم موضوع ماده ۱ این معاهده و تصدیق این موضوع که تصمیم مزبور نهایی است باشد.

۲- اسنادی که درتأیید درخواست واگذاری اختیار نظارت ارسال می گردد باید منضم به ترجمه آن به زبان دولت متقاضی عه یا زبان دیگری که در آن دولت قابل قبول است باشد.

ماده ۴ - تأیید اعتبار

با رعایت قوانین ملی و در صورت عدم توافق برخلاف این موضوع، درخواست واگذاری اختیار نظارت و اسناد تأییدکننده آن همچنین اسناد و موضوعات دیگری که در پاسخ چنین درخواستی ضروری است، نیازمند تأیید یا اعتبار نیست.^{۵۳}

ماده ۵- تصمیم در زمینه درخواست

مقامات ذیصلاح دولت اجراکننده مجازات اقداماتی که برای اجرای درخواست نظارت، تا حدی که امکانپذیر، است تحت قوانین خود بعمل آورد و سریعاً تصمیم خود را به دولت تعیین کننده مجازات اعلام نماید.

ماده ۶: مجرمیت دوگانه^{۵۴}

درخواست واگذاری اختیار نظارت صرفاً در مواردی که عمل موضوع در خواست، در صورتی که در سرزمین دولت اجراکننده صورت میگیرد جنبه کیفری داشت به اجرا درمی آید.

^{۵۳} - قوانین برخی کشورها، تصدیق صحت، قبل از اینکه اسناد ارسالی از کشورهای دیگر، در دادگاه هایشان ضروری است، بنابراین، در این موارد درج شرط تصدیق صحت ضرورت دارد.
^{۵۴} - درموقع مذاکرات راجع به این معاهده دولتها میتوانند از شرط مجرمیت دوگانه صرفنظر نمایند.

ماده ۷: دلایل عدم پذیرش^{۵۵}

چنانچه دولت اجراکننده از قبول درخواست واگذاری اختیار نظارت، خودداری کند باید دلایل عدم پذیرش را به دولت تعیین کننده مجازات اعلام نماید. در موارد ذیل ممکن است از قبول خودداری گردد:

الف: شخص محکومیت یافته بصورت عادی در دولت اجراکننده مجازات ساکن نباشد.

ب: عمل موضوع درخواست صرفاً حسب قوانین نظامی جرم باشد بدین معنی که حسب قوانین عمومی کیفری جنبه کیفری نداشته باشد.

ج: جرم زیربط مرتبط با امور مالیاتی، تکالیف امور گمرکی یا مسایل پولی باشد.

د: حسب تشخیص دولت اجراکننده مجازات، جرم دارای ماهیت سیاسی باشد.

و: دولت اجراکننده مجازات، حسب قوانین خود، نتواند نظارت را انجام دهد یا ضمانت اجرا را بدلیل اینکه حسب مرور زمان لغو گردیده است به اجرا درآورد.

ماده ۸: وضعیت شخص محکومیت یافته

هنگام تعیین مجازات یا محاکمه، شخص می تواند به دولت تعیین کننده مجازات صریحاً رضایت خود را به واگذاری اختیار نظارت و اراده اش را بر التزام به کلیه شرایط مقرر اعلام کند. همچنین این رضایت میتواند بوسیله نمایندگان قانونی وی یا خویشاوندان اعلام گردد. در مواردی که مناسب است یا در مواردی که مناسب تشخیص داده شود دولتهای طرف قرارداد مجرم یا خویشاوندان نزدیک وی را در جریان امکانات و حقوق موضوع این معاهده قرار میدهند.

^{۵۵} - درموقع مذاکرات راجع به این معاهده، ولتهامی توانند دلایل دیگری را برای عدم پذیرش یا شرایطی را به این فهرست در ارتباط با مواردی از این قبیل، ماهیت یا شدت جرم، براساس حمایت از حقوق بشر اساسی، یا ملاحظات راجع به نظم عمومی اضافه نمایند.

ماده ۹: حقوق بزه‌دیده

دولت‌های تعیین‌کننده و اجراکننده مجازات ترتیبی اتخاذ خواهند کرد که در واگذاری اختیار نظارت، حقوق بزه‌دیده به ویژه در زمینه جبران خسارت یا دریافت غرامت باستناد این واگذاری در معرض خطر قرار نگیرد. در موارد فوت بزه‌دیده، این مقررات در خصوص خویشاوندان وی به اجرا در خواهد آمد.

ماده ۱۰- آثار واگذاری اختیار نظارت بردولت تعیین‌کننده مجازات

پذیرش مسئولیت توسط دولت اجراکننده در زمینه اجرای مندرجات تصمیم دولت تعیین‌کننده مجازات صلاحیت دولت اخیر را در زمینه اجرای مجازات از بین می‌برد.

ماده ۱۱- آثار واگذاری اختیار نظارت بر دولت اجراکننده مجازات

۱- نظارت واگذارشده حسب توافق و تشریفات بعد از آن باید مطابق قوانین دولت اجراکننده بعمل آید. صرفاً این دولت اختیار لغو موضوع را دارد. آن دولت، تا محدوده ای که ضروری بداند، شرایط و تدابیر مقرر را با قوانین خود تطبیق می‌دهد، مشروط به اینکه این شرایط و تدابیر، باتوجه به ماهیت یا زمان، شدیدتر از آنچه که در دولت تعیین‌کننده مجازات اعلام گردیده است، نباشد.

۲- چنانچه دولت اجراکننده، مجازات مشروط یا آزادی مشروط را لغو کند، باید مجازات را با رعایت قوانین خود، بدون اینکه از محدوده تعیین شده توسط دولت تعیین‌کننده مجازات فراتر رود، به اجرا درآورد.

ماده ۱۳: اطلاعات

۱- دولت‌های طرف قرارداد، تا حدیکه ضروری است هر گونه اطلاعات در خصوص هروضعیتی که احتمالاً تدابیر یا

نظارت یا اجرا را در دولت اجراکننده را تحت تأثیر قرار می دهد را نگهداری می نمایند. بدین منظور این دولتها تصویر هر تصمیم در این زمینه را ارسال می نمایند.

۲- بعد از انقضاء مدت نظارت، دولت اجراکننده به دولت تعیین کننده مجازات در زمان درخواست، گزارش نهایی در زمینه رفتار شخص تحت نظارت، و میزان رعایت تدابیر در نظر گرفته شده را ارائه خواهد داد.

ماده ۱۴: هزینه ها

هزینه های نظارت و اجرا در دولت اجراکننده بازپرداخت نمی گردد مگر اینکه برخلاف این موضوع توسط دولت تعیین کننده مجازات و دولت اجراکننده مجازات توافق گردیده باشد.

ماده ۱۵: مقررات نهایی

۱- این معاهده مشروط به [تصویب، قبول یا الحاق] است.

اسناد [تصویب، قبول، الحاق] باید در اسرع وقت مبادله گردد.

۲- این معاهده، در سی امین روز بعد از روزی که اسناد [تصویب، قبول، یا الحاق] مبادله گردیده قدرت اجرایی می یابد.

۳- این معاهده، در زمینه درخواستهای بعد از تاریخ لازم الاجرا گردیدن به اجرا درمی آید اگرچه افعال یا ترک فعلهای ذیربط قبل از این تاریخ محقق شده باشد.

۴- هر یک از دوطرف قرارداد میتوانند بصورت کتبی خاتمه این معاهده را به طرف دیگر اطلاع دهد این اعلام ختم معاهده، بعد از انقضاء شش ماه از تاریخی که بوسیله طرف دیگر دریافت گردید مؤثر خواهد بود.

بمنظور تأیید مراتب فوق امضاءکنندگان زیر که از طرف
دولتهایشان دارای صلاحیت می باشند این معاهده را
امضاء نمودند.
منقعدشده در تاریخ..... در
محل.....
و زبان.....] هر
دو/ کلیه] متون دارای اعتبار یکسان است.

۲۹-معاهده نمونه در زمینه پیشگیری از جرایمی که به میراث
فرهنگی ملتها و اشیاء منقول آسیب می رساند. ۵۷۵۶

⁵⁶ -Eighth united Nation congress in the prevention of crime and the treatment of offenders , Havana 27 August -7 September 1998 : report prepared by the secretariat (united Nation publication). Chap.B.1-annex.

^{۵۷} - می توان بجای این عنوان از عنوان جایگزین معاهده نمونه در زمینه جرایم مرتبط با جبران خسارت اموال منقول فرهنگی] به

دولت..... و
دولت.....

با درک ضرورت همکاری در قلمرو عدالت کیفری با آرزوی افزایش اثربخشی همکاری بین دو کشور در زمینه مبارزه با اعمال کیفری مربوط به اشیاء منقول فرهنگی از طریق ایجاد تدابیری در خصوص جلوگیری از حمل و نقل غیرقانونی فراملی اشیاء منقول فرهنگی اعم از اینکه مسروقه باشد یا نباشد، اعمال ضمانت اجرای مناسب اداری و کیفری و مقررات راجع به روشهای اعاده به شرح زیر موافقت کردند:

ماده ۱- قلمرو اجرا و تعاریف^۸

۱- در این معاهده اشیاء منقول فرهنگی^۹ شامل اموالی می شود که حسب دلایل مذهبی یا غیرمذهبی نظر به اهمیت باستانشناسی، ما قبل تاریخی، تاریخی، ادبی، هنری یا علمی بوسیله یک دولت بطور مشخص مشمول مقررات صادرات قرار گرفته و در یک یا چند طبقه از طبقات زیر قرار میگیرد.

الف) مجموعه نادر و اسطوره ای حیوانات گیاهان یک سرزمین، فسیلها و اسکلت ها و اشیاء دارای ارزش دیرینه شناسی.

ب) اشیاء مربوط به تاریخ شامل تاریخ علم، فنآوری، تاریخ نظامی، و تاریخ جوامع و مذاهب و همچنین زندگانی رهبران، اندیشمندان، دانشمندان و هنرمندان و سایر نشانه های ملی و کلیه وقایعی که از دیدگاه ملی دارای اهمیت است.

^۸ - جایگزین های پیشنهادی ماده ۱ پاراگراف ۱ عبارتند از: الف) در این معاهده شامل کلیه مواردی که اموال منقول فرهنگی توسط دولت عضو بطور خاص به این عنوان شناخته شده و موضوع مقررات کنترلی صادرات توسط آن دولت قرار گرفته است. یا ب) این معاهده شامل آن دسته از اموال منقول فرهنگی که بطور شخص حسب توافق دو دولت، مشمول مقررات کنترلی صادرات قرار گرفته است.

^۹ - این طبقه بندی تقریباً از فهرستی که در ماده ۱ کنوانسیون یونسکو در زمینه وسایل ممنوع و پیشگیری کردن از واردات و صادرات و انتقال مالکیت اشیا فرهنگی ۱۹۷۰ تبعیت می کند. مع الوصف این فهرست متن است جامع نباشد و دولت های عضو ممکن است بخواهند طبقات دیگری را بدان بیافزایند.

ج) چیزهایی که از حفاری یا کشفیات باستانشناسی اعم از حفاریها یا کشفیات غیرمجاز، خواه در خاک باشد یا زیر آب.

بدست آمده است

د) اجزای مقابر و بقاع هنری یا تاریخی یا مکانهای دارای ارزش باستانشناسی که از حیث ارتفاع ساقط گردیده اند.

ه) موارد مربوط به عهد باستان، شامل ابزارآلات، سرامیک ها، زیورآلات، ابزار موسیقی، سفالگری، کتیبه ها از هر نوع که باشد، سکه ها، مهرهای دارای حکاکی جواهرات، سلاحها، موارد مربوط به دفن و کفن با هر وصف.

ز) اشیاء دارای فایده هنری از قبیل:

الف) عکسها، نقاشیها، و رسم ها که تماماً بوسیله دست ایجاد شده است. به کمک هر چیز یا هر ماده (باستثناء طراحیهای صنعتی، محصولات صنعتی که بوسیله دست تزئین شده اند).

ب) کارهای اصل در زمینه هنر مجسمه سازی و سنگ تراشی با هر ماده ای.

ج) حکاکی اصل، قلم کاری، چاپ های رنگی و هنر عکسبرداری.

د) روی هم سوار کردن و مونتاژ با هر ماده ای

ح) نسخ خطی نادر و مربوط به مراحل اولیه، کتب قدیمی، اسناد و انتشارات دارای ارزش ویژه تاریخی، هنری، علمی، ادبی، یا دارای ارزش دیگر منفرداً یا بصورت مجموعه.

ط) تمبرهای پستی، یا تمبرهای مربوط به عواید، یا تمبرهای

مشابه منفرداً یا بصورت مجموعه. /

ی) آرشيوها، شامل آرشيوهای ضبط صوت، عکس و هنر
فیلمبرداری

ک) موارد مربوط به چیدمان لوازم خانه و اثاثیه
منزل و ابزارآلات موسیقی دارای بیش از یکصدسال سابقه
تاریخی.

۲- این معاهده پس از لازم الاجرا شدن شامل اشیاء منقول
فرهنگی ای که بصورت غیرقانونی به دولت دیگر خارج
گردیده است می گردد.^{۶۰}

ماده ۲- اصول کلی

۴- هر دولت عضو موظف است:

الف: تدابیر مقتضی بمنظور ممنوعیت واردات و صادرات
اشیاء منقول فرهنگی (الف) که در دولت عضو دیگر به
سرقت رفته یا (ب) که بصورت غیرقانونی از دولت عضو
دیگر وارد شده است را اتخاذ نماید.

ب: تدابیر مقتضی بمنظور ممنوعیت تصاحب معامله اشیاء
منقول فرهنگی که برخلاف ممنوعیت های ناشی از اجرای
پاراگراف فرعی (الف) اخیرالذکر وارد سرزمینش شده
است را اخذ نماید.

ج) بمنظور ممانعت اشخاص و مؤسسات واقع در سرزمینش از
داخل شدن به هر نوع تبانی بین المللی در زمینه اشیاء
منقول فرهنگی مقررات لازم را وضع کند.

د) اطلاعات مربوط به اشیاء منقول فرهنگی مسروقه را
به یک بانک اطلاعاتی بین المللی که در آن خصوص بین
طرفین توافق گردیده است، ارسال نماید.^{۶۱}

^{۶۰} - دولت های عضو ممکن است مقرراتی را منظور نمایند که حسب آن با انقضاء مدت مقرر حق درخواست اعاده اشیاء فرهنگی
منقول مسروقه یا بصورت غیرقانونی خارج شده، ساقط گردد.

^{۶۱} - جامعه بین المللی در این قلمرو توسعه بیشتری خواهد داد بویژه دولت های عضو آینده که فرصت اجرای این روش را در
زمینه پیشگیری از جرم دارند. (بنگرید به کنگره هشتم ملل متحد بخش ۱ قسمت ۴.۰). کنگره های ملل متحد در زمینه پیشگیری از
جرم و درمان مجرمین می تواند سبب توسعه ابتکارات در این جهت گردد.

ه) تدابیر مقتضی برای تضمین حقوق خریدار با حسن نیت اشیا منقول فرهنگی ای که در بانک اطلاعات بین المللی فهرست گردیده است، را اتخاذ خواهد گردد.^{۶۲} (و) ایجاد سیستمی که بدان وسیله صادرات اشیا منقول فرهنگی با صدور یک پروانه صادرات قانونی تلقی گردد.^{۶۳}

ز) تدابیر مقتضی برای تضمین اینکه خریدار اشیا منقول فرهنگی که فاقد پروانه صادرات از دولت دیگر است و شخص این اشیا منقول فرهنگی را قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن این معاهده تحصیل نکرده باشد، بعنوان شخصی که اشیا منقول فرهنگی را با حسن نیت در اختیار گرفته است محسوب خواهد گردید.^{۶۴}

ح) از کلیه امکانات در دسترس از قبیل گسترش آگاهی عمومی بمنظور مبارزه علیه واردات و صادرات غیرمجاز، مرمت، حفاری استفاده نمایند.

۲- هر یک از دولت های عضو متعهد است تدابیر مقتضی را بمنظور یافتن و اعاده هر شیء منقول فرهنگی مشمول پاراگراف فرعی الف فوق حسب درخواست دولت عضو دیگر معمول دارد.

ماده ۳- ضمانت اجراها

هر دولت عضو موظف است ضمانت اجرای^{۶۵} را در خصوص اشخاص زیر به اجرا درآورد:

الف) اشخاص یا مؤسساتی که بابت واردات و صادرات غیرقانونی اشیا منقول فرهنگی مرتکب تقصیر گردیده اند.

^{۶۲} - این مقرر جنبه تکمیلی دارد و جانشین قواعد عادی راجع به داراشدن با حسن نیت ندارد.

^{۶۳} - این تشریفات، تشریفات مندرج در ماده ۶ کنوانسیون راجع به شیوه های ممنوعیت و پیشگیری از واردات و صادرات و انتقال مالکیت اشیا فرهنگی مغایرت ندارد.

^{۶۴} - دولت های عضو ممکن است بخواهند برخی از انواع جرایم علیه اشیا منقول فرهنگی را به فهرست جرایم قابل استرداد که تحت شمول معاهدات استرداد است اضافه نمایند (بنگرید به قطعنامه ۴۵/۱۶۶ مجمع عمومی - پیوست)

^{۶۵} - دولتهای عضو ممکن است حداقل کیفر را برای برخی جرایم در نظر بگیرند.

ب) اشخاص یا مؤسساتی که علیرغم اطلاع، اشیاء منقول فرهنگی را تحصیل نموده یا اشیاء منقول فرهنگی مسروقه یا بطور غیرقانونی وارد شده را مورد معامله قرار دهند.

ج) اشیاء یا مؤسساتی که داخل در تبانی های بین المللی در زمینه تحصیل صادرات یا واردات اشیاء منقول تاریخی با روشهای های غیرقانونی گردیده اند.

ماده ۴- آئین دادرسی

۱- درخواست های موضوع اعاده باید از طریق دیپلماتیک بعمل آید. دولت متقاضی باید به هزینه خود، اسناد و سایر دلایل از قبیل تاریخ صادرات، که برای اثبات دعوی و اعاده لازم است را تهیه کند.

۲- کلیه هزینه هایی که در طول اعاده و تحویل اشیاء منقول تاریخی حادث می شود باید به وسیله دولت متقاضی پرداخت گردد.^{۶۶} هیچیک از اشخاص یا مؤسسات حق اقامه دعوی بابت هرنوع جبران خسارت از دولت عضوی که اشیاء مورد ادعا را اعاده می کند، ندارد. دولت متقاضی هیچ مسئولیتی در خصوص جبران خسارت بهر شکل به نفع اشخاص یا مؤسساتی که در ارسال غیرقانونی اشیاء موضوع دعوی به خارج، مشارکت داشته اند، ندارد. مع الوصف این دولت باید خسارت منصفانه به هر شخص یا مؤسسه ای که با حسن نیت این اشیاء را بدست آورده یا تصرف وی بر این اشیاء غیرقانونی است بپردازد.

۳- طرفین موافقت می نمایند که هیچگونه حقوق گمرکی یا عوارض از این اشیاء منقول که با توجه به این معاهده کشف شده و اعاده می گردد دریافت نکنند.

۴- دولت های عضو موافقت می نمایند که کلیه اطلاعاتی که در مبارزه علیه جرایم مراجع به اشیاء منقول

^{۶۶} دولت های عضو ممکن است بخواهند این موضوع را که کلیه هزینه ها و / یا هزینه های فراهم کردن خسارت بین دو طرف تقسیم گردد مورد بررسی قرار دهند. (به متن مراجعه شود ص ۲۰۵).

فرهنگی مساعدت نماید را در اختیار یکدیگر قرار دهند.^{۶۷}

۵- هر دولت عضو باید اطلاع راجع به قوانین مرتبط به حمایت از اشیاء منقول فرهنگی شان را به بانکهای بین المللی که بین دو دولت مورد موافقت قرار میگیرد قرار دهند.^{۶۸}

ماده ۵: مقررات نهایی^{۶۹}

۱- این معاهده مشروط به [تصویب، قبول، الحاق] است. اسناد [تصویب، قبول، الحاق] باید در اسرع وقت از طریق دیپلماتیک مبادله گردد.

این معاهده در سی امین روز بعد از روزی که اسناد به [تصویب، قبول، الحاق] مبادله گردید قدرت اجرایی می یابد.

۳- هر یک از دو طرف قرارداد می تواند بصورت کتبی خاتمه این معاهده را به طرف دیگر اطلاع دهد. این اعلام ختم معاهده بعد از انقضاء شش ماه از تاریخی که بوسیله طرف دیگر دریافت گردیده است مؤثر خواهد بود.

۴- این معاهده، جنبه تکمیلی دارد و به هیچ نحو مشارکت در تعاملات بین المللی دیگر را محدود نمی کند بمنظور تأیید مراتب فوق امضاءکنندگان زیر که از طرف دولتهایشان دارای صلاحیت می باشند این معاهده را امضاء کردند.

منعقدشده در تاریخ
محل.....

^{۶۷} - برخی از دولتها ممکن است بخواهند صدر ماده ۴ پاراگراف ۳ را شرح ذیل تنظیم نمایند: «با رعایت قوانین داخلی بویژه قوانین راجع به دسترسی به اطلاعات و حمایت از حریم خصوصی و ...».

^{۶۸} - لازم به ذکر است که قطعنامه شماره ۴/۱۸ در ۶ نوامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی و بطور کلی تعدادی از قطعنامه های کنفرانس عمومی یونسکو دولت های عضو را با کمک یونسکو دعوت کرده اند که فهرست اشیاء فرهنگی ملی خود را تهیه نمایند. در زمان تنظیم پیش نویس این معاهده، متون قوانین ملی در زمینه حمایت از اشیاء منقول فرهنگی از ۷۶ کشور بوسیله یونسکو جمع آوری، چاپ و منتشر گردیده است.

^{۶۹} - دولت های عضو ممکن است بخواهند مقرراتی را در زمینه تشریفات حل و فصل اختلافات موضوع این معاهده بررسی و مقرر نمایند.

در.....
و.....زبان.
[هر دو / کلیه] متون دارای اعتبار یکسان است.

۳۰- معاهده نمونه در زمینه اعاده وسایل نقلیه مسروقه یا ناشی از
خیانت در امانت.^{۷۰}

(دولت [نام کشور] و دولت [نام کشور] یا) دولتهای
عضو این معاهده)^{۷۱}

(دولت های عضو این معاهده)^{۷۲}

با تصدیق مسئله رو به رشد سرقت و قاچاق غیرقانونی
وسایل نقلیه موتوری

با لحاظ مشکلاتی که فراروی مالکین بدون تقصیر در
زمینه اطمینان از اعاده وسایل نقلیه موتوری مسروقه
یا ناشی از خیانت در امانت واقع در سرزمین یک عضو
که در عضو دیگر یافت شده است.

با علاقه شدید به تقلیل چنین مشکلاتی و بمنظور تنظیم
آئین دادرسی برای اعاده سریع این وسایل.

به شرح ذیل توافق نمودند:

ماده ۱: در این معاهده:

الف: وسیله «نقلیه» شامل هر اتومبیل، کامیون،
اتوبوس، موتورسیکلت و کامپر (اتومبیل تفریحی) و
تریلراست.

ب: یک وسیله وقتی «مسروقه» تلقی می گردد که تصرف آن
مسبوق به فقدان رضایت مالک یا سایر اشخاصی که در
خصوص این وسیله موتوری دارای صلاحیت هستند باشد .

^{۷۰} - قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۲۹ شورای اقتصادی و اجتماعی. ضمیمه ۲

^{۷۱} - در خصوص توافقات دو جانبه قابل اجراست.

^{۷۲} - در خصوص توقعات بین منطقه ای یا درون منطقه ای قابل اجراست. [به متن رجوع شود ص ۲۰۷]

ج: یک وسیله نقلیه وقتی « موضوع خیانت در امانت» محسوب می گردد که:

(۱) - بصورت غیرقانونی بوسیله شخصی که آنرا از یک شرکت دارای صلاحیت قانونی برای این موضوع و حسب رویه جاری آنرا اجاره کرده است مورد سوء استفاده قرار گیرد.

(۲) - بصورت غیرقانونی بوسیله شخصی که این وسیله حسب یک دستور قضایی یا رسمی (اداری) سپرده شده مورد سوء استفاده قرار گیرد.

د: // روزها // در همه موارد به معنی روزهای تقویمی است.

ماده ۲- هر عضو موافقت می نماید با رعایت مندرجات این معاهده وسایل نقلیه ای که:

الف: در یک عضو، ثبت گردیده، شماره گذاری شده یا بهر دو طریق دیگر دارای سابقه استب: در سرزمین یک عضو به سرقت رفته یا موضوع خیانت در امانت قرار گرفته است.

ج: در سرزمین یک عضو یافت گردیده است را اعاده نماید.

ماده ۳: در مواردی که پلیس، مقامات گمرکی، یا سایر مقامات ذیصلاح عضوی که وسیله را ضبط یا توقیف کرده است دلایلی وجود داشته باشد که دلالت کند بر اینکه این وسیله نقلیه در سرزمین عضو دیگر ثبت، شماره گذاری یا بهرطریق دیگر دارای سابقه است، دولت فوق الذکر باید طی سی روز از تاریخ این ضبط یا توقیف، بطور کتبی، [سفارتخانه] عضو دیگری که مقامات ذیصلاح آن قبلاً دستور ضبط و توقیف وسیله نقلیه موتوری مزبور را صادر کرده اند مطلع کند.

۲- این اعلام شامل کلیه داده های موجود مربوط به شناسنایی در خصوص این وسیله نقلیه به شیوه ای که در ضمیمه ۱ آمده است، یک ارائه وضعیت از شرایط وسیله نقلیه موتوری مزبور، محل فعلی استقرار وسیله نقلیه، مشخصات شناسنامه ای مقام صلاحیتدار که وسیله نقلیه را توقیف کرده است و هراطلاعاتی که نشان دهد که آیا این وسیله نقلیه در ارتباط با ارتکاب یک جرم مورد استفاده قرار گرفته است یا خیر است.

ماده ۴:

مقامات ذیصلاح طرفی که یک وسیله نقلیه را که در سرزمین عضو دیگر ثبت، شماره گذاری یا بهر طریق دیگر دارای سابقه است، را ضبط یا توقیف کرده اند، باید بلافاصله این وسیله نقلیه را در یک انبار نگهداری و تدابیر لازم در زمینه حفاظت از این وسیله نقلیه بعمل آورند، پس از آن مقامات ذیصلاح مذکور، نباید از این وسیله استفاده نموده، آنرا از طریق مزایده به فروش برسانند آنرا اوراق نمایند یا بهر نحو دیگر آنرا تغییر داده یا به مصرف برسانند. با این حال این معاهده مقامات مذکور از استفاده، مزایده گذاشتن، اوراق کردن یا هر گونه تغییر یا مصرف نقلیه منع نمی کند مشروط به اینکه:

الف: طی شصت روز از تاریخ اعلام هیچ در خواستی برای اعاده وسیله نقلیه مزبور حسب ماده ۳ فوق صورت نپذیرد.

ب: یک قرار حسب ماده ۷ پاراگراف ۱ ذیل الذکر که حسب آن اعاده وسیله نقلیه از شمول شرایط مقرر در این معاهده مطابق ماده ۷ پاراگراف ۳ ذیل الذکر خارج گردیده است صادر و اعلام شده باشد.

ج: این وسیله نقلیه در طول زمانی که در ماده ۷ پاراگراف ذیل به وسیله شخصی که مشخصات آن در درخواست اعاده بعنوان مالک یا نماینده ذیصلاح مالک پس از اینکه وسیله نقلیه مزبور بنحوی که در پاراگراف ۲ ماده ۷ ذیل مقرر گردیده است قابل تحویل باشد، تحویل گرفته نشود. یا:

د: حسب پاراگراف های ۲ یا ۳ این معاهده تکلیفی برای اعاده وسیله نقلیه مزبور وجود نداشته باشد.

ماده ۵:

۱- پس از وصول اعلام موضوع ماده ۳ فوق، عضو می تواند درخواست اعاده وسیله نقلیه را ارائه دهد.
۲- درخواست اعاده [باید مهور به مهر مأمور کنسولی دول متقاضی و] طبق فرم موضوع ضمیمه ۲ تنظیم شود. تصویر درخواست باید حاوی یادداشتی برای [وزارت امور خارجه] دولت متقاضی عه باشد. درخواست باید صرفاً پس از وصول بوسیله مأمور کنسولی ای که صلاحیت تصدیق تصاویر اسناد ذیل را دارد تایید شده باشد:

الف: (۱) - عنوان مالک وسیله نقلیه، مشروط به اینکه وسیله نقلیه دارای مالک باشد. مع الوصف چنانچه عنوان در دسترس نباشد، یک شرح مصدق از مقامات ثبت مالکیت مبنی بر تأیید اینکه وسیله نقلیه مزبور دارای مالک است و تعیین شخص حقیقی یا حقوقی که وسیله نقلیه به نام او ثبت شده است.

(۲) گواهی ثبت وسیله نقلیه مزبور مشمول مقررات ثبت باشد، مع الوصف چنانچه اسناد ثبت در دسترس نباشد، یک شرح مصدق از مقام ذیصلاح ثبت کننده که مؤید ثبت وسیله نقلیه مزبور باشد و تعیین شخص حقیقی یا حقوقی ای که وسیله نقلیه مزبور بنام وی ثبت شده است.

(۳) بنچاق فروش، یا سایر اسنادی که تعیین کننده مالکیت این وسیله نقلیه است در مواقعی که وسیله نقلیه مزبور فاقد مشخصات مالک یا ثبت است.

ب- اسناد انتقال مالکیت، چنانچه مالک پس از، سرقت یا خیانت در امانت، یا در زمان سرقت یا خیانت در امانت مالکیت را به شخص ثالث منتقل کرده بوده است.

ج- اعلام سرقت، که در زمان منطقی به مقامات صلاحیتدار دولت متقاضی تقدیم شده و ترجمه آن. شخص متقاضی اعاده در مواردی که اعلام سرقت پس از اینکه وسیله نقلیه مزبور توقیف گردیده یا به طریق دیگری به تملک دولت متقاضی عنه درآمده است، باید اسناد توجیهی در زمینه دلایل تأخیر در اعلام سرقت را ارائه داده و میتواند هر گونه مدرکی که تأیید کننده آن باشد را نیز تقدیم کند.

د- در مواردی که متقاضی اعاده مالکیت وسیله نقلیه مزبور وجود نداشته باشد، اجازه وکالت، که در دفترخانه اسناد رسمی توسط مالک یا نمایندگان قانونی وی تنظیم و حسب آن شخص مجاز به تحویل وسیله نقلیه تعیین گردیده است لازم است.

۳- جر در مورد پاراگراف ۲ (ج) فوق، ترجمه اسناد ضروری نیست. ضرورت ترجمه اعلام سرقت ممکن است مورد انصراف دولت متقاضی عنه قرار گیرد.

تأیید قانونی بودن یا صحت اسناد، زاید بر موارد فوق، بوسیله دولت متقاضی عنه الزامی نیست.

ماده 6

چنانچه یک دولت، از غیر طریق اعلام موضوع ماده ۳ فوق، اطلاع حاصل نماید که مقامات ذیصلاح دولت دیگر، درصدد ضبط، توقیف یا اعمال تصرف دیگر بر وسیله

نقلیه ای که در سرزمین دولت سابق الذکر ثبت یا به طریق دیگر دارای سابقه است می باشند، آن دولت:

(الف) - می تواند از طریق ارسال یک یادداشت به [وزات امور خارجه] این دولت، درصد تأیید رسمی این موضوع برآمده و از آن دولت نسبت به ارسال اعلام موضوع ماده ۳ اقدام نماید، در مواردی که دولت دیگر باید یا اعلامیه صادر یا بصورت کتبی توضیح ارائه دهد، دلیل عدم ضرورت اعلام و

(ب) - میتواند همچنین در موارد مقتضی، درخواست اعاده وسیله نقلیه موضوع ماده ۵ فوق الذکر را ارائه دهد.

ماده 7:

۱- جز در مواردی که در ماده ۸ زیر مقرر گردیده است، عضو متقاضی عنه باید تا سی روز از تاریخ وصول درخواست اعاده وسیله نقلیه مسروقه یا موضوع خیانت در امانت، درخواست اعاده را با مندرجات این معاهده تطبیق داده و [سفارتخانه] دولت متقاضی را از این موضوع مطلع نماید.

۲- چنانچه دولت متقاضی عنه تشخیص دهد که درخواست اعاده وسیله نقلیه مسروقه یا موضوع خیانت در امانت، حایز شرایط مندرج در این معاهده است، دولت متقاضی عنه، تا [پانزده روز] از این تشخیص وسیله نقلیه را در اختیار شخصی که در درخواست اعاده بعنوان مالک نماینده ذیصلاح مالک تعیین گردیده است، قرار می دهد. این وسیله نقلیه، حداقل تا نود روز آماده تحویل به شخصی که در درخواست اعاده بعنوان مالک یا نماینده ذیصلاح مالک تعیین گردیده است باقی خواهد ماند. دولت متقاضی عنه تدابیر لازم بمنظور اعطا اجازه به مالک یا نماینده ذیصلاح مالک در تحویل وسیله نقلیه و اعاده آن به سرزمین دولت متقاضی، را اتخاذ خواهد داد.

۳- چنانچه دولت متقاضی عنه تشخیص دهد که در خواست اعاده، حایز شرایط مندرج در این معاهده نیست، باید این موضوع را بطور کتبی به سفارتخانه [دولت متقاضی اعلام نماید.

ماده ۸:

۱- چنانچه وجود وسیله نقلیه ای که موضوع درخواست اعاده قرار گرفته است، برای تحقیقات مقدماتی کیفری یا تعقیب ضرورت داشته باشد، اعاده آن حسب این معاهده، پس از اینکه بقاء آن بمنظور تحقیقات کیفری یا تعقیب مزبور دیگر ضرورت نداشته باشد، صورت می پذیرد. دولت متقاضی عنه باید در این موارد، کلیه تدابیر قابل اجرا را بمنظور استفاده از بذل پرونده یا سایر ادله تا حدی که در این تحقیقات یا تعقیب قابل استفاده است بنحوی که وسیله نقلیه مزبور در اسرع وقت اعاده گردد. بعمل خواهد آورد،

۲- چنانچه مالکیت یا توقیف وسیله نقلیه ای که اعاده اش درخواست گردیده است، موضوع رسیدگی قضایی جاری، در عضو متقاضی عنه باشد، اعاده این وسیله نقلیه حسب این معاهده، پس از خاتمه رسیدگی قضایی مزبور بعمل خواهد آمد. با این حال، یک عضو تعهدی حسب این معاهده، در زمینه اعاده ندارد چنانچه رسیدگی قضایی مزبور منتهی به صدور حکم به تعلق وسیله نقلیه مزبور به شخصی غیر از شخص موضوع درخواست اعاده که بعنوان مالک وسیله نقلیه یا نماینده ذیصلاح مالک تعیین گردیده است شود.

۳- یک عضو حسب این معاهده تعهدی در اعاده وسیله نقلیه ای که اعاده آن درخواست شده است ندارد مشروط به اینکه این وسیله نقلیه طبق قوانین اش بدلیل استفاده از آن در قلمرو سرزمینش برای ارتکاب جرم،

مصادره گردیده باشد. دولت متقاضی عنه این وسیله نقلیه، را بدون اخطار به مالک یا نماینده ذیصلاح مالک، و اعطاء فرصت اعتراض به چنین مصادره ای در چهارچوب قوانین اش، مصادره نخواهد کرد.

۴- یک عضو تعهدی حسب این معاهده در زمینه اعاده وسیله نقلیه مسروقه یا موضوع خیانت در امانت، ندارد مشروط به اینکه تا [شصت] روز از تاریخ اعلام موضوع ماده ۳ فوق، هیچگونه درخواست اعاده ای صورت نگرفته باشد.

۵- چنانچه اعاده وسیله نقلیه مسروقه یا موضوع خیانت در امانت که اعاده آن درخواست گردیده است، حسب پاراگراف های ۱ یا ۲ این ماده ضبط گردیده باشد، دولت متقاضی عنه به [سفارتخانه] دولت متقاضی بصورت کتبی تا [۳۰] روز از تاریخ وصول درخواست اعاده وسیله نقلیه، اعلام مشابهی را بعمل خواهد آورد.

ماده ۹:

۱- دولت متقاضی عنه، نباید هیچگونه عوارض واردات یا صادرات، مالیات، جریمه نقدی یا سایر جرایم، پولی یا هزینه ای را بر وسایل نقلیه اعاده شده در چهارچوب این معاهده، یا بر مالکین یا نمایندگان ذیصلاح بعنوان پیش شرط اعاده این وسایل نقلیه تحمیل خواهد کرد.

۲- هزینه های بالفعل ناشی از اعاده وسیله نقلیه از قبیل هزینه یدک کش، پارکینگ، نگهداری و هزینه های حمل و نقل همچنین هزینه های ترجمه اسنادی که حسب این معاهده مورد نیاز است، برعهده شخص حقیقی یا حقوقی متقاضی اعاده است و باید قبل از اعاده وسیله نقلیه پرداخت گردد. دولت متقاضی عنه نهایت سعی خود را در اینکه این هزینه از سطح متعارف فراتر نرود بعمل خواهد آورد.

۳- در موارد خاص هزینه های اعاده، از قبیل هزینه های هرگونه تعمیرات جزئی یا اساسی وسیله نقلیه که بمنظور انتقال آن به پارکینگ یا نگهداری آن در همان وضعیتی که یافت گردیده است، [شخص حقیقی یا حقوقی متقاضی اعاده این وسیله عهده دار این هزینه ها خواهد بود] شخص حقیقی یا حقوقی متقاضی اعاده عهده دار هزینه های سایر اقداماتی که بر روی وسیله نقلیه در زمانی که آن در اختیار عضو متقاضی عهده بوده است نیست.

ماده ۱۰:

سازوکارهای کشف و اعاده وسایل نقلیه مسروقه یا موضوع خیانت در امانت حسب این معاهده، مشمول قوانین دولت متقاضی عهده نیز خواهد بود. هیچیک از مندرجات این معاهده به اختیارات راجع به کشف وسایل نقلیه مسروقه یا موضوع خیانت در امانت طبق قانون قابل اجرا آسیب نمی رساند.

ماده ۱۱:

۱- هرگونه اختلاف ناشی از تغییر یا اجرای این معاهده، باید از طریق گفتگو بین طرفین حل و فصل گردد.

۲- این معاهده مشروط به [تصویب، قبول، الحاق] است این معاهده از تاریخ تبادل اسناد تصویب لازم الاجرا است.

۳- این معاهده بوسیله هر یک از طرفین حداقل در [۹۰ روز پس از اعلام کتبی قابل فسخ است.^{۷۳}

منعقدشده در [محل]، این... روز
..... از
..... تا..... در دو نسخه،

^{۷۳} - که در خصوص توافقات دو جانبه قابل اجراست. سایر مقررات مناسب، طبق حقوق بین الملل و رویه پذیرفته شده، ضرورت دارد در توافقات بین منطقه ای و درون منطقه ای گنجانده شود.

در.....و..... زبان، هر دو
متن دارای اعتبار یکسان است.

ضمیمه :

درخصوص تعیین اطلاعات موردنیاز در اعلامیه موضوع ماده ۳ این معاهده :

۱- شماره شناسایی وسیله نقلیه
۲- نام تولیدکننده وسیله نقلیه
۳- مدل و سال تولید وسیله نقلیه اگر شناسایی شده باشد.

۴- رنگ وسیله نقلیه
۵- شماره انتظامی وسیله نقلیه و جواز صدور آن اگر در دسترس باشد.

۶- شماره یا برچسب / جواز شهری / بیرون شهری / عنوان جواز شهری / بیرون شهری، اگر در دسترس باشد.
۷- شرح وضعیت وسیله نقلیه از قبیل قابل حرکت وسیله نقلیه اگر از آن اطمینان وجود داشته باشد و تعمیراتی که بنظر ضروری می رسد.

۸- محل استقرار کنونی وسیله نقلیه
۹- مشخصات شناسنامه ای مقام رسیدگی ای که وسیله نقلیه را بصورت فیزیکی توقیف کرده است و نحوه تماس شامل نام، آدرس، شماره تلفن مأموری که از نحوه کشف مطلع است.

۱۰- هر اطلاعی که نشان می دهد آیا وسیله نقلیه مزبور در ارتباط با یک جرم مورد استفاده قرار گرفته است یا خیر.

۱۱- هر اطلاع در خصوص اینکه وسیله نقلیه مزبور موضوع مصادره حسب قوانین دولت اعلام کننده قرار گرفته است.

ضمیمه ۲: درخواست موضوع اعاده وسیله نقلیه مسروقه یا موضوع خیانت در امانت.

احتراماً (سفارتخانه [نام کشور]) درخواست دارد که (مقام ذیصلاح

[نام کشور] وسیله نقلیه زیر به (مالک آن/نماینده قانونی مالک) طبق معاهده راجع به اعاده وسایل نقلیه مسروقه یا موضوع خیانت در امانت اعاده گردد:

ساخت:

سال (ساخت):

نوع:

شماره شناسایی وسیله نقلیه:

شماره انتظامی وسیله نقلیه:

مالک ثبت شده:

(سفارتخانه [نام کشور] تأیید می کند که اسناد ذیل الذکر که بوسیله (مشخصات شناسنامه ای تقدیم کننده اسناد) بعنوان دلیل (مالکیت اش بر وسیله نقلیه / مالکیت از طرف کسی که وی به نیابت از طرف وی اقدام کرده است) را بررسی و صحت آنرا حسب قوانین (راجع به صلاحیت تصاحب) احراز کرده است:

الف: (توصیف سند)

ب: (توصیف سند)

ج: (توصیف سند)

د: (توصیف سند)

توضیحات پایانی

ضمایم

محل و تاریخ

۳۱- توافقنامه دو جانبه نمونه در زمینه نحوه تقسیم عواید یا اموال
مصادره شده ناشی از جرم.^{۷۰}

توافقنامه بین دولتی و
دولت در زمینه نحوه تقسیم عواید یا
اموال مصادره شده ناشی از جرم
دولت و دولت (که پس از این
از آنان بعنوان اعضاء نام برده میشود).
با یادآوری کنوانسیون ملل متحد در زمینه جرایم
سازمان یافته فراملی^{۷۶} بویژه پاراگراف ۱ ماده ۱۲ و
مادتين ۱۳ و ۱۴.

همچنین با یادآوری کنوانسیون ملل متحد در زمینه حمل
ونقل غیرقانونی مواد مخدر و مواد روانگردان^{۷۷} ۱۹۸۸
بویژه پاراگراف ۱، ۴، ۵ ماده ۵ با تصدیق اینکه این
توافقنامه به اصول مندرج در کنوانسیون ملل متحد
علیه فساد^{۷۸} یا تحولات آن در مراحل بعد، در خصوص کلیه
سازوکارهای تسهیل اجرای این کنوانسیون خللی ایجاد
نخواهد کرد.

با تأیید مجدد اینکه هیچیک از مقررات موضوع این
توافقنامه به هیچ نحو نباید مقررات و اصول همکاری بین
المللی مندرج در کنوانسیون ملل متحد علیه حمل و نقل
غیر قانونی مواد مخدر و مواد روانگردان ۱۹۸۸ و
کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی

^{۷۴} - قطعنامه شماره ۲۰۰۵/۱۴ شورای اقتصادی و اجتماعی

^{۷۵} - این توافقنامه نمونه می تواند در اجرای سایر اسناد مرتبط که معاهدات (forums) چند جانبه تبلور یافته که در ان اعضاء
توافقنامه همچنین عضو این معاهدات چند جانبه نیز هستند از قبیل کنوانسیون بین المللی در زمینه سرکوب تأمین مالی تروریسم
قطعنامه شماره ۵۴/۱۰۹ مجمع عمومی ضمیمه) و ۴۰ توصیه نامه راجع به عملیات برضد پولشویی، سودمند باشد.

^{۷۶} - قطعنامه شماره ۵۵/۲۵ مجمع عمومی، ضمیمه ۱

^{۷۷} مجموعه سری معاهدات ملل متحد، جلد- ۱۵۸۲ شماره ۲۷۶۲۷

^{۷۸} - قطعنامه شماره ۵۸/۴ مجمع عمومی - ضمیمه

را محدودش نماید و اینکه این توافقنامه به قصد افزایش اثربخشی همکاری بین المللی موضوع این کنوانسیونها تنظیم گردیده است. با لحاظ [ارجاع به یک معاهده در زمینه همکاری قانونی دوجانبه اگر یکی از آنها بین طرفین وجود داشته باشد].

با علاقه به ایجاد چهارچوب مناسب در زمینه تقسیم عواید یا اموال مصادره شده ناشی از جرم. به شرح ذیل توافق نمودند:

ماده ۱: تعاریف:

در این توافقنامه:

الف: اصطلاح «عواید ناشی از جرم» و «مصادره» و «مال» به همان مفهومی که در ماده ۲ کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی و ماده ۱ کنوانسیون ملل متحد علیه حمل و نقل غیرقانونی مواد مخدر و مواد روانگردان ۱۹۸۸ بکار رفته است.

ب: «همکاری» همان مفهومی است که در مواد ۱۳، ۱۶، ۲۰-۱۸، ۲۶، و ۲۷ کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی یا پارگراف ۴ ماده ۵ و مواد ۶، ۷، ۹-۱۱، و ۱۷ کنوانسیون ملل متحد علیه حمل و نقل غیرقانونی مواد مخدر و مواد روانگردان ۱۹۸۸ آمده است همچنین همکاری بین اشخاص حقوقی موضوع ماده ۷ کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی که توسط یک عضو بعمل آمده و تشریک مساعی یا ایجاد تسهیلات در زمینه مصادره عواید یا اموال ناشی از جرم است

ماده ۲: قلمرو اجرا

منظور از این توافقنامه صرفاً همکاری دوجانبه بین طرفین است.

ماده ۳:

شرایطی که در آن اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم [می تواند]

[باید] بین طرفین تقسیم گردد.

در مواردی که یک عضو اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم را در تصرف گرفته باشد، و این موضوع ناشی از مساعدت عضو دیگر باشد [می تواند] [باید] اموال و عواید مصادره شده ناشی از جرم را با طرف دیگر با رعایت این توافقنامه و بدون خدشه به اصول مندرج در پاراگراف ۱ و ۲ و بند الف پاراگراف ۳ ماده ۱۴ کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی و بند ب وی پاراگراف ۵ ماده ۵ کنوانسیون ملل متحد علیه حمل و نقل غیرقانونی مواد مخدر و روانگردان ۱۹۸۸ تقسیم نماید.^{۷۹}

ماده ۴:

درخواستهای موضوع تقسیم اموال یا عواید ناشی از جرم مصادره شده.

۱- درخواست تقسیم اموال یا عواید ناشی از جرم مصادره شده، باید در فرجه زمانی که بین طرفین مورد توافق قرار گرفته است صورت پذیرد [و] باید حاوی جزئیات همکاری ذیربط بوده، شامل جزئیات کافی از مورد اموال، یا عواید ناشی از جرم مبنای مصادره یا ارگان یا ارگانهای ذی صلاح یا سایر اطلاعات مشابه به همان نحو که بین طرفین مقرر گردیده است باشد. متن پیشنهادی اول:

[۲- به محض وصول درخواست تقسیم اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم حسب مقررات این ماده، عضوی که اموال یا عواید ناشی از جرم در آن مستقر است

^{۷۹} - ممکن است ضروری باشد که مقررات ویژه ای در این توافقنامه در خصوص اعاده کارهای هنری یا اشیاء باستانی که موضوع خرید قرار گرفته یا بصورت غیرقانونی از کشور اصلی خارج گردیده است گنجانده گردد.

باید ضمن رایزنی با طرف دیگر، موضوع نحوه تقسیم این اموال یا عواید ناشی از جرم را به شیوه مقرر در ماده ۳ این توافقنامه مورد بررسی قرار دهد.

متن پیشنهادی دوم:

[۲- به محض وصول درخواست تقسیم اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم حسب مقررات این ماده، عضوی که اموال یا عواید ناشی از جرم در آن مستقر است باید، به شیوه مقرر در ماده ۳ این توافقنامه این اموال یا عواید ناشی از جرم را با طرف دیگر تقسیم کند].

ماده ۵: تقسیم اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم

متن پیشنهادی اول

[۱- در مواردی که یک عضو مسئله تقسیم عواید مصادره شده ناشی از جرم یا اموال یا عضو دیگر را پیشنهاد می دهد باید:

الف: طبق قوانین داخلی و سیاست ها و حسب صلاحدید خود، باید قدرالسهم اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم که موضوع تقسیم قرار می گیرد را تعیین کند که برابر با گستره همکاری ای که بوسیله طرف دیگر ارائه گردیده است خواهد بود.

ب: مبلغی که برابر با قدرالسهم مندرج در پاراگراف فرعی اول فوق با توجه به ماده ۱۴ این توافقنامه است را پرداخت کند.

در تعیین میزان قدرالسهم طرف دیگر، عضوی که اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم را در تصرف دارد می تواند هزینه ی ناشی از تقویم اموال یا عواید مصادره شده و هزینه های ناشی از تحقیقات مقدماتی، تعقیب، یا رسیدگی قضایی منتهی به مصادره اموال یا عواید ناشی از جرم کسر نماید.

متن پیشنهادی دوم:

[۱- در تقسیم اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم با رعایت این توافقنامه:

الف: قدرالسهم موضوع اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم که باید تقسیم گردد. باید براساس اصل» باندازه استحقاق یا هر مبنای منطقی مقرر بین طرفین تعیین گردد.

ب: عضوی که اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم را در تصرف دارد معادل وجه نقد قدرالسهم مندرج در پاراگراف الف فوق را با رعایت ماده ۶ این توافقنامه پرداخت کند.

۲- در تعیین میزانی که باید پرداخت گردد، اعضا باید با در نظر گرفتن کلیه موضوعات مرتبط با تقویم اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم و هزینه های متعارف ناشی از تحقیقات مقدماتی، تعقیب یا رسیدگی قضایی منتهی به مصادره اموال یا عواید ناشی از جرم را محاسبه و کسر نماید.

۳- طرفین موافقت می نمایند در مواردی که حسب مذاکرات فیما بین اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم مشابه نیست، از تقسیم خودداری نمایند.

ماده ۶:

پرداخت ناشی از اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم.

۱- جز در مواردی که برخلاف آن توافق گردیده است، هر مبلغی که حسب بند پاراگراف ۱ ماده ۵ این توافقنامه هزینه می گردد باید باید محاسبه و باز پرداخت گردد.

الف: به پول رایجی که اموال یا عواید ناشی از جرم در آن واقع است.

ب: بوسیله حواله الکترونیکی مبالغ یا بوسیله چک

۲- پرداخت هر مبلغ باید صورت پذیرد:

الف: در هر موردی که دولت..... مبلغی را دریافت می کند به [تعیین مأمور ذیربط یا مبلغی که در درخواست تعیین گردیده است.]

ب: در هر موردی که دولت..... مبلغی را دریافت میکند، به [تعیین مأمور ذیربط یا مبلغی که در درخواست تعیین گردد یا

ج: به دریافت کننده یا دریافت کنندگان دیگر که عضو دریافت کننده مبلغ ممکن است در زمانهای مختلف بوسیله اعلام در چهارچوب این ماده تعیین می کند.

ماده ۷: شرایط انتقال

۱- در اجرای انتقال، اعضا تعیین دقیق قبلی کلیه حقوق یا مالکیت و منافع اموال یا عواید ناشی از جرم صادره شده و اینکه رسیدگی بیشتری در زمینه اتمام مصادره ضرورت ندارد را مورد تأیید قرار میدهند. عضوی که اموال یا عواید ناشی از جرم را انتقال می دهد چنین فرض می شود که هیچ تعهد یا مسئولیتی در قبال اموال یا عواید ناشی از جرم پس از آنکه آنها منتقل شدند ندارد و کلیه حقوق یا مالکیت و منافع اموال یا عواید ناشی از جرم را از خود سلب میکند.^{۸۰}

۲- جز در مواردی که بر خلاف آن توافق گردیده است، هر عضوی که اموال یا عواید ناشی از جرم صادره شده را حسب بند ب پاراگراف ۱ ماده ۵ این توافقنامه انتقال می دهد، طرف دیگر باید از این اموال یا عواید ناشی از جرم حسب صلاحدید خود در هر فعالیت قانونی استفاده کند.

ماده ۸: شیوه های ارتباط

^{۸۰} - در مواردی که حسب قوانین ملی ضرورت دارد اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرم به فروش رسیده و وجه حاصل از فروش بین طرفین تقسیم گردد، این مقررہ ممکن است غیر ضروری باشد.

کلیه ارتباطات بین اعضاء حسب مقررات این توافقنامه باید از طریق [مقامات مرکزی تعیین شده حسب ماده] []
[معاهده همکاری قانونی دوجانبه مندرج در مقدمه این توافقنامه یا از طریق زیر بعمل آید:

الف: دولت بوسیله اداره
.....

ب: دولت بوسیله
اداره یا

ج: سایر نمایندگان که اعضا از طرف خود، در هر زمان بوسیله اعلام موضوع مواد مندرج در این ماده تعیین می کند.

ماده ۹- قلمرو سرزمینی اجرا

این توافقنامه در [چنانچه یک سرزمین که قلمرو آن گستره این توافقنامه است برای هر دولت، قابل اجرا یا تعیین شده باشد] به اجرا درخواهد آمد.

ماده ۱۰- اصلاحات

این توافقنامه ممکن است حسب توافق دو طرف بصورت کتبی مورد اصلاح قرار گیرد.

ماده ۱۱- مذاکرات

طرفین حسب درخواست بدون تاخیر در خصوص تفسیر، اجرا، یا تکمیل این توافقنامه، بصورت کلی یا جزئی مذاکره خواهند کرد.

ماده ۱۲: قابلیت اجرا

این توافقنامه پس از امضا یا حسب اعلام در خصوص قابلیت اجرای آن در نظام حقوقی ملی توسط اعضا، به اجرا درمی آید.^{۸۱}

ماده ۱۳: خاتمه توافقنامه

^{۸۱} - این موضوع می تواند پس از امضاء، تصویب، انتشار، در روزنامه قانونی یا هر وسیله دیگر صورت پذیرد.

هر یک از طرفین می تواند در هر زمان با اعلام کتبی به طرف دیگر به این توافقنامه خاتمه دهد. اعلام خاتمه توافقنامه پس از [.....] ماه از تاریخ وصول لازم الاجرا می گردد. این مقررات همچنین در خصوص اموال یا عواید مصادره شده ناشی از جرمی که حسب این توافقنامه باید تقسیم گردد، ادامه خواهد یافت. بمنظور تأیید مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولتهایشان دارای صلاحیت هستند این توافقنامه را امضاء کردند.

در دو نسخه در [محل] این.....ن.....
روز.....
نماینده دولت.....
نماینده دولت.....
امضاء امضاء

مبحث دوم:

اعلامیه ها و طرح های اقدام

۳۲- مشروح اصول و برنامه های اجرایی پیشگیری از جرم و برنامه عدالت کیفری ملل متحد^{۸۲}

اعضاء ملل متحد

^{۸۲} - قطعنامه ۴۶۸۵۲ مجمع عمومی ضمیمه

ما در پاریس بمنظور بررسی روشها و وسایل توسعه همکاری بین المللی در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و تقویت و پیشتیبانی از برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد با هدف اثربخشی کامل آن بنحوی که پاسخگوی نیازمندیها و پیش نیازهای دولتهای عضو باشد، جمع شده ایم.

با در نظر گرفتن اینکه یکی از اهداف سازمان ملل متحد، همانطوریکه در منشور ملل متحد نیز بیان گردیده است، دستیابی به همکاری بین المللی در حل و فصل و ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون هیچگونه تفاوت براساس نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب است.

با اطمینان از نیاز جدی و فوری در زمینه آسان سازی سازوکارهای بین المللی راجع به معاضدت به دولتها و ایجادزمینه ی اجرای استراتژی های مشترک در قلمرو پیشگیری از جرم و عدالت کیفری با نتیجه تحکیم نقش سازمان ملل متحد بعنوان نقطه مرکزی در آن قلمرو و با تذکر به اهمیت اصول مندرج در طرح اقدام میلان^{۸۳} و اصول راهبردی پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در بستر توسعه و نظم جدید اقتصادی بین المللی^{۸۴}، همینطور سایر اسناد ذیربطی که بوسیله کنگره های سازمان ملل متحد در قلمرو پیشگیری از جرم و درمان مجرمین و آنچه که بوسیله مجمع عمومی به تصویب رسیده است.

- با تأکید مجدد بر مسئولیت های مقرر بوسیله سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری.

- با اعتقاد به اهداف سازمان ملل متحد در قلمرو پیشگیری از جرم و عدالت کیفری بویژه، کاهش جرم،

⁸³ -See Seventh united nations congress on the prevention of crime and the treatment of offenders, Milan , 26 August- 6September 11985 : report prepared by the secretariat chap I. Sect .A.

⁸⁴ -Ibid; Sect.B.

اجرای مؤثر و سودمند قانون و اجرای عدالت رعایت حقوق بشر و ترویج عالی‌ترین استانداردهای انصاف، انسانیت، و رفتار حرفه‌ای.

- با به رسمیت شناختن پیش‌بینی یک حمایت فعال و تمهید وسایلی برای معاضدت در توسعه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد بصورت مؤثر، و تدبیر سازوکارهای اجرایی مناسب.

- با توجه عمیق در خصوص قلمرو و رشد جرم با تبعات مالی، اقتصادی، و اجتماعی آن.

- با آگاهی از هزینه‌های بالای جرم در دو جنبه انسانی و مالی، مضاف بر اشکال جدید ملی و بین‌المللی آن و آگاهی از آثار جرم، بر دولت‌ها و بزه‌دیدگان شخصی با به رسمیت شناختن مسئولیت اصلی دولت‌های عضو در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری

- با تأکید بر ضرورت تقویت همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه مبارزه با جرم و مسئله تکرار جرم، اثربخشی کارکردی اصلاحی سیستم‌های عدالت کیفری، ترویج رعایت حقوق اشخاص و صیانت از حقوق بزه‌دیدگان و امنیت عمومی مردم.

- با آگاهی از اینکه اتفاق نظر در خصوص نیاز به ایجاد یک برنامه قوی پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد، و توافق در زمینه نیاز به یک ارگان بین‌الدولی در زمینه سیاست‌گذاری و تمهید مقدمات، با هدف ارتقاء اثربخشی بخش دبیرخانه و توسعه همکاری فنی بمنظور مساعدت به کشورها، بویژه کشورهای در حال توسعه، جانشین اصول راهنمای سیاست سازمان ملل متحد از جمله آموزش،

- با عزم به عملیاتی کردن خواست سیاسی با یک اقدام قاطع.

الف: با ایجاد سازوکارهای ضروری در زمینه تشریک مساعی عملی علیه مشکلات مشترک

ب: با ایجاد یک چهارچوب مشخص در زمینه همکاری بین الدولی و اقدام هماهنگ بمنظور پاسخ به اشکال خطرناک جدید و جنبه های فراملی و ابعاد مختلف جرایم.

ج: با راه اندازی تبادل اطلاعات در خصوص اجرا و اثربخشی هنجارها و استانداردهای پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد.

ه- با پیش بینی بینی منبع مناسب برای اجرای مؤثر و صادقانه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد.

عزم جدی خود در خصوص اهداف مذکور در بالا را اعلام و به شرح ذیل توافق می نمائیم.

(اول) ا علام اصول

۱- ما این موضوع را تأیید می کنیم که جهان در حال تجربه تحولات مهم ناشی از فضای سیاسی فراروی دموکراسی، همکاری بین المللی حقوق بشر بنیادین و آزادی های اساسی، و عینیت بخشیدن به اشتیاق کلیه ملل به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی است.

علیرغم توسعه در این زمینه ها جهان امروز کماکان از خشونت و سایر اشکال جرایم شدید به ستوه آمده است. این دیدگاهها در مواردی که بصورت بالفعل در می آیند حیات حاکمیت قانون مورد تهدید قرار می دهند . .

۲- ما معتقدیم که عدالت مبتنی بر حاکمیت قانون، ستونی است که جامعه متمدن بر آن متکی هستند. ما درصدد ارتقاء کیفیت آن هستیم. یک سیستم عدالت کیفری انسان دوستانه و ساده می تواند یک ابزار در زمینه

نیل به اهداف تحولات اجتماعی سازنده و عدالت اجتماعی، حمایتگر حقوق غیر قابل سلب و ارزشهای اساسی مردم تلقی گردد. کلیه حقوق اشخاص باید از حمایت قانون در قبال خشونت فرایندی در سیستمهای عدالت کیفری برخوردار باشد. ما این واقعیت را قبول داریم که کاهش نوع جرم در جهان، علاوه بر عوامل دیگر، بستگی به شرایط اجتماعی جمعیت دارد. کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در حال تجربه سخت ترین وضعیت فراروی کشورهای در حال توسعه وجود دارد که می طلبد در خصوص وضعیت مزبور از قبل اندیشه گردد.

۴- ما معتقدیم که افزایش جرم به فرآیند توسعه و رفاه عمومی نوع انسان صدمه می زند و سبب تقلیل سطح رفاه جوامع ما می شود. چنانچه این وضعیت ادامه یابد پیشرفت و توسعه قربانیان اصلی جرم خواهند بود.

۵- ما همچنین اعتقاد داریم که فرآیند افزایش بین المللی سازی جرم باید پاسخهای جدید و مناسبی را بدست دهد. جرم سازمان یافته، امنیت کنترل مرز که بمنظور حمایت از تجارت قانونی و النهایه توسعه در نظر گرفته شده است را تخریب میکند. این واقعه و قلمرو چنین جرایمی ممکن است در سالهای آینده افزایش یابد مگر اینکه تدابیر صحیح پیشگیرانه منظور گردد. بنابراین بطور ویژه مسئله پیش بینی وقایع و کمک به دولت های عضو در تدوین استراتژیهای کنترل و پیشگیری مناسب از اهمیت برخوردار است.

۶- ما تأیید می کنیم که برخی از جرایم دارای برد بین المللی هستند. در این بستر یک نیاز قوی، هنگامی که بحث حاکمیت مطرح می شود، در شناسایی مشکلاتی که در جمع آوری دلیل استرداد مجرمین و گسترش معاضدت قانونی

دوجانبه برای مثال در مواقعی که جرایم مزبور در طول مرزها ارتکاب می‌یابد یا هنگامی که مسئله مرزها بمنظور فرار از دستگیری یا تعقیب مورد استفاده قرار می‌گیرد، وجود دارد. علیرغم تفاوت سیستم‌های قانونی تجربه نشان می‌دهد که معاضدت دوجانبه و همکاری می‌تواند یک تدبیر مؤثر مشترک بوده و در زمینه جلوگیری از تعارض صلاحیتها مساعدت نماید.

۷- ما همچنین بر این اعتقادیم که دموکراسی و کیفیت بهتر زندگی صرفاً در یک بستر صلح و امنیت برای همه قابل توسعه است. جرم متضمن یک تهدید برای ثبات و محیط امن است. پیشگیری از جرم و عدالت کیفری با توجه صحیح به رعایت حقوق بشر تشریک مساعی مستقیم در بقاء صلح و امنیت امکانپذیر است.

۸- ما باید اطمینان داشته باشیم که هر افزایش در توانایی و امکانات مرتکبین جرایم، توأم با افزایش مشابه در توانایی و امکانات مجری قانون و عدالت کیفری است. با انجام دانش و تدابیر مناسب مشترک در حال افزایش ضریب توفیق در پیشگیری از جرم و کاهش بزه دیدگی به نهایت حدخود خواهد رسید. ما بویژه نیاز به ایجاد و تقویت ابزارهای پیشگیری از جرم و امکانات کنترل در کشورهای در حال توسعه که وضعیت فکری و اجتماعی در حال گذر است افزایش مشکلات در این قلمرو می‌گردد را مورد تأکید قرار می‌دهیم.

۹- ما از جامعه بین‌المللی می‌خواهیم تا حمایت در زمینه همکاری فنی و خدمات معاضدتی برای همه کشورها، را افزایش دهند، از قبیل کشورهای در حال توسعه و کشورهای کوچک، باهدف توسعه و تقویت ساختارهای موردنیاز برای پیشگیری از جرم و عدالت ماندگار و سیستم عدالت کیفری انساندوستانه.

۱۰- ما به جایگاه و نقش برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد در جامعه بین المللی مورد تأیید قرار می دهیم. ما خاطرنشان می کنیم که این یک واقعیت انکارناپذیر است که منابع غیر کافی که به اجرای این برنامه اختصاص داده شده است، در گذشته سبب عدم نیل به توانمندیهای این برنامه شده است. ما همچنین افزایش منابع اختصاص داده شده به اجرای این برنامه بوسیله ششمین کنگره ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین را که در هفتمین کنگره ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین^{۸۵} و هشتمین کنگره ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین درخواست گردیده است را خاطرنشان می سازیم^{۸۶}. مضاف بر آن ما خاطرنشان می کنیم که کمیته پیشگیری از جرم و کنترل در یازدهمین جلسه خود به نتایج و توصیه های کمیته فرعی ای که برای بررسی مشکل جرم و تعیین ابزارهای بسیار سهل الوصول بمنظور ترویج اقدامات عملی بین المللی در زمینه حمایت از اعضاء حسب قطعنامه شماره ۴۶/۷۲ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۸۹ تأسیس کرده است باید توجه ویژه ای مبذول نمود.

این کمیته در قطعنامه شماره ۱۱/۳ مورخ ۱۶ فوریه^{۸۷} ۱۹۹۰ به اتفاق آراء گزارش کمیته فرعی در زمینه ضرورت ایجاد یک برنامه مؤثر بین المللی در زمینه جرم و عدالت را تصویب نمود. این گزارش که به تأیید کنگره هشتم نیز رسید، بعنوان یک ابزار مناسب برای ایجاد برنامه پیشگیری از جرم و عدالت ملل متحد در عرض

⁸⁵ -see seventh united nations congress on the prevention of crime and the treatment of offenders milon 26 August 6 September 1985

⁸⁶ - see sixth united nation congress on the prevention of crim and the treatment of offender . caracas 25 August – 5 September 1980

⁸⁷ -see official record of the economic and social council 1995 supplement no 10 chap I Sec T.D

مقررات مندرج در قطعنامه شماره ۵/۱۰۸ مجمع عمومی،
مورد استفاده قرار گرفت.

۱۱- در همین راستا همکاری بین المللی مستحکم در
زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری شامل ایجاد یک
برنامه مؤثر سازمان ملل متحد در زمینه ی پیشگیری از
جرم و عدالت کیفری را پیشنهاد می نمائیم.

۱۲- ما اعتقاد راسخ داریم که ضرورت دارد دولت ها
نقش و کارکرد برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری
سازمان ملل متحد و دبیرخانه این برنامه و تعیین
نیازمندیهای قبلی این برنامه را بطور شفاف تعریف و
شناسایی نمایند.

۱۳- ما قویاً بازبینی این برنامه باهدف افزایش
اثربخشی سودمندکردن و تأسیس یک ساختار پشتیبانی
مناسب دبیرخانه اعتقاد داریم.

دوم : برنامه ی اجرایی

الف) تعریف

۱۴- برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان
ملل متحد ، کار مشترکی را با کمیسیون پیشگیری از
جرم، و عدالت کیفری نهادهای سازمان ملل متحد در
زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین، شبکه
بزهکاران ملی تعیین شده توسط دولت در زمینه
پیشگیری از جرم و عدالت کیفری شبکه اطلاعاتی جهانی
جرم و عدالت کیفری، و کنگره های سازمان ملل متحد در
زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین در تمهید معاضدت
به دول عضو درتلاش آنها بمنظور کاهش شیوع و هزینه های
جرم و ارتقاء کارکرد مناسب سیستم های عدالت کیفری
شان به انجام خواهد رساند.

این برنامه با رعایت تشریفات زیر و چهارچوب کلیه
منابع درد سترس ملل متحد ایجاد خواهد گردید.

(ب) اهداف

۱۵- این برنامه بمنظور معاضدت به جامعه بین المللی در نحوه ی تعامل با نیازهای اساسی در قلمرو پیشگیری از جرم و عدالت کیفری طراحی گردیده است. و معاضدت عملی و بهنگام مقابله با مشکلات جرایم ملی و بین المللی ارائه می دهد.

۱۶- اهداف عمومی برنامه مستلزم مشارکت در موارد ذیل است:

الف: پیشگیری از جرم داخل قلمرو یک دولت یا بین الدول

ب: کنترل جرم اعم از ملی و بین المللی

ج: تقویت همکاری منطقه ای و بین المللی در زمینه پیشگیری از جرم، عدالت کیفری و مبارزه علیه جرایم فراملی

د: انسجام و تحکیم اقدامات دول عضو در زمینه پیشگیری و مبارزه علیه جرایم فراملی

ه: اجرای سودمند و مؤثر عدالت با رعایت صحیح حقوق بشر کلیه افرادی که از جرم متأثر گردیده اند و کلیه کسانی که تحویل سیستم عدالت کیفری شده اند.

و: ترویج عالی ترین استانداردهای انصاف، انساندوستی، عدالت و رفتار حرفه ای

ج: قلمرو برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد

۱۷- این برنامه شامل اشکال مناسب همکاری با هدف معاضدت به دولتها در مقابله با مشکلات ناشی از جرایم ملی و فراملی است. بویژه این برنامه می تواند شامل موارد زیر گردد:

الف: پژوهش و مطالعه در سطح ملی، منطقه ای و جهانی در زمینه موضوع پیشگیری های خاص و تدابیر عدالت کیفری.

ب: ارزیابی های منظم بین المللی بمنظور تعیین تحولات جرایم و ارتقاء سطح عملکرد سیستم های عدالت کیفری و استراتژیهای پیشگیری از جرم و نتایجی که از اجرای آن حاصل شده است.

د: آموزش و روزآمد کردن مهارتهای نیروی انسانی ای که در قسمتهای مختلف پیشگیری از جرم و عدالت کیفری مشغول به کارند.

ه: معاضدت فنی: شامل خدمات مشاوره، بویژه در زمینه برنامه ریزی اجرایی و ارزیابی برنامه های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری آموزش و استفاده از وسایل ارتباطی جدید، و فنون تبادل اطلاعات

این قبیل کمک ها می تواند از طریق بطور مثال اعطای بورس تحصیلی، تورهای مطالعاتی، مشاوره تخصصی در موارد خاص، تبادل کارشناس، همایشها، سمینارها، و نمایش فیلم اقدامات و پروژه های پایلوت به اجرا درآید

۱۸- در چهارچوب این برنامه سازمان ملل متحد باید بطور مستقیم اجرای اشکال همکاری فوق الذکر را بر عهده گیرد یا در مقام هماهنگ کننده یا ارگان تسهیل کننده اقدام نماید. باید به ایجاد سازوکارهایی برای برقراری معاضدت منعطف و مناسب و رفع نیازهای دول عضو حسب درخواستهایشان توجه خاص معطوف شود بدون اینکه سبب دوباره کاری سایر سازوکارهای از قبل موجود شود.

۱۹- بمنظور دستیابی به اشکال مختلف همکاری دول عضو باید شیوه های مؤثر و قابل اعتماد ارتباط بین خود و یاسازمان های ملل متحد را ایجاد و راه اندازی نمایند.

۲۰- این برنامه همچنین در صورت تناسب، با رعایت حاکمیت دولتها، شامل بررسی اثربخشی، و اجرا در مواردی که ضرورت داشته شود، توسعه بیشتر و ترویج اسناد بین المللی در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری خواهد گردید.

د) پیش نیازهای برنامه

۲۱- در اجرای گام به گام برنامه، موارد پیش نیاز با لحاظ نیازها و ملاحظات دول عضو با توجه خاص به موارد ذیل باید تعیین گردد:

الف: دلایل تجربی، شامل یافته های تحقیق وسایر اطلاعاتی که در زمینه ماهیت و قلمرو جرم و تحولات گرایش جرایم. وجود دارد.

ب: هزینه های اجتماعی، مالی وسایر هزینه های اشکال مختلف جرم، و یا کنترل جرم بر اعضا جامعه محلی، ملی و بین المللی و بر فرآیند توسعه.

ج: الزامات کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته که مواجه با مشکلات ویژه اوضاع و احوال مرتبط ملی یا بین المللی در زمینه دستیابی به کارشناسان و سایر منابع فوری برای ایجاد و توسعه برنامه های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری که مناسب سطوح ملی و محلی است می باشند.

د: ضرورت توازن داخلی برنامه و پیشرفت آن و عملیات اجرایی

ه: حمایت از حقوق بشر در اجرای عدالت و پیشگیری و کنترل جرم

و: ارزیابی قلمروهایی که در آن اقدام هماهنگ در سطح بین المللی و در چهارچوب برنامه اثربخشی زایدی خواهد یافت.

ز: جلوگیری از هم‌عرضی اقدامات با فعالیت های سایر ارگانهای سازمان ملل متحد یا سازمان های دیگر

ح: کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری قائم مقام تعهدات و اختیارات قبل از تأسیس خود نیست. ولی تعهدات و اختیارات مزبور را حسب صلاحدید خود با کاربرد اصول مذکور در پاراگراف ۲۱ فوق مورد ارزیابی و بررسی قرار میدهد.

ه: ساختار و مدیریت

۱- کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری:

۲۳- یک کمیسیون درزمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری بعنوان کمیسیون کاربردی شورای اقتصادی و اجتماعی باید تأسیس گردد.

این کمیسیون دارای صلاحیت ایجاد کار گروههای موقت نبوده و می تواند در صورتی که ضروری به نظر برسد، گزارشگران خاص داشته باشد.

- عضویت

۲۴- این کمیسیون شامل چهار دولت عضو سازمان ملل متحد که بوسیله شورای اقتصادی و اجتماعی براساس اصل توزیع جغرافیایی منصفانه تعیین میگردد است. اعضای آن برای سه سال انتخاب می گردند مع الوصف دوره نیمی از اعضا انتخابی که نامشان بوسیله قرعه تعیین میشود پس از انقضاء ۲ سال خاتمه می یابد. هر عضو نهایت کوشش خود را بعمل خواهد آورد که نماینده اش متخصص و مقام ارشد با سابقه آموزشی و تجارب عملی در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ترجیحاً دارای مسئولیت سیاسی در این زمینه باشد. مقرراتی باید در زمینه بودجه جاری سازمان ملل متحد بمنظور پرداخت هزینه های

سفر نمایندگان کشورهای کمتر توسعه یافته که دارای عضو کمیسیون هستند در نظر گرفته شود.^{۸۸}

جلسات

۲۵- کمیسیون جلسات سالیانه ای که بیشتر از ۱۰ روز کاری نباشد را برگزار خواهد کرد.

وظایف

۲۶- کمیسیون وظایف زیر را برعهده دارد:

الف: تهیه اصول راهبردی در قلمرو پیشگیری از جرم و عدالت کیفری برای سازمان ملل متحد

ب: توسعه، نظارت و تجدیدنظر در زمینه اجرای برنامه براساس سیستم برنامه ریزی میان مدت با رعایت اصول قبلی مندرج در پاراگراف ۲۱ فوق

ح: تسهیل و کمک به انسجام فعالیت های نهادهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین

د: بسیج حمایت دول عضو برای این برنامه

ه: تمهید مقدمات برگزاری کنگره های سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین و ارائه پیشنهادات در خصوص موارد امکانپذیر برای برنامه کاری بنحوی که توسط کنگره ها ارائه شده است.

۲- کمیته پیشگیری از جرم و کنترل

۲۷- کمیته پیشگیری از جرم و کنترل باید به محض تأسیس کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری توسط شورای اقتصادی، اجتماعی، منحل گردد. نیاز اساسی به مشارکت کارشناسان مستقل در حوزه پیشگیری از جرم و کنترل وجود دارد.

^{۸۸} - توصیه گردیده است بمنظور تسریع در شروع کار کمیسیون سهمیه جغرافیایی کمیسیون به شرح ذیل باشد: کشورهای افریقایی(۱۲) کشورهای آسیایی(۹)، آمریکای لاتین، کشورهای حوزه دریای کارائیب(caribbean states)(۸)، اروپای غربی و سایر کشورها (۷) کشورهای اروپای شرقی (۴) اندازه و سهم جغرافیایی کمیسیون دو سال بعد از اولین جلسه کمیسیون قابل تجدید نظر است.

۲۸- کمیسیون در مواقع ضروری از خدمات تعداد محدودی از کارشناسان ذیصلاح و مجرب خواه بعنوان مشاور خصوصی یا در یک گروه کاری بمنظور کمک به کارهای کمیسیون استفاده خواهد کرد. مشاوره های این اشخاص بمنظور بررسی به کمیسیون ارائه خواهد گردید. این کمیسیون باید ترغیب شود از این مشاوره ها در موارد ضروری استفاده کند.

یکی از تکالیف اصلی این کارشناسان فراهم کردن مقدمات برگزاری کنگره های سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین است.^{۸۹}

۳- کنگره های سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین بعنوان ارگان مشورتی برنامه جلساتی را در زمینه های زیر برگزار خواهد گردید را تعیین می کند .

الف: تبادل نظر بین دولتها، سازمانهای دولتی، سازمانهای غیردولتی، و کارشناسانی که نماینده مشاغل کشوری و لشکری هستند.

ب: تبادل تجارب در زمینه مسایل پژوهشی، حقوقی، کم و کیف اجرای سیاستها

ج: شناسایی گرایشهای نوظهور و موضوعات [جدید] در حوزه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری

چ: مشاوره و رایه تفسیر به کمیسیون در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در موضوعات موردی ارجاع شده بوسیله کمیسیون

ه: ارائه پیشنهادات، بمنظور بررسی آن در کمیسیون در خصوص موضوعات قابل اجرا در تنظیم برنامه کاری

^{۸۹} - دبیرخانه این برنامه باید یک فهرست از کارشناسان را در اختیار داشته باشد. این کارشناسان باید بوسیله کمیسیون با مشورت با دبیرخانه، نهادهای سازمان ملل متحد، در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین و سازمان های غیردولتی انتخاب گردند. کمیسیون با مشورت دول عضو، سازوکار را برای این منظور ترسیم می نماید. این کارشناسان که ممکن است مقامات رسمی و دولتی سایر اشخاص باشند باید براساس اصل توزیع منصفانه جغرافیایی انتخاب گردند. این آکادمی براساس، قابلیت های مستقل و شخصی خود برای حداقل سه سال به خدمت برنامه درمی آیند. جلسات گروه کارشناسان با لحاظ شرایط مقرر در پاراگراف ۱۴ منعقد خواهد گردید.

۳۰- بمنظور ارتقاء اثربخشی این برنامه، و با هدف نیل به نتایج مطلوب مقررات ذیل باید به اجرا درآید.

الف: کنگره ها باید هر ۵ سال یکبار برای مدتی بین ۵ تا ۱۰ روز کاری منعقد گردد.

ب: کمیسیون باید چکیده موضوعات انتخاب شده برای کنگره ها را با هدف تمرکز و فایده مند ساختن مباحثات تهیه نماید.

ج: نشستهای منطقه ای ۵ ساله باید تحت نظارت کمیسیون درخصوص موضوعات مرتبط بافهرست تهیه شده توسط کمیسیون یا کنگره ها یا موضوع دیگر برگزار گردد مگر اینکه یک منطقه برگزاری نشست مزبور را غیرضروری بداند. نهادهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین، باید بطور کامل چنانچه مناسب باشد، در سازماندهی این نشستها مشارکت نمایند. کمیسیون باید به ضرورتهای مالی برگزاری این جلسات بویژه درمناطق درحال توسعه از طریق درج آن در بودجه جاری سازمان ملل متحد توجه ویژه نماید.

د: کارگاههای علمی - کاربردی درموضوعات انتخاب شده بوسیله کمیسیون بعنوان یک رکن از برنامه کنگره، و نشستهای فرعی هماهنگ شده توسط کنگره ها باید مورد تشویق قرار گیرد.

۴- ساختار سازمانی دبیرخانه و برنامه

۳۱- دبیرخانه رکن دائمی و مسئول تسهیل اجرای برنامه، پیش نیازهایی که ضرورت دارد بوسیله کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ایجاد گردد. کمک به کمیسیون در اعمال ارزیابی پیشرفتهای انجام یافته و تجزیه و تحلیل مشکلات فرارو است برای نیل به این مقصود دبیرخانه باید:

الف: منابع موجود شامل نهادها، سازمانهای بین دولتی، سازمانهای غیردولتی وسایر مقامات ذیصلاح در زمینه اجرای برنامه را بسیج نماید.

ب: هماهنگ سازی پژوهش، آموزش و جمع آوری آمار در زمینه جرم و عدالت و ایجاد زمینه همکاری فنی و اطلاعات عینی برای دول عضو بویژه از طریق شبکه اطلاعات جهانی جرم و عدالت کیفری

ج: مساعدت به کمیسیون در سازماندهی عملکردش و درتهید مقدمات برگزاری کنگره ها و سایر وقایع

مربوط به برنامه با رعایت دستورالعملهای کمیسیون
د: اطمینان از اینکه اعطاءکنندگان بالقوه کمک در زمینه معاضدت عدالت کیفری در تماس با کشورهای که به کمک در موارد خاص نیازمند هستند می باشند.

۳۲- به دبیرکل توصیه شده است که به منظور شناسایی پیش زمینه هایی که باید برای این برنامه فراهم گردد شعبه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری مرکز توسعه انسانی و امور انسان دوستانه دبیرخانه را به یک بخش مستقل در اسرع وقت حسب شرایط مقرر در پاراگراف ۱۴ فوق با لحاظ ساختار دفتر ملل متحد در وین ارتقاء دهد.

۳۳- کارمندان حرفه ای دبیرخانه برنامه باید مأمورین پیشگیری از جرم و عدالت کیفری نامگذاری کردند.

۳۴- دبیرخانه باید تحت مدیریت یک مأمور عالی رتبه که من حیث المجموع وظیفه مدیریت روزانه و نظارت عالی بر برنامه، ارتباط با مأمورین دولتی ذیربط ارگانهای تخصصی وسازمانهای بین دولتی ای که فعالیتشان درارتباط با برنامه است را برعهده دارد باشد.

(و امور پشتیبانی برنامه

۱- نهادهای ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان مجرمین

۳۵- فعالیت های نهادهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان معتادین باید بوسیله دول عضو و سازمان ملل متحد با توجه مخصوصی که به نیازمندیهای این نهادها در کشورهای در حال توسعه می شود مورد حمایت قرار گیرد.

با توجه به نقش مهم این نهادها، مشارکتهای آنها در توسعه و اجرای سیاستگذاریها و منابع مورد نیازشان به ویژه نهاد افریقایی سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان، باید تماماً با کلیت برنامه منطبق گردد.

۲- هماهنگ سازی بین نهادهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و درمان

۳۶- نهادها باید به یکدیگر و به کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری بری پایه منظم راجع به برنامه کاری و اجرای آن اطلاع رسانی نمایند.

۳۷- کمیسیون ممکن است از نهادها، با لحاظ منابع موجود، اجرای قسمتهای انتخاب شده از برنامه را درخواست نماید. کمیسیون همچنین می تواند مواردی را برای فعالیتهای بین نهادی پیشنهاد دهد.

۳۸- کمیسیون باید بسیج حمایت خارج از بودجه در زمینه فعالیت های این نهادها را در دستور کار خود قرار دهد.

۳- شبکه مقامات دولتی ای که در قلمرو پیشگیری از جرم و عدالت کیفری مسئولیت دارند و

۳۹- دول عضو باید یک یا چند مقام مسئول ملی را در قلمرو پیشگیری از جرم و عدالت کیفری بعنوان «مقام اصلی» بمنظور برقراری تماس مستقیم با دبیرخانه برنامه و سایر ارکان برنامه تعیین نماید.

۴۰- مقام مسئول ملی باید تعامل با دبیرخانه را در موضوعات قانونی، علمی و همکاری فنی، آموزشی، اطلاعات راجع به قوانین ملی و آئین نامه ها، سیاستهای قانونی ساختار و تشکیلات سیستم عدالت کیفری، تدابیر پیشگیری از جرم و موضوعات مربوط به اجرای مجازات تسهیل نماید .

۴- شبکه جهانی اطلاعات در زمینه جرم و عدالت کیفری

۴۱- دول عضو باید به سازمان ملل متحد در زمینه توسعه و استمرار فعالیت شبکه جهانی اطلاعات در زمینه جرم و عدالت کیفری، با هدف تسهیل جمع آوری، تجزیه و تحلیل، تبادل و انتشار اطلاعات، در صورت تناسب و متمرکز کردن، ماحصل اقدامات سازمانهایی غیردولتی و نهادهای علمی در قلمرو جرم و عدالت کیفری مساعدت نمایند.

۴۲- دول عضو باید متعهد باشند تا به مدیرکل بر پایه منظم و براساس درخواست در زمینه اطلاعات راجع به پویایی ساختار و قلمرو جرم و در خصوص اجرای استراتژیهای پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در کشورهايشان را ارائه نمایند.

۵- سازمانهای بین دولتی و غیردولتی

۴۳- سازمانهای بین دولتی و غیردولتی و جامعه علمی منبع ارزشمند ارائه نظرات تخصصی و حرفه ای، مشاوره و معاضدت محسوب میگردند. از تشریک مساعی آنها باید بطور کامل در توسعه و اجرای برنامه بهره برداری گردد.

ز) منابع مالی برنامه

منابع مالی برنامه از طریق بودجه جاری سازمان ملل متحد تأمین میشود منابع تخصیص یافته به همکاری فنی

ممکن است بوسیله مشارکت داوطلبانه مستقیم دولتهای عضو و ارگانهای مالی علاقمند افزایش یابد.

دولتهای عضو تشویق میگردند در صندوق امانی دفاع اجتماعی حسب درخواست صندوق پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد مشارکت نمایند. آنها همچنین به مشارکت عینی در فعالیتهای اجرایی برنامه بویژه بوسیله ایجاد ادارات پشتیبانی کننده سازماندهی دوره های آموزشی و سمینارها و تهیه تجهیزات موردنیاز و خدمات با تشویق شوند.

۳۳- اعلامیه های سیاسی و طرح اقدام جهانی علیه جرم سازمان یافته فراملی ناپل^{۹۰} ما سران کشور و دولت وزرای سیستم های عدالت کیفری و سایر نمایندگان دولتی عالی رتبه.

در شرف پنجاهمین سالروز تأسیس سازمان ملل متحد در ناپل برای اولین بار در تاریخ گردهم آمده ایم تا روشها و وسایل تقویت و افزایش توانمندیهای ملی و همکاری بین المللی علیه جرم سازمان یافته فراملی و جلوگیری از توسعه بیشتر دامنه آن را مورد بررسی قرار میدهیم.

با توجه عمیق به رشد وخیم جرایم سازمان یافته فرا ملی دهه گذشته و آثار جهانی آن که زمینه تهدید امنیت داخلی و استمرار حاکمیت دولتها را فراهم کرده است. ضمن هشدار از خسارتهای فوق العاده جرم سازمان یافته فراملی در دو جنبه انسانی و مالی و آثار آن بر اقتصاد های ملی، سیستم مالی جهانی و حاکمیت قانون و ارزشهای اساسی اجتماعی.

با آگاهی از نیازمندیهای برخی کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذر درزمینه مدرنیزه کردن و افزایش شرح وظایف سیستم های عدالت

⁹⁰ - A/49/748.annex sect.I.A

کیفیری با هدف ارتقاء نحوه مقابله با جرم سازمان یافته فراملی.

با یقین به نیاز فوری در زمینه تقویت بیشتر سازوکارهای بین المللی معاضدت به دولتها و تسهیل اجرای استراتژیهای مشترک درخصوص پیشگیری و مقابله با جرم سازمان یافته فراملی و نیاز بیشتر به تقویت نقش سازمانهای ملل متحد بعنوان مرجع اصلی در این قلمرو با تأیید مجدد بر تکالیف محوله سازمان ملل متحد در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و با به رسمیت شناختن ضرورت تقویت نقش این سازمان در توسعه برنامه های اجرایی جامع با هدف پیشگیری و کنترل جرم سازمان یافته فراملی با آگاهی از اختلافاتی که کماکان بین کشورها در درک و ارزیابی این پدیده و تبعاً انتخاب سیاستهای مقابله با این جرم سازمان یافته فراملی وجود دارد.

اراده ی سیاسی و تصمیم جدی و تعهد قطعی خود در زمینه اجرای کامل و سریع این اعلامیه سیاسی و طرح اقدام جهانی علیه جرم سازمان یافته فراملی را اعلام می نمائیم.

۱- اعلامیه سیاسی

۱- ما تصمیم گرفته ایم جوامع خود را در مقابل جرم سازمان یافته در کلیه اشکال آن از طریق تدابیر قانونی مشخص و مؤثر و تمهید وسایل اجرایی آن در انطباق با حقوق بشر به رسمیت شناخته شده بین المللی و آزادی های اساسی مورد حمایت قرار دهیم.

۲- ما تصمیم گرفته ایم با تجمیع قوا مشترکاً علیه توسعه و اقسام مختلف جرم سازمان یافته فراملی مبارزه کنیم و با اطمینان زیاد معتقدیم بین جرم سازمان یافته و فراملی و جرایم تروریستی ارتباط برقرار است. علیرغم تفاوت اخیر واقعیت اینست که

استراتژیهای هماهنگ و سایر اشکال همکاری بین المللی باید توسعه بیشتری یابد.

۳- ما تلاشهای خود را به سمت تضعیف قدرت اجتماعی و اقتصادی سازمانهای جنایی و توان آنها بمنظور رسوخ به اقتصاد مشروع، تطهیر عواید و استفاده از خشونت ورعب (ترور) نشانه می رویم.

۴- ما تأکید می کنیم مبارزه علیه جرم سازمان یافته فراملی باید موضوع نهایت مساعی کشورها از طریق سازمانهای جانبی و منطقه ای با حمایت لازم عموم مردم، رسانه ها، بازرگانان، نهادها و سازمانهای غیردولتی قرار گیرد.

۵- نظریه اطلاع از استلزامات جهانی درزمینه جرم سازمان یافته، ما خاطر نشان می کنیم که پیشگیری، نظارت، باید الزاماً از دولتی به دولت دیگر ومنطقه ای به منطقه دیگر متفاوت باشد و با توجه به امکانات ملی افزایش آگاهی و تجارب مشترک در زمینه گروههای جنایی، متناسب و متحول گردد.

۶- ما با التفات به اینکه جرم سازمان یافته فراملی رشد اجتماعی و اقتصادی کشورهای درحال توسعه و کشورهای درحال گذر ونهادهای آنان را تهدید می کند جامعه بین المللی باید به این کشورها در اقداماتشان بمنظور توانمندیهای نهادهای عدالت کیفری با هدف پیشگیری مناسب و مبارزه با جرم سازمان یافته با توجه لازم به حقوق بشر بین المللی و آزادی های اساسی مساعدت نماید.

۷- ما رضایت خود به تأسیس کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری اعلام می کنیم. ما عمیقاً توصیه می کنیم باید یک توجه مستمر قبلی بصورت هماهنگ برای تقویت همکاری بین المللی علیه جرم سازمان یافته فراملی در

چهارچوب برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد، با التفات به مسئله محدودیت منابع که سبب ایجاد برخی موانع در راستای اجرای آن گردیده است صورت پذیرد. ما به پروتکل در زمینه اختصاص منابع مالی و انسانی مناسب در زمینه فعالیت های سازمان ملل متحد در مبارزه علیه جرم سازمان یافته فراملی، با لحاظ قلمرو مسئولیتهای آن احراز می کنیم.

۸- ما به دولتهایی که تاکنون به عضویت کنوانسیون بسیار مهم سازمان ملل متحد درخصوص مبارزه با مواد مخدر و روانگردان ۱۹۸۸ درنیامده اند اکیداً پیشنهاد می کنیم که به عضویت آن درآیند. همه دولتها ملزمند این مسئله و سایر توافقات موجود زیربط را به اجرا درآورده و در صورت ضرورت اسناد مرتبط باقلمرو گسترده جرایم سازمان یافته که به ماورای قاجاق مواد مخدر مربوط است را توسعه دهند.

۹- ما آرزومندیم در صورت امکان، توان دولتها همچنین سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای جهانی ومنطقه ای زیربط را با هدف نیل به همکاری مؤثرتر بین المللی در زمینه تهدیدات ناشی از جرایم سازمان یافته فراملی بویژه در موارد ذیل را تقویت کرده توسعه دهیم:

الف: هماهنگ سازی متون قوانین راجع به جرم سازمان یافته

ب: تقویت همکاری بین المللی در سطوح تحقیقات، تعقیب و رسیدگی در قلمرو های عملی

ج: ایجاد شیوه و اصول اساسی همکاری بین المللی در سطوح منطقه ای و جهانی

د: تنظیم توافق نامه های تفصیلی در زمینه جرایم سازمان یافته فراملی

ه: تدابیر و استراتژی‌هایی بمنظور پیشگیری و مقابله باپولشویی و کنترل استفاده از عواید ناشی از جرم.

۱۰- ما معتقد به اهمیت ویژه و اولویت زیاد اجرای این اعلامیه سیاسی، و طرح اقدام بین المللی علیه جرم سازمان یافته فراملی، برای دستیابی به این مقصود هستیم، ما باید کوشش کنیم کمک مالی و سایر کمک‌ها برای این برنامه در کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذر افزایش یابد و اینکه منابع مالی ای را از محل سرجمع کمک‌های مالی توسعه و سایر منابع مالی این برنامه‌ها را با هدف مقابله با جرم سازمان یافته بسیج کنیم، و ما کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را فرا می‌خوانیم تا عملکردهای ذیربط را تحت نظارت و بازرسی منظم قرار دهد.

۲) طرح اقدام جهانی علیه جرم سازمان یافته فراملی الف: مشکلات و خطرات ناشی از جرم سازمان یافته فراملی ۱۱- جامعه بین المللی باید یک مفهوم از جرم سازمان یافته را که مورد توافق قرار گرفته است را بعنوان مبنای عملکردهای ملی هماهنگ با آن و همکاری مؤثرتر بین المللی مورد قبول قرار دهد.

۱۲- بمنظور مبارزه مؤثرتر علیه جرم سازمان یافته، دولتها باید اوصاف ساختاری و روشهای اجرایی خود را در تدوین استراتژیها، سیاستها، قانونگذاری و سایر تدابیر در نظر بگیرند. چنانچه تعریف قانونی یا جامع از این پدیده ناموجود باشد، موارد زیر از اوصاف (جرم سازمان یافته) محسوب می‌گردند:

سازمان متشکل از اعضاء بمنظور ارتکاب جرم روابط سلسله مراتبی یا روابط شخصی بنحوی که به سردرسته‌ها اجازه کنترل گروه را بدهد خشونت، ارعاب یا فساد که بمنظور تحصیل منافع یا کنترل بر نقاط خاص یا بازارها

صورت میگیرد تطهیر عواید غیرقانونی هم در تهیه وسایل فعالیت مجرمانه و هم در نفوذ به اقتصاد قانونی، قابلیت گسترش آن به هر نوع فعالیت جدید ماورای مرزهای سیاسی، همکاری با سایر گروههای جنایتکار سازمان یافته فراملی.

۱۳- بمنظورشناسایی وپیشگیری هوشمندانه و مبارزه بافعالیت های مجرمانه سازمان یافته فراملی، جامعه بین المللی باید دانش خود در زمینه سازمانهای کیفری و پویایی آنها را افزایش دهد. دولتها باید امار و اطلاعات قابل اعتماد در خصوص این پدیده را جمع آوری، تحلیل و منتشر نمایند.

ب: قانونگذاری ملی در خصوص جرم سازمان یافته فر اصلی و اصول راهنمایی برای قانونگذاری و سایر تدابیر.

۱۴- تجربه کشورهای که با جرایم سازمان یافته دست به گریبان بوده اند و اطلاعات ناشی از مطالب و تحلیل ساختارهای این جرایم و فعالیتهای مجرمانه، باید توسط هر کشور به محک آزمایش گذارده شود تا اصول راهنمای مفید در خصوص مقررات ماهوی، آیین دادرسی و اداری و ساختار های سازمان که بمنظور پیشگیری و مبارزه با این پدیده ضروری است استخراج می گردد.

۱۵- مقررات ماهوی در خصوص مجازات شرکت در گروههای جنایتکار یا بتانی و توطئه و تحمیل مسئولیت کیفری بر اشخاص حقوقی باید توسط دولتها، در صورت ضرورت، بعنوان ابزار تقویت توانایی مبارزه با جرم سازمان یافته از منظر ملی و توسعه همکاری در این زمینه از نظر بین المللی ملحوظ گردد.

۱۶- دولتها باید این موضوع را تضمین کنند که آنها ساختار و امکانات لازم از طریق مجموع سیستم عدالت

کیفری را بمنظور مواجهه با فعالیتهای سازمان یافته کیفری شامل موافقی علیه فساد، ارباب و خشونت در نظر خواهند گرفت.

۱۷- بمنظور مقابله مؤثر با جرم سازمان یافته، دولتها باید مجموعه قوانین خود در زمینه مسئله سکوت و ارباب را اصلاح نمایند. روشهای قابل اعتماد جمع آوری دلیل از قبیل نظارت الکترونیکی، عملیات پلیس مخفی و محموله های تحت نظارت، باید در مواقعی که در نظام حقوقی ملی این مسئله مورد بحث قرار می گیرد با توجه کامل به حقوق بشر و آزادیهایی که از نظر بین المللی به رسمیت شناخته شد و به اجرا در می آید، مورد نظر قرار گیرد، از جمله حق خلوت و با نظارت یا تأیید قضایی در صورت لزوم. تدابیری که مشوق همکاری و اداء گواهی توسط اعضا جرم سازمان یافته است باید مد نظر قرار گیرد از قبیل برنامه های حمایتی مناسب از گواهان و خانواده آنها و با رعایت محدودیتهای حقوق ملی، و امتیازی که بابت همکاری ارائه شده توسط آنها در فرایند تعقیب اعطا می گردد.

۱۸- تدابیر انتظامی ای که جزئیات آن در قسمت «و» ذیل مربوط به پولشویی و عواید حاصل از جرم، و سایر مکانیسمهای حقوق اداری بمنظور جلوگیری از ابهام و انسجام در تجارت و سازوکار حکومت، باید بعنوان یک تدبیر پیشگیرانه همعرض با ابزارهای حقوق کیفری در قلمرو مبارزه با جرایم سازمان یافته در نظر گرفته شود.

۱۹- دولتها در مواقعی که عملی است، باید تلاش نمایند، بخشهای خاص تحقیقاتی دارای تخصص در اوقاف ساختاری و شیوه های عملکرد گروههای جنایی سازمان یافته ایجاد و تجهیز نمایند. دولتها همچنین تلاش خواهند کرد برای

بخشهای مزبور آموزشهای لازم و منابعی که بر محور جمع آوری اطلاعات و تحلیلهای مرتبط با جرائم سازمان یافته فراصلی است، فراهم گردد.

۲۰- دولتها باید برنامه های آموزشی را بمنظور ایجاد فرهنگ در زمینه نحوه تعامل و رعایت قانون، را تویعه دهند و باید تدابیری را در زمینه ایجاد آگاهی عمومی در زمینه آثار جریام سازمان یافته، تهیه سیاهه را از مواردی که مردم سوامتر کمک کنند، رسانه های جزی و بخشهای خصوصی تلاشهایی که در سطح کلی و بین المللی جلبیه جرایم سازمان یافته صورت می پذیرد، بکار برند.

۲۱- دولتها باید توجه لازم برای زمینه سازی پرداخت خسارت یا غرامت به بزهدیدگان جرایم سازمان یافته با لحاظ مقررات مندرج در اعلامیه اصول اساسی عدالت برابر بزهدیدگان جرم و سوء استفاده از مدرک، مصوب مجمع عمومی در قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ در نظر گیرند.

۲۲- سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای جهانی و منطقه ای باید در مواقع ضروری، مدلهای عینی و اصول راهنمای عملی قانونگذاری ماهوی و آیین دادرسی ای را بعنوان مبنایی برای تجربه و تخصص دولتها توسعه دهند و مساعی این سازمانها را بهم نزدیک نمایند. سازمان ملل متحد و این سازمانها باید حسب در خواست به دولتها در بازنگری و ارزیابی قوانین شان و طراحی و اجرای اصلاحات با لحاظ رویه های موجود و سنتهای اجتماعی، قانونی و فرهنگی کمک نمایند.

ج) همکاری بین المللی در سطوح تحقیقات، تعقیب و دادرسی.

۲۳- توانایی جرم سازمان یافته فراملی در تغییر فعالیتها از یک کشور به کشور دیگر، و توسعه قلمرو فعالیتهای خود و ملاحظات جدید ناشی از آن، ضروری می نماید تا دولتها دارای ارکان اساسی سیستم کارکردی همکاری بین المللی گردند.

۲۴- نظر به عدم سازوکارهای همکاری ذیربط که سبب تعویق تلاشهای دوجانبه مؤثر گردیده است، دولتها باید، در مواقعی که امکان اجرای آن وجود دارد، همکاری دو و چند جانبه را توسعه داده، ارتقا بخشد. در این بستر، باید تمرکز بر گسترش قلمرو معاهدات نمونه و سایر اسناد ذیربط منطقه ای باشد.

۲۵- دولتها باید تلاش نمایند معاهدات و توافقات راجع به استرداد دو یا چند جانبه بمنظور تضمین کلیه این مقررات بطور کامل به اجرا در آمده و اجرای مؤثر درخواستهای همکاری قانونی دوطرفه را تضمین نمایند.

۲۶- دولتها باید اجرای عینی توافقات موجود از طریق مکانیزمهای غیر رسمی و اجرایی، بطور مثال تبادل دستورالعملهای توضیح دهنده تشریفات ملی، تعیین «مقامات مرکزی» در زمینه همکاری قانونی دوطرفه یا «شیوه های تماس» بمنظور تسریع در زمینه درخواستها، تشکیل نیروهای مشترک، اعلام «رویه های برتر» تکنیکهای تحقیقاتی، مشارکت در فن آوری تحقیقاتی پیشرفته، ارتقاء بخشند.

۲۷- دولتها باید توسعه قابلیت پایه ای جمع آوری اطلاعات در مواقعی که مربوط به حقوق بشر فردی و آزادیهای اساسی است با سازوکارهایی از قبیل افسران رابط را بمنظور تحصیل جمع آوری و در اختیار گذاشتی اطلاعات به سایر دولتها همچنین سایر اشکال همکاری را بطور جدی در دستور کار خود قرار دهند.

د) شیوه ها و اصول راهنمای همکاری بین المللی در سطوح منطقه ای و بین المللی.

۲۸- با آگاهی از اهمیت رویکردهای منطقه ای، دولت‌ها باید تدابیری را بمنظور پیشگیری از گروههای جنایتکار سازمان یافته که در یک منطقه خاص با امکان گسترش عملکرد به سایر مناطق، فعالیت دارند اتخاذ نمایند و باید به گسترش استراتژیهای منطقه ای استمرار بخشند.

۲۹- دولت‌ها باید فعالیتهای مربوط به همکاری فنی ای که برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذر طراحی گردیده است را حسب درخواست با هدف تقویت توان مقامات مجری قانون و سیستمهای قضایی گسترش دهند.

۳۰- دولت‌ها باید این امر را تضمین نمایند که همکاری دو یا چند جانبه بنحو مناسبی با هم هماهنگ گردند تا از اقدام موازی یا تکرار فعالیتهای مشابه جلوگیری کند.

۳۱- ملل متحد باید حسب درخواست مقررات راجع به همکاری فنی شامل تبادل سیستماتیک تجربه و کارشناس، آموزش مناسب پلیس و نیروی انسانی دستگاه قضایی، همچنین استفاده از تدابیر مؤثر، را تهیه و تسهیل نمایند. قلمروهای ذیل بنظر می رسد دارای اهمیت خاص است.

الف: تهیه پیش نویس قوانین برای کشورهای که سیستم کیفری شان تا کنون حاوی مقرراتی راجع به جرم سازمان یافته فراصلی نگردیده است.

ب: فراهم کردن دوره های آموزشی برای نیروهای پلیس، دادستانها قضا ت و قضاوت تحقیق و کلیه مقامات رسمی ای که کارشناس فنی برای ارگانهای تحقیقاتی هستند.

ج: جمع آوری، تجزیه و تحلیل و تبادل اطلاعات در زمینه سازمانهای جنایتکار و فعالیتهای تبعی آن، با لحاظ شرح وظایف سایر سازمانهای بین دولتی.

ه) تسهیل اجرای اسناد بین المللی علیه جرم سازمان یافته فراملی از قبیل معاهدات.

۳۲- دولتها باید توسعه بیشتر اسناد بین المللی را در دستور رسیدگی قرار دهند، تجربیات عینی و نتایج بدست آمده موردی و اجرای توافقات تفضیلی دو یا چند جانبه را ترسیم نمایند. توسعه این اسناد بین المللی با هماهنگی بیشتر یا وحدت قانونگذاری ملی با توجه به جرم انگاری جرم سازمان یافته فراملی و پذیرش تدابیر مؤثر تر عدالت کیفری و استفاده افزونتر از همکاری چند جانبه و استرداد را ترویج نمایند.

۳۳- دولتها بطور ویژه باید جوانب اجرایی ایجاد ابزارها و اسناد تأثیر گذار از قبیل توافقات فنی نمونه، دستورالعملهایی برای همکاری پلیسی و قضایی، روشهایی برای مبادله منظم اطلاعات و سایر ارتباطات، همچنین، بانک اطلاعات به منظور ذخیره و روز آمد کردن اطلاعات، را در دستور کار خود قرار دهند. این اسناد میتواند بصورت یادداشت تفاهم مانند آنهایی که قبلاً بوسیله برخی دولتها در قلمرو قاچاق بین المللی مواد مخدر منعقد گردیده است، تنظیم گردد.

۳۴- با لحاظ موقعیت ناشی از تنظیم اسناد بین المللی از قبیل معاهده یا معاهدات علیه جرم سازمان یافته فراملی، کنفرانس وزرای جهانی در زمینه جرم سازمان یافته فراملی از کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری درخواست می نمایند، شروع به اخذ نظارت دولتها در زمینه اثرات این قبیل معاهده یا معاهدات

در خصوص موضوعات تحت شمول در یک فرایند تعریف شده نماید.

و. پیشگیری و کنترل پولشوئی و کنترل عواید جرم

۳۵. کشورها باید تضمین کنند که مبارزه با جرائم فراملی سازمان یافته باید مبتنی بر استراتژیهای با هدف شکست قدرت اقتصادی سازمانهای تبهکاری باشد که تدابیر قانون کیفری، به ویژه صدور محکومیت و مجازات، و سازوکارهای قانونی مقتضی را نیز در بر گیرد.

۳۶. کشورها باید نیاز به تلقی نمودن تطهیر عواید حاصل از اقدامات مجرمانه به عنوان جرم به منظور جلوگیری از تجمع مقادیر کلان سرمایه توسط گروههای تبهکاری سازمان یافته و نیاز این گروهها به تطهیر این عواید و سپس سرمایه گذاری این دارائیهها در تجارت قانونی، را در نظر داشته باشند.

۳۷. کشورها باید یک سری تدابیر پیشگیرانه با هدف شناسائی دقیق موضع صاحبان شرکتهای و اطلاعات صحیح راجع به موارد خرید و انتقال، استانداردهای اخلاقی بالا در اداره امور عمومی، بخش تجاری، موسسات مالی و مشاغل مربوطه و همچنین همکاری بین مقامات مسئول در امر سامان بخشیدن به بخش های اقتصادی و مالی و مراجع اعمال قوانین جزائی، را اتخاذ نمایند.

۳۸. کشورها باید تدابیری برای مصادره یا کشف عواید غیر قانونی، ضبط سرمایه، حسب درخواست، و امکان توافقنامه های موقت، مانند مسدود کردن یا ضبط دارائیهها، با توجه مدام به منافع عالییه طرف ثالث اتخاذ نمایند. کشورها در چارچوب اصول اساسی نظامهای حقوقی خود باید امکان تقسیم سرمایه های ضبط شده و - در چارچوب شرایط خاص و همواره از طریق دادرسی حقوقی یا غیر حقوقی - مصادره یا ضبط عواید غیر قانونی

بدون محکومیت کیفری، یا مصادره یا ضبط مبالغی که بیش از مبالغ مربوط به جرمی است که برای آن رأی صادر شده است، را بکار گیرند.

۳۹. کشورهای باید یک سری تدابیر تقنینی و قانونی که رازداری مالی را برای ارتقاء کنترل موثر پولشویی و همکاری بین المللی ارتقاء می بخشد، اتخاذ نمایند. این تدابیر باید تعهداتی برای اعمال قاعده "مشتري خود را بشناسید" و همچنین تدابیری برای شناسائی و گزارش معاملات مالی مشکوک ضمن حمایت کامل از نمایندگان موسسات مالی از هر گونه مسئولیت به دلیل حسن نیت در گزارش این معاملات، به جز موارد سهل انگاری بارز، را نیز در بر گیرد. به علاوه، کشورها باید به اقدامات ویژه جلوگیری از جابجائی فعالیت پولشویی از بانکهای تحت نظارت اکید تا مشاغل و حرف خارج از نظارت که خدمات مالی ارائه می کنند، اولویت بالائی ببخشند. بدین منظور، کشورها باید تلاش کنند تحقیقات و مطالعاتی برای شناسائی مراکز تجاری که ممکن است در پولشویی فعالیت کنند انجام دهند و امکان ارائه گزارش و اقدامات لازم دیگر در زمینه های غیر مرتبط با موسسات مالی و بانکی را تعیین کنند.

۴۰. سازمان ملل و سایر سازمانها و مکانیسم های منطقه ای و جهانی مانند واحد ویژه اقدام مالی، سازمان جنائی بین المللی، کمیسیون بین آمریکائی کنترل مواد مخدر سازمان کشورهای آمریکائی، شورای اروپائی، اتحادیه اروپائی، شورای وزیران کشور کشورهای عربی و دبیرخانه مشترک المنافع، که نقش فعالی در مبارزه با پولشویی ایفاء کرده اند باید تلاشهای خود را برای تقویت استراتژیهای قانونی و اجرائی در این مقوله با هم در آمیزند.

۴۱. سازمان ملل باید کشورها را در ارزیابی نیازها، تدوین معاهده ها و توسعه ساختارهای عدالت کیفری و منابع انسانی از طریق ارائه کمک فنی به کشورها حسب درخواست آنها، و با استفاده از مهارت و همکاری کلیه انستیتوها و موسسات دیگر از جمله شورای بین المللی مشاوره حرفه ای و علمی وابسته به برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد، که "کنفرانس بین المللی پیشگیری و کنترل پولشوئی و استفاده از عواید جرم: یک رویکرد جهانی" را برگزار کرد، یاری دهد.

ز. پیگیری و اجراء

۴۲. کشورهای باید اقدامات لازم مطابق با طرح عمل مبارزه با جرائم فراملی سازمان یافته را به منظور عملی کردن آن در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی را در گسترده ترین سطح ممکن اتخاذ کنند.

۴۳. سازمان ملل، از طریق کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و سایر انستیتوها و موسسات ذیربط آن باید بر تلاشهای کشورها علیه جرائم سازمان یافته از طریق ارزیابی نیازها و بازنگری مستمر پیشترفت های حاصله در اجرای اعلامیه سیاسی و طرح عمل جهانی مطابق با اولویتهای برنامه های کاری آن، از طریق کمک در اقدامات خاص پیشنهادی فوق و از طریق همکاری فنی، بیافزاید.

۴۴. کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری باید به طور مستمر پیشرفتهای حاصله در زمینه اجرای طرح عمل جهانی علیه جرائم فراملی سازمان یافته را مطابق با اولویت های برنامه کاری آن مرور نماید.

۴۵. برای قادر ساختن برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل به منظور حمایت از تشدید تلاشها در سطح ملی و همکاری بین دولتی مضاعف و به منظور انجام مسئولیت های مهم آن، منابع موجود کافی نیست. باید به فعالیتهای کنترل جرم سازمان ملل از طریق تخصیص منابع مقتضی در طرح میان مدت دوره ۱۹۹۷-۱۹۹۲ و در بودجه های دوسالانه مربوطه، افزایش کمک های داوطلبانه کشورها به برنامه، تقویت ساختار کنترل جرم سازمان ملل و افزایش کارائی آن، اولویت بالاتری داده شود.

۳۴. اعلامیه وین در خصوص جرم و عدالت: پرداختن به چالشهای قرن بیست و یکم

ما کشورهای عضو سازمان ملل، با ابراز نگرانی از تاثیر ارتکاب جرائم جدی با ماهیت جهانی بر جوامع ما، و با اعتقاد به نیاز به همکاری دوجانبه، منطقه ای و بین المللی در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، با ابراز نگرانی ویژه از جرائم فراملی سازمان یافته و ارتباط بین اشکال مختلف آن، با اعتقاد به اینکه برنامه های بازپروری و پیشگیری مناسب برای استراتژی کنترل جرم موثر حائز اهمیت اساسی است و با اعتقاد به این که این برنامه ها باید عوامل اجتماعی و اقتصادی که مردم را در برابر انجام رفتار مجرمانه آسیب پذیرتر می سازد، را در نظر بگیرند، با تاکید بر اینکه یک سیستم عدالت کیفری موثر، اخلاق گرا و مسئول یک عامل مهم در ارتقاء توسعه اقتصادی و اجتماعی و امنیت انسانی است،

با آگاهی از نوید رویکردهای ترمیمی عدالت که هدف از آن کاهش جرم و ارتقاء درمان قربانیان، مجرمان و جوامع است،

در دهمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان از ۱۰ لغایت ۱۷ آوریل ۲۰۰۰ در وین گرد آمده ایم تا در خصوص اقدام منسجم و موثر با روحیه همکاری و با هدف مبارزه با معضل جهانی جرم تصمیم گیری نمائیم،

و لذا اعلام می نمائیم که:

۱. ضمن تجلیل، نتایج نشست های منطقه ای مقدماتی برای دهمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان را مورد توجه و مذاقه قرار می دهیم.

۲. ما اهداف سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، به ویژه کاهش جرائم، اجرای قانون و اجرای عدالت به نحوی موثرتر و کارآمدتر، احترام به حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، و ارتقاء بالاترین استانداردهای عدالت، انسانیت و رفتار حرفه ای را تصدیق می کنیم.

۳. ما بر مسئولیت هر کشور در جهت استقرار و پشتیبانی یک سیستم عدالت کیفری موثر، اخلاقی و مسئول تاکید می کنیم.

۴. ما ضرورت هماهنگی و همکاری نزدیکتر بین کشورها در مبارزه با معضل جهانی جرم را تصدیق می کنیم و در عین حال این نکته را نیز در ذهن داریم که اقدام علیه آن یک مسئولیت مشترک و واحد است. در این رابطه، ما نیاز به توسعه و ارتقاء فعالیتهای همکاری فنی برای کمک به کشورها در تلاشهای آنها به منظور تقویت سیستم های عدالت کیفری داخلی و قابلیت آنها برای همکاری بین المللی را تائید می کنیم.

۵. ما باید اولویت بالائی به اتمام مذاکرات مربوط به کنوانسیون مبارزه با جرائم فراملی سازمان یافته سازمان ملل و پروتکل های مربوطه آن بدهیم و نگرانیهای کلیه کشورها را در نظر بگیریم.

۶. ما از تلاشها برای کمک به کشورها در ظرفیت سازی، از جمله کسب آموزش و کمک فنی در توسعه قوانین، مقررات و مهارتها به منظور تسهیل اجرای کنوانسیون موصوف و پرتکل های مربوطه، حمایت می کنیم.

۷. هماهنگ با اهداف کنوانسیون و پروتکل های مربوطه، ما باید تلاش کنیم:

(الف) عنصر پیشگیری از جرم را در استراتژیهای توسعه ملی و بین المللی بگنجانیم؛

(ب) همکاری دوجانبه و چند جانبه از جمله همکاری فنی در زمینه های مشمول کنوانسیون و پروتکل های مربوطه را تقویت کنیم؛

(ج) همکاری برای اعطای کمک در مقوله های مرتبط با ابعاد پیشگیری از جرم را ارتقاء بخشیم؛

(د) قابلیت مرکز بین المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل و همچنین شبکه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل، برای کمک به کشورها حسب درخواست آنها، در ظرفیت سازی در مقوله های مشمول کنوانسیون موصوف و پروتکل های مربوطه را افزایش دهیم.

۸. ما از تلاشهای مشترک مرکز بین المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل و انستیتو تحقیقاتی جرم و عدالت بین منطقه ای سازمان ملل، نظارت جهانی جامع بر جرائم سازمان یافته به عنوان ابزار استنادی و کمک به دولتها در توسعه سیاست ها و برنامه ها استقبال می کنیم.

۹. ما حمایت مستمر خود از تعهد به سازمان ملل و برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل، به ویژه کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و مرکز بین المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل، انستیتو تحقیقاتی جرم و عدالت بین منطقه ای سازمان ملل و انستیتو های وابسته به شبکه برنامه را تأیید می کنیم و مصمم هستیم که برنامه را از طریق حمایت مالی مستمر، به نحو مقتضی، تقویت نمائیم.

۱۰. ما متعهد می شویم همکاری بین المللی برای ایجاد محیطی مناسب برای مبارزه با جرائم سازمان یافته، ارتقاء رشد و توسعه پایدار و ریشه کنی فقر و بیکاری را تقویت کنیم.

۱۱. ما متعهد می شویم در چارچوب برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل و همچنین در چارچوب استراتژیهای پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملی هر گونه تاثیر برنامه های و سیاستها بر زنان و مردان را در نظر بگیریم و به آنها بپردازیم.

۱۲. ما همچنین متعهد به تدوین پیشنهاداتی در خصوص خط مشی مبتنی بر اساس نیازهای خاص زنان به عنوان دست اندرکاران عدالت کیفری، قربانیان، زندانیان و مجرمان هستیم.

۱۳. ما تأکید می کنیم که اقدام موثر برای پیشگیری از جرم و عدالت کیفری نیازمند مداخله، به عنوان شرکاء یا عاملان، دولتها، موسسات ملی، منطقه ای، بین منطقه ای و بین المللی، سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی و بخش های مختلف جامعه مدنی، از جمله رسانه های جمعی و بخش خصوصی و همچنین شناسائی نقش ها و کمک های مربوطه آنها است.

۱۴. ما متعهد به توسعه راههای موثر همکاری با یکدیگر به منظور ریشه کنی بلای قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، و قاچاق مهاجران هستیم. ما همچنین حمایت از برنامه جهانی مبارزه با قاچاق انسان که توسط مرکز بین المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل و انستیتو تحقیقاتی جرم و عدالت بین منطقه ای سازمان ملل تهیه شده است و منوط به مشورت نزدیک با کشورها و بازنگری توسط کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری است را ملحوظ می نمائیم، و سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال هدف برای دستیابی به کاهش چشمگیر در وقوع این جرائم در سراسر جهان تعیین می نمائیم و در صورتیکه این هدف محقق نشود برای ارزیابی اجرای کنونی تدابیر مورد نظر اقدام کنیم.

۱۵. ما همچنین متعهد به ارتقاء همکاری بین المللی و معاضدت قضائی متقابل به منظور ریشه کنی تولید غیر قانونی و قاچاق اسلحه، قطعات و متعلقات آن و مهمات هستیم و سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال هدف برای دستیابی به کاهش چشمگیر این جرائم تعیین می کنیم.

۱۶. ما همچنین متعهد می شویم اقدام بین المللی قوی علیه فساد، مطابق با اعلامیه مبارزه با فساد و رشوه خواری در معاملات تجاری بین المللی، مجموعه قوانین رفتاری برای کارکنان دولت، کنوانسیونهای منطقه ای زیربط و مجامع منطقه ای و جهانی، انجام دهیم. ما بر نیاز مبرم به تهیه یک سند حقوقی بین المللی موثر علیه فساد، مستقل از کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سازمان ملل تاکید می کنیم، و از کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری تقاضا می کنیم از دبیر کل درخواست نماید در دهمین نشست آن، با مشورت کشورها، یک گزارش تحلیلی و جامع از کلیه اسناد

بین المللی مربوطه و پیشنهاداتی به عنوان بخشی از کار مقدماتی برای تهیه یک چنین سندی، به آن ارائه دهد. ما باید از برنامه جهانی علیه فساد که مشترکاً توسط مرکز بین المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل و انستیتو تحقیقاتی جرم و عدالت بین منطقه ای سازمان ملل، که منوط به مشورت نزدیک با کشورها و بازرنگری آن توسط کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری است، حمایت نمائیم.

۱۷. ما تأیید می کنیم که مبارزه با پولشویی و اقتصاد مجرمانه عنصر مهمی از استراتژیها علیه جرائم سازمان یافته را تشکیل می دهد، که به عنوان یک اصل در اعلامیه سیاسی ناپل و طرح عمل جهانی علیه جرائم فراملی سازمان یافته، مصوب کنفرانس وزرای جهانی در خصوص جرائم فراملی سازمان یافته که از ۲۱ تا ۲۳ نوامبر ۱۹۹۴ در ناپل ایتالیا برگزار گردید، تعیین شده است. ما متقاعد شده ایم که موفقیت این اقدام منوط به تاسیس نظامهای گسترده و هماهنگی سازوکارهای مقتضی برای مبارزه با تطهیر عواید جرم از جمله حمایت از اقدامات ابتکاری با تمرکز بر کشورها و مناطقی است که خدمات مالی فلات قاره ای ارائه می کنند که تطهیر عواید جرم را ممکن می سازد.

۱۸. ما تصمیم گرفته ایم پیشنهاداتی در خصوص خط مشی مبتنی بر عمل راجع به پیشگیری و کنترل جرائم کامپیوتری تهیه کنیم، و ما از کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری تقاضا می کنیم کار در این رابطه را بر عهده گیرد، و فعالیت جاری در سایر مجامع را مد نظر قرار دهد. ما همچنین متعهد می شویم برای ارتقاء قابلیت خود برای جلوگیری، تحقیق و پیگیری جرائم مربوط به فن آوری پیشرفته و کامپیوتر فعالیت کنیم.

۱۹. ما توجه داریم که اعمال خشونت آمیز و تروریسم همچنان منشاء نگرانی عمیق هستند. بر اساس منشور سازمان ملل و با توجه به کلیه قطعنامه های مجمع عمومی مربوطه، ما باید هماهنگ با سایر تلاشهای خود برای پیشگیری و مبارزه با تروریسم، تدابیر موثر، قاطع و سریع برای سرکوب تروریسم در کلیه اشکال و مظاهر آن اتخاذ کنیم.

۲۰. ما همچنین توجه داریم که تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و اشکال مربوطه عدم اغماض نسبت به دیگران همچنان ادامه دارد، و ما اهمیت اقدامات برای وارد کردن تدابیری جهت جلوگیری و مبارزه با جرائم مربوط به نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و اشکال مربوطه عدم تحمل دیگران در استراتژیها و ضوابط پیشگیری از جرم بین المللی را تأیید می کنیم.

۲۱. ما اراده را سخ خود برای مبارزه با خشونت ناشی از عدم تحمل بر اساس قومیت را تأیید می کنیم، و مصمم هستیم کمک شایانی در مقوله پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به کنفرانس جهانی علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و اشکال مربوطه عدم اغماض نسبت دیگران ارائه دهیم.

۲۲. ما تصدیق می کنیم که استانداردها و موازین سازمان ملل در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به تلاشها برای مقابله موثر با جرم کمک می کند. ما همچنین اهمیت اصلاح زندان، استقلال قوه قضائیه و مقامات پیگرد قانونی، و مجموعه قوانین رفتار برای کارکنان دولت را مورد تأیید قرار می دهیم. ما به نحو مقتضی تلاش خواهیم کرد که از استانداردها و موازین سازمان ملل در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در رویه قضائی و قانون ملی استفاده نمائیم. ما تعهد می کنیم

قواین مربوطه و رویه های اداری را به نحو مقتضی و با هدف ارائه آموزش و تربیت لازم برای کارکنان مربوطه و تقویت موسسات مسئول در امر عدالت کیفری مورد بازنگری قرار دهیم.

۲۳. ما اهمیت و ارزش نمونه معاهدات پیرامون همکاری بین المللی در موضوعات جنائی را به عنوان ابزار مهمی برای توسعه همکاری بین المللی تصدیق می کنیم، و از کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری درخواست می کنیم از مرکز بین المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل تقاضا کند مجموعه استانداردها و موازین سازمان ملل در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را به منظور ارائه تازه ترین نسخه های نمونه معاهدات را به کشورهایی که قصد استفاده از آنها را دارند، تجدید نماید.

۲۴. ما همچنین با نگرانی عمیق تائید می کنیم که نوجوانان در شرایط دشوار اغلب در خطر تبدیل شدن به بزهکاران هستند و یا داوطلبانی آسان برای استخدام توسط گروههای تبهکاری، از جمله گروههای فعال در جرائم فراملی سازمان یافته، هستند و متعهد می شویم اقدامات متقابل برای پیشگیری از این پدیده رو به رشد را انجام دهیم و در صورت لزوم مقرراتی برای عدالت نوجوانان در استراتژیهای توسعه بین المللی و طرحهای توسعه ملی بگنجانیم، و اداره عدالت نوجوانان را در سیاستهای مالی خود برای همکاری در امر توسعه وارد کنیم.

۲۵. ما تصدیق می کنیم که استراتژیهای جامع پیشگیری از جرم در سطوح بین المللی، ملی، منطقه ای و محلی باید به علل ریشه ای و عوامل مخاطره آمیز مربوط به جرم و بزه دیدگی از طریق سیاست های اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، تربیتی و دادگستری بپردازد. ما

خواستار توسعه این استراتژیها هستیم، ضمن آنکه بر موفقیت اثبات شده ابتکارات در زمینه پیشگیری در کشورهای مختلف واقف هستیم و اطمینان داریم که جرم می تواند با بکارگیری و تبادل مهارتهای جمعی کاهش یابد.

۲۶. ما متعهد می شویم رشد و تراکم جمعیت زندان و بازداشتهای پیش از محاکمه را به نحو مقتضی و با ارتقاء جایگزینهای امن و موثر برای زندان، مهار نمائیم.

۲۷. ما مصمم هستیم در صورت اقتضاء طرحهای عمل ملی، منطقه ای و بین المللی در حمایت از قربانیان جرم مانند سازوکارهای میانجیگری و عدالت ترمیمی تهیه نمائیم، و سال ۲۰۰۲ را به عنوان تاریخ هدف برای کشورها جهت بازنگری در رویه های مربوطه و توسعه خدمات حمایت از قربانیان و ارتقاء آگاهی پیرامون حقوق قربانیان و مطالعه در خصوص تاسیس صندوق های ویژه قربانیان، علاوه بر توسعه و اجرای خط مشی های حمایت از شهود، تعیین می کنیم.

۲۸. ما توسعه سیاستها، رویه ها و برنامه های عدالت ترمیمی که حقوق، نیازها و منافع قربانیان، مجرمان، اجتماعات و کلیه طرفهای دیگر را رعایت می کنند، مورد حمایت قرار می دهیم.

۲۹. ما از کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری درخواست می کنیم تدابیر خاصی برای اجراء و پیگیری تعهداتی که در اعلامیه حاضر اعلام نموده ایم، اتخاذ کند.

۳۵. طرحهای عمل برای اجرای اعلامیه وین در خصوص جرم و عدالت: پرداختن به چالشهای قرن بیست و یکم

۱. اقدام علیه جرائم سازمان یافته فراملی

۱. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بندهای ۵، ۶، ۷ و ۱۰ "اعلامیه وین در خصوص جرم و عدالت: پرداختن به چالشهای قرن بیست و یکم" و به منظور تسهیل امضاء، تصویب و تنفیذ و اجرای تدریجی کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سازمان ملل و پروتکل های مربوطه آن، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۲. کشورهایی که تا کنون کنوانسیون و پروتکل های مربوطه را امضاء نکرده اند باید در اسرع وقت در این خصوص اقدام نمایند، و کشورهایی که این اسناد قانونی را امضاء کرده اند باید از هیچ کوششی برای تصویب آنها در اسرع وقت دریغ نوزند. هر کشور اولویتهایی برای اجرای موثر کنوانسیون و پروتکل های مربوطه تعیین و به مناسب ترین و سریعترین وجهی مفاد این اسناد قانونی را به طور کامل و بی نقص اعمال خواهد نمود. کشورها، به صورت انفرادی یا جمعی، تلاش خواهند کرد تا به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت بعمل آورند:

(الف) توسعه قوانینی که تنبیهات، اختیارات تفتیشی، رویه های کیفری و سایر موضوعات را ایجاد یا تقویت کند؛

(ب) ظرفیت سازی، از جمله با هدف همکاری، از طریق تقویت سیستم های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، تاسیس یا گسترش موسسات مسئول در امر پیشگیری، کشف و کنترل جرائم سازمان یافته فراملی؛

(ج) ارائه یا بهبود برنامه های آموزشی برای قضات، دادستانها، پرسنل اجرای قانون و سایر افراد یا موسسات مسئول در امر پیشگیری، کشف و کنترل جرائم سازمان یافته فراملی؛

(د) توسعه و تبادل اطلاعات و مهارت تحلیلی در خصوص روشها و فعالیتهای و روند کلی در جرائم سازمان یافته و در خصوص هویت، وضعیت و فعالیتهای افراد یا گروههای خاص مظنون به شرکت در جرائم سازمان یافته، به میزان هماهنگ با قوانین ملی و توافقنامه ها و ترتیبات بین المللی؛

(ه) ارتقاء کلی استراتژیهای موثر کنترل جرم.

۳. کشورها همچنین تلاش خواهند کرد تا به نحو مقتضی:

(الف) از تلاشهای مرکز بین المللی پیشگیری از جرم دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم دبیرخانه به منظور ارتقاء تصویب کنوانسیون و پروتکل های مربوطه از طریق سمینارهای منطقه ای و ارائه کمک قبل و بعد از تصویب به کشورهای امضاء کننده از طریق ارائه کمک های مالی، کارشناسی و/ یا سایر اشکال کمک، حمایت نمایند؛

(ب) به طور مستمر سطح عمومی کمکهای خارج از بودجه خود را افزایش دهند و مبنای اعطای کمک مرکز را به منظور دسترسی به منابع فنی و مادی مقتضی برای پروژه های تهیه شده در حمایت از کنوانسیون و پروتکل های مربوطه و همچنین سایر پروژه ها و برنامه ها، تقویت و گسترش دهند؛

(ج) همکاری بین المللی را با هدف ایجاد محیطی مستعد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته، ارتقاء رشد و توسعه پایدار و ریشه کنی فقر و بیکاری تقویت کنند.

ب. اقدامات بین المللی

۴. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) سمینارهایی در سطح بالا برای افزایش آگاهیها در خصوص کنوانسیون و پروتکل های مربوطه از سوی کشورها، سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی و سایر گروهها یا افراد ذینفوذ برگزار خواهد کرد؛

(ب) کشورها را در توسعه قوانین و مقررات کمک خواهد کرد و سایر همکاریهای کارشناسی و فنی برای تسهیل تصویب و اجرای اسناد حقوقی را حسب درخواست آنها یاری خواهد رسانید؛

(ج) کشورها را در ابداء یا ارتقاء همکاریهای دوجانبه و چندجانبه در مقوله های مشمول کنوانسیون، به ویژه مقوله های مرتبط با استفاده از فن آوری ارتباطی نوین، حسب درخواست آنها، کمک خواهد کرد؛

(د) به طور معمول به جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در خصوص جرائم سازمان یافته فراملی با مشورت کشورهای علاقمند مبادرت می نماید؛

(ه) یک بانک اطلاعاتی برای ایجاد امکان تحلیل عمیق تر و جامع تر از الگوها و روندها و نقشه برداری جغرافیائی از استراتژیها و فعالیتهای انجام شده توسط گروههای جنائی سازمان یافته، و بهترین رویه ها برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی با مشورت کشورهای علاقمند، را پشتیبانی می نماید؛

(و) یک بانک اطلاعاتی از قوانین ملی مربوطه را ایجاد و پشتیبانی می نماید؛

(ز) کمیته ویژه تهیه کنوانسیون علیه جرائم سازمان یافته فراملی را در تهیه مقررات و رویه ها برای کنفرانس اعضای کنوانسیون حمایت می نماید؛
(ح) کنفرانس اعضای کنوانسیون را با ارائه حمایت کلی و دبیرخانه ای پشتیبانی می نماید.

۱۱. اقدام علیه فساد

۵. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۱۶ اعلامیه وین به منظور تهیه یک سند حقوقی بین المللی علیه فساد و تهیه و اجراء سایر تدابیر و برنامه ها برای پیشگیری و مبارزه با فساد، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۶. کشورها، به طور انفرادی و جمعی، تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:
(الف) مشارکت کامل در جلسات کمیته ویژه برای مذاکره در خصوص یک کنوانسیون علیه فساد که پیرو قطعنامه ۵۵/۶۱ مجمع عمومی مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۰ مطرح شده است؛
(ب) ارتقاء مشارکت کامل و موثر کشورهای در حال توسعه، به خصوص کشورهای کمتر توسعه یافته، در مذاکرات کمیته ویژه؛ این امر ممکن است از طریق ارائه منابع خارج از بودجه به مرکز بین المللی پیشگیری از جرم صورت پذیرد؛
(ج) تلاش برای نهائی کردن کنوانسیونهای آتی سازمان ملل علیه فساد تا پایان سال ۲۰۰۳، ضمن در نظر گرفتن اسناد حقوقی موجود علیه فساد و، حسب ارتباط، کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سازمان ملل؛

(د) آغاز به توسعه تدابیر تقنینی، اداری و سایر تدابیر برای تسهیل تصویب و اجرای موثر کنوانسیونهای آتی سازمان ملل علیه فساد، از جمله تدابیر داخلی علیه فساد و تدابیری برای حمایت از همکاری موثر با سایر کشورها.

۷. کشورها تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی با انجام اقدامات زیر با فساد داخلی مقابله کنند:

(الف) ارزیابی در خصوص انواع، علل، تبعات و هزینه های فساد؛

(ب) توسعه و تدوین استراتژیهای ملی و طرحهای عمل علیه فساد، بر اساس مشارکت گسترده بخش های مختلف دولت و جامعه مدنی؛

(ج) تعیین و تصریح جرائم داخلی مقتضی، اختیارات تفتیشی و رویه های کیفری برای پرداختن به فساد و معضلات مربوطه؛

(د) تقویت موسسات و سیستم های ملی اداره امور، به ویژه موسسات عدالت کیفری، برای ایجاد و/یا تضمین استقلال بیشتر و مقاومت در برابر عناصر ذینفوذ فاسد؛

(ه) پشتیبانی و استقرار موسسات و ساختارهایی برای دستیابی به شفافیت بیشتر و مسئولیت پذیری عمومی در دولت، بخش تجاری و سایر بخش های اقتصادی و اجتماعی مهم؛

(و) توسعه مهارتها در تدابیر مقابله با فساد و تربیت و آموزش مسوولان در باره ماهیت و عواقب فساد و چگونگی مبارزه موثر با آن.

۸. کشورها تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی با انجام اقدامات زیر با فساد فراملی مقابله کنند:

(الف) امضاء، تصویب و اجرای اسناد بین المللی موجود علیه فساد، به نحو مقتضی؛

(ب) پیگیری مقتضی تدابیر بین المللی علیه فساد و پیشنهادات در سطح ملی مطابق قانون ملی؛

(ج) توسعه و ارتقاء توان داخلی برای همکاری بین المللی در زمینه های ضد فساد، از جمله پرداختن به مساله اعاده عواید حاصل از فساد مالی؛

(د) افزایش آگاهیها از سوی ادارات دولتی ذیربط یا وزارتخانه هائی مانند وزارت دادگستری، کشور، امور خارجه و همکاری در زمینه توسعه نسبت به جدیدت معضلات ناشی از فساد فراملی و نیاز به حمایت از تدابیر موثر علیه آن؛

(ه) ارائه کمک مادی و فنی و سایر انواع حمایت از سایر کشورها در برنامه های علیه فساد، به طور مستقیم و از طریق حمایت مالی از برنامه جهانی علیه فساد؛

(و) کاهش موقعیت ها برای انتقال و کتمان عواید حاصل از فساد، و تدابیری برای پرداختن به مساله بازگرداندن عواید فساد مالی به کشورهای مبداء؛ اقدامات در این زمینه ممکن است شامل اجرای تدابیر مبارزه با پولشوئی، پیرو کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی و سایر اسناد حقوقی بین المللی، و توسعه و اجرای تدابیر جدید باشد.

ب. اقدامات بین المللی

۹. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) ارائه دانش کارشناسی اساسی و خدمات دبیرخانه ای کامل به کمیته ویژه برای مذاکره پیرامون یک کنوانسیون علیه فساد در جریان کار آن؛

(ب) تضمین مشارکت کامل و موثر کشورهای در حال توسعه با کمک کشورهای عضو، به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته در کار کمیته ویژه، از جمله از طریق پوشش دادن هزینه های محلی و مسافرتی؛

(ج) ارائه همکاری فنی به کشورها حسب درخواست آنها به منظور تسهیل تصویب و اجرای کنوانسیونهای آتی سازمان ملل علیه فساد؛

(د) کمک به کشورها در آغاز و تشدید همکاری دوجانبه و چند جانبه در مقوله های مشمول کنوانسیون آتی سازمان ملل علیه فساد؛

(ه) پشتیبانی یک بانک اطلاعاتی از ارزیابیهای ملی موجود در خصوص فساد در یک فرمت استاندارد و مجموعه ای از بهترین روشها علیه فساد؛

(و) تسهیل تبادل مهارتها و تجارب بین کشورها؛

(ز) اصلاح و تجدید رساله ها و نوشته ها در خصوص تدابیر عملی علیه فساد؛

(ح) تهیه پروژه های همکاری فنی برای پیشگیری و مبارزه با فساد به منظور کمک به کشورها حسب درخواست آنها در زمینه اجرای این پروژه ها در چارچوب برنامه جهانی علیه فساد.

۱۱۱. اقدام علیه قاچاق اشخاص

۱۰. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۱۴ اعلامیه وین برای اتخاذ تدابیر عاجل و موثر با هدف پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان، و با هدف ارتقاء همکاری بین کشورها در این راستا، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۱۱. کشورها، به طور انفرادی و جمعی، تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) تهیه و تبادل اطلاعات و دانش تحلیلی در خصوص ماهیت و دامنه فعالیت‌های قاچاق در سطح داخلی و منطقه ای و در خصوص هویت، ابزار و روش‌های قاچاقچیان شناخته شده یا سازمان‌های قاچاق به میزان هماهنگ با قوانین ملی و توافقنامه‌ها و ترتیبات بین‌المللی؛

(ب) تصویب یا تقویت قوانین و رویه‌های موثر برای پیشگیری و مجازات قاچاق اشخاص و تدابیر موثر برای حمایت و محافظت از قربانیان و شهود این نوع قاچاق؛

(ج) در نظر گرفتن تدابیری برای حفاظت و بهبود جسمی، روانی و اجتماعی قربانیان قاچاق انسان؛

(د) حمایت و همکاری با سازمان‌های غیر دولتی ملی و بین‌المللی و سایر سازمان‌ها و عناصر جامعه مدنی، به نحو مقتضی، در موضوعات مربوط به قاچاق اشخاص،

(ه) بازنگری و ارزیابی کارایی تدابیر داخلی علیه قاچاق اشخاص و اقدام برای در دسترس قرار دادن این اطلاعات برای تطبیق و تحقیق در خصوص اتخاذ تدابیر موثرتر علیه این نوع قاچاق؛

(و) تهیه و نشر اطلاعات عمومی در باره قاچاق اشخاص، برای آموزش دادن به قربانیان بالقوه این نوع قاچاق؛

(ز) تقویت توانایی برای همکاری بین‌المللی جهت تهیه و اجرای تدابیری علیه قاچاق اشخاص؛

(ح) در نظر گرفتن کمک‌های داوطلبانه برای حمایت از اجرای برنامه جهانی علیه قاچاق انسان؛

(ط) تهیه منابع بیشتر برای حمایت از توسعه و اجرای استراتژی‌های ملی و منطقه‌ای علیه قاچاق اشخاص.

ب. اقدامات بین‌المللی

۱۲. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط، به نحو مقتضی، و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) پروژه های همکاری فنی باهدف پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان و برای حفاظت از قربانیان و شهود این نوع قاچاق، برای کمک به کشورها حسب درخواست آنها در اجرای این قبیل پروژه ها در چارچوب برنامه جهانی علیه قاچاق اشخاص، را تهیه می نماید؛

(ب) یک بانک اطلاعاتی حاوی اطلاعات پیرامون ماهیت و دامنه قاچاق اشخاص و بهترین روشهای پیشگیری و کنترل آن، با همکاری انستیتو تحقیقاتی جرم و عدالت بین منطقه ای سازمان ملل، را پشتیبانی می نماید؛

(ج) ابزار دستیابی به تدابیری علیه قاچاق انسان را توسعه می بخشد.

IV. اقدام علیه قاچاق مهاجران

۱۳. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۱۴ اعلامیه وین و برای اتخاذ تدابیر عاجل و موثر با هدف پیشگیری و مبارزه با قاچاق مهاجران، و به منظور ارتقاء همکاری بین کشورها در این رابطه، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۱۴. کشورها، به طور انفرادی و جمعی، تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) تهیه و تبادل اطلاعات و دانش تحلیلی در خصوص ماهیت و دامنه فعالیتهای قاچاق مهاجران در سطح داخلی و منطقه ای و در خصوص هویت، ابزار و روشهای قاچاقچیان یا سازمانهای قاچاق شناخته شده به میزان

هماهنگ با قوانین ملی و توافقنامه ها و ترتیبات بین المللی؛

(ب) در صورت لزوم، تصویب یا تقویت قوانین موثر برای پیشگیری و مجازات قاچاق مهاجران و تدابیری برای حمایت و محافظت از حقوق مهاجران قاچاق شده و شهود در موارد این نوع قاچاق، مطابق با پروتکل مبارزه با قاچاق مهاجران از راه زمین، دریا و هوا، که تکمیل کننده کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سازمان ملل است؛

(ج) اجرای تدابیری برای حفاظت از حقوق اساسی مهاجران قاچاق شده و، در حد توان، شهود در موارد قاچاق به منظور مراقبت کردن از آنها در برابر خشونت و اتخاذ تدابیر مقتضی در مواردی که، در جریان قاچاق، زندگی، ایمنی یا حیثیت انسانی مهاجران به مخاطره افکنده می شود؛

(د) حمایت و همکاری با سازمانهای غیر دولتی ملی و بین المللی و سایر سازمانها و عناصر جامعه مدنی، به نحو مقتضی، در موضوعات مربوط به قاچاق مهاجران،

(ه) بازنگری و ارزیابی کارائی تدابیر داخلی علیه قاچاق مهاجران و اقدام برای در دسترس قرار دادن این اطلاعات برای تطبیق و تحقیق در خصوص اتخاذ تدابیر موثرتر؛

(و) تهیه و نشر اطلاعات عمومی در باره قاچاق اشخاص، برای آموزش دادن مسئولان، عموم مردم و مهاجران بالقوه در باره ماهیت واقعی این نوع قاچاق، از جمله فعالیت گروههای جنائی سازمان یافته و خطرات ممکن برای مهاجران قاچاق؛

(ز) تقویت توانائی برای همکاری بین المللی جهت تهیه و اجرای تدابیری علیه قاچاق مهاجران.

ب. اقدامات بین المللی

۱۵. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر، یک سری پروژه های همکاری فنی برای پیشگیری و مبارزه با قاچاق مهاجران تهیه می کند ضمن آنکه از حقوق مهاجران قاچاق شده حفاظت می نماید تا بدین نحو کشورها را حسب درخواست آنها در اجرای این پروژه ها یاری دهد.

۷. اقدام علیه تولید غیر قانونی و قاچاق اسلحه،

قطعات و متعلقات آنها و مهمات

۱۶. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۱۵ اعلامیه وین و به منظور اتخاذ تدابیر عاجل و موثر حسب اقتضاء برای کاهش موارد تولید غیر قانونی و قاچاق اسلحه، قطعات و متعلقات آنها و مهمات و فعالیتهای مجرمانه مربوطه، مطابق با مفاد پروتکل مقابله با تولید غیر قانونی و قاچاق اسلحه، قطعات و متعلقات آنها و مهمات، که تکمیل کننده کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سازمان ملل است، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۱۷. کشورها، به طور انفرادی و جمعی، تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) تصویب و تقویت رویه ها و قوانین ملی، و به ویژه رویه های مربوط به جرائم کیفری و تشریفات مصادره، کشف، توقیف، ضبط و نگهداری اسلحه، قطعات و متعلقات آنها و مهمات؛

(ب) اجرای شرایط مربوط به نگهداری سوابق مربوط به اسلحه، مارک اسلحه و از رده خارج کردن اسلحه؛

(ج) ایجاد و پشتیبانی سیستم های موثر برای صدور مجوز یا جواز واردات، صادرات و ترانزیت اسلحه، قطعات و متعلقات آنها و مهمات؛

(د) اتخاذ تدابیر اداری و حقوقی مقتضی برای پیشگیری از فقدان، سرقت یا انحراف اسلحه، برای مبادله اطلاعات مربوطه در خصوص اسلحه و برای همکاری دوجانبه، منطقه ای و بین المللی، از جمله از طریق تبادل اطلاعات و معاضدت فنی؛

(ه) اقدام در خصوص ایجاد یک چارچوب قانونی موثر برای فعالیتهای عناصر فعال در واسطه گری در امر معاملات مربوط به واردات، صادرات و ترانزیت اسلحه.

ب. اقدامات بین المللی

۱۸. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) پروژه های همکاری فنی به منظور پیشگیری، مبارزه و ریشه کنی قاچاق اسلحه، قطعات و متعلقات آنها و مهمات و فعالیتهای مربوطه را برای کمک به کشورهای متقاضی، به ویژه کشورهای در حال توسعه و کشورهای با اقتصاد در حال گذر در اجرای این پروژه ها تهیه می نماید؛

(ب) یک پایگاه اطلاعاتی از مقررات اسلحه منطقه ای و ملی موجود و روشهای اجرای قوانین مربوطه و همچنین بهترین رویه های مربوط به تدابیر کنترلی را ایجاد و پشتیبانی می نماید.

۷.۱ اقدام علیه پولشوئی

۱۹. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۱۷ اعلامیه وین و به منظور توسعه، اتخاذ و اجرای قوانین داخلی موثر، مقررات و تدابیر اداری برای پیشگیری، کشف و مبارزه با پولشوئی داخلی و فراملی با همکاری سایرکشورها، و مطابق با مفاد اسناد بین المللی مربوطه، به خصوص کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سازمان ملل، و با استفاده از ابتکارات مربوطه سازمانهای منطقه ای، بین منطقه ای و چند جانبه علیه پولشوئی به عنوان یک راهنما، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۲۰. کشورها، به طور انفرادی و جمعی، تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) اتخاذ تدابیر جامع برای برخورد موثر با معضل پولشوئی در کلیه ابعاد آن، با مشارکت کلیه وزارتخانه ها، ادارات و موسسات ذیربط و با مشورت نمایندگان بخش مالی؛

(ب) تلاش برای تضمین اینکه قوانین داخلی به طرز مقتضی فعالیتها و روشهای مورد استفاده برای کتمان، تبدیل یا انتقال عواید حاصل از جرم به منظور تغییرماهیت یا اصل عواید، مطابق با ماده ۶ کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سازمان ملل، جرم تلقی می نماید؛

(ج) تلاش برای تضمین اینکه اختیارات قانونی، تفتیشی و بازرسی مقتضی به منظور کشف و شناسائی فعالیتهای پولشوئی وجود داشته باشد؛

(د) تلاش برای تضمین اینکه اختیارات قضائی و تحقیقی برای ممکن ساختن شناسائی، ردیابی، توقیف، مصادره و نگهداری عواید جرم وجود داشته باشد؛

(ه) تلاش برای تضمین اینکه اختیارات قانونی مناسب وجود داشته باشد و منابع اداری در دسترس باشد تا پاسخگویی به موقع و موثر به درخواستهای کشورهای در موارد مربوط به پولشوئی امکان پذیر باشد؛

(و) هماهنگ با ترتیبات چندجانبه موجود، تهیه پروژه ها یا برنامه هائی برای کمک به سایر کشورهای در توسعه، پیش نویس یا ارتقاء قوانین، مقررات و رویه های اداری علیه پولشوئی، از جمله برنامه جهانی علیه پولشوئی و سایر فعالیتها یا پروژه های که در حمایت از اجرای کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سازمان ملل است؛

(ز) فعالیتها یا برنامه هائی برای آموزش مسئولان یا تبادل تجارب در زمینه مبارزه با پولشوئی، مانند کارگاهها و سمینارهای آموزشی.

ب. اقدامات بین المللی

۲۱. دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم، با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط، به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر، فعالیتهای همکاری فنی را به منظور پیشگیری و مبارزه با پولشوئی و کمک به کشورهای متقاضی در اجرای این فعالیتها، توسعه می دهد.

VII. اقدام علیه تروریسم

۲۲. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۱۹ اعلامیه وین و به منظور اتخاذ تدابیر موثر،

قاطع و عاجل برای پیشگیری و مبارزه با فعالیتهای مجرمانه انجام شده با هدف گسترش تروریسم در کلیه اشکال و مظاهر آن، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۲۳. کشورها به طور انفرادی و جمعی تلاش خواهند کرد، به نحو مقتضی، از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) امضاء و تصویب اسناد بین المللی مربوط به تروریسم؛

(ب) انجام تحقیق و گردآوری اطلاعات در باره فعالیتهای جنائی انجام شده در جهت گسترش تروریسم در کلیه اشکال و مظاهر آن از جمله هویت، وضعیت و فعالیتهای افراد و گروههای خاص دخیل در این گونه فعالیتهای افراد و کار مشابه در سطح بین المللی، به میزان هماهنگ با قوانین ملی و ترتیبات و توافقنامه های بین المللی؛

(ج) بازنگری در رویه ها و قوانین داخلی مربوطه خود به منظور دستیابی به راهکارهای داخلی موثر علیه تروریسم و جرائم مربوطه، توانائی مضاعف برای همکاری در موارد مقتضی با سایر کشورها و اجرای موثر اسناد بین المللی مربوطه؛

(د) تقویت همکاری بین موسسات مبارزه با تروریسم و موسسات مبارزه با جرم؛ این ممکن است شامل تاسیس دفاتر ارتباطی یا مجاری ارتباط بین موسسات مبارزه با تروریسم و موسسات مبارزه با جرم به منظور ارتقاء تبادل اطلاعات باشد؛

(ه) مشارکت داوطلبانه برای حمایت از اجرای فعالیت های پیشگیری از تروریسم مرکز بین المللی پیشگیری از جرم.

ب. اقدامات بین المللی

۲۴. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط و با هماهنگی دفتر امور حقوقی دبیر خانه، به نحو مقتضی، و مطابق با قطعنامه حاضر:

- (الف) اقداماتی برای ارتقاء اسناد بین المللی مربوطه انجام می دهد و کشورها را تشویق به امضاء و تصویب این اسناد می نماید و، در صورت امکان، در اجرای این اسناد حسب درخواست به کشورها کمک می نماید؛
- (ب) با همکاری کشورهای عضو اقداماتی برای ارتقاء آگاهی عمومی پیرامون ماهیت و دامنه تروریسم بین المللی و رابطه آن با جرم، از جمله جرائم سازمان یافته، اتخاذ می نماید؛
- (ج) به پشتیبانی از بانک اطلاعاتی موجود درخصوص تروریسم ادامه می دهد؛
- (د) به کشورهای عضو از طریق جمع آوری و نشر اطلاعات راجع به ارتباط بین تروریسم و فعالیت های مجرمانه مربوطه کمک تحلیلی ارائه میدهد؛
- (ه) اگر مراحل پیشرفته تر کار ایجاب نماید، پیشنهاد های مهمی برای ملاحظه توسط کشورهای عضو به منظور تقویت توان مرکز جهت توسعه و اداره عنصر پیشگیری از تروریسم در فعالیت های خود را، در رسالت خود، تهیه و ارائه خواهد کرد؛

VIII. اقدام در خصوص پیشگیری از جرم

۲۵. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۲۵ اعلامیه وین با هدف تدوین استراتژی های پیشگیری از جرم محلی، ملی و بین المللی، تدابیر زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۲۶. کشورها به طور انفرادی و جمعی تلاش خواهند کرد،

به نحو مقتضی، از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) ارتقاء همکاری نزدیک بین بخش های مختلف جامعه از جمله خدمات دادگستری، بهداشت، آموزش و پرورش و اجتماعی و مسکن که برای حمایت از پیشگیری از جرم موثر بر پایه اجتماع حائز اهمیت است؛

(ب) همکاری نزدیک با عناصر جامعه مدنی و کمک به آنها در توسعه، انتخاب و ارتقاء ابتکارات در زمینه پیشگیری از جرم ضمن در نظر داشتن اهمیت اقدام بر پایه رویه های اثبات شده در صورت امکان و انتخاب توازن بین رویکردهای مختلف با پیشگیری از جرم بر پایه اجتماع؛

(ج) ارتقاء ارزیابی کارایی برنامه های پیشگیری از جرم؛

(د) توسعه روشهایی که در صدد هستند قربانیان جرم را از بزه دیدگی مجدد بازدارند؛

(ه) توسعه و اجرای برنامه های منطبق با شرایط و سایر برنامه های پیشگیری از جرم با در نظر داشتن نیاز به پرهیز از هر نوع تخلف از آزادیهای مدنی؛

(و) همکاری با سایر دولتها و سازمانهای غیر دولتی در توسعه و نشر ابتکارات موفقیت آمیز در زمینه پیشگیری از جرم و دانش تخصصی و مهارت در روشهای پیشگیری از جرم، از جمله برنامه های تربیتی و ارتقاء آگاهی عموم در باره پیشگیری از جرم موثر و مشارکت هایی که افراد، خانواده ها، اجتماعات و کلیه سطوح دولت می توانند به اجتماعات صلح طلب و آرامتر ارائه دهند؛

(ز) بررسی اینکه چگونه می توان به تلاشهای جمعی کشورها برای تدوین یک استراتژی بین المللی جامع جهت پیشبرد پیشگیری از جرم با محوریت اجتماع کمک کرد؛
(ح) برداشتن گامهایی برای وارد کردن تدابیری به منظور پیشگیری و مبارزه با جرائم ناشی از نژاد پرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و اشکال مربوطه ناسازگاری در استراتژیهای ملی پیشگیری از جرم.

ب. اقدامات بین المللی

۲۷. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط، به نحو مقتضی، و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) مهارت پیشگیری از جرم را که با دقت از روشهای اثبات شده در شرایط کشورهای که این روشها قرار است اجرا شوند، با استفاده از سمینارها، برنامه ها و سایر ابزارهای آموزشی اقتباس شده است، توسعه و ارتقاء می دهد؛

(ب) در صورت درخواست یک کشور یا چند کشور، آگاهی عمومی و فعالیتهای تربیتی در باره پیشگیری از جرم موثر و کمکهای مربوطه ای که افراد، خانواده ها، اجتماعات و کلیه سطوح دولت ممکن است برای اجتماعات سالمتر و مسالمت آمیزترینیازمند آن باشند، ارائه می کند؛

(ج) تلاش می کند به تبادل اطلاعات و تجارب در زمینه پیشگیری از جرم با هدف تقویت اشکال جدید همکاری بین کشورهای با دولت، اجتماعات و سازمانهای غیر دولتی کمک کند؛

(د) تحول و جهانی شدن جرم را ارزیابی و پاسخ ها به آنها از طریق ابتکارهای پیشگیری از جرم موثر و جدید

که تاثیر فن آوری جدید روی جرائم و پیشگیری از جرم را در نظر می گیرد، آماده می کند؛

(ه) هماهنگی مطالعات در خصوص جرم در محیط های شهری و بکارگیری تدابیری برای پیشگیری موثر، از جمله در خصوص اختلافات فرهنگی و نهادینه ممکن در پیشگیری موثر از جرم را تداوم می بخشد؛

(و) کشورهای عضو را تشویق می کند تدابیری برای پیشگیری و مبارزه با جرائم مرتبط با نژاد پرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و اشکال مرتبط ناسازگاری را در استراتژیها و موازین پیشگیری از جرم بین المللی بگنجانند و در عین حال تدابیر اتخاذ شده پیشین کشورهای عضو را در نظر می گیرد؛

(ز) پروژه های همکاری فنی در مقوله پیشگیری از جرم برای کشورهای درخواست کننده و کمک در اجرای آنها را تهیه می کند؛

(ح) یک کتابچه راهنما برای سیاستگذاران و یک کتابچه در خصوص رویه های اثبات شده در مقوله پیشگیری از جرم تهیه می کند.

IX. اقدام در خصوص شاهدان و قربانیان جرم

۲۸. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۲۷ اعلامیه وین با هدف بازنگری روشهای مربوطه تا سال ۲۰۰۲ حتی الامکان جهت تدوین طرحها، حمایت از خدمات و ارتقاء آگاهی برای قربانیان، تاسیس صندوق های قربانیان و توسعه و اجرای سیاستهای حمایتی، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۲۹. کشورها به طور انفرادی و جمعی تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) انجام مطالعات منطقه ای و ملی در خصوص قربانیان جرم در سیستم های عدالت کیفری؛

(ب) استفاده و بهره برداری از اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، منوط به سیستم های حقوقی داخلی هر کشور، ضمن در نظر گرفتن کتابچه مربوط به عدالت برای قربانیان در خصوص استفاده و بهره برداری از اعلامیه و رساله راهنما برای سیاست گذاران در باره اجرای اعلامیه.

ب. اقدامات بین المللی

۳۰. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی زیربط به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) در پروژه ها و برنامه های خود، تدابیری برای کمک و حمایت از قربانیان و شاهدان، از جمله قربانیان زن، کودکان و قربانیان قاچاق اشخاص را در نظر می گیرند؛

(ب) تاسیس صندوق های قربانیان جرم را تحت حمایت قرار می دهد؛

(ج) روشهای اثبات شده در ارائه خدمات و کمک به قربانیان و شاهدان به عنوان مثال با استفاده از سایت قربانی شناسی بین المللی را ارتقاء می دهد؛

(د) راهنمای سیاستگذاران و کتابچه مربوط به عدالت برای قربانیان و کشورهای متقاضی در استفاده از این اسناد را به زبانهای رسمی سازمان ملل ترجمه می کند و آنرا در سطح گسترده منتشر می سازد؛

(ه) حسب درخواست، کشورها را در تدوین قوانین جدید در باره قربانیان از جمله با استفاده از پایگاه اطلاعاتی بین المللی تاسیس شده توسط دولت هلند کمک می کند؛

(و) در صورت لزوم، پروژه های آزمایشی یا اثباتی برای توسعه یا ایجاد خدمات قربانی و سایر فعالیتهای عملی مربوطه ارتقاء می دهد.

X. اقدام در خصوص تراکم جمعیت زندان و جایگزین هائی برای زندان

۳۱. به منظور اجرا و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۲۶ اعلامیه وین برای ارتقاء جایگزینهای سالم و موثر برای زندان، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۳۲. کشورها به طور انفرادی و جمعی تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) توسعه اقدامات خاص و اهداف با تعیین زمان برای پرداختن به تراکم جمعیت زندان، با تأیید اینکه شرایط در زندانهای مملو از زندانی می تواند حقوق بشر زندانیان را تحت تاثیر قرار دهد، از جمله اقداماتی مانند اتخاذ تدابیر موثر برای کاهش توقیف قبل از محاکمه حتی الامکان؛ معرفی جایگزین های مناسب برای زندان؛ ارجح شمردن تدابیر غیر حبسی برای زندان هر جا که ممکن باشد؛ پرداختن به جرائم اطفال با استفاده از گزینه هائی مانند رویه عرفی؛ میانجیگری بین طرفهای مربوطه یا پرداخت جبران خسارت و غرامت؛ و انجام اقداماتی برای ارتقاء آگاهی عمومی و تربیتی برای زندان و اینکه چگونه کار می کنند؛

(ب) تقویت موسسات منطقه ای و بین المللی، از جمله موسسات مالی، به منظور گنجاندن تدابیری برای کاهش تراکم جمعیت زندان در برنامه های همکاری فنی مربوطه مطابق با قوانین ملی؛

(ج) ارتقاء یا اجرای رویه مناسب در زندان با در نظر گرفتن استانداردهای بین المللی؛

(د) تضمین اینکه اقدامات ملی و بین المللی در خصوص تراکم جمعیت زندان و راههای جایگزین برای حبس هر گونه تأثیری که این اقدامات ممکن است بر زنان و مردان بگذارد لحاظ نموده و به آنها می پردازد؛

ب. اقدامات بین المللی

۳۳. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم، با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط، به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) موسسات منطقه ای و بین المللی، از جمله موسسات مالی، را تشویق می کند در برنامه های همکاری فنی خود تدابیری برای کاهش تراکم جمعیت زندان مطابق با قوانین خود بگنجانند؛

(ب) اقدامات ملی و بین المللی پیرامون تراکم جمعیت زندان و جایگزین های زندان که هر گونه تاثیر دیگر روی زنان و مردان و همچنین هر نیاز خاصی را در نظر بگیرد؛

(ج) حسب درخواست، به ارائه کمک به صورت خدمات مشاوره ای، ارزیابی نیازها، ظرفیت سازی، آموزش و کمکهای دیگر به کشورها برای قادر ساختن آنها برای بهبود وضعیت زندان پردازد.

XI. اقدام علیه جرائم مربوط به رایانه و فن آوری پیشرفته

۳۴. برای اجرا و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۱۸ اعلامیه وین برای تدوین پیشنهادات مربوط به خط مشی ها مبتنی بر عمل برای پیشگیری و کنترل جرائم مربوط به رایانه و فن آوری پیشرفته، ضمن در نظر گرفتن کار جاری در مجامع دیگر و برای ارتقاء قابلیت های کشف، پیشگیری، تحقیق و پیگرد این جرائم، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۳۵. کشورها به طور انفرادی و جمعی تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) جرم تلقی کردن سوء استفاده از فن آوری های اطلاعاتی، به نحو مقتضی و مطابق با قانون ملی، از جمله در صورت لزوم بازنگری جرائمی مانند کلاهبرداری برای تضمین اینکه آنها در خصوص جرائمی که در آنها از رایانه و شبکه رسانه های مخابراتی استفاده می شود، نیز اعمال می گردد؛

(ب) توسعه و اجرای مقررات و رویه ها، از جمله در خصوص اعمال صلاحیت، که تضمین خواهد کرد که جرائم مربوط به رایانه و فن آوری پیشرفته می تواند به طور موثر کشف و در سطح ملی مورد تحقیق قرار گیرد و اینکه همکاری موثر می تواند در موارد چند ملیتی حاصل شود، ضمن در نظر گرفتن حاکمیت ملی، نیاز به اجرای موثر قانون و نیاز به حفاظت موثر از حریم شخصی و سایر حقوق اساسی مربوطه؛

(ج) تضمین اینکه پرسنل اجرای قانون آموزش دیده و مجهز شده اند تا بتوانند به طور موثر و سریع به

درخواست های کمک در ردگیری ارتباطات و سایر تدابیر لازم برای کشف و تحقیق پیرامون جرائم فراملی مربوط به رایانه و فن آوری پیشرفته پاسخ دهند؛

(د) وارد شدن در بحث های داخلی و بین المللی در خصوص اقدامات علیه جرائم مربوط به رایانه و فن آوری پیشرفته و اثرات تغییر فن آوری با صنایع فعال در توسعه و پراکندگی رایانه ها، تجهیزات مخابراتی، نرم افزار و سخت افزار شبکه و سایر خدمات و تولیدات مربوطه. این بحث ها می تواند شامل مقوله های اصلی مانند موارد زیر باشد:

(i) مسائل مربوط به قواعد داخلی و بین المللی فن آوریها و شبکه ها؛

(ii) مسائل مربوط به وارد کردن عناصری در فن آوری جدید، که هدف از آنها پیشگیری از جرم یا تسهیل کشف، تحقیق و تعقیب جرم است؛

(ه) انجام کمک های داوطلبانه، به طور دوجانبه و از طریق سازمانهای بین المللی و منطقه ای، به نحو مقتضی، از جمله با همکاری بخش خصوصی، به شکل مهارت فنی برای کمک به سایر کشورها در توسعه و اجرای تدابیر موثر مورد اشاره در بندهای فرعی (ج) و (د) فوق.

ب. اقدامات بین المللی

۳۶. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم، با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط، به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) از فعالیتهای تحقیقاتی ملی و بین المللی برای شناسائی اشکال جدید بزهکاری رایانه ای و برای ارزیابی اثرات این بزهکاری در مقوله های اصلی مانند

توسعه پایدار، حفاظت از حریم خصوصی و تجارت الکترونیکی، و تدابیر اتخاذ شده در پاسخ حمایت می‌کند؛ (ب) مطالب مورد پذیرش بین المللی مانند راهبردها، رساله های فنی و قانونی، استاندادهای حداقل، رویه های اثبات شده و نمونه قوانین برای کمک به قانونگذاران و مسئولان اجرای قانون در توسعه، انتخاب و اجرای تدابیر موثر علیه جرائم مربوط به رایانه و فن آوری پیشرفته و مجرمان در موارد عام و خاص را انتشار می‌دهد؛

(ج) همکاری فنی و پروژه های کمک را به نحو مقتضی ارتقاء، حمایت و اجراء می‌کند. این پروژه ها کارشناسان فعال در زمینه پیشگیری از جرم، امنیت رایانه ای، قوانین و رویه های جنائی، تعقیب، فنون تحقیق و موضوعات مربوطه و کشورهای متقاضی اطلاعات یا کمک در این مقوله ها را گرد هم می‌آورد.

XII. اقدام در خصوص عدالت جوانان

۳۷. به منظور اجرا و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۲۴ اعلامیه وین، تدابیر خاص زیر پیشنهاد می‌گردد.

الف. اقدامات ملی

۳۸. کشورها به طور انفرادی و جمعی تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) ارائه کمک به موقع به نوجوانان در شرایط دشوار به منظور ممانعت از آنها برای توسل به جرم؛
(ب) حمایت از توسعه روشهای پیشگیری از جرم که بر جوانانی متمرکز شده اند که در خطر تبدیل شدن به مجرم یا کسانی هستند که داوطلبان آسانی برای استخدام

توسط گروه‌های تبهکار هستند، ضمن در نظر داشتن حقوق این جوانان؛

(ج) تقویت نظام‌های عدالت جوانان؛

(د) وارد کردن یک استراتژی منسجم برای پیشگیری از جرائم جوانان و برای عدالت جوانان در طرح‌های توسعه ملی؛

(ه) ارتقاء تربیت مجدد و بازپروری مجرمان جوان؛

(و) تشویق و در صورت لزوم حمایت از مشارکت جامعه مدنی در اجرای رویه‌هایی برای پیشگیری از جرائم جوانان.

ب. اقدامات بین‌المللی

۳۹. مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، با همکاری سایر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ذیربط، به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) حسب درخواست، پروژه‌های همکاری فنی را به منظور جلوگیری از جرائم جوانان، تقویت سیستم‌های عدالت جوانان و تقویت بازپروری و اصلاح مجرمان جوان و کمک به کشورها در اجرای این پروژه‌ها توسعه دهد؛

(ب) همکاری موثر بین واحدهای ذیربط سازمان ملل و سایر سازمان‌های ذکر شده در راهبردهای اقدام در خصوص کودکان در سیستم عدالت کیفری تضمین نماید.

XIII. اقدام در باره نیازهای زنان در سیستم عدالت

کیفری

۴۰. به منظور اجراء و پیگیری تعهدات انجام شده در بندهای ۱۱ و ۱۲ اعلامیه وین، و به منظور بازنگری در استراتژی‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری جهت شناسائی و پرداختن به تاثیر دیگر برنامه‌ها و

سیاستهای مربوط به زنان و مردان، تدابیر زیر پیشنهاد می‌گردد.

الف. اقدامات ملی

۴۱. کشورها به طور انفرادی و جمعی تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) بازنگری، ارزیابی و، در صورت لزوم، اصلاح قوانین، سیاستها، روشها و رویه های مربوط به موضوعات کیفری، به گونه ای هماهنگ با سیستم های حقوقی آنها، برای تضمین اینکه در سیستم عدالت کیفری با زنان عادلانه رفتار می شود؛

(ب) تدوین استراتژیهای ملی و بین المللی در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری که نیازهای خاص زنان به عنوان دست اندرکاران عدالت کیفری، قربانیان، شاهدان، زندانیان و مجرمان لحاظ نماید؛

(ج) توجه به مبادله با کشورهای دیگر از طریق وب سایت یا رسانه ها و یا مجامع دیگر در خصوص رویه های اثبات شده پیرامون دست اندرکاران عدالت کیفری، قربانیان، شاهدان، زندانیان که نیازهای خاص زنان را ملحوظ نماید.

ب. اقدامات بین المللی

۴۲. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم، با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط، به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) به گردآوری و نشر اطلاعات و مطالب در خصوص خشونت علیه زنان در کلیه اشکال و مظاهر آن، آنچنانکه در اعلامیه مبارزه با خشونت علیه زنان به آن اشاره شد، با هدف اجرای برنامه پیشگیری از جرم و

عدالت کیفری، از جمله کمک فنی به درخواست کشورهای،
مبادرت می کند؛

(ب) روی مسائل مربوط به خشونت علیه زنان و برای
زدودن نابرابری زن و مرد در اجرای عدالت کیفری کار
می کند؛

(ج) با کلیه واحدهای ذیربط دیگر سیستم سازمان ملل
در خصوص فعالیتهای راجع به مسائل مربوط به خشونت
علیه زنان و در راستای محو تبعیض بین زن و مرد در
اجرای عدالت کیفری همکاری می کند و فعالیتهای در خصوص
این مسائل را هماهنگ می سازد؛

(د) اطلاعات در خصوص روشهای مداخله موفقیت آمیز و
برنامه های پیشگیرانه در سطح ملی را انسجام و اشاعه
میدهد؛

(ه) به ارتقاء آموزش در خصوص ابعاد پیشگیری از جرم
و عدالت کیفری حقوق زنان و مسائل تبعیض زنان و
خشونت علیه زنان برای اعضای پرسنل ذیربط سازمان ملل
ادامه می دهد؛

(و) کشورهای عضو را، حسب درخواست، در استفاده از
نمونه استراتژیها و تدابیر عملی راجع به مبارزه با
خشونت علیه زنان در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت
کیفری کمک می کند.

XIV. اقدام در خصوص استانداردها و موازین

۴۳. به منظور اجرا و پیگیری تعهدات انجام شده در بند
۲۲ اعلامیه وین و به منظور ارتقاء اعمال و استفاده
از موازین و استانداردهای پیشگیری از جرم و عدالت
کیفری در رویه و قانون ملی به طور مقتضی، تدابیر
ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۴۴. کشورها، به طور انفرادی و جمعی، تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی در رویه و قانون ملی استانداردها و موازین سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را اعمال و مورد استفاده قرار دهند و مجموعه استانداردها و موازین سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را به زبانهای متداول در کشور خود منتشر سازند.

ب. اقدامات بین المللی

۴۵. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم، با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط، به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) مجموعه استانداردها و موازین سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را به روز می آورد؛

(ب) استفاده و اعمال استانداردها و موازین سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را، از جمله، با ارائه خدمات مشاوره ای و همکاری فنی با کشورهای عضو درخواست آنها ارتقاء می دهد، از جمله کمک به کشورهای عضو در زمینه عدالت کیفری و اصلاح قانون، هماهنگی آموزش برای پرسنل اجرای قانون و عدالت کیفری و حمایت از اداره و مدیریت سیستم های کیفری و اصلاحی و مشارکت در ارتقاء کارائی و قابلیت های آنها؛

(ج) فعالیتهای مربوط به استفاده و اعمال استانداردها و موازین سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری بین مرکز بین المللی پیشگیری از جرم و سایر واحدهای ذیربط سازمان ملل را هماهنگ

می کند و در این راستا برنامه های کمک منطقه ای و دوجانبه را مد نظر قرار می دهد.

XV. اقدام در خصوص عدالت ترمیمی

۴۶. به منظور اجرا و پیگیری تعهدات انجام شده در بند ۲۸ اعلامیه وین و به منظور ارتقاء توسعه سیاست ها، رویه ها و برنامه ها، تدابیر ویژه زیر پیشنهاد می گردد.

الف. اقدامات ملی

۴۷. کشورها، به طور انفرادی و جمعی، تلاش خواهند کرد که به نحو مقتضی از اقدامات زیر حمایت کنند:

(الف) لحاظ نمودن قطعنامه ۲۰۰۰/۱۴ شورای اقتصادی و اجتماعی مصوب ۲۷ جولای ۲۰۰۰ با عنوان "اصول اساسی پیرامون استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری"، هنگام در نظر گرفتن مطلوبیت و ابزار ایجاد اصول مشترک؛

(ب) پرداختن به جرائم، به ویژه جرائم خفیف، مطابق با رویه معمول در خصوص عدالت ترمیمی، در صورت امکان و مقتضی، مشروط به آنکه این امر با خواست های حقوق بشر مطابقت نماید و اینکه طرفهای درگیر چنین موافقت نمایند؛

(ج) استفاده از راههای دوستانه آنچنانکه قانون ملی مشخص کرده است برای پرداختن به جرائم به ویژه جرائم خفیف، به عنوان مثال از طریق استفاده از میانجیگری، جبران خسارت یا مصالحه در صورتیکه مجرم خسارت قربانی را جبران کند؛

(د) ارتقاء یک فرهنگ ترغیب کننده میانجی گری و عدالت ترمیمی بین مسئولان اجتماعی و قضائی و اجرای قانون و اجتماعات محلی؛

(ه) ارائه آموزش مقتضی برای افراد فعال در توسعه و اجرای سیاستها و برنامه های عدالت ترمیمی؛

(و) ارتقاء تربیت مجدد و بازپروری مجرمان جوان با ترغیب استفاده از میانجی گری، حل درگیری، مصالحه و روشهای دیگر عدالت ترمیمی به عنوان جایگزینهای دادرسی قضائی و تنبیهات مبتنی بر حبس؛

(ز) توسعه و اجرای سیاستها و برنامه های عدالت ترمیمی، ضمن در نظر گرفتن تعهدات بین المللی موجود در خصوص قربانیان، به ویژه اعلامه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت؛

(ح) ارتقاء همکاری بین دولت و جامعه مدنی، از جمله سازمانهای غیر دولتی ذیربط، برای اجرای برنامه های عدالت کیفری و تضمین حمایت دولتی برای استفاده از اصول عدالت ترمیمی.

ب. اقدامات بین المللی

۴۸. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم، با همکاری سایر سازمانهای منطقه ای و بین المللی ذیربط، به نحو مقتضی و مطابق با قطعنامه حاضر:

(الف) به تبادل اطلاعات در خصوص تجارب و رویه های اثبات شده در اجرا و ارزیابی برنامه های عدالت ترمیمی مبادرت می کند؛

(ب) کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را در بررسی مطلوبیت و ابزار تعیین اصول مشترک در خصوص استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در موضوعات جنائی، کمک می کند؛

(ج) جلسه ای مرکب از کارشناسان برای بررسی پیشنهادات راجع به اقدام گسترده تر در ارتباط با عدالت ترمیمی، از جمله میانجی گری تشکیل میدهد.

۳۶. اعلامیه بانکوک در خصوص هماهنگی ها و واکنش ها: پیمانهای استراتژیک پیشگیری از جرم و عدالت کیفری

ما، کشورهای عضو سازمان ملل، در یازدهمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و عدالت کیفری از ۱۸ تا ۲۵ آوریل ۲۰۰۵ در بانکوک گردهم آمده ایم تا در خصوص انجام یک اقدام منسجم و موثر با روحیه همکاری و برای مبارزه با جرم و طلب عدالت، تصمیم گیری نمائیم، با اعتقاد به اینکه کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، که یک مجمع بین دولتی کلان است، به سیاستها و رویه های ملی از طریق تسهیل تبادل نظرات و تجارب، بسیج افکار عمومی و توصیه گزینه های سیاسی در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی کمک می کند و از اینرو مساعدت قابل توجهی به پیشرفت و ارتقاء همکاری بین المللی در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری کرده است،

با یادآوری کار ده کنگره قبلی سازمان ملل، با تائید مجدد مسئولیت برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل برای کار با کشورهای عضو و سازمانهای منطقه ای و بین المللی در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری،

با نگرانی عمیق از گسترش و ابعاد جرائم سازمان یافته فراملی، از جمله قاچاق مواد مخدر، پولشوئی، قاچاق اشخاص، قاچاق مهاجران، قاچاق غیر قانونی اسلحه و

تروریسم، و هر گونه ارتباط موجود بین آنها، و با افزایش پیچیدگی و تنوع یافتن فعالیت‌های گروه‌های تبهکاری سازمان یافته،

با تاکید بر اینکه ارتقاء گفتگو بین سازمانها، ارتقاء سازگاری و تحمل، پیشگیری از هدف قراردادن تبعیض آمیز مذاهب و فرهنگ‌های مختلف و پرداختن به مسائل توسعه و درگیری‌های حل نشده به همکاری بین المللی کمک خواهد کرد، که از جمله مهمترین عناصر مبارزه با تروریسم در کلیه اشکال و مظاهر آن است، و با تائید مجدد اینکه هیچ عمل تروریستی نمی تواند در هیچ شرایطی توجیح شود،

با تائید اینکه کشورها باید تضمین کنند که هر تدبیر اتخاذ شده ای برای مبارزه با تروریسم با وظائف آنها در چاقوب قانون بین المللی مطابقت دارد و اینکه آنها باید این تدابیر را هماهنگ با اساسنامه سازمان ملل و حقوق بین الملل، به ویژه حقوق بشر بین المللی، قانون پناهندگان و قانون بین المللی، اتخاذ نمایند،

نگران از رشد سریع، گستره جغرافیائی و اثرات جرائم اقتصادی و مالی جدید، که به عنوان تهدیدهای مهمی برای اقتصادهای ملی و سیستم مالی بین المللی، متجلی شده اند،

با توجه به نیاز به یک رویکرد سیستماتیک و منسجم برای مبارزه با فساد و پولشویی، در چاقوب اسناد موجود، به ویژه اسناد و چارچوب‌های تحت حمایت سازمان ملل، و نظر به اینکه این جرائم می تواند منجر به ارتکاب سایر فعالیت‌های مجرمانه شود،

ضمن قدردانی، با عنایت به کار نشست های مقدماتی منطقه ای برای یازدهمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و عدالت کیفری،

اعلام می دارد:

۱. ما اراده سیاسی و تعهد خود را برای تحقق آرمانها و اهداف تعیین شده در اعلامیه حاضر بیان می کنیم.
۲. ما حمایت مستمر و تعهد خود نسبت به برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل، به ویژه کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و دفتر کنترل مواد مخدر و جرم سامان ملل، موسسه تحقیقاتی بین منطقه ای جرم و عدالت سازمان ملل و موسسات شبکه برنامه اعلام می داریم و مصمم به تقویت برنامه از طریق تامین مستمر بودجه، به نحو مقتضی، هستیم.
۳. با روحیه مسئولیت تقسیم شده و مشترک، ما آمادگی خود را برای ارتقاء همکاری بین المللی در زمینه مبارزه با جرم و تروریسم، در سطوح چندجانبه منطقه ای و دوجانبه، در مقوله هائی از جمله، استرداد و معاضدت قضائی متقابل، اعلام می داریم. ما تلاش می کنیم توان ملی خود، و در صورت لزوم، انسجام توانائی بین المللی خود را از طریق سازمان ملل و سایر سازمانهای منطقه ای و جهانی زیربط به منظور مشارکت در همکاری بین المللی، به ویژه در امر پیشگیری، تحقیق، تعقیب و رسیدگی به جرائم سازمان یافته بین المللی و تروریسم و در کشف هرگونه رابطه بین آنها، تضمین کنیم.
۴. ما از تنفید کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فرامللی سازمان ملل و دو پروتکل از پروتکل های آن استقبال می کنیم. ما از کلیه کشورهای که تاکنون اقدام ننموده اند درخواست می کنیم نسبت به تصویب یا عضویت و اجرای مفاد این کنوانسیون و پروتکل های آن و همچنین مفاد کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل و اسناد بین المللی علیه تروریسم،

اقدام کنند. در اجرای مفاد این اسناد، ما متعهد می شویم به تعهدات خود در چارچوب قانون سازمان ملل، به ویژه حقوق بشر بین المللی، قانون پناهندگان و بشردوستانه عمل کنیم.

۵. ما از کشورها و موسسات مالی تقاضا می کنیم به مشارکت های داوطلبانه خود به طور مستمر برای تهیه کمک فنی به کشورهای در حال توسعه و به کشورهای دارای اقتصاد درحال گذر، به منظور کمک به ایجاد توانائی جهت پیشگیری و مقابله با جرم در کلیه اشکال آن و اعمال موازین و استانداردهای سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و به ویژه تسهیل عضویت آنها و و اجرای اسناد بین المللی علیه تروریسم و اسناد بین المللی مربوطه، مانند کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی و پروتکل های آن، کنوانسیون مبارزه با فساد و کنوانسیونهای کنترل مواد مخدر بین المللی، ادامه دهند.

۶. ما از یک رویکرد منسجم تر در سازمان ملل در ارتباط با تدارک کمک به ظرفیت سازی در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، و با همکاری در موضوعات کیفری با ماهیت فراملی، به عنوان مشارکت در ایجاد و تقویت حاکمیت قانون حمایت می کنیم.

۷. ما تلاش می کنیم واکنش های خود در مقابل جرم و تروریسم را در سطح ملی و بین المللی از جمله از طریق گرآوری و تبادل اطلاعات راجع به جرم و تروریسم و تدابیر متقابل موثر، مطابق با قوانین ملی تقویت کنیم. ما از فعالیت انجام شده توسط دفتر کنترل مواد مخدر و جرم سازمان ملل و شبکه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل در مقوله روند جرم و عدالت، ارتقاء بخشیم.

۸. ما متقاعد شده ایم که حمایت از حاکمیت قانون و اداره شایسته امور و مدیریت صحیح امور دولتی و اموال عمومی در سطوح محلی، ملی و بین المللی پیش شرط های لازم برای ایجاد و پشتیبانی محیطی برای پیشگیری موفقیت آمیز و مبارزه با جرم هستند. ما متعهد به توسعه و پشتیبانی نهادهای عدالت کیفری موثر و عادلانه، از جمله رفتار انسانی با کلیه افراد در موسسات پیش از محاکمه و تادیبی، مطابق با استانداردهای بین المللی اجرائی هستیم.

۹. ما نقش افراد و گروههای خارج از بخش دولتی، مانند جامعه مدنی، سازمانهای غیر دولتی و سازمانهای مبتنی بر اجتماع، را در کمک به پیشگیری و مبارزه علیه جرم و تروریسم شناسائی می کنیم. ما اتخاذ تدابیری برای تقویت این نقش در چارچوب حاکمیت قانون را حمایت می کنیم.

۱۰. ما اذعان داریم که استراتژیهای پیشگیری از جرم موثر می تواند به طرز قابل توجهی جرم و بزه دیدگی را کاهش دهد. ما درخواست می کنیم که این استراتژیها به علل ریشه ای و عوامل خطرناک جرم و بزه دیدگی بپردازد و اینکه آنها بیشتر در سطوح محلی، ملی و بین المللی توسعه یابند و اجرا گردند و راهبردهای پیشگیری از جرم نیز لحاظ شوند.

۱۱. ما توجه داریم که کشورهایی که دورانی از درگیری را پشت سر گذاشته اند به طرز ویژه ای در برابر جرم، به خصوص جرائم سازمان یافته و فساد آسیب پذیر هستند، و از اینرو توصیه می کنیم که کشورهای عضو، سازمانهای منطقه ای و واحدهای بین المللی مانند دفتر کنترل مواد مخدر و جرم سازمان ملل، با هماهنگی دفتر عملیات حفظ صلح دبیرخانه و سایر واحدهای ذیربط،

واکنش های موثر تری در برابر این مشکلات به منظور استقرار مجدد، تقویت و پشتیبانی از حاکمیت قانون و اجرای عدالت در موقعیت های پس از درگیری، ارائه کنند.

۱۲. با توجه به فعالیت فزاینده گروه های تبهکاری سازمان یافته در سرقت و قاچاق اموال فرهنگی و قاچاق غیر قانونی انواع گیاهان و جانوران حفاظت شده، ما اهمیت مبارزه با این اشکال از جرم را تأیید می کنیم، و با در نظر داشتن اسناد حقوقی بین المللی مربوطه، مانند کنوانسیون راه های منع و پیشگیری از واردات، صادرات و انتقال مالکیت اموال فرهنگی، کنوانسیون تجارت بین المللی انواع خطرناک گیاهان و جانوران و کنوانسیون تنوع بیولوژیکی، از کشورهای عضو تقاضا می کنیم اقدامات موثری برای تقویت همکاری بین المللی انجام دهند.

۱۳. ما با نگرانی افزایش موارد آدم ربائی و قاچاق انسان که اشکال جدی، سودآور و غیر انسانی جرائم سازمان یافته هستند و اغلب با هدف تأمین مالی سازمان های تبهکاری، و در برخی موارد، فعالیت های تروریستی، انجام می شوند را یادآور می شویم و از اینرو پیشنهاد می کنیم که تدابیری برای مبارزه با این جرائم طراحی شود و اینکه به ایجاد سازوکارهای عملی برای مبارزه با آنها توجه شود. ما نیاز به اجرای تدابیری با هدف ارائه کمک مناسب و حمایت از قربانیان آدم ربائی و قاچاق اشخاص و خانواده های آنها را تأیید می کنیم.

۱۴. ضمن توجه به قطعنامه ۵۹/۱۵۶ مجمع عمومی مصوب ۲۰ دسامبر ۲۰۰۴ در خصوص پیشگیری، مبارزه و مجازات قاچاق ارگانهای بدن انسان، ما نگرانی شدید ناشی از استخراج

و قاچاق ارگانهای بدن انسان را اعلام می کنیم و با
علاقه گزارش دبیر کل مورد درخواست در قطعنامه موصوف
را بررسی خواهیم کرد.

۱۵. ما اهمیت اساسی اجرای اسناد موجود و توسعه
تدابیر ملی و همکاری بین المللی در ارتباط با موضوعات
جنائی، مانند توجه به تقویت و افزایش اقدامات، به
خصوص علیه جرائم رایانه ای و اینترنتی، تطهیر پول و
قاچاق اموال فرهنگی و همچنین استرداد، معاضدت قضائی
متقابل و مصادره، کشف و اعاده عواید حاصل از جرم را
تصدیق می نمائیم.

۱۶. ما خاطرنشان می سازیم که در عصر فعلی جهانی
شدن، فن آوری اطلاعاتی و توسعه سریع سیستم های شبکه
رایانه ای و مخابراتی جدید با سؤ استفاده از این فن
آورها برای مقاصد جنائی همراه بوده است. بنابراین
ما از تلاشها برای ارتقاء و تکمیل همکاری موجود به
منظور پیشگیری، تحقیق و تعقیب جرائم مربوط به رایانه
و فن آوری پیشرفته، از جمله از طریق توسعه مشارکت ها
با بخش خصوصی استقبال می کنیم. ما اهمیت مشارکت مهم
سازمان ملل با مجمع بین المللی دیگر و منطقه ای در
مبارزه با جرائم رایانه ای را تصدیق می کنیم و از
کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری درخواست می
کنیم ضمن در نظر داشتن این تجربه امکان ارائه کمک
بیشتر در این مقوله تحت حمایت سازمان ملل در مشارکت
باسایر سازمانهای مورد نظر را مورد بررسی قرار دهد.

۱۷. ما اهمیت بذل توجه به نیاز به حمایت از قربانیان
و شاهدان جرم و تروریسم را مورد تأیید قرار می دهیم
و متعهد می شویم، هر جا که لازم باشد، چارچوب مالی و
حقوقی خود برای ارائه حمایت به این قربانیان را
تقویت کنیم و در این راستا از جمله اعلامیه اصول

اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت را مد نظر داشته باشیم.

۱۸. ما از کشورهای عضو تقاضا می‌کنیم اقداماتی مطابق با قوانین داخلی خود در جهت ارتقاء دسترسی به عدالت، ارائه کمک حقوقی به کسانی که به آن نیازمند هستند و تحقق کامل حقوق آنها در نظام عدالت کیفری، انجام دهند.

۱۹. ما با نگرانی معضل قاچاق مواد مخدر و عواقب جدی اجتماعی - اقتصادی آن را مورد توجه قرار می‌دهیم و از اینرو خواستار تقویت همکاری بین المللی برای مبارزه با این شکل از جرائم سازمان یافته هستیم.

۲۰. ما همکاری بین المللی به منظور ایجاد محیطی که منجر به مبارزه با جرم، از جمله با ارتقاء رشد و توسعه پایدار و ریشه کنی فقر و بیکاری از طریق تدوین استراتژیهای توسعه موزون و موثر و سیاستهای پیشگیری از جرم، را تقویت خواهیم کرد.

۲۱. ما از کشورهایی که تا کنون اقدام ننموده اند درخواست می‌کنیم نسبت به عضویت در اسناد جهانی علیه تروریسم و اجرای این اسناد اقدام نمایند. برای ارتقاء توان کشورها در عضویت و اجرای این اسناد و رعایت قطعنامه های مربوطه شورای امنیت علیه تروریسم، ما حمایت خود را از تلاشهای مستمر دفتر کنترل مواد مخدر و جرم سازمان ملل، با رسالت آن و با همکاری کمیته مبارزه با تروریسم و مدیریت اجرایی کمیته مبارزه با تروریسم شورای امنیت، برای کمک به کشورها در تلاشهایشان به منظور تصویب و اجرای این اسناد، از طریق ارائه کمک فنی حسب درخواست آنها، اعلام می‌کنیم. این ممکن است شامل کمک به سیستم های عدالت کیفری به منظور تسهیل اجرای موثر این اسناد باشد.

۲۲. ما امیدوار هستیم که مذاکرات جاری در خصوص پیش نویس کنوانسیون جامع راجع به تروریسم بین المللی هر چه سریع تر به انجام برسد. در این چارچوب، ما اذعان می کنیم که رسیدن به یک تعریف ممکن از تروریسم یکی از مسائل کلیدی است که باید حل شود. ما از کشورهای عضو درخواست می کنیم امضا و تصویب کنوانسیون بین المللی علیه اقدامات تروریسم اتمی را مورد توجه قرار دهند.

۲۳. ما متقاعد شده ایم که تنفیذ سریع و اجرای کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل برای تلاشهای انجام گرفته در سطح بین المللی به منظور مقابله با فساد حائز اهمیت است و از اینرو به حمایت از تلاشها در این راستا اولویت می دهیم و از کلیه کشورهای که تا کنون اقدام ننموده اند تقاضا می کنیم نسبت به امضا، تصویب و عضو شدن در این کنوانسیون اقدام نمایند.

۲۴. ما همچنین متقاعد شده ایم که مدیریت صحیح امور دولتی و اموال عمومی و حاکمیت قانون برای پیشگیری و کنترل فساد، از جمله، از طریق تدابیر موثر برای تحقیق و پیگرد آن حائز اهمیت است. در عین حال، ما تصدیق می کنیم که برای ریشه کن کردن فساد، لازم است فرهنگ صداقت و یگانگی و مسئولیت پذیری در بخش خصوصی و دولتی ارتقاء یابد.

۲۵. ما متقاعد شده ایم که بازیافت سرمایه یکی از عناصر مهم کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل است و به همین دلیل ما بر نیاز به اتخاذ تدابیری برای تسهیل بازیافت سرمایه که با اصول این کنوانسیون منطبق است، تاکید می کنیم.

۲۶. ما برچالش تحقیق و پیگرد موارد پیچیده در خصوص جرائم مالی و اقتصادی از جمله پول شوئی واقف هستیم.

ما از کشورهای عضو درخواست می‌کنیم سیاستها، تدابیر و موسسات را در جهت اقدام ملی و همکاری بین‌المللی در زمینه پیشگیری از جرم، تحقیق و تعقیب جرائم مالی و اقتصادی از جمله پول‌شوئی و جرائم انجام شده با استفاده از فن‌آوری اطلاعات، به ویژه در ارتباط با حمایت مالی از تروریسم و قاچاق مواد مخدر، تقویت کنند.

۲۷. ما از اهمیت اساسی پرداختن به جعل هویت و سند به منظور ریشه‌کنی جرائم سازمان‌یافته و تروریسم آگاه هستیم. ما تلاش می‌کنیم همکاری بین‌المللی را، از طریق معاضدت فنی، برای مبارزه با جعل هویت و سند، به ویژه استفاده غین‌آمیز از اسناد مسافرتی، از طریق تدابیر امنیتی بهتر، افزایش دهیم و از وضع قوانین ملی مناسب حمایت می‌کنیم.

۲۸. ما توصیه می‌کنیم که کمک‌های داوطلبانه و کمک فنی مناسب برای کشورهای در حال توسعه فراهم گردد تا توان آنها را برای حمایت از تلاش‌هایشان با هدف مبارزه با جرائم مالی و اقتصادی به طور موثر تقویت گردد.

۲۹. ما تلاش می‌کنیم استانداردها و موازین سازمان ملل در برنامه‌های خود را برای اصلاح پیشگیری از جرم و عدالت کیفری مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهیم و تلاش‌هایی برای تضمین انتشار گسترده تر آنها انجام خواهیم داد. ما تلاش می‌کنیم آموزش مناسب برای مسوولان اجرای قانون، از جمله مسوولان زندان، دادستانها، قوه قضائیه و سایر گروه‌های حرفه‌ای ذیربط را ضمن در نظر گرفتن این موازین و استانداردها و بهترین روشها در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار دهیم و اعمال نمائیم.

۳۰. ما توصیه می‌کنیم که کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به بازنگری مناسبت استانداردها و موازین در ارتباط با مدیریت زندان و زندانیان توجه نماید.

۳۱. ما با نگرانی به این موضوع توجه داریم که شرایط جسمی و اجتماعی مرتبط با زندان ممکن است گسترش آچ. آی وی/ ایدز در بازداشتگاه‌های تادیبی و پیش از محاکمه و لذا در جامعه را تسهیل نماید؛ و در نتیجه یک مشکل مدیریتی مهم در زندان را ایجاد کند؛ ما از همه کشورها تقاضا می‌کنیم تدابیر و راهبردهائی را در موارد لازم و مطابق با قوانین داخلی خود تدوین و تصویب کنند تا تضمین حاصل شود که با مشکلات خاص آچ. آی وی/ ایدز در این تاسیسات به طور صحیح برخورد می‌شود.

۳۲. برای ارتقاء منافع قربانیان و اصلاح مجرمان، ما اهمیت تدوین سیاست‌های عدالت ترمیمی، رویه‌ها و برنامه‌هایی که شامل جایگزین‌های تعقیب هستند و در نتیجه از اثرات معکوس احتمالی زندان جلوگیری می‌نماید، و به کاهش حجم پرونده‌ها در دادگاه‌های جنائی و ارتقاء گنجاندن رویکردهای عدالت ترمیمی در سیستم‌های عدالت کیفری به طور مقتضی کمک می‌کند، را تصدیق می‌کنیم.

۳۳. ما بر اراده و عزم خود برای بذل توجه به عدالت کیفری تاکید می‌کنیم. ما راه‌های تضمین خدمات به کودکانی که قربانی جرم هستند و کودکان درگیر با قانون، به ویژه کودکانی که از آزادی محروم هستند را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهیم و تلاش می‌کنیم که در این خدمات جنس، شرایط اجتماعی و نیازهای توسعه و

موازین و استانداردهای سازمان ملل به نحو مقتضی در نظر گرفته شود.

۳۴. ما بر نیاز به اتخاذ تدابیری به منظور پیشگیری از توسعه جرائم شهری از جمله با ارتقاء همکاری بین المللی و ظرفیت سازی برای اجرای قانون و قوه قضائیه در آن مقوله و با ارتقاء مشارکت مقامات محلی و جامعه مدنی تاکید می کنیم.

۳۵. ما قدردانی عمیق خود نسبت به مردم و دولت تایلند برای میهمان نوازی گرم و سخاوتمندانه خود نسبت به شرکت کنندگان و به دلیل محل باشکوهی که برای برگزاری یازدهمین کنگره فراهم نمود بیان می کنیم.

بخش سوم پیشگیری از وقوع جرم و مسائل مربوط به قربانی

۱. پیشگیری از جرم

۳۷. راهبردهایی برای همکاری و معاضدت فنی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم شهری

الف. طرح و اجرای فعالیتهای همکاری و معاضدت

۱. پروژه های همکاری برای پیشگیری از جرم شهری باید اصول زیر را رعایت نماید.

۱. یک رویکرد محلی برای پرداختن به معضلات

۲. جرم شهری با چندگانگی عوامل و اشکال متمایز می گردد.

یک رویکرد چند سازمانی و یک پاسخ منسجم در سطح محلی مطابق طرح عمل منسجم پیشگیری از جرم اغلب مفید و موثر خواهد بود.

این طرح عمل باید شامل عناصر زیر باشد:

(الف) یک ارزیابی محلی به منظورکشف علل پدیده جرم، ویژگیهای آنها، عوامل منجر به آنها، شکلی که آنها به خود می گیرند و گستره آنها؛

(ب) شناسایی کلیه عوامل مرتبط که می توانست در تدوین تحقیق فوق در زمینه پیشگیری از جرم و همچنین در زمینه مبارزه با جرم، به عنوان مثال موسسات دولتی (ملی یا محلی)، مسوولان محلی منتخب، بخش خصوصی (انجمن ها، شرکتهای)، بخش داوطلب، نمایندگان اجتماعات و غیره شرکت داشته باشند؛

(ج) در صورت نیاز، ایجاد سازوکارهای ارتقاء روابط، تبادل اطلاعات، کار مشترک و طرح یک استراتژی منسجم؛

(د) ارائه راه حل های ممکن برای این مشکلات در چارچوب محلی.

۲. طرح عمل منسجم پیشگیری از وقوع جرم

۳. طراحان یک طرح عمل منسجم پیشگیری از وقوع جرم برای آنکه طرح آنها جامع و موثر باشد باید:

(الف) عناصر زیر را تعریف کنند:

(i) ماهیت و انواع معضلات مربوط به جرم که باید به آن پرداخته شود مانند سرقت ساده، سرقت مقرون به آزار و اذیت، سرقت با هتک هرز، تهاجم نژادی، جرائم مرتبط با مواد مخدر، بزهکاری نوجوانان و حمل غیر قانونی اسلحه، ضمن لحاظ نمودن کلیه عواملی که می تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم چنین مشکلاتی را به وجود آورد یا به آنها دامن بزند.

(ii) اهداف مورد نظر و زمانیکه باید این اهداف محقق شده باشد؛

(iii) اقدام متصور و مسوولیت‌های مرتبط دست اندرکاران در قبال اجرای طرح (به عنوان

مثال، اینکه آیا منابع محلی و ملی باید بسیج شود یا خیر)؛

(ب) یک سری عوامل را بکار گیرند که به خصوص به نمایندگی از بخش های زیر عمل نماید:

(i) مددکاران اجتماعی و آموزش و پرورش، متصدیان امور درمانی و مسکن، علاوه بر

پلیس، دادگاهها، دادستانها و بخش های بررسی و سنجش و غیره؛

(ii) اجتماع: مسوولان منتخب، انجمن ها، داوطلبان، والدین، سازمانهای قربانیان و غیره؛

(iii) بخش اقتصادی، شرکت ها، بانکها، مراکز تجاری، حمل و نقل عمومی و غیره؛

(iv) رسانه ها

(ج) ارتباط عوامل زیر با طرح عمل پیشگیری از جرم را ملحوظ نمایند:

(i) ارتباطات در خانواده، بین نسل ها و گروههای اجتماعی و غیره؛

(ii) آموزش و پرورش، ارزشهای مذهبی، اخلاقی و مدنی، فرهنگ و غیره؛

(iii) اشتغال، آموزش، تدابیر مبارزه با بیکاری و فقر؛

(iv) مسکن و توسعه شهری

(v) بهداشت، سوء مصرف مواد مخدر و الکل

(vi) دولت و امدادگری اجتماعی برای اعضای کم بضاعت جامعه

(vii) مبارزه با فرهنگ خشونت و ناسازگاری

(د) زمینه اقدام در سطوح مختلف را در نظر می گیرد:

(i) پیشگیری اولیه از طریق:

الف. ارتقاء روش های پیشگیری از موقعیت های جرم خیز مانند سخت نمودن هدفمند و

کاهش موقعیت ها؛

- ب. ارتقاء رفاه و توسعه بهداشتی و پیشرفت و مبارزه با کلیه اشکال محرومیت اجتماعی،
- ج. ارتقاء ارزشهای اجتماعی و رعایت حقوق بنیادی بشر؛
- د. ارتقاء مسئولیت مدنی و روشهای میانجیگری اجتماعی؛
- ه. تسهیل تطابق روشهای کاری پلیس و دادگاهها
- (ii) پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم از طریق:
- الف. تسهیل تطبیق روشهای مداخله پلیس، وکنش سریع، مداخله در اجتماع محلی و غیره؛
- ب. تسهیل تطبیق روشهای مداخله قضائی و اجرای راه حل های جایگزین:
- ا. تنوع بخشیدن به روشهای درمان و تدابیر اتخاذ شده مطابق با ماهیت و جدی بودن موارد (طرح های انحرافی، میانجیگری، سیستم ویژه اطفال و غیره؛
- ii. تحقیق سیستماتیک در خصوص بازپروری مجرمان دخیل در جرائم شهری از طریق اجرای تدابیر غیر حبس؛
- iii. حمایت اجتماعی-تربیتی در چارچوب مجازات، در زندان و به عنوان آمادگی برای آزادی از زندان؛
- ج. دادن یک نقش فعال به جامعه در بازپروری مجرمان؛
- (iii) پس از آنکه حکم ابلاغ گردید: کمک و حمایت اجتماعی-تربیتی، حمایت خانواده و غیره؛
- (iv) حمایت از قربانیان با ارتقاء عملی درمان با استفاده از روشهای زیر:
- الف. ارتقاء آگاهی افراد در خصوص حقوق و چگونگی استفاده موثر از این حقوق
- ب. تقویت حقوق (به ویژه حق جبران خسارت)
- ج. مطرح کردن سیستم های کمک به قربانی.

ب. اجرای طرح عمل

۱. مراجع مرکزی

۴. مراجع مرکزی، با توجه به صلاحیت آنها، باید:

(الف) به ارائه حمایت فعال، کمک و تقویت عوامل محلی پردازند؛

(ب) خط مشی و استراتژیهای ملی را با استراتژیهای محلی و نیازها هماهنگ نمایند؛

(ج) مکانیسم های مشاوره و همکاری بین ادارات مختلف مربوط به سطح مرکزی را سازماندهی کنند.

۲. مسوولان در کلیه سطوح

۵. مراجع ذیصلاح در کلیه سطوح باید:

(الف) دائماً احترام به اصول بنیادین حقوق بشر در ارتقاء این فعالیتها را مد نظر داشته باشند؛

(ب) آموزش مقتضی و اطلاعات برای حمایت از کلیه افراد حرفه ای دخیل در پیشگیری از جرم را تقویت و ارتقاء بخشند؛

(ج) تجارب را با یکدیگر مقایسه کنند و به تبادل دانش و آگاهی ها بپردازند؛

(د) روشی برای ارزیابی مستمر میزان کارائی استراتژی اجرائی ارائه کنند و زمینه بازنگری احتمالی آنرا فراهم نمایند.

۳۸. اعلامیه سازمان ملل در خصوص جرم و امنیت عمومی

مجمع عمومی،

با یادآوری اعلامیه فرارسیدن پنجاهمین سالگرد سازمان ملل، اعلامیه تدابیر مربوط به تروریسم بین المللی، اعلامیه سیاسی ناپل و طرح عمل جهانی علیه جرائم فراملی سازمان یافته، مجموعه استانداردها و ضوابط سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و عدالت کیفری،

رسماً اعلامیه زیر مربوط به سازمان ملل در خصوص جرم و امنیت عمومی را اعلام می نماید:

ماده ۱

کشورهای عضو باید تلاش کنند با اتخاذ تدابیر موثر به منظور مقابله با جرائم بین المللی جدی از جمله جرائم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر و اسلحه و همچنین قاچاق کالاهای غیر قانونی، قاچاق سازمان یافته انسان، جرائم تروریستی و تطهیر عواید حاصل از جرائم جدی

از امنیت و رفاه شهروندان خود و کلیه اشخاص مقیم در حوزه خود حراست نمایند و تعهد کنند در این تلاشها به همکاری بپردازند.

ماده ۲

کشورهای عضو باید همکاری و همیاری در زمینه اجرای قانون در سطوح دوجانبه، منطقه ای، چند جانبه و جهانی و، از جمله در صورت اقتضاء، توافقات معاضدت قضائی چند جانبه به منظور تسهیل شناسائی، بازداشت و تعقیب قانونی کسانیکه دست به ارتکاب جرم می زنند و یا به گونه ای مسوول جرائم جدی بین المللی هستند و همچنین به منظور تضمین همکاری موثر مقامات انتظامی و ذیصلاح در سطح بین المللی را ارتقاء بخشند.

ماده ۳

کشورهای عضو باید تدابیری برای جلوگیری از حمایت از سازمانهای جنائی و عملیات آنها در سرزمین خود اتخاذ نمایند. کشورهای عضو باید، تا بیشترین حد ممکن، زمینه استرداد یا تعقیب قانونی کسانیکه به جرائم جدی بین المللی مبادرت میکنند را فراهم نمایند تا این افراد هیچ پناهگاه امنی نداشته باشند.

ماده ۴

همکاری و کمک دوجانبه در موضوعات مربوط به جرائم جدی بین المللی همچنین، در صورت اقتضاء، باید شامل تقویت سازو کارهائی برای تبادل اطلاعات میان کشورهای عضو و ارائه کمک فنی دوجانبه و چند جانبه به کشورهای عضو از طریق استفاده از برنامههای آموزشی و تبادل و آموزشگاههای انتظامی و موسسات عدالت کیفری در سطح بین المللی باشد.

ماده ۵

از کشورهای عضو که تا کنون اقدام ننموده اند درخواست می شود به عضویت معاهدات بین المللی موجود اصلی مربوط به جنبه های مختلف معضل تروریسم بین المللی در آیند.

کشورهای عضو باید به طور موثر مفاد آنها را با هدف مبارزه با جرائم تروریستی اجرا نمایند. کشورهای عضو باید تدابیری به منظور اجرای قطعنامه ۶۰/۴۹ مجمع عمومی مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۴ در رابطه با راهکارهای ریشه کنی تروریسم بین المللی و اعلامیه مربوط به اقدامات حذف تروریسم بین المللی مندرج در بخش ضمیمه قطعنامه مورد اشاره اتخاذ نمایند.

ماده ۶

کشورهای عضو که تا کنون اقدام ننموده اند از آنها در خواست می شود هر چه زودتر به عضویت کنوانسیونهای بین المللی کنترل مواد مخدر در آیند. کشورهای عضو باید به طرز موثر مفاد کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱ با اصلاحیه پروتکل ۱۹۷۲، کنوانسیون مواد روانگردان ۱۹۷۱، و کنوانسیون سازمان ملل علیه قاچاق مواد مخدر و مواد روانگردان ۱۹۸۸ اجرا کنند. کشورهای عضو به ویژه تأیید می نمایند که حسب مسوولیت مشترک، آنها کلیه تدابیر لازم پیشگیرانه و اجرائی را به منظور ریشه کنی تولید، قاچاق و توزیع و مصرف مواد مخدر و مواد روانگردان، از جمله تدابیری به منظور تسهیل مبارزه با تبهکارانی که در این نوع جرائم بین المللی سازمان یافته شرکت می نمایند اتخاذ کنند.

ماده ۷

کشورهای عضو باید تدابیری در حوزه ملی خود به منظور افزایش توانائی خود برای شناسائی و ممانعت از تردد و جابجائی افرادی که به جرائم بین المللی جدی می پردازند و همچنین ابزار ارتکاب این جرائم را اتخاذ نمایند و اقدامات موثر ویژه ای برای حفاظت از حدود و ثغور مرزهای ملی بیندیشند، از جمله:

(الف) تصویب کنترل های موثر در خصوص مواد منفجره و علیه قاچاق غیر قانونی برخی مواد و عناصر آنها که مشخصاً برای استفاده در تولید سلاح های اتمی، بیولوژیکی یا شیمیائی طراحی شده اند توسط جنایتکاران و، به منظور کاهش خطرات ناشی از این قاچاق و با عضویت و اجرای کلیه معاهدات بین المللی مربوط به سلاحهای کشتار جمعی؛
(ب) تقویت نظارت بر صدور گذرنامه و افزایش مراقبت در مقابل تغییر و جعل؛

(ج) تقویت توان قوانین مربوط به قاچاق فراملی اسلحه، با هدف جلوگیری از استفاده از اسلحه در فعالیتهای مجرمانه و کاهش احتمال درگیریهای مرگبار؛
(د) ایجاد هماهنگی در اقدامات و تبادل اطلاعات در خصوص مقابله با قاچاق مجرمانه سازمان یافته افراد به خارج.

ماده ۸

برای مبارزه با جریان فراملی عواید حاصل از جرم، کشورهای عضو توافق می نمایند که، در صورت لزوم، تدابیری برای مبارزه با کتمان یا تغییرظاهر منشاء واقعی عواید حاصل از جدی فراملی و تبدیل عمدی یا انتقال این گونه عواید برای آن هدف اتخاذ نمایند. کشورهای عضو توافق می نمایند که شرکتهای مالی و شرکت های وابسته سوابق فعالیتهای خود را با دقت ثبت و نگهداری نمایند و در صورت لزوم معاملات مشکوک را گزارش کنند و قوانین و روشهای موثری را بکار گیرند که توقیف و ضبط عواید جرائم جدی فراملی را ممکن سازد. کشورهای عضو لزوم محدود کردن اجرای قوانین رازداری بانکی در صورت کشف عملیات مجرمانه و جلب همکاری موسسات مالی در شناسائی این عملیات ها و هر گونه عملیات دیگری که ممکن است برای تطهیر پول مورد استفاده قرار گیرد، را تأیید می نمایند.

ماده ۹

کشورهای عضو توافق می نمایند که اقداماتی به منظور تقویت حرفه ای عمل نمودن دستگاه عدالت کیفری خود، اجرای قانون و کمک به قربانی و مراجع قانونی ذیربط از طریق تدابیری برای آموزش، جمع آوری منابع و توافقات مربوط به معاضدت قضائی با سایر کشورها و به منظور ارتقاء مشارکت کلیه عناصر جامع در مقابله و پیشگیری از جرائم جدی فراملی انجام دهند.

ماده ۱۰

کشورهای عضو توافق مینمایند با فساد و رشوه خواری مبارزه و آنرا از طریق اجرای قوانین داخلی علیه این قبیل اقدامات ممنوع نمایند چرا که آنها مبانی قانونی یک جامعه مدنی

را تضعیف می کنند. بدین منظور کشورهای عضو همچنین توافق می نمایند توسعه تدابیری منسجم برای همکاری بین المللی را با هدف سرکوب روشهای فاسد و همچنین توسعه دانش فنی برای ممانعت و کنترل فساد را لحاظ نمایند.

ماده ۱۱

اقدامات اتخاذ شده در راستای تقویت اعلامیه حاضر باید کاملاً حاکمیت ملی و صلاحیت ارضی کشورهای عضو و حقوق و تعهدات کشورهای عضو در چارچوب معاهدات حاضر و حقوق بین الملل را رعایت کنند و با حقوق بشر و آزادیهای بنیادین طبق آنچه سازمان ملل اعلام نموده است مطابقت داشته باشند.

شورای اقتصادی و اجتماعی،

با یادآوری قطعنامه شماره ۹ مورخ ۷ مه ۱۹۹۵ مصوب نهمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان که در ۲۹ آوریل تا ۸ مه ۱۹۹۵ در قاهره برگزار گردید،

همچنین با یادآوری بخش IV.A قطعنامه شماره ۱۹۹۵/۲۷ مورخ ۲۴ جولای ۱۹۹۵ و قطعنامه ۱۹۹۶/۲۸ مورخ ۲۴ جولای ۱۹۹۶،

با در نظر داشتن نیاز به اجرای موثر این قطعنامه ها،

با توجه به نیاز به گزارش دبیر کل در خصوص اقدامات راجع به قانونمند کردن اسلحه، با توجه به یافته های مندرج در پیش نویس "تحقیق بین المللی مربوط به مقررات اسلحه سازمان ملل متحد"، تهیه شده توسط بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری دبیرخانه، با توجه به کار کمیسیون کنترل سوء مصرف مواد مخدر بین آمریکائی سازمان کشورهای آمریکائی در خصوص مساله کنترل نقل و انتقال بین المللی اسلحه و مهمات، از جمله پیشنهاد مربوط به قوانین نمونه برای کنترل نقل و انتقال بین المللی اسلحه،

۱. از کشورهای عضوی که تا کنون به پرسشنامه مربوط به "تحقیق بین المللی مربوط

به مقررات اسلحه سازمان ملل متحد" پاسخ نداده اند تقاضا می نماید تا ۳۰ اکتبر

۱۹۹۷ به آن پاسخ دهند؛

۲. از دبیر کل درخواست می‌کند گردآوری اطلاعات و نشر اطلاعات راجع به مقررات اسلحه، از جمله فرمت ارزیابی اصلاح شده مورد اشاره در گزارش نشست گروه کارشناسی راجع به جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل مقررات اسلحه که از ۱۰ تا ۱۴ فوریه ۱۹۹۷ تشکیل گردید و پشتیبانی مدام و منظم فهرست اشخاص و سازمانهای رابط در هر یک از کشورهای عضو با مسوولیت تهیه اطلاعات و ارتقاء پایگاه اطلاعاتی موجود در مورد قوانین اسلحه، را تداوم بخشد؛

۳. ضمن قدردانی، پیشنهاد دبیر کل راجع به تشکیل یک جلسه ویژه مرکب از نمایندگان سازمانهای بین‌المللی ذیربط با هدف هماهنگی بهتر برای گردآوری اطلاعات لازم برای درک کاملتری از مسائل مربوط به مقررات اسلحه را ملحوظ نظر قرار می‌دهد؛

۴. از دبیر کل درخواست می‌نماید در چارچوب منابع موجود پروژه‌های همکاری فنی را که اهمیت مقررات اسلحه در برخورد با خشونت علیه زنان، ارتقاء عدالت برای قربانیان جرم و برخورد با معضل کودکان و جوانان به عنوان قربانیان و مرتکبین جرم، و برقراری مجدد و تقویت حاکمیت قانون در پروژه‌های حفظ صلح پس از نزاع، را ارتقاء بخشد؛

۵. کشورهای عضو را تشویق می‌کند در صورتیکه تا کنون اقدامی ننموده‌اند رویکردهای قانونمند در خصوص استفاده غیر نظامی از اسلحه‌ای که دارای عناصر مشترک زیر است را مد نظر قرار دهند:

(الف) مقررات مربوط به ایمنی و نگهداری اسلحه؛

(ب) مجازاتهای مقتضی و تحریم‌های اداری برای جرائم مربوط به سوء استفاده یا نگهداری غیر قانونی اسلحه؛

(ج) کاهش یا معافیت از مسوولیت کیفری، بخشش یا برنامه‌های مشابه حسب صلاحدید هر یک از کشورهای عضو، برای تشویق شهروندان به تحویل اسلحه غیر قانونی، فاقد ایمنی یا ناخواسته؛

(د) یک سیستم صدور مجوز از جمله صدور مجوز برای تجارت اسلحه برای تضمین اینکه اسلحه به دست افراد محکوم به جرائم جدی یا سایر اشخاصی که به موجب قوانین کشورهای عضو مربوطه از تملک و نگهداری اسلحه منع شده اند نیفتد؛

(ه) یک سیستم نگهداری سوابق برای اسلحه، از جمله سیستم توزیع تجاری اسلحه و نیاز به بازاریابی مناسب برای اسلحه در سطوح تولید و واردات برای کمک به تحقیقات کیفری، کم کردن انگیزه سرقت و تضمین اینکه اسلحه فقط بین افرادی توزیع گردد که با رعایت قوانین کشورهای عضو در ارتباط با اسلحه نسبت به تملک و نگهداری آن مبادرت نمایند؛

۶. از دبیر کل تقاضا می نماید در دستور کار موقت چهار کارگاه منطقه ای پیرامون مقررات اسلحه که قرار است در سال ۱۹۹۷ برگزار شوند مطابق با طرح کاری تصویب شده توسط شورای در قطعنامه آن ۲۸/۱۹۹۶ در چارچوب منابع موجود یا منوط به قابلیت دستیابی به منابع مالی خارج از بودجه، توسعه احتمالی اعلامیه اصول سازمان ملل بر اساس رویکردهای قانونی فوق، جمع آوری اطلاعات قابل تطبیق پیرامون مقررات اسلحه، ارائه کمک فنی، آموزش و تبادل اطلاعات و نیاز به اجرای توافقنامه های دوجانبه، چندجانبه یا توافقنامه های مربوط به مبارزه با قاچاق اسلحه به منظور تضمین توان کلیه کشورهای عضو در خصوص مقررات اسلحه، را لحاظ نمایند و درخواست می نماید که سازمانهای غیردولتی علاقمند باید هر یک اجازه داشته باشند که در کارگاههای راجع به موضوعات مندرج در دستور کار آنها دیدگاههای خود را بیان کنند ولی نباید اجازه داشته باشند که در نشست هائی شرکت کنند که در آنها مسائل حساس اجرای قانون مورد بحث و بررسی قرار می گیرد؛

۷. همچنین از دبیر کل درخواست می کند نظرات کشورهای عضو، موسسات تشکیل دهنده شبکه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، واحدهای مرتبط سازمان ملل و سازمانهای غیر دولتی و غیردولتی در خصوص توسعه اعلامیه اصول، بر اساس رویکردهای قانونمند فوق، و تحویل گزارشی حاوی نظرات دریافتی به کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در هفتمین نشست آن، اخذ نماید؛

۸. همچنین از دبیر کل درخواست می نماید راهها و روشهای توسعه یک برنامه برای تداوم تعلیم و تعلم برای مدیران بخش عدالت کیفری و آموزش عمومی و ارتقاء

- آگاهی در رابطه با ارتباطات بین اسلحه در استفاده غیر نظامی و سطوح غیر قابل قبول خشونت در شهرها، اجتماعات و خانواده ها و نشر اطلاعات به منظور تشویق کشورهای عضو برای انجام برنامه های مشترک را شناسائی نماید؛
۹. کشورهای عضو را تشویق می کند که ردیابی اسلحه غیر قانونی و پاسخ های درست و سریع به درخواست های کشورهای عضو برای ردیابی اسلحه را مد نظر قرار دهند؛
۱۰. سازمان پلیس جنائی بین المللی را دعوت می نماید که قابلیت های ردیابی اسلحه و سلاح های بالستیک کشورهای عضو را به منظور دادن مشورت به کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری پیرامون صحت این قابلیت ها بررسی نماید، و واژگان و ویژگیهای مشترک اسلحه را تصریح و تالیف نماید که بهتر است این کار به صورت یک الحاقیه با هدف ارتقاء نشر اطلاعات تحقیقی راجع به اسلحه غیر قانونی بین کشورهای عضو انجام گیرد؛
۱۱. از گروه کارشناسان دولتی سازمان ملل برای سلاحهای کوچک که پیرو قطعنامه 50/70B مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ تشکیل گردید، و سایر سازمانهای بین دولتی تخصصی ذیربط دعوت می کند اطلاعات موجود در باره نتایج کارشان در رابطه با تکثیر سلاحهای کوچک نظامی غیر قانونی در کشورهای عضو را به کمیسیون اعلام نمایند؛
۱۲. از شورای همکاری گمرکات، که همچنین سازمان گمرکات جهانی خوانده می شود، دعوت می کند رویه های گمرکی بین المللی مربوط به نقل و انتقال اسلحه برای مقاصد غیر نظامی و گرایش های جهانی در زمینه قاچاق اسلحه، از جمله موضوعاتی مانند مجوز صادرات و واردات، نظارت، پروتکل های استاندارد، گواهی واردات و صادرات مشترک و سیستم گزارش دهی پیشرفته با هدف دادن مشورت به کمیسیون در خصوص کارائی کنترل های مربوط به نقل و انتقال بین المللی اسلحه، را مورد بازنگری قرار دهد؛
۱۳. از سایر سازمانهای بین دولتی ذیربط دعوت می کند اطلاعات خود راجع به مسائل مرتبط با اسلحه، در حیطه مطالعات بین المللی سازمان ملل پیرامون مقررات

- اسلحه، به منظور مطلع ساختن کمیسیون، از طریق دبیر کل، راجع به گامهای ممکن به سوی ارتقاء گردآوری و تحلیل آمار بین شاخه ای مرتبط مطلع سازند؛
۱۴. درخواست خود از دبیر کل مبنی بر چاپ "تحقیق بین المللی سازمان ملل راجع به مقررات اسلحه" که در طرح کاری تصویب شده در قطعنامه 1996/28 شورا آمده است و همچنین انتشار این تحقیق حتی الامکان در سطح گسترده تر، را یاد آوری می کند؛
۱۵. کشورهای عضو را تشویق می کند گزارش دبیر کل راجع به اقدامات ویژه قانونمند کردن اسلحه و تحقیق بین المللی سازمان ملل" در سرزمین خود منتشر سازند و مفید بودن گزارش و تحقیق در زمینه لزوم ابتکارات جدید در زمینه قانونمند کردن اسلحه را لحاظ نمایند؛
۱۶. از دبیر کل درخواست می نماید گزارشی در خصوص اجرای قطعنامه حاضر و تسلیم آن به کمیسیون در هفتمین نشست آن تهیه کند؛
۱۷. تصمیم می گیرد که کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری باید موضوع موسوم به "تدابیری برای قانونمند کردن اسلحه" را در هفتمین نشست آن در نظر گیرد و به گزارش دبیر کل که در بند ۱۶ فوق به آن اشاره گردید پردازد.

۴۰. راهکارهایی برای پیشگیری از جرم

۱. مقدمه

۱. شواهد روشنی وجود دارد که استراتژیهای پیشگیری از جرم برنامه ریزی شده نه تنها از جرم و قربانی شدن افراد جلوگیری می کند بلکه موجب ارتقاء ایمنی اجتماعی می شود و به توسعه پایدار کشورها کمک می کند. پیشگیری موثر و مسئولانه از جرم کیفیت زندگی همه شهروندان را افزایش می دهد. آن منافع بلند مدتی به لحاظ کاهش هزینه های مرتبط با سیستم عدالت کیفری رسمی و سایر هزینه های اجتماعی ناشی از جرم دارد. پیشگیری از جرم همچنین فرصتهایی را برای یک رویکرد انسانی و مقرون به صرفه در پرداختن به معضلات جرم ارائه می کند. راهکارهای حاضر عناصر لازم برای پیشگیری موثر از وقوع جرم را ترسیم می کند.

II. چارچوب ذهنی ارجاع

۲. این مسئولیت کلیه سطوح دولت است که چارچوبی را ایجاد، پشتیبانی و ارتقاء بخشد که موسسات دولتی ذیربط و همه بخش های جامعه مدنی، از جمله بخش شرکتهای، بتواند بهتر نقش خود را در پیشگیری از وقوع جرم ایفاء کند.
۳. در رابطه با راهکارهای حاضر، "پیشگیری از جرم" شامل استراتژیها و تدابیری است که درصدد است خطر جرائم، و اثرات بالقوه زیانبار آنها بر افراد و جامعه، از جمله ترس از جرم، با مداخله به منظور اثر گذاشتن بر علل متعدد آن را کاهش دهد. اجرای قوانین، احکام و موارد اصلاح و تربیت که در عین حال دارای اثرات پیشگیرانه است با توجه به پوشش جامع موضوع در سایر اسناد سازمان ملل خارج از حیطه راهکارها قرار می گیرد.
۴. راهکارهای حاضر به جرم و اثرات آن بر قربانیان و جامعه می پردازد و جنبه بین المللی شدن فعالیتهای مجرمانه به طور روزافزون را مد نظر قرار می دهد.
۵. مشارکت اجتماع و همکاری/ مشارکت شرکاء نمایانگر عناصر مهم مفهوم پیشگیری از جرم تعریف شده در این مبحث است. در حالیکه واژه "اجتماع" می تواند به اشکال دیگری نیز تعریف شود، اساس آن در این چارچوب مشارکت جامعه مدنی در سطح محلی است.
۶. پیشگیری از جرم در بر گیرنده طیف گسترده ای از راهکارها از جمله راهکارهای زیر است که:
 - (الف) رفاه افراد را بالا می برد و رفتار اجتماعی را از طریق تدابیر اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و تربیتی با تاکید خاص بر کودکان و جوانان ارتقاء می بخشد و بر خطرات و عوامل حمایتگر مرتبط با جرم و بزه دیدگی (پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی یا پیشگیری از جرم در جامعه) تاکید می نماید؛
 - (ب) شرایط را در محلاتی که اوضاع بد، جرائم و ناامنی ناشی از جرم در آن حکمفرما است از طریق ابتکارت، مهارت و تعهد آحاد جامعه (پیشگیری از جرم در سطح محلی)، دگرگون می سازد؛

(ج) از وقوع جرم با کاهش موقعیتهای جرم خیز، افزایش خطر بازداشت و کاهش سود، از جمله از طریق طرح های زیست محیطی و ارائه کمک و اطلاعات به قربانیان بالقوه و فعلی (پیشگیری از جرم حسب موقعیت) جلوگیری می کند؛

(د) از تکرار جرم با کمک در بازگرداندن مجرمان به اجتماع و سایر مکانیسم های پیشگیرانه (برنامه های بازتوانی) جلوگیری بعمل می آورد.

III. اصول پایه

رهبری دولت

۷. کلیه سطوح دولت باید نقش رهبری در تهیه استراتژیهای پیشگیری از جرم موثر و انسانی و در ایجاد و پشتیبانی چارچوبهای سازمانی برای اجرا و بازنگری آنها ایفاء نمایند.

توسعه اجتماعی - اقتصادی و گنجایش

۸. ملاحظات پیشگیری از جرم باید در کلیه سیاستها و برنامه های اقتصادی و اجتماعی مرتبط از جمله برنامه های مربوط به اشتغال، آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن و برنامه ریزی شهری، فقر، حاشیه روی و طرد اجتماعی گنجانده شوند. تاکید خاصی باید روی اجتماعات، خانواده ها، کودکان و نوجوانان در معرض خطر انجام گیرد.

همکاری/ مشارکت ها

۹. همکاری/ مشارکت ها باید، با توجه به ماهیت گسترده علل جرم و مهارتها و مسئولیت های لازم برای پرداختن به آنها، بخش لاینفک پیشگیری موثر از جرم باشد. این شامل مشارکت های موثر در وزارتخانه و بین مقامات، سازمانهای اجتماعی، سازمانهای غیر دولتی، بخش تجاری و شهروندان خصوصی است.

پایداری/ مسئولیت پذیری

۱۰. پیشگیری از جرم برای آنکه مستمر و پایا باشد نیازمند منابع مقتضی، از جمله تامین مالی برای ساختارها و فعاليتها است. باید مسئولیت روشنی برای تامین مالی، اجرا و ارزیابی و کسب نتایج مورد نظر باشد.

پایه آگاهی

۱۱. استراتژیها، خط مشی ها، برنامه ها و اقدامات مربوط به پیشگیری از جرم باید مبتنی بر طیف گسترده و چند بعدی از دانش و آگاهی پیرامون معضلات ناشی از جرم، علل گوناگون و رویه های اثبات شده و نوید بخش باشد.

حقوق بشر/ حاکمیت قانون/ فرهنگ پایبندی به قانون

۱۲. حاکمیت قانون و حقوق بشری که در اسناد بین المللی شناسائی شده که کشورهای عضو به آن ملحق شده اند باید در کلیه ابعاد پیشگیری از جرم رعایت شوند. فرهنگ پایبندی به قانون باید در پیشگیری از جرم به نحو شایسته ارتقاء یابد.

وابستگی متقابل

۱۳. نشانه ها و استراتژیهای ملی پیشگیری از جرم باید، در صورت لزوم، روابط بین معضلات مربوط به جرم محلی و جرائم بین المللی سازمان یافته را در نظر بگیرد.

وجه تمایز

۱۴. استراتژیهای پیشگیری از جرم باید، در صورت لزوم، به نیازهای متفاوت مردان و زنان توجه داشته باشد و نیازهای خاص اعضای آسیب پذیر جامعه را مد نظر داشته باشد.

IV. سازمانها، روشها و رویکردها

۱۵. با اذعان به اینکه همه کشورها دارای ساختارهای دولتی واحدی هستند، این بخش ابزار و روشهایی را که دولتها و کلیه بخشهای جامعه مدنی باید در تدوین استراتژیها برای پیشگیری از جرم و کاهش شمار قربانیان جرائم در نظر بگیرند، را ارائه می کند. آن به رویه خوب بین المللی مربوط می شود.

مشارکت اجتماعی

۱۶. در برخی زمینه های فهرست شده در زیر، دولتها مسئولیت اولیه را دارند. با وجود این، مشارکت فعال اجتماعات و سایر بخش های جامعه مدنی بخش اساسی پیشگیری موثر از جرم است. اجتماعات، به ویژه، باید نقش مهمی در شناسایی اولویتهای پیشگیری از جرم، در اجراء و ارزیابی و در کمک به شناسایی یک منبع پایدار داشته باشند.

الف. سازمان

ساختار دولت

۱۷. دولتها باید پیشگیری را به عنوان بخش دائمی ساختارها و برنامه های خود برای کنترل جرم در نظر بگیرند و تضمین کنند که مسئولیتها و اهداف روشنی در داخل دولت برای سازماندهی امر پیشگیری از جرم از جمله از طرق زیر وجود دارد:

(الف) ایجاد مراکز یا ستادهایی با مهارت و منابع لازم؛

(ب) تهیه یک طرح پیشگیری از جرم با اولویتهای و اهداف مشخص؛

(ج) ایجاد ارتباط و هماهنگی بین ادارات و موسسات دولتی ذیربط؛

(د) ایجاد مشارکت هایی با سازمانهای غیر دولتی، مراکز تجاری، بخش خصوصی و حرفه ای و اجتماع؛

(ز) جستجوی مشارکت فعال مردم در پیشگیری از جرم با مطلع کردن آن در خصوص نیاز به اقدام و ابزار اقدام و نقش آن.

آموزش و ایجاد توانائی ها

۱۸. دولتها باید از توسعه مهارت‌های پیشگیری از جرم از طرق زیر حمایت کنند:
- (الف) ارائه توسعه حرفه ای برای مسوولان ارشد در موسسات مربوطه؛
 - (ب) تشویق دانشگاهها، دانشکده ها و سایر موسسات آموزشی ذیربط به برگزاری دوره های پایه و پیشرفته از جمله در زمینه همکاری با دست اندرکاران؛
 - (ج) کار با بخش های تربیتی و حرفه ای به منظور توسعه ویژگیهای تأیید و حرفه ای؛
 - (د) ارتقاء قابلیت جوامع برای توسعه و پاسخگویی به نیازهای آنها

حمایت از مشارکت ها

۱۹. دولتها و کلیه بخش های جامعه مدنی باید از اصل مشارکت ، و در صورت لزوم، از طرق زیر حمایت کنند:
- (الف) ارتقاء آگاهی در خصوص اهمیت این اصل و عناصر مشارکت های موفق، از جمله نیاز به کلیه شرکاء برای ایفای نقش های روشن و شفاف؛
 - (ب) حمایت از شکل گیری مشارکتها در سطوح مختلف و بخش های مختلف؛
 - (ج) تسهیل فعالیت موثر شرکاء.

پایداری

۲۰. دولتها و سایر واحدهای مالی باید تلاش کنند پایداری و پایداری ابتکارات و برنامه های پیشگیری از وقوع جرم را از جمله از طرق زیر تضمین کنند:
- (الف) بازنگری در گردآوری منابع برای تاسیس و ایجاد یک توازن مناسب بین پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و سایر سیستم های برای دستیابی به بیشترین بازده در زمینه پیشگیری از جرم و کاهش شمار قربانیان؛
 - (ب) ایجاد مسوولیت مشخص برای تامین مالی، برنامه ریزی و هماهنگی ابتکاران پیشگیری از جرم؛
 - (ج) تشویق مشارکت اجتماعی در پایداری و پایداری.

ب. روشها

مبنای دانش و آگاهی

۲۱. به طور مقتضی، دولت‌ها و / یا جامعه مدنی باید پیشگیری از جرم مبتی بر

علم و آگاهی را از جمله از طرق زیر تسهیل نمایند:

(الف) تهیه اطلاعات لازم برای جوامع برای پرداختن به معضلات ناشی از جرم؛

(ب) حمایت از طیف آگاهیهای مفید و قابل اعمال که به لحاظ علمی نیز معتبر و موثق هستند؛

(ج) حمایت از سازماندهی و تجزیه و تحلیل آگاهی‌ها و شناسائی و رفع خلاء‌ها در مبنای علم و آگاهی؛

(د) تبادل اطلاعات، در صورت لزوم، بین محققان، سیاست‌گذاران، مرییان، کارپردازان در بخشهای مختلف ذیربط و جامعه گسترده‌تر؛

(ه) به کار بستن این آگاهی‌ها در تکرار مداخله‌های موفق، توسعه ابتکارات جدید و پیش‌بینی معضلات جدید مربوط به جرم و فرصت‌های پیشگیری؛

(و) ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی برای کمک در امر مدیریت مقرون به صرفه پیشگیری از جرم، از جمله با انجام تحقیقات مستمر در باره مجرمیت و جرائم؛

(ز) ارتقاء اجرای این اطلاعات برای کاهش تکرار جرائم، مجرمیت و زمینه‌های با سطح بالای جرم.

مداخله‌ها در زمینه برنامه ریزی

۲۲. مداخله‌های برنامه ریزی باید فرایندی را ارتقاء بخشد که شامل عناصر زیر

باشد:

(الف) یک تجزیه و تحلیل سیستماتیک از معضلات مربوط به جرم، علل آن، عوامل و تبعات ریسک، به ویژه در سطح محلی؛

(ب) طرحی که حاوی مناسب‌ترین راهکار باشد و مداخله‌ها را با چارچوب و معضل محلی خاص وفق دهد؛

(ج) طرح اجراء برای انجام مداخله‌های مقتضی که موثر، موفق و پایا باشد؛

(د) بسیج واحدهائی که قادر هستند به علل بپردازند؛

(ه) نظارت و ارزیابی.

حمایت از ارزیابی

۲۳. دولتها و سایر ارگانهای مالی و نهادهائی که در تدوین برنامه ها و اجرای

آنها نقش دارند باید:

(الف) به ارزیابی کوتاه/ بلند مدت به منظور سنجش اینکه چه عاملی موثر است، کجا و چگونه، مبادرت نمایند؛

(ب) به تجزیه و تحلیل های مقرون به صرفه دست بزنند؛

(ج) دستیابی به نتایج مطلوب در کاهش سطوح جرم و شمار قربانیان، کاهش شدت جرم و بیم از جرم را ارزیابی نمایند؛

(د) به طور سیستماتیک به ارزیابی برون دادها و تبعات ناخواسته، اعم از مثبت و منفی، اقدام کنند مانند کاهش نرخ جرم یا برجسته شدن افراد و/ یا اجتماعات.

ج. رویکردها

۲۴. این بخش به رویکردهای پیشگیری از جرم حسب موقعیت و توسعه اجتماعی

تعمیم می یابد. آن همچنین رویکردهائی را مشخص می سازد که دولتها و جامعه مدنی باید تلاش کنند برای پیشگیری موثر از جرم پیگیری کنند.

توسعه اجتماعی

۲۵. دولتها باید با اقدامات زیر به عوامل ریسک جرم و قربانی شدن بپردازند:

(الف) ارتقاء عوامل حمایتی از طریق برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی جامع که موجب تابو شدن افراد و گروهها نشود مانند: بهداشت، آموزش و پرورش، مسکن و اشتغال؛

(ب) ارتقاء فعالیتهائی که به طرد یا به حاشیه رانده شدن افراد می پردازد؛

(ج) ارتقاء حل نزاع به گونه ای مثبت؛

(د) استفاده از استراتژیهای عمومی و تربیتی برای تقویت فرهنگ پایبندی به قانون و بردباری ضمن احترام به هویت های فرهنگی.

حسب موقعیت

۲۶. دولتها و جامعه مدنی از جمله، در صورت صلاحدید، شرکتها باید از توسعه

برنامه های پیشگیری از جرم حسب موقعیت، از جمله به طرق زیر، حمایت نمایند:

(الف) طرح زیست محیطی بهتر؛

(ب) روشهای مقتضی نظارتی که در قبال حریم شخصی حساس هستند؛

(ج) بهبود طرح کالاهای مصرفی برای مقاوم کردن آنها در مقابل جرم؛

(د) "سخت کردن" هدف بدون خدشه وارد کردن به کیفیت محیط یا محدود کردن دسترسی آزاد به اماکن عمومی؛

(ه) اجرای استراتژیهای به منظور پیشگیری از تکرار جرم.

پیشگیری از جرائم سازمان یافته

۲۷. دولتها و جامعه مدنی باید تلاش کنند ارتباطات بین جرائم سازمان یافته بین

المللی و معضلات مربوط به جرم ملی و محلی را، از جمله، از راههای زیر مورد تحلیل قرار دهند و به آنها بپردازند:

(الف) کاهش موقعیت های موجود و آینده برای گروه های تبهکاری سازمان یافته برای شرکت در بازارهای قانونی با عواید حاصل از جرم، از طریق اقدامات مقتضی تقنینی، اداری و سایر اقدامات؛

(ب) اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از سوء استفاده از رویه های ملایم بکار گرفته شده توسط مراجع دولتی و یارانه و مجوزهای اعطا شده توسط این مراجع برای فعالیتهای تجاری توسط گروههای تبهکاری سازمان یافته؛

(ج) تدوین استراتژیهای پیشگیری از جرم، و در صورت لزوم، برای حمایت از گروههای به حاشیه رانده شده در اجتماع به خصوص زنان و کودکان که در برابر فعالیت گروههای تبهکاری سازمان یافته از جمله قاچاق اشخاص و قاچاق مهاجران آسیب پذیر هستند.

۷. همکاری بین المللی

استانداردها و ضوابط

۲۸. در ارتقاء اقدام بین المللی در زمینه پیشگیری از جرم، از کشورهای عضو دعوت می شود ابزارهای بین المللی اصلی مربوط به حقوق بشر و پیشگیری از جرم را که عضو آن هستند مانند کنوانسیون حقوق کودک (قطعنامه ۴۴/۲۵ مجمع عمومی، بخش ضمیمه)، اعلامیه حذف خشونت علیه زنان (قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی)، راهبردهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری جوانان (راهبردهای ریاض) (قطعنامه ۴۵/۱۱۲ مجمع عمومی، بخش ضمیمه)، اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت (قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی، بخش ضمیمه)، راهبردهای همکاری و کمک فنی در زمینه پیشگیری از جرائم شهری (قطعنامه ۹/۱۹۹۵) و اعلامیه وین در زمینه جرم و عدالت: رفع چالش های قرن بیستم (قطعنامه ۵۹/۵۵ مجمع عمومی، بخش ضمیمه) و کنوانسیون سازمان ملل علیه جرائم سازمان یافته فراملی و پروتکل های مربوطه (قطعنامه ۵۵/۲۵ مجمع عمومی، ضمایم III-ا، و قطعنامه ۵۵/۲۵۵، بخش ضمیمه)، را در نظر بگیرند.

کمک فنی

۲۹. کشورهای عضو و سازمانهای بین المللی ذیربط که حمایت مالی ارائه می کنند باید کمک مالی و فنی، از جمله ارتقاء توانایی و آموزش، به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذر، اجتماعات و سایر سازمانهای مربوطه برای اجرای پیشگیری موثر از جرم و استراتژیهای ایمنی اجتماعی در سطوح منطقه ای، ملی و محلی ارائه کنند. در این چارچوب، توجه خاص باید به تحقیق و اقدام در خصوص پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی مبذول گردد.

تهیه شبکه

۳۰. کشورهای عضو باید شبکه های پیشگیری از جرم ملی، منطقه ای و بین المللی را با هدف تبادل تجارب اثبات شده و نوید بخش تاسیس و تقویت کنند، و در عین حال عناصر قابلیت انتقال آن و قرار دادن این دانش و آگاهی در اختیار سایر جوامع در جهان را شناسائی نمایند.

ارتباطات بین جرائم محلی و بین المللی

۳۱. کشورهای عضو باید در تجزیه و تحلیل و پرداختن به ارتباطات بین جرائم سازمان یافته فراملی و معضلات ملی و محلی ناشی از جرائم با هم همکاری نمایند.

اولویت بخشیدن به پیشگیری از جرم

۳۲. مرکز پیشگیری از جرم بین المللی دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم دبیرخانه، شبکه موسسات برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل و سایر ارگانهای ذیربط سازمان ملل باید پیشگیری از جرم را در لیست اولویت های خود قرار می دهند، آنچنانکه در این راهبردها آمده است، و یک سازوکار هماهنگی را تاسیس کنند و فهرستی از کارشناسان را برای انجام ارزیابی از نیازمندیها را تهیه و به ارائه مشاوره فنی مبادرت نمایند.

نشر اطلاعات

۳۳. نهادهای ذیربط سازمان ملل و سایر سازمانها باید برای تولید و تهیه اطلاعات پیرامون پیشگیری از جرم به زبانهای خارجی که شایسته است حتی الامکان شمار آنها بیشتر باشد، با استفاده از رسانه های چاپی و الکترونیکی، مبادرت نمایند.

II. قربانیان

۴۱. اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت

الف. قربانیان جرم

۱. "قربانیان" یعنی اشخاصی که به طور انفرادی یا جمعی متحمل زیان، از جمله زیان مادی یا معنوی، رنج عاطفی، خسارت اقتصادی یا نقصان اساسی از حقوق بنیادی خود، از طریق فعل یا ترک فعل که مغایر قوانین کیفری رایج در کشورهای عضو هستند، از جمله قوانینی که سوء استفاده مجرمانه از قدرت را ممنوع می سازد، می گردند.

۲. یک شخص ممکن است، صرف نظر از اینکه آیا مجرم شناسائی و دستگیر شده و تحت پیگیری قرار گرفته و یا محکوم شده است، و صرف نظر از رابطه خویشاوندی بین مجرم و قربانی، به موجب اعلامیه قربانی شناخته شود. واژه "قربانی" همچنین، در صورت مقتضی، خانواده نزدیک یا بستگان قربانی و اشخاصی که متحمل خسارت در جریان مداخله برای کمک به قربانیان نیازمند یا پیشگیری از وقوع جرم شده اند را شامل می شود.

۳. مفاد قید شده در اینجا باید در خصوص همه بدون هیچ نوع تبعیض مانند نژاد، رنگ، جنسیت، سن، زبان، مذهب، ملیت، اندیشه سیاسی و غیر سیاسی، عقاید و آداب فرهنگی، اموال، تولد یا وضعیت خانوادگی، اصالت اجتماعی یا قومی و یا معلولیت، اعمال گردد.

دسترسی به عدالت و رفتار عادلانه

۴. با قربانیان باید رفتاری توأم با عطف و مهربانی و احترام به شأن و عزت آنها در پیش گرفت. آنها استحقاق آنرا دارند که به ساز و کار عدالت و برای زیانی که متحمل شده اند طبق قوانین ملی غرامت دریافت کنند.

۵. مکانیسم های قضائی و اداری باید در صورت مقتضی ایجاد و تقویت شوند که قربانیان را قادر سازند از طریق روشهای غیر رسمی که سریع، عادلانه، کم هزینه و قابل دسترسی هستند غرامت دریافت کنند. قربانیان باید از حقوق خود در زمینه درخواست غرامت از طریق چنین مکانیسم هائی آگاه شوند.

۶. پاسخگوبودن روند قضائی و اداری در برابر نیازهای قربانیان باید با اقدامات و روشهای زیر تسهیل گردد:
- (الف) مطلع کردن قربانیان از نقش آنان و حیطة، زمان و پیشرفت جریان دادرسی آنها و وضعیت پرونده آنها به ویژه وقتی موضوع جرائم جدی در میان باشد و آنها تقاضای چنین اطلاعاتی را کرده باشند؛
- (ب) اجازه دادن به طرح دیدگاهها و نگرانیهای قربانیان در مراحل مقتضی جریان دادرسی و جائیکه علایق شخصی آنها تحت تاثیر باشد، بدون ایراد خسارت به متهم و هماهنگ با سیستم عدالت کیفری ملی مربوطه؛
- (ج) ارائه کمک مقتضی به قربانیان از طریق فرایند حقوقی؛
- (د) اتخاذ تدابیری برای کاهش مشکلات و موانع برای قربانیان، حفاظت کردن از حریم شخصی آنها، در صورت نیاز، و تضمین ایمنی آنها و همچنین خانواده ها و شاهدان حمایت کننده از آنها از ارباب و انتقامجویی؛
- (ه) اجتناب از تاخیر غیر ضروری در تعیین تکلیف پرونده و اجرای احکام و آراء صادره در خصوص اعطای غرامت به قربانیان.
۷. مکانیسم های غیر رسمی برای حل و فصل دعاوی، از جمله میانجیگری، داوری و عدالت مرسوم یا روش های محلی باید در صورت لزوم برای تسهیل مصالحه و دادن غرامت به قربانیان مورد استفاده قرار گیرد.

اعاده مال به صاحب اصلی آن

۸. مجرمان یا طرفهای ثالث مسئول برای رفتار آنان باید، در صورت مقتضی، غرامت عادلانه ای به قربانیان، خانواده ها یا بستگان آنان پرداخت کنند. جبران غرامت باید شامل اعاده مال یا پرداخت خسارت یا زیان وارده، استرداد هزینه های ناشی از بزه دیدگی، ارائه خدمات و اعاده حقوق باشد.
۹. دولتها باید روشها، قوانین و مقررات خود را بازنگری کنند و جبران خسارت به قربانی را به عنوان یک گزینه محکومیت در موضوعات کیفری، علاوه بر سایر مجازاتهای کیفری لحاظ کنند.

۱۰. در موارد خسارت اصلی به محیط زیست، جبران خسارت باید در صورتیکه دستور آن صادر شده باشد حتی الامکان ترمیم محیط زیست، بازسازی زیر ساخت، جابجائی تسهیلات اجتماعی و استرداد هزینه های جابجائی، و هر جا چنین نتایج زیانباری در جابجائی چنین اجتماعی ایجاد گردد، را در بر گیرد.

۱۱. جائیکه مسئولان دولتی یاسایر عاملان فعال در یک موقعیت رسمی یا نیمه رسمی قوانین کیفی ملی را نقض کرده اند، قربانیان باید از دولتی که کارکنان یا عوامل آن مسئول خسارت وارده بوده اند، غرامت دریافت کنند. در مواردی که دولتی که فعل یا ترک فعل مجرمانه در زمان آن اتفاق افتاده است دیگر بر سر کار نیست دولت یا حکومت بعد از آن باید نسبت به جبران خسارت قربانیان اقدام نماید.

پرداخت غرامت

۱۲. وقتی غرامت از سوی مجرم یا از منابع دیگر کاملاً موجود نباشد، کشورها باشد تلاش کنند غرامت مالی به موارد زیر پرداخت کنند:

(الف) قربانیانی که در نتیجه جرم متحمل آسیب بدنی جدی یا نقص عضو یا آسیب روانی شده اند؛

(ب) خانواده، به خصوص بستگان اشخاصی که در نتیجه جرم مرده اند یا به لحاظ بدنی یا روانی دچار ناتوانی شده اند.

۱۳. تاسیس، تقویت و توسعه صندوق های ملی برای جبران خسارت قربانیان باید حمایت شود. در صورت لزوم، صندوق های دیگر برای این منظور ایجاد شود، از جمله در مواردی که دولتی که قربانی تبعه آن است در وضعیتی نیست که بتواند به قربانی غرامت پرداخت کند.

معاضدت

۱۴. قربانیان باید کمک مادی، پزشکی، روانشناختی، و اجتماعی از طریق دولت و ابزار فراهم شده به صورت داوطلبانه، اجتماع محور و بومی دریافت کنند.

۱۵. قربانیان باید از در دسترس بودن خدمات بهداشتی و اجتماعی و سایر کمک های مربوطه مطلع باشند و امکان دسترسی به این خدمات برای آنها فراهم باشد.
۱۶. بخش های پلیس، دادگستری، پزشکی و اجتماعی و سایر پرسنل مربوطه باید آموزشی دریافت کنند که آنها را با نیازمندیهای قربانیان و راهکارهای ارائه سریع و مناسب کمک به آنها حساس کند.
۱۷. در ارائه خدمات و کمک به قربانیان، باید به کسانی که به دلیل ماهیت آسیب وارد شده به آنها یا به علت عواملی مانند عوامل مندرج در بند ۳ فوق نیازهای خاص دارند، توجه کرد.

قربانیان سوء استفاده از قدرت

۱۸. "قربانیان" یعنی اشخاصی که، به طور انفرادی یا جمعی، متحمل زیان، از جمله زیان مادی یا معنوی، رنج عاطفی، خسارت اقتصادی یا نقصان اساسی در حقوق بنیادی خود، از طریق فعل یا ترک فعل که نقض قوانین کیفری ملی نیست اما در رابطه با حقوق بشر به عنوان ضوابط پذیرفته شده در سطح بین المللی شناخته شده اند، گشته باشند.
۱۹. کشورها باید وارد کردن ضوابط و معیارهایی برای منع سوء استفاده از قدرت را در نظر بگیرند و راههای جبران خسارت قربانیان این گونه سوء استفاده ها فراهم کنند. به ویژه، این جبران خسارت ها باید شامل اعاده مال یا پرداخت غرامت و ارائه کمک مادی، درمانی، روانشناختی و اجتماعی لازم باشد.
۲۰. کشورها باید مذاکره در خصوص معاهدات بین المللی مربوط به قربانیان، آنچنانکه در بند ۱۸ آمده است، لحاظ نمایند.
۲۱. کشورها باید به طور دوره ای قوانین و رویه های موجود را مورد بازنگری قرار دهند تا پاسخگو بودن آنها به شرایط متغیر را تضمین کنند، و در صورت لزوم قوانینی را وضع کنند که اعمالی را که سوء استفاده جدی از قدرت اقتصادی و سیاسی تلقی می شوند منع سازد و سیاستها و مکانیسم های پیشگیری از این قبیل

اعمال را ارتقاء بخشد، و دستیابی به حقوق مقتضی و جبران خسارت برای قربانیان را میسر سازد.

۴۲. اجرای اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت

شورای اقتصادی و اجتماعی،

با توجه به اینکه مجمع عمومی، در قطعنامه ۴۰/۳۴ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵، اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، مندرج در بخش ضمیمه قطعنامه موصوف، را تصویب کرده است که توسط هفتمین کنگره سازمان ملل راجع به پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان تأیید گردیده بود؛

با یادآوری تقاضای انجام شده از کشورهای عضو برای انجام اقدامات لازم برای اثر بخشیدن به مفاد اعلامیه به منظور احقاق حق قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت؛

با در نظر گرفتن بخش ۳ قطعنامه شماره ۱۹۸۶/۱۰ مورخ ۲۱ مه ۱۹۸۶ که در آن توصیه کرده بود که به اجرای اعلامیه در خصوص بسط همکاری بین دولتها و سازمانهای بین دولتی و غیردولتی و مردم در اجرای عدالت راجع به قربانیان و ارتقاء اقدام منسجم از طرف قربانیان در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی توجه مستمر مبذول گردد،

با توجه به اینکه گزارش نخست دبیر کل راجع به تدابیر اتخاذی برای اجرای اعلامیه برخی زمینه ها را مشخص می سازد که نیازمند توجه بیشتر است،

ضمن ابراز رضایت از تصویب کنوانسیون اروپائی در خصوص جبران زیان قربانیان جرائم خشونت آمیز توسط شورای اروپا در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ و پیشنهاد کمک به قربانیان و پیشگیری از بزه دیدگی توسط شورای اروپا در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷ و همچنین ایجاد صندوق های ملی توسط برخی کشورهای عضو برای جبران خسارت قربانیان جرائم عمدی و غیر عمدی،

با اذعان به اینکه اجرای موثر مفاد اعلامیه در مورد قربانیان سوء استفاده از قدرت گاه توسط معضلات مربوط به حوزه رسیدگی و مشکلات مربوط به شناسائی و ممانعت از این سوء استفاده ها، از جمله به دلیل ماهیت فراملی جرم، با مانع روبه رو می گردد،

با ابراز خرسندی و با عنایت به نتایج مهم هفتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان برای پیگیری و اثر بخشیدن به اعلامیه، از جمله گزارش تهیه شده توسط کمیته ویژه کارشناسان در انستیتو بین المللی مطالعات عالی در زمینه علوم کیفری در سیراکوس، ایتالیا، در مه ۱۹۸۶، طبق اصلاحیه نشست سازمانهای غیر دولتی مهم فعال در زمینه پیشگیری از جرم، عدالت کیفری و اصلاح مجرمان و قربانیان که در میلان ایتالیا در نوامبر و دسامبر ۱۹۸۷ برگزار گردید،

۱. توصیه می نماید که دبیر کل منوط به ارائه منابع خارج از بودجه و بررسی کمیته کنترل و پیشگیری از جرم، کار تهیه، چاپ و نشر یک سند راهنما برای متخصصان امر عدالت کیفری و سایر افراد فعال در زمینه های مشابه را در نظر بگیرد و فعالیتهای پیشین در این زمینه را نیز لحاظ نماید؛

۲. همچنین پیشنهاد می کند که کشورهای عضو اقدامات لازم به منظور اثر بخشیدن به مفاد مندرج در اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت را از راههای زیر انجام دهند:

(الف) تصویب و اجرای مفاد مندرج در اعلامیه در سیستم های عدالت ملی شان مطابق با روند قانون اساسی و رویه داخلی آنها؛

(ب) وضع قوانینی به منظور آسان کردن دستیابی قربانیان به سیستم عدالت برای اخذ غرامت و جبران خسارت؛

(ج) بررسی روشهای کمک به قربانیان، از جمله غرامت کافی برای خسارت فعلی یا زیان وارده، شناسائی محدودیت ها و کشف راههایی برای غلبه بر این محدودیت ها با این هدف که نیازهای قربانی به گونه ای موثر رفع گردد؛

(د) اتخاذ تدابیری برای حمایت از قربانیان از سوء استفاده، افتراء یا ارباب در جریان یا در نتیجه هر گونه دادرسی کیفری و غیر کیفری مربوط به جرم از جمله غرامت های موثر در صورت اتفاق افتادن اینگونه موارد سوء استفاده؛

۳. همچنین توصیه می‌کند که کشورهای عضو در همکاری با بخش‌ها، موسسات و سازمانهای مربوطه، تلاش کنند:

(الف) از ارائه کمک و خدمات به قربانیان جرم با توجه به سیستم‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و حقوقی حمایت کنند، و تجربه روشها و اسلوب مختلف و ارائه خدمت و وضعیت کنونی آگاهی افراد راجع به پدیده بزه دیدگی، از جمله اثرات عاطفی آن و نیاز بعدی به سازمانهای ارائه‌کننده خدمات برای توسعه حیطه کمک به قربانیان را در نظر بگیرند؛

(ب) آموزش‌های مقتضی برای کلیه کسانی که به قربانیان خدمات می‌رسانند ارتقاء بخشند تا آنها را قادر سازند مهارتها و درک لازم برای کمک به قربانیان در وفق دادن خود با تاثیر روانی حاصل از جرم و غلبه بر مشکلات، را به دست آورند و در صورت وجود آن، اطلاعات مبتنی بر واقعیات، ارائه شود؛

(ج) مجاری موثر ارتباط بین کلیه کسانی که با قربانیان سروکار دارند را برقرار کنند، دوره‌های آموزشی و جلسات برگزار کنند و اطلاعاتی برای قادر ساختن آنها به منظور پیشگیری از قربانی شدن در نتیجه فعالیتهای سیستم منتشر سازند.

(د) تضمین کنند که قربانیان از حقوق خود و موقعیتهای مربوط به اخذ غرامت از مجرم، از طرفهای ثالث یا از کشور و همچنین از پیشرفت جریان دادرسی کیفری مربوطه و هر گونه موقعیت مربوط به آن با خبر می‌گردند؛

(ه) جائیکه سازوکارهای غیر رسمی برای حل و فصل دعاوی موجود و یا به تازگی وضع گردیده است، تضمین کنند که در صورت امکان و با عنایت خاص، اصول قانونی را برقرار کنند که خواست‌ها و حساسیت‌های قربانیان کاملاً در نظر گرفته می‌شود و اینکه نتیجه حداقل به اندازه سیستم قبلی به نفع قربانیان است؛

(و) یک برنامه نظارتی و تحقیقاتی برای اینکه نیازهای قربانیان و تاثیر خدمات ارائه شده به آنها دائماً تحت بررسی باشد؛ یک چنین برنامه‌ای باید شامل برگزاری جلسات مرتب و کنفرانس نمایندگان بخش‌های ذیربط سیستم عدالت کیفری و سایر ارگانهای مرتبط با نیازمندیهای قربانیان، برای بررسی میزان پاسخگویی قانون، رویه و بخش‌های ویژه قربانی به نیازمندیهای قربانیان را در بر گیرد؛

(ز) مطالعاتی برای شناسایی نیازهای قربانیان در خصوص موارد گزارش نشده جرم انجام دهند و خدمات مقتضی را برای آنان قابل دسترسی گردانند؛

۴. پیشنهاد می‌کند که کلیه اقدامات لازم در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای گسترش همکاری بین‌المللی در موضوعات جنائی انجام گیرد، از جمله، به منظور تضمین اینکه کلیه قربانیان در کشور دیگر پس از وقوع جرم و پس از بازگشت به کشور محل اقامت و یا کشوری که تابع آن هستند، به لحاظ حفظ منافع و دریافت غرامت مناسب یا جبران خسارت و خدمات حمایتی لازم، کمک دریافت می‌کنند؛

۵. نیاز به کار بیشتر روی بخش ب. اعلامیه و تهیه ابزارهای بین‌المللی برای پیشگیری از سوء استفاده از قدرت و اعطای غرامت به قربانیان این گونه سوء استفاده از قدرت در جائیکه مجاری ملی ناکافی باشد را مورد شناسایی قرار می‌دهد و توصیه می‌کند که گامهایی در این راستا برداشته شود؛

۶. از دبیر کل درخواست می‌کند، منوط به امکان دستیابی به بودجه خارج از شمول، همایشی با شرکت کارشناسان را ترتیب دهد تا پیشنهادهای خاص برای اجرای قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ مجمع عمومی و اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، تا جائیکه این اسناد به سوء استفاده از قدرت مربوط می‌شود، ارائه دهند به گونه‌ای که پیشنهادات به کمیته کنترل و پیشگیری از جرم در هفتمین نشست آن ارائه گردد و جهت بررسی توسط هشتمین کنگره سازمان ملل در خصوص پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان ارائه شود.

۴۳. طرح عمل برای اجرای اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت

۱. ظرفیت سازی

۱. از دبیر کل، کشورهای عضو و سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی فعال در زمینه حمایت از قربانی و جبران زیان تقاضا می شود روشهای کمک به قربانی را در پروژه های همکاری فنی به منظور کمک به کشورهای عضو در زمینه اعمال راهنمای سیاستگذاران در خصوص اجرای اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت و کتابچه عدالت برای قربانیان پیرامون استفاده و اعمال اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، از طریق دوره های آموزشی، سمینارها، سفرهای مطالعاتی، بورسیه ها و خدمات مشاوره ای، برای کمک به حل معضلات در اجرای اعلامیه، بگنجانند.

۲. از دبیر کل تقاضا می شود با همکاری سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی ذیربط معیارهای انتخاب پروژه های همکاری فنی برای تاسیس یا توسعه بخش های مربوط به قربانیان را مشخص سازد.

۳. از کشورهای عضو، سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی و موسسه های شبکه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل درخواست می شود دبیر کل را در به روز آوردن رساله راهنما و کتابچه در فواصل زمانی مناسب کمک کنند و به تجارب عملی ملی، اطلاعات تقنینی و سابقه و رویه قضائی راجع به گروههای ویژه قربانی مانند قربانیان و شاهدان جرائم سازمان یافته، تروریسم، جرائم اقتصادی و زیست محیطی یا جرائم ناشی از تعصب و تنفر و قربانیان خشونت علیه زنان و کودکان توجه خاص مبذول نمایند.

۴. از کشورهای عضو، سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی و موسسه های شبکه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل درخواست می شود کشورهای عضو علاقمند را در تهیه و تدوین خط مشی های ترمیمی و اصلاحی برای قربانیان نقض حقوق بشر و قوانین بشردوستانه، به عنوان بخشی از فعالیتهای بازسازی و مصالحه، و در ارتقاء عدالت و حاکمیت قانون کمک کنند.

II. گردآوری اطلاعات، تبادل اطلاعات و تحقیق

۵. از دبیر کل درخواست می شود با همکاری کشورهای عضو علاقمند و سازمانهای غیر دولتی از بانک اطلاعاتی بین المللی در خصوص تجارب عملی ملی و منطقه ای در ارائه کمک فنی در این زمینه و در خصوص اطلاعات تقنینی و کتاب شناختی، از جمله سابقه و رویه قضائی مربوط به این بحث، حمایت کند.

۶. از کشورهای عضو و سازمانهای غیر دولتی درخواست می شود اطلاعاتی برای پایگاه اطلاعاتی در خصوص پروژه ها، برنامه های جدید، سابقه و رویه قضائی و قوانین یا راهبردهای ذیربط دیگر که موثر شناخته شده اند و اینکه می تواند به عنوان الگویی برای این گونه موارد توسعه در نقاط دیگر مفید باشد و در شناسخت کارشناسانی که می توانند کشورهای عضو را کمک کنند، حسب درخواست، در اجرای این قبیل پروژه ها، برنامه ها و قوانین، ارائه دهند.

۷. از کشورهای عضو و سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی درخواست میشود به توسعه و استفاده از روشهای گردآوری اطلاعات راجع به بزه دیدگی، مانند ارزیابیهای استاندارد در خصوص بزه دیدگی، از جمله توسعه آنها جهت پوشش دادن گروههای قربانیان مانند قربانیان و شاهدان جرائم سازمان یافته، تروریسم، جرائم اقتصادی و زیست محیطی یا جرائم ناشی از تعصب و تنفر و قربانیان خشونت علیه زنان، کودکان و مهاجران، توجه کنند.

۸. از کشورهای عضو و سازمانهای بین دولتی و غیر دولتی درخواست میشود ارزیابی میزان کارائی اشکال مختلف ارائه کمک به قربانیان، ارزیابی میزانی که روند عدالت کیفری نیازهای قانونی و نگرانیهای قربانیان را مد نظر قرار می دهد و ارزیابی اشکال مختلف تضمین جبران خسارت و غرامت به قربانیان، را ارتقاء بخشند.

III. پیشگیری از بزه دیدگی

۹. از دبیر کل درخواست می شود با همکاری موسسات و سازمانهای همکار مطالعاتی در خصوص راههای ارائه کمک فنی به کشورهای عضو، حسب درخواست، در زمینه پاسخگویی به موارد بزه دیدگی گسترده، تروریسم، فجایع انجام شده به دست انسان که نتیجه سهل انگاری سیستم کیفری است انجام دهند و اطمینان حاصل کنند که کمک لازم و فوری، در صورت نیاز، از طریق تیم های بین المللی واکنش به هنگام بحران و چند بعدی به منظور کمک در برخورد با این گونه موقعیتهای و در پاسخ به نیازها و حقوق قربانیان، قابل دست یابی است.

۱۰. کشورهای عضو تشویق می شوند، حسب نیاز، معرفی و تقویت یک نماینده با اختیارات وسیع و همچنین نهادهای نظارتی مدنی یا سازوکارهای طرح شکایت و ابزار پیشگیری از موارد سوءاستفاده از قدرت و تحقیق در این زمینه را مد نظر داشته باشند.

۱۱. کشورهای عضو و سازمانهای غیر دولتی تشویق می شوند اقداماتی برای اطلاع رسانی عمومی و ارتقاء آموزش و تربیت با هدف پیشگیری و محدود کردن موارد بزه دیدگی و بزه دیدگی مجدد انجام دهند. این اقدامات باید شامل فعالیتهای عمومی با هدف قرار دادن بخش های گسترده مردم و فعالیتهای خاص با هدف قرار دادن گروههای منتخب در معرض خطر بالای بزه دیدگی و بزه دیدگی مجدد باشد.

۱۲. کشورهای عضو با همکاری نزدیک نمایندگان رسانه ها تشویق می شوند راهبردهای مربوط به رسانه ها با هدف حفاظت از قربانیان و محدود کردن بزه دیدگی مجدد را تهیه و به طرز موثر به اجرا برسانند.

IV. اقدام در سطوح منطقه ای و بین المللی

۱۳. از دبیر کل درخواست می شود با همکاری کشورهای عضو و کمیسیونهای منطقه ای امکان تهیه مکانیسم هائی برای نظارت بر پدیده بزه دیدگی و ارائه راههای پژوهشخواهی و/یا پرداخت غرامت برای قربانیان را فراهم نماید.

۱۴. از دبیر کل درخواست می شود با همکاری جامعه بین المللی حرفه ای و آکادمیک به کشورهای عضو در شناسائی خلاء ها در حقوق کیفری بین المللی و قانون مربوط به حقوق بشر و بشردوستانه راجع به حفاظت و حقوق قربانیان و شاهدان، با هدف پرداختن به آن خلاء ها کمک کند.

۷. همکاری در ابتکارات مربوطه

۱۵. از دبیر کل تقاضا می شود کشورهای عضو را در تقویت توافقنامه های هماهنگی و رویه های تقویت برنامه ریزی مشترک و اجرای فعالیتهای مربوط به قربانیان کمک کند.

۱۶. از دبیر کل درخواست می شود یک اقدام منسجم، با تقسیم مناسب مسئولیتها، بین واحدهای سازمان ملل و سایر واحدهای ذیربط با ارتقاء اجرای اعلامیه، انجام دهد.

۱۷. از دبیر کل درخواست می شود کشورهای عضو را حسب درخواست در تهیه استراتژیهای مشترک و بسیج حمایت برای ارائه کمک به قربانیان، از جمله مشارکت گسترده تر شهروندان و ارتقاء اصول عدالت اصلاحگرانه کمک کند.

۴۴. راهکارهای مربوط به عدالت در موضوعات مربوط به قربانیان کودک و شاهدان جرم

I. اهداف

۱. راهبردهای حاضر در خصوص عدالت برای قربانیان کودک و شاهدان جرم رویه خوبی مبتنی بر اتفاق نظر راجع به دانش معاصر و موازین، استانداردها و اصول منطقه ای و بین المللی مربوطه ارائه می نماید.

۲. راهبردها باید مطابق با قوانین ملی ذیربط و رویه های قضائی اجرا شوند و شرایط حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیائی را در نظر بگیرند. با وجود این، کشورها باید دائماً تلاش کنند بر مشکلات عملی در اجرای راهبردها غلبه کنند.

۳. راهبردها باید یک چارچوب عملی برای تحقق اهداف زیر فراهم کند:

(الف) کمک در بازنگری قوانین، رویه‌ها و روشهای ملی و داخلی آنچنانکه حقوق قربانیان کودک و شاهدان جرائم به طور کامل رعایت شود و به اجرای کنوانسیون حقوق کودک توسط اعضای کنوانسیون کمک کند؛

(ب) کمک به دولتها، سازمانهای بین‌المللی، موسسات دولتی، سازمانهای غیردولتی و سازمانهای اجتماع محور و سایر طرفهای علاقمند به طرح و اجرای قوانین، خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و رویه‌هایی که به مسائل مهم مربوط به قربانیان کودک و شاهدان جرم می‌پردازند؛

(ج) راهنمایی متخصصان و، در صورت لزوم، داوطلبانی که در کار روزانه خود در روند عدالت برای نوجوانان و بزرگسالان در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با قربانیان کودک و شاهدان جرم، هماهنگ با اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت، برخورد می‌کنند؛

(د) کمک و حمایت از کسانی که در پرداختن به قربانیان کودک و شاهدان جرم از کودکان مراقبت می‌نمایند.

۴. در اجرای این راهبردها، هر حوزه قضائی باید تضمین نماید برای حمایت از قربانیان کودک و شاهدان جرم و رفع نیازهای آنها آموزش، گزینش و رویه‌هایی مقتضی بکار گرفته می‌شوند، جائیکه ماهیت بزه دیدگی بر زیر گروههای کودکان به گونه‌ای متفاوت اثر می‌گذارد، مانند اذیت و آزار جنسی کودکان، به ویژه دختران.

۵. راهبردها زمینه رشد و ارتقاء دانش و آگاهی و روش‌ها را ایجاد می‌کند. این راهبردها نه کامل و بی‌نقص هستند و نه مانع از توسعه بیشتر هستند لیکن شرط آن است که با اهداف و اصول اصلی خود هماهنگ باشند.

۶. راهبردها همچنین می‌تواند در خصوص فرایندهائی در سیستم های غیر رسمی و معمول عدالت مانند عدالت اصلاحی و در زمینه های غیر کیفری قانون، از جمله، اما نه محدود به، حبس، طلاق، به فرزند پذیرفتن، حمایت از کودک، سلامت روانی، تابعیت، مهاجرت و قانون پناهندگان قابل اعمال است.

II. ملاحظات ویژه

۷. راهبردها با توجه به موارد زیر تهیه و تدوین شداند:

(الف) با آگاهی از اینکه میلیونها کودک در سراسر جهان در نتیجه جرم و سوء استفاده از قدرت آسیب می بینند و اینکه حقوق این کودکان به طور مناسب شناسائی نشده است و اینکه آنها ممکن است هنگام کمک در فرایند دستگاه عدالت با مشکلات مضاعف روبه رو شوند؛

(ب) با اذعان به اینکه کودکان آسیب پذیر هستند و نیازمند حمایت خاص و متناسب با سن خود، سطح پختگی و نیازهای ویژه فردی هستند؛

(ج) با اذعان به اینکه دختران به ویژه آسیب پذیر هستند و ممکن است در کلیه مراحل سیستم عدالت با تبعیض روبه رو شوند؛

(د) با تأیید اینکه هر گونه تلاشی باید به منظور پیشگیری از بزهدیدگی کودکان، از جمله از طریق اجرای راهبردهای پیشگیری از جرم، انجام گیرد؛

(ه) آگاه از اینکه کودکانی که قربانی یا شاهد جرم هستند ممکن است در صورتیکه سهواً به عنوان مجرم تلقی شوند متحمل سختی های مضاعف شوند حال آنکه آنها درحقیقت قربانی و شاهد هستند؛

(و) با یاد آوری اینکه کنوانسیون حقوق کودک نیازمندها و اصولی برای اخذ شناسائی موثر حقوق کودک ارائه می کند و اینکه اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت اصولی برای تامین حق بهرمندی از اطلاعات، مشارکت، حفاظت، ترمیم و کمک برای قربانیان ارائه می کند؛

(ز) با یادآوری ابتکارات بین المللی و منطقه ای که اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت را اجرا می کند، از جمله کتابچه مربوط به عدالت برای

قربانیان و راهنمای سیاستگذاران در خصوص اعلامیه اصول اساسی، که هر دو از انتشارات دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ هستند؛ (ح) با تائید تلاشهای دفتر بین المللی حقوق کودکان در ایجاد مبنائی برای توسعه راهبردهای مربوط به قربانیان کودک و شاهدان جرم؛ (ط) با در نظر گرفتن اینکه پاسخ های بهتر به قربانیان کودک و شاهدان جرم می تواند کودکان و خانواده های آنها را به افشای موارد بزه‌دیدگی و حمایت از پروسه عدالت راغب تر گرداند؛

(ی) با یاد آوری اینکه عدالت برای قربانیان کودک و شاهدان جرم باید ضمن حفاظت از حقوق متهم و مجرمان محکوم تضمین گردد؛ (ک) با در نظر داشتن تنوع سیستم های حقوقی و سنن، و با توجه به اینکه جرم به گونه ای روزافزون به لحاظ ماهیت فراملی است و اینکه نیاز است این نکته تضمین شود که قربانیان کودک و شاهدان جرم از حمایت برابر در کلیه کشورها بهره مند می شوند.

۱۱۱. اصول

۸. آنچه‌انکه در اسناد بین المللی و به ویژه کنوانسیون حقوق کودک درج گردیده است و با توجه به کار کمیته حقوق کودک و به منظور تضمین عدالت برای قربانیان کودک و شاهدان جرم، متخصصان و سایر افراد مسئول در رفاه کودکان باید اصول انسجام بخش زیر را رعایت کنند:

(الف) شأن و مرتبه. هر کودکی یک انسان واحد و ارزشمند است و از اینرو شأن و منزلت، نیازهای خاص، علایق و حریم شخصی وی باید رعایت و حفاظت شود؛

(ب) عدم تبعیض. هر کودکی حق دارد به گونه ای عادلانه و برابر با وی رفتار شود، صرف نظر از نژاد خود، والدین یا نژاد قیم قانونی اش، نسب و قومیت، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، اندیشه سیاسی و غیر سیاسی، اصالت ملی، قومی یا اجتماعی، اموال، معلولیت و تولد یا سایر وضعیت های دیگر وی.

(ج) منافع کامل کودک. در حالیکه حقوق متهم و مجرمان محکوم باید حفظ شود، هر کودکی حق دارد به منافع وی بیشترین توجه داده شود. این شامل حق حفاظت و شانس توسعه موزون نیز می گردد.

(i) حفاظت. هر کودکی حق حیات، بقاء و مصونیت از هر گونه سختی، سوء استفاده یا سهل انگاری، از جمله سوء استفاده و سهل انگاری فیزیکی، روانی، ذهنی و عاطفی دارد؛
(ii) توسعه موزون. هر کودکی حق داشتن موقعیتی برای توسعه موزون و بهره مندی از استاندارد زندگی مناسب برای رشد فیزیکی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی دارد. در مورد کودکی که دچار آسیب روانی شده است، برای قادر ساختن کودک به منظور بهره مندی از توسعه هر اقدامی باید انجام گیرد.

(د) حق مشارکت. هر کودکی، منوط به آئین دادرسی ملی، حق بیان نظرات، اندیشه ها و عقاید خود به گونه ای آزادانه و با عبارات خاص خود دارد و حق دارد در تصمیماتی که بر زندگی وی، از جمله تصمیمات اتخاذ شده در فرایند قضائی، اثر می گذارد مشارکت نماید و حق دارد که دیدگاههای وی مطابق با استعداد، سن، پختگی فکری و قابلیت در حال رشد وی در نظر گرفته شوند.

۱۴. تعاریف

۹. در این راهبردها، تعاریف زیر بکار برده می شود:

(الف) " قربانیان کودک و شاهدان " یعنی کودکان و نوجوانان، زیر ۱۸ سال سن، که قربانی یا شاهد جرم هستند صرف نظر از نقش آنها در جرم یا در تعقیب قضائی مجرمان یا گروههای مجرمان؛

(ب) "متخصصان" یعنی اشخاصی که، در چارچوب کاری خود، با قربانیان یا شاهدان جرم در تماس هستند یا مسئول رفع نیازهای کودکان در دستگاه عدالت هستند و برای آنها این راهبردها قابل اعمال است. این شامل این گروهها می باشد اما محدود به آنها نیست: مدافعان و حامیان کودک و قربانی؛ دست اندرکاران بخش حمایت از کودک؛ پرسنل موسسه رفاه

کودک؛ دادستانها و، در صورت مقتضی، وکلای مدافع؛ پرسنل دیپلماتیک و کنسولی، پرسنل برنامه خشونت خانگی؛ قضات؛ پرسنل دادگاه؛ مسئولان اجرای قانون؛ متخصصان بهداشت روانی و پزشکی؛ مددکاران اجتماعی؛

(ج) "روند عدالت" شامل کشف جرم، تسلیم شکایت، تحقیق، تعقیب کیفری و محاکمه و رویه های پس از محاکمه است، صرف نظر از اینکه آیا پرونده در یک سیستم عدالت برای بزرگسالان یا نوجوانان یا در یک سیستم غیر رسمی عدالت یا عرفی محلی، بین المللی یا منطقه ای رسیدگی شده است.

(د) "کودک محور" نشانگر رویه ایست که حق کودک درخصوص حمایت را تعادل می بخشد و اینکه نیازهای فردی کودک و افکار وی را در نظر می گیرد.

۷. حق رفتار توأم با احترام و ملاحظت

۱۰. قربانیان کودک و شاهدان باید به گونه ای خاص و توأم با حساسیت در روند عدالت با آنها رفتار شود، و موقعیت شخصی و نیازهای آنی آنها، سن، جنسیت، معلولیت و سطح پختگی آنها لحاظ گردد و به ویژگیهای جسمی، روانی و اخلاقی آنها کاملاً احترام گذاشته شود.

۱۱. هر کودکی باید به عنوان فردی با نیازهای، آرزوها و احساسات فردی با وی رفتار شود.

۱۲. مداخله در زندگی شخصی کودک باید محدود به میزان لازم در یک زمان خاص و با استانداردهای بالای جمع آوری شواهد باشد تا نتایج عادلانه و منصفانه روند عدالت تضمین گردد.

۱۳. برای جلوگیری از سختی های بیشتر برای کودک، مصاحبه ها، آزمایش ها، و سایر اشکال تحقیق و تفحص باید توسط کارشناسان حرفه ای آموزش دیده ای که به نحوی دقیق، احترام آمیز و کامل عمل می کنند، انجام شود.

۱۴. کلیه تعاملات شرح داده شده در این راهبردها باید به گونه ای کودک محور در یک محیط مناسب که نیازهای خاص کودک را پوشش دهد و با توجه به

استعدادها، سن، پختگی فکری و قابلیت در حال رشد وی انجام گیرد. آنها باید به زبانی که کودک به آن زبان تکلم می کند و می فهمد انجام شوند.

۷.۱. حق مصونیت از تبعیض

۱۵. قربانیان کودک و شاهدان باید به یک روند عدالت دسترسی داشته باشند که از آنها در مقابل تبعیض ناشی از نژاد کودک، والدین یا قیم قانونی وی، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، اندیشه سیاسی و غیر سیاسی، اصالت ملی، قومی یا اجتماعی، اموال، معلولیت و تولد یا سایر وضعیت های دیگر محافظت نماید.

۱۶. روند عدالت و بخش های حمایت موجود برای قربانیان کودک و شاهدان و خانواده های آنها باید به سن، آرزوها، درک، جنسیت، تمایلات جنسی، پیشینه قومی، فرهنگی، دینی، زبانی و اجتماعی، فرقه، شرایط اجتماعی- اقتصادی و وضعیت مهاجرت یا پناهندگی و همچنین نیازهای خاص کودک از جمله بهداشت، استعدادها و قابلیت های وی حساسیت نشان دهد.

۱۷. در برخی موارد، بخش های ویژه و حمایت باید دایر شوند که جنسیت و ماهیت متفاوت جرائم خاص علیه کودکان، مانند ایدز جنسی در خصوص کودکان را لحاظ نماید.

۱۸. سن نباید مانعی برای حق کودک مبنی بر مشارکت در روند عدالت باشد. هر کودکی بایک به عنوان یک شاهد توانمند، منوط به انجام آزمایش، در نظر گرفته شود و شهادت وی نباید به دلیل سن کودک فاقد اعتبار یا غیر موثق فرض شود، مادامیکه سن یا پختگی کودک دادن شهادت موثق و هوشمندانه را با یا بدون کمک ارتباطی و کمک دیگری امکان پذیر می سازد.

۷.۲. حق مطلع شدن

۱۹. قربانیان کودک و شاهدان، والدین یا قیم ها و نمایندگان حقوقی، از تماس اولیه آنها با روند عدالت و در سراسر این روند، باید در اسرع وقت و به گونه ای مناسب، و به طور میسر و مقتضی، از جمله از مسائل زیر مطلع گردند:

(الف) در دسترس بودن خدمات بهداشتی، روانشناختی، اجتماعی یا سایر خدمات و همچنین ابزار دسترسی به اینگونه خدمات همراه با مشاوره حقوقی و غیر حقوقی یا نمایندگی، جبران خسارت و حمایت مالی اضطراری، هر جا که لازم باشد؛

(ب) تشریفات روند عدالت کیفری برای نوجوانان و بزرگسالان از جمله نقش قربانیان کودک و شاهدان، اهمیت، زمانبندی، و نحوه شهادت دادن، و راههائی که "بازجویی" در دوران تحقیق و محاکمه انجام خواهد شد؛

(ج) مکانیسم های حمایتی موجود برای کودک به هنگام تسلیم شکایت و مشارکت در جریان تحقیق و دادرسی؛

(د) اماکن خاص و زمانهای جلسات دادرسی و سایر رخدادهای مربوطه؛

(ه) قابلیت دستیابی به تدابیر حمایتی

(و) مکانیسم های موجود برای بازنگری در تصمیماتی که روی قربانیان کودک و شاهدان اثر می گذارد؛

(ز) حقوق مربوط به قربانیان کودک و شاهدان مطابق با کنوانسیون حقوق کودک و اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت.

۲۰. به علاوه، قربانیان کودک، والدین و قیم های آنها و نمایندگان قانونی آنها باید

سریعاً و به نحو مقتضی، و تا حد ممکن و مقتضی، از موارد زیر مطلع شوند:

(الف) پیشرفت و وضعیت پرونده، از جمله بازداشت، دستگیری و وضعیت حبس متهم/ متهمین و هر گونه تغییر در این وضعیت، تصمیم مربوط به پیگرد قضائی و مسائل پس از محاکمه و نتیجه پرونده؛

(ب) موقعیت های موجود برای اخذ غرامت از مجرم یا از کشوری که روند عدالت در آن در جریان است، از طریق آئین دادرسی مدنی جایگزین یا هر روند دیگر.

VIII. حق شرکت در جلسه استماع و بیان دیدگاهها و دغدغه ها

۲۱. متخصصان باید از هیچ تلاشی برای قادر ساختن قربانیان کودک و شاهدان

برای بیان نظرات و نگرانی های خود در ارتباط با مشارکت آنها در روند عدالت، از

جمله از راههای زیر، دریغ نورزند:

(الف) تضمین اینکه قربانیان کودک و در صورت لزوم شاهدان در موضوعات مشخص شده در بند ۱۹ فوق مورد مشاوره قرار می گیرند؛

(ب) تضمین اینکه قربانیان کودک و شاهدان قادر هستند آزادانه و به روش خود نظرات و نگرانیهای خود را در خصوص مشارکت در روند عدالت بیان کنند و همچنین دغدغه هایشان راجع به امنیت در ارتباط با متهمین، نحوه ای که ترجیح می دهند شهادت بدهند و احساسات خود را در باره نتایج پروسه بیان کنند؛

(ج) با توجه به نظرات و نگرانیهای کودک و اگر آنها قادر نیستند وی را اسکان دهند، دلایل آنرا برای کودک شرح دهند.

IX. حق بهره مندی از کمک موثر

۲۲. قربانیان کودک و شاهدان و، در صورت لزوم، اعضای خانواده باید به کمک متخصصانی که آموزش مربوطه حسب آنچه در بندهای ۴۰ تا ۴۲ آمده است دیده اند، دسترسی داشته باشند. این ممکن است شامل بخش های ویژه کمک و حمایت مانند بخش های مالی، حقوقی، مشاوره، بهداشت، بخش های اجتماعی و تربیتی، بخش های سلامت جسمی و روانی و سایر بخش های لازم برای بازتوانی کودک باشد. کلیه این کمک ها باید نیازهای کودک را رفع کند و وی را قادر سازد به طور موثر در کلیه مراحل روند عدالت شرکت نماید.

۲۳. در کمک به قربانیان کودک و شاهدان، متخصصان باید از هیچ تلاشی برای هماهنگ کردن ارائه کمک دریغ نورزند به گونه ای که کودک هدف مداخله های مفراط قرار نگیرد.

۲۴. قربانیان کودک و شاهدان باید از آغاز پرونده از اشخاص امدادگر، مانند متخصصان امور کودک قربانی/ شاهد تا زمانیکه دیگر نیازی به این خدمات نباشد، کمک دریافت نمایند.

۲۵. متخصصان باید تدابیری به منظور تسهیل امر شهادت دادن برای کودکان با هدف ارتقاء ارتباطات و درک در مراحل قبل از دادرسی و در جریان دادرسی اتخاذ نمایند. این تدابیر شامل موارد زیر است:

- (الف) متخصصان قربانی و شاهد کودک برای رفع نیازهای خاص کودک؛
- (ب) اشخاص حمایت گر، از جمله متخصصان و اعضای خانواده مقتضی برای همراهی کودک در جریان شهادت؛
- (ج) در صورت مقتضی، منصوب کردن ولی برای حمایت از منافع قانونی کودک.

X. حق حفظ حریم شخصی

۲۶. حریم شخصی قربانیان و شاهدان کودک باید به عنوان یک موضوع دارای اولویت نخست حفظ شود؛
۲۷. اطلاعات مربوط به مشارکت کودک در روند عدالت باید حفاظت شود. این هدف می تواند از طریق حفظ محرمانه بودن قضایا و محدود کردن افشای اطلاعات که می تواند منجر به شناسایی کودکی شود که در روند عدالت قربانی یا شاهد است اقرار گیرد.
۲۸. باید اقداماتی به منظور حفاظت از کودکان در برابر عامه مردم با، بعنوان مثال، مستثنی کردن مردم و رسانه ها از شرکت در سالن دادگاه در جریان شهادت کودک، در صورت مصلحت حسب قانون ملی، اتخاذ گردد.

XI. حق مصونیت از سختی در جریان رسیدگی قضائی

۲۹. متخصصان باید تدابیری به منظور جلوگیری از سختی در جریان کشف، تحقیق و پیگرد قانونی به منظور تضمین اینکه منافع کودک و شأن و مرتبت قربانیان و شاهدان کودک رعایت شده است اتخاذ نمایند.
۳۰. متخصصان باید باحساسیت و دقت با قربانیان و شاهدان کودک برخورد کنند، به طور که آنها:
- (الف) از قربانیان و شاهدان کودک حمایت کنند، از جمله اینکه وی را در جریان شرکت در جریان دادرسی، که به نفع وی است، همراهی نمایند؛
- (ب) در خصوص روند قضائی به وی اطمینان بخشند، از جمله اینکه به قربانیان و شاهدان کودک توضیحات روشنی راجع به اینکه چه چیز از پروسه قضائی انتظار می رود حتی

الامکان به وی اطمینان بخشند. شرکت کودک در جلسات دادرسی و رسیدگی قضائی باید قبل از موعد مقرر هماهنگ شود و از هیچ کوششی برای تضمین استمرار این تعاملات بین کودکان و متخصصان امر در جریان دادرسی فروگذاری نشود؛

(ج) تضمین نماید که به محض فراهم شدن شرایط محاکمه آغاز خواهد شد مگر آنکه تاخیر در محاکمه به نفع کودک باشد. تحقیق راجع به جرائم مربوط به قربانیان و شاهدان کودک نیز باید تسریع گردد و باید رویه ها، قوانین و مقرراتی برای دادگاه وجود داشته باشد که به پرونده های مربوط به قربانیان و شاهدان کودک سریعتر رسیدگی شود؛

(د) رویه های کودک محور، از جمله اتاقهای مصاحبه ویژه کودکان، بخش های چند منظوره برای قربانیان کودک در همان محل، محیط های دادگاهی بهتر که موقعیت شاهدان در آن لحاظ شده باشد، تنفس در طول شهادت دادن کودک، جلسات رسیدگی در مواقعی از روز که متناسب سن و پختگی کودک باشد، یک سیستم کارآمد برای ارسال ابلاغیه ها برای تضمین اینکه کودک فقط مواقع ضروری به دادگاه رجوع می کند و سایر تدابیر مقتضی جهت تسهیل شهادت دادن کودک را مد نظر قرار دهد.

۳۱. متخصصان همچنین باید تدابیری را با اهداف زیر ببینند:

(الف) محدود کردن شمار مصاحبه ها: رویه های خاص برای گردآوری شواهد و مدارک از قربانیان و شاهدان کودک باید به منظور کاهش شمار مصاحبه ها، اظهارات، جلسات دادرسی و به ویژه تماس غیر ضروری با دستگاه قضائی، مانند استفاده از ضبط ویدئویی بکار گرفته شود؛

(ب) تضمین اینکه قربانیان و شاهدان کودک، در صورتیکه با نظام حقوقی و با عنایت خاص به حقوق وکلای مدافع سازگار باشد، از استنطاق توسط متهم مصون باشد: و در صورت لزوم، قربانیان و شاهدان کودک باید در دادگاه و دور از نظر متهم، در اتاقهای مجزای دادگاه مورد مصاحبه و بازجویی قرار گیرند و محیط های مصاحبه ویژه تعبیه شده باشد؛

(ج) تضمین اینکه قربانیان و شاهدان کودک به طور کودک محوری مورد بازجویی قرار می گیرند و نظارت قضات اجازه داده می شود، شهادت دادن کودکان تسهیل می گردد و ارباب

بالقوه، به عنوان مثال از طریق استفاده از دستیاران هنگام گواهی دادن یا بکارگیری کارشناسان روانشناسی، کاهش می یابد.

XII. حق بهره مندی از امنیت

۳۲. هر جا که امنیت قربانیان و شاهدان کودک به خطر افتد، تدابیر خاصی باید اتخاذ گردد که تهیه و ارائه گزارش از خطرات امنیتی به مراجع ذیصلاح و حفاظت از کودک تضمین گردد تا از آسیب دیدن کودک قبل، حین یا پس از پروسه قضائی جلوگیری شود.

۳۳. متخصصانی که با کودکان در تماس هستند باید از آنها درخواست شود مراجع ذیصلاح را در صورت مشکوک شدن به اینکه کودک آسیب دیده است، در حال آسیب دیدن است و یا احتمال می رود که آسیب ببیند، مطلع گرداند.

۳۴. متخصصان باید در شناسائی و پیشگیری از ارباب، تهدید و آسیب به قربانیان و شاهدان کودک آموزش ببینند. هر جا که قربانیان و شاهدان کودک ممکن است هدف ارباب، تهدید یا آسیب قرار بگیرند، شرایط خاصی باید فراهم گردد که امنیت کودک تضمین شود. این مراقبت ها شامل موارد زیر است:

(الف) جلوگیری از تماس مستقیم بین قربانیان و شاهدان کودک و افراد مظنون به جرم در هر مرحله از تشریفات قضائی؛

(ب) استفاده از احکام محدود کننده دادگاه تحت حمایت سیستم ثبت؛

(ج) صدور دستور بازداشت قبل از محاکمه متهم و اعمال شرایط ویژه "عدم تماس"؛

(د) قرار دادن متهم تحت حبس در منزل؛

(ه) در صورت امکان و اقتضاء، قراد دادن قربانیان و شاهدان کودک تحت پوشش حفاظتی پلیس یا سایر موسسات مربوطه و جلوگیری از افشای مسائل شخصی آنان.

XIII. حق دریافت غرامت

۳۵. قربانیان کودک باید، در صورت امکان، برای جبران خسارت به طور کامل، بازگشت به اجتماع و بهبودی غرامت دریافت کنند. رویه هائی برای اعمال و دریافت غرامت باید به آسانی قابل دسترسی و کودک محور باشد.
۳۶. به شرط آنکه جریان دادرسی کودک محور باشد و این راهبردها را رعایت نماید، جریان ترمیم خسارات کودک و دادرسی کیفی باید از طریق استفاده از رویه های عدالت اجتماعی و غیر رسمی مانند عدالت ترمیمی، تحت حمایت قرار گیرد.
۳۷. اخذ خسارت ممکن است شامل دریافت غرامت از مجرم به دستور دادگاه جنائی، کمک از برنامه های جبران خسارت کودک حسب تصمیم دولت و پرداخت خسارت حسب حکم صادره در جریان دادرسی مدنی باشد. حتی الامکان، باید هزینه های بازتوانی اجتماعی و تربیتی، درمان پزشکی، مراقبتهای درمان روحی و خدمات حقوقی تامین گردد. باید رویه هایی برای اجرای احکام ترمیمی و پرداخت غرامت قبل از جریمه تعیین شود.

XIV. حق بهره مندی از تدابیر پیشگیرانه خاص

۳۸. علاوه بر تدابیر پیشگیرانه ای که باید برای کلیه کودکان اتخاذ گردد، استراتژیهای خاصی برای قربانیان و شاهدان کودک که به ویژه در برابر بزه‌دیدگی یا تعرض آسیب پذیر هستند الزامی است.
۳۹. متخصصان باید مداخله ها و استراتژیهای جامع و به خوبی تبیین شده ای را برای مواردی که خطر آن وجود داشته باشد که کودکان مورد تعرض مجدد قرار گیرند تهیه و اجرا کنند. این استراتژیها و مداخله ها باید ماهیت بزه دیدگی، از جمله بزه دیدگی مربوط به سوء استفاده در خانه، بهره برداری جنسی، سوء استفاده در تاسیسات نهادینه و قاچاق باشد. این استراتژیها ممکن است شامل استراتژیها مبتنی بر دولت، ابتکارات محلی و شهروندی باشد.

XV. اجراء

۴۰. آموزش مناسب، تربیت و اطلاعات باید برای متخصصانی که با قربانیان و شاهدان کودک کار می کنند با هدف بهبود و تقویت روشها، راهکارها و دیدگاههای تخصصی و به منظور حفاظت و پرداختن به طور موثر و حساس به قربانیان و شاهدان کودک قابل دستیافت باشد.

۴۱. متخصصان باید آموزش داده شوند تا به طور موثر از قربانیان و شاهدان کودک، از جمله در واحدها و خدمات تخصصی، مراقبت و به رفع نیازهای آنان مبادرت ورزند.

۴۲. این آموزش باید شامل موارد زیر باشد:

(الف) موازین، استانداردها و اصول حقوق بشر مربوطه از جمله حقوق کودک؛

(ب) اصول و وظائف اخلاقی دفتر آنان؛

(ج) علامات و نشانه هائی که نشانگر جرائم علیه کودکان است؛

(د) مهارتها و فنون ارزیابی بحران، به ویژه برای موارد ارجاع، با تاکید روی نیاز به محرمانه بودن قضایا؛

(ه) تاثیر، تبعات، از جمله تبعات جسمی و روحی، و شک ناشی از جرائم علیه کودکان؛

(و) تدابیر و فنون خاص برای کمک به قربانیان و شاهدان کودک در جریان دادرسی قضائی؛

(ز) مسائل زبانی مرتبط با فرهنگ و سن، دینی، اجتماعی و جنسیتی؛

(ح) مهارتهای مقتضی ارتباط بین کودک - بزرگسال

(ط) فنون مصاحبه و ارزیابی که شک روانی در خصوص کودک را کاهش می دهد ضمن آنکه کیفیت اطلاعات دریافتی از کودک را کاهش می دهد؛

(ی) مهارتهائی برای برخورد با قربانیان و شاهدان کودک به گونه ای حساس، توأم با درک، سازنده و اطمینان بخش؛

(ک) روشهائی برای حفاظت از شواهد و ارائه شواهد و بازجوئی از شاهدان کودک

(ل) نقش های مربوط به، و روشهای مورد استفاده توسط، متخصصانی که با قربانیان و شاهدان کودک کار می کنند.

۴۳. متخصصان باید از هیچ تلاشی برای اتخاذ یک راهکار چند بعدی و تعاملی در مک به کودکان از طریق آشنا ساختن آنان با طیف گسترده ای از خدمات موجود، مانند حمایت از قربانی، دفاع، کمک اقتصادی، مشاوره، تربیت، خدمات بهداشتی، حقوقی و اجتماعی فروگذاری نکنند. این رویکرد می تواند پروتکل هائی را برای مراحل مختلف رسیدگی قضائی به منظور تقویت همکاری بین واحدهائی که به قربانیان و شاهدان کودک خدمات ارائه میکنند، و همچنین سایر اشکال کار چند بعدی که شامل پلیس، دادستان، خدمات پزشکی، اجتماعی و پرسنل روانشناختی فعال در همان محیط است باشد.

۴۴. همکاری بین المللی باید بین کشورها و کلیه بخش های جامعه، در سطوح ملی و بین المللی، از جمله معاضدت متقابل برای هدف تسهیل جمع آوری و تبادل اطلاعات و کشف، تحقیق و پیگرد جرائم فراملی در خصوص قربانیان و شاهدان کودک ارتقاء یابد.

۴۵. متخصصان باید استفاده از راهبردهای حاضر به عنوان مبنائی برای تدوین و وضع قوانین و خط مشی های مکتوب، استانداردها و پروتکل هائی با هدف کمک به قربانیان و شاهدان کودک در روند قضائی را مد نظر داشته باشند.

۴۶. متخصصان باید قادر باشند به طور دوره ای نقش خود را، همراه با سایر موسسات در روند عدالت، مورد بازنگری و ارزیابی قرار دهند تا حفاظت از حقوق کودک و اجرای موثر راهبردهای حاضر اطمینان حاصل نمایند.

III. خشونت علیه زنان

۴۵. اعلامیه حذف خشونت علیه زنان

مجمع عمومی،

با اذعان به نیاز مبرم به اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول مرتبط با مساوات، امنیت، آزادی، منزلت و عزت نفس کلیه انسانها،

با توجه به اینکه این حقوق و اصول در اسناد بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی، کنوانسیون مبارزه با کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون مبارزه با شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های غیر انسانی یا تحقیر کننده، با اذعان به اینکه اجرای موثر کنوانسیون مبارزه با کلیه اشکال تبعیض علیه زنان به نحو خشونت علیه زنان کمک خواهد کرد و اینکه اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، مندرج در قطعنامه حاضر، این روند را تقویت و اجراء خواهد کرد، نگران از اینکه خشونت علیه زنان مانعی برای تحقق مساوات، توسعه و صلح است، که این موضوع نیز در استراتژیهای آینده نگرانه نایروبی برای پیشرفت زنان مورد تأیید قرار گرفته است که در آن یک سری تدابیر برای مبارزه با خشونت علیه زنان پیشنهاد شده است، و با اجرای کامل کنوانسیون مبارزه با کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، با تأیید این مطلب که خشونت علیه زنان نقض حقوق و آزادیهای بنیادی زنان محسوب می شود و بهره مندی آنان از این حقوق و آزادیها را خدشه دار و زایل و یا ابطال می سازد، و با ابراز نگرانی از ناکامی بلند مدت در حفاظت و ارتقاء این حقوق و آزادیها در مورد خشونت علیه زنان،

با اذعان به اینکه خشونت علیه زنان بیان روابط قدرت نابرابر تاریخی بین مردان و زنان است، که منجر به استیلاي مردان بر زنان و تبعیض علیه آنان همچنین ممانعت از پیشرفت کامل آنان، و اینکه خشونت علیه زنان یکی از سازوکارهای اساسی اجتماعی است که از خلال آن زنان در موقعیتی کمتر از مردان قرار داده می شوند، نگران از اینکه برخی گروههای زنان، مانند زنان متعلق به گروههای اقلیت، زنان بومی، زنان پناهنده، زنان مهاجر، زنان ساکن در اجتماعات روستائی یا دور افتاده، زنان بی بضاعت، زنان در موسسات یا در بازداشت، دختران خردسال، زنان معلول، زنان سالمند، زنان در شرایط درگیری مسلحانه، به ویژه در برابر خشونت آسیب پذیر هستند، با یاد آوری نتیجه مندرج در بند ۲۳ ضمیمه قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی 1990/15 مورخ ۲۴ مه ۱۹۹۰ که شناسائی اینکه خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه انزجار آور است و به میزان درآمد، نیز مرتبط است، طبق و فرهنگ نیز باید با اقدامات عاجل و موثر هماهنگ شود تا از بروز این خشونت جلوگیری بعمل آید،

همچنین با یادآوری قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی شماره 18/1991 مورخ ۳۰ مه ۱۹۹۱ که در آن شورا پیشنهاد تهیه چارچوبی برای یک سند بین المللی را مطرح کرد که آشکارا به موضوع خشونت علیه زنان بپردازد، با استقبال از نقش جنبش های زنان در جلب توجه فزاینده به ماهیت، جدیت و اهمیت معضل خشونت علیه زنان، نگران از اینکه فرصت های دستیابی به برابری حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه، از جمله با خشونت مستمر و فراگیر، محدود می گردد، با اعتقاد به اینکه در پرتو مطالب فوق نیاز به تعریف روشن و جامعی از خشونت علیه زنان و همچنین تبیین آشکار حقوق لازم برای اطمینان از محو خشونت علیه زنان در کلیه اشکال آن وجود دارد، که تعهد کشورها در ارتباط با مسئولیتهای آنها است، و همچنین تعهد جامعه بین المللی به طور کلی برای محو خشونت علیه زنان است، رسماً اعلامیه مبارزه با خشونت علیه زنان را در زیر اعلام می دارد و درخواست می نماید که هر کوششی باید به انجام برسد تا این اعلامیه به اطلاع همگان برسد و رعایت شود:

ماده ۱

به موجب این اعلامیه، عبارت "خشونت علیه زنان" یعنی هر عمل مبتنی بر خشونت بر پایه جنسیت که به آسیب جسمی، جنسی یا روانی یا رنج و مشقت برای زنان گردد از جمله تهدید به انجام این اعمال، زور یا محروم ساختن مستبدانه از آزادی، خواه در ملاء عام و یا در زندگی خصوصی، منجر شود و یا احتمال منجر شدن به آن وجود داشته باشد.

ماده ۲

خشونت علیه زنان باید به گونه ای تعبیر شود که عناصر زیر، اما نه محدود به آنها، را در بر گیرد:

(الف) خشونت جسمی، جنسی و روانی در خانواده از جمله کتک کاری، سوء استفاده جنسی از دختران خردسال در خانواده، خشونت مربوط به جهیزیه، تجاوز به عنف در زندگی زناشویی، ختنه کردن زنان و دختران و سار روشهای سنتی زیان آور برای زنان، خشونت غیر همسری و خشونت مربوط به استنمار؛

(ب) خشونت جسمی، جنسی و روانی در سطح جامعه از جمله تجاوز به عنف، سوء استفاده جنسی، ایذاء جنسی و ارباب در محیط کار، در موسسات تربیتی و آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و فحشای اجباری؛

(ج) خشونت جسمی، جنسی و روانی توسط یا به تائید یک حکومت، هر جا که اتفاق بیفتد.

ماده ۳

زنان حق بهره مندی برابر و حمایت از کلیه حقوق و آزادیهای بنیادی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی و سایر زمینه ها را دارند. این حقوق، از جمله شامل موارد زیر است:

- (الف) حق حیات؛
- (ب) حق بهره مندی از مساوات و برابری
- (ج) حق آزادی و امنیت فرد؛
- (د) حق حمایت برابر به موجب قانون؛
- (ه) حق آزاد بودن از کلیه اشکال تبعیض؛
- (و) حق بهره مندی از بالاترین استاندارد ممکن بهداشت جسمی و روانی؛
- (ز) حق بهره مندی از شرایط عادلانه و مناسب کاری؛
- (ح) حق مصونیت از شکنجه، یا سایر رفتارها و مجازات های غیر انسانی یا تحقیر کننده.

ماده ۴

کشورها باید خشونت علیه زنان را محکوم کنند و نباید به هر گونه رسم، سنت یا ملاحظه دینی برای شانه خالی کردن از تعهدات خود در رابطه با محو آن استناد کنند. کشورها باید با استفاده از کلیه راههای مقتضی و بدون تاخیر سیاست ریشه کنی خشونت علیه زنان را دنبال کنند و، از اینرو، باید:

(الف) اگر تا کنون اقدامی ننموده اند تصویب یا ملحق شدن به کنوانسیون مبارزه با کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را لحاظ کنند یا استثنائات قائل شده در خصوص آنرا حذف کنند؛

(ب) از وارد شدن به خشونت علیه زنان اجتناب کنند؛

(ج) دقت و احتیاط ویژه ای برای جلوگیری، تحقیق و تفحص و، طبق قوانین ملی، مجازات کلیه رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان را اعمال نمایند، خواه این رفتارها توسط حکومت یا توسط اشخاص خصوصی انجام شده باشد؛

(د) مجازاتهای کیفری، مدنی، کاری و اداری در قوانین ملی برای تنبیه کردن و ترمیم خسارات وارده به زنانی که مورد خشونت قرار میگیرند تعیین کنند؛ زنانی که هدف خشونت قرار میگیرند باید به سازوکار عدالت و، طبق قوانین ملی، غرامت های عادلانه و موثر برای ترمیم زیان وارده به آنها دسترسی داشته باشند؛ کشورها باید زنان را از حقوق خود در درخواست کردن غرامت از خلال این سازوکارها مطلع سازند؛

(ه) امکان تهیه و توسعه طرح های عمل ملی به منظور ارتقاء حمایت از زنان علیه هر شکل از خشونت، یا گنجاندن مفادی با این هدف در طرح های موجود را لحاظ کنند و همکاری سازمانهای غیر دولتی، به ویژه سازمانهایی که به مساله خشونت علیه زنان می پردازند، را جلب نمایند؛

(و) راهکارهای پیشگیرانه ای، به نحو جامع، و کلیه این تدابیر با ماهیت حقوقی، سیاسی، اداری و فرهنگی که حمایت از زنان علیه هر شکل از خشونت را ارتقاء می دهد، توسعه بخشند و تضمین نمایند که بزه دیدگی مجدد زنان به دلیل قوانین حساس به ملاحظات جنسیتی، رویه های اجرائی یا مداخله های دیگر اتفاق نمی افتد؛

(ز) تضمین، تا بالاترین سطح ممکن با توجه به منابع موجود و در صورت لزوم در چارچوب همکاری بین المللی، اینکه زنان مورد خشونت و، در صورت مقتضی،

کودکان آنان کمک ویژه مانند توانبخشی، کمک در مراقبت و پشتیبانی از کودک، درمان، مشاوره، و خدمات بهداشتی و اجتماعی، تسهیلات و برنامه‌ها و همچنین ساختارهای حمایتی دریافت می‌کنند، و باید کلیه تدابیر مقتضی برای ارتقاء ایمنی آنها و بازتوانی جسمی و روانی آنها را اتخاذ کنند؛

(ح) در بودجه دولتی منابعی برای فعالیتهای مربوط به ریشه‌کنی خشونت علیه زنان بگنجانند؛

(ط) اقداماتی اتخاذ کنند که اطمینان حاصل شود ماموران اجرای قانون و کارمندان دولت مسئول در اجرای سیاستهای ممانعت، تحقیق و تفحص و مجازات خشونت علیه زنان آموزش لازم برای حساس کردن آنها در خصوص نیازهای زنان دریافت می‌کنند؛
(ی) کلیه تدابیر مقتضی، به ویژه در زمینه تربیت و آموزش را به منظور اصلاح معیارهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان و همچنین به منظور ریشه‌کنی تبعیض، شیوه‌های مرسوم و کلیه رویه‌های دیگر مبتنی بر اندیشه پست بودن زن یا پست بودن هر یک از جنس زن و مرد و بر پایه نقش‌های پیش‌فراقتاده زنان و مردان، اتخاذ کنند؛

(ک) فعالیتهای تحقیقاتی را گسترش دهد، به جمع‌آوری اطلاعات بپردازد و آمارهائی تهیه کند، به ویژه در ارتباط با خشونت خانگی، مربوط به شیوع اشکال مختلف خشونت علیه زنان و تقویت تحقیق پیرامون علل، ماهیت، خطیر بودن و عواقب خشونت علیه زنان و در خصوص کارائی تدابیر اجرا شده به منظور پیشگیری و ترمیم خشونت علیه زنان؛ این آمارها و یافته‌های حاصل از تحقیقات منتشر خواهد شد؛

(ل) تدابیری به منظور ریشه‌کنی خشونت علیه زنان که به ویژه در برابر خشونت آسیب‌پذیر هستند اتخاذ کنند؛

(م) در ارائه گزارشهای درخواستی در چارچوب اسناد حقوق بشر مربوطه سازمان ملل متحد اطلاعاتی در رابطه با خشونت علیه زنان و تدابیر اتخاذ شده به منظور اجرای اعلامیه حاضر بگنجانند؛

(ن) تهیه راهبردهائی به منظور کمک در اجرای اصول مندرج در اعلامیه حاضر را حمایت کنند؛

- (س) نقش مهم جنبش زنان و سازمانهای غیر دولتی در سراسر جهان را در ارتقاء آگاهی ها و کاهش معضل خشونت علیه زنان به رسمیت بشناسند؛
- (ع) کار جنبش زنان و سازمانهای غیر دولتی را تسهیل و ارتقاء بخشند و در سطوح محلی، ملی و منطقه ای با آنها همکاری کنند؛
- (ف) سازمانهای غیر دولتی منطقه ای را که عضو آن هستند تشویق کنند که ریشه کنی خشونت علیه زنان را در برنامه های خود، به گونه ای مقتضی، بگنجانند.

ماده ۵

ارگانها و موسسه های تخصصی سیستم سازمان ملل باید در حیطه صلاحیت خود به شناسائی و تحقق حقوق اصول ارائه شده در اعلامیه حاضر مشارکت کنند و از این رو باید، از جمله:

(الف) همکاری بین المللی و منطقه ای با هدف تعریف استراتژیهای منطقه ای برای مبارزه با خشونت، تبادل تجارب و حمایت مالی از برنامه های مربوط به ریشه کنی خشونت علیه زنان را تقویت کنند؛

(ب) همایش ها و سمینارها با هدف ایجاد و افزایش آگاهی بین اشخاص پیرامون مسائله مبارزه با خشونت علیه زنان را ارتقاء بخشند؛

(ج) هماهنگی و تبادل بین سیستم سازمان ملل و نهادهای معاهده حقوق بشر را به منظور پرداختن به خشونت علیه زنان به طور موثر ارتقاء بخشند؛

(د) در تجزیه و تحلیل های انجام شده توسط سازمانها و نهادهای سیستم سازمان ملل پیرامون روندها و معضلات اجتماعی، مانند گزارش های دوره ای راجع به موقعیت اجتماعی جهان، بررسی روند خشونت علیه زنان را بگنجانند؛

(ه) هماهنگی بین سازمانها و نهادهای سیستم سازمان ملل برای وارد کردن موضوع خشونت علیه زنان در برنامه های جاری، به خصوص با ارجاع به گروههای زنان به ویژه آسیب پذیر در برابر خشونت، را ارتقاء بخشند؛

(و) تدوین راهبردها یا رساله های در رابطه با خشونت علیه زنان را ارتقاء بخشند و در این راستا تدابیر مورد اشاره در اعلامیه حاضر را لحاظ نمایند؛

(ز) مسأله مبارزه با خشونت علیه زنان، به طور مقتضی، در انجام وظائف آنها در رابطه با اجرای اسناد حقوق بشر لحاظ کنند؛
(ح) با سازمانهای غیر دولتی در پرداختن به مسأله خشونت علیه زنان همکاری کنند.

ماده ۶

هیچ چیز در اعلامیه حاضر نباید بر هیچ بندی که به ریشه کنی خشونت علیه زنان منجر گردد و ممکن است در قوانین یک کشور یا هر کنوانسیون، معاهده یا سایر اسناد بین المللی معتبر در یک کشور درج شده باشد، اثر بگذارد.

۴۶. نمونه استراتژیها و تدابیر عملی در خصوص ریشه کنی خشونت علیه زنان در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری

۱. ماهیت چند بعدی خشونت علیه زنان القاء می کند که استراتژیهای مختلف برای اشکال مختلف خشونت و جهات مختلف آن لازم است. تدابیر عملی، استراتژیها و فعالیتهای شرح داده شده در زیر می تواند در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری برای پرداختن به معضل خشونت علیه زنان وارد شود. بجز مواردی که به گونه ای دیگر تبیین شده باشد، عبارت "زنان" شامل "دختران خردسال" نیز می باشد.

۲. با یادآوری تعریف خشونت علیه زنان مندرج در اعلامیه مبارزه با خشونت علیه زنان و درج مکرر آن در درج شده در برنامه عمل تصویب شده توسط چهارمین کنفرانس جهانی زنان، نمونه استراتژیها و تدابیر عملی در خصوص مبارزه با خشونت علیه زنان در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به تدابیری می پردازد که توسط دولتها در برنامه عمل تصویب کرده اند، با در نظر داشتن اینکه برخی گروههای زنان به طرز ویژه ای در برابر خشونت آسیب پذیر هستند.

۳. نمونه استراتژیها و تدابیر عملی به ویژه نیاز به سیاست فعال وارد کردن یک دیدگاه مبتنی بر جنسیت در کلیه خط مشی ها و برنامه های مربوط به خشونت علیه زنان و تحقق برابری جنسیتی و دستیابی عادلانه و برابر به عدالت و همچنین تعیین هدف توازن جنسیتی در زمینه های تصمیم سازی مرتبط با حذف خشونت علیه زنان را به رسمیت می شناسند. نمونه استراتژیها و تدابیر عملی باید به عنوان راهبردهائی هماهنگ با اسناد بین المللی مربوطه، از جمله کنوانسیون مبارزه با کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، با هدف اجرای موثر و عادلانه آن اعمال گردد.

۴. نمونه استراتژیها و تدابیر عملی باید توسط کشورهای عضو و سایر واحدها، بدون خدشه به اصل برابری زن و مرد در برابر قانون، به منظور تسهیل تلاشهای دولتها برای پرداختن به اشکال مختلف خشونت علیه زنان در سیستم عدالت کیفری اجرا شوند.

۵. هدف نمونه استراتژیها و تدابیر عملی تثبیت برابری رسمی و غیر رسمی زنان و مردان است. نمونه استراتژیها و تدابیر عملی رفتار ترجیحی به زنان نمی دهد بلکه هدف این است که هر گونه نابرابری یا اشکالی از تبعیض که زنان در دسترسی به عدالت، به ویژه در ارتباط با رفتار های خشونت آمیز با آن مواجه هستند، رفع شود.

۱. قانون کیفری

۶. از کشورهای عضو تقاضا می شود:

(الف) به طور دوره ای به بازنگری، ارزیابی و اصلاح قوانین، آئین دادرسی و رویه های قضائی خود، به ویژه قوانین کیفری خود اقدام کنند تا ارزش و کارائی آنها را در حذف خشونت علیه زنان تضمین کنند و شرایطی را که خشونت علیه زنان را اجازه می دهد و یا به آن تمکین می کند حذف کنند؛

(ب) قوانین کیفری و مدنی خود را در چارچوب نظامهای حقوقی ملی خود مورد بازنگری، ارزیابی و اصلاح قرار دهند تا تضمین حاصل شود که کلیه رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان ممنوع می گردد و در غیر آن صورت، تدابیری در این زمینه بیندیشند؛
(ج) قوانین کیفری خود را مورد بازنگری، ارزیابی و اصلاح قرار دهند تا تضمین حاصل شود که:

i) اشخاصی که در موضوعات قضائی مربوط به جرائم خشونت آمیز به دادگاه آورده می شوند یا محکوم به چنین جرائمی میشوند می توان آنها را در تملک و استفاده از اسلحه و سایر سلاحهای قانونمند، در چارچوب نظامهای حقوقی خود، محدود کرد؛
ii) می توان افراد را در چارچوب نظامهای حقوقی ملی خود از ایذاء، ارباب یا تهدید زنان بازداشت.

II. آئین دادرسی کیفری

۷. از کشورهای عضو درخواست می گردد به طور مقتضی نسبت به بازنگری، ارزیابی و اصلاح آئین دادرسی کیفری خود اقدام کنند تا اطمینان حاصل شود که:

(الف) پلیس با مجوز قضائی لازم حسب قانون، اختیارات کافی برای وارد شدن به محیط ها و اقدام به دستگیری افراد خاطی در موارد خشونت علیه زنان، از جمله ضبط و مصادره اسلحه، را دارد؛

(ب) مسئولیت نخست برای انجام تعقیب های کیفری بر عهده مقامات تعقیب است و بر عهده زنانی که آماج خشونت بوده اند نیست؛

(ج) زنانی که هدف خشونت بوده اند فرصت دارند در دادرسی در محکمه حاضر شوند و در شرایط مساوی با سایر شاهدان شهادت دهند و همچنین تدابیری اندیشیده شده است که این گواهی دادن را تسهیل نماید و از حریم شخصی آنها حمایت کند؛

(د) قواعد و اصول دفاع متضمن تبعیض علیه زنان نیست و دفاع تحت عنوان افتخار یا تحریک به عاملان خشونت علیه زنان اجازه فرار از مسئولیت کیفری را نمی دهد؛

(ه) مجرمانی که تحت تاثیر الکل یا مواد مخدر آگاهانه مرتکب رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان می شوند معاف از مسئولیت کیفری یا هر گونه مسئولیت دیگری نیستند؛
(و) شواهد دال بر رفتارهای خشونت آمیز، سوء استفاده، تعقیب و استتمار توسط مجرم در جریان دادرسی در دادگاه، و مطابق با اصول قانون کیفری ملی، لحاظ می گردد؛
(ز) دادگاهها، منوط به قانون اساسی کشور خود، اختیار صادر کردن احکام حفاظتی یا تحدید کننده در موارد خشونت علیه زنان، از جمله اخراج شخص خاطی از منزل، منع کردن تماس با قربانی و سار طرفهای آسیب دیده، در داخل و خارج منزل، را دارند و می توانند در موارد نقض این احکام اقدام به مجازات وی نمایند؛
(ح) تدابیری می توان در مواقع لازم برای تضمین امنیت قربانیان و خانواده های آنان و حمایت از آنان از ارباب و انتقام جوئی اتخاذ کرد؛
(ط) خطرات امنیتی در تصمیمات اتخاذ شده راجع به آراء غیر حبسی یا شبه حبسی، آزادی به قید کفالت، آزادی موقت، عفو مشروط یا تعلیق مجازات در نظر گرفته می شوند.

۱۱۱. پلیس

۸. از کشورهای عضو تقاضا می شود، در چارچوب نظامهای حقوقی ملی خود:
(الف) تضمین کنند که مفاد اجرائی قوانین، آئین دادرسی و رویه های قضائی مربوط به خشونت علیه زنان به طور مستمر به نحوی تنفیذ می گردد که همه رفتارهای خشونت آمیز کیفری علیه زنان شناسائی و مطابق نظام عدالت کیفری با آن برخورد میشود؛
(ب) یک سری فنون تحقیق و تفحص را تهیه و تدوین کنند که موجب تنزل شأن زنانی که مورد خشونت قرار گرفته اند نشود و اینکه مداخله در زندگی آنها را کاهش دهد ضمن آنکه استانداردهائی برای گردآوری بهترین شواهد را فراهم آورد؛
(ج) تضمین کنند که روشهای پلیس، از جمله تصمیمات راجع به دستگیری، بازداشت و شرایط هر شکل از آزادی مجرم نیاز به امنیت قربانی و سایر اشخاص مرتبط در خانواده وی به لحاظ اجتماعی و غیر آن را در نظر می گیرند و اینکه کلیه این روشها نیز مانع از رفتارهای خشونت آمیز می گردد؛
(د) به پلیس اختیار می دهند که سریعاً به موارد خشونت علیه زنان واکنش نشان دهد؛

(ه) تضمین کنند که اعمال اختیار توسط پلیس مطابق قانون و مجموعه قوانین رفتاری است و اینکه پلیس به دلیل هر گونه تخطی از این مقررات مسئول شمرده خواهد شد؛
(و) زنان را تشویق و ترغیب نمایند که به نیروهای پلیس، از جمله در سطح عملیاتی، بپیوندند.

IV. محکومیت و اصلاح

۹. از کشورهای عضو تقاضا می شود به نحو مقتضی:

(الف) خط مشی ها و رویه های صدور محکومیت خود را مورد بازنگری، ارزیابی و اصلاح قرار دهند تا اطمینان حاصل شود آنها با اهداف زیر مطابقت دارند:

(i) مسئول شمردن مجرمان به دلیل رفتارهای خشونت آمیز آنان علیه زنان؛

(ii) متوقف کردن رفتار خشونت آمیز؛

(iii) در نظر گرفتن تاثیر آراء صادره در خصوص مجرمانی که عضو خانواده های

آنان هستند بر قربانیان و اعضای خانواده آنها؛

(iv) افزایش تنبیهاتی که با تنبیهات برای سایر جرائم خشونت آمیز قابل مقایسه هستند؛

(ب) تضمین کنند که زنی که هدف خشونت بوده است از هر گونه آزادی مجرم از حبس یا بازداشت در جائیکه امنیت قربانی با افشای این موضوع بر اهمیت حفظ حریم شخصی مجرم ارجح باشد، باخبر خواهد شد؛

(ج) در نظر گرفتن شدت و عمق آسیب جسمی و روانی و تاثیر بزه دیدگی در روند صدور محکومیت، از جمله از طریق اظهارات موثر قربانی در جائیکه چنین رویه هائی به موجب قانون مجاز شمرده می شود؛

(د) قرار دادن طیف کاملی از شرایط صدور محکومیت به دادگاه به منظور حمایت از قربانی، سایر اشخاص متاثر از جرم و جامعه از خشونت بیشتر؛

(ه) تضمین کنند که قاضی صادر کننده حکم تشویق می شود به اینکه درمان و اصلاح مجرم را در زمان صدور حکم پیشنهاد نماید؛

(و) تضمین نمایند که تدابیر مقتضی برای ریشه کنی خشونت علیه زنانی که به هر دلیل در بازداشت به سر می برند وجود دارد؛

(ز) برنامه های اصلاح مجرمان برای گروههای مختلف مجرمان و پیشینه مجرم تهیه و ارزیابی نمایند؛
(ح) از امنیت قربانیان و شواهد قبل از، حین و بعد از دادرسی کیفری حمایت میکنند.

۷. حمایت از قربانی و کمک به وی

۱۰. از کشورهای عضو تقاضا می شود به نحو مقتضی:

(الف) برای زنانی که مورد خشونت بوده اند اطلاعات پیرامون حقوق و راههای جبران خسارت و اینکه چگونه آن را کسب کنند، علاوه بر اطلاعات در باره شرکت در دادرسی کیفری و برنامه ریزی، پیشرفت و تعیین تکلیف نهائی پرونده فراهم نمایند؛

(ب) زنانی که هدف خشونت بوده اند را در تسلیم و پیگیری شکایات رسمی کمک و ترغیب نمایند؛

(ج) تا تضمین حاصل شود که زنانی که مورد خشونت بوده اند، از طریق رویه های رسمی و غیر رسمی، غرامت سریع و عادلانه ای برای خساراتی که متحمل شده اند، از جمله حق درخواست جبران خسارت غرامت از مجرمان یا دولت، دریافت می کنند؛

(د) رویه ها و سازوکارهای دادگاه که قابل دسترسی و نسبت به نیازهای زنان مورد خشونت حساس هستند فراهم نمایند و اینکه رسیدگی عادلانه به پرونده ها را تضمین نمایند؛

(ه) ایجاد یک سیستم ثبت برای حمایت قضائی و احکام محدود کننده، جائیکه این احکام حسب قانون ملی مجاز شمرده می شوند، به طوریکه پلیس یا مسئولان عدالت کیفری بتوانند سریعاً تعیین کنند که آیا چنین حکمی در جریان است یا خیر.

۷.۱ خدمات بهداشتی و اجتماعی

۱۱. از کشورهای عضو در خواست می شود، با همکاری بخش

خصوصی، انجمن های حرفه ای ذیربط، نهادها، سازمانهای غیر دولتی و

سازمانهای اجتماعی، از جمله سازمانهایی که برای مساوات زنان تلاش می

کنند و موسسات پژوهشی، به نحو مقتضی:

(الف) شبکه پویایی از تأسیسات و خدمات برای اسکان موقت و فوری زنان و کودکانی که در خطر قرار گرفتن در معرض خشونت هستند و یا هدف خشونت بوده اند را ایجاد، تامین مالی و هماهنگ نمایند؛

(ب) خدماتی مانند خطوط تلفن اطلاعاتی رایگان، خدمات مداخله در مواقع بحرا و مشاوره چند منظوره حرفه ای و گروه‌های حمایتی برای پشتیبانی از زنانی که مورد خشونت بوده اند و کودکان آنها ایجاد، تامین مالی و هماهنگی نمایند؛

(ج) برنامه‌هایی به منظور هشدار دادن علیه الکل و جلوگیری از گسترش آن و سوء استفاده از دارو طرح و تحت حمایت قرار دهند، به توجه به مشاهده سوء مصرف الکل و دارو در اغلب موارد خشونت علیه زنان؛

(د) برقرار کردن روابط بهتر بین خدمات پزشکی، اعم از خصوصی و اضطراری، و موسسات عدالت کیفری برای مقاصد گزارش دهی و ثبت و پاسخگویی به رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان؛

(ه) توسعه رویه‌های نمونه برای کمک به شرکت کنندگان در سیستم عدالت کیفری به منظور پرداختن به زنانی که مورد خشونت قرار گرفته اند؛

(و) نمونه رویه‌هایی برای کمک به شرکت کنندگان در سیستم عدالت کیفری برای پرداخت به زنانی که مورد خشونت بوده اند تهیه و تدوین کنند؛

(ز) در صورت لزوم، واحدهای تخصصی با افرادی از شاخه‌های مربوطه که به ویژه برای برخورد با پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های قربانی در موارد خشونت علیه زنان آموزش دیده باشند تأسیس نمایند.

VII. آموزش

۱۲. از کشورهای عضو درخواست می‌شود، با همکاری سازمانهای

غیر دولتی از جمله سازمانهایی که برای مساوات زنان تلاش می‌کنند، و با

همکاری انجمن‌های حرفه‌ای، به نحو مقتضی:

(الف) الگوهای آموزش اجباری با حساسیت به موضوع جنسیت و تداخل فرهنگی برای پلیس، مسئولان عدالت کیفری، دست‌اندرکاران و متخصصان فعال در سیستم عدالت کیفری که

با موضوع غیر قابل قبول بودن خشونت علیه زنان، تاثیر و عواقب آن برخورد می کنند، فراهم کنند و اینکه پاسخ مناسب به مساله خشونت علیه زنان ارائه کنند؛

(ب) آموزش مناسب، حساسیت و تربیت پلیس، مسوولان عدالت کیفری، دست اندکاران و متخصصان فعال در سیستم عدالت کیفری راجع به کلیه اسناد حقوق بشر مربوطه را تضمین کنند؛

(ج) انجمن های حرفه ای را تشویق کنند استانداردهای قابل اجرا عمل و رفتار، که اجرای عدالت و مساوات برای زنان را تسریع می کند، برای دست اندکاران فعال در سیستم عدالت کیفری تهیه و تدوین نمایند.

VIII. تحقیق و ارزیابی

۱۳. از کشورهای عضو و موسسات در بر گیرنده شبکه برنامه پیشگیری

از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل، واحدهای ذیربط سیستم سازمان ملل، سایر سازمانهای بین المللی ذیربط، موسسه های تحقیقاتی و سازمانهای غیر دولتی، از جمله سازمانهایی که برای تحقق مساوات زنان تلاش می کنند، درخواست می شود، به نحو مقتضی:

(الف) تحقیقات در زمینه جرائم پیرامون ماهیت و گستره خشونت علیه زنان را انجام دهند؛
(ب) به گردآوری داده ها و اطلاعات بر مبنای تفکیک جنسیت برای تجزیه و تحلیل و استفاده، همراه با اطلاعات موجود، در ارزیابی نیازها، تصمیم سازی و سیاستگذاری در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به ویژه در خصوص:

- (i) اشکال مختلف خشونت علیه زنان، علل و تبعات آن؛
- (ii) میزان ارتباط محرومیت و بهره برداری اقتصادی با خشونت علیه زنان؛
- (iii) ارتباط بین قربانی و مجرم؛
- (iv) تاثیر توانبخشی یا ضد تکرار جرم انواع مداخله ها بر هر یک از مجرمان و بر کاهش خشونت علیه زنان؛
- (v) استفاده از اسلحه، مواد مخدر و الکل، به خصوص در موارد خشونت علیه زنان در موقعیت های خشونت در خانه؛

(vi) رابطه بین بزه دیدگی یا قرار گرفتن در معرض خشونت و فعالیت خشونت آمیز متعاقب آن؛

(ج) گزارش های سالانه ای پیرامون خشونت علیه زنان، نرخ دستگیری و تیرئه، تعقیب و تعیین تکلیف مجرمان منتشر سازند؛
(د) اثرگذاری و کارائی سیستم عدالت کیفری در رفع نیازهای زنانی که مورد خشونت بوده اند را ارزیابی نمایند.

IX. تدابیر پیشگیری از جرم

۱۴. از کشورهای عضو و بخش خصوصی، انجمن های حرفه ای ذیربط، نهادها، سازمانهای غیر دولتی و سازمانهای اجتماعی، از جمله سازمانهای که برای مساوات زنان تلاش می کنند و موسسات پژوهشی در خواست می شود، به نحو مقتضی:

(الف) برنامه های ارتقاء آگاهی عمومی، تربیت عمومی و دبستانی موثر و مناسبی تهیه و اجرا کنند که با ارتقاء مساوات، همکاری، احترام متقابل و مسئولیت های مشترک بین زنان و مردان از خشونت علیه زنان جلوگیری نماید؛

(ب) رویکردهای چند منظوره و حساس به جنسیت را در واحدهای دولتی و خصوصی که در مبارزه با خشونت علیه زنان، به ویژه از طریق مشارکتهای بین مسؤولان اجرای قانون و خدمات تخصصی در حمایت از زنان قربانی خشونت فعالیت می کنند، تهیه و تدوین نمایند؛

(ج) برنامه های افزایش برای مجرمان یا اشخاص شناسائی شده به عنوان مجرم بالقوه و با هدف ارتقاء حل مسالمت آمیز منازعات، مدیریت و کنترل خشم و اصلاح دیدگاهها در باره نقش ها و روابط را تهیه و تدوین کنند؛

(د) برنامه های افزایش دسترسی تهیه کنند و به زنان، از جمله قربانیان جرم، در باره نقش های مربوط به جنسیت، حقوق بشر زنان و ابعاد اجتماعی، بهداشتی، حقوقی و اقتصادی

خشونت علیه زنان اطلاعات بدهند تا آنها بتوانند از خود در برابر کلیه اشکال خشونت دفاع کنند؛

(ه) اطلاعاتی راجع به اشکال مختلف خشونت علیه زنان و در دسترس بودن برنامه هائی برای پرداختن به این معضل، از جمله برنامه های راجع به حل مسألت آمیز اختلافات، به گونه ای سازگار با مخاطبان مربوطه، از جمله در نهادهای تربیتی در کلیه سطوح، تدوین و منتشر سازند؛

(و) از اقدامات ابتکاری سازمانهائی که برای تثبیت مساوات زنان تلاش می کنند و سازمانهای غیر دولتی مبنی بر ارتقاء آگاهی عمومی در باره مسأله خشونت علیه زنان و مشارکت در ریشه کنی آن حمایت کنند.

۱۵. از کشورهای عضو و رسانه ها، انجمن های رسانه ای، نهادهای

مستقل، مدارس و شرکای مربوطه دیگر درخواست می شود ضمن رعایت آزادی رسانه ها، به نحو مقتضی، تدابیر و راهکارهای مناسبی برای ارتقاء آگاهی عموم مانند مجموعه قوانین اخلاقی و تدابیر خود گردانی در خشونت رسانه ای، با هدف ارتقاء احترام به حقوق بشر زنان و محو تبعیض علیه زنان و بینش های سنتی غلط نسبت به زنان را اتخاذ نمایند.

X. همکاری بین المللی

۱۶. از کشورهای عضو و موسسات و نهادهای سازمان ملل درخواست

می شود، به نحو مقتضی:

(الف) به تبادل اطلاعات راجع به الگوهای مداخله موفقیت آمیز و برنامه های پیشگیرانه در ریشه کنی خشونت علیه زنان و تالیف فهرستی از این الگوها اقدام کنند؛

(ب) در سطوح منطقه ای و بین المللی به همکاری و تعامل با واحدهای ذیربط به منظور پیشگیری از خشونت علیه زنان و ارتقاء تدابیری برای حاضر کردن مجرمان در پیشگاه عدالت، از طریق سازوکارهای همکاری و معاضدت بین المللی، مطابق با قانون ملی، مبادرت نمایند؛

(ج) از صندوق توسعه زنان سازمان ملل در فعالیتهای آن جهت ریشه کنی خشونت علیه زنان حمایت و در آن مشارکت نمایند.

۱۷. از کشورهای عضو درخواست می شود:

(الف) حیطة قیود و شروط نسبت به کنوانسیون مبارزه با کلیه اشکال تبعیض علیه زنان معطوف به شروطی که حتی الامکان صریح و دقیق تدوین شده اند و مغایر هدف و مقصود کنوانسیون نیستند، محدود کنند.

(ب) کلیه موارد نقض حقوق بشر علیه زنان در موقعیت های درگیری مسلحانه را محکوم کنند و این گونه موارد را به عنوان نقض حقوق بشر بین المللی و قانون بشردوستانه تلقی کنند و یک واکنش موثر به موارد نقض قانون، از جمله به ویژه، قتل، تجاوز به عنف سیستماتیک، بردگی جنسی و حاملگی اجباری را درخواست کنند؛

(ج) فعالانه برای تصویب یا عضویت در کنوانسیون مبارزه با کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، برای کشورهایی که هنوز عضو آن نیستند، تلاش کنند به نحوی که تصویب جهانی تا سال ۲۰۰۰ اخذ گردد؛

(د) توجه کاملی به وارد کردن یک دیدگاه جنسیتی در پیش نویس آئین نامه دادگاه جنائی بین المللی، به ویژه در خصوص زنانی که مورد خشونت بوده اند معطوف نمایند؛

(ه) با گزارشگر کمیسیون حقوق بشر در خصوص خشونت علیه زنان، علل و عواقب آن در اجرای فعالیتهای و وظائف آن به منظور تهیه کلیه اطلاعات لازم و پاسخ به بازپرسها و ارتباطات گزارشگر ویژه همکاری و تعامل داشته باشند؛

XI. پیگیری فعالیتهای

۱۸. از کشورهای عضو، نهادهای سازمان ملل، منوط به موجود بودن

منابع خارج از بودجه، موسسات تشکیل دهنده شبکه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل، سایر سازمانهای بین المللی ذیربط، موسسه های پژوهشی و سازمانهای غیر دولتی از جمله سازمانهایی که برای مساوات زنان تلاش می کنند درخواست می شود، به نحو مقتضی:

- (الف) ترجمه نمونه استراتژیها و تدابیر عملی به زبانهای محلی را حمایت کنند و انتشار گسترده آنها برای استفاده در برنامه های آموزشی و تربیتی تضمین نمایند؛
- (ب) از نمونه استراتژیها و تدابیر عملی به عنوان مینا، استناد به خط مشی و راهنمای عملی برای فعاليتها با هدف ریشه کنی خشونت علیه زنان استفاده کنند؛
- (ج) دولتها، حسب درخواست آنها، را در بازنگری، ارزیابی و اصلاح سیستم های عدالت کیفری، از جمله قوانین کیفری آنها، بر اساس نمونه استراتژیها و تدابیر عملی یاری رسانند؛
- (د) از فعاليتها همکاری فنی موسسه های در بر گیرنده شبکه برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل در محور خشونت علیه زنان حمایت کنند؛
- (ه) برنامه ها و طرحهای ملی، منطقه ای و زیرمنطقه ای برای کارائی بخشیدن به نمونه استراتژیها و تدابیر عملی تهیه و تدوین کنند؛
- (و) برنامه ها و رساله های آموزشی استاندارد برای پلیس، مسؤولان عدالت کیفری، بر پایه نمونه استراتژیها و تدابیر عملی طراحی کنند؛
- (ز) به طور دوره ای اقدام به بازنگری و نظارت بر پیشرفتهای حاصله در خصوص طرحها، برنامه ها و ابتکارات در سطوح ملی و بین المللی به منظور ریشه کنی خشونت علیه زنان در چارچوب نمونه استراتژیها و تدابیر عملی مبادرت نمایند.

پایان

بخش چهار

۱. اداره ی مطلوب، استقلال قوه قضائیه و انسجام کارکنان سیستم حقوق کیفری ۴۷- مجموعه ی قواعد رفتاری مقامات مجری قانون

ماده ۱

مأموران مجری قانون در تمامی اوقات باید حسب بالاترین میزان مسئولیت پذیری لازم حرفه ای و در چارچوب قانون جامعه ای که در آن خدمت می کنند و مصون نگاه داشتن تمامی افراد در برابر اعمال غیرقانونی، وظایف محوله را انجام دهند.

تفسیر:

(الف) عبارت «مأموران اجرای قانون» شامل تمامی مأموران قانونی - چه انتخابی و چه انتصابی - می باشد که دارای اختیارات پلیس به ویژه اختیارات بازداشت یا دستگیری افراد هستند.

(ب) در کشورهایی که اختیارات پلیس توسط مراجع نظامی - چه با یونیفورم باشند و چه نباشند - یا توسط نیروهای امنیتی کشور اعمال می گردند، تعریف مأموران اجرای قانون آن گونه صورت می گیرد که شامل مأموران چنین خدماتی هستند.

(ج) هدف از خدمت به جامعه، مشخصاً گنجاندن ارایه خدمات حمایتی به آن دسته از اعضای جامعه است که به دلیل شرایط اضطراری فردی، اجتماعی، اقتصادی یا غیره نیاز به کمک آنی دارند.

(د) هدف از این ارایه کمکها نه تنها پوشش تمامی اعمال خشن، تجاوزگرانه و زیانبار است بلکه به طیف کاملی از ممنوعیتها حسب قوانین کیفری تعمیم مییابد. همچنین به اعمال افرادی گسترش مییابد که فاقد مسئولیت کیفری میباشند.

مادة ۲

مأموران اجرای قانون در انجام وظایف خویش باید کرامت انسانی را رعایت کرده، حفظ نمایند و حقوق انسانی تمامی افراد را مد نظر قرار داده و مراعات کنند.

تفسیر

(الف) حقوق انسانی مورد نظر، توسط قوانین ملی و بینالمللی به رسمیت شناخته شده و ابقا میگردند. در میان اسناد بینالمللی ذیربط میتوان به اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه ی حمایت از تمامی افراد در برابر شکنجه و سایر مجازات یا رفتارهای خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده، اعلامیه ی سازمان ملل متحد در خصوص الغا تمامی انواع تبعیض نژادی، کنوانسیون بینالمللی سرکوب و مجازات جرم آپارتاید، کنوانسیون

پیشگیری و مجازات جرم نسلکشی، قواعد
استاندارد حداقل در زمینه ی رفتار با
زندانیان، و کنوانسیون روابط کنسولی وین
اشاره کرد.

(ب) تفاسیر ملی در زمینه ی این قواعد باید
نشاندهنده ی ضوابط منطقه‌ای یا ملی ای
باشند که این حقوق را به رسمیت شناخته و حفظ
می‌نمایند.

مادة ۳

مأموران اجرای قانون می‌توانند تنها زمانی
به زور متوسل شوند ، که برای انجام وظایفشان
ضروری و لازم است .

تفسیر

(الف) این ماده بر این نکته تأکید می‌نماید
که توسل به زور بوسیله مأموران اجرای
قانون باید به صورت استثنا باشد؛ با این
حال این امر بدان معنا است که مأموران
اجرای قانون می‌توانند طبق شرایط مقرر ،
برای پیشگیری از جرم یا اثربخشی یا کمک به
دستگیری خلافکاران یا خلافکاران مظنون طبق
قانون و به شکل منطقی اجازه استفاده از زور
را دریافت دارند. اما هیچ اعمال زوری در
ورای این موضوع نباید به کار رود.

(ب) قوانین ملی علی القاعده استفاده از زور
توسط مأموران اجرای قانون را طبق يك اصل
تناسب محدود می‌کنند. اصول ملی مزبور باید در
اجرای این ماده رعایت گردند. در هیچ حالتی،

این ماده نباید به عنوان اعطا مجوز در زمینه ی اعمال زور که نامتناسب با هدف قانونی است که قرار است به اجرا درآید، تفسیر گردد.

(ج) استفاده از سلاح گرم به عنوان يك اقدام مهم تلقي مي‌گردد. در این اقدام باید استفاده از اسلحه به ویژه علیه کودکان مستثنی گردد. به طور كلي، سلاح‌هاي گرم نباید مورد استفاده قرار بگیرند مگر در صورت مقاومت مسلحانه يك خلافکار مظنون یا در صورت به خطر انداختن زندگی دیگران و یا در مواردی که اقدامات متعارف در زمینه ی دستگیری و بازداشت ، کافي نباشند. در کلیه مواردی که سلاح گرم مورد استفاده قرار می گیرد ، گزارش مربوطه باید سریعاً به مراجع ذیصلاح تسلیم گردد.

مادة ۴

موضوعات داراي ماهیت محرمانه در خصوص مأموران اجرای قانون باید محرمانه بمانند مگر این که انجام وظایف یا ضرورت‌های مهم قانونی، مستلزم روش دیگری باشند.

تفسیر:

مأموران اجرای قانون در اجرای وظایفشان به اطلاعاتی دست می‌یابند که می‌توانند مرتبط با زندگی خصوصی دیگران بوده یا آسیبی بالقوه را برای منافع و به ویژه شهرت آنان به همراه داشته باشند . باید مراقبت زیادی در خصوص

حفاظت و استفاده از چنین اطلاعاتی صورت بگیرد . این اطلاعات می‌بایست تنها در زمینه ی انجام وظایف یا رفع نیازهای قانونی منتشر شوند. هر گونه انتشار چنین اطلاعاتی در راستای اهدافی دیگر، به طور کامل ناصحیح است.

تفسیر

(الف) این ممنوعیت برگرفته از اعلامیه ی حمایت از تمامی افراد در برابر شکنجه و سایر مجازاتها یا رفتارهای خشن، غیرانسانی خوار کننده است که توسط مجمع عمومی تصویب شده‌اند و بر اساس آنها: «چنین اقدامی نقض کرامت انسان است و باید به عنوان انکار اهداف منشور سازمان ملل و نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر (و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر) محکوم گردد.»

(ب) این اعلامیه شکنجه را به صورت ذیل تعریف می‌کند:

«... شکنجه به معنای اقدامی است که به موجب آن درد یا رنج شدیدی چه فیزیکی و چه جسمی به طور عمدی توسط یا به تحریک یک مأمور دولتی به یک فرد در راستای اهدافی همچون گرفتن اعتراف یا اطلاعات شخصی وی، مجازات او برای اقدامی که مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است یا ارباب وی یا دیگران وارد می‌شود. این امر شامل درد یا رنج، به میزانی که به صورت ذاتی یا جنی، منطبق با قوانین حداقل استانداردها برخوردار برخورد با زندانیان است، نمی‌شود.»

(ج) عبارت «برخورد یا مجازات خشونت‌آمیز، غیرانسانی یا خوارکننده» توسط مجمع عمومی تعریف نشده اما باید به صورتی تفسیر گردد که گسترده‌ترین حمایت ممکن در برابر سوء استفاده‌های فیزیکی یا ذهنی را در بر گیرد .

مادة ۶

مأموران اجرای قانون باید حفظ کامل سلامت افراد در زندان را تضمین نمایند و در صورت لزوم، مشخصاً اقدامات اضطراری را برای تضمین مراقبتهای پزشکی مبذول دارند.

تفسیر

(الف) «مراقبت پزشکی» به خدمات ارائه شده توسط هر کادر پزشکی از جمله متخصصان دارای مدرک پزشکی و پیراپزشکان اطلاق می‌گردد که باید در زمان نیاز یا درخواست تضمین گردد.

(ب) در حالی که احتمال دارد کادر پزشکی به فعالیت‌های انتظامی بپیوندند، مأموران انتظامی باید دستور چنین کادری را در زمانی که خودش یا در مشورت با کادر پزشکی خارج از نیروی انتظامی منتقل توصیه می‌کند فرد در زندان باید درمان مناسب را سپری کند ، رعایت کنند.

(ج) مأموران اجرای قانون باید مراقبت پزشکی برای قربانیان نقض قانون یا سوانح ناشی از نقض قانون را تضمین کنند.

مادة ٧

مأموران اجرای قانون نباید مرتکب اقدامات فساد آمیز شوند. آنها باید به شکلی قاطعانه با چنین اعمالی مقابله و مبارزه کنند.

تفسیر:

(الف) هر گونه اقدام به فساد همچون هر نوع سوء استفاده از اختیارات، مغایر با حرفه مأموران اجرای قانون است. قانون باید به طور کامل در مورد مأموری که مرتکب فساد شده رعایت گردد زیرا اگر دولتها نتوانند یا نخواهند قانون را علیه مأموران خود و در سازمانهای خود اجرا کنند، نمیتوان انتظار داشت که بتوانند آن را در بین شهروندانشان اجرا نمایند.

(ب) در صورتیکه فساد حسب قانون ملی تعریف گردد، باید فعل و ترک فعل در عملکرد یا در ارتباط با وظایف یک فرد در پاسخ به هدایا، وعدهها یا پاداشهای تقاضا شده یا پذیرفته شده یا دریافت غلط آنها در قوانین ملی درج گردد

(ج) عبارت «اقدام به فساد» در بالا شامل شرع به فساد است.

مادة ٨

مأموران اجرای قانون باید قانون و دستورالعمل حاضر را رعایت کنند. همچنین آنها باید با حداکثر توان، هر گونه نقض قانون را پیشگیری کرده و قاطعانه با آن برخورد کنند.

مأموران اجرای قانون که دلیلی دال بر این موضوع دارند که نقض دستورالعمل حاضر رخ داده یا در شرف رخ دادن است، باید موضوع را به مقامات مافوق و در صورت لزوم به مراجع مناسب و دیگر ارگان‌هایی که دارای اختیارات ارزیابی یا رسیدگی هستند، گزارش نمایند.

تفسیر:

(الف) این دستورالعمل باید د رتلفیق با قوانین یا دستورالعمل‌های ملی اجرا شود. اگر این قانون یا دستورالعمل شامل مفادی سختگیرانه‌تر از دستورالعمل حاضر باشد، آن مفاد سختگیرانه‌تر باید اعمال شوند.

(ب) از يك سو، این ماده به دنبال حفظ توازن میان نیاز به نظم داخلی سازمانی است که امنیت عمومی به میزان قابل توجهی به آن بستگی دارد و از سوی دیگر ضرورت پرداختن به موضوع نقض حقوق بشر است. مقامات انتظامی باید موارد نقض را در قالب سلسله مراتب گزارش کنند و در خارج از سلسله مراتب و تنها زمانی که هیچ اقدام اصلاحی دیگری موجود یا کارآمد نیست، دست به يك اقدام قانونی بزنند. مأموران انتظامی ذیربط نباید متحمل جرمه‌های اداری یا غیره شوند چه آنها نقض این

دستورالعمل را که رخ داده یا در شرف رخ دادن بوده‌اند، گزارش کرده‌اند.

(ج) عبارت «مراجع مناسب و دیگر ارگان‌هایی که دارای اختیارات ارزیابی یا رسیدگی هستند» به هر مرجع یا ارگانی حسب قانون ملی اطلاق می‌شود که بخشی از یک سازمان انتظامی یا وابسته به آن است و دارای اختیارات قانونی، عرفی یا غیره برای ارزیابی شکایات و اعتراضات ناشی از موارد نقض در چارچوب این دستورالعمل است.

(د) در برخی کشورها، رسانه‌های گروهی بعضاً کار ارزیابی شکایات از موارد مندرج در بند (ج) فوق را انجام می‌دهند. بنابراین، مراجع انتظامی مجاز هستند تا به عنوان آخرین حربه و طبق قوانین و رویه‌های کشورهای خود و طبق ماده ۴ این دستورالعمل، موارد نقض را از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع افکار عمومی برسانند.

(ه) مأموران انتظامی که مفاد این دستورالعمل را رعایت می‌کنند، شایسته احترام، حمایت کامل و همکاری جامعه و سازمان انتظامی که در آن خدمت می‌کنند و همچنین حمایت ضوابط حرفه‌ای انتظامی می‌باشند.

۴۸. روشهای اجرای کارآمد مقرات مأموران
انتظامی

۱. کاربرد مقرات

الف. اصول کلی

۱. اصول مندرج در این مقررات باید در قوانین و رویه های ملی منعکس شود.

۲. به منظور دستیابی به اهداف و مقاصد مندرج در ماده ۱ این مقررات و تفاسیر آن، تعریف «مأموران اجرای قانون» باید دارای گسترده ترین تفسیر ممکن باشد.

۳. این مقررات باید قابل اجرا برای تمامی مأموران انتظامی بدون توجه به حوزه قضایی آنها باشد.

۴. دولت‌ها باید معیارهای لازم را برای تعلیم، آموزش پایه و تمامی دوره های آموزشی و بازآموزی، مأموران انتظامی در تمامی مفاد قوانین ملی مرتبط با این مقررات و همچنین دیگر متون پایه در قبال موضوع حقوق بشر فراهم آورند.

ب. موضوعات خاص

۱. انتخاب، پرورش و آموزش

انتخاب، پرورش و آموزش مأموران انتظامی باید دارای اهمیتی والا باشد. دولت‌ها باید اقدام به پرورش و آموزش از طریق تبادل مناسب ایده ها در سطوح منطقه ای و بین منطقه ای نمایند.

۲. دستمزدها و شرایط کاری.

تمامی مأموران انتظامی باید حقوق کافی دریافت دارند و از شرایط مناسب کاری برخوردار باشند.

۳. نظم و نظارت.

باید ساز و کارهایی کارآمد برای تضمین نظم داخلی و کنترل بیرونی و همچنین نظارت بر مأموران انتظامی تدوین شوند.

۴. شکایات مردمی.

تدابیر خاصی باید در قالب بند ۳ فوق برای دریافت و پردازش شکایات علیه مأموران انتظامی توسط مردم اعمال شوند و وجود این تدابیر باید به اطلاع عموم برسد.

۲. اجرای مقررات

الف. در سطح ملی

۱. این مقررات باید برای تمامی مأموران انتظامی و مراجع ذیصلاح به زبانی که آنرا می فهمند ، موجود باشد.

۲. دولتها باید این مقررات و تمامی قوانین داخلی تأثیرگذار بر آن را منتشر کنند تا تضمین گردد عموم مردم از اصول و حقوق مندرج در این جا آگاه هستند.

۳. در بررسی تدابیر ارتقای کاربرد این مقررات دولتها باید اقدام به برگزاری سمپوزیوم‌هایی در خصوص نقش و وظایف

مأموران انتظامی در حفظ حقوق بشر و پیشگیری از جرم بنمایند.

ب. در سطح بین‌المللی

۱. دولتها باید در بازه‌های زمانی مناسب که حداقل پنج سال می‌باشد، دبیر کل را از میزان اجرای این مقررات مطلع سازند.

۲. دبیر کل باید اقدام به تهیه گزارش‌های مقطعی در خصوص پیشرفت اجرای این مقررات کند و با مشورت شورای اقتصادی و اجتماعی، گزارشی را نیز در مورد مشاهدات و همکاری سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های ذیربط بین‌الدولی و سازمان‌های غیرانتفاعی را فراهم کند.

۳. به عنوان بخشی از گزارش‌های فوق‌الذکر، دولتها باید نسخ چکیده‌های قوانین، مقررات و معیارهای اجرایی در ارتباط با اجرای این مقررات و دیگر اطلاعات مربوط به اجرای آن و همچنین اطلاعات مربوط به مشکلات احتمالی در کاربرد و اجرای آن را در اختیار دبیر کل قرار دهند.

۴. دبیر کل باید برای بررسی و اقدام بیشتر، گزارش‌های مذکور را در اختیار کمیته پیشگیری و کنترل جرم قرار دهد.

۵. دبیر کل باید این مقررات و راه‌کارهای حاضر را در اختیار تمامی دولتها و سازمان‌های بین‌الدولی و غیرانتفاعی ذیربط به تمامی زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد قرار دهد.

۶. سازمان ملل متحد به عنوان بخشی از خدمات مشاوره و همکاری‌ها فنی و برنامه توسعه خود باید:

(الف) خدمات کارشناسان و مشاوران منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای در قبال اجرای مفاد این آیین‌نامه را در اختیار دول درخواست‌کننده آنها قرار دهد؛

(ب) سمینارها و دیگر جلسات آموزشی ملی و منطقه‌ای را در خصوص این مقررات و نقش و وظایف مأموران انتظامی در قبال حفظ حقوق بشر و پیشگیری از جرم برگزار کند.

۷. نهادهای منطقه‌ای سازمان ملل متحد باید ترغیب گردند تا اقدام به برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی در خصوص این مقررات نمایند و درباره میزان اجرای آن در کشورهای آن منطقه و همچنین مشکلات پیش رو تحقیق کنند.

۴۹. اصول پایه استفاده از زور و سلاح گرم توسط مأموران انتظامی

در حالی که کار مأموران انتظامی، یک خدمت اجتماعی بسیار بااهمیت است و بنابراین شرایط کاری و جایگاه مأموران انتظامی باید حفظ، و در صورت لزوم، ارتقا یابد،

در حالی که تهدید علیه زندگی و امنیت مأموران انتظامی باید به عنوان تهدید علیه ثبات کل جامعه تلقی شود،

در حالی که مأموران انتظامی نقشی حیاتی در حفظ حق زندگی، آزادی و امنیت افراد دارند که در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر تصریح و در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است،

در حالی که حداقل قوانین استاندارد برای برخورد با زندانیان، نمایانگر شرایطی است که به موجب آن، مأموران زندان ممکن است در راستای انجام وظایفشان به استفاده از زور متوسل شوند،

در حالی که ماده ۳ این آیین نامه در خصوص مأموران انتظامی نمایانگر آن است که ممکن است مأموران انتظامی در شرایطی که برای انجام وظایفشان الزامی است، از زور استفاده کنند،

در حالی که جلسه مقدماتی هفتمین کنگره سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و برخورد با بزه کاران در وارنای ایتالیا با عناصری موافقت کرد که باید در ارتباط با کار بیشتر پیرامون محدودیتهای استفاده از قانون و سلاح های گرم توسط مأموران انتظامی مد نظر قرار بگیرند

در حالی که کنگره هفتم در قطعنامه شماره ۱۴ خود، در بین سایر موضوعات، بر این امر تأکید کرد که استفاده از زور و سلاح های گرم توسط مأموران انتظامی باید منطبق با احترام به حقوق بشر باشد،

در حالی که شورای اقتصادی و اجتماعی در قطعنامه ۱۹۸۶/۱۰ بخش ۹ مورخ ۲۱ مه ۱۹۸۶، دول عضو را به توجه به اجرای این مقررات در قبال استفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط مأموران انتظامی دعوت کرد و مجمع عمومی در قطعنامه ۴۱/۱۴۹ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ در سایر موضوعات از پیشنهاد رایج شده توسط شورای استقبال کرد،

در حالی که مناسب است با توجه به امنیت فردی، به نقش مأموران انتظامی در ارتباط با اجرای عدالت، حفظ حق زندگی، آزادی و امنیت افراد، مسئولیت آنها در قبال حفظ امنیت عمومی و آرامش اجتماعی، و اهمیت توانایی‌های آموزشی و عملیاتی آنها توجه شود،

اصول پایه مندرج در ذیل برای کمک به دول عضو در انجام وظایفشان برای تضمین و توسعه نقش مناسب مأموران انتظامی تدوین شده‌اند و دولت‌ها باید در چارچوب قوانین و رویه‌های ملی خود به این موارد ترتیب اثر دهند و به مأموران انتظامی و دیگر افراد همچون قضات، دادستان‌ها، وکلا، اعضای شاخه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و عموم مردم توجه ویژه‌ای مبذول دارند.

مفاد عمومی

۱. دولت‌ها و نهادهای انتظامی باید قوانین و مقرراتی را در خصوص استفاده از زور و سلاح گرم علیه افراد توسط مأموران

انتظامی، تدوین و اجرا کنند. در تدوین این قوانین و مقررات، دولت‌ها و نهادهای انتظامی باید موضوعات اخلاقی را مرتباً در ارتباط با استفاده از زور و سلاح‌های گرم تحت ارزیابی داشته باشند.

۲. دولت‌ها و نهادهای انتظامی باید طیفی از تنوع وسایل را به کار بگیرند و مأموران انتظامی را به انواع مختلف سلاحها و مهمات که امکان استفاده‌ای متفاوت از زور و سلاح‌های گرم را فراهم می‌آورد، مجهز کنند. این موارد باید شامل توسعه سلاح‌های غیرکشنده برای استفاده در شرایط مناسب همراه با محدود کردن فزاینده کاربرد سلاح‌هایی باشد که می‌توانند باعث مرگ یا جراحت افراد شوند. در راستای همین هدف، احتمال دارد مأموران انتظامی به تجهیزات دفاع شخصی همچون سپر، کلاه، جلیقه‌های ضدگلوله و وسایط نقلیه ضدگلوله مجهز شوند تا نیاز به استفاده از هر نوع سلاحی کاهش یابد.

۳. توسعه و بکارگیری سلاح‌های غیرکشنده باید به دقت ارزیابی شود تا ریسک به خطر افتادن افراد بی‌گناه به حداقل برسد و استفاده از چنین سلاح‌هایی باید کاملاً کنترل شده باشد.

۴. مأموران انتظامی در اجرای وظایفشان باید حتی‌المقدور از ابزارهای غیرکشنده

قبل از توسل به زور و سلاح‌های گرم استفاده کنند. تنها در صورتی که این ابزار کارآیی نداشته باشند یا امکان دستیابی به نتیجه دلخواه را فراهم نیاورند، می‌توان از زور و سلاح‌های گرم استفاده کرد.

۵. هر گاه استفاده از زور و سلاح گرم غیرقابل اجتناب باشد، مأموران انتظامی باید:

(الف) این نوع استفاده را نسبت به شدت بزه و تحقق هدف قانونی، محدود سازند؛

(ب) میزان آسیب و جراحت را به حداقل برسانند و زندگی افراد را حفظ نمایند؛

(ج) کمک و مساعدت پزشکی ارایه شده به مجروحان و افرادی که آسیب دیده‌اند را در سریع‌ترین شکل ممکن تضمین نمایند؛

(د) آگاه شدن خویشاوندان یا دوستان نزدیک افراد مجروح شده یا آسیب دیده را در سریع‌ترین زمان ممکن تضمین نمایند.

۶. هر گاه جراحت ناشی از استفاده از زور یا سلاح‌های گرم توسط مأموران انتظامی باشد، آنها باید سریعاً مآوقع را طبق اصل ۲۲ به مقامات مافوق گزارش کنند.

۷. دولت‌ها باید تضمین نمایند که طبق قوانینشان، استفاده اجباری یا سوءاستفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط

مأموران انتظامی به عنوان یک جرم کیفری قابل مجازات است.

۸. شرایط استثنایی همچون بی‌ثباتی سیاسی داخلی یا دیگر شرایط اضطراری عمومی را نمی‌توان توجیهی برای انحراف از این اصول پایه دانست.

مفاد خاص

۹. مأموران انتظامی نباید علیه افراد از سلاح‌های گرم استفاده کنند مگر این که در دفاع از خود یا دیگران در برابر تهدید به مرگ یا جراحت شدید باشد، پیشگیری از رخ دادن یک جرم شدید خاص باشد که دربرگیرنده تهدید زندگی افراد است، دستگیری فردی که اختیارات آنها را به خطر می‌اندازد و در برابر آنها مقاومت می‌کند باشد، یا مانع از فرار او شود و البته تنها باید در صورتی باشد که استفاده از ابزار ساده‌تر برای تحقق این اهداف کفایت نمی‌کنند. در هر حالت، استفاده تعمدی از سلاح‌های کشنده تنها در صورتی مجاز است که برای حفظ زندگی افراد غیرقابل اجتناب باشد.

۱۰. در شرایط مندرج در اصل ۹، مأموران انتظامی باید خودشان شرایط را شناسایی کرده و هشدار روشنی را دال بر قصدشان برای استفاده از سلاح گرم همراه با زمان کافی برای مد نظر قرار گرفتن این هشدار

اعلام کنند مگر این که انجام چنین کاری
مأموران انتظامی را در معرض خطر قرار
دهد یا باعث خطر مرگ یا آسیب شدید به
افراد دیگر شود یا در شرایط حادثه،
نامناسب و بیهوده باشد.

۱۱. قوانین و مقررات استفاده از سلاح‌های گرم
توسط مأموران انتظامی باید شامل راهکارهایی
باشد که:

(الف) شرایطی را مشخص می‌کنند که تحت آنها،
مأموران انتظامی اجازه می‌یابند تا سلاح‌های
گرم حمل کنند و انواع سلاح‌های گرم و مهمات
مجاز همراه آنها را تعیین می‌کنند؛

(ب) تضمین می‌نمایند سلاح‌های گرم تنها در
شرایط مناسب و به صورتی استفاده می‌شوند که
خطر آسیب‌های غیرضروری را کاهش می‌دهند؛

(ج) استفاده از سلاح‌های گرم و مهماتی که
باعث آسیب ناخواسته یا نمایانگر خطری
ناخواسته هستند را ممنوع می‌کنند؛

(د) کنترل، ذخیره‌سازی و تحویل سلاح‌های گرم را
قانونمند می‌کنند از جمله روشهای تضمین این
امر که مأموران انتظامی مسئول سلاح‌های گرم و
مهمات هستند که به آنها تحویل شده است؛

(ه) در صورت امکان، در زمانی که قصد دارند
از سلاح‌های گرم استفاده کنند، هشدار می‌دهند؛

(و) سیستمی را برای گزارش‌دهی در خصوص استفاده از سلاح‌های گرم در راستای انجام وظایفشان را تدوین می‌کنند.

مراقبت‌های پلیسی تجمع‌های غیرقانونی

۱۲. با عنایت به این که طبق اصول مندرج در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر فردی مجاز است تا در تجمع‌های قانونی و آرام شرکت کند، دولت‌ها و نهادهای انتظامی و مأموران آنها باید آگاه باشند که تنها می‌توانند طبق اصول ۱۳ و ۱۴ از زور و سلاح‌های گرم استفاده کنند.

۱۳. برای متفرق کردن کردن تجمع‌هایی که غیرقانونی اما غیرخشونت‌بار هستند، مأموران انتظامی باید از اعمال زور پرهیز کنند یا اگر این کار عملی نیست، باید این اعمال زور را به حداقلی‌ترین شکل لازم محدود نمایند.

۱۴. برای متفرق کردن تجمع‌هایی که خشونت‌بار هستند، مأموران انتظامی می‌توانند تنها در زمانی از زور و سلاح‌های گرم استفاده کنند که استفاده از ابزار کمتر خطرناک عملی نیست و این استفاده باید تنها به حداقلی‌ترین شکل لازم صورت بپذیرد. مأموران انتظامی نباید از سلاح‌های گرم در چنین مواردی استفاده کنند به استثنای شرایط مندرج در اصل ۹.

مراقبت‌های پلیسی در خصوص افرادی که در بازداشت یا زندان به سر می‌برند

۱۵. مأموران انتظامی در ارتباط با افرادی که در بازداشت یا زندان به سر می‌برند، نباید از زور استفاده کنند مگر زمانی که این امر برای حفظ امنیت و نظم در آن مکان ضروری است یا امنیت فردی تهدید شده است.

۱۶. مأموران انتظامی در ارتباط با افرادی که در بازداشت یا زندان به سر می‌برند، نباید از سلاح‌های گرم استفاده کنند مگر برای دفاع از خود یا دیگران در برابر تهدید آبی مرگ یا جراحت شدید یا زمانی که این کار برای پیشگیری از فرار فرد در بازداشت یا زندان که خطرات مندرج در اصل ۹ را به همراه دارد، ضروری است.

۱۷. اصول قبلی بدون هر گونه جانبداری نسبت به حقوق، وظایف و مسئولیت‌های مأموران زندان‌ها که مشخصاً در بندهای ۳۳، ۳۴ و ۵۴ قوانین حداقل استانداردها برای برخورد با زندانیان درج شده‌اند، به اجرا در می‌آیند.

صلاحیت‌ها، آموزش و مشاوره

۱۸. دولت‌ها و سازمان‌های انتظامی باید تضمین نمایند که مأموران انتظامی بر اساس رویکردهای گزینشی مناسب انتخاب شده‌اند، دارای ویژگی‌های مناسب اخلاقی، روانی و فیزیکی برای انجام اثربخش وظایفشان هستند و آموزش حرفه‌ای را به طور مستمر و جامع دریافت می‌دارند. تناسب مستمر آنها برای انجام این وظایف باید موضوع ارزیابی‌های دوره‌ای باشد.

۱۹. دولتها و نهادهای انتظامی باید تضمین نمایند که تمامی مأموران انتظامی آموزش می‌بینند و طبق استانداردهای مناسب برای استفاده از زور تست می‌شوند. آن دسته از مأموران انتظامی که می‌بایست از سلاح‌های گرم استفاده کنند، باید مجوز دریافت این کار را پس از تکمیل آموزش‌های خاص استفاده از این سلاح‌ها دریافت دارند.

۲۰. در آموزش مأموران انتظامی، دولتها و نهادهای انتظامی باید توجه ویژه‌ای را به اخلاق پلیسی و حقوق بشر به ویژه در فرآیند تحقیقات، جایگزین‌های استفاده از زور و سلاح‌های گرم، و روش‌های قانع‌سازی، مذاکره و مراقبه و همچنین ابزارهای فنی که هدفشان محدود کردن استفاده از زور و سلاح‌های گرم می‌باشد، مبذول نمایند. نهادهای انتظامی باید برنامه‌های آموزشی و رویه‌های عملیاتی خود را در پرتو رخدادهای خاص ارزیابی نمایند.

۲۱. دولتها و نهادهای انتظامی باید بر ارایه مشاوره به مأموران انتظامی که درگیر وضعیت‌هایی هستند که نیازمند استفاده از زور و سلاح‌های گرم می‌باشند، تأکید نمایند.

رویه‌های ارزیابی و گزارش‌دهی

۲۲. دولتها و نهادهای انتظامی باید از روش‌های کارآمد ارزیابی و گزارش‌دهی برای تمامی رخدادهای مندرج در اصول ۶ و ۱۱ (و) استفاده کنند. برای رخدادهای گزارش شده طبق این اصول، دولتها و نهادهای انتظامی باید

تضمین نمایند که فرآیند کارآمد ارزیابی موجود است و مراجع مستقل اجرایی و قضایی برای اعمال قانون در شرایط مناسب در دسترس می‌باشند. در مورد مرگ و جراحت شدید یا دیگر پیامدهای ناگوار، گزارشی مشروح باید سریعاً به مراجع ذیصلاح که مسئول ارزیابی اجرایی و کنترل قضایی هستند، ارسال شود.

۲۳. افراد آسیب دیده از اعمال زور و سلاح‌های گرم یا نمایندگان قانونی آنها، باید به یک فرآیند مستقل از جمله یک فرآیند قضایی دسترسی داشته باشند. در صورت مرگ چنین افرادی، این مفاد باید متعاقباً برای وابستگان آنها اعمال شوند.

۲۴. دولت‌ها و نهادهای انتظامی باید تضمین نمایند که مأموران مافوق می‌دانند یا باید بدانند که آنها نسبت به مأموران انتظامی زیردست خود که اقدام به استفاده غیرقانونی از زور یا سلاح‌های گرم می‌کنند یا کرده‌اند مسئول هستند و آنها باید از تمام اختیارات خود برای تضمین پیشگیری، سرکوب، یا گزارش این موضوع استفاده کنند.

۲۵. دولت‌ها و نهادهای انتظامی باید تضمین نمایند که هیچ گونه منع کیفی یا انضباطی برای آن دسته از مأموران انتظامی اعمال نخواهد شد که طبق مقررات مأموران انتظامی و این اصول پایه، از اجرای دستور استفاده از زور و سلاح‌های گرم سر باز زده‌اند یا چنین

استفاده‌ای توسط دیگر مأموران را گزارش نموده‌اند.

۲۶. اطاعت از دستور مافوق یک دفاع نیست به ویژه اگر مأموران انتظامی بدانند که دستور به استفاده از زور یا سلاح گرم که منجر به مرگ یا جراحت شدید یک فرد می‌شود، اساساً غیرقانونی است و آنها فرصتی معقول برای خودداری از اجرای چنین دستوری داشته‌اند. در هر حال، مسئولیت این موضوع بر عهده مافوقی است که این دستورات غیرقانونی را صادر کرده است.

۵۰. اصول پایه استقلال قوه قضاییه

در حالی که در منشور ملل متحد، مردم جهان عزم خود را برای ایجاد شرایطی اعلام می‌نمایند که طبق آنها، می‌توان عدالت را برای دستیابی به همکاری بین‌المللی در قبال ارتقا و ترغیب احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون هیچ گونه تبعیضی حفظ کرد،

در حالی که اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مشخصاً اصول عدالت را پیش از هر قانونی و با پیش‌فرض بی‌گناهی و حق رسیدگی منصفانه و عمومی توسط یک مرجع ذیصلاح، مستقل و بیطرف تعیین شده توسط قانون را تصریح می‌نماید،

در حالی که میثاق‌های بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی هر دو تضمین‌کننده اجرای آن حقوق هستند و به علاوه، میثاق حقوق مدنی و سیاسی

تضمین‌کننده حقی است که باید بدون هر گونه تأخیری اعمال شود،

در حالی که هنوز میان نگرش شکل‌دهنده این اصول و وضعیت عملی، شکاف وجود دارد،

در حالی که سازماندهی و اجرای عدالت در هر کشوری باید بر اساس این اصول القا شود و تلاش‌ها باید در راستای تبدیل کامل آنها به واقعیت انجام گیرند،

در حالی که هدف قوانین مربوط به اجرای عدالت باید قادر ساختن قضات به عمل کردن بر مبنای این اصول باشد،

در حالی که قضات مسئول تصمیم‌گیری نهایی درباره زندگی، آزادی‌ها، حقوق، وظایف و اموال شهروندان هستند،

در حالی که ششمین کنگره ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و برخورد با بزه‌کاران، طبق قطعنامه شماره ۱۶ خود، از کمیته کنترل و پیشگیری از جرم درخواست نمود تا در میان اولویت‌هایش، شفاف‌سازی راه‌کارهای مرتبط با استقلال قضات و انتخاب، آموزش حرفه‌ای و جایگاه قضات و دادستان‌ها را بگنجاند،

در حالی که مناسب است تا در ابتدا به نقش قضات در ارتباط با سیستم کیفری و اهمیت انتخاب، آموزش و هدایت آنها توجه شود،

اصول پایه زیر که با همکاری دول عضو در قبال وظیفه آنها برای تضمین و ارتقای استقلال قوه

قضاییه تدوین شده اند، باید توسط دولت‌ها در چارچوب قوانین و شیوه‌های ملی آنها مد نظر قرار گرفته و مورد توجه قضات، وکلا، اعضای قوه‌های مجریه و قضاییه و عموم مردم قرار بگیرند. این اصول اساساً با مد نظر قرار دادن قضات حرفه‌ای تدوین شده‌اند و البته به شکلی برابر و در صورت لزوم، برای تمامی قضات عمومی نیز در صورتی که وجود داشته باشند، قابل اعمال است.

استقلال قوه قضاییه

۱. استقلال قوه قضاییه باید توسط دولت تضمین و در قانون اساسی یا قوانین آن کشور تصریح گردد. این وظیفه تمامی مراجع دولتی و غیره است تا استقلال قوه قضاییه را رعایت و نظارت کنند.

۲. قوه قضاییه در مورد موضوعاتی که نزد آن می‌باشند، به شکلی بیطرفانه و بر مبنای حقایق و طبق قانون، بدون هیچ گونه محدودیت، تأثیرات نامناسب، تشویق‌ها، فشارها، تهدیدها یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم از هر طرف و به هر دلیلی تصمیم‌گیری خواهد کرد.

۳. قوه قضاییه درباره تمامی موضوعاتی که دارای ماهیت قضایی هستند، صلاحیت دارد و دارای اختیارات انحصاری برای تصمیم‌گیری پیرامون این موضوع است که آیا طبق آنچه در قانون تعیین شده در مورد موضوعی که

برای تصمیم‌گیری به آن ارجاع شده، صلاحیت دارد یا خیر.

۴. هیچ‌گونه مداخله نامناسب یا ناخواسته‌ای نباید در فرآیند قضایی رخ دهد و نباید تصمیمات قانونی دادگاه‌ها مشمول بازنگری قرار بگیرند. این اصل بدون تعصب به ارزیابی قضایی یا تعدیل یا تخفیف توسط مراجع ذیصلاح در مورد محکومیت اعمال شده توسط قوه قضاییه طبق قانون است.

۵. هر فردی حق دارد تا تا به دعوی او در دادگاه‌های عادی یا بدوی و با استفاده از شیوه‌های قضایی معتبر رسیدگی شود. دادگاه‌های بدوی که از روش‌های کاملاً معتبر فرآیندهای قضایی استفاده نمی‌کنند، نباید به صورتی ایجاد شوند که جایگزین دادگاه‌های عادی یا محکمه‌ها گردند.

۶. اصل استقلال قوه قضاییه لازم و ضروری می‌سازد که قوه قضاییه تضمین نماید روش‌های رسیدگی قضایی به صورت منصفانه انجام می‌شوند و حقوق طرفین را رعایت می‌کنند.

۷. وظیفه هر یک از دول عضو آن است که منابع کافی را فراهم آورند تا قوه قضاییه بتواند وظایفش را به نحو مناسب انجام دهد.

آزادی بیان و ارتباط

۸. منطبق با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اعضای قوه قضاییه همانند دیگر شهروندان

از آزادي بيان، عقیده، ارتباط و تجمع برخوردارند با اين فرض که در اجراي اين حقوق، قضات بايد همواره به طريقي عمل کنند که شأن سازمان خود و بيطرفي و استقلال قوه قضايي را حفظ کنند.

۹. قضات بايد آزادانه اقدام به ايجاد يا پيوستن به انجمنهاي قضات يا ديگر سازمانهاي نمايند که در راستاي منافع آنها هستند، آموزش حرفه اي آنها را توسعه مي دهند و استقلال قضايي آنان را حفظ مي کنند.

صلاحيتها، انتخاب و آموزش

۱۰. افراد انتخاب شده براي دستگاه قضايي بايد افرادي با صداقت و توانمند همراه با آموزش و صلاحيتهاي مناسب قانوني باشند. روش انتخاب قضايي بايد در برابر انگيزه هاي نامناسب داوطلبان قضايي مصون بماند. در انتخاب قضات، هيچ تبعيضي نبايد عليه فرد بر اساس نژاد، رنگ، جنسيت، مذهب، افکار سياسي، ديگر تفکرات، منشأ ملي يا اجتماعي، تولد يا جايگاه صورت بگيرد به استثناي اين شرط که يك داوطلب کار در دستگاه قضايي بايد داراي مليت کشور متبوع باشد و نبايد هيچ تبعيض ديگري مد نظر قرار بگيرد.

شرایط خدمت و استخدام رسمي

۱۱. شرایط اداری قضات، استقلال، امنیت، حقوق مکفی، شرایط خدمت، مستمری و سن بازنشستگی آنها باید همگی به شکل کافی در قانون تضمین شوند.

۱۲. قضات چه منصوب شده باشند و چه انتخاب، باید تا زمان رسیدن به سن بازنشستگی یا انقضای دوران خدمتشان - هر کدام که وجود داشته باشد - از استخدام رسمی برخوردار باشند.

۱۳. ارتقای قضات، هر گاه که چنین سیستمی وجود داشته باشد، باید مبتنی بر عوامل عینی به ویژه توانایی، صداقت و تجربه باشد.

۱۴. واگذاری پرونده‌ها به قضات در دادگاهی که آنها بدان تعلق دارند، یک موضوع داخلی قوه قضاییه است.

رازداری و مصونیت حرفه‌ای

۱۵. قوه قضاییه باید دارای رازداری حرفه‌ای در ارتباط با احکام و اطلاعات محرمانه به دست آمده در جریان انجام وظایف قضات به غیر از رویه‌های عمومی باشد و آنها نباید وادار شوند تا در خصوص چنین موضوعاتی شهادت دهند.

۱۶. بدون التزام انحصاری به یک رویه انضباطی یا هر گونه حق استیناف یا جبران

خسارت از جانب دولت، طبق قانون ملي، قضاات بايد از مصونيت شخصي در قبال شكايات مدني در قبال ترميم خسارات به استناد اقدامات يا تصميمات متخذه در انجام وظائف قانوني خویش برخوردار باشند.

مقررات انضباطی، تعلیق و اخراج

۱۷. اتهام يا شكایت علیه يك قاضي در خصوص توانايي حرفه‌اي و قانوني وي بايد به صورت آني و منصفانه تحت يك روية مناسب بررسي شود. قاضي از يك جلسه استماعية منصفانه برخوردار است. بررسي اين موضوع در مراحل اوليه بايد محرمانه باقي بماند مگر اين كه قاضي درخواست ديگري داشته باشد.

۱۸. قضاات مي‌توانند تنها به دليل عدم توانايي يا رفتاري كه آنها را براي انجام وظائفشان نامتناسب مي‌سازد، مشمول تعلیق يا اخراج قرار بگيرند.

۱۹. تمامي روشهای انضباطي، تعلیق يا اخراج بايد مشمول يك ارزيابي مستقل باشند. اين اصل نبايد درباره تصميمات ديوانعالي و ديگر قوانين در اعلام جرم يا ديگر رويه‌ها اعمال گردد.

۵۱. روشهایی براي اجراي کارآمد اصول پايه استقلال قوه قضاييه

۱. تمامی دولتها باید در سیستم‌های قضایی خود، اصول پایه استقلال قوه قضاییه را طبق فرآیند قانون‌گذاری و روشهای داخلی خود تدوین و اجرا نمایند.

روش ۲

هیچ قاضی نباید برای اهدافی انتصاب یا انتخاب شود یا ملزم به انجام خدماتی شود که مغایر با این اصول پایه هستند. هیچ قاضی نباید مسئولیت قضایی را بر مبنای انتصاب یا انتخاب بپذیرد یا خدماتی را انجام دهد که مغایر با اصول پایه می‌باشند.

روش ۳

اصول پایه باید برای تمامی قضات از جمله قضات غیر حرفه‌ای در صورتی که وجود داشته باشند، اعمال شوند.

روش ۴

دولتها باید تضمین نمایند که اصول پایه حداقل به زبان یا زبان‌های اصلی یا رسمی دولت مبتوعشان و در سطحی گسترده منتشر شوند. قضات، وکلای، اعضای قوه مجریه، قوه مقننه و عموم مردم باید به مناسبترین شکل ممکن از محتوا و اهمیت اصول پایه آگاه شوند تا کاربرد آنها را در چارچوب سیستم قضایی خود ارتقا دهند. به طور خاص، دولتها باید متن اصول پایه را در اختیار تمامی اعضای قوه قضاییه قرار دهند.

روش ۵

در اجرای اصول ۸ و ۱۲ اصول پایه، دولت‌ها باید توجه ویژه‌ای به منابع کافی برای انجام وظایف سیستم قضایی مبذول دارند از جمله تعداد کافی قضات در ارتباط با حجم پرونده‌ها، با این فرض که دادگاه‌ها از پرسنل پشتیبانی و تجهیزات لازم بهره‌مند هستند و امنیت فردی، حقوق و مزایای مناسب را در اختیار قضات قرار می‌دهند.

روش ۶

دولت‌ها باید سمینارها و دوره‌هایی را در سطوح ملی و منطقه‌ای در خصوص نقش قوه قضاییه در جامعه و لزوم استقلال آن برگزار کرده یا ترغیب به برگزاری آنها نمایند.

روش ۷

مطابق با بخش ۵ قطعنامه ۱۹۸۶/۱۰ شورای اقتصادی و اجتماعی، دول عضو باید هر پنج سال یک بار که از سال ۱۹۸۸ آغاز شده، دبیر کل را از پیشرفت به دست آمده در اجرای اصول پایه از جمله انتشار آنها، گنجاندن آنها در سیستم قانون‌گذاری ملی، مسایل پیش رو و موانع و مشکلات موجود در اجرای آنها در سطح ملی و حمایتی که از جانب جامعه بین‌الملل مورد نیاز است، مطلع سازند.

روش ۸

دبیر کل باید گزارش‌های دوره‌ای را در خصوص پیشرفت حاصله در اجرای اصول پایه و بر مبنای اطلاعات دریافتی از دولتها طبق رویه ۷ و همچنین دیگر اطلاعات موجود در سیستم سازمان ملل متحد از جمله اطلاعات همکاری و آموزش‌های فنی ارائه شده توسط انستیتوها، کارشناسان و مشاوران منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای به کمیته کنترل و پیشگیری از جرم ارائه کند. در تهیه این گزارش‌ها، دبیر کل باید به همکاری سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های ذیربط بین‌الدولی و سازمان‌های غیردولتی به ویژه انجمن‌های حرفه‌ای قضات و وکلا که در جایگاه مشاوره شورای اقتصادی و اجتماعی قرار دارند، اشاره کند و اطلاعات ارائه شده توسط چنین سازمان‌ها و نهادهایی را مد نظر قرار دهند.

روش ۹

دبیرکل باید اصول پایه، روند اجرای فعلی و گزارش‌های مقطعی درباره اجرای موارد مندرج در رویه‌های ۷ و ۸ را حتی‌المقدور به زبان‌های مختلف منتشر کند و آنها را در اختیار تمامی دولتها و سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی ذیربط قرار دهد تا بیشترین گردش این اسناد تضمین گردد.

روش ۱۰

دبیرکل باید بیشترین ارجاع ممکن و استفاده از متن اصول پایه و رویه‌های فعلی اجرایی توسط سازمان ملل متحد در تمامی برنامه‌های مربوطه‌اش و همچنین گنجاندن سریع این اصول در

نشرية سازمان ملل متحد تحت عنوان حقوق بشر: انتشارات اسناد بين المللي را طبق بخش ۵ قطعنامه ۱۹۸۶/۱۰ شوراي اقتصادي و اجتماعي تضمين کند.

روش ۱۱

به عنوان بخشي از برنامه همکاري فني، سازمان ملل متحد و مشخصاً اداره همکاري فني براي توسعه دبیرخانه و برنامه عمران ملل متحد بايد:

(الف) به دولتها طبق درخواست آنها براي ايجاد و تقويت سيستمهاي قضايي مستقل و کارآمد کمک کنند؛

(ب) به درخواست دولتها، خدمات کارشناسان و مشاوران منطقه‌اي و بين منطقه‌اي را در خصوص موضوعات قضايي در اختيار آنها قرار دهند تا به اجراي اصول پايه کمک شود؛

(ج) تحقيق پيرامون معيارهاي کارآمد اجراي اصول پايه را با تأکيد بر دستاوردهاي جديد در اين حوزه افزايش دهند؛

(د) سمينارهاي ملي و منطقه‌اي و همچنين ديگر جلسات را در سطوح حرفه‌اي و غيرحرفه‌اي را در مورد نقش قوه قضاييه در جامعه، لزوم استقلال آن و اهميت اجراي اصول پايه در قبال پيگيري آن اهداف برگزار کنند؛

(ه) کمکهاي قابل توجه مؤسسات آموزشي و تحقيقاتي منطقه‌اي و بين منطقه‌اي سازمان ملل

متحد را در قبال پیشگیری از جرم و حقوق کیفری و همچنین دیگر نهادهای موجود در سیستم سازمان ملل متحد که به اجرای این اصول می‌پردازند، تقویت نمایند.

روش ۱۲

مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و حقوق کیفری و همچنین دیگر نهادهای ذیربط در نظام سازمان ملل متحد، باید به این فرآیند اجرایی کمک کنند. آنها باید توجه خاصی به روش‌ها و ابزار تقویت کاربرد اصول پایه در برنامه‌های تحقیقاتی و آموزشی و ارایة کمک‌های فنی حسب درخواست کشورهای عضو مبذول نمایند. در این راستا، مؤسسات سازمان ملل متحد با همکاری مؤسسات ملی و سازمان‌های ذیربط بین‌الدولی و غیردولتی باید اقدام به تدوین دوره‌ها و مفاد آموزشی بر مبنای اصول پایه نموده و رویه‌های اجرایی را که متناسب برای استفاده در برنامه‌های آموزش قضایی در تمامی سطوح و همچنین در دوره‌های تخصصی حقوق بشر و موضوعات مرتبط هستند، ارایه نمایند.

روش ۱۳

کمیسیون‌های منطقه‌ای، سازمان‌های تخصصی و دیگر نهادهای سیستم سازمان ملل متحد و همچنین سایر سازمان‌های ذیربط بین‌الدولی باید فعالانه در این فرآیند اجرایی درگیر شوند. آنها باید دبیرکل را از تلاش‌های صورت گرفته برای انتشار این اصول پایه، تدابیر اتخاذ شده برای اجرای

آنها و همچنین تمامی موانع و نقایص پیش رو، مطلع سازند. دبیر کل باید گام‌هایی را برای تضمین این امر بردارد که سازمان‌های بین‌الدولی با مشورت شورای اقتصادی و اجتماعی، فعالانه در این فرآیند اجرایی و رویه‌های گزارش‌دهی مرتبط، درگیر شوند.

روش ۱۴

کمیته کنترل و پیشگیری از جرم باید به جمع عمومی و شورای اقتصادی در خصوص پیگیری روش‌های اجرایی حاضر از جمله گزارش‌دهی تحت روش‌های ۷ و ۸ فوق کمک کند. در این راستا، کمیته باید موانع یا نقایص موجود در اجرای اصول پایه و دلایل آنها را شناسایی نماید.

کمیته باید در صورت تناسب، توصیه‌های مشخصی را درباره اقدامات لازم برای اجرای اثربخش این اصول پایه در اختیار جمع عمومی و شورا و سایر نهادهای ذیربط حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار دهد.

روش ۱۵

کمیته کنترل و پیشگیری از جرم باید به جمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و سایر نهادهای ذیربط حقوق بشر سازمان ملل متحد کمک کند و در صورت تناسب، توصیه‌هایی را در ارتباط با گزارش‌های کمیسیون‌ها و نهادهای ویژه تفحص و همچنین موضوعات مرتبط با کاربردها و اجرای این اصول پایه ارائه نماید.

اصول پایه در خصوص نقش وکلا

در حالی که در منشور ملل متحد، مردم جهان در میان سایر موضوعات، عزم خود برای ایجاد شرایطی را که تحت آن بتوان عدالت را حفظ کرد و آن را به عنوان یکی از اهداف تحقق همکاری بین‌المللی در زمینه ارتقا و ترغیب به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض از نظر نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب دانست، تأکید می‌نمایند.

در حالی که اعلامیه ی جهانی حقوق بشر اصول عدالت را نزد قانون، پیش‌فرض عدم قصور، حق رسیدگی منصفانه و عمومی در یک دادگاه مستقل و بیطرف، و تمامی ضمانت‌های لازم برای دفاع از هر فرد متهم به یک بزه کیفری را تصریح می‌نماید،

در حالی که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق دادرسی بدون تأخیر و حق رسیدگی منصفانه و عمومی توسط یک دادگاه ذیصلاح، مستقل و بیطرف ایجاد شده طبق قانون را تصدیق می‌کند،

در حالی که میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، خواهان تعهد دولت‌ها طبق منشور ملل متحد برای ارتقای احترام و رعایت جهانی آزادی‌ها و حقوق بشر است،

در حالی که مجموعه اصول حمایت از تمامی افراد موضوع هر نوع از بازداشت یا حبس، نمایانگر آن است که فرد بازداشت شده محق است تا از

حمایت و ارتباط و مشاوره با يك مشاور حقوقی برخوردار باشد،

در حالی که قوانین حداقل استاندارد برخوردار با زندانیان مشخصاً توصیه می‌کند که حمایت حقوقی و ارتباط محرمانه با مشاور باید برای زندانیان در انتظار محاکمه تضمین گردد،

در حالی که حمایت‌های تضمین‌کننده مصونیت افرادی که با مجازات اعدام مواجه شده‌اند، مجدداً بر حق هر فرد مظنون یا متهم به جرمی که مجازات مرگ برای آن تعیین شده و می‌تواند در تمامی مراحل دادرسی و طبق ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از حمایت قانونی کافی برخوردار باشد، تأکید می‌نماید،

در حالی که بیانیه اصول پایه عدالت در زمینه ی قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، تدابیری را توصیه می‌کند که باید در سطوح ملی و بین‌المللی برای افزایش دسترسی به رفتاری منصفانه و عادلانه، اعاده حیثیت، پرداخت غرامت و کمک به قربانیان جرایم اتخاذ شوند،

در حالی که حفظ کافی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که همه افراد محق هستند آنها را از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی در اختیار داشته باشند، نیازمند آن است که تمامی افراد دارای دسترسی اثربخش به خدمات حقوقی رایج شده توسط يك شخص دارای صلاحیت حرفه ای مستقل قانونی باشند،

در حالی که کانونهای وکلای حرفه‌ای دارای نقشی حیاتی در اجرای استانداردها و اصول اخلاق حرفه‌ای، مصونیت اعضایشان در برابر پیگرد قضایی و محدودیت و نقض نامناسب حقوقشان، ارایه خدمات حقوقی به تمامی کسانی که به آنها نیاز دارند و همکاری با مؤسسات دولتی و غیره در تحقق اهداف عدالت و منافع عمومی می‌باشد.

اصول پایه نقش وکلا ذیل الذکر، برای کمک به دول عضو در قبال وظیفه آنها برای ارتقا و تضمین نقش مناسب وکلا تدوین شده‌اند و باید دولت‌ها در چارچوب قوانین و روش‌های ملی خود آنها را رعایت کرده و مد نظر قرار دهند و باید مورد توجه وکلا و دیگر افراد همچون قضات، دادستان‌ها، اعضای قوه‌های مجریه و مقننه و عموم مردم قرار بگیرند. این اصول باید در صورت تناسب، برای افرادی اعمال گردند که وظایف وکلا را بدون داشتن جایگاه رسمی وکلا انجام می‌دهند.

دسترسی به وکلا و خدمات قانونی

۱. همه افراد محق هستند تا به انتخاب خود از کمک یک وکیل برای حفظ و رعایت حقوقشان بهره‌مند شوند و این وکیل در تمامی مراحل دادرسی کیفری از آنها دفاع کند.

۲. دولت‌ها باید تضمین نمایند که روش‌های کارآمد و ساز و کارهای پاسخگو برای دسترسی کارآمد و برابر به وکلا برای تمامی افراد در کشور و حوزه قضایی آنها بدون هر

گونه تفاوتی همانند تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، ریشه قومی، جنسیت، زبان، مذهب، افکار سیاسی و غیره، ریشه ملی یا اجتماعی، اموال، تولد، جایگاه اقتصادی و غیره در دسترس باشند.

۳. دولتها باید تأمین بودجه کافی و دیگر منابع برای خدمات قانونی به فقرا و در صورت لزوم به سایر افراد محروم را تضمین نمایند. انجمن‌های حرفه‌ای وکلا باید در سازماندهی و تأمین خدمات، تسهیلات و دیگر منابع همکاری کنند.

۴. دولتها و انجمن‌های حرفه‌ای وکلا باید برنامه‌های آگاه‌سازی عمومی درباره حقوق و وظایف قانونی و نقش مهم وکلا در حفظ آزادی‌های اساسی را ارتقا دهند. توجه ویژه‌ای باید به کمک به فقرا و سایر افراد محروم مبذول گردد تا آنها بتوانند از حقوق خود دفاع کنند و در صورت لزوم خواهان کمک وکلا گردند.

حمایت‌های ویژه در موضوعات حقوق کیفری

۵. دولتها باید تضمین نمایند که تمام افراد بلافاصله توسط مراجع ذیصلاح از حق خود برای دریافت کمک از وکلا به انتخاب خودشان به محض دستگیری یا بازداشت یا زمانی که به یک بزه کیفری متهم هستند، آگاه شوند.

۶. افرادی که فاقد وکیل هستند باید در تمامی مواردی که منافع عدالت الزامی می‌سازند، مجاز به داشتن یک وکیل باتجربه و ذیصلاح منطبق با ماهیت جرمی باشند که به آنها نسبت داده شده تا کمک قانونی کارآمد را بصورت مجانی در صورتی که فاقد ابزار کافی برای پرداخت هزینه چنین خدماتی هستند، دریافت دارند.

۷. دولت‌ها باید همچنین تضمین نمایند که فرد دستگیر یا بازداشت شده، چه با اتهام کیفری باشد و چه بدون آن، می‌بایست دسترسی سریع به یک وکیل داشته باشد و در هر حالت، دسترسی به وکیل نباید بیش از چهل و هشت ساعت از زمان دستگیری یا بازداشت طول بکشد.

۸. تمامی افراد دستگیر، بازداشت یا زندانی شده باید بدون هیچ گونه تأخیر، پنهان‌کاری یا سانسور و با محرمانه بودن کامل، از فرصت، زمان و تسهیلات کافی برای این که یک وکیل با آنها ملاقات کند یا با آنها ارتباط برقرار کرده و مشاوره بدهد، برخوردار باشند. چنین مشورت‌هایی می‌توانند در معرض دید اما بدون استماع مأموران انتظامی باشند.

صلاحیت‌ها و آموزش

۹. دولت‌ها، انجمن‌های حرفه‌ای وکلا و مؤسسات آموزشی باید تضمین نمایند که وکلای دارای

آموزش و تحصیلات مناسب باشند و از ایده‌آل‌ها و وظایف اخلاقی وکالت و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شناخته شده توسط قوانین ملی و بین‌المللی آگاه گردند.

۱۰. دولتها، انجمن‌های حرفه‌ای وکلا و مؤسسات آموزشی باید تضمین نمایند که هیچ تبعیضی علیه افراد در ارتباط با ورود یا استمرار فعالیت در یک حرفه قانونی بر اساس زمینه‌های نژاد، رنگ، ریشه قومی، جنسیت، زبان، مذهب، افکار سیاسی و غیره، ریشه ملی یا اجتماعی، اموال، تولد، جایگاه اقتصادی و غیره وجود نداشته باشد و به استثنای این شرط که وکیل باید تبعه کشور مورد نظر باشد نباید هیچ تبعیض دیگری اعمال شود.

۱۱. در کشورهایی که گروه‌ها، جوامع یا مناطقی وجود دارند که نیازهایشان به خدمات قانونی مرتفع نشده‌اند به ویژه مناطقی که چنین گروه‌هایی دارای فرهنگ‌ها، آداب و سنن یا زبان‌های مختلفی هستند یا قربانی تبعیض‌های قبلی بوده‌اند، دولتها، انجمن‌های حرفه‌ای وکلا و مؤسسات آموزشی باید تدابیر ویژه‌ای را به منظور فرصت‌آفرینی برای داوطلبان این گروه‌ها جهت ورود به حرفه قضایی اتخاذ کنند و باید تضمین نمایند که آنها آموزش مناسب را برای نیازهای گروه‌هایشان دریافت می‌دارند.

وظایف و مسئولیت‌ها

۱۲. وکلا باید در تمامی اوقات، صداقت و شأن حرفه خود را به عنوان عاملان ضروری اجرای عدالت حفظ کنند.

۱۳. وظایف وکلا نسبت به موکلانشان شامل این موارد است:

(الف) مشاوره دادن به موکلان در خصوص حقوق و تعهدات قانون آنها و همچنین کارکرد کنونی سیستم قضایی که متناسب با حقوق و تعهدات قانون موکلان است؛

(ب) کمک به موکلان به هر شکل مناسب و اتخاذ اقدام قانونی برای حفظ منافع آنها؛

(ج) در صورت تناسب، کمک به موکلان در دادگاه‌ها، محکمه‌ها یا مراجع اداری.

۱۴. وکلا برای حفظ حقوق موکلانشان و ارتقای اجرای عدالت، باید به دنبال اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شناخته شده در قوانین ملی و بین‌المللی باشند و باید در تمام اوقات آزادی و با پشتکار و طبق قوانین، استانداردها و اصول اخلاقی حرفه قانونی خود عمل نمایند.

۱۵. وکلا باید همواره نسبت به منافع موکلان خود وفادار باشند.

ضمانت‌هایی برای عملکرد وکلا

۱۶. دولت‌ها باید تضمین نمایند که وکلا (الف) قادر باشند تا تمامی وظایف حرفه‌ای خود را

بدون ارباب، مزاحمت، خشونت یا مداخله نامناسب انجام دهند؛ (ب) قادر باشند تا برای مشاوره با موکلانشان، آزادانه در کشور خود یا خارج از آن سفر کنند؛ و (ج) نباید در ارتباط با اقدامی که طبق وظایف، استانداردها و اصول اخلاقی تأیید شده حرفه‌ای خویش انجام می‌دهند، متحمل پیگرد قضایی یا تحریم‌های اداری، اقتصادی یا غیر قرار بگیرند یا تهدید به آن شوند.

۱۷. وقتی امنیت وکلا به دلیل انجام وظایفشان تهدید می‌شود، آنها باید به میزان کافی توسط مراجع حمایت شوند.

۱۸. نباید هویت وکلا در نتیجه انجام وظایفشان توسط وکلا یا عوامل وکلایشان فاش شود.

۱۹. هیچ دادگاه یا مرجع اجرایی که حق مشاوره وکیل نزد آن تأیید شده است، نباید از تأیید حق وکیل برای حضور در نزد آن از جانب موکلش سر باز زند مگر این که وکیل طبق قوانین و روش‌های ملی و منطبق با این اصول فاقد صلاحیت باشد.

۲۰. وکلا باید از مصونیت مدنی و کیفری برای اظهاراتی که با حسن نیت به صورت کتبی یا شفاهی یا در قبال حضور حرفه‌ای آنها در یک دادگاه، محکمه یا دیگر مراجع حقوقی یا اجرایی مطرح می‌شوند، بهره‌مند باشند.

۲۱. این وظیفه مراجع ذیصلاح است که تضمین نمایند وکلا اطلاعات، فایلها و اسناد مناسب را در زمان کافی در اختیار یا کنترل خود داشته باشند تا بتوانند معاضدت قضایی کافی را به موکلانشان ارائه کنند. این امر دسترسی باید در سریعترین زمان ممکن صورت بگیرد.

۲۲. دولتها باید این موضوع را تأیید و رعایت نمایند که تمامی ارتباطات و مشاوره‌های میان وکلا و موکلانشان در قالب روابط حرفه‌ای آنها محرمانه هستند.

آزادی بیان و ارتباط

۲۳. وکلا همانند دیگر شهروندان از آزادی بیان، عقیده، ارتباط و تجمع برخوردارند. مشخصاً آنها حق دارند تا در مباحث عمومی در قبال قانون، اجرای عدالت و ارتقا و حفظ حقوق بشر شرکت کنند و اقدام به ایجاد یا پیوستن به سازمان‌های محلی، ملی و بین‌المللی نمایند و در جلسات آنها شرکت کنند بدون این که به دلیل اقدامات قانونی یا عضویت در یک سازمان قانونی، با محدودیتهای حرفه‌ای مواجه شوند. در اجرای این حقوق، وکلا باید همواره منطبق با قوانین و استانداردها و اصول اخلاقی شناخته شده حرفه خویش عمل کنند.

ارتباطات حرفه‌ای وکلا

۲۴. وکلا مجاز هستند تا اقدام به ایجاد و پیوستن به انجمن‌های حرفه‌ای خودفرما برای بیان منافع، ارتقای آموزش و تحصیل مستمر و حفظ شأن حرفه‌ای خویش نمایند. نهاد اجرایی این انجمن‌های حرفه‌ای باید توسط اعضا انتخاب شود و وظایف خود را بدون مداخله بیرونی انجام دهد.

۲۵. انجمن‌های حرفه‌ای وکلا باید با دولتهای برای تضمین این امر همکاری کنند که هر فردی دارای دسترسی کارآمد و یکسان به خدمات قانونی باشد و وکلا بدون دخالتی نامناسب، بتوانند مشاوره حقوقی بدهند و به موکلانشان طبق قانون و استانداردهای حرفه‌ای و اصول اخلاقی کمک کنند.

روشهای انضباطی

۲۶. آیین‌نامه‌های حرفه‌ای برای وکلا باید طبق معیارهای حرفه‌ای قانونی و از طریق نهادهای مناسب یا توسط قوه مقننه مطابق با قانون و عرف ملی و استانداردها و ضوابط بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، تدوین گردند.

۲۷. اتهامات و شکایات علیه وکلا در قبال توانایی حرفه‌ای آن باید به سرعت و منصفانه طبق رویه‌های مناسب بررسی شوند. وکلا باید دارای حق یک استماعیه منصفانه از جمله حق دریافت معاضدت یک وکیل به انتخاب خودشان را داشته باشند.

۲۸. روشهای انضباطی علیه وکلا باید نزد یک کمیته بیطرف که توسط یک مکانیزم حقوقی ایجاد شده یا نزد یک مرجع قضایی مستقل، یا نزد یک دادگاه مطرح شوند و باید موضوع ارزیابی قضایی مستقل باشند.

۲۹. تمامی رویه‌های انضباطی باید طبق آیین‌نامه حرفه‌ای و دیگر استانداردها و اصول اخلاقی تأیید شده یک حرفه قانونی و در پرتو این اصول تعیین گردند.

۵۳. اصول راهنما در زمینه ی نقش دادستان‌ها

در حالی که در منشور ملل متحد، مردم جهان در میان سایر موضوعات، عزم خود برای ایجاد شرایطی را که تحت آن بتوان عدالت را حفظ کرد و آن را به عنوان یکی از اهداف تحقق همکاری بین‌المللی در زمینه ارتقا و ترغیب به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض از نظر نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب دانست، تأکید می‌نمایند،

در حالی که بیانیه جهانی حقوق بشر اصول عدالت را نزد قانون، پیش‌فرض عدم قصور، حق استماعیه منصفانه و عمومی در یک دادگاه مستقل و بیطرف را تصریح می‌نماید،

در حالی که هنوز میان بینش شکل‌دهنده این اصول و وضعیت واقعی شکاف وجود دارد،

در حالی که سازماندهی و اجرای عدالت در هر کشوری باید الهام گرفته از این اصول باشد و

باید برای تبدیل کامل آنها به واقعیت تلاش شود،

در حالی که دادستان‌ها نقشی مهم را در اجرای عدالت ایفا می‌کنند و قوانین مربوط به اجرای مسئولیت‌های مهم آنان باید رعایت و انطباق با اصول فوق‌الذکر را ارتقا دهند، لذا آنها باید به اجرای منصفانه و عادلانه حقوق کیفری و حمایت کارآمد شهروندان در برابر جرم کمک کنند،

در حالی که باید تضمین گردد دادستان‌ها دارای صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز برای اجرای وظایفشان از طریق روش‌های استخدام و آموزش حرفه‌ای و قانون و از طریق تأمین تمامی امکانات لازم برای ایفای مناسب نقششان در مبارزه با جرم به ویژه شکل‌ها و ابعاد جدید آن باشند،

در حالی که مجمع عمومی در قطعنامه ۳۴/۱۶۹ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، مقررات مأموران انتظامی را به پیشنهاد کنگره پنجم ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و برخورد با بزه‌کاران تصویب کرد،

در حالی که ششمین کنگره ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم و برخورد با بزه‌کاران، طبق قطعنامه شماره ۱۶ خود، از کمیته کنترل و پیشگیری از جرم درخواست نمود تا در میان اولویت‌هایش، تنویر راه‌کارهای مرتبط با استقلال قضات و انتخاب، آموزش حرفه‌ای و جایگاه قضات و دادستان‌ها را بگنجاند،

در حالی که کنگره هفتم پیشگیری از جرم و برخورد با بزه‌کاران سازمان ملل متحد، اصول پایه در خصوص استقلال قوه قضاییه را تصویب کرد که متعاقباً در قطعنامه‌های ۴۰/۳۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ و ۴۰/۱۴۶ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی تصویب شدند،

در حالی که بیانیة اصول پایه عدالت بر قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، تدابیری را توصیه می‌کند که باید در سطوح ملی و بین‌المللی برای افزایش دسترسی به رفتاری منصفانه و عادلانه، اعاده حیثیت، پرداخت غرامت و کمک به قربانیان جرایم اتخاذ شوند،

در حالی که در قطعنامه شماره ۷ کنگره هفتم، درخواست شد تا نیاز به راه‌کارهای مرتبط با انتخاب، آموزش حرفه‌ای و جایگاه دادستان‌ها، وظایف و فعالیت قابل انتظار آنها، ابزار ارتقای کمک آنها به عملکرد یکنواخت سیستم حقوق کیفری و همکاری آنها با پلیس، گستره اختیارات قانونی آنها و نقش آنها در رویه‌های کیفری و گزارش مراتب به کنگره‌های آتی سازمان ملل متحد مد نظر قرار بگیرند،

اصول پایه نقش وکلا که در ادامه آمده، برای کمک به دول عضو در قبال وظیفه آنها برای ارتقا و تضمین نقش مناسب دادستان‌ها تدوین شده‌اند و باید دولتها در چارچوب قوانین و روش‌های ملی خود آنها را رعایت کرده و مد نظر قرار دهند و باید مورد توجه دادستان‌ها و دیگر افراد همچون قضات، وکلا، اعضای قوه‌های

مجریه و مقننه و عموم مردم قرار بگیرند. این اصول راهنما باید در صورت تناسب، اساساً با در نظر گرفتن دادستان‌ها عمومی تدوین شوند اما به شکلی برابر برای دادستان‌هایی که به صورت ویژه منصوب می‌شوند، نیز کاربرد دارند.

صلاحیت‌ها، انتخاب و آموزش

۱. افراد انتخاب شده به عنوان دادستان باید افرادی صادق و توانمند با آموزش و صلاحیت‌های مناسب باشند.

۲. دولت‌ها باید تضمین نمایند که:

(الف) معیارهای انتخاب دادستان‌ها دربرگیرنده مصونیت در برابر جانبداری یا تعصب و جدا از هر گونه تبعیضی علیه فرد بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، افکار سیاسی یا دیگر تفکرات، منشأ ملی یا اجتماعی یا قومی، تولد یا جایگاه اقتصادی یا غیره است اما این شرط که داوطلب کار در دفتر دادستان باید دارای ملیت کشور متبوع باشد، نباید تبعیض تلقی شود.

(ب) دادستان‌ها دارای آموزش و تحصیلات مناسب باشند و از ایده‌آل‌ها و وظایف اخلاقی شغلی، حمایت‌های ساختاری و قانونی در قبال حقوق مظنونین و قربانیان و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شناخته شده توسط قوانین ملی و بین‌المللی آگاه باشند.

جایگاه و شرایط خدمت

۳. دادستان‌ها باید در تمامی اوقات، صداقت و شأن حرفه خود را به عنوان عاملان ضروری اجرای عدالت حفظ کنند.

۴. دولت‌ها باید تضمین نمایند که دادستان‌ها قادر باشند تا تمامی وظایف حرفه‌ای خود را بدون ارباب، مزاحمت، خشونت یا مداخله نامناسب یا قرار گرفتن غیرموجه در معرض تعهدات مدنی، کیفری یا غیره انجام دهند.

۵. دادستان‌ها و خانواده‌هایشان باید به لحاظ فیزیکی توسط مراجع ذیربط در زمانی که امنیت فردی آنها در نتیجه انجام وظایف دادستانی به خطر می‌افتد، حمایت شوند.

۶. شرایط معقول خدمت دادستان‌ها، حقوق کافی و در صورت امکان مزایا، مستمري و سن بازنشستگی باید در قانون یا قوانین و مقررات منتشر شده تعیین گردد.

۷. ارتقای دادستان‌ها، هر گاه که چنین سیستمی وجود داشته باشد، باید مبتنی بر عوامل عینی به ویژه صلاحیت‌های حرفه‌ای، توانایی، صداقت و تجربه باشد و طبق رویه‌های عادلانه و بی‌طرفانه پیرامون آن تصمیم‌گیری شود.

آزادی بیان و ارتباط

۸. دادستان‌ها همانند دیگر شهروندان از آزادی بیان، عقیده، ارتباط و تجمع برخوردارند. مشخصاً آنها حق دارند تا در

مباحث عمومي در قبال قانون، اجراي عدالت و ارتقا و حفظ حقوق بشر شرکت کنند و اقدام به ايجاد يا پيوستن به سازمانهاي محلي، ملي و بينالمللي نمايند و در جلسات آنها شرکت کنند بدون اين که به دليل اقدامات قانوني يا عضويت در يك سازمان قانوني، با محدوديتهاي حرفه اي مواجه شوند. در اجراي اين حقوق، دادستانها بايد همواره منطبق با قوانين و استانداردها و اصول اخلاقي شناخته شده حرفه خويش عمل کنند.

۹. دادستانها بايد آزادانه اقدام به ايجاد يا پيوستن به انجمنهاي حرفه اي يا ديگر سازمانهاي نمايند که در راستاي منافع آنها هستند، آموزش حرفه اي آنها را توسعه مي دهند و جا يگاه آنان را حفظ مي کنند.

ايفاي نقش در دادرسي هاي کيفري

۱۰. دفتر دادستاني بايد کاملاً مجزا از وظائف قضايي آنها باشد.

۱۱. دادستانها بايد نقشي فعال را در دادرسي هاي کيفري ايفا نمايند از جمله انجام پيگيرد قضايي و در جايي که توسط قانون مجاز شمرده شده يا متناسب با رويه داخلي است، اقدام به تحقيق درباره جرم، نظارت بر قانوني بودن اين تحقيقات، نظارت بر

اجرای تصمیمات دادگاه و انجام سایر وظایف
به عنوان نمایندگان منافع عمومی نمایند.

۱۲. دادستان‌ها باید طبق قانون، وظایفشان
را به شکلی منصفانه، دقیق و سریع انجام
دهند و شأن انسان را رعایت و حفظ کرده
و حقوق بشر را رعایت کنند و بنابراین به
تضمین فرآیند دادرسی و عملکرد سیستم حقوق
کیفری کمک کنند.

۱۳. دادستان‌ها باید در انجام وظایفشان:

(الف) وظایف خود را به شکلی بی‌طرفانه انجام
دهند و از هر گونه تبعیض سیاسی، اجتماعی،
مذهبی، نژادی، فرهنگی، جنسی یا غیره پرهیز
کنند؛

(ب) منافع عمومی را حفظ کنند، به شکلی
هدفمند عمل کنند، موضع مناسبی در قبال افراد
مظنون و قربانی اختیار کنند و به تمامی
شرایط فارغ از این که آیا به نفع یا به ضرر
مظنون هستند، توجه نمایند؛

(ج) تمام آنچه را در اختیار دارند محرمانه
تلقی کنند مگر این که انجام وظایفشان یا
نیازهای حقوق کیفری، رویه دیگری را الزامی
ساخته باشد؛

(د) نگرش‌ها و نگرانی‌های قربانیان را به
هنگامی که منافع شخصی آنها تحت تأثیر قرار
گرفته، مد نظر قرار دهند و تضمین نمایند که
قربانیان از حقوقشان طبق اعلامیه ی اصول

پایه عدالت در زمینه ی قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت آگاه شده باشند.

۱۴. چنانچه تحقیقات بیطرفانه نشان دهند که هیچ اتهامی اثبات نشده، دادستان‌ها نباید اقدام به آغاز یا استمرار پیگرد قضایی نمایند یا تلاش کنند تا دادرسی ادامه یابد.

۱۵. دادستان‌ها باید به پیگرد قضایی جرایم ارتکاب شده توسط مقامات دولت به ویژه فساد، سوءاستفاده از قدرت، نقض شدید حقوق بشر و دیگر جرایم شناخته شده در قوانین بین‌المللی توجه کافی مبذول نمایند و در جایی که قانون مجاز شمرده یا منطبق با رویه داخلی است، اقدام به تحقیق درباره نقض قوانین مزبور نمایند.

۱۶. در مواردی که دادستان‌ها به شواهدی علیه مظنونین دست می‌یابند که بر اساس معیارهای منطقی می‌دانند یا اعتقاد دارند که دلایل موصوف از طریق توسل به روش‌های غیرقانونی اخذ شده‌اند و نقض شدید حقوق انسانی مظنون به ویژه مجازات شکنجه، برخورد تحقیرکننده یا غیر انسانی یا دیگر سوءاستفاده از حقوق بشر صورت پذیرفته، باید از پذیرش چنین شواهدی علیه هر فردی به غیر از آنانی که از این روش‌ها استفاده کرده‌اند سر باز زنند یا متعاقباً دادگاه را مطلع سازند و باید اقدامات لازم را

برای تضمین این موضوع اتخاذ نمایند که افراد مسئول استفاده از چنین روش‌هایی باید به دادگاه معرفی شوند.

وظایف صلاحیدی

۱۷. در کشورهای که دادستان‌ها دارای وظایف صلاحیدی هستند، قانون یا مقررات باید راهکارهایی را برای ارتقای عدالت و انسجام این رویکرد در اتخاذ تصمیمات مربوط به فرآیند پیگرد قضایی از جمله انجام یا منع پیگرد قضایی ارائه کنند.

جایگزین‌های پیگرد قضایی

۱۸. طبق قانون ملی، دادستان‌ها باید توجه دقیقی به فسخ پیگرد قضایی، جایگزین‌های مشروط و نامشروط یا قضا‌دایی پرونده‌های کیفری از سیستم رسمی قضایی با احترام کامل به حقوق مظنونین و قربانیان مبذول نمایند. در راستای این هدف، دولت‌ها باید احتمال تصویب طرح‌های قضا‌دایی را نه تنها برای کاهش حجم کار فزاینده دادگاه‌ها بلکه برای پرهیز از حبس پیش از محاکمه، صدور کیفرخواست و محکومیت، و همچنین اثرات معکوس احتمالی محکومیت زندان مد نظر قرار دهند.

۱۹. در کشورهای که دادستان‌ها دارای وظایف صلاحیدی برای تصمیم‌گیری در خصوص پیگرد یا عدم پیگرد جوانان هستند، ملاحظات ویژه‌ای باید به ماهیت و شدت بزه، مصونیت جامعه و پیشینه فرد مبذول گردد.

در اتخاذ تصمیمات، دادستان‌ها باید مشخصاً جایگزین‌های موجود برای پیگرد قضایی را طبق قوانین و رویه‌های متناسب کیفری جوانان مد نظر قرار دهند. دادستان باید بیشترین تلاش خود را برای اتخاذ اقدامات پیگرد قضایی علیه جوانان تنها به میزان لازم انجام دهند.

ارتباط با دیگر مؤسسات و نهادهای دولتی

۲۰. به منظور تضمین عدالت و اثربخشی پیگرد قضایی، دادستان‌ها باید تلاش کنند تا با پلیس، دادگاه‌ها، متخصصان قضایی، وکلای مدافع و دیگر نهادها و مؤسسات دولتی همکاری کنند.

روشهای انضباطی

۲۱. تخلفات انضباطی دادستان‌ها باید مبتنی بر قانون یا مقررات قانونی باشند. شکایات علیه دادستان‌ها که به آنها اتهام عمل کردن در خارج از دامنه استانداردهای حرفه‌ای را وارد می‌کنند، باید به سرعت و منصفانه تحت رویه‌های مناسب بررسی شوند. دادستان‌ها از حق یک استماعیه منصفانه برخوردار هستند. این تصمیم باید موضوع یک ارزیابی مستقل باشد.

۲۲. دادرسی‌های انضباطی علیه دادستان‌ها باید یک ارزیابی و تصمیم هدفمند را تضمین

کنند. آنها باید طبق قانون، آیین‌نامه‌های حرفه‌ای و دیگر استانداردها و اصول اخلاقی و در پرتو راهکارهای حاضر تعیین شوند.

نظارت بر راهکارها

دادستان‌ها باید راهکارهای حاضر را رعایت کنند. آنها باید با حداکثر توان خویش، فعالانه با هر گونه موارد نقض این راهکارها مخالفت کرده و از آن پیشگیری نمایند.

۲۳. دادستان‌هایی که به دلایلی بر این باور هستند که نقض راهکارهای حاضر رخ داده یا در شرف رخ دادن است، باید موضوع را به مقامات مافوق و در صورت لزوم به مراجع مناسب یا نهادهایی که دارای اختیارات ارزیابی و اصلاحی هستند، گزارش نمایند.

۵۴. مقررات بین‌المللی مأموران دولت

۱. اصول عمومی

۱. يك مأمور دولت که طبق قانون ملی تعریف می‌شود، دارای يك جایگاه قابل اعتماد است و وظیفه دارد در راستای منافع عمومی عمل کند. بنابراین، وفاداری غایی مأموران دولت به منافع عمومی کشورشان باید از طریق مؤسسات دموکراتیک دولتی به اجرا درآید.

۲. مأموران دولت باید تضمین نمایند که وظایف خود را به شکلی کارآمد، اثربخش و صادقانه طبق قوانین یا سیاست‌های اجرایی

انجام می‌دهند. آنها باید در تمامی اوقات به دنبال تضمین آن باشند که منابع دولتی که در قبال آنها مسئولیت دارند، به کارآمدترین و اثربخشترین شکل ممکن اداره شوند.

۳. مأموران دولت باید در انجام وظایفشان و به ویژه ارتباطات خود با عموم مردم، دقیق، منصف و بیطرف باشند. آنها نباید در هیچ زمانی اقدام به رفتاری نامناسب نسبت به هر گروه یا هر فردی نمایند یا به شکلی نامناسب نسبت به یک گروه یا یک فرد با تبعیض عمل کنند یا از قدرت و اختیارات اعطا شده به آنها، سوءاستفاده کنند.

۲. تضاد منافع و عدم صلاحیت

۴. مأموران دولت نباید از اختیارات رسمی خود برای پیشبرد نامناسب منافع مالی یا فردی خود یا خانواده‌شان استفاده کنند. آنها نباید درگیر هیچ معامله‌ای شوند، هیچ سمت یا وظیفه‌ای را بپذیرند یا دارای منافع مالی، تجاری یا غیره باشند که ناسازگار با سازمان، وظایف و کارهای آنها است.

۵. مقامات دولتی تا جایی که سمت آنها ملزم می‌سازد، باید طبق قوانین یا سیاست‌های اجرایی، منافع کاری، تجاری یا مالی یا فعالیت‌های انجام شده یا سود مالی که ممکن است باعث تضاد احتمالی منافع گردند را

اعلام نمایند. در شرایط تضاد احتمالی یا تصور شده منافع میان وظایف و منافع خصوصی مقامات دولتی، آنها باید معیارهای تعیین شده برای کاهش یا ریشه‌کنی این نوع تضاد منافع را رعایت کنند.

۶. مأموران دولت نباید در هیچ زمانی از پول، اموال، خدمات یا اطلاعات دولتی که در راستای انجام وظایف رسمی خود یا در نتیجه آن به دست می‌آورند برای فعالیت‌هایی استفاده کنند که ارتباطی با کار رسمی آنان ندارد.

۷. مأموران دولت باید معیارهای تعیین شده بر اساس قانون یا سیاست‌های اجرایی را رعایت کنند تا بعد از ترک سمت رسمی خود، به شکلی نامناسب از سمت قبلی خود منتفع نشوند.

۳. افشا دارایی‌ها

۸. مأموران دولت باید طبق سمت خود و آنچه که توسط قانون و سیاست‌های اجرایی مجاز یا ملزم شناخته شده، شرایط اعلام یا انتشار دارایی‌ها و دیون خودشان و همچنین، در صورت امکان، همسر یا افراد تحت تکفل خویش را به اجرا درآورند.

۴. پذیرش هدایا یا دیگر الطاف

۹. مأموران دولت نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم هیچ هدیه یا لطف دیگری که ممکن است بر انجام وظایف یا مسئولیتها یا قضاوت‌هایشان تأثیرگذار باشد را بپذیرند.

۵. اطلاعات محرمانه

۱۰. موضوعاتی که دارای ماهیت محرمانه بوده و در اختیار مأموران دولت هستند باید محرمانه حفظ شوند مگر این که قانون ملی، انجام وظیفه یا نیازهای قانونی، رویه دیگری را الزامی سازند. چنین محدودیت‌هایی باید پس از جدایی از خدمت نیز اعمال شوند.

۶. فعالیت سیاسی

۱۱. فعالیت سیاسی یا دیگر فعالیت‌های مأموران دولت در خارج از حوزه سازمانی آنها نباید طبق قوانین و سیاست‌های اجرایی باعث خدشه دار شدن اعتماد عمومی به انجام بی‌طرفانه وظایف و مسئولیت‌هایی شوند.

۵۵. اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد علیه جرم و ارتشا در معاملات تجاری بین‌المللی

مجمع عمومی :

اعتقاد دارد که یک محیط ثابت و شفاف برای معاملات تجاری بین‌المللی در تمامی کشورها برای بسیج سرمایه، منابع مالی، فن‌آوری، مهارت‌ها و

دیگر منابع مهم در مرزهای ملی جهت ارتقای پیشرفت سیاسی و اجتماعی و حفظ محیط زیست، در میان دیگر موضوعات، الزامی است.

نیاز به ارتقای مسئولیت اجتماعی و استانداردهای مناسب اخلاقی از جانب شرکتهای خصوصی و دولتی از جمله شرکتهای چندملیتی و افراد درگیر در معاملات تجارت بینالملل، از طریق رعایت قوانین و مقررات کشورهای که در آنها مشغول انجام کسب و کار هستند و در نظر گرفتن تأثیر فعالیتهایشان بر توسعه اقتصادی و اجتماعی و حفظ محیط زیست را تأیید مینماید،

همچنین تأیید مینماید که تلاشهای اثربخش در تمامی سطوح برای مبارزه و پرهیز از فساد و ارتشا در تمامی کشورها، عناصر الزامی یک محیط کسب و کار بینالمللی پیشرفته هستند، این تلاشها باید عدالت و قدرت رقابت را در معاملات تجاری بینالمللی تقویت کرده و بخش مهمی از ارتقای حاکمیت شفاف و مسئولیتپذیر، توسعه اقتصادی و اجتماعی و حفظ محیط زیست را در تمامی کشورها دهند و چنین تلاشهایی مشخصاً بر اقتصاد بینالمللی جهانی شده که به شدت رقابتی است، فشار میآورند.

رسماً اعلام میکند اعلامیه ی سازمان ملل متحد علیه فساد و ارتشا در معاملات تجاری بینالمللی به شرح زیر تدوین شده است :

دول عضو به صورت فردي و از طريق سازمان‌هاي بين‌المللي و منطقه‌اي، طبق قانون اساسي خود و اصول قانوني اساسي و در راستاي قوانين و رويکردهاي ملي دست به اقدام زده و خودشان را نسبت به اين موارد متعهد مي‌سازند:

۱. اتخاذ اقدام اثربخش و قاطع براي مبارزه با تمامي انواع فساد، ارتشا و روش‌هاي غيرقانوني مرتبط در معاملات تجاري بين‌المللي به ويژه براي پيگيري اجراي اثربخش قوانين موجود که ارتشا را در معاملات تجاري بين‌المللي ممنوع مي‌سازند، ترغيب به تصويب قوانين براي آن دسته اهدافي که وجود ندارند، و درخواست از شرکتهاي خصوصي و دولتي از جمله شرکتهاي چندمليتي و افراد حاضر در حوزه قضايي معاملات تجاري بين‌المللي براي ارتقاي اهداف اعلاميه ي حاضر؛

۲. جرم دانستن ارتشاي از مأموران دولتي خارجي به شكلي اثربخش و هماهنگ و البته بدون مانع شدن، جلوگيري کردن يا به تأخير انداختن اقدامات بين‌المللي، منطقه‌اي يا ملي براي پيگيري اجراي اعلاميه ي حاضر؛

۳. ارتشا مي‌تواند در ميان ساير موضوعات، شامل عناصر زير باشد:

(الف) پيشنهاد، وعده يا هر گونه پرداخت، هديه يا امتيازي ديگر به صورت مستقيم يا غيرمستقيم توسط يك شركت خصوصي يا دولتي از جمله يك شركت چندمليتي يا فردي از يك دولت به يك مأمور دولتي يا نماينده منتخب کشور ديگر به صورتي نامناسب براي اجرا يا جلوگيري از اجراي وظايف آن مأمور يا نماينده در ارتباط يك معامله تجاري بين‌المللي؛

(ب) درخواست، تقاضا، پذيرش يا دريافت مستقيم يا غيرمستقيم نامناسب يك مأمور دولت يا نماينده منتخب يك دولت از يك شركت خصوصي يا دولتي از جمله يك شركت چندمليتي يا فردي از کشوري ديگر براي هر گونه پرداخت، هديه يا مزيتي ديگر براي اجرا يا جلوگيري از اجراي وظايف آن مأمور يا نماينده در ارتباط يك معامله تجاري بين‌المللي؛

۴. در تمامي کشورهاي قبلأ چنين عمل نمي‌کرده‌اند، رد معافيت مالياتي رشوه‌هاي پرداخت شده توسط يك شركت خصوصي يا دولتي يا يك فرد در يك کشور به مقام دولتي يا نماينده منتخب کشوري ديگر و در اين راستا، بررسي خصوصيات متمايز انجام اين کار؛

۵. توسعه يا حفظ استانداردها و روش‌هاي حسابداري که شفافيت معاملات تجاري بين‌المللي

را افزایش می‌دهند و شرکتهای خصوصی و دولتی از جمله شرکتهای چندملیتی و افراد درگیر در معاملات تجاری بین‌المللی را ترغیب می‌کنند تا از فساد، ارتشا و روشهای غیرقانونی مرتبط پرهیز کرده و با آنها مبارزه کنند؛

۶. در صورت تناسب، توسعه یا ترغیب قوانین، استانداردها یا بهترین روشهای کسب و کار که مانع از فساد، ارتشا و روشهای غیرقانونی مرتبط در معاملات تجاری بین‌المللی می‌گردند؛

۷. ارزیابی ایجاد ثروت غیرقانونی مأموران دولتی یا نمایندگان منتخب به عنوان تخلف؛

۸. همکاری و رایة بهترین مساعدت ممکن به یکدیگر در ارتباط با تحقیقات جنایی و دیگر روشهای حقوقی در قبال فساد و ارتشا در معاملات تجاری بین‌المللی تا آنجا که قانون ملی اجازه می‌دهد یا برای معاهدات دوجانبه یا دیگر مفاد قابل اعمال در کشورهای متأثر تعیین شده، معاضدت متقابل باید گنجانده شود و نیاز به محرمانه تلقی شدن موارد زیر مد نظر قرار بگیرد:

(الف) تهیه اسناد و دیگر اطلاعات، اخذ شواهد و اسناد مرتبط با تحقیقات کیفری و دیگر رویه‌های قضایی؛

(ب) اعلان آغاز و برآیند روشهای قضایی در قبال ارتشا در معاملات تجاری بین‌المللی به دیگر دولتهایی که ممکن است دارای صلاحیت قضایی در قبال همان تخلف باشند؛

(ج) روشهای استرداد در هر زمان و مکانی که مناسب هستند؛

۹. اتخاذ اقدام مناسب برای تقویت همکاری‌ها جهت تسهیل در دسترسی به اسناد و سوابق مربوط به معاملات و هویت افراد درگیر در ارتشا در معاملات تجاری بین‌المللی؛

۱۰. تضمین این امر که خدمات محرمانه بانکی مانع یا سدی در برابر تحقیقات کیفری یا دیگر روشهای قضایی مرتبط با فساد، ارتشا یا روشهای غیرقانونی مرتبط در معاملات تجاری بین‌المللی نباشند و همکاری کامل با دولتهایی که به دنبال اطلاعات مربوط به چنین معاملاتی هستند، صورت بگیرد.

۱۱. اقدامات اتخاذ شده در راستای پیگیری بیانیة حاضر باید به طور کامل حق حاکمیت ملی و حوزه قضایی ارضی دول عضو و همچنین حقوق و تعهدات دول عضو تحت معاهدات موجود و حقوق بین‌الملل را رعایت کنند و باید منطبق با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد؛

۱۲. دول عضو موافقت مي‌نمایند اقدامات اتخاذ شده توسط آنها براي ايجاد صلاحيت قضايي در قبال اقدامات ارتشاي مأموران دول خارجي در معاملات تجاري بين‌المللي بايد منطبق با اصول حقوق بين‌الملل پيرامون اعمال فرا ارضي قوانين يك دولت باشند.